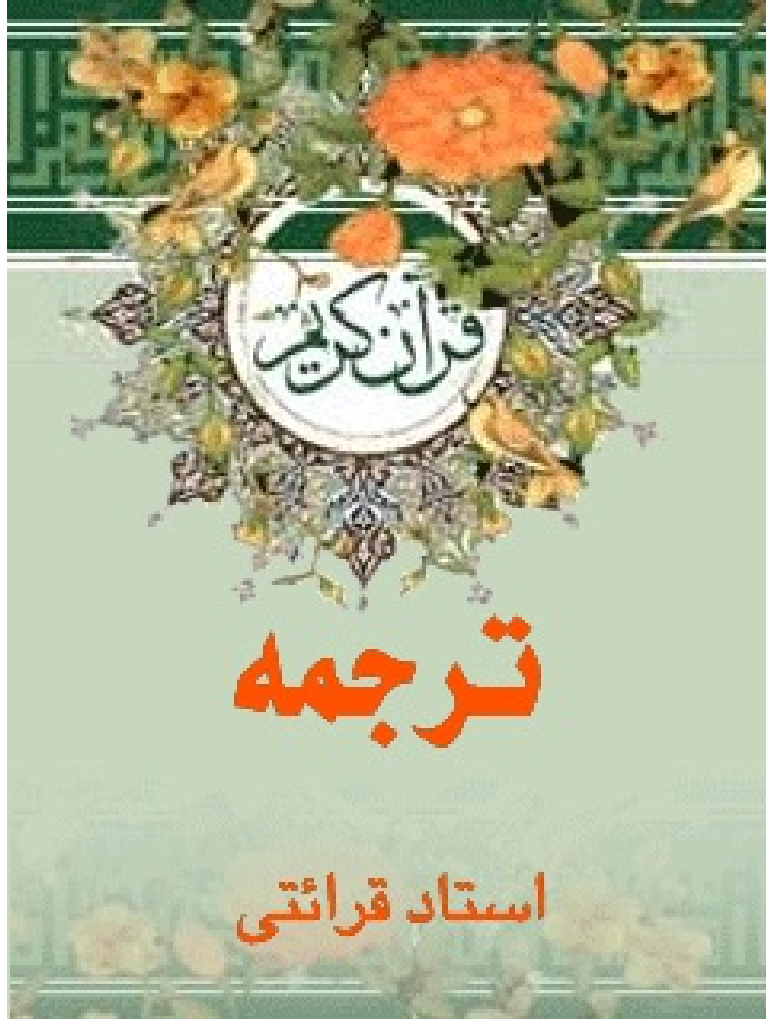


سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه قرآن کریم استاد قرائتی

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	ترجمه قرآن کریم استاد قرائتی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	الفاتحه
۱۰	البقره
۲۷	آل عمران
۳۷	النساء
۴۸	المائدة
۵۶	الأَنْعَام
۶۵	الأَعْرَاف
۷۵	الأنفال
۷۹	التوبة
۸۶	يونس
۹۱	هود
۹۷	يوسف
۱۰۲	الرعد
۱۰۵	إبراهيم
۱۰۷	الحجر
۱۰۹	النحل
۱۱۵	الإسراء
۱۱۹	الكهف
۱۲۴	مريم
۱۲۶	طه

۱۳۱	الأنبياء
۱۳۵	الحج
۱۳۸	المؤمنون
۱۴۲	النور
۱۴۵	الفرقان
۱۴۸	الشعراء
۱۵۲	النمل
۱۵۶	القصص
۱۶۰	العنكبوت
۱۶۳	الروم
۱۶۵	لقمان
۱۶۷	السجدة
۱۶۸	الأحزاب
۱۷۱	سبأ
۱۷۴	فاطر
۱۷۶	يس
۱۷۸	الصفات
۱۸۱	ص
۱۸۴	الزمر
۱۸۷	غافر
۱۹۱	فصلت
۱۹۳	الشورى
۱۹۵	الزخرف
۱۹۸	الدخان

۱۹۹	الجائیه
۲۰۰	الأحقاف
۲۰۲	محمد
۲۰۴	الفتح
۲۰۶	الحجرات
۲۰۷	ق
۲۰۸	الذاریات
۲۰۹	الطور
۲۱۰	النجم
۲۱۱	القمر
۲۱۲	الرحمن
۲۱۴	الواقعه
۲۱۵	الحدید
۲۱۷	المجادله
۲۱۸	الحشر
۲۱۹	المتحنه
۲۲۰	الصف
۲۲۱	الجمعه
۲۲۱	المنافقون
۲۲۲	التغابن
۲۲۳	الطلاق
۲۲۴	التحریم
۲۲۵	الملک
۲۲۵	القلم

۲۲۶	الحاقه
۲۲۷	المعارج
۲۲۸	نوح
۲۲۹	الجن
۲۲۹	المزمل
۲۳۰	المدثر
۲۳۱	القيامة
۲۳۱	الإنسان
۲۳۲	المرسلات
۲۳۳	النبأ
۲۳۳	النازعات
۲۳۴	عبس
۲۳۵	التكوير
۲۳۵	الانفطار
۲۳۵	المطففين
۲۳۶	الانشقاق
۲۳۶	البروج
۲۳۷	الطارق
۲۳۷	الأعلى
۲۳۷	الغاشية
۲۳۸	الفجر
۲۳۸	البلد
۲۳۸	الشمس
۲۳۹	الليل

۲۳۹	الضحى
۲۳۹	الشرح
۲۳۹	التين
۲۴۰	العلق
۲۴۰	القدر
۲۴۰	البينة
۲۴۰	الزلزلة
۲۴۱	العاديات
۲۴۱	القارعة
۲۴۱	التكاثر
۲۴۱	العصر
۲۴۱	الهمزة
۲۴۱	الفيل
۲۴۲	قريش
۲۴۲	الماعون
۲۴۲	الكوثر
۲۴۲	الكافرون
۲۴۲	النصر
۲۴۲	المسد
۲۴۲	الإخلاص
۲۴۳	الفلق
۲۴۳	الناس

ترجمه قرآن کریم استاد قرائتی

مشخصات کتاب

سرشناسه: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ - عنوان و نام پدیدآور: ترجمه قرآن کریم / قرائتی وضعیت نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ مشخصات ظاهری: ۱ نوار کاست^۱ (۶۰): مونو توصیفگر: قرآن کریم توصیفگر: ترجمه قرآن

الفاتحه

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۲) (خدایی که) بخشنده و مهربان است. (۳) (خدایی که) مالک روز جزاست. (۴) (خدایا) تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. (۵) (خداوند!) ما را به راه راست هدایت فرما. (۶) (خداوند!) ما را به) راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی، (هدایت کن) نه غضب شدگان و نه گمراهان! (۷)

البقره

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) الف، لام، میم، (۲) آن کتاب (با عظمت که) در (حقانیت) آن هیچ تردیدی راه ندارد، راهنمای پرهیزگاران است. (۳) (متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۴) و آنان به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران) نازل گردیده، ایمان دارند و هم آنان به آخرت (نیز) یقین دارند. (۵) تنها آنان از جانب پروردگارشان بر هدایتند و آنان همان رستگاران هستند. (۶) همانا کسانی که کفر ورزیده اند، برای آنها یکسان است که هشدارشان دهی یا هشدارشان ندهی. آنها ایمان نخواهند آورد. (۷) خداوند بر دلها و بر گوش آنان مهر زده است و در برابر چشمانشان پرده ای است و برای آنان عذابی بزرگ است. (۸) و گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم، در حالی که مؤمن نیستند. (۹) (منافقان به پندار خود) با خداوند و مؤمنان نیرنگ می کنند در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند، اما نمی فهمند! (۱۰) در دلهای منافقان، بیماری است پس خداوند بیماری آنان را بیافزاید. و برای ایشان عذابی دردناک است، به سزای آنکه دروغ می گویند. (۱۱) هرگاه به آنان (منافقان) گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: همانا ما اصلا حکریم. (۱۲) آگاه باشید! همانا آنان خود اهل فسادند، ولی نمی فهمند. (۱۳) و چون به آنان گفته شود، شما نیز همانگونه که (سایر) مردم ایمان آورده اند ایمان آورید، (آنها با تکبر و غرور) گویند: آیا ما نیز همانند ساده اندیشان و سبک مغزان، ایمان بیاوریم؟! آگاه باشید! آنان خود بی خوردند، ولی نمی دانند. (۱۴) و چون با اهل ایمان ملاقات کنند گویند: ما (نیز همانند شما) ایمان آورده ایم. ولی هرگاه با (هم فکران) شیطان صفت خود خلوت کنند، می گویند: ما با شما هستیم، ما فقط (اهل ایمان را) مسخره می کنیم. (۱۵) خداوند آنان را به استهزا می گیرد و آنان را در طغیانشان مهلت می دهد تا سرگردان شوند. (۱۶) آنان کسانی هستند که به بهای (از دست دادن) هدایت، خریدار ضلالت و گمراهی شدند. اما این داد و ستد، سودشان نبخشید و در شمار هدایت یافتگان در نیامدند. (و یا به اهداف خود راهی نیافتند.) (۱۷) مثل آنان (منافقان)، مثل آن کسی است که آتشی افروخته، پس چون آتش اطراف خود را روشن ساخت، خداوند روشنائی و نورشان را ببرد و آنان را در تاریکی هایی که (هیچ) نمی بینند، رهایشان کند. (۱۸) آنان (از شنیدن حق) کر و (از گفتن حق) گنگ و (از دیدن حق) کورند، پس ایشان (بسوی حق) باز نمی گردند. (۱۹) یا

چون (گرفتاران در) بارانی تند از آسمانند که در آن، تاریکی‌ها و رعد و برقی است که از ترس صاعقه‌ها و بیم مرگ، انگشتان خود را در گوشه‌هایشان قرار می‌دهند. و (لی) خداوند بر کافران احاطه دارد. (۲۰) نزدیک است که برق، نور چشمانشان را برباید. هرگاه که (برق آسمان در آن صحرای تاریک و بارانی) برای آنان بدرخشد، در آن حرکت کنند، ولی همین که تاریکی، ایشان را فرا گرفت بایستند. و اگر خداوند بخواهد، شنوایی و بینایی آنان را (از بین) می‌برد، همانا خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۱) ای مردم! پروردگارتان که شما و پیشینیان شما را آفرید، پرستش کنید تا اهل تقوا شوید. (۲۲) آن (خداوندی) که زمین را برای شما فرشی (گسترده) و آسمان را بنایی (افراشته) قرار داد و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به آن از میوه‌ها، روزی برای شما بیرون آورد، پس برای خداوند شریکو همتایی قرار ندهید با آنکه خودتان می‌دانید (که هیچ یک از شرکا و بت‌ها، نه شما را آفریده‌اند و نه روزی می‌دهند و اینها فقط کار خداست.) (۲۳) و اگر در آنچه بر بنده‌ی خود (از قرآن) نازل کرده‌ایم، شک دارید، اگر راست می‌گویید (لااقل) یک سوره همانند آن را بیاورید و گواهان خود را غیر از خداوند بر این کار دعوت کنید. (۲۴) پس اگر این کار را نکردید، که هرگز نتوانید کرد، از آتشی که هیزمش مردم (گناه‌کار) و سنگ‌ها هستند و برای کافران مهیا شده، بپرهیزید. (۲۵) و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده بده که برایشان باغهایی است که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، هرگاه میوه‌ای از آن (باغها) به آنان روزی شود، گویند: این همان است که قبلاً نیز روزی ما بوده، در حالی که همانند آن نعمت‌ها به ایشان داده شده است (نخود آنها) و برای آنان در بهشت همسرانی پاک و پاکیزه است و در آنجا جاودانه‌اند. (۲۶) همانا خداوند از اینکه به پشه‌ای (یا فروتر) یا بالاتر از آن مثال بزند شرم ندارد، پس آنهایی که ایمان دارند می‌دانند که آن (مثال) از طرف پروردگارشان به حق است، ولی کسانی که کفر ورزیدند گویند: خداوند از این مثل چه منظوری داشته است؟ (آری،) خداوند بسیاری را بدان (مثال) گمراه و بسیاری را بدان هدایت می‌فرماید. (اما آگاه باشید که) خداوند جز افراد فاسق را بدان گمراه نمی‌کند. (۲۷) (فاسقان) کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم بستند می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می‌نمایند، و در زمین فساد می‌کنند، قطعاً آنان زیان‌کارانند. (۲۸) چگونه به خداوند کافر می‌شوید، درحالی که شما (اجسام بی‌روح و) مردگانی بودید که او شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند و بار دیگر شما را زنده می‌کند، سپس به سوی او باز گردانده می‌شوید. (۲۹) اوست آن کس که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفریده، سپس به آفرینش آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان، استوار نمود و او بر هر چیزی آگاه است. (۳۰) و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خون‌ها بریزد؟ در حالی که ما با حمد و ستایش تو، ترا تنزیه و تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود: همانا من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۱) و خداوند همه‌ی اسماء (حقائق و اسرار هستی) را به آدم آموخت، سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید؟ (۳۲) فرشتگان گفتند: پروردگارا! تو پاکو منزهی، ما چیزی جز آنچه تو به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم، همانا تو دانای حکیمی. (۳۳) (خداوند) فرمود: ای آدم فرشتگان را از نام‌های آنان خبر ده. پس چون آدم آنها را از نام‌هایشان خبر داد، خداوند فرمود: که آیا به شما نگفتم که اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید (نیز) می‌دانم. (۳۴) و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر کرد، و از کافران گردید. (۳۵) و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در این باغ سکونت کن و از (هر کجای) آن هر چه می‌خواهید به فراوانی و گوارایی بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمگران خواهید شد. (۳۶) پس شیطان آن دو را به لغزش انداخت و آنان را از باغی که در آن بودند، خارج ساخت و (در این هنگام به آنها) گفتیم: فرود آید در حالی که بعضی شما دشمن برخی دیگر است و برای شما در زمین قرارگاه و تا وقتی معین بهره و برخوردار است. (۳۷) پس آدم از سوی پروردگارش کلماتی دریافت نمود، (و با آن کلمات توبه کرد،) پس خداوند لطف خود را بر او باز گرداند. همانا او توبه‌پذیر

مهربان است. (۳۸) گفتیم: همگی از آن (باغ به زمین) فرود آید، و آنگاه که هدایتی از طرف من برای شما آمد، پس هر که از هدایت من پیروی کند، نه بر ایشان بیمی است و نه غمگین خواهند شد. (۳۹) و (لی) کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنانند اهل دوزخ که همیشه در آن خواهند بود. (۴۰) ای فرزندان اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما ارزانی داشتم، به خاطر بیاورید و به پیمانم (که بسته‌اید) وفا کنید، تا من (نیز) به پیمان شما وفا کنم و تنها از من پروا داشته باشید. (۴۱) و به آنچه (از قرآن) نازل کردم، ایمان بیاورید که تصدیق می‌کند آنچه را (از تورات) با شماست. و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید و تنها از من پروا کنید. (۴۲) و حق را با باطل نپوشانید و حقیقت را با اینکه می‌دانید، کتمان نکنید. (۴۳) و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید. (۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان را فراموش می‌نمایید؟ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟ (۴۵) و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. (۴۶) (خاشعان) کسانی هستند که به (قیامت و) ملاقات (با حساب) پروردگارشان و بازگشت به او ایمان دارند. (۴۷) ای بنی اسرائیل! نعمتم را که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید و این که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم. (۴۸) و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی (از عذاب خدا) را از کسی دفع نمی‌کند و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی‌شود، و از کسی غرامت و بدلی گرفته نشود و یاری نخواهند شد. (۴۹) و (نیز به خاطر بیاورید) آن زمان که شما را از فرعونیان رهایی بخشیدیم، که همواره شما را به بدترین وجهی آزار می‌دادند، پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را زنده نگه می‌داشتند و در این امر، برای شما آزمایش بزرگ و سختی از طرف پروردگارتان بود. (۵۰) و (به خاطر بیاورید) هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را در حالی که شما تماشا می‌کردید، غرق کردیم. (۵۱) و (به خاطر بیاورید) هنگامی که با موسی چهل شب وعده گذاردیم و شما پس از (آمدن) او (به میقات)، گوساله را (معبود خود) گرفتید، در حالی که ستمکار بودید. (۵۲) آنگاه پس از آن (انحراف) از شما در گذشتیم تا شاید شکر (این نعمت را) به جای آرید. (۵۳) و (نیز بخاطر آورید) هنگامی که به موسی کتاب (تورات) و فرقان دادیم، تا شاید شما هدایت شوید. (۵۴) و (بخاطر بیاورید) زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما با (به پرستش) گرفتن گوساله، به خود ستم کردید. پس به سوی خالق خود توبه کرده و باز گردید و یکدیگر را به قتل برسانید، این کار برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است، پس خداوند توبه‌ی شما را پذیرفت، زیرا او توبه‌پذیر مهربان است. (۵۵) و (نیز بخاطر آورید) هنگامی که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خدا را آشکارا (به چشم خود) ببینیم، پس صاعقه (جان) شما را گرفت، در حالی که تماشا می‌کردید. (۵۶) سپس شما را پس از مرگتان (حیات بخشیدیم و) برانگیختیم، شاید شکر او را بجا آورید. (۵۷) و ابر را بر شما سایبان ساختیم و «من» و «سلوی» بر شما نازل کردیم (و گفتیم): از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی دادیم بخورید، ولی شما با بهانه‌جویی‌های خود، کفران نعمت کردید. بدانید که آنها به ما ستم نکردند، بلکه به خودشان ستم نمودند. (۵۸) و (به خاطر بیاورید) زمانی که گفتیم: وارد این قریه (بیت المقدس) شوید و از (نعمت‌های فراوان) آن، هر چه می‌خواهید با گوارایی بخورید و از در (معبد بیت المقدس) سجده‌کنان و خاشعانه وارد شوید و بگویید: «حَطَّةُ» (گناهان ما را بریز)، تا ما خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران، پاداشی افزون خواهیم داد. (۵۹) اما ستمگران (آن سخن را) به سخن دیگری غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود، تبدیل کردند (و به جای حَطَّة، به عنوان مسخره گفتند: حطه، یعنی گندم). پس ما بر آن ستمکاران به سزای گناهی که مرتکب می‌شدند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم. (۶۰) و (بخاطر بیاور) زمانی که موسی برای قوم خویش طلب آب کرد، به او گفتیم: عصای خود را به سنگ بزن، ناگاه دوازده چشمه‌ی آب از آن بشکافت و جوشید، (بطوری که) هر یک از افراد (طوائف دوازده گانه بنی اسرائیل) آبشخور خود را شناخت. (گفتیم): از روزی الهی بخورید و بیاشامید و در زمین، تبه‌کارانه فساد نکنید! (۶۱) و (نیز بخاطر آورید) زمانی که گفتید: ای موسی، ما هرگز یک نوع غذا را تحمل نمی‌کنیم، پس پروردگارت را بخوان تا از آنچه (به طور طبیعی از) زمین می‌رویند، از سبزی و خیار و سیر و عدسو پیازش، برای ما (نیز) برویند. موسی گفت: آیا

(غذای) پست تر را بجای نعمت بهتر می خواهید؟ (اکنون که چنین است بکوشید از این بیابان خارج شده و) وارد شهر شوید، که هر چه خواستید برای شما فراهم است. پس (مُهر) ذَلَّت و درماندگی، بر آنها زده شد و (مجدداً) گرفتار غضب پروردگار شدند. این بدان جهت بود که آنها به آیات الهی کفر می ورزیدند و پیامب ران رابه ناحق می کشتند، و این به سبب آن بود که آنان گنه کار و سرکش و متجاوز بودند. (۶۲) همانا کسانی که (به اسلام) ایمان آورده و کسانی که یهودی شدند و نصاری و صابنان، هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس برای آنها در نزد پروردگارشان، پاداش و اجر است و بر آنها ترسی نیست و آنها محزون نمی شوند. (۶۳) و (یاد کن) زمانی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما بالا- بردیم (و گفتیم): آنچه را (از آیات و دستورات خداوند) به شما داده ایم، با قدرت بگیرید و آنچه را در آن هست، به خاطر داشته باشید (و به آن عمل کنید) تا پرهیزگار شوید. (۶۴) سپس شما بعد از این جریان (که کوه طور را بالای سر خود دیدید، بازهم) روی گردان شدید و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود قطعاً از زیانکاران بودید. (۶۵) قطعاً شما از (سرنوشت) کسانی از خودتان که در روز شنبه، نافرمانی کردند (و به جای تعطیل کردن کار در این روز، دنبال کار رفتند) آگاهید، ما (به خاطر این نافرمانی) به آنان گفتیم: به شکل بوزینه های مطرود در آید. (۶۶) ما این عقوبت را عبرتی برای حاضران معاصر و نسل های بعدشان و پندی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (۶۷) و (بخاطر بیاورید) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما فرمان می دهد (برای یافتن قاتل) ماده گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را به تمسخر می گیری؟ (موسی) گفت: به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم. (۶۸) بنی اسرائیل به موسی گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا بر ما روشن کند که آن چگونه (گاوی) است؟ (موسی) گفت: همانا خداوند می فرماید: ماده گاوی که نه پیر و از کار افتاده باشد و نه بکر و جوان، (بلکه) میان این دو (و میان سال) باشد. پس آنچه به شما دستور داده شده (هر چه زودتر) انجام دهید. (۶۹) (آنان به موسی) گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا بر ما روشن سازد که رنگش چگونه باشد؟ (موسی) گفت: همانا خداوند می گوید: آن ماده گاوی باشد زرد یک دست، که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور سازد! (۷۰) (بار دیگر به موسی) گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا بر ما روشن کند چگونه گاوی باشد؟ زیرا این گاو بر ما مشتبه شده و اگر خداوند بخواهد (با توضیحات تو) حتماً هدایت خواهیم شد. (۷۱) (موسی) گفت: خداوند می فرماید: همانا آن گاوی است که نه چنان رام باشد که زمین را شخم زند و نه کشتزار را آبیاری کند. از هر عیبی برکنار است و هیچ لگه ای در (رنگ) آن نیست. گفتند: الآن حقّ (مطلب) را آوردی! پس (چنان گاوی را پیدا کرده و) آنرا سر بریدند، ولی نزدیک بود انجام ندهند. (۷۲) و (به یاد آورید) هنگامی که فردی را به قتل رساندید و سپس درباره ی (قاتل) او، به نزاع پرداختید، ولی خداوند آنچه را شما پنهان می داشتید، آشکار می سازد. (۷۳) پس گفتیم: قسمتی از گاو ذبح شده را به مقتول بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). خداوند اینگونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد، شاید تعقل کنید. (۷۴) سپس دل های شما بعد از این جریان سخت شد، همچون سنگ یا سخت تر! چرا که از پاره ای سنگ ها، نهرها شکافته (و جاری) می شود و پاره ای از آنها، شکاف برمی دارد و آب از آن تراوش می کند، و بعضی از سنگ ها از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد. (اما دل های شما هیچ متأثر نمی شود) و خداوند از اعمال شما غافل نیست. (۷۵) (پس ای مؤمنان!) آیا انتظار دارید (که یهودیان سرسخت،) به (دین) شما ایمان بیاورند؟ در حالی که عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدنش، آنرا تحریف می کردند با آنکه (حق را) می دانستند. (۷۶) و (همین یهودیان) هنگامی که مؤمنان را ملاقات می کنند، می گویند: ایمان آوردیم، ولی هنگامی که بعضی از آنها با بعضی دیگر خلوت می کنند، می گویند: چرا آنچه را که خداوند (درباره ی صفات پیامبر اسلام) برای شما (در تورات) گشوده (و بیان کرده،) به مسلمانان) بازگو می کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه پروردگارتان بر ضدّ شما به آن استدلال کنند؟ پس آیا تعقل نمی کنید؟ (۷۷) آیا نمی دانند که خداوند آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می کند، می داند. (۷۸) و بعضی از آنان (یهودیان)، افراد درس ناخوانده ای هستند که کتاب خدا را جز خیالات و آرزوهای خود نمی دانند، آنها تنها پایبند گمان خویشند. (۷۹) پس وای بر

کسانی که مطالبی را با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این از طرف خداست، تا به آن بهای اندکی بستانند، پس وای بر آنها از آنچه دست‌هایشان نوشت و وای بر آنها از آنچه (از این راه) به دست می‌آورند! (۸۰) و (یهود) گفتند: جز چند روزی محدود، هرگز آتش دوزخ به ما نخواهد رسید، بگو: آیا پیمانی از نزد خدا گرفته‌اید که البته خداوند هرگز خلاف پیمان خود نمی‌کند، یا اینکه بر خداوند چیزی را نسبت می‌دهید که به آن علم ندارید؟ (۸۱) آری، هر کس بدی کسب کند و گنااهش او را فراگیرد (و آثار گناهان سراسر وجودشان را بپوشاند)، آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند بود. (۸۲) و کسانی که ایمان آورده‌اند کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند ماند. (۸۳) و (به یاد آرید) زمانی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان، احسان کنید و با مردم، به زبان خوش سخن بگویید و نماز را برپای دارید و زکات بدهید. اما شما (با اینکه پیمان بسته بودید)، جز عده‌ی کمی، سرپیچی کردید و روی گردان شدید. (۸۴) و (به یاد آرید) هنگامی که از شما پیمان گرفتیم، خونهای یکدیگر را نریزید و همدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید، پس شما (به این پیمان) اقرار کردید و خود بر آن گواه هستید. (۸۵) اما این شما هستید که یکدیگر را به قتل می‌رسانید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان (آواره و) بیرون می‌کنید و بر علیه آنان، به گناه و تجاوز همدیگر را پشتیبانی می‌کنید. ولی اگر همانان به صورت اسیران نزد شما آیند، باز خریدشان می‌کنید (تا آزادشان سازید) در حالی که (نه تنها کشتن، بلکه) بیرون راندن آنها (نیز) بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به برخی دیگر کافر می‌شوید؟ پس جزای هر کس از شما که این عمل را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود و روز قیامت به سخت‌ترین عذاب باز برده شوند و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. (۸۶) آنها کسانی هستند که زندگی دنیا را به بهای (از دست دادن) آخرت خریده‌اند، پس در مجازات آنان تخفیفی داده نمی‌شود و آنها یاری نخواهند شد. (۸۷) و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و از پس او پیامبرانی پشت سر یکدیگر فرستادیم و به عیسی بن مریم (معجزات و) دلایل روشن بخشیدیم و او را با روح القدس، تأیید و یاری نمودیم. پس چرا هرگاه پیامبری چیزی (از احکام و دستورات) بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر ورزیدید. (و به جای ایمان آوردن به او) جمعی را تکذیب و جمعی را به قتل رسانیدید؟! (۸۸) و آنها (به پیامبران) گفتند: دل‌های ما در غلاف است (و ما از گفته‌های شما چیزی نمی‌فهمیم). چنین نیست، بلکه خداوند به سبب کفرشان از رحمت خود دور ساخته (و به همین دلیل چیزی درک نمی‌کنند)، پس اندکی ایمان می‌آورند. (۸۹) و چون از طرف خداوند، آنان را کتابی (قرآن) آمد که مؤید آن نشانه‌هایی است که نزد آنهاست و پیش از این به خود نوید می‌دادند (که با کمک کتاب و پیامبر جدید) بر دشمنان پیروز گردند، اما چون آنچه (از کتاب و پیامبر که از قبل) شناخته بودند، نزد آنان آمد به او کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد. (۹۰) چه بد است آنچه که خویشان را به آن بفروختند، که از روی حسد، به آیاتی که خدا فرستاده بود کافر شدند (و گفتند): که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد، (آیاتش را) نازل می‌کند. پس به قهر پی‌درپی الهی گرفتار شدند و برای کافران، مجازاتی خوارکننده است. (۹۱) و هنگامی که به آنها گفته شود به آنچه خداوند نازل کرده ایمان آورید، گویند: ما تنها به چیزی ایمان می‌آوریم که بر (پیامبر) خودمان نازل شده باشد و به غیر آن کافر می‌شویم، در حالی که آن (قرآن) حق است و آنچه را (از تورات) با ایشان است، تصدیق می‌کند. بگو: اگر (به آیاتی که بر خودتان نازل شده) مؤمن بودید پس چرا پیامبران خدا را پیش از این به قتل می‌رسانید؟! (۹۲) و همانا موسی (آن همه) معجزات برای شما آورد، ولی شما پس از (غیاب) او گوساله را (به خدایی) گرفتید، در حالی که ستمکار بودید. (۹۳) و (باد کنید) آنگاه که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما بالا بردیم (و گفتیم): دستوراتی که به شما داده‌ایم، محکم بگیرید و گوش دهید (و عمل کنید. اما آنان) گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم، و به سبب کفرشان به (پرستش) گوساله دل باختند. بگو اگر ادعای ایمان دارید، (بدانید که) ایمانتان شما را به بد چیزی فرمان می‌دهد. (۹۴) بگو: اگر سرای آخرت در نزد خداوند مخصوص شماست، نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست

می گویند. (۹۵) ولی آنها هرگز به سبب آنچه از پیش فرستاده‌اند، آرزوی مرگ نکنند و خداوند به حال ستمگران، آگاه است. (۹۶) (ای پیامبر) هر آینه یهود را حریص‌ترین مردم، حتی (حریص‌تر) از مشرکان، بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت، (تا آنجا که) هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند، درحالی که (اگر) این عمر طولانی به آنان داده شود، آنان را از عذاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بیناست. (۹۷) (یهود می گویند: چون فرشته‌ای که وحی بر تو نازل می کند جبرئیل است و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم) بگو: هر که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست). چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است، (قرآنی) که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و مایه‌ی هدایت و بشارت برای مؤمنان است. (۹۸) هر که دشمن خدا و فرشتگان و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است و بداند که) خداوند دشمن کافران است. (۹۹) همانا آیات (و نشانه‌های) روشنی به سوی تو فرستادیم و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد. (۱۰۰) و آیا چنین نبود که هربار آنها (یهود) پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی از آنان آن را دور افکندند، حقیقت این است که بیشتر آنها ایمان ندارند. (۱۰۱) و هنگامی که فرستاده‌ای (چون پیامبر اسلام) از سوی خدا به سراغشان آمد، که آنچه را با ایشان است (یعنی تورات) تصدیق می کند، گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند، گویی اصلاً از آن خبر ندارند. (۱۰۲) و (یهود) آنچه (از افسون و سحر که) شیاطین (از جن و انس) در عصر سلیمان می خواندند، پیروی می کردند و سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و) کافر نشد و لکن شیاطین، کفر ورزیدند که به مردم سحر و جادو می آموختند و (نیز) از آنچه بر دو فرشته، هاروت و ماروت، در شهر بابل نازل شده بود (پیروی نمودند. آنها سحر را برای آشنایی به طرز ابطال آن به مردم می آموختند.) و به هیچ کس چیزی نمی آموختند، مگر اینکه قبلاً به او می گفتند ما وسیله آزمایش شما هستیم، (بابکار بستن سحر) کافر نشوید (و از این تعلیمات سوء استفاده نکنید)، ولی آنها از آن دو فرشته مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند (نه اینکه از آن برای ابطال سحر استفاده کنند). ولی هیچگاه بدون خواست خدا، نمی توانند به کسی ضرر برسانند. آنها قسمت‌هایی را فرامی گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی نداشت، و مسلماً می دانستند هر کس خریدار اینگونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و به راستی خود را به بد چیزی فروختند، اگر می فهمیدند. (۱۰۳) و اگر آنها ایمان آورده و پرهیزکار شده بودند، قطعاً پاداشی که نزد خداست برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند. (۱۰۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (به پیامبر) نگویند: «راعنا» مراعاتمان کن، بلکه بگویند: «أنظرنا» ما را در نظر بگیر، و (این توصیه را) بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است. (۱۰۵) کافران از اهل کتاب و مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیر و نیکی از طرف پروردگارتان بر شما نازل شود. در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر که بخواهد اختصاص می دهد، و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (۱۰۶) هر (حکم و) آیه‌ای را نسخ کنیم و یا (نزول) آنرا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آنرا می آوریم، آیا نمی دانی که خدا بر هر چیزی قادر است؟ (۱۰۷) آیا ندانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن خداست؟ (و او حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی را به مقتضای حکمت و حاکمیت خود، در قوانین و احکام بوجود آورد.) و جز خدا برای شما هیچ یاور و سرپرستی نیست. (۱۰۸) آیا بنا دارید از پیامبران سؤال‌الانت و درخواست‌هایی (ناجعا) بکنید، آنگونه که پیش از این، موسی (از طرف بنی اسرائیل) مورد سؤال قرار گرفت، و هر کس (با این بهانه‌جویی‌ها از ایمان سرباز زند و) کفر را با ایمان مبادله کند، پس قطعاً از راه مستقیم گمراه شده است. (۱۰۹) بسیاری از اهل کتاب (نه تنها خودشان ایمان نمی آورند، بلکه) از روی حسدی که در درونشان هست، دوست دارند شما را بعد از ایمانتان به کفر بازگردانند، با اینکه حق (بودن اسلام و قرآن)، برای آنان روشن شده است، ولی شما (در برابر حسادت‌ی که می‌ورزند، آنها را) عفو کنید و درگذرید تا خداوند فرمان خویش بفرستد، همانا خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۱۰) و نماز را برپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر خیری که برای خود از پیش می‌فرستید، آنرا نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست. (۱۱۱) و گفتند: هرگز به بهشت داخل نشود مگر آنکه یهودی یا نصرانی

باشد. اینها آرزوهای آنهاست، بگو: اگر راستگوئید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید. (۱۱۲) آری، کسی که با اخلاص به خدا روی آورد و نیکوکار باشد، پس پاداش او نزد پروردگار اوست، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد. (۱۱۳) و یهودیان گفتند: مسیحیان بر حق نیستند، و مسیحیان گفتند: یهودیان بر حق نیستند، در حالی که (هر دو گروه) آنان، کتاب آسمانی را می خوانند! همچنین افراد نادان دیگر (همچون مشرکان که خبر از کتاب ندارند)، همانند سخن آنها را گفتند. پس خداوند در روز قیامت در آنچه اختلاف دارند، در بین آنان داوری خواهد نمود. (۱۱۴) کیست ستمکارتر از آنکه نگذاشت نام خدا در مساجد الهی برده شود و سعی در خرابی آنها داشت؟ آنان جز با ترس و خوف، حق ورود به مساجد را ندارند. بهره‌ی آنان در دنیا، رسوایی و خواری و در آخرت عذاب بزرگ است. (۱۱۵) مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر سو رو کنید، آنجا روی خداست، همانا خداوند (به همه جا) محیط و (به هر چیز) داناست. (۱۱۶) و (برخی از اهل کتاب و مشرکان) گفتند: خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است. منزّه است او، بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و همه در برابر او فرمان‌برند. (۱۱۷) پدید آورنده آسمان‌ها و زمین اوست و هنگامی که فرمان (وجود) چیزی را صادر کند، فقط می گوید: باش! پس (فوراً) موجود می شود. (۱۱۸) کسانی که نمی دانند، گفتند: چرا خدا با خود ما سخن نمی گوید؟ یا آیه و نشانه‌ای بر خود ما نمی آید؟ همچنین گروهی که قبل از آنان بودند مثل گفته آنان را گفتند، دلها (و افکار) شان مشابه است، ولی ما (به اندازه‌ی کافی) آیات و نشانه‌ها را برای اهل یقین (و حقیقت‌جویان) روشن ساخته‌ایم. (۱۱۹) (ای رسول!) ما ترا به حق فرستادیم تا بشارت‌گر و بیم‌دهنده باشی و تو مسئول (گمراه شدن) دوزخیان (و جهنم رفتن آنان) نیستی. (۱۲۰) (ای پیامبر!) هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (آنکه تسلیم خواسته آنان شوی و) از آئین آنان پیروی کنی. بگو: هدایت تنها هدایت الهی است، و اگر از هوی و هوسهای آنها پیروی کنی، بعد از آنکه علم (وحی الهی) نزد تو آمد، هیچ سرور و یاوری از ناحیه خداوند برای تو نخواهد بود. (۱۲۱) کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده‌ایم و آنها چنان که سزاوار تلاوت است تلاوت می کنند، آنان به آن (قرآن یا پیامبر) ایمان می آورند و کسانی که به آن کافر شوند، آنان همان زیانکارانند. (۱۲۲) ای بنی اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم یاد کنید. (۱۲۳) و برسید از روزی که هیچکس چیزی (از عذاب خدا) را از دیگری دفع نمی کند و هیچگونه عوضی از او قبول نمی گردد و هیچ شفاعتی، او را سود ندهد و (از جانب هیچ کسی) یاری نمی شود. (۱۲۴) و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از فرزندان من نیز (امامانی قرار بده)، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند). (۱۲۵) و (به یاد آور) هنگامی که خانه (ی کعبه) را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم (و گفتیم): از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید. (۱۲۶) و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! این (سرزمین) را شهری امن قرارده و اهل آن را، آنان که به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌اند، از ثمرات (گوناگون) روزی ده. (اما خداوند) فرمود: به آنهایی که کافر شوند (نیز) بهره‌ی اندکی خواهم داد. سپس آنها را به قهر به سوی عذاب آتش می کشانم و چه بد، سرانجامی است. (۱۲۷) و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم، پایه‌های خانه (کعبه) را با اسماعیل بالا- می برد (و می گفتند): پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی. (۱۲۸) (ابراهیم و اسماعیل همچنین گفتند): پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرارده و از نسل ما (نیز) امتی که تسلیم تو باشند قرارده و راه و روش پرستش را به ما نشان ده و توبه‌ی ما را بپذیر، که همانا تو، توبه‌پذیر مهربانی. (۱۲۹) پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر آنها بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد و (از مفاسد فکری، اخلاقی و عملی) پاکیزه‌شان نماید، همانا که تو خود توانا و حکیمی. (۱۳۰) کیست که از آئین ابراهیم روی بگرداند، مگر کسی که خود را (فریب داده و) بی‌خردی کند؟ و همانا ما او را در این

جهان برگزیدیم و قطعاً او در جهان دیگر (نیز) از صالحان است. (۱۳۱) (بخاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگار ابراهیم به او گفت: تسلیم شو. گفت: در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم. (۱۳۲) و ابراهیم و یعقوب، فرزندان خود را به همان آئین سفارش نمودند (و گفتند): فرزندان من! خداوند برای شما این دین (توحیدی) را برگزیده است. پس (تا پایان عمر بر آن باشید و) جز در حال تسلیم (و فرمانبرداری) نمرید. (۱۳۳) آیا شما (یهودیان) هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟! آن هنگام که به فرزندان خود گفت: پس از من چه می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا، و ما در برابر او تسلیم هستیم. (۱۳۴) آنها امتی بودند که در گذشتند، دست آورد آنها مربوط به خودشان و دست آورد شما نیز مربوط به خودتان است و شما از آنچه آنان انجام داده‌اند، بازخواست نخواهید شد. (۱۳۵) (اهل کتاب) گفتند: یهودی یا مسیحی شوید تا هدایت یابید، بگو: (چنین نیست)، بلکه (پیروی از) آئین حق‌گرای ابراهیم (مایه هدایت است، زیرا) او از مشرکان نبود. (۱۳۶) (ای مسلمانان!) بگویید: ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (که پیامبرانی از نوادگان یعقوبند) و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از طرف پروردگارشان نازل شده است، (ایمان آورده‌ایم. و) ما بین هیچیک از آنها جدایی قائل نیستیم (و میان آنان فرق نمی‌گذاریم) و در برابر خداوند تسلیم هستیم. (۱۳۷) اگر آنها (نیز) به مانند آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، همانا هدایت یافته‌اند، و اگر سرپیچی نمایند، پس جز این نیست که آنها (با حق) در ستیزند و خداوند شرّ آنان را از تو دفع می‌کند و او شنونده‌ی داناست. (۱۳۸) (این است) رنگ آمیزی الهی و کیست بهتر از خدا در نگارگری؟ و ما تنها او را عبادت می‌کنیم. (۱۳۹) (ای پیامبر! به اهل کتاب) بگو: آیا درباره‌ی خداوند با ما مجادله می‌کنید، در حالی که او پروردگار ما و شماسست و اعمال ما برای ما و اعمال شما از آن شماسست و ما برای او خالصانه عبادت می‌کنیم. (۱۴۰) یا می‌گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ (چرا حقیقت را کتمان می‌کنید؟) و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را (درباره‌ی پیامبران) که نزد اوست، کتمان کند و خدا از اعمال شما غافل نیست. (۱۴۱) (به هر حال) آن امت بگذشت، آنچه آنان بدست آوردند برای خودشان است و آنچه شما بدست آوردید برای خودتان است و شما از آنچه آنان کرده‌اند، سؤال نخواهید شد. (۱۴۲) بزودی بی‌خردان از مردم، خواهند گفت: چه چیزی آنها (مسلمانان) را از (بیت المقدّس)، قبله‌ای که بر آن بودند برگردانید؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست، هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۱۴۳) و بدین سان ما شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر (نیز) بر شما گواه باشد. و ما آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی برنگردانیدیم، مگر برای آنکه افرادی را که از پیامبر پیروی می‌کنند از آنها که به جاهلیت باز می‌گردند، بازشناسیم. و همانا این (تغییر قبله)، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده دشوار بود. و خدا هرگز ایمان شما را (که سابقاً به سوی بیت المقدّس نماز خوانده‌اید)، ضایع نمی‌گرداند. زیرا خداوند نسبت به مردم، رحیم و مهربان است. (۱۴۴) (ای پیامبر!) همانا می‌بینیم که تو (در انتظار نزول وحی، چگونگی) روی به آسمان می‌کنی، اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، برمی‌گردانیم. پس روی خود را به جانب مسجد الحرام کن. و (شما ای مسلمانان) هر جا بودید، روی خود را به جانب آن بگردانید و همانا کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، (به خوبی) می‌دانند که این فرمان به حق است که از ناحیه‌ی پروردگار صادر شده و خداوند از اعمال آنها غافل نیست. (۱۴۵) و (ای پیامبر!) اگر هر گونه آیه، (نشانه و دلیلی) برای (این گروه از) اهل کتاب بیاوری، از قبله‌ی تو پیروی نخواهند کرد، و تو نیز پیرو قبله آنان نیستی، (همانگونه که) بعضی از آنها نیز پیرو قبله دیگری نیست. و همانا اگر از هوسهای آنان پیروی کنی، پس از آنکه علم (وحی) به تو رسیده است، بی‌شک در این صورت از ستمگران خواهی بود. (۱۴۶) (یهود، نصاری و) کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده‌ایم او (پیامبر اسلام) را همچون پسران خود می‌شناسند، و همانا گروهی از آنان با آنکه حق را می‌دانند، کتمان می‌کنند. (۱۴۷) حق، (آن چیزی است که) از سوی پروردگار توست، پس هرگز از تردید کنندگان مباش. (۱۴۸) و برای هر کس قبله‌ای است که به آن سوی رو می‌کند. (بنابراین درباره‌ی جهت

قبله گفتگو نکنید و به جای آن) در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوئید. (و بدانید) هر جا که باشید، خداوند همه شما را (در محشر) حاضر می‌کند، همانا خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۴۹) و (ای پیامبر!) از هر جا (که به قصد سفر) خارج شدی، (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجدالحرام بگردان، این دستور حقی است از طرف پروردگارت، و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۱۵۰) و (ای پیامبر!) از هر جا خارج شدی پس (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان، و (شما ای مسلمانان نیز) هر جا بودید (در سفر و در حضر) روی خود را به سوی آن بگردانید تا برای (هیچ کس از) مردم جز ستمگانشان، امکان احتجاج (و مجادله) علیه شما نباشد. پساز آنها نترسید و تنها از من بترسید. و (بدانید تغییر قبله برای آن بود) تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و شاید که شما هدایت شوید. (۱۵۱) همانگونه (که برای هدایت شما) رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه نمی‌توانستید بدانید، به شما یاد دهد. (۱۵۲) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و برای من شکر کنید و کفران نورزید. (۱۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی)، از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خداوند با صابران است. (۱۵۴) و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید. (۱۵۵) و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران (در این حوادث و بلاها را) بشارت بده. (۱۵۶) صابران) کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنها رسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم. (۱۵۷) آنانند که بر ایشان از طرف پروردگارشان، درودها و رحمت‌هایی است و همانها هدایت یافتگانند. (۱۵۸) همانا صفا و مروه، از شعائر خداست. پس هر که حج خانه‌ی خدا و یا عمره به جای آورد، مانعی ندارد که بین صفا و مروه طواف کند. و (علاوه بر واجبات)، هر کس داوطلبانه کار خیری انجام دهد، همانا خداوند سپاسگزار داناست. (۱۵۹) کسانی که آنچه را از دلایل روشن و اسباب هدایت را نازل کرده‌ایم، با آنکه برای مردم در کتاب بیان ساخته‌ایم، کتمان می‌کنند، خداوند آنها را لعنت می‌کند و همه لعنت کنندگان نیز آنان را لعن می‌نمایند. (۱۶۰) مگر آنها که توبه کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند و (آنچه را کتمان کرده بودند) آشکار ساختند، که من (لطف خود را) بر آنان بازمی‌گردانم، زیرا من توبه‌پذیر مهربانم. (۱۶۱) همانا کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی بر آنها خواهد بود. (۱۶۲) (آنان برای) همیشه در آن (لعنت و دوری از رحمت پروردگار) باقی می‌مانند، نه از عذاب آنان کاسته می‌شود و نه مهلت داده می‌شوند. (۱۶۳) و معبود شما خدایی یگانه است، جز او معبودی نیست، بخشنده‌ی مهربان است. (۱۶۴) همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که برای سودرسانی به مردم در دریا در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین مرده را زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر باده‌ها و ابرهایی که میان آسمان و زمین معلقند، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی گویاست. (۱۶۵) و بعضی از مردم کسانی هستند که معبودهایی غیر از خداوند برای خود برمی‌گزینند و آنها را همچون دوست داشتن خدا، دوست می‌دارند. اما آنان که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از عشق مشرکان به معبودهایشان) شدیدتر است و آنها که (با پرستش بت به خود) ستم کردند، هنگامی که عذاب خدا را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام نیروها، تنها به دست خداست و او دارای عذاب شدید است. (۱۶۶) در آن هنگام که عذاب را مشاهده کنند و پیوند میانشان بریده (و دستشان از همه چیز قطع) گردد، پیشوایان (کفر)، از پیروان خود بیزاری جویند. (۱۶۷) و (در آن موقع) پیروان گویند: ای کاش بار دیگری برای ما بود (که به دنیا برمی‌گشتیم) تا از این پیشوایان بیزاری جوئیم، همانگونه که آنها (امروز) از ما بیزاری جستند. بدینسان خداوند اعمال آنها را که مایه حسرت آنهاست، به آنها نشان می‌دهد و هرگز از آتش دوزخ، بیرون آمدنی نیستند. (۱۶۸) ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از گامهای (وسوسه‌انگیز) شیطان، پیروی نکنید. براستی که او دشمن آشکار شماست. (۱۶۹) همانا (شیطان)، شما را فقط بهبیدی و زشتی فرمان می‌دهد و اینکه بر خداوند چیزهایی بگوئید که به آن آگاه نیستید. (۱۷۰) و هنگامی که به آنها

(مشرکان) گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌نماییم. آیا (از آنان پیروی می‌کنند) هر چند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند؟ (۱۷۱) و مثل کافران، چنان است که کسی به حیوانی که جز صدایی (از نزدیک) و یا ندایی (از دور) نمی‌شنود بانگ زند، اینان کران، لالان و کورانند و از اینروست که نمی‌اندیشند. (۱۷۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید. اگر فقط او را پرستش می‌کنید. (۱۷۳) همانا خداوند مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه را که (هنگام ذبح) نام غیر خدا بر آن برده شده، حرام کرده است، (ولی) آن کس که ناچار شد (به خوردن اینها) در صورتی که زیاده‌طلبی نکند و از حد احتیاج نگذراند، گناهی بر او نیست، همانا خداوند بخشنده و مهربان است. (۱۷۴) کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده، کتمان می‌کنند و بدان بهایی اندک می‌ستانند، آنها جز آتش در شکم‌های خود فرو نمی‌برند، و خداوند روز قیامت با آنها سخن نمی‌گوید و پاکشان نمی‌کند و برای آنها عذاب دردناکی است. (۱۷۵) آنها (کتمان‌کنندگان حق) کسانی هستند که گمراهی را به بهای از دست دادن هدایت و عذابا به جای آموزش خریدند. پس به راستی چقدر در برابر عذاب خداوند تحمل دارند؟ (۱۷۶) آن (عذاب) به جهت آن است که خداوند کتاب (آسمانی) را به حق نازل کرده است و البته کسانی که در کتاب (خدا) با کتمان و تحریف (اختلاف ایجاد) کردند، همواره در ستیزه‌ای عمیق هستند. (۱۷۷) نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه‌ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را برپای دارد و زکات را پردازد، و آنان که چون پیمان بندند، به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختی‌ها، محرومیت‌ها، بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست گفتند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و اینان همان پرهیزکارانند. (۱۷۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (قانون) قصاص در مورد کشتگان، بر شما (چنین) مقرر گردیده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از ناحیه برادر (دینی) خود (یعنی صاحب خون و ولی مقتول) مورد عفو قرار گیرد. (یا قصاص او به خون‌بها تبدیل شود) باید شیوه‌ای پسندیده پیش گیرد و به نیکی (دیه را به ولی مقتول) پردازد، این حکم تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگارتان، پس برای کسی که بعد از این (از حکم خدا) تجاوز کند، عذاب دردناکی دارد. (۱۷۹) ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات (و زندگی نهفته) است. باشد که شما تقوی پیشه کنید. (۱۸۰) بر شما مقرر شده که چون یکی از شما را (نشانه‌های) مرگ فرارسد، اگر مالی از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند، این کار حق و شایسته پرهیزکاران است. (۱۸۱) پس هر کس که آن (وصیت را) بعد از شنیدن، تغییر دهد، گناهی تنها بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند، همانا خداوند شنوا و داناست. (۱۸۲) پس کسی که از انحراف وصیت‌کننده (و تمایل بی‌جای او به بعضی ورثه) یا از گناه او (به اینکه به کار خلافتی وصیت کند)، بترسد و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست (و مشمول قانون مجازات تبدیل وصیت نمی‌شود)، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر گردید، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود، باشد که پرهیزگار شوید. (۱۸۴) چند روزی معدود (روزه بر شما مقرر شده است)، ولی هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، پس (به همان) تعداد از روزهای دیگر (را روزه بگیرد) و بر کسانی که طاقت روزه ندارند (همچون بیماران مزمن و پیرمردان و پیرزنان)، لازم است کفاره‌ای بدهند، مسکینی را اطعام کنند. و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند (و بیش از مقدار واجب، طعام بدهد)، برای او بهتر است، ولی اگر (آثار روزه را) بدانید، (می‌فهمید که) روزه گرفتن، برایتان بهتر است. (و هرگز به روزه‌خواری معذوران، غبطه نمی‌خوردید.) (۱۸۵) (روزه در) ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است. (و قرآن کتابی است که) هدایتگر مردم همراه با دلایل روشن هدایت و وسیله تشخیص حق از باطل است، پس هر کس از شما که این

ماهرا دریابد، باید روزه بگیرد. و آنکس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری را به همان تعداد روزه بگیرد. خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد (این قضای روزه) برای آن است که شماره مقرر روزها را تکمیل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، به بزرگی یاد کنید، باشد که شکر گزار گردید. (۱۸۶) و هر گاه بند گانم از تو درباره من پرسند (بگو): همانا من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آنگاه که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که به رشد رسند. (۱۸۷) در شب‌های روزه (ماه رمضان)، آمیزش با همسرانتان برای شما حلال شد، آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس. خداوند می‌داند که شما به خود خیانت می‌کردید (و آمیزش را که ممنوع بود، بعضاً انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. اکنون (می‌توانید) با آنها هم بستر شوید و آنچه را خداوند بر شما مقرر فرموده، طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سفید از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید. و در حالی که معتکف در مساجد هستید، با زنان آمیزش نکنید. این حدود و احکام الهی است پس (به قصد تجاوز و گناه) به آن نزدیک نشوید. خداوند این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند. (۱۸۸) و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید و اموال را به (عنوان رشوه، به کیسه) حاکمان و قاضی‌ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می‌دانید (که خلاف می‌کنید). (۱۸۹) درباره (حکمت) هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند، بگو: برای آن است که مردم اوقات (کارهای خویش) و زمان حج را بشناسند. (ای پیامبر به آنان بگو): نیکی آن نیست که (در حال احرام حج)، از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که تقوی پیشه کنید و از درها وارد خانه‌ها شوید، از خدای بترسید، باشد که رستگار شوید. (۱۹۰) و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی از حد تجاوز نکنید، که خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. (۱۹۱) و آنها را (بت‌پرستانی که از هیچ جنایتی ابا ندارند)، هر کجا یافتید بکشید و از (مکه) همان جایی که شما را بیرون کردند، آنها را بیرون کنید و فتنه (شرک و شکنجه) از قتل بدتر است. و نزد مسجد الحرام با آنها جنگ نکنید، مگر آنکه آنها در آنجا با شما بجنگند، پس اگر با شما جنگ کردند، آنها را (در آنجا) به قتل برسانید. چنین است جزای کافران. (۱۹۲) و اگر دست کشیدند، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۹۳) و با آنها بجنگید تا فتنه (بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید. زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۴) ماه حرام در برابر ماه حرام و (اگر دشمنان احترام آنرا شکستند و با شما جنگ کردند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید. زیرا) حرمت‌ها را (نیز) قصاص است و هر کس به شما تجاوز کرد، به مانند آن تجاوز، بر او تعدی کنید و از خدا پرهیزید (که زیاده‌روی نکنید) و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است. (۱۹۵) و در راه خدا انفاق کنید (و با ترک انفاق)، خود را به دست خود به هلاکت نیندازید. و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۹۶) و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر محصور شدید (و مواعی مانند ترس از دشمن یا بیماری اجازه نداد که پس از احرام بستن، حج را کامل کنید) آنچه از قربانی فراهم است (ذبح کنید و از احرام خارج شوید). و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به قربانگاه برسد و اگر کسی بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت (و ناچار بود سر خود را زودتر بتراشد)، باید کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی بجا آورد و چون (از بیماری و یا دشمن) درمان شدید، پس هر کس بدنبال عمره تمتع، حج را آغاز کرده آنچه را از قربانی که میسر است (ذبح کند). و هر کس که قربانی نیافت، سه روز در ایام حج روزه بدارد و هفت روز به هنگامی که بازگشتید، این ده روز کامل است. (البته) این (حج تمتع) برای کسی است که خاندانش ساکن (مکه و) مسجد الحرام نباشند. و از خدا پروا کنید و بدانید که او سخت کیفر است. (۱۹۷) (موسم عمره و) حج (در) ماه‌های معینی است (شوال، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه)، پس هر که در این ماه‌ها فریضه‌ی حج را ادا کند، (بداند که) آمیزش جنسی و گناه و جدال در حج روا نیست و آنچه از کارهای خیر انجام دهید خدا می‌داند. و زاد و توشه تهیه کنید که البته بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است. ای خردمندان! تنها از من پروا کنید. (۱۹۸) گناهی بر

شما نیست که (به هنگام حج) به سراغ فضل پروردگارتان (و کسب و تجارت) بروید. پس چون از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و او را یاد کنید از آن روی که شما را با آنکه پیش از آن از گمراهان بودید، هدایت کرد. (۱۹۹) سپس از همانجا که مردم کوچمی کنند، کوچ کنید و از خداوند طلب آموزش نمایید که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۲۰۰) پس چون مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانگونه که پدران خویش را یاد می‌کنید، بلکه بیشتر و بهتر از آن. پس بعضی از مردم کسانی هستند که می‌گویند: خداوند! به ما در دنیا عطا کن. آنان در آخرت بهره‌ای ندارند. (۲۰۱) (اما) بعضی از مردم می‌گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار. (۲۰۲) آنها از کسب (و دعای) خود بهره و نصیبی دارند و خداوند به سرعت به حساب هر کس می‌رسد. (۲۰۳) و خدا را در روزهای معینی یاد کنید، (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی‌الحجه که به ایام تشریق معروف است). پس هر کس تعجیل کند (و اعمال منی را) در دو روز (انجام دهد)، گناهی بر او نیستو هر پرهیزکاری که تأخیر کند (و اعمال را در سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست. و از خدا پروا کنید و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد. (۲۰۴) و از مردم کسی است که گفتارش درباره زندگی دنیا، مایه‌ی اعجاب تو می‌شود و خداوند را بر آنچه در دل (پنهان) دارد گواه می‌گیرد (در حالی که) او سرسخت‌ترین دشمنان است. (۲۰۵) و هر گاه به قدرت و حکومت رسد برای فساد در زمین و نابودی زراعت‌ها و نسل کوشش می‌کند و خداوند فساد را دوست ندارد. (۲۰۶) و هنگامی که به او گفته شود از خدای پروا کن، عزت و غروری که در سایه‌ی گناه بدست آورده او را بگیرد. پس آتش دوزخ برای او کافی است و چه بد جایگاهی است. (۲۰۷) و از مردم کسی است که برای کسب خشنودی خدا، جان خود را می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (۲۰۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی در آئید (و تسلیم مطلق خداوند شوید) و گامهای شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. (۲۰۹) و اگر بعد از آنکه نشانه‌های روشن برای شما آمد، دچار لغزش (و گمراهی) شدید، بدانید که خداوند عزیز و حکیم است. (طبق حکمت خود عمل می‌کند و هیچ قدرتی مانع اراده‌ی او نیست). (۲۱۰) آیا جز این انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه‌های ابر به سوی آنها بیایند تا کار آنان یکسره شود؟ (در حالی که بعد از نزول آیات روشن، نیازی به چیز دیگری نیست). و به سوی خدا تمام امور برمی‌گردد. (۲۱۱) از بنی اسرائیل پرس: چه بسیار از دلایل روشن به آنها دادیم؟ و هر کس نعمت (هدایت) خدا را پس از آنکه به سراغ او آمد، (کفران و) تبدیل کند (بداند که) همانا خداوند سخت کیفر است. (۲۱۲) زندگی دنیا، در چشم کافران جلوه یافته است و (به همین دلیل) افراد با ایمان را مسخره می‌کنند. در حالی که مؤمنان و پرهیزکاران در قیامت از آنها برترند. و خداوند هر کس را بخواهد، روزی بی‌شمار مرحمت می‌کند. (۲۱۳) مردم (در آغاز) امتی یگانه و یکدست بودند (و در میان آنها تضاد و درگیری نبود. سپس در میان آنها اختلافات بوجود آمد)، پس خداوند پیامبران را بشارت آور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب آسمانی را به حق نازل نمود تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند حکم کند. و در آن (کتاب) اختلاف نکردند مگر کسانی که به آنان داده شده بود، (آن هم) پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، (و بخاطر) حسادتی که میانشان بود. پس خداوند آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به خواست خود هدایت نمود. (امّا افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند.) و خداوند هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۲۱۴) آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر پیشینیان شما گذشت به شما نرسیده است؟! آنان گرفتار تنگدستی و ناخوشی شده و چنان زیر و زبر شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده و همراه او بودند، گفتند: یاری خدا چه وقت خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری خداوند نزدیک است. (۲۱۵) از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مالی که (می‌خواهید) انفاق کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان باشد. و (بدانید) هر کار خیری که انجام دهید، همانا خداوند به آن آگاه است. (۲۱۶) جهاد بر شما مقّرر شد، در حالی که برای شما ناخوشایند است و چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که

ضرر و شرّ شما در آن است. و خداوند (صلاح شما را) می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۱۷) (ای پیامبر!) از تو درباره‌ی جنگ در ماه حرام سؤال می‌کنند، بگو: جنگ در آن ماه‌ها (ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب، گناهی) بزرگ است، ولی بازداشتن (مردم) از راه خدا و کفر ورزیدن به او و (بازداشتن مردم از) مسجدالحرام و اخراج ساکنانش از آنجا، (گناهش) نزد خداوند بزرگتر است. (زیرا ایجاد) فتنه، از قتل بالاتر است. (مشرکان) پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند، و هر کس از شما که از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمال آنان در دنیا و آخرت تباه می‌شود و آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۱۸) همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که مهاجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها به رحمت پروردگار امیدوار هستند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۱۹) از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ است و منافعی (مادی) نیز برای مردم دارند. (ولی) گناه آن دو از سود آنها بزرگتر است. (همچنین) از تو می‌پرسند که چه انفاق کنند؟ بگو: افزون (بر نیاز خود را)، خداوند اینچنین آیات را برای شما روشن می‌سازد تا شاید اندیشه کنید. (۲۲۰) (تا اندیشه کنید) در دنیا و آخرت. و از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح امور آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید (مانعی ندارد)، آنها برادران (دینی) شما هستند. خداوند، مفسد را از مصلح بازمی‌شناسد و اگر خدا می‌خواست شما را به زحمتی انداخت، (و دستور می‌داد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود جدا سازید، ولی خداوند چنین نمی‌کند). همانا او عزیز و حکیم است. (۲۲۱) و با زنان مشرک، ازدواج نکنید تا ایمان آورند و قطعاً کنیز با ایمان از زن (آزاد) مشرک بهتر است، اگرچه (زیبایی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی درآورد. و به مردان مشرک، زن ندهید تا ایمان آورند و قطعاً برده با ایمان از مرد (آزاد) مشرک بهتر است، هر چند (زیبایی و موقعیت و ثروت او) شما را به شگفتی وا دارد. آن مشرکان (شما را) به سوی آتش دعوت می‌کنند، در حالی که خداوند با فرمان و دستورات خود، شما را به بهشت و آمرزش فرامی‌خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می‌کند تا شاید متذکر شوند. (۲۲۲) و از تو درباره حیض (ایام عادت ماهانه زنان) سؤال می‌کنند، بگو: آن مایه‌ی رنج و آزار است، پس در حالت قاعدگی از (آمیزش با) زنان کناره‌گیری کنید، و با آنها نزدیکی ننمایید تا پاک شوند. پس هنگامی که پاک شدند (یا با غسل کردن طاهر شدند)، آنگونه که خداوند به شما فرموده، هر جا و هر گاه آمیزش کنید. همانا خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد. (۲۲۳) زنان شما کشتزار شما نیستند، هر جا و هر گاه که بخواهید، به کشتزار خود درآید (و با آنان آمیزش نمائید) و (در انجام کار نیک) برای خود، پیش بگیرید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و به مؤمنان بشارت ده. (۲۲۴) برای نیکی کردن و پروا داشتن و اصلاح بین مردم، خدا را دست‌آویز سوگندهای خود قرار ندهید. همانا خداوند شنوا و دانا است. (۲۲۵) خداوند، شما را به خاطر سوگندهای لغو (که بدون قصد یاد کرده‌اید)، مؤاخذه نمی‌کند، اما به آنچه دل‌های شما (از روی اراده و آگاهی و اختیار) کسب کرده، مؤاخذه می‌کند و خداوند آمرزنده و حلیم (بردبار) است. (۲۲۶) برای کسانی که (به قصد آزار همسر)، سوگند می‌خورند که با زنان خویش نیامیزند، چهار ماه مهلت است. پس اگر (از سوگند خود دست برداشته و به آشتی) برگشتند، (چیزی بر آنها نیست) و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۲۷) و اگر تصمیم به طلاق گرفتند (آن هم با شرائطش، مانعی ندارد). همانا خداوند شنوا و دانا است. (۲۲۸) زنان طلاق داده شده، خودشان را تا سه پاکی در انتظار قرار دهند. (یکی پاکی که طلاق در آن واقع شده و دو پاکی کامل دیگر و همین که حیض سوم را دید، عده او تمام می‌شود.) و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند، برای آنها روا نیست که آنچه را خدا در رحم آنها آفریده است، کتمان کنند. و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند، به بازآوردن آنها در این مدّت، (از دیگران) سزاوارترند و همانند وظائفی که زنان بر عهده دارند، به نفع آنان حقوقی شایسته است و مردان را بر زنان مرتبتی است. و خداوند توانا و حکیم است. (۲۲۹) طلاق (رجعی که امکان رجوع و بازگشت دارد، حداکثر) دو مرتبه است. پس (در هر مرتبه) یا باید به طور شایسته همسر خود را نگه دارد و (آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها کند (و از او جدا شود). و برای شما مردان روا نیست که چیزی از

آنچه به همسرانتان داده‌اید، پس بگیرید مگر اینکه دو همسر بترسند که حدود الهی را بر پا ندارند. پس اگر بترسید که آنان حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی ندارد که زن فدیة و عوض دهد. (و طلاق خُلع بگیرد.) اینها حدود و مرزهای الهی است، پس از آن تجاوز نکنید. و هر کس از حدود الهی تجاوز کند پس آنان ستمگرا نند. (۲۳۰) پس اگر (بعد از دو طلاق و دو رجوع، برای بار سوم) او را طلاق داد، دیگر آن زن بر او حلال نخواهد بود، مگر آنکه به نکاح مرد دیگری درآید (و با او آمیزش نماید). پس اگر (همسر دوّم) او را طلاق داد، مانعی ندارد که به یکدیگر بازگشت کنند (و زن با همسر اوّل خود مجدداً ازدواج نماید). البتّه در صورتی که امید داشته باشند حدود الهی را برپا دارند. و اینها حدود الهی است که خداوند آن را برای افرادی که آگاهند بیان می‌کند. (۲۳۱) و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مهلت (عده) رسیدند، پس یا به طرز شایسته آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید) و یا آنها را به طرز پسندیده‌ای رها سازید. و برای آزار رسانیدن، آنان را نگاه ندارید تا (به حقوقشان) تعدی کنید و کسی که چنین کند، به خویشتن ظلم کرده و مبدا آیات خدا را به مسخره بگیرد. و نعمتی را که خداوند به شما داده و کتاب آسمانی و حکمتی را که بر شما نازل کرده و شما را با آنپند می‌دهد، یاد کنید و از خدا پروا داشته و بدانید خداوند به هر چیزی آگاه است. (۲۳۲) و هنگامی که زنان را طلاق دادید و مهلت (عده) خود را پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش ازدواج کنند، البتّه در صورتی که میان آنها به طرز پسندیده‌ای، توافق برقرار گردد. هر کس از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، به این دستورات پند داده می‌شود. (مراعات) این امر مایه‌ی پیرایش و پاکی بیشتر شما است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۳۳) مادرانی که می‌خواهند دوران شیردهی را کامل سازند، دو سال تمام فرزندانشان را شیر دهند. و خوراک و پوشاک این مادران، به وجهی نیکو بر عهده (پدر و) صاحب فرزند است. هیچ کس جز به قدر توانش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری به خاطر فرزندش و نیز هیچ پدری به خاطر فرزندش نباید دچار ضرر شود. و (اگر پدر نباشد، هزینه خوراک و پوشاک مادر) بر عهده وارث اوست. و اگر پدر و مادر با توافق و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را (زودتر از دو سال) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (به جهت عدم توانایی یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندانتان بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط اینکه آنچه را به وجهی پسندیده قرار گذاشته‌اید پردازید. و از خدا پروا داشته و بدانید خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۳۴) و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، آن زنان باید چهار ماه و ده روز خویشتن را در انتظار نگاه دارند و چون به پایان مهلت (عده) شان رسیدند، گناهی بر شما نیست در آنچه (می‌خواهند) درباره‌ی خودشان به طور شایسته انجام دهند. (و با مرد دلخواه خود ازدواج کنند). و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. (۲۳۵) و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه (از زنانی که در عده وفات و یا در عده طلاق غیر رجعی هستند)، خواستگاری کنید، یا (تصمیم خود را) در دل نهان دارید. خداوند می‌داند که شما آنها را یاد خواهید کرد، ولی با آنها وعده پنهانی (برای ازدواج مخفیانه) نداشته باشید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده بگویید، ولی (در هر حال) اقدام به عقد ازدواج ننمایید تا مدّت مقرر به سرآید، و بدانید که خداوند آنچه را که در دل دارید می‌داند، پس از (مخالفت با) او پرهیزید و بدانید خداوند آمرزنده و بردبار است. (۲۳۶) اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و یا تعیین مهر طلاق دهید، گناهی بر شما نیست، ولی آنها را (با هدیه‌ای مناسب) بهره‌مند سازید. آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانش و آن کس که تنگدست است به اندازه‌ی وسعش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد). این کار برای نیکوکاران سزاوار است. (۲۳۷) و اگر زنان را قبل از آمیزش طلاق دهید، در حالی که برای آنها مهریه تعیین کرده‌اید، نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید)، مگر اینکه آنها (حقّ خود را) ببخشند و یا کسی که عقد ازدواج به دست اوست آنرا ببخشد، و اینکه شما گذشت کنید، (و تمام مهر آنان را پردازید) به پرهیزگاری نزدیکتر است. و گذشت و نیکوکاری در میان خود را فراموش نکنید که همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۳۸) بر انجام همه‌ی نمازها و (خصوصاً) نماز وسطی (ظهر)، مواظبت کنید و برای خدا خاضعانه بپاخیزید. (۲۳۹) پس اگر (از دشمن یا خطری) بیم داشتید، پیاده یا سواره (به هر شکل که می‌توانید نماز گزارید) و

آنگاه که ایمن شدید خدا را یاد کنید، همانگونه که آنچه را نمی‌توانستید بدانید به شما آموخت. (۲۴۰) و کسانی از شما که در آستانه مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی از خود به جای می‌گذارند، درباره‌ی همسرانشان این سفارش است که تا یک سال، آنها را (با پرداخت هزینه زندگی) بهره‌مند سازند و از خانه بیرون نکنند. ولی اگر آنها خود بیرون رفتند و تصمیم شایسته‌ای درباره‌ی خودشان گرفتند، بر شما گناهی نیست و خداوند توانا و حکیم است. (۲۴۱) و برای زنان طلاق داده شده، بهره‌ی مناسبی است که (پرداخت آن) بر مردانِ پرهیزکار سزاوار است. (۲۴۲) این چنین خداوند آیات خود را برای شما تبیین می‌کند، شاید که اندیشه کنید. (۲۴۳) آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند، در حالی که هزاران نفر بودند، پس خداوند به آنها گفت: بمیرید (و آنها مردند)، سپس آنان را زنده کرد (تا درس عبرتی برای آیندگان باشند؟) همانا خداوند نسبت به مردم احسان می‌کند، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گذارند. (۲۴۴) و در راه خداوند پیکار کنید و بدانید که خداوند شنوا و داناست. (۲۴۵) کیست که به خداوند وام دهد، وامی نیکو تا خداوند آن را برای او چندین برابر بیافزاید و خداوند (روزی بندگان را) محدود و گسترده می‌سازد، و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۴۶) آیا ندیدی گروهی از بزرگان بنی‌اسرائیل را که بعد از موسی به پیامبر خود گفتند: برای ما زمامدار (و فرماندهی) برانگیز تا (تحت فرماندهی او) در راه خدا پیکار کنیم، او گفت: آیا احتمال می‌دهید که اگر دستور جنگ به شما داده شود (نافرمانی کرده و) پیکار و جهاد نکنید؟ گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه و فرزندانمان رانده شده‌ایم؟ پس چون دستور جنگبر آنان مقرر گشت، جز عده اندکی، سربچی کردند و خداوند به ظالمان آگاه است. (۲۴۷) و پیامبرشان به آنها گفت: همانا خداوند «طالوت» را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد در حالی که ما از او به فرمانروایی شایسته‌تریمو به او ثروت زیادی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و توان علمی و جسمی او را افزون نموده است و خداوند ملکش (فرماندهی و رهبری) را به هر کس بخواهد می‌بخشد و خداوند (احسانش) وسیع و (به لیاقت‌ها و توانایی‌های افراد) آگاه است. (۲۴۸) و پیامبرشان به آنها گفت: نشانه‌ی حکومت او این است که تابوت (عهد) به سوی شما خواهد آمد، (همان صندوقی که) آرامشی از پروردگارتان و یادگاری از میراث خاندان موسی و هارون در آن است، درحالی که فرشتگان آنرا حمل می‌کنند، همانا در این موضوع، نشانه‌ی روشنی برای شما است، اگر ایمان داشته باشید. (۲۴۹) پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شما را به یک نهر آب آزمایش می‌کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نخورد از من هست، مگر آنکه بادست، مشت می‌برگیرد (و بیاشامد). پس (همین که به نهر آب رسیدند،) جز اندکی همه از آن نوشیدند، سپس هنگامی که او و یاوران با ایمان او از آن نهر گذشتند، (و دشمن را دیدند) گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آنها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز قیامت ایمان داشتند) گفتند: چه بسا گروهی اندک که با اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (و استقامت‌کنندگان) است. (۲۵۰) و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند: پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و قدمهای ما را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز فرما. (۲۵۱) سپس آنها (طالوت و یاران او) به اذن خداوند، سپاه دشمن را درهم شکستند و داود (که جوانی کم سن و سال، ولی مؤمن، شجاع و از یاران طالوت بود،) جالوت را (که فرمانده سپاه دشمن بود) کشت، و خداوند حکومت و حکمت به او عطا نمود و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خداوند (فساد) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، قطعاً زمین را فساد می‌گرفت. ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد. (۲۵۲) اینها آیات خداوند است که به حق بر تو می‌خوانیم و برآستی تو از فرستادگان الهی هستی. (۲۵۳) نشانه‌های روشن (آن پیامبران، ما بعضی از آنان را بر بعضی برتری دادیم. از آنان کسی بود که خداوند با اوسخن گفته و درجات بعضی از آنان را بالا برد، و به عیسی بن مریم و معجزات) دادیمو او را با روح‌القدس (جبرئیل) تأیید نمودیم، و اگر خدا می‌خواست، کسانی که بعد از آنان (پیامبران) بودند، پس از آنکه نشانه‌های روشن برای آنها

آمد، با هم جنگ و ستیز نمی کردند. (اما خداوند مردم را در پیمودن راه سعادت آزاد گذارده است،) ولی با هم اختلاف کردند پس برخی از آنان ایمان آورده و بعضی کافر شدند. (و باز) اگر خدا می خواست (مؤمنان و کافران) با هم پیکار نمی کردند، ولی خداوند آنچه را اراده کند انجام می دهد. (و اراده حکیمانه‌ی او بر آزاد گذاردن مردم است.) (۲۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی، و (بدانید که) کافران همان ستمگران هستند. (که هم به خود ستم می کنند و هم به دیگران.) (۲۵۵) الله، که جز او معبودی نیست، زنده و برپادارنده است. نه خوابی سبک او را فرا گیرد و نه خوابی سنگین. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آنکه جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند. گذشته و آینده آنان را می داند. و به چیزی از علم او احاطه پیدا نمی کنند مگر به مقداری که او بخواهد. کرسی (علم و قدرت) او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن دو بر او سنگین نیست و او والا و بزرگ است. (۲۵۶) در (پذیرش) دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است، پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیره محکمی دست یافته، که گسستنی برای آن نیست. و خداوند شنوای دانا است. (۲۵۷) خداوند دوست و سرپرست مؤمنان است، آنها را از تاریکی‌ها (ای گوناگون) بیرون و به سوی نور می برد. لکن سرپرستان کفار، طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور به تاریکی‌ها سوق می دهند، آنها اهل آتشند و همانان همواره در آن خواهند بود. (۲۵۸) آیا آن کس (نمرود) را که خداوند به او پادشاهی داده بود، ندیدی که با ابراهیم درباره‌ی پروردگارش محاجه و گفتگو می کرد؟ زمانی که ابراهیم گفت: خدای من کسی است که زنده می کند و می میراند، او گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق می آورد، پس تو (که می گویی حاکم بر جهان هستی)، خورشید را از مغرب بیاور. (در اینجا بود که) آن مرد کافر مبهوت و وامانده شد. و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۲۵۹) یا همانند کسی (عزیر) که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فرو ریخته بود (و مردم آن مرده و استخوان‌هایشان در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ پس خداوند او را یک صد سال میراند و سپس زنده کرد (و به او) گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت یک روز، یا قسمتی از یک روز را درنگ کرده‌ام! فرمود: (نه) بلکه یک صد سال درنگ کرده‌ای، به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (که با گذشت سالها) تغییر نیافته است. و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم) و (هم) تو را نشانه (رستاخیز) و حاجتی برای مردم قرار می دهیم. (اکنون) به استخوانها (ای مرکب خود) بنگر که چگونه آنها را بهم پیوند می دهیم و بر آن گوشت می پوشانیم. پس هنگامی که (این حقایق برای آن مرد خدا) آشکار شد، گفت: (اکنون با تمام وجود) می دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست. (۲۶۰) و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: چرا، ولی برای آنکه قلبم آرامش یابد. (خداوند) فرمود: چهار پرنده (طاووس، خروس، کبوتر و کلاغ) را بگیر و آنها را نزد خود جمع و قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز) سپس بر هر کوهی قسمتی از آنها را قرار ده، آنگاه پرندگان را بخوان، به سرعت بسوی تو بیایند و بدان که خداوند توانای حکیم است. (۲۶۱) مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد و خداوند آنرا برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست. (۲۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و سپس به دنبال آنچه انفاق کرده‌اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها برایشان نزد پروردگارش (محفوظ) است و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند. (۲۶۳) گفتار پسندیده (با نیازمندان) و گذشت (از تندی آنان)، از بخششی که بدنبال آن آزاری باشد، بهتر است. و خداوند بی نیاز بردبار است. (۲۶۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای خودنمایی به مردم، انفاق می کند و ایمان به خدا

و روز رستاخیز ندارد. پس مثال او همچون مثل قطعه سنگ صافی است که بر روی آن (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشانده شود) پس رگباری به آن رسد (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن سنگ را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند! (ریاکاران نیز) از دستاوردها، هیچ بهره‌ای نمی‌برند و خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۲۶۵) و مثل کسانی که اموال خود را در طلب رضای خداوند و استواری روح خود انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که در نقطه‌ای بلند باشد (و از هوای آزاد بحدّ کافی بهره بگیرد) و باران‌های درشته آن برسد و میوه‌ی خود را دو چندان بدهد. و اگر باران درشتی نیارد، باران‌های ریز و شبنم (بیارد تا همیشه این باغ شاداب و پر طراوت باشد). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۶۶) آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته که از زیر درختان آن نهرها در جریان و برای او در آن (باغ) از هر گونه میوه‌ای وجود داشته باشد و در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد، گردبادی همراه با آتش سوزان به آن باغ بوزد و باغ را یکسره بسوزاند. این چنین خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند تا شاید اندیشه کنید. (۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌ترین چیزهایی که بدست آورده‌اید و از آنچه ما برای شما از زمین رویانیده‌ایم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت‌های ناپاک (و پست) نروید، درحالی که خود شما هم حاضر نیستید آنها را بپذیرید مگر از روی اغماض (و ناچاری) و بدانید که خداوند بی‌نیاز و ستوده است. (۲۶۸) شیطان (به هنگام انفاق)، شما را از فقر و تهی‌دستی بیم می‌دهد و شما را به فحشا و زشتی‌ها فرامی‌خواند، ولی خداوند از جانب خود به شما وعده‌ی آمرزش و فروزی می‌دهد و خداوند وسعت بخش داناست. (۲۶۹) (خداوند) حکمت و بینش را به هر کس بخواهد (و شایسته بیند) می‌دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان (از این نکته) متذکر نمی‌گردند. (۲۷۰) و هر مالی را که انفاق کرده‌اید، یا نذری را که نذر کرده‌اید، پس قطعاً خداوند آن را می‌داند و برای ستمگران هیچ یآوری نیست. (۲۷۱) اگر صدقات را آشکارا بدهید، پس آن کار خوبی است، ولی اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، پس این برای شما بهتر است و قسمتی از گناهان شما را می‌زداید و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲۷۲) هدایت یافتن آنان بر عهده تو نیست، بلکه خداوند هر که را بخواهد (و شایسته باشد) هدایت می‌کند. و آنچه را از خوبی‌ها انفاق کنید، به نفع خودتان است. و جز برای کسب رضای خدا انفاق نکنید و (پاداش) آنچه از خوبی‌ها انفاق کنید به طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما ستم نخواهد شد. (۲۷۳) (انفاق شما باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا محصور شده‌اند. (به خاطر دین خدا، از وطن آواره و یا در جبهه‌های جهاد هستند). توان حرکت و سفر در زمین را (برای تأمین هزینه زندگی و یا کسب سرمایه برای تجارت) ندارند. از شدت عفاف و آبروداری، شخص بی‌اطلاع آنها را غنی می‌پندارد، اما تو آنها را از سیما و چهره‌هایشان می‌شناسی. آنان هرگز با اصرار از مردم چیزی نمی‌خواهند. و هر چیز نیکو و خیری را (به این افراد) انفاق کنید، پس قطعاً خداوند به آن آگاه است. (۲۷۴) کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، اجر و پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسی برای آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (۲۷۵) کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت از قبرها) بر نمی‌خیزند مگر همانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، آشفته و دیوانه شده است. (نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد و گاهی برمی‌خیزد). این (آسیب) بدان سبب است که گفتند: داد و ستد نیز مانند ربا است. در حالی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر کس که موعظه‌ای از پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) خودداری کرد، آنچه در گذشته (از طریق ربا بدست آورده) مال اوست، و کار او به خدا واگذار می‌شود. امّا کسانی که (دوباره به رباخواری) بازگردند، آنان اهل آتش خواهند بود و در آن جاودانه می‌مانند. (۲۷۶) خداوند ربا را نابود می‌کند، ولی صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس و کافر گنه‌کاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۷) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (۲۷۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی

پیشه کنید و آنچه را از (مطالبات) ربا باقی مانده است، رها کنید، اگر ایمان دارید. (۲۷۹) پس اگر چنین نکردید، (بدانید که) اعلان جنگ با خدا و رسولش داده‌اید و اگر توبه کنید، (اصل) سرمایه‌های شما از آن خودتان است. (و در این صورت) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود. (۲۸۰) و اگر (بدهکار) تنگ‌دست بود، او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و (در صورتی که واقعاً توان پرداخت ندارد)، اگر ببخشید برای شما بهتر است، اگر (نتایج آنرا) بدانید. (۲۸۱) و پروا کنید از روزی که در آن به پیشگاه خداوند بازگردانده می‌شوید و سپس هر کس (جزای) آنچه را کسب کرده، بدون کم و کاست داده می‌شود و به آنان ستمی نمی‌رود. (۲۸۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می‌کنید، آنرا بنویسید. و باید نویسنده‌ای در میان شما به عدالت (سند را) بنویسد. کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن خودداری کند، همانطور که خدا به او تعلیم داده است. پس باید او بنویسد و آن کس که حق بر ذمه او (بدهکار) است املا کند و از خدایی که پرورگار اوست پرهیزد و چیزی از آن فروگذار ننماید. و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیهیا (از نظر عقل) ضعیف و یا (به جهت لال بودن) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (بجای او) با رعایت عدالت (مدّت و مقدار بدهی را) املا کند و دو نفر از مردان را (بر این حق) شاهد بگیرد و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از گواهان، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند (انتخاب کنید) تا اگر یکی از آنان فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای ادای شهادت) دعوت می‌کنند خودداری نمایند. و از نوشتن (بدهی‌های) کوچک یا بزرگ مدّت دار، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)، این در نزد خدا به عدالت نزدیکتر و برای ادای شهادت استوارتر و برای جلوگیری از شک و تردید بهتر می‌باشد، مگر اینکه تجارت و داد و ستد نقدی باشد که در میان خود دست به دست می‌کنید که ایرادی بر شما نیست که آنرا بنویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، (باز هم) شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد (به خاطر حق‌گویی) زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرد) و اگر چنین کنید از فرمان خداوند خارج شده‌اید و از خدا پرهیزید و خداوند (راه درست زندگی را) به شما تعلیم می‌دهد و خداوند به هر چیزی داناست. (۲۸۳) و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید، وثیقه‌ای بگیرید و اگر به یکدیگر اطمینان داشتید (وثیقه لازم نیست). پس کسی که امین شمرده شده، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد و از خدایی که پرورگار اوست پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید و هر کس آنرا کتمان کند، پس بی‌شک قلبش گناه کار است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست. (۲۸۴) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تنها از آن خداست. (بنابراین) اگر آنچه را در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند. پس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر که را بخواهد (و مستحق باشد) مجازات می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۸۵) پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد و همه مؤمنان (نیز) به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها (ی آسمانی) و فرستادگانش ایمان دارند (و می‌گویند): ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم (و به همگی ایمان داریم) و گفتند: ما (ندای حق را) شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آموزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (ما) به سوی توست. (۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند، هر کس آنچه از کارها (ی نیک) انجام دهد به سود خود انجام داده و آنچه از کارها (ی بد) کسب کرده به ضرر خود کسب کرده است. (مؤمنان می‌گویند): پروردگارا! اگر (در انجام تکالیف چیزی را) فراموش یا خطا نمودیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگین بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا! آنچه را (از مجازات) که طاقت تحمل آنرا نداریم، بر ما مقرر نکن و از ما درگذر و ما را بیامرز و در رحمت خود قرارده، تو مولی و سرپرست مایی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان. (۲۸۷)

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف لام میم (۲) خداوند که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است. (۳) او کتاب را به حق بر تو نازل کرد، که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین است و (او بود که) تورات و انجیل را فرو فرستاد. (۴) او پیش از این (تورات و انجیل را) برای هدایت مردم (فرو فرستاد) و اینک فرقان را (که وسیله‌ی تمیز حق از باطل است) نازل کرد، البته برای کسانی که به آیات الهی کفر ورزند، عذاب شدیدی است و خداوند شکست‌ناپذیر صاحب انتقام است. (۵) همانا هیچ چیز، نه در زمین و نه در آسمان، بر خداوند پوشیده نمی‌ماند. (۶) او کسی است که شما را آنگونه که می‌خواهد در رحم‌ها صورت می‌دهد. جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست. (۷) او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم (روشن و صریح) است که اصل و اساس این کتاب را تشکیل می‌دهد. (و هرگونه ابهامی در آیات دیگر، با مراجعه به این محکومات روشن می‌شود) و بخشی از آن، آیات متشابه است (که احتمالات مختلفی در معنای آیه می‌رود، ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن می‌شود). اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، به جهت ایجاد فتنه (و گمراه کردن مردم) و نیز به جهت تفسیر آیه به دلخواه خود، به سراغ آیات متشابه می‌روند، در حالی که تفسیر این آیات را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند. آنان که می‌گویند: ما به آن ایمان آورده‌ایم همه‌ی آیات از طرف پروردگار ماست (خواه محکم باشد یا متشابه) و جز خردمندان پند نگیرند. (۸) (راسخان در علم می‌گویند): پروردگار! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌های ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی بیخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده‌ای. (۹) (راسخان علم در ادامه دعا گویند): پروردگار! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری. همانا خداوند وعده‌ی خود را تخلف نمی‌کند. (۱۰) همانا کسانی که کفر ورزیدند، نه اموالشان و نه فرزندان‌شان در برابر (عذاب) خدا (در قیامت) هیچ به کارشان نمی‌آید و آنان خود هیزم و سوخت آتشند. (۱۱) (شیوه کفار) مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند، پس خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان بگرفت. و خدا سخت کیفر است. (۱۲) به کسانی که کافر شدند بگو: به زودی شکست می‌خورید و به سوی جهنم رانده می‌شوید و چه بد جایگاهی است. (۱۳) به یقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبرو شدند، برای شما نشانه (و درس عبرتی) بود. گروهی در راه خدا نبرد می‌کردند و گروه دیگر که کافر بودند (در راه شیطان و هوس خود). کفار به چشم خود مسلمانان را دو برابر می‌دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می‌شد) و خداوند هر کس را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند. همانا در این امر برای اهل بینش، پند و عبرت است. (۱۴) عشق و علاقه به زنان و فرزندان پسر و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهارپایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته‌های نفسانی است، در نظر مردم جلوه یافته است، (در حالی که) اینها بهره‌ای گذرا از زندگانی دنیاست و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است. (۱۵) بگو: آیا شما را به بهتر از اینها (که محبوب شماست) خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا داشته باشند، نزد پروردگارشان باغهایی (بهشتی) است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است. برای همیشه در آنجا (بهره‌مند) هستند و همسرانی پاک (خواهند داشت) و رضا و خشنودی خداوند (شامل حالشان می‌شود) و خداوند به حال بندگان بیناست. (۱۶) (پرهیزگاران) کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگار! برآستی که ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما. (۱۷) (پرهیزگاران، همان) صابران و راستگویان و فرمان برداران فروتن و انفاق‌کنندگان و استغفارکنندگان در سحرها هستند. (۱۸) خدایی که همواره به عدل و قسط قیام دارد، گواهی داده که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز به یگانگی او گواهی داده‌اند) جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست. (۱۹) همانا دین (مورد پذیرش) نزد خداوند، اسلام (و تسلیم بودن در برابر فرمان خداوند) است و اهل کتاب اختلافی نکردند، مگر بعد از آنکه علم (به حقایق اسلام) برایشان حاصل شد، (این اختلاف) از روی حسادت و دشمنی میان آنان بود و هر کس به آیات خداوند کفر ورزد، پس (بداند که) همانا خداوند زود حساب است. (۲۰) (از این رو) پس اگر با تو به گفتگو و ستیز و محاجه برخاستند، (با آنها مجادله مکن و) بگو: من و پیروانم روی به خدا تسلیم کرده‌ایم. و به اهل کتاب (یهود و نصاری) و امینین (مشرکان بی‌سواد مکه) بگو: آیا شما هم (در برابر

خدا) تسلیم شده‌اید، پس اگر تسلیم شدند و اسلام آوردند همانا هدایت یافته‌اند، و اگر سرپیچی کردند (نگران مباش، زیرا) وظیفه‌ی تو فقط رساندن دعوت الهی است، (نه اجبار و اکراه) و خداوند به حال بندگان بیناست. (۲۱) براستی کسانی که به آیات خداوند کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و کسانی از مردم را که فرمان به عدالت می‌دهند می‌کشند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۲) آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و هیچ یاورانی برای آنها نیست. (۲۳) آیا ندیدی کسانی را که از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) بهره‌ای داده شدند، چون به کتاب الهی دعوت می‌شوند تا میانشان حکم کند، (و به اختلافات پایان دهد) گروهی از آنان (با علم و آگاهی) از روی اعراض روی برمی‌گردانند؟ (۲۴) این (روی گردانی از حکم خدا) برای آن بود که اهل کتاب گفتند: هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی‌رسد. و این افتراها (و خیالبافی‌ها) آنان را در دینشان فریفته ساخت. (۲۵) پس (کسانی که گمان می‌کنند از قهر خداوند دورند)، چگونه خواهد بود حالشان، آنگاه که آنان را در روزی که شکی در آن نیست، گرد آوریم و به هر کس در برابر آنچه تحصیل کرده، پاداش یا کیفر داده شود و به آنان ستم نخواهد شد. (۲۶) بگو: خداوند! تو صاحب فرمان و سلطنتی. به هر کس (طبق مصلحت و حکمت خود) بخواهی حکومت می‌دهی و از هر کس بخواهی حکومت را می‌گیری و هر که را بخواهی عزت می‌بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می‌نمایی، همه خیرها تنها به دست توست. همانا تو بر هر چیز توانایی. (۲۷) (خداوند!) تو شب را به روز و روز را به شب درآوری و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آوری و هر که را خواهی بی‌شمار روزی می‌دهی. (۲۸) نباید اهل ایمان، بجای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود برگزینند و هر کس چنین کند نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، مگر آنکه از کفار پروا و تقیه کنید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تر، موقتاً با آنها مدارا کنید) و خداوند شما را از (نافرمانی) خود هشدار می‌دهد و بازگشت (شما) به سوی خداوند است. (۲۹) بگو: اگر آنچه در سینه‌ها دارید پنهان سازید یا آشکارش نمایید، خداوند آن را می‌داند و (نیز) آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خدا بر هر چیز تواناست. (۳۰) روزی که هر کس، هر کار نیکی انجام داده حاضر بیابد و هر چه بدی کرده، آرزو می‌کندای کاش بین آن عمل و او فاصله‌ای دور می‌بود. و خداوند شما را از (مخالفت امرش) بر حذر می‌دارد و (در عین حال) خداوند به بندگان مهربان است. (۳۱) (ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند را دوست می‌دارید، پس مرا پیروی کنید، تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشد و خداوند بسیار بخشنده و مهربان است. (۳۲) بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی کردند، (بدانید که) همانا خداوند کافران را دوست نمی‌دارد. (۳۳) براستی که خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. (۳۴) فرزندان که بعضی از آنان از (نسل) بعضی دیگرند (از پدران برگزیده زاده شده و در پاکی همانند یکدیگرند) و خداوند شنوای داناست. (۳۵) (به یاد آور) هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! همانا من نذر کرده‌ام آنچه را در رحم دارم، برای تو آزاد باشد (و هیچگونه مسئولیتی به او نسپارم تا تمام وقت خود را صرف خدمت در بیت المقدس کند)، پس از من قبول فرما، که براستی تو شنوای دانایی. (۳۶) پس چون فرزند را به دنیا آورد گفت: پروردگارا! من دختر زاده‌ام - در حالی که خداوند به آنچه او زاده داناتر است و پسر مانند دختر نیست - و من نامش را مریم نامیدم و من او و فرزندان او را از (شر) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم. (۳۷) پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می‌شد، خوراکی (شگفت‌آوری) نزد او می‌یافت. می‌پرسید: ای مریم این (رزق تو) از کجاست؟! مریم در پاسخ می‌گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هر کس که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد. (۳۸) در این هنگام زکریا (که این همه کرامت و مائده آسمانی را دید) پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی. (۳۹) پس درحالی که زکریا در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق‌کننده‌ی (حقانیت) کلمه‌ی الله (حضرت مسیح) است و سید و سرور، و خویشتن دار (از زنان) و پیامبری از صالحان است. (۴۰) (زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من

پسری خواهد بود، در حالی که پیری من فرا رسیده و همسر من نازاست؟! (خداوند) فرمود: این چنین خداوند هر چه را بخواهد انجام می‌دهد. (۴۱) (زکریا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده (تا علم من به یقین و اطمینان تبدیل شود. خداوند) فرمود: نشانه‌ی تو آن است که تا سه روز با مردم سخن نگویی، مگر از طریق اشاره. (البته به هنگام ذکر خدا زبانت بازمی‌شود. پس) پروردگار خود را (به شکرانه‌ی این نعمت) بسیار یاد کن و هنگام شب و صبح او را تسبیح گوی. (۴۲) و (به یاد آور) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است. (۴۳) ای مریم! (به شکرانه این همه نعمت)، برای پروردگارت خضوع کن و سجده بجای آور و با رکوع کنندگان رکوع نما. (۴۴) اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می‌کنیم، حال آنکه تو نزد آنان نبودی، آنگاه که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی) می‌افکندند تا (به وسیله قرعه معلوم شود که کدامیک) کفالت مریم را بر عهده بگیرد و نزد آنها نبودی آنگاه که (برای گرفتن سرپرستی مریم) با هم کشمکش می‌کردند. (۴۵) (به یاد آور) آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه‌ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می‌دهد. او که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است. (۴۶) (آن فرزندی که به تو بشارت داده شد) در گهواره، (به اعجاز) و در میان سالی (به وحی) با مردم سخن می‌گویی و از شایستگان است. (۴۷) (مریم) گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی باشد، در حالی که هیچ انسانی با من تماس نداشته است؟ خداوند فرمود: چنین است (کار) پروردگار، او هر چه را بخواهد می‌آفریند. هرگاه اراده کاری کند، فقط به آن می‌گوید: باش، پس (همان لحظه) موجود می‌شود. (۴۸) و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می‌آموزد. (۴۹) و (عیسی را به) پیامبری به سوی بنی‌اسرائیل (فرستاد تا بگوید) که همانا من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام. من از گل برای شما (چیزی) به شکل پرند می‌سازم، پس در آن می‌دمم، پس به اراده و اذن خداوند پرند می‌گردد. و همچنین با اذن خدا کور مادر زاد و مبتلایان به پستی را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم، راستی اگر ایمان داشته باشید در این معجزات برای شما نشانه و عبرتی است. (۵۰) (عیسی فرمود:) من تصدیق‌کننده توراتی هستم که پیش‌روی من است و (آمده‌ام) تا برخی از چیزهایی که بر شما (به عنوان تنبیه) حرام شده بود برایتان حلال کنم. و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورم. پس، از خداوند پروا و از من اطاعت کنید. (۵۱) به راستی که خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این راه مستقیم است. (۵۲) پس چون عیسی از آنان (بنی‌اسرائیل) احساس کفر کرد، گفت: کیانند یاران من (در حرکت) به سوی خدا؟ حواریون (که شاگردان مخصوص او بودند) گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم که به خداوند ایمان آورده‌ایم، و تو (ای عیسی!) گواهی ده که ما تسلیم (خدا) هستیم. (۵۳) پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آورده‌ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس. (۵۴) و (دشمنان عیسی) تدبیر خود را (برای کشتن او) بکار بستند. خداوند نیز تدبیر خود را (برای حفظ او) بکار برد و خداوند بهترین تدبیرکننده است. (۵۵) (به یاد آور) هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را (از زمین) برگرفته و به سوی خود بالا- می‌برم و تو را از کسانی که کافر شده‌اند، پاک می‌کنم و تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری خواهم داد. سپس بازگشت شما به سوی من است، پس در آنچه اختلاف می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد. (۵۶) و اما گروهی که کافر شدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت عذابشان می‌کنم و برای آنها هیچ یاورانی نیست. (۵۷) و ایا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پاداش‌های آنها را (خدا) بطور کامل خواهد داد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد. (۵۸) (ای پیامبر!) آنچه بر تو می‌خوانیم، آیه‌ها و اندرز حکمت آمیز است. (۵۹) همانا مثل (آفرینش) عیسی نزد خداوند، همچون مثل (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. (۶۰) حق، همان است که از جانب پروردگار توست، پس از تردید کنندگان مباش. (۶۱) پس هر که با تو، بعد از علم و دانشی که به تو رسیده است، درباره او (عیسی) به ستیز و محاجه برخیزد (و از قبول حق شانه خالی کند) بگو: بیائید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان را (کسی که به منزله خودمان است)

و خودتان را بخوانیم، سپس (به درگاه خدا) مباحله و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (۶۲) به راستی، داستانِ درست (زندگی مسیح) همین است و هیچ معبودی جز خداوند نیست و همانا خداست مقتدر حکیم. (۶۳) پس اگر از حق روی گردان شدند، همانا خداوند به (کار و حال) مفسدین آگاه است. (۶۴) بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیابید که میان ما و شما مشترک است. جز آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباز زدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم. (۶۵) ای اهل کتاب! چرا درباره‌ی ابراهیم گفتگو و نزاع می‌کنید؟ (و هر کدام او را پیرو آیین خود می‌دانید) در حالی که تورات و انجیل، پس از او نازل شده است، چرا تعقل نمی‌کنید؟ (۶۶) هان (ای اهل کتاب!) شما همانان هستید که درباره (حضرت عیسی و) آنچه بدان علم داشتید محاجه و نزاع کردید، پس چرا درباره (ابراهیم و) آنچه بدان علم ندارید نزاع می‌کنید؟ در حالی که خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. (۶۷) (برخلاف ادعای یهودیان و مسیحیان)، ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او فردی حق‌گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود. (۶۸) همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند، و خداوند سرور و سرپرست مؤمنان است. (۶۹) گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند، ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و (این را) نمی‌فهمند. (۷۰) ای اهل کتاب چرا به آیات خداوند (و نشانه‌های نبوت رسول خدا) کفر می‌ورزید، در حالی که خود (به درستی آن) گواهیده‌اید. (۷۱) ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و (یا) حق را کتمان می‌کنید، در حالی که خود (به حقیقت آن) آگاهید. (۷۲) و گروهی از اهل کتاب گفتند: به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز روز ایمان آورید و در پایان روز کافر شوید، شاید (با این حيله آنها از اسلام) باز گردند. (۷۳) (بزرگان یهود، برای جلوگیری از گرایش یهود به اسلام، به آنان می‌گفتند:) جز به کسی که آیین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید. (زیرا دین حق منحصر به ماست. ای پیامبر! به آنان) بگو: راه سعادت راهی است که خدا بنماید (و مانعی ندارد) که به امتی دیگر نیز همانند آنچه (از کتاب و شریعت) به شما داده شده، داده شود، تا در نزد پروردگار با شما احتجاج کنند. (همچنین ای پیامبر! به آنان) بگو: فضل و رحمت بدست خداست، او به هر که بخواهد عطا می‌کند و خداوند دارای رحمت وسیع و علم بی‌انتهاست. (۷۴) (خداوند) هر که را بخواهد به رحمت خویش اختصاص دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (۷۵) و از اهل کتاب کسانی هستند که اگر او را بر اموال بسیاری امین گردانی، به تو بازمی‌گرداند و بعضی از آنان (به قدری نادرستند که) اگر او را بر دیناری امین گردانی، آن را به تو بر نمی‌گرداند، مگر آنکه (برای مطالبه آن) دائماً بالای سر او بایستی، این (خیانت در امانت)، به جهت آن است که گفتند: درباره‌ی امین (غیر اهل کتاب) هر چه کنیم بر ما گناهی نیست، در حالی که آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می‌بندند. (۷۶) آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و تقوا داشته باشد، پس بی‌گمان خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد. (۷۷) همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خودشان را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنان برایشان نصیبی در آخرت نیست و خداوند در قیامت با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان نیز نظر (لطف) نمی‌کند، آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و برای آنان عذابی دردناک است. (۷۸) و همانا از ایشان (اهل کتاب) گروهی هستند که زبان خود به خواندن کتاب (و دست نوشته‌ی خودشان چنان) می‌چرخانند که شما گمان کنید آن از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب نیست و می‌گویند: آن (چه ما می‌خوانیم) از جانب خداست، در حالی که از جانب خدا نیست و آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می‌بندند. (۷۹) هیچ (پیامبر و) بشری که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت داده است، حق ندارد به مردم بگوید: به جای خدا، بندگان من باشید. بنابراین (شما دانشمندان اهل کتاب به طریق اولی چنین حقی ندارید، بلکه باید) به خاطر سابقه‌ی آموزش کتاب و تدریسی که دارید، ربّانی باشید. (۸۰) و (خداوند) به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و انبیا را ارباب خود قرار دهید، آیا ممکن است پس از آنکه تسلیم خدا شدید، او شما را به کفر فرمان دهد؟ (۸۱) و (به یاد آور) هنگامی که خداوند از پیامبران (پیشین) پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد

که آنچه را با شماست تصدیق می‌کرد، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. (سپس خداوند) فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا (بر دوش) می‌گیرید؟ (انبیاء در جواب) گفتند: (بلی) اقرار داریم، (خداوند) فرمود: خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم. (۸۲) پس کسانی که بعد از این (پیمان محکم)، روی برگردانند، آنان همان فاسقانند. (۸۳) پس آیا آنها جز دین خدا (دینی) می‌جویند؟ در حالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوند. (۸۴) بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از طرف پروردگارشان داده شده (به همه‌ی آنها) ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما تنها تسلیم (فرمان) او هستیم. (۸۵) و هر کس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او قبول نمی‌شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود. (۸۶) چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حقانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند، و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۸۷) آنان (که با آن همه دلایل روشن و سابقه‌ی ایمان، مرتد شدند)، کیفرشان آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد. (۸۸) آنها همواره مورد لعن (خدا و فرشتگان و مردم) هستند، نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود. (۸۹) مگر کسانی که پس از آن، (از کفر و ارتداد) توبه نمایند و (کردار و افکار خود را) اصلاح نمایند، که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۹۰) البته کسانی که پس از ایمان آوردن، کافر شدند و سپس بر کفر خود افزودند، هرگز توبه‌ی آنها پذیرفته نخواهد شد و آنها همان گمراهانند. (۹۱) همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر (بدون توبه) مردند، اگر چه زمین را پر از طلا کرده و به عنوان فدیة و باز خرید (از عذاب) بدهند، هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نمی‌شود. آنان را عذابی دردناک است و برایشان هیچ یآوری نیست. (۹۲) هرگز به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هر چه را انفاق کنید، قطعاً خداوند به آن آگاه است. (۹۳) همه‌ی غذاها و خوارکی‌ها برای بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنچه را اسرائیل (یعقوب) پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود، بگو: اگر راست می‌گویید (که اینها از قبل در تورات حرام بوده است)، تورات را بیاورید و آن را تلاوت کنید (تا ببینید بسیاری از چیزها را بدون نزول وحی از پیش خود، بر خودتان حرام کرده‌اید). (۹۴) پس بعد از این، هر کسی بر خدا به دروغ افترا ببندد، آنان ستمگران هستند. (۹۵) (ای پیامبر!) بگو: خداوند راستگو است، پس از آیین ابراهیم حقاقتاً پیروی کنید که او از مشرکان نبود. (۹۶) همانا اولین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است، که مایه‌ی برکت و هدایت جهانیان است. (۹۷) در آن (خانه) نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس به آن درآید، در امان است و برای خدا بر عهده‌ی مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند، (البته) هر که توانایی این راه را دارد. و هر کس کفر (و با داشتن توانایی به حج نرود، بداند که) همانا خداوند از همه‌ی جهانیان بی‌نیاز است. (۹۸) بگو: ای اهل کتاب، چرا به آیات خداوند کفر می‌ورزید، با آنکه خداوند بر اعمال شما گواه است. (۹۹) بگو: ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده‌اند از راه خدا باز می‌دارید و می‌خواهید که آن (طریقه‌ی الهی) کج باشد، در حالی که خود شما گواهیید (که راه آنان درست است) و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۱۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را بعد از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند. (۱۰۱) و چگونه شما کفر می‌ورزید، در حالی که آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و رسول او در میان شماست و هر کس به (دین و کتاب) خدا تمسک جوید، پس قطعاً به راه مستقیم هدایت شده است. (۱۰۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند پروا کنید آن گونه که سزاوار تقوای اوست و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید. (۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید هدایت شوید. (۱۰۴) و از

میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. (۱۰۵) و مانند کسانی نباشید که بعد از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، باز هم اختلاف کرده و پراکنده شدند و آنان برایشان عذابی بزرگ است. (۱۰۶) (قیامت) روزی (است) که صورت‌هایی سفید و نورانی، و صورت‌هایی سیاه می‌شوند. پس کسانی که روسیاه شدند، (از آنان سؤال می‌شود): آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به خاطر کفرتان عذاب الهی را بچشید. (۱۰۷) و اما آنان که روسفید شدند، غرق در رحمت خدا شده و در آن جاودانه‌اند. (۱۰۸) اینها آیات خداوند است که ما آن را به حق بر تو می‌خوانیم و خداوند هیچ ستمی را بر جهانیان نمی‌خواهد. (۱۰۹) و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست و بازگشت همه امور تنها به سوی خداست. (۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (و گزیده) شده‌اید. به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب (نیز به چنین آئین درخشانی) ایمان آورده بودند، قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمنند، ولی بیشترشان فاسق‌اند. (۱۱۱) آنها (اهل کتاب) جز آزاری اندک، هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند، به شما پشت کرده و بگریزند، آنگاه هیچ یاری نشوند. (۱۱۲) (دشمنان شما به قدری ترسو و زبون هستند که) هر کجا یافت شوند، مهربانانه بر آنها خورده است، مگر آنکه به ریسمان (امان) الهی چنگ زنند (و از انحراف و فسق دست برداشته، ایمان آورند) و با مردم پیوندی برقرار کنند. آنها گرفتار خشم خدا گشتند و مهر بیچارگی بر آنها زده شد. این به خاطر آن بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این بدان سبب بود که عصیان ورزیده و تجاوز می‌کردند. (۱۱۳) اهل کتاب همه یکسان نیستند، طایفه‌ای از آنها (به طاعت خدا) ایستاده، آیات الهی را در دل شب تلاوت می‌کنند و سر به سجده می‌نهند. (۱۱۴) آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر شتاب می‌ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته هستند. (۱۱۵) و آنچه از خیر انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نینند و خداوند به (حال) پرهیزکاران داناست. (۱۱۶) همانا کسانی که کافر شدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی از (عذاب) خدا را از آنان دفع نخواهد کرد و آنها همدم آتشند، همواره در آن ماندگار. (۱۱۷) مثل آنچه در این زندگی دنیا انفاق می‌کنند، چون مثل بادی است که در آن سرما و یا گرمای شدیدی باشد، بر کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند بوزد، پس آن را از بین ببرد. خداوند به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان به خویشتن ستم می‌کنند. (۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان همراز نگیرید. آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند، آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از (گفتار) دهانشان پیداست و آنچه دل‌هایشان در بردارد، بزرگتر است. به تحقیق ما آیات (روشنگر و افشاگر توطئه‌های دشمن) را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید. (۱۱۹) هان (ای مسلمانان)! این شماست که آنان را دوست می‌دارید، ولی آنها شما را دوست نمی‌دارند، در حالی که شما به همه‌ی کتاب‌ها (ی آسمانی) ایمان دارید (ولی آنها به کتاب شما ایمان نمی‌آورند). و هرگاه با شما دیدار کنند (منافقانه) می‌گویند: ما ایمان آوردیم، و چون (با هم) خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند. بگو: به خشمستان بمیرید، همانا خداوند به درون سینه‌ها آگاه است. (۱۲۰) اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیز کار باشید، حیل‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچ آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد. (۱۲۱) و (به یاد آور) هنگامی که بامدادان (برای جنگ احد) از نزد خانواده‌ات بیرون شدی (تا) مؤمنان را در مراکزی برای جنگیدن جای دهی، و خداوند (به گفتار و کردار شما) شنوا و داناست. (۱۲۲) آنگاه که دو گروه از شما بر آن شدند که (در جنگ) سستی نمایند، اما خداوند ولی آنان بود (و به آنان کمک کرد که از این فکر باز گردند)، پس مؤمنان تنها به خدا توکل کنند. (۱۲۳) و همانا خداوند شما را در جنگ بدر در حالی که ناتوان بودید یاری کرد، پس از خداوند پروا کنید، باشد که سپاس‌گزاری نمائید. (۱۲۴) و (به یاد آور) هنگامی که به مؤمنان می‌گفتی: آیا شما را کفایت نمی‌کند که پروردگارتان شما را به سه هزار فرشته‌ی فرود آمده یاری کند؟ (۱۲۵) البته اگر صبر و مقاومت کنید و

پرهیزگاری نمایند (گرچه) دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند. (۱۲۶) و خداوند این (نزول فرشتگان) را جز مژده و بشارتی برای شما قرار نداد، تا دل‌های شما بدان آرام گیرد و (بدانید که) هیچ پیروزی نیست مگر از جانب خداوند عزیز و حکیم. (۱۲۷) (امدادهای الهی برای آن بود) تا بعضی از کفار را ریشه کن کند یا ناکام و ذلیلشان گرداند که ناامید بر گردند. (۱۲۸) هیچ امری (از هدایت یا کیفر مردم) در اختیار تو نیست. (تنها خداوند است که) یا لطف خود را بر آنها برمی‌گرداند یا عذابشان می‌کند، زیرا آنان ستمکارند. (۱۲۹) و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. او (طبق حکمت خود) هر کس را بخواهد می‌بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بخشنده‌ی مهربان است. (۱۳۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و بهره‌ی پول) را با افزودن‌های مکرر نخورید، از خدا پروا کنید تا شاید رستگار شوید. (۱۳۱) و از آتشی که برای کافران آماده شده است. پرهیزید. (۱۳۲) و خدا و رسول را اطاعت کنید، شاید مورد رحمت قرار گیرید. (۱۳۳) برای نیل به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به قدر آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده گردیده، بشتابید. (۱۳۴) (متقین) کسانی هستند که در راحت و رنج انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از (خطای) مردم می‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۳۵) (افراد با تقوا) کسانی هستند که هرگاه کار زشتی انجام دهند و یا به خویشتن ستم کنند، خدا را یاد کرده و برای گناهان خود استغفار می‌کنند. و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد؟ و (متقین) چون به زشتی گناه آگاهند بر انجام آنچه کرده‌اند، پافشاری ندارند. (۱۳۶) پاداش آنان (متقین) از طرف پروردگارشان، مغفرت و باغ‌هایی است که از زیر درختان آنها نهرها جاری است و برای همشیه در آن (باغ‌ها) هستند و چه نیکوست پاداش اهل عمل. (۱۳۷) به یقین پیش از شما سنت‌هایی بوده (و سپری شده) است. پس در روی زمین گردش کنید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. (۱۳۸) این (قرآن) برای همه‌ی مردم بیانی روشنگر، ولی برای متقین (وسیله‌ی) هدایت و پندآموزی است. (۱۳۹) و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید. (۱۴۰) اگر (در جنگ احد) به شما جراحتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است. و ما روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم می‌گردانیم تا خداوند (با امتحان) کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم دارد و از شما گواهانی (بر دیگران) بگردد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد. (گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند) (۱۴۱) و (فراز و نشیب‌های جنگ برای آن است) تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص، و کافران را (به تدریج) محو و نابود گرداند. (۱۴۲) آیا گمان دارید که (با ادعای ایمان) وارد بهشت شوید، در حالی که هنوز خداوند مجاهدان از شما و صابران را معلوم نساخته است؟ (۱۴۳) همانا شما مرگ (و شهادت) را (پس از جنگ بدر) پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو می‌کردید، پس آن را (در جنگ احد) دیدید، ولی (ناخوشایند به آن) نگاه می‌کردید. (۱۴۴) و محمد جز پیامبری نیست که پیش از او نیز پیامبران (دیگری آمده) و در گذشته‌اند. (بنابراین مرگ برای انبیا نیز بوده و هست)، پس آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به (آئین) گذشتگان خود برمی‌گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، پس هرگز هیچ ضرری به خداوند نمی‌زند و خداوند بزودی پاداش شاکران را خواهد داد. (۱۴۵) هیچ کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، (و این) سرنوشتی است تعیین شده. و هر کس پاداش دنیا را بخواهد از آن به او می‌دهیم، و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می‌دهیم، و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۶) و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد. (۱۴۷) و کلام آنها (رزمندگان مخلص و آگاه) جز این نبود که گفتند: «پروردگارا گناهانمان و زیاده‌روی‌هایمان را در کارمان ببخش و گامهای ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده. (۱۴۸) پس خداوند پاداش دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید، شما را به آئین گذشتگان کافرتان برمی‌گرداند، پس به خسارت و زیانکاری باز خواهید گشت. (۱۵۰) (از آنها که دوستدار شما نیستند پیروی

نکنید، بلکه خداوند مولای شماست و او بهترین یاوران است. (۱۵۱) بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، بیم خواهیم افکند، زیرا چیزی را با خدا شریک کرده‌اند که بر (حقانیت) آن (خداوند) دلیلی نازل نکرده است و جایگاه آنان آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران. (۱۵۲) و قطعاً خداوند وعده‌ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ اُحد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می‌کشید، تا آنکه سست شدید و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آنکه خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غن ائمه) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی)، و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا). پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید)، تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما در گذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است. (۱۵۳) (به خاطر بی‌اورید) هنگامی که (در جنگ اُحد به هنگام فرار، از کوه) بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید، (در حالی که) پیامبر شما را از پشت سرتان فرامی‌خواند (که به جای خود برگردید). پس به سزای آن، خداوند غمی بر غم‌هایتان افزود تا دیگر بر آنچه (از غنائم) از گفتان رفته یا (از آسیب و زخم) بر سرتان آمد، اندوه نخورید و (بدانید که) خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۵۴) سپس (خداوند) به دنبال آن غم، آرامشی (به گونه‌ی) خوابی سبک بر شما فرو فرستاد که گروهی از شما را فراگرفت (و با آن، خستگی و اضطراب از تن شما بیرون رفت. این آرامش برای کسانی بود که از فرار خود در اُحد ناراحت و تائب بودند)، ولی گروه دیگر که هم‌تشان (حفظ) جان خودشان بود و به (وعده‌های) خدا همچون دوران جاهلیت گمان نداشتند، (به طعنه) می‌گفتند: آیا چیزی از امر (نصرت الهی) با ماست؟ بگو: براستی که امر (پیروزی) همه‌اش بدست خداست. آنها در دل‌های خود چیزی را مخفی می‌کنند که برای تو آشکار نمی‌کنند، می‌گویند: اگر در تصمیم‌گیری (برای شیوه جنگ)، حقی برای ما بود، ما در اینجا کشته نمی‌شدیم. (به آنان) بگو: اگر در خانه‌هایتان نیز بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، به سوی قتلگاه خود روانه می‌شدند و (حادثه اُحد) برای آن است که آنچه را در سینه‌های شماست، خدا بیازماید و آنچه را در دل دارید، پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در سینه‌هاست داناست. (۱۵۵) همانا کسانی از شما که روز برخورد دو سپاه (در اُحد، از جنگ) روی برگرداندند (و فرار کردند)، جز این نبود که شیطان به خاطر بعضی از کردار (ناپسند)شان آنها را لغزاید و البته خداوند از آنها گذشت، براستی که خداوند آمرزنده‌ی بردبار است. (۱۵۶) ای کسانی که ایمان آوردید! مانند کسانی که کفر ورزیدند نباشید که درباره‌ی برادران خود، که به سفر رفته یا رزمنده بودند، گفتند: اگر نزد ما بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. (بلکه با دلگرمی به جبهه بروید) تا خداوند آن (شجاعت و شهادت‌طلبی شما) را در دل‌های کفار (و منافقان) مایه‌ی حسرت (رسیدن به هدفشان) قرار دهد و خداوند (است که) زنده می‌کند و می‌میراند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۱۵۷) و اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید (زیان نکرده‌اید، زیرا) آمرزش و رحمت خداوند از آنچه (آنان در طول عمر خود) جمع می‌کنند، بهتر است. (۱۵۸) و اگر بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خداوند برانگیخته می‌شوید. (۱۵۹) (ای رسول ما!) پس به خاطر رحمتی از جانب خدا (که شامل حال تو شده)، با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند. پس از (تقصیر) آنان در گذر و برای آنها طلب آمرزش کن و در امور با آنان مشورت نما، پس هنگامی که تصمیم‌گرفتی (قاطع باش و) بر خداوند توکل کن. براستی که خداوند توکل‌کنندگان رادوست می‌دارد. (۱۶۰) اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر شما را خوار کند، پس چه کسی است که بعد از آن بتواند شما را یاری کند؟ (بنابراین) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند. (۱۶۱) و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت کند و هر کس خیانت کند، آنچه را که (در آن) خیانت نموده روز قیامت به همراه آورد، سپس به هر کس پاداش کامل آنچه کسب کرده، داده شود و آنها ستم‌نینند. (۱۶۲) آیا کسی که در پی خشنودی خداوند است، مانند کسی است که به خشم و غضب خدا دچار گشته و جایگاه او جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است. (۱۶۳) آنان نزد خداوند (دارای) درجاتی هستند و خداوند به آنچه انجام می‌دهند،

بیناست. (۱۶۴) همانا خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنها تلاوت کند و ایشان را پاک کرده و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند که پیش از آن، قطعاً آنها در گمراهی آشکار بودند. (۱۶۵) آیا چون مصیبتی (در جنگ احد) به شما رسید که دو برابرش را (در جنگ بدر) به آنها (دشمن) وارد ساخته بودید، گفتند: این مصیبت از کجاست؟ (و چرا به ما رسید؟) بگو: آن از سوی خودتان است. قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۶۶) و آنچه روز مقابله‌ی دو گروه (کفر و ایمان در احد) به شما وارد شد، به اذن خدا بود (تا شما را آزمایش کند) و مؤمنان را مشخص کند. (۱۶۷) و چهره‌ی منافقان معلوم شود، (کسانی که چون) به آنها گفته شد: بیایید شما (هم مثل دیگران) در راه خدا بجنگید و یا (لااقل از حریم خود) دفاع کنید، گفتند: اگر (فنون) جنگی را می‌دانستیم، حتماً از شما پیروی می‌کردیم. آنها در آن روز، به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. با دهانشان چیزی می‌گویند که در دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند آگاه‌تر است. (۱۶۸) منافقان کسانی هستند که (بعد از پایان جنگ احد، دست به تبلیغات یأس آور زده و در حالی که خود از جنگ سر باز زده و در خانه‌های) خود نشستند و در حق برادران خود گفتند: اگر از ما پیروی می‌کردند کشته نمی‌شدند. به آنان بگو: اگر راست می‌گویید، مرگ را از خودتان باز دارید. (۱۶۹) و هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند؛ بلکه آنها زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (۱۷۰) آنان بخاطر آنچه خداوند از فضلش به آنها داده، شادمانند و به کسانی که به دنبال ایشانند، ولی هنوز به آنها ملحق نشده‌اند، مژده می‌دهند که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت. (۱۷۱) به نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌کند، (آیندگان را) مژده می‌دهند. (۱۷۲) آنان که دعوت خدا و رسول را (برای شرکت دوباره در جهاد علیه کفار) پذیرفتند، با آنکه جراحاتی به آنان رسیده بود، برای نیکوکاران و پرهیزکاران آنها، پاداش بزرگی است. (۱۷۳) مؤمنان کسانی هستند که (چون) مردم (منافق) به ایشان گفتند: بی‌شک مردم (کافر مکّه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده)‌اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود و گفتند: خداوند ما را کفایت می‌کند و او چه خوب نگهبان و یآوری است. (۱۷۴) پس (این مجروحینی که برای بار دوم آماده دفاع شدند؛ بدون رخ دادن عملیاتی) با نعمت و فضل خداوند (به مقر خود) بازگشتند، در حالی که هیچ‌گزندی به آنها نرسید و (همچنان) از رضای پروردگار پیروی کردند و خداوند صاحب فضل بزرگی است. (۱۷۵) این شیطان است که دوستان خویش را (از قدرت کفار) می‌ترساند، پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید. (۱۷۶) و (ای پیامبر!) کسانی که در کفر می‌شتابند، ترا اندوهگین نکنند. آنان هرگز به خداوند ضرری نمی‌زنند. خداوند خواسته است که برای آنها هیچ بهره‌ای در قیامت قرار ندهد و برای آنان عذابی بزرگ است. (۱۷۷) قطعاً کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند، هرگز به خداوند ضرری نمی‌رسانند و برای آنان عذاب دردناکی است. (۱۷۸) و کسانی که کافر شدند، مپندارند مهلتی که به آنان می‌دهیم برایشان خوب است، همانا به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند و برای آنان عذابی خوارکننده است. (۱۷۹) خداوند بر آن نیست که (شما) مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر اینکه (با پیش آوردن آزمایش‌های پی در پی)، ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد، ولی از پیامبرانش، هر که را بخواهد (برای آگاهی از غیب) برمی‌گزیند، پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید و (بدانید) اگر ایمان آورده و تقوا پیشه کنید، پس برای شما پاداش بزرگی خواهد بود. (۱۸۰) و کسانی که نسبت به (انفاق) آنچه خداوند از فضلش به آنان داده، بخل می‌ورزند، گمان نکنند که (این بخل) برای آنان بهتر است، بلکه آن برایشان بدتر است. به زودی آنچه را که بخل کرده‌اند در روز قیامت، (به صورت) طوقی بر گردنشان آویخته می‌شود. و میراث آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۸۱) همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم، شنید. به زودی این سخن آنان، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و به آنان خواهیم گفت: بچشید عذاب آتش سوزان را. (۱۸۲) آن (عذاب) به سبب دست آورد قبلی خودتان است و همانا خداوند نسبت به بندگان، ستمگر

نیست. (۱۸۳) کسانی که گفتند: همانا خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر آنکه (به صورت معجزه) یک قربانی برای ما بیاورد، که آتش (صاعقه آسمانی) آن را بخورد! بگو: (این حرف‌ها بهانه است)، بی گمان پیامبرانی پیش از من، با دلائلی روشن و (حتی) با همین (پیشنهادی) که گفتید، برای شما آمدند، پس اگر راست می گوئید چرا آنان را کشتید؟ (۱۸۴) (بنابراین) پس اگر تو را تکذیب کردند (چیز تازه‌ای نیست، زیرا) انبیای قبل از تو نیز که همراه با معجزات و نوشته‌ها و کتاب روشنگر آمده بودند، تکذیب شدند. (۱۸۵) هر کسی چشمنده‌ی مرگ است. و بی گمان روز قیامت پاداش‌های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد. پس هر کس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا، جز مایه‌ی فریب نیست. (۱۸۶) قطعاً شما در اموال و جان‌های خویش آزمایش خواهید شد و از کسانی که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده‌اند و از کسانی که شرک ورزیده‌اند، آزار بسیاری می شنوید و اگر صبوری و پرهیزگاری پیشه کنید، پس قطعاً آن (صبر، نشانه‌ی) عزم استوار شما در کارهاست. (۱۸۷) و (به یاد آور) زمانی که خداوند از کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمان‌ش نکنید، پس آنها آن (عهد) راپشت سر خویش انداختند و به بهای کمی مبادله کردند، پس چه بد معامله‌ای کردند. (۱۸۸) گمان مبر کسانی که به آنچه کرده‌اند، شادمانی می کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده‌اند ستایش شوند، میندار که آنها از عذاب الهی رسته‌اند، (زیرا) برای آنها عذابی دردناک است. (۱۸۹) و حکومت آسمان‌ها و زمین برای خداست و خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۹۰) همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه‌هایی (از علم، رحمت، قدرت، مالکیت، حاکمیت و تدبیر خداوند) برای خردمندان است. (۱۹۱) (خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می کنند (و از عمق جان می گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی‌هدف نیافریده‌ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار. (۱۹۲) پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته‌ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست. (۱۹۳) پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می گفت): به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرز و زشتی‌های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران. (۱۹۴) (خردمندان می گویند): پروردگارا! آنچه را به واسطه‌ی پیامبرانت به ما وعده داده‌ای، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز، که البته تو خلاف وعده انجام نمی دهی. (۱۹۵) پس پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد (و فرمود): که من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، خواه مرد یا زن، (گرچه) همه از یکدیگرید، تباہ نمی کنم (و بی پاداش نمی گذارم). پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌هایشان رانده شده و در راه من آزار و اذیت دیده، جنگیده و کشته شدند، قطعاً من لغزش‌هایشان را می پوشانم و در باغ‌هایی که نهرها از زیرشان جاری است، واردشان می کنم. (این) پاداشی است از طرف خدا، و پاداش نیکو تنها نزد خداست. (۱۹۶) رفت و آمد کفار در شهرها ترا فریب ندهد. (۱۹۷) (بهره‌ی آنها از این رفت و آمدها) متاع ناچیزی است، سپس جایگاه ابدی آنان جهنم است که بد جایگاهی است. (۱۹۸) لکن برای کسانی که نسبت به پروردگارشان پروا داشته باشند، باغ‌هایی است که نهرها از زیر درختانش جاری است. آنان برای همیشه در آنجا هستند و این پذیرایی (اولیه) از جانب خداوند است، ولی آنچه در نزد خداست برای نیکان بهتر است. (۱۹۹) و همانا بعضی از اهل کتاب، کسانی هستند که به خداوند و آنچه به شما نازل شده و آنچه به خودشان نازل شده، خاشعانه ایمان می آورند. آیات الهی را به بهای اندک معامله نمی کنند. آنها هستند که برایشان نزد پروردگارشان پاداش است. همانا خداوند سریع الحساب است. (۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید. (۲۰۱)

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، آن کس که شما را از یک نفس آفرید و همسرش را نیز از (جنس) او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را (در روی زمین) پراکنده ساخت و از خدایی که (با سوگند) به او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید. و (نسبت) به ارحام نیز تقوا پیشه کنید (و قطع رحم نکنید) که خداوند همواره مراقب شماست. (۲) و اموال یتیمان را به آنان (باز) دهید و اموال بد (خودتان) را با اموال خوب (یتیمان) تبدیل نکنید و اموال آنان را با اموال خود نخورید، همانا این (تصرفات ظالمانه) گناهی بزرگ است. (۳) و اگر می ترسید که عدالت را درباره‌ی (ازدواج با) دختران یتیم مراعات نکنید، (از ازدواج با آنان صرف نظر نمایید و) با زنان دلخواه (دیگر) ازدواج کنید، دوتا، سه تا، یا چهار تا. پس اگر ترسیدید که (میان همسران) به عدالت رفتار نکنید، پس یک همسر (کافی است) یا (به جای همسر دوم از) کنیزی که مال شماست (کام بگیرید، گرچه کنیز هم حقوقی دارد که باید مراعات شود) این نزدیک تر است که ستم نکنید. (۴) و مهر و کابین زنان را به صورت هدیه و با رغبت بدهید و اگر با میل و رغبت خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید. (۵) و اموال خود را که خداوند وسیله‌ی برپائی زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان ندهید (ولی) رزق و مخارج آنان را از درآمد آن بدهید و آنان را بپوشانید و با آنان سخن شایسته و نیکو بگویید. (۶) و یتیمان را بیازمایید، تا هنگامی که به (سن بلوغ و ازدواج) برسند، پس اگر در آنان رشدی (فکری) یافتید، اموالشان را به ایشان برگردانید و آن را به اسراف و شتاب، از (بیم) اینکه بزرگ شوند (و اموالشان را از شما بگیرند) مصرف نکنید. و هر (قیم و سرپرستی) که بی نیاز است، عفت به خرج دهد (و از گرفتن حق الزحمه‌ی امور یتیمان چشم پوشد) و آن که نیازمند است، به مقدار متعارف (در برابر نگهداری از مال یتیم) می تواند ارتزاق کند. پس هرگاه اموالشان را به آنان رد کردید، (افرادی را) بر آنان گواه و شاهد بگیرید. (این گواهی برای حفظ حقوق یتیمان است، و گرنه) خدا برای محاسبه کافی است. (۷) برای مردان، از آنچه پدر و مادر و نزدیکان، (پس از مرگ) بر جای گذاشته اند سهمی است، و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته اند، سهمی است، خواه (مقدار مال) کم باشد یا زیاد، سهمی معین و مقرر است. (۸) و اگر هنگام تقسیم (ارث) خویشاوندانی (که ارث نمی برند) و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، پس چیزی از آن مال به آنان روزی دهید و با آنان پسندیده سخن بگوئید. (۹) و کسانی که اگر پس از خود فرزندان ناتوانی به یادگار بگذارند، بر (فقر آینده) آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم نیز) بترسند. از خداوند پروا کنند و سخنی استوار گویند. (۱۰) همانا، آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند، در حقیقت، آتشی را در شکم خود فرو می برند و بزودی در آتشی افروخته وارد خواهند شد. (۱۱) خداوند درباره (ارث) فرزندانان به شما سفارش می کند، برای پسر مانند سهم دو دختر است، پس اگر وارثان از جنس زن و بیش از دو نفر باشند، دوسوم میراث، سهم آنان است و اگر یکی باشد، نصف میراث از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر (میت)، یک ششم میراث است، اگر میت، فرزندی داشته باشد. اما اگر فرزندی نداشته و پدر و مادر، تنها وارث او باشند، مادر یک سوم می برد (و باقی برای پدر است) و اگر متوفی برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد. (البته تقسیم ارث) پس از عمل به وصیتی است که او (متوفی) سفارش کرده یا پرداخت بدهی اوست. شما نمی دانید پدران و پسرانان، کدامیک برایتان سودمندترند. این احکام، از سوی خدا واجب شده است، همانا خداوند دانا و حکیم است. (۱۲) و برای شما (مردان) نصف ارثی است که همسرانان به جا گذاشته اند، اگر آنان فرزندی نداشته باشند، (هر چند از شوهر دیگر)، ولی اگر برای آنان فرزندی باشد، سهم شما یک چهارم از میراث است، البته پس از عمل به وصیتی که کرده اند یا ادای دینی که دارند و (اما اگر شوهر از دنیا رفت) سهم زنان یک چهارم از چیزی است که به جا گذاشته اید، البته اگر فرزندی نداشته باشید، ولی اگر فرزندی داشته باشید (اگر چه از همسر دیگر) سهم همسران یک هشتم از چیزی است که بر جای نهاده اید. (این تقسیم) پس از عمل به وصیت یا پرداخت دینی است که دارید و اگر مرد یا زنی که از او ارث می برند کلاله باشد (یعنی والدین و فرزندی نداشته باشد) و برای او برادر و خواهر

باشد، برای هر یک از آنان یک ششم است و اگر آنان (خواهر و برادر) بیش از یکی باشند، همه آنان در یک سوم، به تساوی شریکند، (البته) پس از انجام وصیت میت یا ادای دین او، بی آنکه وصیت، ضرر به وارث داشته باشد. این، سفارشی از سوی خداست و خداوند، دانا و بردبار است. (۱۳) آن (چه گفته شد)، حدود و مقررات الهی است و هر کس از خدا و رسولش پیروی کند خداوند او را به باغهایی وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است، آنان همیشه در آن می مانند، و این است کامیابی و رستگاری بزرگ. (۱۴) و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید، خدا او را وارد آتشی می کند که همیشه در آن می ماند و برای او عذابی خوارکننده است. (۱۵) و از زنان شما کسانی که مرتکب زنا شوند، پس چهار نفر از میان شما (مردان مسلمان) را بر آنان شاهد بگیرید، پس اگر شهادت دادند، آن زنان را در خانه‌ها (ی خودشان) نگاه دارید، تا مرگشان فرا رسد، یا آنکه خداوند، راهی برای آنان قرار دهد (و قانون جدیدی بیاورد). (۱۶) و آن دو نفری از شما که سراغ فحشا و زنا روند (زن یا مرد زناکار و بدون همسر) هر دو را آزار دهید (و بر آنان حد جاری کنید). پس اگر توبه کرده و خود را اصلاح کردند، از آنان در گذرید (زیرا) خداوند توبه پذیر مهربان است. (۱۷) بی گمان (پذیرش) توبه بر خدا، برای کسانی است که از روی جهالت کار بد می کنند، سپس زود توبه می کنند. پس خداوند توبه‌ی آنان را می پذیرد و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۸) و پذیرش توبه، برای کسانی که کارهای زشت می کنند تا وقتی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، آنگاه می گوید: همانا الآن توبه کردم، نیست. و نیز برای آنان که کافر بمیرند، بلکه برای آنان عذاب دردناک مهیا کرده‌ایم. (۱۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه به ارث برید و بر آنان سخت نگیرید تا بعضی از آنچه را به آنان بخشیده‌اید، خود ببرید، مگر آنکه مرتکب فحشاء آشکار شوند و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر از همسرانتان خوشتان نیامد چه بسا شما چیزی را خوش نداشته باشید، ولی خداوند، خیر فراوان در آن قرار داده باشد. (۲۰) و اگر خواستید همسری بجای همسری انتخاب کنید و مال فراوانی به آنان داده باشید، از او چیزی مگیرید. آیا می خواهید با بهتان و گناه آشکار، آن را بازپس گیرید؟! (۲۱) و چگونه آن مال را پس می گیرید، در حالی که هر یک از شما از دیگری کام گرفته‌اید و همسرانتان از شما (هنگام ازدواج، برای پرداخت مهریه) پیمان محکم گرفته‌اند! (۲۲) و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود در آورده‌اند، ازدواج نکنید، مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است. همانا این گونه ازدواج، بسیار زشت و مایه‌ی دشمنی و راه بدی است. (۲۳) بر شما حرام شده است (ازدواج با) مادرانتان و دخترانتان، و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و آن مادرانتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی (شیری) شما و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان (از شوهر قبلی) که در دامن شما تربیت یافته‌اند، به شرط آنکه با مادرانشان، همبستر شده باشید، پس اگر آمیزش نکرده‌اید مانعی ندارد (که با آن دختران ازدواج کنید) و (همچنین حرام است ازدواج با) همسران پسرانتان که از نسل شمایند (نه پسر خوانده‌ها) و (حرام است در ازدواج) جمع بین دو خواهر، مگر آنچه پیشتر انجام گرفته است. همانا خداوند بخشنده و مهربان است. (۲۴) و (ازدواج با) زنان شوهردار (نیز بر شما حرام شده است)، مگر آنان که (به حکم خداوند، در جنگ با کفار) مالک شده‌اید. (این احکام)، نوشته و قانون خدا بر شماست. و جز اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که (زنان دیگر را) به وسیله‌ی اموال خود، به قصد پاکدامنی و نکاح، نه به قصد زنا، طلب کنید. پس هر گاه از آن زنان، (به نکاح موقت) کام گرفتید، مهرشان را به عنوان یک واجب پردازید و پس از تعیین مهر، در (تغییر مدت عقد یا مقدار مهر) آنچه با یکدیگر توافق کنید، بر شما گناهی نیست. همانا خداوند دانا و حکیم است. (۲۵) و هر کس از شما، که توانایی مالی ندارد تا با زنان آزاد با ایمان ازدواج کند، پس از کنیزان با ایمانی که شما مالک آنید، (به زنی بگردد) و خداوند به ایمان شما دانتر است. همه از یکدیگر بگردید، پس (نگویید: که من آزادم و تو کنیز. و) با اذن صاحبانشان آن کنیزان را به همسری در آورید و مهریه نیکو و به طور شایسته به آنان بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه اهل فحشا و نه اهل دوست گرفتن‌های پنهانی. پس آنگاه که کنیزان، صاحب همسر شدند، اگر مرتکب زنا شوند، کیفرشان نصف کیفر زنان آزاد است. این (نوع از

ازدواج)، برای کسانی از شما رواست که از (رنج و فشار بی همسری و) افتادن به گناه و زنا بر خود بترسد، با این همه، صبر کردن (و ازدواج نکردن با کنیزان) برایتان بهتر است و خداوند بخشنده و مهربان است. (۲۶) خداوند می‌خواهد (با این قوانین، راه سعادت را) برای شما آشکار سازد و شما را به سنت‌های (خوب) پیشینیان راهنمایی کند و شما را (با بیان احکام) از گناه پاک سازد و خداوند، دانا و حکیم است. (۲۷) و خداوند می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک سازد)، ولی کسانی که از هوسها پیروی می‌کنند، می‌خواهند که شما به انحرافی بزرگ تمایل پیدا کنید. (۲۸) خداوند می‌خواهد (با آسان کردن قوانین ازدواج، بار تکلیف) شما را سبک کند. و انسان، ضعیف آفریده شده است. (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل نخورید، مگر اینکه تجارتي با رضایت یکدیگر باشد. و خود (و یکدیگر) را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما همواره مهربان بوده است. (۳۰) و هر کس از روی تجاوز و ستم چنان کند (و دست به مال و جان مردم دراز کرده، یا خودکشی و خونریزی کند) به زودی او را در آتشی (عظیم) وارد سازیم و این کار، بر خداوند آسان است. (۳۱) اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شود پرهیز کنید، گناهان کوچکتان را بر شما می‌پوشانیم و شما را در جایگاهی ارجمند وارد می‌کنیم. (۳۲) و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه بدست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای می‌باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی دانا است. (۳۳) و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان و کسانی که با آنان پیمان بسته‌اید، برجا گذاشته‌اند، برای هر یک وراثتی قرار داده‌ایم، پس سهم آنان را (از ارث) بپردازید، زیرا که خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (۳۴) مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده (قدرت بدنی، تولیدی و اراده بیشتری دارند) و از آن جهت که از اموال خود نفقه می‌دهند، پس زنان شایسته، فرمان بردارند و نگهدار آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده، (حقوق و اسرار شوهر)، در غیاب اویند. و (اما) زنانی که از سرپیچی آنان بیم دارید، پس (نخست) آنان را موعظه کنید و (اگر مؤثر نشد) در خوابگاه از آنان دوری کنید و (اگر پند و قهر اثر نکرد)، آنان را بزنید (و تنبیه بدنی کنید)، پس اگر اطاعت شما را کردند، بهانه‌ای بر آنان (برای ستم و آزار) مجوید. همانا خداوند بزرگوار و بزرگ مرتبه است. (۳۵) و اگر از (ناسازگاری و) جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده شوهر، و داوری از خانواده زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می‌رساند، زیرا خداوند، (از نیت همه) با خبر و آگاه است. (۳۶) و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و به بستگان و یتیمان و بینویان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور و یار هم‌نشین و در راه‌مانده و زبردستان و بردگانتان (نیز نیکی کنید). همانا خداوند، هر که را متکبر و فخر فروش باشد، دوست نمی‌دارد. (۳۷) (متکبران خود برترین) کسانی هستند که (هم خود) بخل می‌ورزند و (هم) مردم را به بخل فرمان می‌دهند و آنچه را که خداوند از فضل خود به آنان بخشیده پنهان می‌دارند. و ما برای کفران کنندگان نعمت‌ها عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم. (۳۸) و (متکبران خود برترین) کسانی هستند که اموال خود را از روی ریا و برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و هر کس که شیطان همدم او باشد، پس چه بد همدمی است. (۳۹) و بر ایشان چه می‌شد، اگر به خداوند و روز قیامت ایمان می‌آوردند و از آنچه خداوند، روزی آنان کرده (از روی اخلاص، نه ریا) انفاق می‌کردند؟ و خداوند به نیت آنان دانا است. (۴۰) همانا خداوند، به مقدار ذره‌ای هم ستم نمی‌کند و اگر کار نیکی باشد آن را دوچندان می‌کند و از جانب خویش نیز پاداش بزرگی عطا می‌کند. (۴۱) پس چگونه خواهد بود آنگاه که از هر امتی گواهی (از خودشان) بیاوریم و تو را نیز بر آنان گواه آوریم؟! (۴۲) در چنین روز، کسانی که کفر ورزیدند و پیامبر را نافرمانی کردند، آرزو می‌کنند که‌ای کاش با زمین یکسان می‌شدند و هیچ سخنی را نمی‌توانند از خدا کتمان کنند. (۴۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه بدانید چه می‌گویید. و نیز در حال جنابت نزدیک (مکان) نماز، (مسجد) نشوید، مگر به طور عبوری (و بی توقّف)

تا اینکه غسل کنید. و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از جای گودی (کنایه از قضای حاجت) آمد، یا تماسی (و آمیزش جنسی) با زنان داشتید و (در این موارد) آب نیافتید، پس بر زمین (و خاک) پاک و دلپسندی تیمم کنید، (دو کف دست بر خاک زنید) آنگاه صورت و دست‌هایتان را مسح کنید، همانا خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (۴۴) آیا ندیدی آنان را که بهره‌ای از کتاب خدا به آنان داده شده بود (به جای آنکه هدایت کسب کنند) گمراهی می‌خرند و می‌خواهند شما (نیز) راه را گم کنید. (۴۵) و خداوند به دشمنان شما داناتر است و کافی است که خدا سرپرست شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد. (۴۶) بعضی از یهودیان، سخنان را از جایگاهش تحریف می‌کنند (و بجای آنکه بگویند: شنیدیم و اطاعت کردیم) می‌گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم (و بی‌ادبانه به پیامبر اسلام می‌گویند: بشنو که هرگز نشنوی و ما را تحمیق کن، (این گونه می‌گویند) تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در دین شما طعنه زنند و اگر می‌گفتند: (کلام خدا) را شنیدیم و اطاعت کردیم و (کلام ما را) بشنو و به حال ما بنگر (تا حقایق را بهتر درک کنیم) برایشان بهتر بود و با منطق سازگارتر، ولی خداوند آنان را به خاطر کفر و سرسختی‌شان لعن کرد، پس جز اندکی توفیق ایمان نیافتند. (۴۷) ای کسانی که به شما کتاب (آسمانی) داده شده! به آنچه نازل کردیم که تصدیق‌کننده‌ی چیزی است که با شماست، (تورات و انجیل) ایمان آورید، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو و نابینا کنیم، پس به پشت برگردانیم، یا مورد لعن خویش سازیم، آنگونه که اصحاب روز شنبه (یهودیان متخلف) را لعنت کردیم. و فرمان خداوند، شدنی است. (۴۸) همانا خداوند، این که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشد، ولی هر چه پایین‌تر باشد، برای هر که بخواهد می‌بخشد. و هر کس به خداوند شرک ورزد به تحقیق گناهی بزرگ بر ساخته است. (۴۹) آیا ندیدی کسانی که خود را پاک و بی‌عیب می‌شمردند؟ (چنین نیست) بلکه خداوند، هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و آنان به اندازه نخ هسته خرما ظلم نمی‌شوند. (۵۰) بنگر چگونه بر خدا دروغ می‌بندند! و همین گناه آشکار برای (مجازات) آنان بس است. (۵۱) آیا کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده، ندیده‌ای که به بت و طاغوت ایمان می‌آورند و درباره کفار می‌گویند: اینان از کسانی که (به اسلام و محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌اند، راه یافته‌ترند. (۵۲) آنانند کسانی که خداوند، لعنتشان کرده است و هر کس را خدا لعن کند، هرگز برای او یآوری نخواهی یافت. (۵۳) آیا برای آنان (یهودیان) بهره‌ای از حکومت است؟ که در آن هنگام ذره‌ای به مردم نمی‌دادند. (۵۴) یا اینکه (یهودیان) نسبت به مردم (مسلمان) به خاطر آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌ورزند. همانا ما قبلاً به آل ابراهیم (که شما از نسل او هستید نیز) کتاب آسمانی و حکمت و سلطنت بزرگی دادیم. (چرا اکنون به آل محمد علیهم السلام ندهیم؟) (۵۵) پس بعضی از یهودیان به او (پیامبر اسلام) ایمان آوردند و بعضی (نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه) از ایمان آوردن مردم جلوگیری کردند، و شعله‌ی سوزان دوزخ، برای کیفر آنان بس است. (۵۶) همانا به زودی کسانی را که به آیات ما کافر شدند در آتشی خواهیم افکند. هر چه پوست بدنشان بسوزد، پوست دیگری بجای آن قرار می‌دهیم تا کیفر را بچشند. همانا خداوند توانا و حکیم است. (۵۷) و کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند، به زودی در باغ‌هایی که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است وارد می‌کنیم. آنان همیشه در آن جاودانند، برایشان در آن جا همسرانی پاکیزه است و آنان را در سایه‌هایی پایدار (بدون سردی و گرمی و طوفان) در آوریم. (۵۸) همانا خداوند فرمانتان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هرگاه میان مردم داوری کردید، به عدل حکم کنید. چه نیک است آنچه که خداوند شما را بدان پند می‌دهد. بی‌گمان خداوند شنوای بیناست. (۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود (جانشینان پیامبر) اطاعت کنید. پس اگر درباره چیزی نزاع کردید آن را به حکم خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و قیامت ایمان دارید. این (رجوع به قرآن و سنت برای حل اختلاف) بهتر و پایانش نیکوتر است. (۶۰) آیا کسانی را که می‌پندارند به آنچه بر تو و آنچه (بر پیامبران) پیش از تو نازل شده است، ایمان آورده‌اند نمی‌بینی که می‌خواهند داوری را نزد طاغوت (و حکام باطل) ببرند، در حالی که مأمورند به طاغوت، کفر ورزند. و شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند، گمراهی دور و درازی! (۶۱) و چون به آنان گفته شود

(که برای داوری) به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید، منافقان را می بینی که به شدت از پذیرش دعوت تو روی می گردانند. (۶۲) پس چگونه وقتی به خاطر کارهایی که از قبل انجام دادند، مصیبتی و مشکلی به آنان می رسد و (از برای رهایی از آن) سراغ تو می آیند، به خدا سوگند یاد می کنند که هدف ما (از مراجعه به طاغوت) جز نیکی و توافق (میان دو طرف نزاع) نبوده است. (۶۳) آنان کسانی اند که خداوند، آنچه را در دل دارند می داند. پس از آنان در گذر و پندشان ده و با آنان سخنی رسا که در جانشان بنشیند بگویی. (۶۴) و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای آنکه با اذن خداوند فرمان برده شود و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند (از راه خود برگشته و) نزد تو می آمدند و از خداوند مغفرت می خواستند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد قطعاً خداوند را توبه پذیر و مهربان می یافتند. (۶۵) نه چنین است؛ به پروردگارت سوگند، که ایمان (واقعی) نمی آورند مگر زمانی که در مشاجرات و نزاع های خود، تو را داور قرار دهند، و در دل خود هیچگونه احساس ناراحتی از قضاوت تو نداشته باشند (و در برابر داوری تو) کاملاً تسلیم باشند. (۶۶) و اگر به آنان حکم می کردیم که تن به کشتن دهید (و یکدیگر را به فرمان ما بکشید) یا از خانه و سرزمین خود بیرون روید، جز افرادی اندک، این دستور را انجام نمی دادند و اگر آنان به آنچه پند داده می شوند عمل می کردند، برایشان بهتر و در پایداری مؤثرتر بود. (۶۷) و در این صورت یقیناً ما از جانب خود پاداشی بزرگ به آنان می دادیم. (۶۸) و قطعاً آنان را به راهی راست هدایت می کردیم. (۶۹) و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند، پس آنان (در قیامت) با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و اینان چه همدم های خوبی هستند. (۷۰) این همه تفضل از سوی خداست و خداوند برای آگاه بودن بس است. (۷۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر دشمن هوشیار باشید و به علامت آمادگی) سلاح خود را بردارید، پس به صورت دسته های پراکنده و نامنظم یا همه با هم بسوی دشمن حرکت کنید. (۷۲) و همانا از شما کسانی اند که (هم خودشان سست می باشند و هم) عامل کندی و دلسردی رزمندگان می شوند، چون به شما مشکلی برسد، می گوید: خدا بر من منت نهاده که همراه آنان (در جبهه) حضور نیافتم (یا همراه آنان شهید نشدم) (۷۳) و اگر فضل و غنیمی از سوی خداوند به شما برسد، آن چنان که گویا میان شما و او هرگز دوستی نبوده (تا نفع شما را نفع خود داند) خواهد گفت: ای کاش (در جهاد) با آنان بودم تا به رستگاری بزرگ (پیروزی و غنائم) می رسیدم. (۷۴) پس باید در راه خدا کسانی بجنگند که زندگی دنیا را به آخرت می فروشند و کسی که در راه خدا می جنگد، کشته شود یا پیروز گردد، بزودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد. (۷۵) شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید، آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما. (۷۶) کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا جهاد می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند. پس با دوستان و یاران شیطان بجنگید (و بیم نداشته باشید) زیرا حیلای شیطان ضعیف است. (۷۷) آیا نمی نگری کسانی را که (پیش از هجرت) به آنان گفته شد (اکنون) دست نگهدارید و نماز به پا دارید و زکات پردازید. لیکن چون جهاد (در مدینه) بر آنان مقرر شد، گروهی از آنان از مردم (مشرک مکه) چنان می ترسیدند که گویا از خدا می ترسند، بلکه بیش از خدا (از کفار می ترسیدند) و (از روی اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ چرا ما را تا سرآمدی نزدیک (مرگ طبیعی) مهلت ندادی؟ بگو: برخورداری دنیا اندک و ناچیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند آخرت بهتر است، و به اندازه ی رشته ی میان هسته خرما، به شما ستم نخواهد شد. (۷۸) هر کجا باشید، مرگ شما را درمی یابد هر چند در دژهای مستحکم (یا ستارگان) باشید. اگر به آنان (منافقان) نیکی و پیروزی برسد، می گویند: این از سوی خداست، و اگر بدی به ایشان رسد، می گویند: این از جانب تو است. بگو: همه چیز از سوی خداست. این قوم را چه شده که در معرض فهم هیچ سخنی نیستند؟ (۷۹) (ای انسان!) آنچه از نیکی به تو رسد از خداست و آنچه از بدی به تو برسد از نفس توست. و (ای پیامبر) ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم و گواهی خدا در این باره کافی است. (۸۰) هر کس پیامبر را پیروی کند، بی شک

خداوند را اطاعت کرده است و هر که اعراض کند و سرباز زند، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم. (۸۱) (منافقان، به هنگام روز و در حضور تو) می‌گویند: اطاعت! پس چون از نزد تو بیرون می‌روند، گروهی از آنان در جلسات شبانه و بیتوته‌ها برخلاف گفته‌ی تو کار می‌کنند، ولی خداوند، آنچه را در این جلسات می‌گذرد، می‌نویسد. پس از آنان اعراض و بر خداوند توکل کن، و کافی است که خداوند، پشتیبان باشد. (۸۲) چرا در معانی قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ در حالی که اگر این قرآن، از طرف غیر خدا بود قطعاً اختلاف‌های بسیاری در آن می‌یافتند. (۸۳) هنگامی که خبری (و شایعه‌ای) از ایمنی یا ترس (پیروزی یا شکست) به آنان (منافقان) برسد، آن را فاش ساخته و پخش می‌کنند، در حالی که اگر آن را (پیش از نشر) به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباطند، حقیقت آن را درمی‌یابند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به جز اندکی، پیروی از شیطان می‌کردید. (۸۴) پس در راه خدا پیکار کن، که جز شخص تو (کسی بر آن) مکلف نیست و مؤمنان را (به جهاد) ترغیب کن، باشد که خداوند از گزند کافران جلوگیری کند و خداوند قدرتمندتر و مجازاتش دردناکتر است. (۸۵) هر کس وساطت نیکو کند، او هم سهمی از پاداش خواهد داشت و هر کس به کار بد وساطت کند، بهره‌ای از کیفر خواهد داشت و خداوند بر هر چیزی نگهبان است. (۸۶) و هر گاه شما را به درودی ستایش گفتند، پس شما به بهتر از آن تحیت گوید یا (لا اقل) همانند آن را (در پاسخ) باز گوید که خداوند همواره بر هر چیزی حسابرس است. (۸۷) خداوند که معبودی جز او نیست، همه شما را در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست جمع می‌کند، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟ (۸۸) چرا درباره‌ی منافقانی که خداوند به خاطر اعمالشان، آنان را سرنگون کرده دو دسته شده‌اید؟! آیا می‌خواهید کسانی را که خداوند گمراه کرده، به راه آورید؟ (مگر نمی‌دانید) هر که را خداوند گمراه کند، هرگز راهی برای نجاتش نخواهی یافت؟ (۸۹) آنان (منافقان) دوست دارند که شما همچون خودشان کافر شوید، تا با آنان برابر گردید. پس از آنان دوستانی نگیرید تا آنکه (توبه کرده و) در راه خدا هجرت کنند. پس اگر سرباز زدند (و به همکاری با کفار ادامه دادند) پس آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید و از آنان هیچ دوست و یآوری نگیرید. (۹۰) مگر کسانی (از منافقان) که به قومی پیوسته‌اند که میان شما و آن قوم پیمانی است، یا (کسانی که) نزد شما می‌آیند در حالی که سینه‌هاشان از جنگ با شما یا قوم خودشان به تنگ آمده است (و اصلاً حال جنگ با هیچ طرفی را ندارند و این بی‌حوصلگی آنها لطف خداست) زیرا اگر خداوند می‌خواست آنان را بر شما مسلط می‌کرد و آنان با شما مقاتله می‌کردند. پس اگر آنان از شما کناره گرفته و با شما نجنجیدند و پیشنهاد صلح و سازش دادند، خداوند برای شما راهی برای تعرض و جنگ با آنان قرار نداده است. (۹۱) بزودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما (با اظهار اسلام) در امان باشند و از قوم خود نیز (با اظهار کفر) ایمن باشند. آنان هر بار به سوی فتنه (و بت‌پرستی) برگردند، در آن فرو می‌افتند. پس اگر از درگیری با شما کناره نرفتند و به شما پیشنهاد صلح ندادند و دست از شما برنداشتند، آنان را هر جا یافتید، بگیرید و بکشید که آنانند کسانی که ما برای شما بر ایشان قدرت و تسلطی آشکار قرار داده‌ایم. (۹۲) و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمن دیگر را بکشد، مگر از روی اشتباه، و هر کس مؤمنی را به خطا کشت، پس باید برده‌ی مؤمنی را آزاد کند و خونبهای کشته را به خانواده‌اش تسلیم کند، مگر آنکه (خانواده‌ی مقتول، از دیه‌ی قاتل) بگذرد و اگر (مقتول) با آنکه مؤمن است، از قومی است که با شما دشمن است (جریمه‌اش فقط) آزاد کردن یک برده‌ی مؤمن است و اگر (مقتول) از قومی باشد که میان شما و آنان پیمان است، دیه‌ی او را به خانواده‌اش تسلیم کند و برده‌ی مؤمنی را آزاد سازد. و اگر (برده‌ای برای آزاد کردن، یا پولی برای خرید برده) نیافت، پس دو ماه بی‌پایی روزه بگیرد. این، (تخفیف و) بازگشتی از سوی خدا (به مردم) است، و خداوند دانا و حکیم است. (۹۳) و هر کس به عمد مؤمنی را بکشد پس کیفرش دوزخ است که همیشه در آن خواهد بود، و خداوند بر او غضب و لعنت کرده و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه در راه خدا (برای جهاد) گام برداشتید پس (در کار دشمن) تحقیق کنید و به کسی که نزد شما (با کلامی یا عملی یا سلامی یا پیشنهادی) اظهار اسلام و صلح می‌کند، نگوئید: تو مؤمن نیستی، تا بدین بهانه کالای زندگی دنیا و

غنائم بدست آورید. زیرا که غنائم بسیار، نزد خداوند است. شما نیز خودتان قبلاً این گونه بودید، پس خداوند بر شما منت نهاد (تا ایمان در جانتان نفوذ کرد) پس تحقیق کنید (و زود دست به اسلحه نبرید) که خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهید، به خوبی آگاه است. (۹۵) مؤمنانی که بدون عذر و ضرر (مثل بیماری و معلولیت) از جهاد بازنشسته‌اند، با مجاهدانی که با اموال و جانهای خویش در راه خدا جهاد می‌کنند، یکسان نیستند. خداوند، جهادگران با اموال و جانشان را بر وانشستگان (از جنگ) به درجه‌ای برتری داده است. خداوند همه مؤمنان را وعده‌ی (پاداش) نیک‌تر داده است، ولی خداوند مجاهدان را بر وانشستگان، با پاداش بزرگی برتری داده است. (۹۶) (آن پاداش بزرگ) درجات (مهم و متعدد) همراه با آموزش و رحمتی از جانب اوست و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (۹۷) همانا کسانی که فرشتگان، جانشان را می‌گیرند، در حالی که بر خویشان ستم کرده‌اند، از آنان می‌پرسند: شما در چه وضعی بودید؟ گویند: ما در زمین مستضعف بودیم (و به ناچار در جبهه‌ی کافران قرار داشتیم) فرشتگان (در پاسخ) گویند: مگر زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟ آنان، جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی است. (۹۸) مگر مردان و زنان و کودکان مستضعف (و زیردستی) که قدرت تدبیر و چاره‌جویی ندارند و راهی (برای هجرت) نمی‌یابند. (۹۹) پس آنانند که امید است خداوند از آنان درگذرد و خداوند همواره آمرزنده و بخشاینده است. (۱۰۰) و هر که در راه خداوند هجرت کند، اقامتگاه‌های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه‌اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس مرگ، او را دریابد حتماً پاداش او بر خداوند است و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۱۰۱) و هرگاه که در زمین سفر کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند. (۱۰۲) (ای پیامبر!) هرگاه (در سفرهای جهادی) در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز برپا داشتی، پس گروهی از آنان با تو (به نماز) بایستند و سلاحهای خود را همراه داشته باشند، پس چون سجده کردند (قیام نمایند و رکعت دوم را فرادی انجام داده پس بروند و) پشت سر شما (نگهبان) باشند، و گروه دیگر که نماز نخوانده‌اند (از رکعت دوم) با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و سلاحهای خود را با خود داشته باشند، کافران دوست دارند که شما از سلاح و ساز و برگ خود غافل شوید تا یکباره بر شما حمله آورند، و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید، گناهی بر شما نیست که سلاحهایتان را بر زمین بگذارید و (فقط) وسایل دفاع با خود داشته باشید. همانا خداوند برای کافران غذایی خوارکننده فراهم کرده است. (۱۰۳) پس چون نماز را به پایان بردید، خداوند را در (همه) حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده یاد کنید، پس هرگاه آرامش یافتید (و حالت خوف تمام شد) نماز را (بصورت کامل) برپا دارید. همانا، نماز بر مؤمنان در وقتی معین واجب شده است. (۱۰۴) و در تعقیب دشمن سستی نکنید، اگر شما رنج می‌کشید، همانا آنان نیز همان گونه که شما رنج می‌برید رنج می‌برند، در حالی که شما چیزی (امدادهای غیبی و بهشت) از خداوند امید دارید که آنان امید ندارند، و خداوند دانا و حکیم است. (۱۰۵) همانا ما این کتاب را بحق بر تو فرو فرستادیم تا میان مردم به آنچه خدا (از طریق وحی) تو را آموخته و نشان داده، داوری کنی و به نفع خیانت کاران به مخاصمت برنخیزی. (۱۰۶) و از خداوند طلب آموزش کن که همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۱۰۷) و از کسانی که به خود خیانت می‌ورزند، دفاع مکن که خداوند خیانت‌پیشگان گنه کار را دوست ندارد. (۱۰۸) (آنان خیانت خود را) از مردم پنهان می‌کنند، ولی نمی‌توانند از خداوند پنهان دارند، در حالی که او آنگاه که شبانه، سخنان غیر خداپسندانه می‌گویند (و توطئه‌های پنهانی می‌کنند) با آنان است و خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (۱۰۹) همان شما همانها هستید که در زندگی دنیا از ایشان (خائنان) جانبداری کردید، پس چه کسی در روز قیامت در برابر خداوند از آنان جانبداری خواهد کرد؟ یا چه کسی (در آن روز)، وکیل و مدافع آنان خواهد شد؟ (۱۱۰) و هر کس بدی کند یا بر خویشان ستم نماید سپس از خداوند آموزش طلبد، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (۱۱۱) و هر کس گناهی مرتکب شود، پس در حقیقت به زیان خود مرتکب شده و خداوند دانا و حکیم است. (۱۱۲) و هر کس که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، به یقین بار تهمت و گناه آشکاری را بر دوش گرفته

است. (۱۱۳) و اگر فضل و رحمت خداوند بر تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند که تو را از مسیر حق گمراه کنند، امّا جز خودشان را گمراه نمی کنند و به تو هیچ زیانی نمی زنند. و خداوند کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد، و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت. و فضل خداوند بر تو، بسی بزرگ بوده است. (۱۱۴) در بسیاری از (جلسات و) سخنان درگوشی آنان، خیری نیست، مگر (سخن) کسی که به صدقه یا کار نیک یا اصلاح و آشتی میان مردم فرمان دهد و هر کس برای کسب رضای خدا چنین کند پس به زودی او را پاداشی بزرگ خواهیم داد. (۱۱۵) و هر کس پس از آنکه هدایت برایش آشکار شد با پیامبر مخالفت کند و راهی جز راه مؤمنان را پیروی کند، او را بدان سوی که روی کرده بگردانیم و او را به دوزخ افکنیم که سرانجام بدی است. (۱۱۶) همانا خداوند از اینکه به او شرک ورزیده شود (بدون توبه) در نمی گذرد ولی پائین تر و کمتر از آن را برای هر کس که بخواهد (و شایسته بدانند) می بخشد. و هر کس به خداوند شرک ورزد حتماً گمراه شده است، گمراهی دور و دراز. (۱۱۷) (مشرکان) به جای خدا، جز معبودانی مؤنث (که نام زن بر آنها نهاده اند مانند لالت و مناه و عزی) نمی خوانند و جز شیطان سرکش و طغیانگر را نمی خوانند. (۱۱۸) خداوند لعنتش کرده وقتی که گفت: من حتماً از بندگان تو سهمی معین خواهم گرفت. (و گروهی را منحرف خواهم کرد) (۱۱۹) و حتماً آنان را گمراه می کنم و قطعاً به آرزوها سرگرمشان می سازم و دستورشان می دهم که گوش چهارپایان را بشکافند (تا علامت باشد که این حیوان سهم بت هاست) و به آنان فرمان می دهم که آفرینش خدا را دگرگون سازند. و هر کس به جای خدا، شیطان را دوست و سرپرست خود بگیرد، بی گمان زیان کرده است، زیانی آشکار. (۱۲۰) (شیطان) به آنان وعده می دهد و ایشان را در آرزو می افکند و شیطان جز فریب، وعده ای به آنان نمی دهد. (۱۲۱) آنانند که جایگاهشان دوزخ است و از آن راه گزیری نیابند. (۱۲۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی آنان را در باغهایی که از زیر (درختان) آنها جویها روان است وارد می کنیم. همیشه در آن جاودانند. وعده ای الهی حق است. و چه کسی در سخن از خداوند، راستگوتر است؟ (۱۲۳) (پاداش و عقاب و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست! هر که بدی کند بدان کیفر داده می شود و جز خداوند، برای خویش سرپرست و یآوری نیابد. (۱۲۴) و هر کس کارهای شایسته انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن، در حالی که مؤمن باشد پس آنان به بهشت وارد می شوند و کمترین ستمی به آنان نمی شود. (۱۲۵) و دین و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که خود را تسلیم خدا کرده، در حالی که نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی کرده است؟ و خداوند، ابراهیم را به دوستی خود برگزید. (۱۲۶) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تنها از آن خداوند است. و خداوند همواره بر هر چیز احاطه دارد. (۱۲۷) و درباره ای (ارث) زنان از تو فتوی می خواهند، بگو: خدا درباره آنها به شما فتوی می دهد، و آیه های قرآن که بر شما تلاوت می شود، درباره ای زنان یتیم که حقیقتاً را نمی دهید و می خواهید به ازدواجشان در آورید و کودکانی که مستضعفند (به شما فتوی می دهد) که با یتیمان به انصاف رفتار کنید و هر کار نیکی انجام دهید، خدا از آن آگاه است. (۱۲۸) و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا اعراض داشته باشد بر آن دو باکی نیست که به گونه ای با یکدیگر صلح کنند (گرچه با چشم پوشی بعضی از حقوقش باشد) و صلح بهتر است، ولی بخل و تنگ نظری، در نفس ها حاضر شده (و مانع صلح) است، و اگر نیکی کنید و تقوا ورزید، پس بدانید که همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است. (۱۲۹) و هرگز نمی توانید (از نظر علاقه ای قلبی) میان همسران به عدالت رفتار کنید، هر چند کوشش فراوان کنید. پس تمایل خود را یکسره متوجه یک طرف نسازید تا دیگری را بلا تکلیف رها کنید. و اگر راه صلح و آشتی و تقوا پیش گیرید، به یقین خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (۱۳۰) و اگر آن دو از یکدیگر جدا شدند، خداوند هر یک را از کرم و وسعت خویش بی نیاز می کند. و خداوند همواره گشایش دهنده ای حکیم است. (۱۳۱) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و همانا کسانی را که پیش از شما کتاب آسمانی داده شدند و نیز شما را به تقوای الهی سفارش کردیم و اگر کافر شوید، (چه باک که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و خداوند همواره بی نیاز و ستوده (ش ایسته ستایش) است. (۱۳۲) و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خداوند بس

کارساز است. (۱۳۳) (ای مردم!) اگر خدا بخواهد شما را از میان می برد و دیگران را می آورد و خداوند بر این کار تواناست. (۱۳۴) هر کس پاداش دنیا را بخواهد، پس (بداند که) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست و خداوند همواره شنوای بیناست. (۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره بر پا دارنده‌ی عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد. اگر (یکی از طرفین دعوا) ثروتمند یا فقیر باشد، پس خداوند به آنان سزاوارتر است. پس پیرو هوای نفس نباشید تا بتوانید به عدالت رفتار کنید. و اگر زبان بیچانید (و به ناحق گواهی دهید) یا (از گواهی دادن به حق) اعراض کنید، پس (بدانید که) خداوند به آنچه می کنید آگاه است. (۱۳۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خداوند و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و کتابی که پیشتر فرستاده است، (به همه‌ی آنها) ایمان (واقعی) بیاورید. و هر کس به خدا و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبرانش و روز قیامت کفر ورزد پس همانا گمراه شده است، گمراهی دور و درازی. (۱۳۷) آنان که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، بار دیگر ایمان آوردند و دوباره کفر ورزیدند، سپس بر کفر خود افزودند، قطعاً امیدى به آن نیست که خداوند آنان را ببخشد و به راه حق هدایتشان کند. (۱۳۸) منافقان را بشارت ده که برایشان عذابی دردناک است. (۱۳۹) آنان که کافران را بجای مؤمنان، سرپرست و دوست خود می گیرند آیا عزّت را نزد آنان می جویند؟ همانا عزّت به تمامی از آن خداست. (۱۴۰) همانا خداوند در قرآن (این حکم را) بر شما نازل کرده است که هر گاه شنیدید آیات خدا مورد کفر یا تمسخر قرار می گیرد با آنان، همنشینی نکنید تا به سخن دیگری مشغول شوند، و گرنه شما هم مانند آنان خواهید بود. همانا خداوند همه‌ی منافقان و کافران را در دوزخ جمع می کند. (۱۴۱) (منافقان) کسانی اند که پیوسته (از سر بدخواهی) مراقب شما هستند تا اگر از سوی خدا برای شما پیروزی باشد، گویند: آیا ما با شما نبودیم؟ (پس باید در افتخارات و غنائم شریک شویم) اگر برای کفار بهره‌ای (از پیروزی) بود، (به کفار) گویند: آیا ما مشوق شما (برای جنگ با مسلمانان) و بازدارنده شما از گزند آنان و عدم تسلیم در برابر) مؤمنان نبودیم؟ پس خداوند روز قیامت، میان شما داوری خواهد کرد. و خداوند هر گز راهی برای سلطه‌ی کفار بر مسلمانان قرار نداده است. (۱۴۲) همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می کند. و هر گاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. (۱۴۳) (منافقان) بین کفر و ایمان سرگشته‌اند، نه با این گروه‌اند و نه با آن گروه و خداوند هر که را گمراه کند، برای او راه نجاتی نخواهی یافت. (۱۴۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کافران را به جای مؤمنان دوست و سرپرست خود نگیرید، آیا می خواهید برای خداوند دلیل و حجت آشکار علیه خودتان قرار دهید؟ (۱۴۵) قطعاً منافقان، در پست‌ترین عمق آتشند و هر گز برای آنان هیچ یآوری نمی‌یابی. (۱۴۶) مگر آنان که توبه کرده و (گذشته‌ی خود را) اصلاح نموده و به (دامن لطف) خدا پناه برده و برای خدا از روی اخلاص به دین گرویده‌اند، پس اینان در زمره‌ی مؤمنان هستند و بزودی خداوند به مؤمنان، پاداشی بزرگ خواهد داد. (۱۴۷) اگر شکر گزارید و ایمان آورید، خداوند می خواهد با عذاب شما چه کند؟ در حالی که خداوند همواره حق‌شناس داناست. (۱۴۸) خداوند، آشکار کردن گفتار بد را دوست نمی‌دارد، مگر از کسی که به او ستم شده باشد و خداوند، شنوای داناست. (۱۴۹) اگر کار نیکی را آشکارا یا پنهان انجام دهید، یا از لغزش و بدی دیگران در گذرید، بدانید که قطعاً خداوند بخشاینده تواناست. (۱۵۰) قطعاً کسانی که به خداوند و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی بیفکنند و می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم و به بعضی کافر می‌شویم، و می‌خواهند در این میانه راهی در پیش گیرند، (که مطابق هوس باشد، نه عقل و استدلال) (۱۵۱) به حقیقت کافر همین‌هایند و ما برای کافران عذاب خوارکننده آماده ساخته‌ایم. (۱۵۲) و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ یک از آنان جدایی نیفکنده‌اند، اینانند که بزودی پاداششان را به آنان خواهد داد و خداوند، همواره بخشاینده و مهربان است. (۱۵۳) اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتاب و نوشته‌ای از آسمان برایشان فرود آوری، بی‌گمان از موسی بزرگ‌تر از آن را خواستند که گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده! پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فراگرفت، سپس بعد از آنکه معجزه‌های روشن برای آنان آمد،

گوساله پرستی را پیش گرفتند، پس (بعد از توبه) ما از آن (گناه) هم درگذشتیم و عفو کردیم و به موسی حیّتی آشکار دادیم. (۱۵۴) ما کوه طور را به خاطر پیمان گرفتن از آنان (بنی اسرائیل) بالای سرشان قرار دادیم و به ایشان گفتیم: سجده کنان از آن در وارد شوید و به آنان گفتیم: در روز شنبه (به احکام خدا) تعدی نکنید و از آنان پیمانی محکم گرفتیم. (۱۵۵) و به خاطر پیمان شکنی، و کفر آنان به آیات خدا و کشتن پیامبران به ناحق، و گفتن این سخن که بر دل‌های ما پرده افتاده است (آنان را عقوبت کردیم) بلکه خداوند بر دل‌های آنان به خاطر کفرشان مهر زد و جز اندکی، ایمان نمی‌آورند. (۱۵۶) و به خاطر کفرشان و سخنانشان که تهمت بزرگی به مریم زدند و گناه عظیمی مرتکب شدند، (قهر ما آنان را فراگرفت). (۱۵۷) و (عذاب و لعنت ما آنان را فرا گرفت، به خاطر) سخنی که (مغرورانه) می‌گفتند: «ما عیسی بن مریم، فرستاده‌ی خدا را کشتیم» در حالی که آنان عیسی را نه کشتند و نه به دار آویختند، بلکه کار بر آنان مشتبه شد (و کسی شبیه به او را کشتند) و کسانی که درباره‌ی عیسی اختلاف کردند خود در شک بودند و جز پیروی از گمان، هیچ یک به گفته‌ی خود علم نداشتند و به یقین او را نکشته‌اند. (۱۵۸) بلکه خداوند او را به سوی خود بالا- برد و خداوند عزیز و حکیم است. (۱۵۹) و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به او (مسیح) ایمان می‌آورد و او روز قیامت، بر آنان گواه خواهد بود. (۱۶۰) و به خاطر ستمی که یهودیان روا داشتند و به خاطر آن که بسیاری از مردم را از راه خدا بازمی‌داشتند، ما چیزهای پاک و دلپسندی را که قبلاً برایشان حلال بود، بر آنان حرام کردیم. (۱۶۱) و به خاطر ربا گرفتن، که از آن نهی شده بودند و خوردن مال مردم به ناحق (طیبات را بر آنان حرام کردیم) و برای کافران از ایشان عذاب دردناکی فراهم ساخته‌ایم. (۱۶۲) ولی راسخان در علم از یهود و مؤمنان، به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان دارند. و به ویژه پرپا دارندگان نماز، و اداکنندگان زکات، و ایمان آورندگان به خدا و قیامتند. بزودی آنان را پاداش بزرگی خواهیم داد. (۱۶۳) (ای پیامبر!) ما به تو وحی کردیم، آن گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم. و (همچنین) به ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط (فرزندان یعقوب)، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی کردیم و به داود، «زبور» دادیم. (۱۶۴) و به پیامبرانی که پیش از این داستان آنان را برایت باز گفته‌ایم و پیامبرانی که ماجرای آنان را برای تو نگفته‌ایم نیز وحی کردیم و خداوند با موسی سخن گفت، سخن گفتنی ویژه. (۱۶۵) پیامبرانی (را فرستادیم) که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا پس از پیامبران، برای مردم بر خداوند حیّتی نباشد و خداوند همواره شکست‌ناپذیر و حکیم است. (۱۶۶) (گرچه کفار، بهانه می‌گیرند) ولی خداوند، به آنچه بر تو نازل کرده گواهی می‌دهد، که به علم خود بر تو نازل کرد و فرشتگان نیز (بر حقانیت تو) شهادت می‌دهند و گواهی خداوند (برای تو) کافی است. (۱۶۷) قطعاً کسانی که کافر شدند و (با القای شبهه و تهمت و تحقیر) مردم را از راه خدا باز داشتند، به تحقیق گمراه شدند، گمراهی دور (از نجات). (۱۶۸) همانا کسانی که کافر شدند و ستم کردند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایتشان کند. (۱۶۹) مگر به راه جهنم، که برای همیشه در آن ماندگارند و این (عذاب و کیفر) بر خداوند آسان است. (۱۷۰) ای مردم! همانا پیامبر از سوی پروردگارتان همراه با حق (قرآن) برای شما آمده است. پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است و اگر (ناسپاسی کرده و) کفر ورزید پس (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۷۱) ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده‌ی خداوند و کلمه‌ی اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید، و به تثلیث قائل نشوید. (از این حرف) دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا، و از اینکه فرزندی داشته باشد منزّه است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است. (۱۷۲) و هرگز مسیح از اینکه بنده خدا باشد استنکاف ندارد و فرشتگان مقرب نیز (سرپیچی ندارند) و هر کس از بندگی خداوند سرپیچی کند و تکبر ورزد، پس (بداند که) بزودی همه را به نزد خود محشور می‌کند. (۱۷۳) پس آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند پاداش آنان را کامل می‌دهد و از فضل خویش به ایشان افزون تر می‌بخشد

و اما آنان که سرپیچی کردند و تکبر ورزیدند، خداوند آنان را به عذابی دردناک کیفرشان می دهد و در برابر (قهر) خدا برای خود دوست و یابوری نخواهند یافت. (۱۷۴) ای مردم! از سوی پروردگارتان برای شما برهان و حجتی آمده است و نوری روشنگر (همچون قرآن) را به سوی شما فرود آوردیم. (۱۷۵) پس کسانی که به خداوند ایمان آورده و به او توسل جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضل خویش وارد می کند و آنان را به سوی خود در راه راست هدایت می کند. (۱۷۶) (ای پیامبر!) از تو فتوا می خواهند، بگو: خداوند درباره ی (ارث) کلاله (برادر و خواهر پدري یا پدر و مادري) به شما چنین فتوا می دهد که: اگر مردی بمیرد و فرزندی (یا پدر و مادري) نداشته باشد ولی خواهری داشته باشد، نصف آنچه به جا گذاشته از آن خواهر است و او نیز از خواهرش اگر فرزندی نداشته باشد همه اموال را ارث می برد و اگر دو خواهر باشند، دو سوم دارایی به جامانده را ارث می برند (هر کدام یک سوم) و اگر چند برادر و خواهر باشند مرد برابر سهم دو زن ارث می برد. خداوند احکام را برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید و خداوند به هر چیز دانا است. (۱۷۷)

المائدة

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! به عقد و پیمان ها (ی خود، با خدا و مردم) وفا کنید. (خوردن گوشت) چهارپایان برای شما حلال گشته، مگر آنها که (حکم حرمتش) بر شما خوانده خواهد شد، و در حال احرام شکار را حلال نشمرید، همانا خداوند به هر چه خواهد (و مصلحت بداند) حکم می کند. (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر الهی، و ماه حرام، و قربانی حج و حیواناتی که برای حج علامت گذاری شده اند و راهیان خانه خدا، که فضل و خشنودی پروردگارتان را می طلبند نشکنید، و هر گاه از احرام بیرون آمدید (و اعمال عمره را به پایان رساندید) می توانید شکار کنید. و دشمنی با گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، شما را به بی عدالتی و تجاوز وادار نکند. و در انجام نیکی ها و دوری از ناپاکی ها یکدیگر را یاری دهید، و هرگز در گناه و ستم، به هم یاری نرسانید، و از خداوند پروا کنید، که همانا خداوند، سخت کیفر است. (۳) بر شما، (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شود، و حیوانی (حلال گوشت) که بر اثر خفه شدن، یا کتک خوردن، یا پرت شدن، یا شاخ خوردن بمیرد، و نیم خورده درندگان حرام شده است مگر آنکه (قبل از کشته شدن به دست دزنده)، به طور شرعی ذبح کرده باشید. همچنین حرام است حیوانی که برای بت ها ذبح شده یا به وسیله ی چوبه های قمار تقسیم می کنید. همه ی اینها نافرمانی خداست. امروز، (روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری که حضرت علی (ع) به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم (ص) منصوب شد) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند، پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. پس هر که در گرسنگی گرفتار شود، بی آنکه میل به گناه داشته باشد، (می تواند از خوردنی های تحریم شده بهره برد). همانا خداوند، بخشنده و مهربان است. (۴) (ای پیامبر!) از تو می پرسند: چه چیزهایی برای آنان حلال شده است؟ بگو: تمام پاکیزه ها برای شما حلال گشته است، و (نیز صید) سگ های شکاری آموزش دیده که در پی شکار گسیل می دارید و از آنچه خداوند به شما آموخته، به آنها یاد می دهید. پس، از آنچه برای شما گرفته اند بخورید و نام خدا را (هنگام فرستادن حیوان شکاری) بر آن ببرید و از خدا پروا کنید، که خداوند سریع الحساب است. (۵) امروز، همه ی چیزهای پاک و دلپسند برای شما حلال شده است، و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما نیز برای آنان حلال است. و (ازدواج با) زنان پاکدامن و با ایمان و نیز زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده شده مانعی ندارد. در صورتی که مهریه زنان را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار، و نه دوست گیرنده ی پنهانی (و نامشروع) و هر کس به ایمان خود کفر ورزد، قطعاً عمل او تباه شده و او در آخرت از زیانکاران است. (۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه به نماز برخاستید، پس صورت و دستهایتان تا آرنج را بشوید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی

روی پا مسح کنید. و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از محلّ گودی (محل قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و آمیزش جنسی کردید) و آبی (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمّم کنید، پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بر دستانتان مانده) مسح کنید، خداوند نمی‌خواهد که شما را در تنگی قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل سازد، شاید شما شکر گزار باشید. (۷) و به یاد آورید نعمتی را که خداوند بر شما عطا کرده و پیمانی را که بطور محکم با شما بست، آنگاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم. و از خداوند پروا کنید، زیرا که خدا از درون سینه‌ها آگاه است. (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۹) خداوند تنها به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده‌ی آمرزش و پاداشی بزرگ داده است. (۱۰) و آنان که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب نمودند، همانان اهل دوزخند. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خداوند را بر خودتان یاد کنید، آنگاه که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند به سوی شما دست تعدّی دراز کنند (و شما را نابود سازند)، اما خداوند دست آنان را از شما کوتاه کرد و از خدا بترسید، و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند. (۱۲) و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات پردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاری‌شان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می‌پوشانم و شما را به باغهایی وارد می‌کنم که نه‌ها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است. (۱۳) پس (بنی اسرائیل را) به خاطر شکستن پیمانشان لعنت کردیم (و از رحمت خویش دور ساختیم) و دل هایشان را سخت گردانیدیم. آنان کلمات (الهی) را از جایگاه‌های خود تحریف می‌کنند، و بخشی از آنچه را به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند، و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی (هر روز توطئه و خیانتی تازه دارند) مگر اندکی از ایشان (که سنگدل و تحریف‌گر و خائن نیستند). پس، از آنان درگذر و از لغزش هایشان چشم‌پوش. همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۴) و از کسانی که گفتند ما مسیحی هستیم پیمان گرفتیم، پس آنان (نیز همچون بنی اسرائیل) بخشی از آنچه را تذکر داده شده بودند فراموش کردند، پس دشمنی و کینه را تا روز قیامت در میانشان قرار دادیم و خداوند به زودی آنان را به آنچه انجام می‌دهند آگاه خواهد ساخت. (۱۵) ای اهل کتاب! همانا پیامبر ما به سویتان آمد، در حالی که بسیاری از آنچه را شما از کتاب (آسمانی) پنهان می‌کردید برای شما بیان می‌کند و از بسیاری (خلاف‌ها یا حقایقی که شما پنهان کرده‌اید و فعلاً نیازی به آنها نیست) درمی‌گذرد. قطعاً از سوی خداوند، نور و کتاب آشکار برایتان آمده است. (۱۶) خداوند به وسیله‌ی آن (کتاب) کسانی را که بدنبال رضای الهی‌اند، به راه‌های امن و عافیت هدایت می‌کند، و آنان را با خواست خود از تاریکی‌ها به روشنایی درمی‌آورد، و به راه راست هدایت می‌کند. (۱۷) آنان که گفتند: خدا، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. (ای پیامبر! به آنان) بگو: اگر خداوند اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر کس در زمین است، همگی را هلاک کند، چه کسی در برابر (قهر) او از خود چیزی دارد؟ حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست، هر چه را بخواهد می‌آفریند و خداوند بر هر چیز تواناست. (۱۸) و یهودیان و مسیحیان گفتند: ما پسران خدا و دوستان (خاص) اویم. بگو: پس چرا شما را به (کیفر) گناهانتان عذاب می‌کند؟! (چنین نیست) بلکه شما نیز انسان‌هایی از مخلوقات اوید (و امتیازی ندارید). (خداوند) هر که را بخواهد (و شایسته بدانند) می‌آمزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداوند است، و بازگشت و سرانجام تنها به سوی اوست. (۱۹) ای اهل کتاب! همانا رسول ما در دورانی که پیامبرانی نبودند به سوی شما آمد تا (حقایق را) برای شما بیان کند، تا مبادا بگویید: ما را بشارت دهنده و بیم دهنده‌ای نیامد، براستی بشیر و نذیر برایتان آمد، و خداوند

بر هر چیز تواناست. (۲۰) و (به یاد آورید) زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد آورید، هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهان قرار داد (که صاحب اختیار مال و جان و ناموس و حکومت شدید) و به شما چیزهایی داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. (۲۱) (موسی فرمود): ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرر کرده وارد شوید و به پشت سر خود برنگردید که زیانکار می گردید. (۲۲) (بنی اسرائیل در پاسخ) گفتند: ای موسی! همانا در آن سرزمین گروهی ستمگر وجود دارد و ما هرگز وارد آن نمی شویم، تا آنان از آن سرزمین بیرون شوند، پس اگر از آنجا بیرون روند بی تردید ما داخل می شویم! (۲۳) دو نفر از مردانی که (از خدا) می ترسیدند و خدا به آنان نعمت (عقل و ایمان و شهادت) داده بود، گفتند: از دروازه‌ی شهر بر دشمن وارد شوید (و نترسید) پس چون که داخل شدید همانا پیروزید و اگر ایمان دارید بر خدا توکل کنید. (۲۴) (بنی اسرائیل) گفتند: ای موسی! تا وقتی که آنها (جباران ستمگر) در آن شهرند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد. پس تو و پروردگارت بروید (و با آنان) بجنگید، ما همانا همین جا نشستیم. (۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! همانا من جز خود و برادرم، اختیار کسی را ندارم، پس میان ما و قوم فاسق و تبه کار فاصله بینداز. (۲۶) (خداوند به موسی) فرمود: به درستی که آن (سرزمین مقدّس) تا چهل سال بر آنان ممنوع شد، (پس به خاطر این سستی و تخلف این مدّت طولانی را) در زمین سرگردان (و از مواهب مادی و معنوی آن سرزمین مقدّس، محروم) خواهند شد، پس بر این قوم تبه کار و فاسق، تأسّف مخور. (۲۷) (ای پیامبر!) داستان دو پسر آدم را به حق بر مردم بازخوان، آنگاه که (هر یک از آن دو) قربانی پیش آوردند، پس از یکی (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل) قبول نگشت. (قابیل) گفت: حتماً تو را خواهم کشت، (هابیل) گفت: خداوند، تنها از متّقین قبول می کند. (۲۸) (هابیل به برادرش قابیل گفت): اگر تو برای کشتن من دستت را به سویم دراز کنی، من هرگز برای کشتن تو دستم را دراز نخواهم کرد، زیرا من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم. (۲۹) همانا من می خواهم تو با بار گناه من (که پس از کشتنم بر عهده تو قرار می گیرد) و گناه خودت (به سوی خدا) بازگردی و از دوزخیان باشی، و این است کیفر ستمکاران. (۳۰) پس نفس او (با وسوسه‌ای برخاسته از حسد) کشتن برادرش را برایش آسان و رام ساخت و او را کشت، در نتیجه از زیانکاران گشت. (۳۱) پس خداوند، زاغی فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته‌ی برادرش را بپوشاند (و دفن کند. قابیل) گفت: وای بر من! آیا عاجزم از اینکه مانند این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟ سرانجام او از پشیمانان شد. (۳۲) به همین جهت، بر بنی اسرائیل نوشتیم که هر کس انسانی را جز به قصاص یا به کیفر فساد در زمین بکشد پس چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته است، و هر که انسانی را زنده کند (و از مرگ یا انحراف نجات دهد) گویا همه‌ی مردم را زنده کرده است و البتّه رسولان ما دلایل روشنی را برای مردم آوردند، اما (با این همه) بسیاری از مردم بعد از آن (پیام انبیا) در روی زمین اسرافکار شدند. (۳۳) همانا کیفر آنان که با خداوند و پیامبرش به محاربه برمی خیزند و (با سلاح و تهدید و غارت) در زمین به فساد می کوشند، آن است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست و پایشان بطور مخالف بریده شود یا آنکه از سرزمین (خودشان) تبعید شوند. این کیفر ذلت بار دنیوی آنان است و در آخرت برایشان عذابی عظیم است. (۳۴) مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان دست یابید توبه کرده باشند، پس بدانید که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و (برای تقرب) به سوی او وسیله بجوید، و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۳۶) همانا کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه را در زمین است و همانند آن را دارا باشند تا برای نجات از عذاب روز قیامت فدیّه دهند، از آنان پذیرفته نمی شود و برای آنان عذابی دردناک است. (۳۷) آنان می خواهند از آتش دوزخ بیرون آیند در حالی که از آن بیرون آمدنی نیستند و برایشان عذابی دائم و پایدار است. (۳۸) مرد و زن دزد را به جزای کاری که انجام داده‌اند دستشان را قطع کنید. این کیفری است از سوی خداوند و خداوند مقتدر حکیم است. (۳۹) پس هر که بعد از ظلمش توبه کند و (کارهای فاسد خویش را) اصلاح نماید، قطعاً خداوند توبه او را می پذیرد، همانا خداوند، آمرزنده‌ی مهربان است. (۴۰) آیا ندانستی که حکومت و فرمانروایی آسمان ها و زمین تنها از آن خداست،

هر که را (طبق حکمت و عدالت خود) بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد می آمرزد و خداوند بر هر چیزی تواناست. (محارب و مفسد و سارق را عذاب می دهد، و تائب پشیمان را می پذیرد و می بخشاید). (۴۱) ای پیامبر! کسانی که در کفر شتاب می کنند، غمگینت نسازند، (خواه) آن گروه که (منافقانه) به زبان گفتند: ایمان آورده ایم، ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده است. (و خواه) از یهودیان آنان که برای دروغ سازی (و تحریف) با دقت به سخنان تو گوش می دهند و همچنین (به قصد جاسوسی) برای قوم دیگری که نزد تو نیامده اند، به سخنان تو گوش می دهند (و یا گوش به فرمان دیگرانی هستند که نزد تو نیامده اند) آنان کلمات (تورات یا پیامبر) را از جایگاه خود تحریف می کنند و (به یکدیگر) می گویند: اگر این مطلب (که مطابق میل ماست) به شما داده شد بپذیرید و بپذیرید، ولی اگر (آنچه طبق خواسته‌ی ماست) به شما داده نشد، دوری کنید. (ای پیامبر!) هر که را خداوند بخواهد آزمایش و رسوایش کند تو هرگز در برابر قهر الهی هیچ کاری نمی توانی برایش بکنی. آنان کسانی اند که خداوند نخواسته است دل‌هایشان را پاک کند. برای آنان در دنیا ذلت و خواری، و برایشان در آخرت، عذابی بزرگ است. (۴۲) آنان برای دروغ سازی به دقت گوش می دهند و همواره مال حرام (رشوه و ربا) می خورند، پس اگر (برای داوری) نزد تو آمدند، یا میانشان داوری کن یا از آنان روی بگردان. و اگر از آنان روی بگردانی پس هرگز هیچ زبانی به تو نخواهند رساند. و اگر داوری کنی، پس میانشان به قسط و عدل قضاوت کن، همانا خداوند دادگران را دوست دارد. (۴۳) و (یهودیان) چگونه تو را داور قرار می دهند، در حالی که تورات نزد ایشان است (و) در آن حکم خداست، پس بعد از آن (که تو موافق آن کتاب حکم کردی) روی می گردانند و آنان مؤمن نیستند. (۴۴) همانا ماتورات را نازل کردیم (که) در آن هدایت و نور است. پیامبران الهی که تسلیم فرمان خدا بودند، بر طبق آن برای یهود حکم می کردند، و (همچنین) مرئیان الهی و دانشمندان، بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده بود و بر آن گواه بودند، داوری می کردند، پس (ای علما!) از مردم نترسید (و احکام خدا را بیان کنید) و از (مخالفت با) من بترسید و آیات مرا به بهای اندک نفروشید. و کسانی که طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند پس آنان همان کافراند. (۴۵) و در آن (تورات) برایشان مقرر کردیم که (در قصاص) جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان باشد و همه‌ی زخمها را (نیز به همان ترتیب و اندازه) قصاص است. پس هر که آن را صدقه دهد، کفاره‌ی گناهانش محسوب شود و کسانی که به آنچه خدا نازل فرموده حکم نکنند، پس آنان همان ستمگرانند. (۴۶) و به دنبال آنان (پیامبران پیشین) عیسی پسر مریم را آوردیم در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق می کرد و به او انجیل دادیم، که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده‌ی تورات قبل از آن است و برای پروا پیشگان مایه‌ی هدایت و موعظه است. (۴۷) و اهل انجیل، به آنچه خداوند در آن کتاب نازل کرده حکم کنند. و کسانی که به آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند. پس آنان همان فاسقانند. (۴۸) و ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و حاکم و حافظ آنها است. پس به آنچه خداوند نازل کرده، میان آنان حکم کن و (با دور شدن) از حقی که برای تو آمده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن، ما برای هر یک از شما آیین و طریقه‌ی روشنی قرار دادیم، و اگر خداوند می خواست، همه‌ی شما را یک ائمت قرار می داد (و همه یک قانون و آیین داشتید). ولی (خداوند می خواهد) تا شما را در آنچه به شما داده بیازماید، پس در کارهای نیک سبقت بگیرید، (و بدانید که) بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، پس او شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد ساخت. (۴۹) و اینکه میان آنان طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم کن، و از هوسهای آنان پیروی مکن، و بر حذر باش از این که تو را از برخی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده منحرف سازند. پس اگر آنان (از حکم و داوری تو) روی گردانند، پس بدان که خداوند می خواهد آنان را به خاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند، بی شک بسیاری از مردم فاسقند. (۵۰) آیا آنان حکم جاهلیت را می طلبند؟ برای اهل ایمان و یقین، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟ (۵۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهودیان و مسیحیان را سرپرست و یاور نگیرید، (زیرا) بعضی از آنان یار و یاور بعض دیگرند و هر کس از شما که آنان را ولی خود قرار دهد پس قطعاً از

آنان است. همانا خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۵۲) (با آن همه توصیه به نپذیرفتن ولایت کفار) بیماردلان را می‌بینی که در دوستی با آنان (کافران)، سبقت می‌گیرند (و در توجیه کارشان) می‌گویند: می‌ترسیم که حادثه‌ای بد برایمان پیش آید (و ما نیازمند کمک آنان باشیم) پس امید است که خداوند، پیروزی یا امر دیگری را از جانب خود (به نفع مسلمین) پیش آورد، آنگاه آنان از آنچه در دل پنهان داشته‌اند پشیمان شوند. (۵۳) و کسانی که ایمان آوردند (هنگام پیروزی مسلمین و رسوایی منافقان با تعجب، به یکدیگر) می‌گویند: آیا اینان همان هایی هستند که با تأکید، به خدا قسم می‌خوردند که ما با شمایم؟ پس (چرا کارشان به اینجا کشید؟) اعمالشان نابود شد و زیانکار شدند. (۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ کس ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و خداوند وسعت بخش بسیار داناست. (۵۵) ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند. (۵۶) و هر کس که خدا و پیامبرش و چنان مؤمنانی را (که در آیه قبل بیان شد) ولی خود بگیرد (از حزب خداست) همانا حزب خدا پیروز است. (۵۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از کسانی که دین شما را به مسخره و بازی می‌گیرند، آنان که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده‌اند و (نیز) کفار را ولی خود نگیرید و از خدا بپرهیزید، اگر ایمان دارید. (۵۸) و هرگاه که شما (به وسیله‌ی اذن، مردم را) به نماز فرامی‌خوانید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی‌اندیشند. (۵۹) بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این بر ما خورده و عیب می‌گیرید که به خداوند و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه از پیش (بر پیامبران گذشته) نازل گردیده، ایمان آورده‌ایم؟ همانا بیشتر شما از مرز حق بیرون رفته و فاسقید. (۶۰) بگو: آیا شما را به بدتر از (صاحبان) این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم؟ کسانی که خداوند آنها را لعن و بر آنها غضب کرده و افرادی از آنان را به شکل بوزینه‌ها و خوک‌ها درآورده و طاغوت را پرستیدند (و اطاعت کردند)، جایگاه آنان نزد خداوند بدتر است و از راه راست گمراه‌ترند. (۶۱) و هرگاه (منافقان یا بعضی از اهل کتاب) نزد شما آیند، می‌گویند: ایمان آوردیم، در حالی که آنان با کفر بر شما وارد می‌شوند و با همان کفر بیرون روند و خداوند به آنچه کتمان می‌کردند آگاه‌تر است. (۶۲) و بسیاری از آنان (مدعیان ایمان) را می‌بینی که در گناه و ظلم و حرام خواری شتاب می‌کنند. به راستی چه زشت است آنچه انجام می‌دهند. (۶۳) چرا علمای نصاری و یهود آنان را از سخنان گناه آلود و خوردن مال حرام باز نمی‌دارند؟ چه بد است آنچه انجام می‌دهند. (۶۴) و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دستهایشان بسته باد و به سزای این گفتار، از لطف خدا دور شوند. بلکه دو دست (قدرت) خدا گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند و البته آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، کفر و طغیان بسیاری از آنان را می‌افزاید و ما تا روز قیامت دشمنی و کینه در میانشان افکنیم. هر بار که برای جنگ، آتش افروزی کردند، خداوند آن را خاموش ساخت. آنان همواره در زمین، به فساد و تبه‌کاری می‌کوشند، و خداوند مفسدان را دوست نمی‌دارد. (۶۵) و اگر اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند قطعاً ما گناهانشان را می‌بخشیدیم و آنان را به باغهای پر نعمت بهشت، وارد می‌کردیم. (۶۶) و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنان نازل شده، برپا می‌داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می‌خوردند. بعضی از آنان میانه رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می‌دهند بد است. (۶۷) ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده است (در مورد ولایت و جانشینی حضرت علی) اعلام کن و اگر چنین نکنی، رسالت الهی را نرسانده‌ای و (بدان که) خداوند تو را از (شر) مردم (و کسانی که تحمیل شنیدن این پیام مهم را ندارند) حفظ می‌کند. همانا خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۶۸) بگو: ای اهل کتاب! هیچ ارزشی ندارید مگر آنکه تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارتان نازل شده برپا دارید و همانا آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، طغیان و کفر بسیاری از آنان

را خواهد افزود، پس بر کافران (و مخالفت آنان) تأسف مخور. (۶۹) همانا کسانی که ایمان آوردند و مؤمنان و یهودیان و صابئان و مسیحیان، هر کدام به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام دهند، بیم و اندوهی بر آنان نیست. (۷۰) همانا ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی آنان فرستادیم. (اما) هر گاه پیامبری برایشان سخن و پیامی آورد که دلخواهشان نبود، گروهی را تکذیب کرده و گروهی را کشتند. (۷۱) (یهودیان چون خود را برتر از مردم و اولیای خدا می پنداشتند) گمان کردند کیفر و آزمایشی (برایشان) نخواهد بود، پس (از دیدن حقایق) کور و (از شنیدن حقایق) کر شدند. سپس خداوند (لطف خویش را بر آنان باز گرداند و) توبه شان را پذیرفت. دگر بار بسیاری از آنان (از دیدن و شنیدن آیات الهی) کور و کر شدند و خداوند به آنچه می کنند، بیناست. (۷۲) همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. (چگونه چنین می گویند) در حالی که مسیح خود می گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را پرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هر کس به خداوند شرک ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یآوری نیست. (۷۳) همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا خدایی نیست. و اگر از آنچه می گویند دست برندارند، به کافران از اهل کتاب آنها قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید. (۷۴) آیا توبه نمی کنند و از او آموزش نمی طلبند؟ در حالی که خداوند، آمرزنده‌ی مهربان است. (۷۵) مسیح پسر مریم، فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست کردار بود، آن دو (همچون سایر انسان ها) غذا می خوردند. (پس هیچ کدام خدا نیستند،) بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه (از حق) روی گردان می شوند. (۷۶) (ای پیامبر! به مردم) بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را که برای شما هیچ سود و زبانی ندارد می پرستید؟ در حالی که خداوند همان شنوای داناست. (۷۷) (ای پیامبر!) بگو: ای اهل کتاب! در دین خود به ناحق غلو نکنید و از هوسهای گروهی که پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و (اکنون نیز) از راه حق منحرفند، پیروی نکنید. (۷۸) کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند. این (لعن و نفرین)، بدان سبب بود که آنان عصیان کرده و از فرمان خدا تجاوز می کردند. (۷۹) آنان یکدیگر را از کارهای زشتی که انجام می دادند باز نمی داشتند (و نهی از منکر نمی کردند). به راستی چه بد است آنچه انجام می دادند. (۸۰) بسیاری از آنان (بنی اسرائیل) را می بینی که با کافران دوستی می ورزند، (و آنان را سرپرست خود می گیرند.) چه اعمال بدی از پیش فرستادند (که در نتیجه)، خداوند بر آنان خشم نموده و در عذاب، همانان جاوید خواهند بود. (۸۱) و اگر به خداوند و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می آوردند، هرگز آنان (کافران) را (سرپرست و) دوست خود نمی گرفتند، ولی بسیاری از آنان فاسقند. (۸۲) قطعاً سرسخت ترین مردم را در دشمنی نسبت به اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک ترینشان را از نظر دوستی با مؤمنان، کسانی خواهی یافت که می گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی) به آن جهت است که برخی از آنان کشیشان و راهبانند و آنان تکبر نمی ورزند. (۸۳) و (آن مسیحیان) هر گاه آیتی را که بر پیامبر نازل شده می شنوند، می بینی که چشمانشان از اینکه حق را شناخته اند از اشک لبریز می شود و می گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس نام ما را در زمره‌ی گواهی دهندگان (به حق) بنویس. (۸۴) و (می گویند): چرا به خداوند و حقّی که (از سوی او) برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ در حالی که امید داریم پروردگارمان ما را همراه صالحان وارد (بهشت) سازد. (۸۵) پس خداوند به پاس این سخن (و گواهی شان) به ایشان باغهایی که از پای (درختانش) نهرها جاری است پاداش داد، همواره در آن ماندگارند و این است پاداش نیکوکاران. (۸۶) و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخند. (۸۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید و از حد نگذیرید که خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد. (۸۸) و از آنچه خداوند، روزی حلال و پاکیزه به شما بخشیده بخورید، و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید. (۸۹) خداوند، شما را به خاطر سوگندهای لغو و بیهوده بازخواست نمی کند، لیکن برای شکستن سوگندهایی که (از روی اراده) بسته اید، مؤاخذه می کند، پس کفار آن (شکستن سوگند) طعام دادن به ده بینواست، از

نوع متوسط آنچه به خانواده‌ی خود می‌خورانید، یا پوشاندن ده فقیر است، یا آزاد کردن برده‌ای. پس کسی که (غذا و لباس برای ده فقیر نداشت و برده‌ای) نیافت، سه روز روزه بگیرد. این کفاره‌ی سوگندهای شماس، هرگاه که سوگند خوردید، (و آن را شکستید) و سوگندهایتان را مراقبت کنید، این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، تا او را شکر کنید. (۹۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید. (۹۱) همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟ (۹۲) و خدا را اطاعت کنید و پیامبر را فرمانبردار باشید و (از نافرمانی) بپرهیزید. پس اگر روی گردان شدید (و اطاعت نکردید) بدانید که وظیفه‌ی رسول ما تنها ابلاغ آشکار است. (۹۳) بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در آنچه (قبل از تحریم شراب) خورده‌اند باکی نیست، هرگاه که اهل پروا و ایمان و کارهای شایسته باشند. سپس (از محرمات) پرهیز نمایند (و به تحریم آن) ایمان آورند و آنگاه (نیز از حرام) بپرهیزند و کار نیک کنند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را با چیزی از شکار که دستها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد می‌آزماید تا خداوند معلوم گرداند چه کسی در باطن از او بیم دارد (و تسلیم فرمان اوست و از شکار می‌گذرد) پس بعد از این هر که تجاوز کند، او را عذابی دردناک است. (۹۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام، شکار را نکشید، و هر کس از شما به عمد، شکاری را بکشد، کيفر و کفاره‌اش کشتن نظیر آن حیوان از چهارپایان است که (به این نظیر بودن) دو شاهد عادل از میان خودتان حکم کنند. (این حیوان قربانی) هدیه‌ای است که به کعبه برسد (و آنجا ذبح شود) یا (به جای قربانی) برای جبران آن (به شصت) فقیر طعام بدهد یا برابر آن روزه بگیرد. (این کفاره‌های سه‌گانه) برای آن است که جزای کار خود را بچشد. خداوند از گذشته‌ی شما (که قانون کفاره نیامده بود) گذشت. و هر کس این کار را تکرار کند، خداوند از او انتقام می‌گیرد، و خداوند، شکست‌ناپذیر و انتقام‌گیرنده است. (۹۶) (البته) شکار دریا و خوراک آن برای شما حلال شده که توشه‌ای برای شما و کاروانیان است، ولی تا وقتی محرم هستید، صید صحرائی بر شما حرام است. و از خداوندی که به سوی او محشور می‌شوید، پروا کنید. (۹۷) خداوند، کعبه‌ی بیت الحرام را وسیله‌ی سامان بخشی و قوام مردم قرار داده و نیز ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و نشان‌دار را (وسیله‌ی برپایی مردم قرار داده است) این برای آن است که بدانید خداوند آنچه (از اسرار) در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و خداوند به هر چیز آگاه است. (۹۸) بدانید که خداوند، سخت‌کيفر است، و همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۹۹) بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آنچه را آشکار یا کتمان می‌کند می‌داند. (۱۰۰) (به مردم) بگو: پلید و پاک، یکسان نیست، گرچه عدد ناپاکان تو را به تعجب وا دارد. پس ای صاحبان خرد! از خدا پروا کنید، باشد که شما رستگار شوید. (۱۰۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از اموری که اگر برایتان آشکار شود ناراحتتان می‌کند نپرسید، و اگر هنگام نزول قرآن از آنها سؤال کنید، برایتان روشن می‌شود. خداوند از سؤال‌های نابجای شما گذشت و خداوند آمرزنده بردبار است. (۱۰۲) همانا (از این گونه سؤالها) گروهی از پیشینیان نیز پرسیدند (و چون طاقت عمل نداشتند) نسبت به آن منکر و کافر شدند. (۱۰۳) خداوند، درباره‌ی هیچ بحیره (حیوان گوش شکافته) و هیچ سائبه (حیوانی که به خاطر زاد و ولد زیاد او را آزاد کرده‌اند) و هیچ وصیله (حیوان نری که متصل به ماده، دو قلو به دنیا آمده باشد) و هیچ حام (شتر نری که ده بار برای جفت‌گیری از آن استفاده شده باشد) حکمی نکرده است (و شما را از استفاده‌ی گوشت و بارکشی آن منع فرموده و این ممنوعیت‌ها خرافات زمان جاهلی است)، ولی کافران بر خدا دروغ می‌بندند و بیشتر آنان اهل تعقل نیستند. (۱۰۴) و هرگاه به آنان گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، گویند: آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و (به حق) هدایت نشده بودند (و بیراهه می‌رفتند، باید راه آنان را ادامه دهند؟). (۱۰۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد (حفظ) خودتان. چون شما هدایت یافتید، آن که گمراه شد زبانی به شما نمی‌رساند. بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، و او شما را به آنچه می‌کردید، آگاه

می‌سازد. (۱۰۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه (نشانه‌های) مرگ یکی از شما فرا رسد، از میان خود دو نفر عادل را هنگام وصیت به شهادت و گواهی فراخوانید. و اگر در مسافرت بودید و مصیبت مرگ به سراغ شما آمد (و شاهد مسلمانی نبود) دو تن از غیر (همکیشان) تان را به گواهی بطلبید و اگر (در صداقت آنان) شک کردید، پس از نماز آن دو را نگاهدارید تا به خداوند قسم یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به هیچ قیمتی بفروشیم، هر چند در مورد فامیل باشد و هرگز شهادت الهی را پنهان نمی‌کنیم، که در این صورت از گنه کارانیم. (۱۰۷) پس اگر معلوم شد که آن دو شاهد (غیر مسلمان در سفر) گناه و خیانت کرده‌اند (و سوغندشان ناحق بوده)، دو نفر دیگر که (مسلمان هستند و شهادت بر ضررشان تمام شده و به میت نزدیک ترند) برخاسته و به خدا سوگند یاد نمایند که قطعاً گواهی ما (وارثان مسلمان) از گواهی آن دو (غیر مسلمانی که خیانتشان آشکار شده) به حق نزدیکتر است (و بگویند) ما (از حد و حق) تجاوز نکرده‌ایم که اگر چنین کنیم قطعاً از ستمکارانیم. (۱۰۸) این (روش به صواب) نزدیکتر است برای اینکه شهادت را به نحو درست ادا کنند و یا بترسند که بعد از سوگند خوردنشان سوغندهایی (به وارثان میت) برگردانده شود (و جای سوگند آنان را بگیرد). و از خداوند پروا کنید و (فرمان های او را) گوش کنید و خداوند، گروه فاسق را هدایت نمی‌کند. (۱۰۹) روزی (فرا رسد) که خداوند، پیامبران را گرد آورد پس بگوید: به دعوت شما چه پاسخی داده شد؟ گویند: ما علمی (به حقیقت امر) نداریم، همانا دانای غیبهات تویی تو. (۱۱۰) زمانی که خداوند فرمود: ای عیسی پسر مریم! نعمتم را بر تو و بر مادرت یاد کن. آنگاه که تو را با «روح القدس» (جبرئیل) تأیید کردم. در گهواره (به اعجاز) و در بزرگسالی (به وحی) با مردم سخن گفتم، و آنگاه که کتاب و حکمت و تورات و انجیل به تو آموختم، و (فراموش مکن زمانی را که) به اذن من از گل (چیزی) به صورت پرنده ساختی و در آن دمیدی، پس با اذن من پرنده‌ای شد، و با اذن من کور مادرزاد و پرسی گرفته را شفا می‌دادی، و آنگاه که به اذن من، مردگان را (زنده) از گور بیرون می‌آوردی، و (به یاد آور) زمانی که (دست ظلم) بنی اسرائیل را از تو کوتاه کردم، آنگاه که تو دلایل روشن برایشان آوردی، پس کافران از ایشان (درباره‌ی معجزات تو) گفتند: این، چیزی جز سحر آشکار نیست. (۱۱۱) و (به یاد آور) زمانی که به حواریون (یاران مخصوص حضرت عیسی) وحی فرستادم که ایمان آورید، گفتند: ایمان آورده‌ایم، و شاهد باش که ما مسلمان و تسلیم هستیم. (۱۱۲) (یاد آور) زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند (با دعای تو) از آسمان، خوانی (از غذا) برای ما فرود آورد؟ عیسی گفت: اگر مؤمنید، از خدا پروا کنید! (۱۱۳) گفتند: (ما نظر بدی نداریم و بهانه‌جو نیستیم بلکه) می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان اطمینان یابد و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و بر آن مانده‌ی آسمانی از گواهان باشیم. (۱۱۴) عیسی بن مریم گفت: خداوند، پروردگارا! مانده‌ای از آسمان بر ما فرو فرست که برای نسل کنونی و آیندگان ما عید و نشانه‌ای از تو باشد و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی. (۱۱۵) خداوند فرمود: من آن (مانده) را بر شما نازل می‌کنم، اما هر کدام از شما بعد از آن کفر ورزد، او را چنان عذاب خواهم کرد که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم. (۱۱۶) و زمانی که خداوند گفت: ای عیسی بن مریم! آیا تو به مردم گفتی: به غیر از خدا، من و مادرم را به عنوان دو معبود بگیری؟ (عیسی) گفت: (خدایا!) تو پاک و متزهی، مرا نشاید که حرف ناروایی که سزاوار من نیست بگویم، اگر چنین گفته بودم، تو آن را می‌دانستی (زیرا) تو آنچه را در دل و جان من است می‌دانی، امّا من از آنچه در ذات توست بی‌خبرم، همانا، دانای تمام غیبهات تویی تو. (۱۱۷) (حضرت عیسی به خداوند گفت: من، به آنان نگفتم مگر آنچه مرا به آن فرمان دادی که پرستید خداوندی را که پروردگار من و پروردگار شماست، و تا زمانی که در میان آنان بودم، شاهد و ناظر بر آنان بودم، پس چون مرا (از میانشان) باز گرفتی، تو خود بر آنان مراقب بودی و تو بر هر چیز گواهی. (۱۱۸) (عیسی گفت: خدایا!) اگر عذابشان کنی، پس آنان بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامرزی، پس همانا تو خود توانمند و حکیمی. (۱۱۹) خداوند فرمود: این، روزی است که راستگویان را صداقتشان سود دهد، برایشان باغهایی است که زیر درختانش نهرها جاری است، همیشه در آن ماندگارند، خداوند از آنان راضی است، آنان نیز از او راضی‌اند، این رستگاری بزرگ

است. (۱۲۰) ملک و حکومت آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست تنها از آن خداست، و او بر هر چیز تواناست. (۱۲۱)

الأنعام

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را قرار داد، اما کافران (دیگران را) با پروردگارش برابر و همتا می گیرند. (۲) او کسی است که شما را از گل آفرید، پس از آن ائجلی را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و ائجلی معین (که مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیاست) نزد اوست. پس (با وجود این) شما شک و شبهه می کنید؟ (۳) او است که در آسمان ها و در زمین خداوند است. نهان و آشکار شما را می داند، و هر چه را به دست می آورد (نیز) می داند. (۴) و هیچ نشانه و آیه ای از نشانه های پروردگارش برای آنها نمی آمد، جز آنکه (به جای تصدیق و ایمان) از آن اعراض می کردند. (۵) پس همین که حق برای آنان آمد، آن را تکذیب کردند، پس به زودی خبرهای مهم (و تلخ درباره کیفر) آنچه را به مسخره می گرفتند به سراغشان خواهد آمد. (۶) آیا ندیدند که چه بسیار امت های پیش از آنان را هلاک کردیم، با آنکه در زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما ندادیم؟ و (باران و برکت) آسمان را پی در پی برایشان فرستادیم و نهرهای آب از زیر پاهایشان جاری ساختیم، پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم و نسل دیگری پس از آنان پدید آوردیم. (۷) و (کافران لجوج که در پی بهانه جویی اند حتی) اگر نوشته ای را در کاغذی بر تو نازل می کردیم که آن را با دست های خود لمس می کردند، باز هم کافران می گفتند: این، جز جادویی آشکار نیست. (۸) و (کافران بهانه جو) گفتند: (اگر محمد، رسول است) چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت کمک کند)، در حالی که اگر فرشته ای نازل می کردیم (باز هم لجاجت خواهند کرد و) کار آنان پایان می یافت و هیچ مهلتی به آنان داده نمی شد. (۹) و اگر (پیامبر را) فرشته قرار می دادیم، حتما او را به صورت مردی درمی آوردیم (که باز هم می گفتند این انسانی همانند خود ماست و همان شبهه را تکرار می کردند بنابراین) کار را بر آنان مشتبه می ساختیم همان طور که آنان (با ایرادهای خود) کار را بر دیگران مشتبه می سازند. (۱۰) و قطعاً پیامبرانی پیش از تو هم استهزا شدند، پس عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر مسخره کنندگان از ایشان فرود آمد. (۱۱) (ای پیامبر! به آنان) بگو: در زمین بگردید، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد؟ (۱۲) بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است برای کیست؟ بگو: برای خداوند است که بر خود، رحمت را مقرر کرده است. او قطعاً شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد. کسانی که خود را باختند (و با هدر دادن استعدادها، به جای رشد، سقوط کردند) همانان ایمان نمی آورند. (۱۳) و تنها برای اوست آنچه در شب و روز قرار گرفته و او شنوای داناست. (۱۴) بگو: آیا غیر از خدا را سرپرست خود بگیرم در حالی که او آفریدگار آسمان ها و زمین است او همه را طعام می دهد، ولی کسی به او طعام نمی دهد. بگو: همانا من مأمورم که اولین کسی باشم که تسلیم فرمان اوست. و (به من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش. (۱۵) بگو: همانا اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ بیمناکم. (۱۶) در آن روز، از هر کس عذاب الهی برداشته شود، قطعاً مشمول رحمت الهی شده و این است رستگاری آشکار. (۱۷) و اگر خداوند (برای آزمایش و رشد، یا کیفر اعمال) تو را با (اسباب) زیان و آسیب درگیر کند، جز خودش هیچ کس برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند، پس او بر هر چیز تواناست. (۱۸) اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و اوست حکیم آگاه. (۱۹) بگو: چه موجودی در گواهی برتر و بزرگتر است؟ بگو: خداوند میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما را و هر که را که این پیام به او برسد هشدار دهم. آیا شما گواهی می دهید که با خداوند، خدایان دیگری هست؟ بگو: من گواهی نمی دهم. بگو: همانا او خدای یکتاست و بی تردید من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم. (۲۰) کسانی که به آنان، کتاب (آسمانی) دادیم (یهود و نصاری)، محمد را همانند فرزندان خود می شناسند (و بشارت های انبیا و کتب آسمانی پیشین را منطبق بر آن حضرت می بینند، ولی حاضر به پذیرفتن آن نیستند) پس کسانی که به (فطرت و رشد و

سعادت آینده) خودشان زیان زدند، ایمان نمی آورند. (۲۱) و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بدهد، یا آیات الهی را تکذیب کند؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند. (۲۲) و روزی که آنان را یکسره محشور می کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیدند گوییم: کجایند شریکان شما که بر ایشان گمان (خدایی) داشتید؟ (۲۳) پس (از آن همه فریفتگی به بتان، در پیشگاه خداوند) عذری نیابند جز آنکه (از بتان بیزاری جسته و) بگویند: سوگند به خدا! پروردگاران ما هرگز مشرک نبوده ایم. (۲۴) بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریکان که همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت. (۲۵) بعضی از آنها کسانی هستند که (به ظاهر) به سخن تو گوش می دهند، ولی ما بر دل‌هایشان پرده‌هایی قرار داده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوشه‌هایشان (نسبت به شنیدن حق) سنگینی قرار دادیم و آنان به قدری لجوجند که اگر هر آیه و معجزه‌ای را ببینند، باز هم به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند با تو جدال می کنند و کسانی که کافر شدند می گویند: این نیست جز افسانه‌های پیشینیان. (۲۶) و آنان، مردم را از آن (پیامبر و قرآن) بازمی دارند و خود نیز از آن دور و محروم می شوند، (ولی بدانند که) جز خودشان را هلاک نمی سازند، (ولی) نمی فهمند. (۲۷) و اگر آنان را، آن هنگام که بر لبه‌ی آتش (دوزخ) نگه داشته شده‌اند ببینی، پس می گویند: ای کاش (بار دیگر به دنیا) بازگردانده شویم و آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان (واقعی) باشیم. (۲۸) (چنین نیست)، بلکه آنچه (از کفر و نفاق) قبلا- (در دنیا) پنهان می کردند، (در آن روز) برایشان آشکار شده و اگر آنان (طبق خواسته و آرزویشان) به دنیا بازگردانده شوند، بی گمان باز هم به آنچه از آن نهی شده‌اند بازمی گردند. و آنان قطعاً دروغگو بمانند. (۲۹) و گفتند: جز زندگی دنیوی ما، هیچ زندگی دیگری نیست و ما (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم. (۳۰) و اگر ببینی آنگاه که در برابر پروردگارشان بازداشته شده‌اند، (خدا) می فرماید: آیا این (رستاخیز) حق نیست؟ می گویند: بلی، به پروردگاران سوگند (که حق است). او می فرماید: پس به کیفر کفرورزی‌ها و کفران هایتان، عذاب را بچشید. (۳۱) قطعاً کسانی که دیدار خداوند (در قیامت) را تکذیب کردند زیانکار شدند، همین که ساعت موعود ناگهان به سراغشان آید، در حالی که بار سنگین گناهان خویش را بر پشتشان می کشند، گویند: دریغا از آن کوتاهی‌ها که در دنیا کرده‌ایم، آگاه باشید که چه بد باری است آنچه به دوش می کشند. (۳۲) و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و البته خانه‌ی آخرت، برای تقوا پیشگان بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۳۳) البته ما می دانیم که آنچه می گویند، تو را اندوهناک می کند، (ولی غم مخور و بدان که) آنان (در واقع) تو را تکذیب نمی کنند، بلکه (این) ستمگران آیات خدا را انکار می کنند. (۳۴) و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، لیکن در برابر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند، تا یاری ما به آنان رسید. (تو نیز چنین باش زیرا) برای کلمات (و سنت‌های) خداوند، تغییر دهنده‌ای نیست. قطعاً از اخبار پیامبران برای تو آمده است (و با تاریخ آنان آشنایی). (۳۵) و اگر اعراض و بی‌اعتنایی آنان (کافران) بر تو سنگین است (و می‌خواهی به هر وسیله آنان را به راه آوری، بین) اگر بتوانی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی، تا آیه‌ای (دیگر) برایشان بیاوری (پس بیاور ولی بدان که باز هم ایمان نخواهند آورد) و اگر خدا خواسته بود همه‌ی آنان را بر هدایت گرد می آورد (ولی سنت الهی بر هدایت اجباری نیست) پس هرگز از جاهلان مباش. (۳۶) تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند که گوش شنوا دارند و (کافران که نمی‌گروند)، مردگانی هستند که روز قیامت خداوند آنان را برمی‌انگیزد و سپس همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. (۳۷) و گفتند: چرا بر او (محمّد) معجزه‌ای (که ما می‌خواهیم) از سوی پروردگارش نازل نشده؟ بگو: بی‌تردید خداوند قادر است که نشانه و معجزه‌ای (که می‌خواهید) بیاورد، ولی بیشتر (این بهانه‌جویان) نمی‌دانند. (۳۸) و هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه آنها هم ایت‌هایی چون شمایند. ما در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را فروگذار نکردیم، سپس همه نزد پروردگارشان گرد می‌آیند. (۳۹) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کر و لال‌هایی هستند در تاریکی‌ها. خداوند، هر که را بخواهد (و مستحق باشد) گمراهش کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) بر راه راست قرارش می‌دهد. (۴۰) بگو: اگر راست

می گویند چه خواهید کرد آنگاه که عذاب خدا در دنیا بیاید یا قیامت فرا رسد، آیا غیر خدا را می خوانید؟ (۴۱) بلکه (در هنگامه های خطر) فقط او را می خوانید، پس اگر بخواهد آن رنجی که خدا را به خاطر آن می خوانید بر طرف می کند، و آنچه را برای خداوند شریک می پنداشتید (در روز قیامت) فراموش می کنید. (۴۲) و همانا به سوی امت های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم، (و چون سرپیچی کردند) آنان را به تنگدستی و بیماری گرفتار کردیم. باشد که تضرع کنند. (۴۳) پس چرا هنگامی که ناگواری های ما به آنان رسید، توبه و زاری نکردند؟ آری (حقیقت آن است که) دل های آنان سنگ و سخت شده و شیطان کارهایی را که می کردند، برایشان زیبا جلوه داده است. (۴۴) پس چون اندرزهایی را که به آنان داده شده بود فراموش کردند، درهای هرگونه نعمت را به رویشان گشودیم (و در رفاه و مادیات غرق شدند) تا آنگاه که به آنچه داده شدند دلخوش کردند، ناگهان آنان را (به عقوبت) گرفتیم پس یکباره محزون و نومید گردیدند. (۴۵) پس ریشه ی گروه ستمکاران بریده شد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۴۶) بگو: چه فکر می کنید، اگر خداوند، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل های شما مهر بزند، جز خداوند، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد؟ بین که ما چگونه آیات را به گونه های مختلف بیان می کنیم، اما آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی برمی گردانند. (۴۷) بگو: چه خواهید کرد اگر عذاب خداوند، به طور پنهان و ناگهانی یا آشکارا به سراغ شما آید، آیا جز گروه ستمگران هلاک خواهند شد؟ (۴۸) و ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند. (۴۹) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب الهی به خاطر فسق و گناهشان، دامنگیر آنان می شود. (۵۰) (ای پیامبر! به مردم) بگو: من ادعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادعا نمی کنم که من فرشته ام، من جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم. بگو: آیا نابینا و بینا برابرنند؟ آیا نمی اندیشید؟ (۵۱) و به وسیله ی آن (قرآن) کسانی را که از محشور شدن نزد پروردگارشان بیم دارند هشدار ده (زیرا) غیر از خداوند، برای آنان یاور و شفیع نیست، شاید که پروا نمایند. (۵۲) و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند، در حالی که رضای او را می طلبند، از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو نیست، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی. (۵۳) و این گونه بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر آزمایش کردیم، تا (از روی استهزا) بگویند: آیا اینانند آنها که خداوند، از میان ما بر آنها منت نهاده است؟ آیا خداوند به حال شاكران داناتر نیست؟ (۵۴) و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: سلام بر شما! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس قطعاً خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۵۵) و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی بیان می کنیم، (تا حق آشکار) و راه و رسم گناهکاران روشن شود. (۵۶) بگو: من از پرستش آنها که به جای خدا می خوانید نهی شده ام. بگو: من از هوسهای شما پیروی نمی کنم، که در این صورت گمراه شده و از هدایت یافتگان نخواهم بود. (۵۷) بگو: همانا من از طرف پروردگارم بر دلیل آشکاری هستم، ولی شما آن را دروغ پنداشتید. آنچه را شما (از عذاب الهی) با شتاب می طلبید به دست من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و او بهترین (داور و) جداکننده ی حق از باطل است. (۵۸) بگو: اگر آنچه که درباره آن شتاب می کنید نزد من بود (و به درخواست شما عذاب نازل می کردم)، قطعاً کار میان من و شما پایان گرفته بود، ولی خداوند به حال ستمگران آگاه تر است (و به موقع مجازات می کند). (۵۹) و گنجینه های غیب، تنها نزد خداست و جز او کسی آن را نمی داند و آنچه را در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی از درخت نمی افتد جز آنکه او می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه (علم آن) در کتاب مبین ثبت است. (۶۰) و او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد و آنچه را در روز انجام می دهید می داند، سپس شما را از خواب برمی انگیزد تا مدت معین (عمر شما) سپری شود. عاقبت باز گشت شما به سوی اوست پس شما را به آنچه انجام می دهید

خبر می دهد. (۶۱) و تنها اوست که قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و نگهبانانی بر شما می فرستد، تا آنکه چون مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را باز گیرند و در کار خود، هیچ کوتاهی نکنند. (۶۲) سپس مردم به سوی خداوند، مولای حقشان باز گردانده می شوند، آگاه باشید که دادرسی و داوری تنها از آن خداوند است و او سریع ترین حسابرسان است. (۶۳) بگو: چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا (به هنگام درماندگی) نجات می دهد؟ وقتی که او را آشکارا و پنهان می خوانید (و می گوید): اگر خداوند از این ظلمت ما را رهایی دهد، از شکر گزاران خواهیم بود. (۶۴) بگو: خداوند شما را از این ظلمت ها و از هر ناگواری دیگر نجات می دهد، باز شما (به جای سپاس)، شرک می ورزید. (۶۵) بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را به صورت گروه های گوناگون با هم درگیر کند، و طعم تلخ جنگ و خونریزی را توسط یکدیگر به شما بچشاند. بنگر که چگونه آیات را گونه گون باز گو می کنیم، باشد که بفهمند. (۶۶) و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند، با آنکه سخن حقی است، بگو: من وکیل و عهده دار ایمان آوردن شما نیستم. (۶۷) برای هر خبری (که خداوند یا پیامبرش به شما می دهد) وقتی مقرّر است (که در آن واقع می شود) و به زودی خواهید دانست. (۶۸) و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما (به قصد تخطئه)، کندوکاو می کنند، از آنان روی بگردان تا (مسیر سخن را عوض کرده) وارد مطلب دیگری شوند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از توجه، (دیگر) با این قوم ستمگر منشین. (۶۹) کسانی که پروا پیشه کردند، به گناه ستمکاران بازخواست نخواهند شد، ولی باید آنان را پند دهند تا شاید پرهیزکار شوند. (۷۰) و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرده است، رها کن و به وسیله ی قرآن پندشان ده تا مبادا به کیفر آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتند، در حالی که جز خدا هیچ یاور و شفيعی ندارند، و اگر (انسان در آن روز) هرگونه عوضی (برای کیفر) ته نمی شود، آنان کسانی هستند که به سزای آنچه پردازد از او پذیر کسب کرده اند به هلاکت افتادند برای آنان شرابی از آب سوزان و عذابی دردناک به کیفر کفرشان خواهد بود. (۷۱) بگو: آیا غیر خداوند، چیزی را بخوانیم که سود و زبانی برای ما ندارد و پس از آنکه خداوند هدایتمان کرد، به عقب باز گشته (و کافر) شویم؟ همچون کسی که شیاطین او را در زمین از راه به در برده اند و سرگردان مانده است در حالی که برای او یارانی (دلسوز) است که او را به هدایت دعوت کرده (و می گویند): نزد ما بیا (و حق را بپذیر ولی او گوشش بدهکار نیست). بگو هدایتی که از سوی خدا باشد هدایت واقعی است و ما مأموریم که برای خدای جهانیان تسلیم باشیم. (۷۲) و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید. (۷۳) و او کسی است که آسمان ها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید: موجود شو، بی درنگ موجود می شود، سخن او حق است. (و روز قیامت) روزی که در «صور» دمیده می شود، حکومت تنها از اوست، دانای غیب و شهود است و اوست حکیم و آگاه. (۷۴) و (یاد کن) آن هنگام که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بتان را خدایان می گیری؟ بی شک تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینم. (۷۵) و اینگونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا (یقین پیدا کند و) از اهل یقین باشد. (۷۶) پس چون شب بر او پرده افکند ستاره های دید، گفت: این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت: من زوال پذیران را دوست ندارم. (۷۷) پس (بار دیگر) چون ماه را در حال طلوع و درخشش دید، گفت: این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت: اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان می بودم. (۷۸) پس چون خورشید را برآمده دید گفت: اینست پروردگار من، این بزرگتر (از ماه و ستاره) است. اما چون غروب کرد، گفت: ای قوم من! همانا من از آنچه برای خداوند شریک قرار می دهید بیزارم. (۷۹) من از سر اخلاص روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم. (۸۰) و قومش با وی به گفتگو و ستیزه پرداختند، او گفت: آیا درباره ی خدا با من محاجه و ستیزه می کنید؟ و حال آن که او مرا هدایت کرده است و من از آنچه شما شریک او می پندارید بیم ندارم، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد، (که اگر هم آسیبی به من برسد، خواست خداست، نه بت ها) علم پروردگارم همه چیز را فرا گرفته، پس آیا پند نمی گیرید؟. (۸۱) و چگونه

از چیزی که شریک خدا ساخته‌اید بترسم و حال آنکه شما آنچه را که خدا هیچ دلیلی درباره‌ی آن بر شما نازل نکرده است شریک او گرفته و نمی‌ترسید؟ اگر می‌دانید (بگویید که) کدام یک از ما دو دسته به ایمنی (در قیامت) سزاوارتر است؟ (۸۲) کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم و شرک نیالودند، آنانند که برایشان ایمنی (از عذاب) است و آنان هدایت یافتگانند. (۸۳) این (نوع استدلال) حجت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم، هر کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا می‌بریم. همانا پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان‌ها را بالا می‌برد). (۸۴) و ما به او (ابراهیم)، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم. و از نسل او (ابراهیم)، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۸۵) و زکریا، یحیی، عیسی و الیاس را (نیز هدایت کردیم) و همه از شایستگانند. (۸۶) و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (۸۷) و از پدران و ذریه و برادرانشان، کسانی را (مورد لطف قرار داده و به خاطر لیاقتشان آنان را به نبوت) برگزیدیم و به راه راست هدایتشان کردیم. (۸۸) آن هدایت خداست، هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می‌کند و اگر شرک ورزند، قطعاً آنچه انجام داده‌اند از دستشان خواهد رفت. (۸۹) آنان کسانی بودند که کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت و مقام نبوت به آنان دادیم. پس اگر این مشرکان به آنها کفر ورزند و نپذیرند (ناراحت نباش، چرا که) ما گروهی دیگر را که به آن کافر نیستند می‌گماریم. (۹۰) آنان کسانی‌اند که خداوند هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن. (ای پیامبر! به مردم) بگو: من بر این (رسالت و دعوت) از شما مزدی طلب نمی‌کنم، این قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست. (و خواست من جز پند گرفتن اهل عالم نیست). (۹۱) خداوند را آنگونه که شایسته‌ی اوست نشناختند، چرا که گفتند: خداوند بر هیچ بشری، چیزی نازل نکرده است. بگو: کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده (و به دلخواه خود) بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می‌سازید، و آنچه را شما و پدرانتان نمی‌دانستید، (از طریق همان کتاب آسمانی تورات)، به شما آموخته شد. (ای پیامبر!) بگو: خدا (بود که آنها را نازل کرد)، سپس رهایشان کن تا در یاوه‌گویی‌های خود غوطه‌ور باشند. (۹۲) و این مبارک کتابی است که نازل کرده‌ایم، تصدیق‌کننده آنچه (از کتب آسمانی) که پیش از آن آمده است، (تا مردم را به پاداش‌های الهی مژده دهی) و اهل مکه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و (البته) آنان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد و همانان بر نمازهای خود محافظت دارند. (۹۳) و کیست ظالمترا از آنکه بر خدا دروغی بست و یا گفت: به من وحی شده، در حالی که چیزی به او وحی نشده است. و نیز آن کس که گفت: به زودی من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می‌کنم. و (ای پیامبر!) اگر بینی زمانی را که ستمگران در سكرات مرگ قرار گرفته و فرشتگان (برای قبض روح آنان) دست‌های (قدرت) خویش را گشوده و فرمان جان دادن می‌دهند (و می‌گویند): امروز به خاطر نسبت‌های ناروا که به خداوند می‌دادید و از آیات او سرپیچی می‌کردید، به عذاب خوارکننده کیفر داده خواهید شد. (۹۴) به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، اکنون نیز (به هنگام مرگ یا قیامت) تک و تنها نزد ما آمدید و همه‌ی اموالی را که به شما دادیم پشت سر گذاشتید و آن شفیعان را که در (تعیین سرنوشت) خودتان شریکان خدا می‌پنداشتید، همراه شما نمی‌بینیم. به راستی (پیوندهای) میان شما گسسته و آنچه (از شریکان و شفیعان که به نفع خود) می‌پنداشتید از (دست) شما رفت. (۹۵) همانا خداوند، شکافنده‌ی دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می‌آورد و بیرون آورنده‌ی مرده از زنده است. آن است خداوند شما، پس چگونه (از حق) منحرف می‌شوید؟ (۹۶) (خداوند)، شکافنده‌ی سپیده دم است، و شب را مایه‌ی آرامش قرار داد و خورشید و ماه را اسباب شمارش (ایام). این است اندازه‌گیری خداوند قدرتمند دانا. (۹۷) و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی‌های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه را یابید. قطعاً ما نشانه‌ها را برای قومی که آگاه و دانایند به تفصیل روشن ساختیم. (۹۸) و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید، پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده‌اند) و برخی (در پشت پدرها و رحم مادرها) به امانت گذاشته

شده‌اند. ما آیات خویش را برای گروهی که می‌فهمند به تفصیل بیان کردیم. (۹۹) و او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، پس به وسیله‌ی آن، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه‌ها خارج ساختیم. از آن (سبزه‌ها) دانه‌های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوریم. و از شکوفه‌ی خرما خوشه‌هایی نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغهایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهند. به میوه‌ی آن، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می‌رسد بنگرید. همانا در آن، نشانه‌هایی برای گروه با ایمان است. (۱۰۰) و آنان برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، در حالی که آنان را نیز خدا آفریده است و از روی نادانی برای خداوند، پسران و دخترانی ساخته و پرداخته‌اند. خداوند برتر و منزّه است از آنچه آنان درباره‌ی او وصف می‌کنند. (۱۰۱) (او) پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است، چگونه برای او فرزندی باشد، در حالی که برای او همسری نبوده است و او هر چیز را آفریده و به هر چیز داناست. (۱۰۲) آن است خداوند، پروردگار شما، معبودی جز او نیست، آفریدگار هر چیز است، پس او را بپرستید و او نگهبان و مدبّر همه چیز است. (۱۰۳) چشم‌ها او را در نمی‌یابد، ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد و او نامرئی و دقیق و باریک بین و آگاه است. (۱۰۴) همانا از سوی پروردگارتان، مایه‌های بینش و بصیرت، (کتب آسمانی و دلائل روشن) برای شما آمده است. پس هر که بصیرت یافت، به سود خود اوست و هر کس کوری گزید، به زیان خویش عمل کرده است و من نگهبان و ضامن (ایمان شما به اجبار) نیستم. (۱۰۵) و بدین سان آیات را در شکل‌های گوناگون بیان می‌کنیم، (تا وسیله هدایت شود ولی کافران ایمان نیاورده) و گویند: تو (نزد کسی) درس خوانده‌ای! (بگذار بگویند، ولی ما) برای کسانی بیان می‌کنیم که اهل فهم و علم باشند. (۱۰۶) تنها آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان. (۱۰۷) و اگر خداوند می‌خواست (همه به اجبار ایمان می‌آوردند و) شرک نمی‌ورزیدند (ولی سنت الهی چنین نیست) و ما تو را بر آنان نگهبان قرار ندادیم و تو وکیل (ایمان آوردن) آنان نیستی. (۱۰۸) و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند ناسزا نگویند که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می‌گویند. ما این گونه عمل هر امتی را برایشان جلوه دادیم. سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است، پس خداوند آنان را به آنچه می‌کردند خبر می‌دهد. (۱۰۹) و با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که اگر معجزه و نشانه‌ای برایشان بیاید، قطعاً به آن ایمان خواهند آورد. بگو: معجزات، تنها نزد خداست (و به دست اوست) و چه می‌دانید (بلکه ما می‌دانیم) که اگر معجزه‌ای هم بیاید، (باز هم) آنان ایمان نخواهند آورد. (۱۱۰) همان گونه که در آغاز ایمان نیاوردند، این بار نیز دلها و چشم‌هایشان را دگرگون و واژگون می‌کنیم و آنان را در طغیانشان رها می‌سازیم تا سرگردان بمانند. (۱۱۱) و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می‌کردیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و همه چیز را (به گواهی صدق و اعجاز) دسته دسته در برابرشان گرد می‌آوردیم باز هم ایمان نمی‌آوردند، مگر آنکه خداوند بخواهد (به اجبار ایمان آورند)، ولی بیشترشان نادانی می‌کنند. (۱۱۲) (ای پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجاجت نپرداختند، بلکه) ما این گونه برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان‌های انس و جن قرار دادیم. که برخی از آنان حرف‌های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می‌کنند. البتّه اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند. (ولی سنت الهی بر آزادی انسان‌ها می‌باشد)، پس آنان را و آنچه به دروغ می‌سازند به خود واگذار. (۱۱۳) و (شیاطین، سخنان فریبنده‌ی خود را بر مردم می‌خوانند) تا گوش دل آنان که به قیامت ایمان ندارند، به آن سخنان مایل شود و آن را بپسندند و آنان به دست آورند آنچه را به دنبال به دست آوردنش هستند. (۱۱۴) پس (بگو: آیا (با این همه دلایل روشن) غیر خدا را به داوری جویم؟ در حالی که اوست که کتاب آسمانی را به تفصیل به سوی شما نازل کرد، و کسانی که به آنان کتاب داده‌ایم، (یهود و نصاری) می‌دانند که این کتاب، از طرف پروردگارت به حق نازل گشته است، پس به هیچ وجه از تردیدکنندگان مباش. (۱۱۵) و کلام پروردگارت، در صداقت و عدالت به حدّ کمال و تمام رسید. هیچ تغییردهنده‌ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست. (۱۱۶) و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند، منحرف و گمراه می‌کنند. زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و آنان، جز به حدس و گمان

نمی‌پردازند. (۱۱۷) قطعاً پروردگار تو، خود به کسانی که از راه او گمراه می‌شوند، داناتر است و او به هدایت یافتگان (نیز) آگاه‌تر است. (۱۱۸) پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از) آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید. (۱۱۹) و شما را چه شده که از آنچه که نام خداوند بر آن برده شده است نمی‌خورید؟ (و بی‌جهت حلال ما را بر خود حرام می‌کنید، در صورتی که خداوند آنچه را بر شما حرام کرده خودش به تفصیل برای شما بیان کرده است، مگر آنچه (از محرّمات) که به خوردن آن مضطر شدید، همانا بسیاری از مردم، دیگران را جاهلانه به خاطر هوس های خود گمراه می‌کنند. قطعاً پروردگارت به متجاوزان آگاه‌تر است. (۱۲۰) و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، همانا کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده‌اند، خواهند دید. (۱۲۱) و از آنچه نام خداوند بر آن برده نشده، نخورید، چرا که خوردن آن فسق (و خروج از مدار بندگی) است. همانا شیاطین، به دوستان خود القا می‌کنند تا به جدال با شما برخیزند (که مثلاً چه فرقی است میان حیوان مرده یا ذبح شده) و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما هم مشرک می‌شوید. (۱۲۲) و آیا آنکه (به واسطه‌ی جهل و شرک) مرده بود، پس او را (با هدایت خویش) حیات بخشیدیم و برای او نوری (از ایمان) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه خود را بیابد، مثل او مثل کسی است که در ظلمت های (جهل و شرک) قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران، کارهایی که می‌کردند جلوه داده شده بود. (۱۲۳) و ما این گونه در هر دیاری مجرمان بزرگش را می‌گماریم تا در آن قریه‌ها و مناطق، حيله (و فسق و فساد) کنند، امّا جز به خودشان نیرنگ نمی‌کنند ولی نمی‌فهمند (که نتیجه‌ی حيله، به خودشان بازمی‌گردد). (۱۲۴) و چون آیه و نشانه‌ای (از سوی خدا برای هدایت آنان) نازل شد گفتند: ما هرگز ایمان نمی‌آوریم تا آنکه به ما هم مثل آنچه به فرستادگان خدا داده شد، داده شود، (بگو: خداوند بهتر می‌داند که رسالت خود را کجا (و نزد چه کسی) قرار دهد. به زودی به آنها که گناه کردند، به سزای آن مکر و نیرنگ ها که می‌کردند، خواری و عذاب سخت از نزد خداوند خواهد رسید. (۱۲۵) خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید و هر که را (به خاطر اعمال و خصلت های خلافش) بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را (از پذیرفتن ایمان) سخت قرار می‌دهد، گویا به زحمت در آسمان بالا می‌رود. خداوند این چنین پلیدی (کفر) را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد. (۱۲۶) و این راه پروردگار تو است که مستقیم است، قطعاً ما آیات خود را برای قوم و گروهی که پند می‌پذیرند به تفصیل بیان کرده‌ایم. (۱۲۷) سرای سلامت نزد پروردگارتان، تنها برای آنان است و او به پادشاه اعمالی که انجام می‌دادند، سرپرست و پشتیبان و دوست آنان است. (۱۲۸) و (به یاد آورید) روزی که خداوند، همه آنان را گرد می‌آورد (سپس به جّیان خطاب می‌فرماید: ای گروه جن! از انسان ها (پیروان) بسیاری یافتید. و دوستان ایشان از نسل بشر گفتند: پروردگارا! ما انسان ها و شیاطین از یکدیگر بهره گرفتیم و اینک به سرانجامی که برایمان قرار داده بودی رسیدیم. خداوند می‌فرماید: آتش جایگاهتان است که همیشه در آن خواهید بود، مگر آنکه خداوند بخواهد (که گروهی از شما را ببخشد). همانا پروردگار تو حکیم و داناست. (۱۲۹) و بدین گونه بعضی ستمگران را بر بعضی مسلط می‌کنیم، (تا کیفری باشد) برای آنچه عمل می‌کردند. (۱۳۰) (در قیامت به آنان گفته می‌شود: ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از خودتان به سويتان نیامدند تا آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روز بیمتان دهند؟ گویند: ما علیه خودمان گواهی می‌دهیم و زندگی دنیا آنان را فریب داد و بر علیه خود شهادت دادند که کافر بوده‌اند. (۱۳۱) این (اتمام حجّت و هشدار) برای آنست که پروردگارت هرگز از روی ستم، آبادی‌هایی را که اهلش (از شناخت حق) غافلند نابود نمی‌کند. (خداوند ابتدا مردم را از غفلت و جهل بیرون می‌آورد و با پیامبرانش به آنان هشدار می‌دهد و سپس اگر قبول نکردند هلاکشان می‌کند). (۱۳۲) و برای هر کس بر اساس آنچه انجام داده‌اند درجاتی است، و پروردگار تو از آنچه می‌کنند غافل نیست. (۱۳۳) و پروردگار تو بی‌نیاز و صاحب رحمت است. اگر بخواهد، شما را می‌برد و پس از شما هر که را بخواهد جایگزین می‌کند، همان گونه که شما را از نسل قوم دیگری پدید آورد. (۱۳۴) به راستی آنچه وعده داده می‌شوید، آمدنی است و شما نمی‌توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از کیفر و عدل او بگریزید). (۱۳۵) بگو: ای قوم

من! بر جایگاه و سیرت خویش عمل کنید که من نیز (بر اساس سیرت خویش) عمل می‌کنم و به زودی خواهید دانست که سرانجام آن سرای از کیست، همانا ستمکاران رستگار نمی‌شوند. (۱۳۶) و (بت پرستان) از آنچه خداوند از کشت و چهارپایان آفریده است، سهمی را برای خدا قرار دادند و به پندار خودشان گفتند: این قسمت برای خداست و این قسمت برای (بت هایی که هم) شریکان (خدایند، هم شریک اموال) ما پس آنچه سهم شرکا و بت ها بود به خدا نمی‌رسید، ولی هرچه سهم خدا بود به شرکا می‌رسید، چه بد است آنچه داوری می‌کنند! (۱۳۷) و بدین سان (بت ها و خادمان بت ها که) شریکان آنها (در اموالشان محسوب می‌شدند)، کشتن فرزند را برای بسیاری از مشرکان (به عنوان قربانی برای بت ها) زیبا جلوه دادند تا آنان را به هلاکت کشیده و آیین آنان را مشتبه سازند. و اگر خداوند می‌خواست چنین نمی‌کردند (و به اجبار جلو آنان را می‌گرفت)، پس آنان را با دروغهایی که می‌بافند واگذار. (۱۳۸) و مشرکان (به پندار خویش) گفتند: اینها، دام ها و کشت هایی ممنوع است، کسی نخورد مگر آن (خادمین بتکده‌ها) که ما بخواهیم. و چهارپایانی است که (سوار شدن بر) پشت آنها حرام است و چهارپایانی که نام خدا را (هنگام ذبح) بر آن نمی‌برند (این احکام را) به دروغ به خدا نسبت می‌دادند. خداوند به زودی آنان را به کیفر آنچه به او افترا می‌بستند جزا خواهد داد. (۱۳۹) و (از دیگر عقائد خرافی مشرکان، این بود که می‌گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت ها) است، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید، پس همه (زن و مرد) در آن شریکند، خداوند به زودی آنان را به سزای این گونه توصیف های باطل کیفر خواهد داد. همانا او حکیم و داناست. (۱۴۰) به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند. (۱۴۱) و اوست کسی که به وجود آورد باغهایی با داربست و بی‌داربست، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی‌های گوناگون، و زیتون و انار، (برخی میوه‌ها) شبیه به همنند و برخی شباهتی با هم ندارند. همین که باغها ثمر داد، از میوه‌اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حق آن (محرومان) را بدهید و اسراف نکنید، چرا که خداوند، اسراف کاران را دوست ندارد. (۱۴۲) و بعضی از چهارپایان بارکش و بعضی غیر بارکش و مثل فرش (به زمین نزدیک) اند (و یا از کرک و پشم آنها برای فرش استفاده می‌شود) از آنچه خداوند روزی شما ساخته بخورید و از گام های (وسوسه‌انگیز) شیطان پیروی نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست. (۱۴۳) (خداوند برای شما حلال کرده است) هشت زوج از حیوانات را. از گوسفند دو زوج (نر و ماده) و از بز، دو زوج (به کسانی که از پیش خود، بعضی چهارپایان را تحریم می‌کنند) بگو: آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده یا ماده‌های آنها را یا آنچه را شکم آنها در بر گرفته است؟ اگر راست می‌گویید از روی علم و دانش به من خبر دهید. (۱۴۴) و از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را (برای شما حلال کرده است) بگو: آیا خداوند نرهای این دو را حرام کرده یا ماده‌ها را یا آنچه را که شکم آن دو در بر گرفته است؟ یا مگر شما شاهد و حاضر بوده‌اید که خداوند به حرمت این گوشت‌ها به شما سفارش کرده است؟! پس کیست ستمکارتر از کسی که به خداوند، دروغ بزند تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد؟ قطعاً خداوند، گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۱۴۵) بگو: در آنچه به من وحی شده، بر کسی که چیزی می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم مگر آن که مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد که قطعاً پلید است، یا حیوانی که از روی فسق و نافرمانی به نام غیر خدا ذبح شده باشد. پس هر کس که (به خوردن آنها) ناچار و مضطر شد، به شرط آنکه از روی سرکشی و بیش از حد ضرورت نباشد، (مانعی ندارد). همانا خداوند تو آمرزنده و مهربان است. (۱۴۶) و بر یهودیان، هر (حیوان) ناخن‌دار را حرام کردیم و از گاو و گوسفند، پیه هر دو را بر آنان حرام ساختیم مگر آن مقدار که بر پشت گاو و گوسفند یا همراه روده و مخلوط به استخوان است. این (تحریم)، کیفر ماست به خاطر ظلمی که مرتکب شدند و قطعاً ما راست‌گوییم. (۱۴۷) (ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب کردند پس بگو: پروردگارتان دارای رحمت گسترده است (ایما) عذاب او از قوم تبه‌کار، دفع نمی‌شود. (۱۴۸) به زودی کسانی که شرک ورزیده‌اند، خواهند گفت: اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی‌آوردیم و هیچ چیزی را (از سوی خود) حرام

نمی‌کردیم. کسانی که پیش از آنها بودند (نیز پیامبران قبلی را) اینگونه تکذیب کردند تا آنکه طعم قهر و عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا برای شما دانشی هست؟ آن را برای ما آشکار کنید! شما جز از گمان و خیال پیروی نمی‌کنید و شما جز حدس زن و دروغگویی بیش نیستید. (۱۴۹) بگو: دلیل روشن و رسا تنها برای خداوند است، پس اگر می‌خواست همه‌ی شما را (به اجبار) هدایت می‌کرد. (۱۵۰) (ای پیامبر! به کسانی که بهره بردن از حیوانات و زراعت‌ها را نابجا بر خود حرام کرده‌اند) بگو: گواهان خود را که گواهی دهند خداوند این را حرام کرده، بیاورید. پس اگر شهادت دادند، تو همراه با آنها گواهی مده و از خواسته‌های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، همان‌ها که برای پروردگارشان شریک قرار می‌دهند، پیروی نکن. (۱۵۱) بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندان‌تان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می‌دهیم، و به کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده، جز به حق (مثل قصاص یا دفاع) نکشید، اینهاست آنچه خداوند شما را به آن توصیه فرموده، باشد که تعقل و اندیشه کنید. (۱۵۲) به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه‌ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد. (در داد و ستدها) پیمان‌ها و ترازو را با عدالت تمام دهید. ما هیچ کس را جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کنیم. و هرگاه سخن می‌گویید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید، هر چند (به زبان) خویشاوندان باشد و به عهد و پیمان خدا وفا کنید. اینها اموری است که خداوند، شما را به آن سفارش کرده است، باشد که یاد کنید و پند بگیرید. (۱۵۳) و این (دستورها) راه مستقیم من است. پس آن را پیروی کنید و راه‌های دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند. این سفارش خداوند به شماست، باشد که تقوا پیشه کنید. (۱۵۴) سپس به موسی، کتاب (تورات) دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده (نعمت خود را) تمام کنیم، و (این کتاب) بیانگر همه‌ی مسائل و وسیله هدایت و رحمت باشد، شاید مردم به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند. (۱۵۵) و این (قرآن) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم. پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۵۶) (آن تورات را نازل کردیم) تا نگوئید کتاب (آسمانی)، فقط بر دو طایفه‌ی (یهود و نصاری) که پیش از ما بودند نازل شده است و ما از علوم آنان بی‌خبر بوده‌ایم. (۱۵۷) یا نگوئید اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می‌شد، قطعاً از آنان (یهود و نصاری) هدایت یافته‌تر بودیم. (برای جلوگیری از این بهانه‌ها) بی‌شک از سوی پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت آمد. پس کیست ستمکارتر از کسی که آیات الهی را تکذیب کند و از آن روی گرداند؟ ما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانند، به خاطر همین روی گردانی به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد. (۱۵۸) آیا (با دیدن آن همه آیات و بینات و معجزات، باز هم) جز این انتظار دارند که فرشتگان نزد ایشان بیایند، یا خود پروردگارت بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (نشانه‌های قیامت) بیاید؟! (مگر نمی‌دانند) روزی که بعضی از نشانه‌های پروردگارت بیاید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در مدت ایمان خود کار خیری را کسب نکرده، ایمان آوردنش سودی ندهد. بگو: منتظر (قهر خدا) باشید که ما هم در انتظاریم. (۱۵۹) (ای پیامبر!) تو را با کسانی که دین خود را پراکنده ساخته و گروه شدند، هیچگونه ارتباطی نیست. (تو مسئول آنان نیستی و) سرنوشت کارشان تنها با خداست، آنگاه او آنان را به عملکردشان آگاه خواهد کرد. (۱۶۰) هر که نیکی آورد، پس برای او پاداشی ده برابر آن است و هر که بدی آورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد. (۱۶۱) بگو: همانا پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده، دینی استوار که همان آیین حق‌گرای ابراهیمی است، و او از مشرکان نبود. (۱۶۲) بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است. (۱۶۳) شریکی برای او نیست و به آن (روح تسلیم و خلوص و عبودیت) مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمان و تسلیم پروردگارم. (۱۶۴) بگو: آیا جز خداوند یکتا پروردگاری بجویم؟ در حالی که او پروردگار هر چیز است و هیچ کس (کار بدی) جز به زیان خویش نمی‌کند و هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نمی‌کشد،

بازگشت شما به سوی پروردگارتان است که شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاه می کند. (۱۶۵) و اوست که شما را جانشینان (یکدیگر در) زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده، بیازماید. همانا پروردگارت زود کیفر است و البته او حتماً آمرزنده و مهربان است. (۱۶۶)

الأعراف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، میم، صاد. (۲) (این) کتابی است که به سوی تو نازل شده، پس در سینه‌ات تنگی (و شک و تردیدی) از آن نباشد، تا به وسیله‌ی آن (کتاب)، بیم دهی و برای مؤمنان تذکر و پندی باشد. (۳) آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل شده، پیروی کنید و از سرپرستانی جز او پیروی نکنید. چه اندک پند می‌پذیرید! (۴) چه بسیار آبادی‌هایی که ما اهل آنجا را (به خاطر فساد و کفرشان) نابود کردیم. پس قهر ما به هنگام شب یا روز، هنگامی که به استراحت پرداخته بودند، به سراغشان آمد. (۵) پس آن هنگام که قهر ما سراغشان آمد، سخن و اعتراضی نداشتند، جز آنکه گفتند: ما قطعاً ستمکار بودیم. (۶) پس قطعاً از مردمی که (پیامبران) به سویشان فرستاده شدند، سؤال و بازخواست خواهیم کرد و قطعاً از خود پیامبران (نیز) خواهیم پرسید. (۷) پس بی‌شک (از هر چه کرده‌اند)، از روی علم برایشان بازگو خواهیم کرد، و ما (از مردم)، غایب و بی‌خبر نبودیم. (۸) و در آن روز (قیامت)، سنجش (اعمال بر پایه‌ی) حق است. پس هر کس کارهای سنجش شده‌اش سنگین باشد، پس آنان همان رستگارانند. (۹) و هر کس، اعمال وزن شده‌اش سبک باشد، پس آنان کسانی هستند که به خود زیان زدند، زیرا (با انکار خود)، به آیات ما ستم می‌کردند. (۱۰) و همانا در زمین به شما تمکن دادیم و برای شما در آن، (انواع) وسایل زندگی را فراهم ساختیم، (اما شما) اندک شکرگزاری می‌کنید. (۱۱) و همانا ما شما را آفریدیم، سپس به صورت‌بندی و چهره‌نگاری شما پرداختیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود. (۱۲) (خداوند به ابلیس) فرمود: وقتی که من (به سجده) فرمانت دادم، چه چیز تو را از سجده کردن باز داشت؟ (شیطان) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گل آفریدی. (۱۳) (خداوند به شیطان) فرمود: از این (جایگاه) فرود آی! تو را نرسد که در آن جایگاه تکبر کنی، پس بیرون شو که قطعاً تو از خوار شدگانی. (۱۴) (ابلیس، به جای توبه و عذرخواهی) گفت: تا روزی که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا مهلت بده. (۱۵) (خداوند) فرمود: همانا تو از مهلت یافتگانی. (۱۶) (شیطان) گفت: پس به خاطر آنکه مرا گمراه کردی، من هم برای (فریب دادن) آنان حتماً بر سر راه راست تو (به کمین) خواهم نشست. (۱۷) سپس از روبرو و از پشت سر و از راست و چپشان بر آنان می‌تازم و بیشتر آنان را سپاسگزار نخواهی یافت. (۱۸) (خداوند) فرمود: از این جایگاه، با ذلت و سرشکستگی بیرون رو! سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنها پیرو تو شود، به یقین دوزخ را از همه‌ی شما پر خواهم کرد. (۱۹) و ای آدم! تو و همسرت در آن باغ (بهشت گونه) ساکن شو و از (هر گونه و هر چه و) هر جا خواستید بخورید، و (لی) نزدیک این درخت نشوید که از ستمکاران (بر خویش) خواهید شد. (۲۰) پس شیطان، آن دو (آدم و همسرش) را وسوسه کرد تا آنچه را از زشتی (عورت)‌شان از آن دو مخفی بود، برایشان آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از (خوردن) این درخت نهی نکرده مگر برای این که مبادا دو فرشته شوید یا از جاودانان شوید (و حیات ابدی بیابید). (۲۱) و (شیطان برای آن که وسوسه‌اش تأثیر کند، برای آن دو سوگند یاد کرد که به راستی من از خیرخواهان شمایم. (۲۲) پس شیطان آن دو را با فریب و حيله به سقوط (و پرتگاه گناه) کشاند، پس چون از آن درخت (نهی شده) چشیدند، زشتی برهنگی‌شان برای آنان آشکار شد و به (پوشاندن خویش با) چسباندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند و خداوند ندایشان داد: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟! (آدم و حوا) گفتند: پروردگارا! ما بر خوشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود. (۲۴) (خداوند) فرمود: فرود آید، بعضی از شما دشمن بعضی دیگرید و تا مدتی (معین) برای

شما در زمین جایگاه و وسیله‌ی بهره‌گیری خواهد بود. (۲۵) (او) فرمود: در این زمین زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از آن (برای محاسبه‌ی روز قیامت،) بیرون آورده می‌شوید. (۲۶) ای فرزندان آدم! همانا بر شما لباسی فرو فرستادیم تا هم زشتی (برهنگی) شما را بپوشانند و هم زیوری باشد، و (لی) لباس تقوا همانا بهتر است. آن، از نشانه‌های خداست، باشد که آنان پند گیرند (و متذکر شوند). (۲۷) ای فرزندان آدم! مبادا شیطان فریبتان دهد، آنگونه که پدر و مادر (نخستین) شما را از بهشت بیرون کرد، (با وسوسه‌ی خوردن از آن درخت) لباس را از تن آن دو برکند تا عورت‌هایشان را بر آنان آشکار سازد. همانا شیطان و گروهش شما را از آنجا که شما آنها را نمی‌بینید می‌بینند. ما شیاطین را دوستان و سرپرستان کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار دادیم. (۲۸) و هرگاه کار زشتی کنند، (در توجیه آن) گویند: ما پدران خود را بر این کار یافتیم و خداوند ما را به آن دستور داده است. بگو: خداوند هرگز به کارهای زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟ (۲۹) بگو: پروردگرم به عدل و داد فرمان داده و اینکه نزد هر مسجدی (هنگام نماز) روی خویش را به سوی او بدارید و او را بخوانید، در حالی که دین را برای او خالص می‌سازید. آنگونه که شما را در آغاز آفرید، باز خواهید گشت. (۳۰) (خداوند) گروهی را هدایت فرمود، و (لی) گروهی، گمراهی بر آنان سزوار است، زیرا آنان به جای خداوند، شیطان‌ها را سرپرست خویش گرفته‌اند و می‌پندارند که آنان راه یافته‌گانند. (۳۱) ای فرزندان آدم! نزد هر مسجد (به هنگام نماز، لباس و) زینت‌های خود را برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، همانا خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد. (۳۲) بگو: چه کسی زینت‌هایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (همچنین) رزق‌های پاکیزه و دلپسند را بر خود حرام کرده است؟ بگو: این (نعمت‌ها) در زندگی دنیا برای مؤمنان است، (اگر چه کافران هم بهره‌مندند،) در حالی که روز قیامت مخصوص (مؤمنان) است. ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌نمائیم. (۳۳) (ای پیامبر!) بگو: همانا پروردگرم کارهای زشت و زنده، چه آشکار و چه پنهان، و گناه و ستم و سرکشی به ناحق و شریک قرار دادن چیزی برای خدا که او دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده، و نسبت دادن آنچه را نمی‌دانید به خداوند، (همه را) حرام کرده است. (۳۴) و برای هر امتی اجل و سرآمدی است. پس هرگاه اجلشان فرا رسید، نه می‌توانند لحظه‌ای تأخیر اندازند و نه پیشی گیرند. (۳۵) ای فرزندان آدم! هرگاه پیامبرانی از خودتان به سوی شما بیایند که آیات مرا بر شما بازگو کنند (از آنها پیروی کنید)، پس کسانی که تقوا و صلاح پیشه کنند، هیچ ترسی بر آنان نیست و آنان اندوهگین نمی‌شوند. (۳۶) و کسانی که آیات ما را تکذیب کنند و از روی استکبار از آن سرپیچی نمایند، آنان همدم آتشند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۷) پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بنهد، یا آیات او را تکذیب کند؟ آنان بهره‌ی خود را از (دنیا به مقداری که در) کتاب (الهی) که برای آنان نوشته شده) خواهند برد، تا آنکه چون فرستادگان ما برای گرفتن جانیشان به سراغ آنان آیند، گویند: کجاست آنچه (و آنکه) به جای خداوند می‌خواندید؟ گویند: همه از دید ما ناپدید و نابود شدند. و آنان علیه خود شهادت می‌دهند که کافر بوده‌اند. (۳۸) (خداوند، پس از اعترافشان به کفر در لحظه‌ی مرگ) می‌فرماید: شما نیز در میان گروه‌هایی از جن و انس، که پیش از شما بوده‌اند، به دوزخ داخل شوید. هرگاه گروهی وارد (جهنم) شود، گروه هم‌کیش خود را لعن و نفرین کند، تا آنکه همه یکجا در دوزخ بهم رسند. آنگاه گروه متأخر درباره‌ی گروه قبلی گوید: خدایا! اینان بودند که ما را گمراه کردند، پس عذابی دو چندان از آتش دوزخ برایشان بیاور (کیفری برای گمراهی خودشان و کیفری برای گمراه ساختن ما. خداوند) می‌فرماید: برای هر کدام، (عذابی) دو برابر است، ولی نمی‌دانید. (۳۹) و گروه پیشگام (در عذاب)، به پیروان می‌گویند: شما هیچ برتری بر ما ندارید، پس عذاب را به خاطر آنچه کسب می‌کردید بچشید. (۴۰) همانا کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و مستکبران از آن اعراض کردند، درهای (رحمت) آسمان به روی آنان باز نمی‌شود و به بهشت وارد نمی‌شوند، تا آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد (یعنی نشدنی است)، و این گونه مجرمان را کیفر می‌دهیم. (۴۱) برای مجرمان، از جهنم بسترهایی است و از بالای سرشان پوشش‌هایی (از آتش)، و اینگونه ستمگران را کیفر می‌دهیم. (۴۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، (هر اندازه عمل کرده‌اند

می‌پذیریم، زیرا) هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی‌کنیم. آنان همدم بهشتند، همانان در آن جاودانند. (۴۳) و هرگونه کینه‌ای را که در سینه‌های آنان بود برکنده و زدودیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند)، از زیر (قصرهای) شان نهرها جاری است و می‌گویند: خدا را شکر که ما را به این (راه) هدایت کرد و اگر خداوند هدایت‌مان نمی‌کرد، ما (به خودی خود) هدایت نمی‌شدیم. بی‌شک فرستادگان پروردگاران به راستی و درستی به سراغ ما آمدند و به آنان (هدایت یافتگان) خطاب می‌شود: این همان بهشتی است که به خاطر عملکردتان وارث آن شده‌اید. (۴۴) و اهل بهشت، دوزخیان را صدا زنند که ما آنچه را پروردگاران وعده داده بود، حق و راست یافتیم (و به آن رسیدیم)، آیا شما وعده‌های پروردگارتان را حق یافتید؟ (ما در لذت و نعمتیم، آیا شما هم در رنج و عذابت؟) گویند: آری. پس منادی میان آنان اعلام کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد. (۴۵) (ستمگران) آنانند که (مردم را) از راه خدا بازمی‌دارند و (با القای شبهات) می‌خواهند آن را کج و منحرف نشان دهند و همانان به آخرت، کافرند. (۴۶) و میان آن دو (بهشتیان و دوزخیان) حجابی است و بر اعراف، (بلندی میان دوزخ و بهشت) مردانی هستند (از اولیای خدا) که همه (اهل بهشت و جهنم) را از سیمایشان می‌شناسند و بهشتیان را که هنوز به بهشت وارد نشده‌اند، ولی امیدوارند، ندا می‌دهند که سلام بر شما باد. (۴۷) و هرگاه چشمان آنان (اهل اعراف که هنوز به بهشت نرفته‌اند) ناخواسته به سوی دوزخیان گردانده شود گویند: پروردگارا! ما را همراه ظالمان قرار مده. (۴۸) و اصحاب اعراف، (اولیای خدا که میان بهشت و جهنم بر جایگاه بلندی مستقرند) مردانی (از اهل دوزخ) را که به سیمایشان می‌شناسند، ندا می‌دهند و می‌گویند: جمعیت و جمع‌آوری شما (از مال، مقام، همسر و فرزند) و آنچه همواره بدان تکبر می‌کردید، به حال شما سودی نداشت. (۴۹) (به مستکبران خطاب می‌شود): آیا اینان (بهشتیان)، همان کسانی که (شما در دنیا) سوگند یاد کردید رحمت الهی شامل حالشان نمی‌شود؟ (اکنون ببینید که به آنان گفته می‌شود): وارد بهشت شوید، بی‌آنکه خوفی بر شما باشد یا اندوهگین شوید. (۵۰) و دوزخیان اهل بهشت را ندا دهند و گویند: کمی از آب یا از آنچه خداوند روزی شما کرده است بر ما فرو ریزید! (بهشتیان) گویند: خداوند این آب و نعمت‌ها را بر کافران حرام کرده است. (۵۱) کسانی که (در دنیا) دین خویش را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیوی مغرورشان ساخت، پس همان گونه که آنان دیدار این روزشان را فراموش کرده و آیات ما را انکار می‌کردند، (ما نیز) امروز آنان را به فراموشی می‌سپاریم. (۵۲) و حال آنکه در حقیقت ما برایشان کتابی آوردیم که آن را بر اساس علم (آگاهانه)، تفصیل دادیم تا هدایت و رحمتی برای اهل ایمان باشد. (۵۳) آیا (کافران)، جز تأویل کتاب (تحقق تهدیدهای قرآن)، انتظار دیگری دارند؟ روزی که تأویل کتاب (در قیامت و نشانه‌های حساب و کتاب) فرارسد، کسانی که آن روز را از پیش (در دنیا) فراموش کرده بودند، خواهند گفت: همانا رسولان پروردگاران برای ما حق را آوردند، (ولی ما نپذیرفتیم) آیا برای ما شفعمانی هست تا شفاعتمان کنند یا (ممکن است) ما به دنیا بازگردانده شویم تا کاری جز آنچه می‌کردیم انجام دهیم؟ (این حسرت‌ها بی‌فایده است)، قطعاً آنان سرمایه خود را باخته و آنچه به دروغ می‌ساختند (و بت‌ها را شفیعان خود می‌پنداشتند)، از کف دادند. (۵۴) همانا پروردگار شما خداوندی است که در شش روز (و دوران) آسمان‌ها و زمین را آفرید و سپس بر عرش (جایگاه قدرت و تدبیر جهان) مستولی شد. او روز را به وسیله‌ی شب که به سرعت آن را دنبال می‌کند می‌پوشاند و خورشید و ماه و ستارگان را (آفرید) که تسلیم فرمان اویند. آنگاه باشید که آفرینش و تدبیر تنها از آن اوست! خجسته و مبارک است خداوندی که پروردگار جهانیان است. (۵۵) پروردگارتان را با تضرع و پنهانی بخوانید، قطعاً او تجاوزگران را دوست ندارد. (۵۶) پس از اصلاح زمین، در آن دست به فساد نزنید و خداوند را با بیم و امید بخوانید، قطعاً رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است. (۵۷) و اوست که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش به بشارت می‌فرستد، تا آنکه (باد) ابرهای سنگین (پر آب) را به آسانی حمل کند (و آن را) به سوی سرزمین مرده روانه کنیم، پس به این وسیله آب (باران) نازل کردیم و به واسطه‌ی آن هرگونه میوه‌ای را (از زمین) رویاندیم و برآوردیم. مردگان را نیز این گونه (از زمین) بیرون خواهیم آورد، باشد که شما (با دیدن حیات زمین پس از مرگ) متذکر شوید. (۵۸) و سرزمین پاک

(و آماده)، گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید. امانی که خبیث (و شوره زار) است، جز محصولی اندک و بی فایده بیرون نمی دهد. ما این چنین آیات خویش را برای گروه شکرگزار، گونه گون بیان می کنیم. (۵۹) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس به مردم گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که جز او برای شما خدا و معبودی نیست. همانا من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم. (۶۰) سران قوم او گفتند: همانا ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم. (۶۱) (نوح) گفت: ای قوم من! در من هیچگونه انحراف و گمراهی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۲) پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و خیرخواه و دلسوز شمایم و از (جانب) خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید. (۶۳) آیا تعجب کردید که از سوی پروردگارتان مایه ی تذکری بر مردی از شما بیاید تا شما را بیم دهد و تا شما تقوا پیشه کنید و شاید که مورد رحمت قرار گیرید؟ (۶۴) سرانجام او (نوح) را تکذیب کردند. پس او و کسانی را که در کشتی با او بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. زیرا آنان گروهی کوردل بودند. (۶۵) و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که شما را معبودی جز او نیست، آیا تقوا پیشه نمی کنید؟ (۶۶) (در پاسخ دعوت هود)، سران کافر قوم او گفتند: همانا ما قطعاً تو را در سفاهت و بی خردی می بینیم و به طور حتم تو را از دروغگویان می پنداریم. (۶۷) (هود در پاسخ جسارتشان) فرمود: ای قوم من! در من هیچ سفاهت و سبک مغزی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۸) من پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی امینم. (۶۹) آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، مایه ی تذکری از سوی پروردگارتان آمده تا او شما را (از عواقب گناهان و انحراف ها) بیم دهد؟ و به یاد آورید هنگامی را که خداوند، شما را پس از قوم نوح جانشینان آنها قرار داد و شما را در آفرینش توانایی افزود، پس نعمت های خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید. (۷۰) (قوم عاد به حضرت هود) گفتند: آیا به سوی ما آمده ای که فقط خدا را به پرستیم و آنچه را پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟ اگر از راستگویانی، پس آنچه (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی بر ما بیاور. (۷۱) (حضرت هود، با دیدن سرسختی قوم عاد) گفت: پلیدی و خشم و عقوبت از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد. آیا با من درباره ی نام هایی جدل می کنید که شما و نیاکانتان بر آن (بت ها) نهاده اید؟ خداوند نسبت به حقاقت معبودهای شما برهانی نازل نکرده است. پس منتظر (قهر الهی) باشید، من هم با شما از منتظرانم. (۷۲) پس هود و همراهان (فکری و عملی) او را به رحمتی از خود نجات دادیم، و کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند، ریشه کن کردیم. (۷۳) و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم). او نیز مثل حضرت نوح و هود در دعوت مردم به توحید) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید، برای شما معبودی جز او نیست. همانا از طرف پروردگارتان معجزه و دلیلی آشکار برای شما آمده است. این شتر ماده (از جانب) خداوند برای شما آیه و نشانه است، (مزاحم آن نشوید و) بگذارید در زمین خدا بچرد، و گزندی به آن نرسانید که عذابی دردناک شما را خواهد گرفت. (۷۴) و به یاد آورید هنگامی که خداوند شما را پس از (هلاکت) قوم عاد، جانشینان (آنان) ساخت و در زمین شما را جایگاه (مناسب) داد. از قسمت های هموار زمین قصرها می سازید و کوه ها را برای ساختن خانه ها می تراشیدید. پس الطاف و نعمت های خداوند را یاد کنید و در زمین فس اد نکنید. (۷۵) سران مستکبر قوم صالح، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا علم دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟ (مؤمنان در پاسخ به ایجاد شک و تردید آنان) گفتند: قطعاً ما به آنچه بر او فرستاده شده است، ایمان داریم. (۷۶) کسانی که استکبار ورزیدند گفتند: همانا ما به آنچه شما بدان ایمان آورده اید، کافریم. (۷۷) پس (مستکبران) ناقه را پی کرده (و کشتند) و از فرمان پروردگارش سرپیچی کردند و گفتند: ای صالح! اگر از فرستادگان خدایی، پس عذابی را که وعده می دهی برای ما بیاور. (۷۸) ناگاه زمین لرزه شدید آنان را فراگرفت، پس شب را به صبح آوردند، در حالی که در خانه هایشان به رو افتادند (و مردند). (۷۹) پس (صالح) از آنان روی برگرداند و گفت: ای قوم من! همانا پیام پروردگارم را به شما رساندم و برای شما خیرخواهی کردم، ولی شما دلسوزان و خیرخواهان را دوست ندارید. (۸۰) و (به خاطر آور) لوط را (که برای هدایت مردم فرستادیم) آنگاه که به قوم خود گفت: آیا آن

کار زشت را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است؟ (۸۱) همانا شما به جای زنان، برای شهوت سراغ مردان می‌روید، بلکه شما قومی اسراف‌کارید. (۸۲) و جواب قوم لوط، جز این نبود که گفتند: آنان را از آبادی خود بیرون کنید، زیرا آنان مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما نیستند). (۸۳) پس ما لوط و خاندان او را به جز همسرش، که از بازماندگان (در عذاب) بود، نجات بخشیدیم. (۸۴) و ما بارانی (از سنگ) بر آنان بارانیدیم. پس بنگر که سرانجام گنه‌کاران چه شد؟ (۸۵) و به سوی (مردم) مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم. آن حضرت) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید، جز او خدایی برای شما نیست. همانا از طرف پروردگارتان (معجزه و) دلیلی روشن برای شما آمده است. پس پیمان‌ها و ترازو را (در داد و ستدها) تمام ادا کنید و کالاهای مردم را کم نگذارید و در زمین پس از آنکه اصلاح گشته فساد نکنید. این (رهنمودها) برایتان بهتر است، اگر مؤمن باشید. (۸۶) و بر سر هر راهی منشینید تا مؤمنان را تهدید کنید و (آنان را) از راه خدا، که کج جلوه می‌دهید بازدارید و یاد کنید زمانی را که اندک بودید، پس خداوند شما را بسیار گرداند و بنگرید که عاقبت مفسدان چگونه بود! (۸۷) و اگر گروهی از شما به آنچه من برای آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده و گروهی ایمان نیاورده‌اند، پس (عجله نکنید که لطف و قهر خدا چه شد؟) صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند و او بهترین داوران است. (۸۸) سران مستکبر قوم شعیب گفتند: ای شعیب! حتماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از آبادی‌مان بیرون خواهیم کرد، مگر آنکه به آئین ما برگردید. (شعیب) گفت: گرچه بی‌رغبت باشیم؟ (۸۹) (شعیب به مخالفان گفت:.) اگر پس از آنکه خداوند ما را از آیین شما نجات داد، دوباره به آن برگردیم بی‌گمان بر خدا دروغ بسته‌ایم، ما را نسزد که به آیین شما برگردیم، مگر آنکه خدا بخواهد که او پروردگار ماست (خدا هم هرگز چنین نخواهد خواست). پروردگار ما بر هر چیز احاطه‌ی علمی دارد، ما بر خداوند توکل کرده‌ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری و راهگشایی کن که تو بهترین داوران و راهگشایانی. (۹۰) سران و اشراف قوم شعیب که کفر ورزیدند، گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید، قطعاً زیانکار خواهید بود. (۹۱) پس (به کیفر عنادشان) زمین لرزه شدیدی آنان را فراگرفت، پس شب را به صبح آوردند، در حالی که در خانه‌های خود به زانو در افتادند (و مردند). (۹۲) کسانی که شعیب را تکذیب کردند، (چنان هلاک شدند که) گویا در آن خانه‌ها سکوتی نداشته‌اند. آنان که شعیب را تکذیب کردند، همانها زیانکاران هستند. (۹۳) پس شعیب از آنان روی گرداند و گفت: ای قوم من! پیام‌های پروردگارم را به شما رساندم و برایتان خیرخواهی کردم، پس چگونه بر (سرنوشت) قوم کافر تأسیف بخورم؟ (۹۴) و هیچ پیامبری را در هیچ آبادی نفرستادیم، مگر آنکه مردم آنجا را گرفتار سختی‌ها و بلاها ساختیم، تا شاید به زاری (و توبه) در آیند. (۹۵) سپس به جای ناخوشی، خوشی قرار دادیم تا آنکه فزونی یافته و انبوه شدند و گفتند: به پدران ما نیز (به طور طبیعی) رنجها و خوشی‌ها رسیده بود (و این حوادث تلخ و شیرین، نشانه‌ی قهر یا لطف خدا نیست). پس آنان را ناگهانی (با قهر خود) گرفتیم، در حالی که درک نمی‌کردند. (۹۶) و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی آنان (آیات ما را) تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر عملکردشان آنان را (با قهر خود) گرفتیم. (۹۷) آیا اهل آبادی‌ها (خود را در امان می‌بینند و) ایمن هستند از اینکه قهر و عذاب ما شامگاهان در حالی که خفته‌اند به آنان برسد؟ (۹۸) یا آنکه اهل آبادی‌ها در امان هستند از اینکه قهر و عذاب ما در روز، در حالی که سرگرم بازی‌اند به آنان وارد شود؟ (۹۹) پس آیا از مکر خدا (و عذاب ناگهانی او) ایمن شدند؟ با آنکه جز افراد زیانکار، کسی احساس ایمنی از مکر خدا نمی‌کند. (۱۰۰) آیا (سرگذشت پیشینیان)، برای وارثان بعدی این حقیقت را روشن نکرد که اگر بخواهیم، آنان را نیز به خاطر گناهانشان هلاک می‌کنیم و بر دل‌هایشان مهر می‌زنیم که (حق را) نشنوند. (۱۰۱) آن آبادی‌هایی است که گوشه‌ای از اخبار آنها را بر تو بازگو می‌کنیم، همانا پیامبرانشان همراه با معجزات و دلائل روشن به سراغ آنان آمدند، اما آنان بر آن نبودند که به آنچه از قبل تکذیب کرده بودند، ایمان بیاورند. این گونه خداوند بر دل‌های کافران مهر می‌زند. (۱۰۲) و برای بیشترشان هیچ (پایندی و) عهدی نیافتیم و همانا بیشترشان را فاسق و نافرمان یافتیم. (۱۰۳) سپس موسی را پس از آن پیامبران پیشین، همراه با آیات

و معجزات خود به سوی فرعون و سران (قوم) او مبعوث کردیم، امّا آنان به آیات ما ستم کردند (و کفر ورزیدند)، پس بنگر که پایان کار مفسدان چگونه است؟! (۱۰۴) و موسی گفت: ای فرعون! بی تردید من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۱۰۵) سزاوار است که درباره‌ی خداوند جز سخن حق نگویم (و نسبت ندهم)، همانا من از سوی پروردگارتان برای شما دلیلی روشن (معجزه‌ای) آورده‌ام، پس بنی‌اسرائیل را همراه من بفرست. (۱۰۶) (فرعون) گفت: اگر از راستگویانی و (می‌توانی معجزه‌ای بیاوری یا) معجزه‌ای آورده‌ای، آن را به میان بیاور. (۱۰۷) پس (موسی) عصای خود را افکند، که ناگهان به صورت اژدهایی نمایان شد. (۱۰۸) و (موسی) دست خود را (از گریبان) بیرون آورد، پس ناگهان آن (دست) برای بینندگان سفید و درخشان می‌نمود. (۱۰۹) اشراف و اطرافیان قوم فرعون گفتند: همانا او (موسی) ساحری بسیار ماهر و دانا است. (۱۱۰) (آنان گفتند: موسی) می‌خواهد شما را از سرزمینتان آواره و بیرون کند (و سرزمین شما را اشغال نماید)، پس (در این مورد) چه دستور می‌دهید؟ (۱۱۱) (اطرافیان فرعون) گفتند: (مجازات) او و برادرش را به تأخیر انداز و مأموران را در شهرها برای جمع کردن (ساحران) بفرست. (۱۱۲) تا هر ساحر دانا و کارآموده‌ای را نزد تو بیاورند. (۱۱۳) و (پس از فراخوانی)، ساحران نزد فرعون آمدند، (و) گفتند: اگر ما پیروز شویم، آیا برای ما پاداشی هست؟ (۱۱۴) (فرعون) گفت: آری! و (علاوه بر آن)، شما از مقرّبان (درگاه من) خواهید بود. (۱۱۵) (جادوگران) گفتند: ای موسی! آیا (نخست تو وسیله سحر است) را می‌افکنی و یا ما افکنده (جادوی خود) باشیم؟ (۱۱۶) (موسی با تکیه بر نصرت الهی) گفت: (نخست شما) بیفکنید. پس همین که (ابزار جادوی خود را) افکندند، چشم‌های مردم را افسون کردند و خواستند (با این چشم‌بندی) ترس و وحشتی در مردم پدید آورند و سحری بزرگ را به صحنه آوردند. (۱۱۷) و به موسی وحی کردیم که عصایت را بیفکن. (همین که افکند اژدها شد و) ناگهان (وسائل و) جادوهای دروغین ساحران را بلعید. (۱۱۸) پس (بدین سان) حق، آشکار شد (و نبوت موسی تأیید گردید) و آنچه (که ساحران) می‌کردند، باطل و بیهوده گردید. (۱۱۹) پس (ساحران و فرعونیان) همانجا مغلوب شدند و خوار و زبون برگشتند. (۱۲۰) و جادوگران به سجده درافتادند. (۱۲۱) (ساحران) گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. (همان) پروردگار موسی و هارون. (۱۲۳) فرعون (به ساحران) گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً این نیرنگی است که شما درباره‌ی این شهر اندیشیده‌اید تا اهلش را از آن بیرون کنید. پس به زودی خواهید فهمید! (که با چه کسی طرف هستید و چه کیفری خواهید شد). (۱۲۴) حتماً دست و پاهایتان را بر خلاف یکدیگر (یکی از راست و یکی از چپ) قطع خواهیم کرد، سپس همه‌ی شما را به دار خواهیم کشید. (۱۲۵) (ساحران در پاسخ) گفتند: (مهم نیست، هرچه می‌خواهی بکن) همانا ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم. (۱۲۶) و (ای فرعون!) تو از ما انتقام نمی‌کشی جز برای اینکه ما به آیات (و معجزات) پروردگارمان که برای ما آمد ایمان آورده‌ایم. پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان و فرمان‌بردار بمیران. (۱۲۷) و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این زمین فساد نمایند و موسی، تو و خدایانت را رها کند؟! (فرعون) گفت: به زودی پسرانشان را می‌کشیم و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگاه می‌داریم و ما بر آنان تسلط کامل داریم. (۱۲۸) موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بجویید و صبر و مقاومت کنید، زیرا زمین از آن خداوند است که آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد به ارث می‌گذارد و فرجام (نیک) از آن پرهیزکاران است. (۱۲۹) (قوم موسی) گفتند: هم پیش از آنکه نزد ما بیایی آزار می‌شدیم و هم پس از آنکه آمدی! (پس چه باید کرد؟) موسی گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را نابود کند و شما را در این زمین، جانشین آنان سازد تا ببیند شما چگونه عمل می‌کنید. (۱۳۰) و همانا ما طرفداران فرعون را به قحطی و خشکسالی و کمبود محصولات گرفتار کردیم، باشد که متذکر شوند (و از راه انحرافی خود دست بردارند). (۱۳۱) پس هرگاه خوبی و خوشی به سراغشان می‌آمد، می‌گفتند: این حقّ (ما و به خاطر لیاقت) ماست، ولی اگر تلخی و بدی به آنان می‌رسید، به موسی و پیروانش فال بد می‌زدند، بدانید که سرچشمه‌ی شومی‌هایشان نزد خداست (و اوست که آنان را به خاطر رفتار بدشان کیفر می‌دهد)، ولی اکثرشان نمی‌دانند. (۱۳۲) و (فرعونیان به موسی) گفتند: هرگونه آیه و معجزه‌ای بیاوری، تا با آن ما را

جادو کنی، ما به تو ایمان نمی آوریم. (۱۳۳) پس ما بر آنان طوفان و (هجوم) ملخ و حیوانات کوچک و قورباغه‌ها و (جریان) خون را به صورت نشانه‌های جدا جدا، فرستادیم، اما باز هم تکبر ورزیدند و آنان گروهی بدکار بودند. (۱۳۴) و چون بلا و بدبختی بر آنان واقع شد، (نزد موسی آمده) گفتند: ای موسی! برای ما نزد پروردگارت به خاطر عهده‌ی که نزد تو دارد (و دعای تو را مستجاب می‌کند)، دعا کن که اگر این بلا را از ما برگردانی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم و حتماً بنی‌اسرائیل را (آزاد کرده و) با تو روانه می‌کنیم. (۱۳۵) پس همین که نکبت و بدبختی را (به خاطر دعای موسی) از آنان تا مدتی که باید به آن می‌رسیدند برداشتیم، باز هم پیمان خود را می‌شکستند. (۱۳۶) سرانجام از آنان انتقام گرفته و در دریا غرقشان ساختیم، زیرا آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند. (۱۳۷) و بخش‌های شرقی و غربی سرزمین (فلسطین) را که در آن برکت قرار داده بودیم به قومی که پیوسته تضعیف می‌شدند به میراث دادیم و وعده‌ی نیکوی پروردگارت درباره‌ی (پیروزی) بنی‌اسرائیل، به خاطر صبرشان تحقق یافت و آنچه را فرعون و قومش (از کاخ) ساخته و آنچه را افزاشته بودند ویران کردیم. (۱۳۸) و بنی‌اسرائیل را از دریا گذرانیدیم، تا به قومی برخوردند که بر پرستش بت‌های خویش پایبند بودند، (با دیدن این صحنه) گفتند: ای موسی! برای ما خدایی قرار بده، همان گونه که برای اینان معبودها (و بت‌هایی) است. موسی گفت: براستی، شما گروهی نادان (و جهالت پیشه) هست ید. (۱۳۹) (موسی گفت:): همانا آنچه این قوم در آنند (از کفر و شرک)، نابودشدنی است و آنچه انجام می‌دهند باطل است. (۱۴۰) گفت: آیا معبودی غیر خدا برای شما بجویم، در حالی که او شما را بر مردم این زمانه برتری داده است؟! (۱۴۱) و (به یاد آورید) زمانی که شما را از چنگال فرعونیان نجات دادیم، که شما را سخت شکنجه می‌کردند، پسران شما را می‌کشتند و زنان شما را (برای خدمت‌گزاری و بردگی) زنده نگه می‌داشتند و در این ناگواری‌ها، آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان برای شما بود. (۱۴۲) و ما با موسی، سی شب (در کوه طور، برای نزول تورات و آیات الهی) وعده گذاشتیم و آن را با (افزودن) ده شب کامل کردیم، پس میعاد پروردگارش چهل شب کامل شد و موسی (پیش از رفتن به این وعده‌گاه) به برادرش هارون گفت: در میان امت من جانشین من باش (و کار مردم را) اصلاح کن و از راه و روش مفسدان پیروی مکن! (۱۴۳) و چون موسی به میقات و وعده‌گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، (موسی) گفت: پروردگارا! خودت را به من نشان ده تا به تو بنگرم! (خداوند) فرمود: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به این کوه بنگر، اگر در جای خود برقرار ماند، پس به زودی مرا خواهی دید. پس چون پروردگار موسی بر کوه تجلی و جلوه نمود (و پرتوی از عظمت خود را بر کوه افکند)، کوه را متلاشی کرد و موسی مدهوش بر زمین افتاد. پس چون به هوش آمد گفت: (خداوند!) تو منزه‌ی (که دیده شوی)، من به سوی تو بازگشتم و من نخستین مؤمن هستم. (۱۴۴) (خداوند) فرمود: ای موسی! من تو را بر مردم با پیام‌هایم و سخنم برگزیده‌ام، پس آنچه (از الواح و تورات) به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش. (۱۴۵) و در الواح (تورات) برای موسی، در هر موردی پندی و برای هر چیز تفصیلی نوشتیم. (ای موسی!) آنها را با قوت بگیر و به قوم خود فرمان بده که بهترین آنها (مثلاً از میان عفو و قصاص، عفو) را بگیرند. به زودی جایگاه فاسقان را به شما نشان می‌دهم. (۱۴۶) به زودی کسانی را که بناحق در زمین تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود منصرف می‌سازم، (به گونه‌ای که) اگر هر نشانه‌ای (از قدرت ما را) ببینند، ایمان نمی‌آورند و اگر راه رشد را ببینند، آن را بر نمی‌گزینند و اگر راه انحراف را ببینند، آن را راه خود گیرند. این بدان جهت است که آنان آیات ما را تکذیب کردند و همواره از آنها غافل بودند. (۱۴۷) و کسانی که آیات ما و دیدار قیامت را تکذیب کردند، اعمالشان نابود است، آیا جز آنچه عمل می‌کردند، مجازات خواهند شد؟! (۱۴۸) و قوم موسی پس از (رفتن) او (به کوه طور) از زیورهای خود مجسمه‌ی گوساله‌ای (ساختند و به پرستش) گرفتند که صدای گاو داشت، آیا ندیدند که آن (گوساله) با آنان سخن نمی‌گوید و به راهی هدایتشان نمی‌کند؟ آن را (به پرستش) گرفتند در حالی که ستمکار بودند. (۱۴۹) و چون (ارزش گوساله پرستی) در نزدشان سقوط کرد (و پشیمان شدند) و دیدند که قطعاً گمراه شده‌اند، گفتند: البته اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نبخشاید، ما از زیانکاران خواهیم بود. (۱۵۰) و همین که موسی (از کوه طور) به سوی قوم خود برگشت (و

گوساله پرستی آنان را دید، به حال خشم و تأسف گفت: پس از من بد جانشینانی برآیم بودید، آیا بر فرمان پروردگارتان (که ده شب ماندن مرا تمدید کرد)، پیشی گرفتید؟ (و صبر نکردید تا از کوه طور برگردم). آنگاه الواح (تورات) را (به کناری) افکند و (از شدت غضب، موی) سر برادرش را گرفت و به سوی خود کشید. (هارون) گفت: ای فرزند مادرم! حقیقت این است که این گروه مرا در ضعف قرار داده (به حرفم گوش ندادند) و نزدیک بود مرا بکشند. پس (من بی گناهم و) کاری نکن که دشمنان را به شماتتم برخیزاند (و شاد شوند) و مرا با ستمگران قرار مده. (۱۵۱) (چون خشم موسی فرو نشست) گفت: پروردگارا! من و برادرم را بیمارز و ما را در رحمت خویش وارد کن و تو مهربان‌ترین مهربانانی. (۱۵۲) قطعاً کسانی که گوساله را (به پرستش) گرفتند، به زودی خشمی از سوی پروردگارشان و ذلّتی در زندگی دنیا به آنان خواهد رسید و این گونه دروغ‌پردازان را کیفر می‌دهیم. (۱۵۳) و کسانی که مرتکب بدی‌ها و گناهان شده و پس از آن توبه کرده و ایمان آورند، پس از آن توبه، بی‌گمان پروردگارت آمرزنده و مهربان است. (۱۵۴) و چون خشم موسی فرو نشست، الواح را (از زمین) برگرفت و در نوشته‌های آن برای کسانی که از پروردگارشان بیم دارند، هدایت و رحمتی است. (۱۵۵) و موسی برای (آمدن به) میعادگاه ما، از قوم خود هفتاد مرد را برگزید. پس همین که (در پی درخواست دیدن خدا) زمین لرزه آنان را فرا گرفت گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنها و مرا پیش از این (آمدن به طور) بمیرانی، آیا ما را به خاطر کارهای بی‌خردان ما هلاک می‌کنی؟ این صحنه جز آزمایشی از جانب تو نیست که با آن، هر که را (سزاوار بدانی و) بخواهی گمراه می‌کنی و هر که را بخواهی (و لایق بدانی) هدایت می‌کنی، تو ولی و سرپرست مایی، پس ما را ببخشای و بر ما رحم کن، که تو بهترین آمرزندگان. (۱۵۶) (خداوند!) برای ما در این دنیا و در آخرت، خیر و نیکی مقرر کن که ما به سوی تو رهنمون و بازگشت کرده‌ایم. (خداوند) فرمود: عذابم را به هر کس که بخواهم (و مستحق باشد) می‌رسانم، و (لی) رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، پس به زودی آن (رحمتم) را برای کسانی که تقوی دارند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم. (۱۵۷) (رحمت الهی، شامل کسانی است که علاوه بر ایمان، زکات و تقوا،) از رسول و پیامبر درس نخوانده‌ای پیروی می‌کنند که (نام و نشانه‌های او را) نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. (پیامبری که) آنان را به نیکی فرمان می‌دهد و از زشتی باز می‌دارد و آنچه را پاکیزه و پسندیده است برایشان حلال می‌کند و پلیدی‌ها را برایشان حرام می‌کند و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده برمی‌دارد (و آزادشان می‌کند). پس آنان که به او ایمان آورده و او را گرامی داشته و یاری کنند و از (قرآن) نوری که همراه او نازل شده است پیروی کنند، آنان همان رستگارانند. (۱۵۸) بگو: ای مردم! همانا من فرستاده‌ی خداوند به سوی شما، هستگی هستم، آن (خدایی) که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، هیچ معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند، پس به خداوند و پیامبر او (همان) پیامبر درس نخوانده‌ای که به خداوند و گفتار او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت یابید. (۱۵۹) و از قوم موسی، گروهی مردم را به حق راهنمایی می‌کنند و به حق، دادگری می‌کنند. (۱۶۰) و آنان (قوم موسی) را به دوازده گروه تقسیم کردیم که هر یک شاخه‌ای از دودمان بنی‌اسرائیل و اُمّتی بودند، و به موسی آنگاه که قومش از آب طلبیدند، وحی کردیم که عصای خود را بر آن سنگ بزن، پس از آن سنگ، دوازده چشمه جوشید (و به اطراف سرازیر شد، آن گونه که) هر گروه آبشخور (سهم آب) خود را به خوبی شناختند. و ابر را بر فراز آنان سایه‌بان ساختیم و «مَن» و «سَلْمُوی» (دو نوع خوراکی) بر آنان نازل کردیم (و به آنان گفتیم): از پاکیزه‌هایی که روزی شما کرده‌ایم، بخورید. آنان (با ناسپاسی خود) بر ما ستم نکردند، بلکه بر خویشتن ستم کردند. (۱۶۱) و (به یاد آورید) آن هنگام که به آنان (بنی‌اسرائیل) گفته شد در این آبادی (بیت‌المقدس) ساکن شوید و از (نعمت‌های) آن در هر نقطه و هر گونه که می‌خواهید بخورید (و به عنوان استغفار از آن همه بهانه‌جویی و آزار موسی) بگویید: «حَطَّه» (خدایا! گناهان ما را فرو گذار) و سجده‌کنان از درب (بیت‌المقدس) وارد شوید تا خطاهای شما را ببخشاییم، ما به زودی (پاداش) نیکوکاران را می‌افزاییم. (۱۶۲) پس ستمکاران آنان (بنی‌اسرائیل)، آنچه را به آنان گفته شده بود، بر سخنی دیگر

تغییر دادند، ما هم به خاطر ستم پیشگی آنان، عذابی آسمانی بر آنان فرستادیم. (۱۶۳) و (ای پیامبر!) از آنان درباره‌ی (مردم) آن آبادی که کنار دریا بود سؤال کن! آنگاه که (به قانون)، در روز شنبه تجاوز می‌کردند، هنگامی که روز تعطیلی (شنبه)، ماهی‌ها (به روی آب در) کناره‌های دریا به نزد آنان می‌آمدند، و (لی) روزی که تعطیل نبودند، ماهیان آشکار نمی‌شدند. ما این گونه آنان را به خاطر تجاوز و فسقشان آزمایش می‌کردیم. (۱۶۴) و (به یاد آور) زمانی که گروهی از آنان (بنی‌اسرائیل، به گروه دیگر که نهی از منکر می‌کردند) گفتند: چرا شما قومی را موعظه می‌کنید که خدا هلاک کننده‌ی ایشان است، یا عذاب کننده‌ی آنان بر عذابی سخت است؟ گفتند: برای آنکه عذری باشد نزد پروردگارتان و شاید آنها نیز تقوا پیشه کنند. (۱۶۵) پس چون تذکری را که به آنان داده شده بود فراموش کردند، کسانی را که نهی از منکر می‌کردند نجات دادیم و ستمگران را به سزای نافرمانی که همواره انجام می‌دادند، به عذابی سخت گرفتیم. (۱۶۶) پس چون از آنچه نهی شده بودند تجاوز کردند، به آنان گفتیم: به شکل میمون‌های طرد شده در آید. (۱۶۷) و (به یاد آور) آنگاه که پروردگارت اعلام کرد: همانا تا روز قیامت، کسی را بر آنان (بنی‌اسرائیل) مسلط خواهد کرد که آنان را پیوسته عذاب سخت دهد. همانا پروردگارت زود عقوبت می‌کند و شکی نیست که او (در برابر توبه کنندگان) بخشاینده و مهربان است. (۱۶۸) و ما آنان (بنی‌اسرائیل) را در زمین به صورت اُمت‌ها و گروه‌هایی پراکنده ساختیم، بعضی از آنان صالحند و برخی (لجوج و حیلہ گر و غیر صالح، و آنان را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید که برگردند. (۱۶۹) پس از آنان، فرزندان (ناصالح) جانشینان آنها شدند که کتاب آسمانی (تورات) را به ارث بردند (ولی قدر آن را ندانستند)، متاع ناپایدار این دنیا را می‌گرفتند (و با رها کردن قانون خدا) می‌گفتند: به زودی ما بخشوده خواهیم شد. و اگر بار دیگر همان منافع مادی پیش آی د، باز هم آن را می‌گیرند (و قانون خدا را رها می‌کنند). آیا از آنان در کتاب آسمانی، پیمان گرفته نشده که جز حق، نسبتی به خدا ندهند؟ با اینکه مطالب آن کتاب و پیمان را بارها (به صورت درس) خوانده‌اند، (ولی در عمل، دنیا پرستند) در حالی که خانه آخرت برای اهل تقوا بهتر است. آیا تعقل نمی‌کنید؟ (۱۷۰) و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می‌جویند و نماز را به پا داشته‌اند (بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاحگران را تباه نخواهیم کرد. (۱۷۱) و (به یاد آور) زمانی که کوه (طور) را از جای کنده، همچون سایبانی بالای سرشان قرار دادیم و گمان کردند که آن بر سرشان خواهد افتاد، (در آن حال، به آنان گفتیم): آنچه را (از احکام و دستورها) به شما دادیم، قدرتمندانه و جدی بگیرید و آنچه را در آن است به یاد آورید (و عمل کنید) باشد که اهل تقوا شوید. (۱۷۲) و (به یاد آور) زمانی که پروردگارت، از پشت بنی‌آدم، فرزندان و ذریه آنان را بر گرفت و آنان را گواه بر خودشان ساخت (و فرمود): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی، ما گواهی دادیم (که تو پروردگار مایی، این اقرار گرفتن از ذریه‌ی آدم برای آن بود) تا در روز قیامت نگویید: ما از این، غافل بودیم. (۱۷۳) یا نگویید: پدران ما پیش از ما مشرک بودند و ما نیز فرزندان از پس آنان بودیم (و ناچار راهشان را ادامه دادیم)؟ آیا ما را به خاطر عملکرد اهل باطل، مجازات و هلاک می‌کنی؟ (۱۷۴) و ما این گونه آیات خویش را روشن بیان می‌کنیم (تا بدانند نور توحید، از آغاز در سرشت آنان بوده است) و شاید آنان (به سوی خداوند و فطرت پاک توحیدی) باز گردند. (۱۷۵) و بر آنان، داستان آن کس (بلعم باعورا) را بخوان که آیات خود (از علم به معارف و اجابت دعا و صدور برخی کرامات) را به او داده بودیم، پس او (ناسپاسانه) خود را از آن آیات جدا ساخت، پس شیطان او را در پی خویش کشید تا از گمراهان شد. (۱۷۶) و اگر می‌خواستیم، (قدر و ارزش) او را به وسیله‌ی آیات (و علوم) که به او داده بودیم (بالا- می‌بردیم، ولی او به زمین (و مادیات) چسبید و از هوس خود پیروی کرد. پس مثل او مثل سگ است که اگر به آن حمله کنی دهان باز کرده و پارس می‌کند و زبان بیرون می‌آورد و اگر او را واگذاری، باز چنین می‌کند (همیشه دهان دنیاپرستان باز است)، این، مثل کسانی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را (برایشان) بازگو، باشد که بیندیشند. (۱۷۷) چه بد مثلی دارند کسانی که آیات ما را تکذیب کردند. و (لی) آنان تنها به خودشان ستم می‌کردند. (۱۷۸) هر که را خدا هدایت کند، تنها اوست هدایت یافته، و هر که را گمراه کند، پس آنان همان زیانکارانند. (۱۷۹) و همانا بسیاری از جن و انس را برای دوزخ

آفریدیم، (که سرانجامشان به آنجا می کشد، چرا که) آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی کنند و چشمانی دارند که با آن نمی بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند. (۱۸۰) و نیکوترین نام‌ها برای خداوند است، پس خداوند را با آنها بخوانید. و کسانی را که در اسم‌های خدا به کژی و مجادله میل دارند (و به جنگ و ستیزه می پردازند و صفات خدا را بر غیر او می نهند) رها کنید. آنان به زودی به کیفر آنچه می کردند، خواهند رسید. (۱۸۱) و از کسانی که آفریده‌ایم، گروهی (دیگران را) به حق هدایت می کنند و به آن حکم می کنند. (۱۸۲) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج، آنان را از جایی که ندانند، گرفتار خواهیم کرد. (۱۸۳) و به آنان مهلت می دهیم (تا پیمان‌ها پر شود)، همانا تدبیر من محکم و استوار است (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست). (۱۸۴) آیا آنان فکر نکردند که هم‌نشین آنان (پیامبر اسلام)، هیچگونه جنون ندارد؟ او جز هشداردهنده‌ای آشکار نیست. (۱۸۵) آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و هرچه خدا آفریده، به دقت نمی نگرند (تا بدانند آفرینش همه‌ی آنها هدفدار است، نه بیهوده) و اینکه شاید زمان (مرگ) آنان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (آیات روشن)، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟ (۱۸۶) هر که را خداوند (به خاطر فسق و اعمالش) گمراه کند، برای او هیچ هدایتگری نیست، و آنان را در سرکشی و طغیانشان رها می کند تا سرگردان شوند. (۱۸۷) از تو درباره‌ی قیامت می پرسند که چه وقت به پا می شود؟ بگو: علم آن تنها نزد پروردگار من است، جز او کسی نمی تواند زمان آن را آشکار سازد. (فرا رسیدن قیامت)، در آسمان‌ها و زمین سنگین است، جز به صورت ناگهانی پیش نمی آید. از تو چنان می پرسند که گویا از (زمان) آن آگاهی کامل داری! بگو: علم آن تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۱۸۸) بگو: من مالک هیچ سود و زیانی برای خودم نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر هر چه خدا بخواهد) و اگر غیب می دانستم، منافع زیادی برای خودم فراهم می کردم و هرگز به من زیانی نمی رسید. من جز هشداردهنده و بشارت‌دهنده برای گروهی که ایمان می آورند نیستم. (۱۸۹) او خدایی است که شما را از یک نفس (جان) آفرید و همسرش را از (نوع) او قرار داد تا بدان آرام گیرد. پس چون با او بیامیخت، باری سبک بر گرفت (و باردار شد) و (مدتی) با آن سر کرد، چون زن سنگین شد، آن دو (زن و شوهر) از خداوند، پروردگارشان، درخواست کرده (و گفتند): که اگر فرزند شایسته‌ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. (۱۹۰) پس چون (خداوند) به آن دو، فرزندی صالح داد، آنان در آنچه به ایشان عطا نمود، برای خدا شریکانی قرار دادند، ولی خداوند از آنچه که آنان شریک او قرار می دهند، برتر است. (۱۹۱) آیا چیزهایی را شریک خدا قرار می دهند که چیزی نمی آفرینند و خودشان نیز مخلوقند؟! (۱۹۲) و (این معبودها) قدرت یاری آنان را ندارند و حتی خودشان را هم نمی توانند حمایت کنند. (۱۹۳) و اگر معبودها را به هدایت فرا خوانید، از شما پیروی نمی کنند، بر شما یکسان است که آنها را دعوت کنید یا ساکت باشید! (۱۹۴) همانا کسانی را که به جای خدا می خوانید (و می پرستید)، بندگانی (آفریده‌هایی) همچون خود شمایند. پس اگر راست می گوید، آنان را بخوانید، تا آنان جوابتان را بدهند. (۱۹۵) آیا آنان (معبودها)، پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دست‌هایی دارند که با آن قدرت‌نمایی کنند، یا چشم‌هایی دارند که با آنها ببینند، یا گوش‌هایی دارند که با آنها بشنوند؟ (ای پیامبر!) بگو: شریک‌های (خیالی) خودتان را بخوانید و علیه من نقشه بکشید و هیچ مهلت هم به من ندهید! (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست). (۱۹۶) همانا ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب آسمانی را نازل کرده است و او همه‌ی صالحان را سرپرستی (و هدایت) می کند. (۱۹۷) (بت‌ها) و کسانی که به جای خدا می خوانید (و می پرستید)، نه می توانند شما را یاری نمایند و نه خود را یاری می کنند. (۱۹۸) و اگر آنان (بت پرستان یا بت‌ها) را به هدایت فراخوانی، نمی شنوند و می بینی که آنان به تو نگاه می کنند، و حال آنکه نمی بینند (گویا به تو می نگرند، ولی نگاهشان خالی از هرگونه شعور و دقت است). (۱۹۹) عفو و میانه‌روی را پیشه کن (عذر مردم را بپذیر و بر آنان آسان بگیر)، و به کارهای عقل پسند و نیکو فرمان بده، و از جاهلان اعراض کن. (۲۰۰) و اگر از طرف شیطان (و شیطان صفتان) کمترین وسوسه و تحریک و سوءیتی به تو رسید، پس به خداوند پناه آور، که قطعاً او شنوا و داناست. (۲۰۱) همانا کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند،

هر گاه وسوسه‌های) شیطانی به آنان نزدیک شود، متوجه می‌شوند (و خدا را یاد می‌کنند)، آنگاه بینا می‌گردند. (۲۰۲) و برادرانشان، (شیطان صفتان گمراه)، آنان را در انحراف می‌کشند و نگه می‌دارند و هیچ کوتاهی نمی‌کنند. (۲۰۳) و هر گاه آیه‌ای برای آنان نیاوردی (و چند روزی تلاوت وحی قطع شود)، می‌گویند: چرا آیه‌ای برنگزیدی؟ بگو: من فقط چیزی را پیروی می‌کنم که از سوی پروردگام بر من وحی می‌شود. این (قرآن) بصیرت‌هایی از سوی پروردگارتان است و برای کسانی که ایمان آورند، مایه‌ی هدایت و رحمت است. (۲۰۴) و هر گاه قرآن خوانده شود، به آن گوش دهید و ساکت شوید (تا بشنوید)، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (۲۰۵) و پروردگارت را از روی خوف و تضرع، آهسته و آرام در دل خود و در هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش. (۲۰۶) همانا کسانی که مقرّبان درگاه پروردگارت هستند، از پرستش او سر باز نمی‌زنند، او را تسبیح می‌گویند و برای او سجده می‌کنند. (۲۰۷)

الأنفال

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) (ای پیامبر!) از تو درباره‌ی انفال (غنائم جنگی و اموال عمومی) می‌پرسند (که از آن کیست؟) بگو: انفال، از آن خدا و پیامبر است. پس، از خداوند پروا کنید و (روابط) میان خودتان را اصلاح کنید و اگر ایمان دارید، از خدا و رسولش اطاعت کنید. (۲) مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان (از عظمت او) لرزان شود و هر گاه آیات خدا بر آنان تلاوت شود، ایمانشان را می‌افزاید و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۳) آنان که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، (به محرومان) انفاق می‌کنند. (۴) آنان همان مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی سخاوتمندانه و نیکو است. (۵) (ناخشنودی بعضی مسلمانان از تقسیم غنائم) همانند آن (زمانی) است که که پروردگارت تو را (برای جنگ بدر)، از خانه‌ات به حق خارج کرد، در حالی که گروهی از مؤمنان (از حضور در جنگ) ناخشنود بودند. (۶) آنان درباره‌ی حق (بودن جنگ بدر)، پس از آنکه روشن شده بود، با تو مجادله می‌کنند. (چنان ترسیده‌اند که) گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند و (نابودی خود را) می‌نگرند. (۷) و (به یاد آورید) زمانی که خداوند شما را وعده می‌داد که یکی از دو گروه (کاروان تجارتي یا لشکر جنگی دشمن)، از آن شما خواهد بود، و شما (به خاطر راحت‌طلبی و منافع مادی) دوست داشتید گروه غیر مسلح (کاروان تجارتي) در اختیارتان قرار گیرد. در حالی که خداوند می‌خواهد حق را با کلمات (و سنت‌های) خویش استوار ساخته و ریشه‌ی کفّار را برکند. (از این رو شما را با تعداد کم و نداشتن آمادگی جنگی در بدر با لشکر قریش درگیر و سرانجام پیروز ساخت). (۸) تا (خدا) حق را استوار و باطل را نابود سازد، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند. (۹) (به یاد آورید) زمانی که (در جنگ بدر) از پروردگارتان فریادرسی می‌طلبیدید، پس او دعا و خواسته‌ی شما را اجابت کرد (و فرمود): من یاری‌دهنده شما با فرستادن هزار فرشته‌ی پیاپی هستم. (۱۰) و خداوند، آن (پیروزی و نزول فرشتگان) را جز برای بشارت و اینکه دل‌هایتان با آنان آرامش یابد قرار نداد و نصرت و پیروزی، جز از سوی خدا نیست، (به قدرت خود و امداد فرشته هم تکیه نکنید). همانا خداوند، شکست‌ناپذیر حکیم است. (۱۱) (به یاد آورید) زمانی که (خداوند) از سوی خود برای آرامش شما، خوابی سبک بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی (وسوسه‌ی) شیطان را از شما بزداید و دل‌های شما را محکم و گام‌هایتان را با آن استوار سازد. (۱۲) (به یاد آور) زمانی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس شما افراد با ایمان را تقویت کنید، من نیز به زودی در دل‌های کافران، رعب و ترس خواهم افکنم، پس فراز گردن‌ها را بزنید و همه‌ی سرانگشتان را قلم کنید (و قطع کنید تا نتوانند سلاح بردارند). (۱۳) آن (حمایت الهی از مؤمنان و فرمان ضربه بر سرها و سرانگشتان دشمن)، به جهت آن بود که آنان در برابر خدا و پیامبرش گردنکشی کردند، و هر کس با خدا و پیامبرش در افتد و مخالفت کند، خداوند دارای کیفری سخت است. (۱۴) آن است (کیفر ما در دنیا)، پس بچشید آن را و (بدانید) عذاب دوزخ برای

کافران (مهیا) است. (۱۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با (لشگرکشی و) انبوه کافران برخورد کردید، به آنان پشت نکنید و مگریزید. (۱۶) و جز آنها که کناره‌گیریشان برای ساز و برگ نبرد مجدد یا پیوستن به گروه دیگری از مسلمانان باشد، هر کس در روز جنگ پشت به دشمن کند، قطعاً مورد خشم خدا قرار می‌گیرد و جایگاه او جهنم است و چه بد سرانجامی است. (۱۷) شما (با نیروی خود)، آنان (کفار) را نکشید، بلکه خداوند (با امدادهای غیبی) آنها را به قتل رساند. (ای پیامبر!) آنگاه که تیر افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند (تا کافران را مرعوب کند) و تا مؤمنان را از سوی خویش به آزمونی نیکو بیازماید، زیرا خداوند، بسیار شنوا و داناست. (۱۸) آن، (شکست دشمن و پیروزی شما و لطف خدا بود.) و (بدانید) که خداوند، سست‌کننده‌ی نیرنگ کافران است. (۱۹) اگر (شما کافران) در انتظار فتح و پیروزی (اسلام) بودید، که آن فتح آمد (و حقایق اسلام آشکار شد) و اگر دست (از انحراف و باطل خود) بردارید، برایتان بهتر است و اگر (شما به کفر و عناد) برگردید، (ما هم به سوی قهر) برمی‌گردیم و هرگز گروه شما هر چند بسیار باشد، به کارتان نخواهد آمد، چرا که خداوند با مؤمنان است. (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و فرستاده‌ی او اطاعت کنید و در حالی که (سخنان او را) می‌شنوید، از وی سرپیچی نکنید. (۲۱) و مثل کسانی نباشید که گفتند: «شنیدیم»، ولی (در حقیقت) آنها نمی‌شنیدند. (۲۲) همانا بدترین جنبنده‌گان نزد خداوند، (کسانی هستند که نسبت به شنیدن حق) کران (و نسبت به گفتن حق) لال‌هایند، آنها که تعقل نمی‌کنند. (۲۳) و اگر خداوند خیری در آنان می‌دانست، شنوایشان می‌ساخت، (حرف حق را به گوش دلشان می‌رساند)، ولی با (این روحیه‌ی لجاجتی که فعلاً دارند، حتی) اگر شنوایشان می‌ساخت، باز هم سرپیچی کرده روی می‌گرداندند. (در دل یقین پیدا می‌کردند، ولی در ظاهر اقرار نمی‌کردند) (۲۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خدا و رسول شما را به چیزی که حیات‌بخش شماست دعوت می‌کنند، بپذیرید و بدانید خداوند، میان انسان و دل او حایل می‌شود و به سوی او محشور می‌شوید. (۲۵) و بترسید (و حفظ کنید خود را) از فتنه‌ای که تنها دامنگیر ستمگران شما نمی‌شود، (بلکه همه را فرا خواهد گرفت، چرا که دیگران نیز در مقابل ستمگران سکوت کردند) و بدانید که خداوند سخت کیفر است. (۲۶) و به یاد آورید زمانی را که شما کم بودید و در زمین (مکه) مستضعف بودید، می‌ترسیدید مردم (دشمنان) شما را برابند، پس (خداوند در مدینه) پناهتان داد و با یاری خویش، شما را نیرومند کرد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، باشد که شما شکرگزاری کنید. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و آگاهانه به امانت‌های خود خیانت نورزید. (۲۸) و بدانید که اموال و فرزندانتان آزمایشی (برای شما) هستند و البته نزد خداوند (برای کسانی که از عهده‌ی آزمایش برآیند)، پاداشی بزرگ است. (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برایتان فرقانی (قوه‌ی شناخت حق از باطلی) قرار می‌دهد و بدی‌هایتان را از شما می‌پوشاند و شما را می‌آمزد و خداوند صاحب فضل و بخشش بزرگ است. (۳۰) و (به یاد آور) زمانی که کافران درباره‌ی تو نقشه می‌کشیدند تا تو را زندانی کنند، یا تو را بکشند یا (از مکه) تبعید کنند. و آنان نقشه می‌کشیدند و خدا هم (با خنثی کردن توطئه‌های آنان) تدبیر می‌کرد و خداوند، بهترین تدبیرکنندگان است. (۳۱) و هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود، گویند: به خوبی شنیدیم (چیز مهمی نیست)، اگر بخواهیم قطعاً مانند این قرآن را بیان می‌کنیم، این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. (۳۲) و (به یاد آور) زمانی که مخالفان (دست به دعا برداشته) گفتند: خدایا! اگر این (اسلام و قرآن) همان حق از جانب تو است، پس بر ما از آسمان سنگ‌هایی بباران یا عذابی دردناک برای ما بیاور. (۳۳) و (لی) تا تو در میان مردمی، خداوند بر آن نیست که آنان را عذاب کند، و تا آنان استغفار می‌کنند، خداوند عذاب‌کننده‌ی آنان نیست. (۳۴) و چرا خداوند آنها را عذاب نکند؟ با اینکه آنان (مردم را) از مسجد الحرام بازمی‌دارند، در حالی که سرپرست آنجا نیستند. جز افراد پرهیزگار دیگران حق تولیت و سرپرستی آن را ندارند، ولی بیشترشان نمی‌دانند. (۳۵) (دعا و) نمازشان نزد بیت الله (کعبه)، جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به خاطر آنکه کفر می‌ورزیدید، عذاب (الهی را) بچشید. (۳۶) همانا آنان که کافر شدند، اموال خود را صرف می‌کنند تا از (رفتن مردم به) راه خدا جلوگیری کنند. در آینده نیز این گونه خرجها را خواهند داشت، سپس (اموال هزین شده) مایه‌ی حسرت

آنان می گردد و آنگاه شکست می خورند. و آنان که کافر شدند، به سوی دوزخ محشور خواهند شد. (۳۷) (این حسرت، شکست و عذاب)، برای آن است که خداوند، ناپاک را از پاک (در این جهان و آن جهان) جدا کند و پلیدی‌ها را برهم نهد و همه را متراکم سازد و در دوزخ قرار دهد، آنان همان زیانکارانند. (۳۸) (ای پیامبر!) به کافران بگو: اگر (از انحراف و عملکردهای ناپسند) دست بردارند، گذشته‌ی آنان بخشوده می‌شود و اگر (به روش سابق خود) برگردند، به تحقیق سنت الهی در برخورد با گذشتگان، (درباره‌ی آنان نیز) جاری است. (۳۹) و با آنان (دشمنان) بجنگید تا فتنه‌ای (از کفر و شرک) بر جای نماند و دین، یکسره برای خدا باشد، پس اگر (از کفر خود) دست کشیدند، همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (۴۰) و اگر (باز هم) سرپیچی کرده و روی بگردانند، بدانید که خداوند، مولی و سرپرست شماست، چه خوش مولایی و چه نیکو یآوری است. (۴۱) و اگر به خداوند و آنچه بر بنده‌ی خود، روز جدایی (حق از باطل)، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی‌ایمان در جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان دارید، بدانید که هر چه غنیمت گرفتید، همانا خمس (یک پنجم) آن برای خداوند و رسول خدا و خویشاوندان (او، اهل بیت علیهم السلام) و یتیمان و بینویان و در راه‌ماندگان (از سادات) است، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۴۲) (به یاد آورید) زمانی که شما در جانب پایین بودید و دشمنان در جانب بالا (بر شما برتری داشتند) و کاروان (تجاری ابوسفیان) از شما پایین تر بود و اگر قرار قبلی (برای جنگ هم) می‌گذاشتید، به توافق نمی‌رسیدید. (زیرا هم بالادست شما دشمن بود، هم پایین شما و شما بین دو صف مخالف بودید و هرگز تن به چنین جنگی نمی‌دادید.) ولی (خداوند شما را در برابر عمل انجام شده قرار داد) تا کاری را که خدا می‌خواست، تحقق بخشد، تا هر کس (به گمراهی) هلاک می‌شود، از روی حجت و آگاهی هلاک شود و هر کس (به هدایت) حیات یافت، از روی دلیل، حیات یابد و همانا خداوند شنوا و داناست. (۴۳) (ای پیامبر! به یاد آور) زمانی که خداوند، عدد آنان (دشمنان) را در خوابت، به تو اندک نشان داد و اگر (خداوند) آنان را (در دید تو) زیاد نشان می‌داد، حتماً سست شده و قطعاً در کار جنگ نزاع کرده بودید، ولی او (شما را از این سستی و نزاع) سالم نگاه داشت، همانا خداوند به آنچه در سینه‌هاست آگاه است. (۴۴) و (به یاد آورید) زمانی که چون با دشمن برخورد کردید، خداوند دشمنان را در نظر شما کم جلوه داد (تا با جرأت حمله کنید) و شما را نیز در دیدگاه آنان اندک نشان داد (تا از کفار مکه، کمک نخواهند). این کار برای آن بود که خداوند کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد. و (بدانند که) همه‌ی کارها به خدا بازمی‌گردد (و اراده‌ی او بر هر چیزی نافذ است). (۴۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با گروهی (از دشمن) روبرو شدید، ثابت‌قدم باشید و خدا را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید. (۴۶) و از خداوند و فرستاده‌اش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید و مهابت و قوتتان از بین می‌رود، و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است. (۴۷) و مثل کسانی نباشید که از روی سرمستی و خودنمایی و غرور و ریا در برابر مردم، از خانه‌های خود (به سوی جبهه) خارج شدند و مردم را از راه خدا بازمی‌داشتند و حال آنکه خداوند، به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد. (۴۸) و (به یاد آور) زمانی که شیطان، کارهای آنان (مشرکان) را در نظرشان زیبا جلوه داد و گفت: امروز هیچ کس از مردم، بر شما غالب نخواهد شد و من نیز در کنار شما و پناه شمایم. اما همین که دو لشکر با هم درآویختند (و فرشتگان به یاری سپاه اسلام آمدند)، شیطان به عقب برگشت و گفت: هر آینه من از شما بیزارم، من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید، همانا من از خدا بیم دارم و خداوند سخت عقوبت است. (۴۹) (به یاد آور) زمانی که منافقان و بیمار دلان می‌گفتند: آنان (مسلمانان را) دینشان مغرورشان کرده است، (که بی‌ترس حمله می‌کنند. غافل از آنکه مسلمین بر خدا توکل نموده‌اند.) و کسی که بر خدا توکل کند، پس (بداند) قطعاً خداوند شکست‌ناپذیر حکیم است. (۵۰) و (ای پیامبر!) اگر ببینی آن هنگام که فرشتگان، جان کافران را می‌گیرند، بر چهره‌ها و پشت‌های آنان ضربه می‌زنند (و می‌گویند): بچشید عذاب سوزان را. (۵۱) این (کیفر)، دستاورد کارهای پیشین شماست و (گر نه) شکی نیست که خداوند بر بندگانش ستمگر نیست. (۵۲) (ای پیامبر! روش کافران زمان تو، مثل روش فرعونیان و کفار پیش از آنان است که (از روی لجاجت و عناد) به آیات خداوند کفر ورزیدند، پس خداوند نیز به کیفر گناهانشان، آنان را گرفتار

کرد. قطعاً خداوند، نیرومند سخت کيفر است. (۵۳) آن (کيفر) بدین سبب است که خداوند، نعمتی را که به قومی عطا کرده، تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، و همانا خداوند، بسیار شنوا و داناست. (۵۴) ای پیامبر! روحیهی مردم زمان تو، همچون خوی و روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند، آیات پروردگارشان را تکذیب کردند، پس ما نیز به سزای گناهانشان، هلاکشان ساختیم و فرعونیان را غرق کردیم، و همگی (فرعونیان و کفار قریش) ستمگر بودند. (۵۵) قطعاً بدترین جنبندهگان نزد خداوند، آنانند که کافر شدند، پس آنان ایمان نمی آورند. (۵۶) بدترین جنبندهگان نزد خداوند، آنانند که از ایشان پیمان گرفته ای، سپس پیمان خود را در هر بار می شکنند و (در وفاداری و حفظ پیمان)، اهل تقوا و پروا نیستند. (۵۷) پس ای پیامبر! هرگاه در جنگ به آنان دست یافتی، (با برخورد های قاطع) افراد پشت جبهه ی آنان را به وحشت افکنده و متفرق ساز، باشد که پند گیرند (و دست از توطئه بردارند). (۵۸) و اگر خوف آن داشتی که گروهی (در پیمان) خیانت کنند، تو نیز عهدشان را به سوی آنان بیانداز (و آن را لغو کن، یا به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد). همانا خداوند خائنان را دوست ندارد. (۵۹) و آنان که کفرورزیده اند گمان نکنند که پیش افتاده اند (و از قلمرو ما بیرون رفته اند)، زیرا آنها نمی توانند (ما را) ناتوان کنند. (۶۰) و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی شناسید، ولی خداوند آنها را می شناسد، به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه ی دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می رسد و به شما ستم نخواهد شد. (۶۱) و اگر (دشمنان) به صلح تمایل داشتند، (تو نیز) تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن، همانا او شنوا و داناست. (۶۲) و اگر (دشمنان) بخواهند با تو نیرنگ کنند، قطعاً خداوند تو را بس است، اوست که با امدادهای خویش و حمایت مؤمنان، تو را یاری کرده است. (۶۳) و (خداوند) میان دل های آنان (مؤمنان) اُلفت داد، اگر تو همه ی آنچه را در زمین است خرج می کردی، نمی توانستی میان قلوبشان محبت و اُلفت پدید آوری، ولی خداوند میان آنان پیوند داد، چرا که او شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۴) ای پیامبر! برای تو (حمایت) خداوند و پیروان با ایمانت کافی است (و نیازی به حمایت گرفتن از دیگران نداری). (۶۵) ای پیامبر! مؤمنان را بر پیکار (با کفار) تشویق کن، اگر بیست نفر از شما پایدار باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر از شما صد نفر (مقاوم) باشند، بر هزار نفر از کافران غلبه می یابند، زیرا آنان گروهی هستند که (آثار ایمان را) نمی فهمند. (۶۶) اکنون خداوند، (در امر جهاد) بر شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعف راه یافته است. پس اگر صد نفر از شما پایدار باشد، بر دویست نفر (از کفار) پیروز می شود، و اگر از شما هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر (از آنان) با خواست خداوند پیروز می شوند. و خداوند با صابران است. (۶۷) هیچ پیامبری حق اسیر گرفتن ندارد، مگر بعد از آنکه در آن (منطقه و) زمین، غلبه ی کامل یابد. شما (به خاطر گرفتن اسیر و سپس آزاد کردن با فدیة) به فکر متاع زود گذر دنیا هستید، ولی خداوند (برای شما) آخرت را می خواهد و خداوند، شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۸) اگر حکم ازلی خداوند نبود (که بدون ابلاغ، هیچ اُمتی را کيفر ندهد)، به خاطر آنچه (از اسیران که نابجا) گرفتید، عذابی بزرگ به شما می رسید. (۶۹) پس، از آنچه غنیمت گرفتید، که حلال و پاکیزه است، مصرف کنید و از خداوند پروا کنید، همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۷۰) ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما آیند بگو: اگر خداوند در دل های شما خیری بداند، بهتر از آنچه از شما گرفته شده است به شما خواهد داد (و مسلمان خواهید شد) و گناهانتان را می بخشاید و خداوند بخشاینده و مهربان است. (۷۱) و اگر (اسیران) بخواهند به تو خیانت کنند، از پیش هم به خدا خیانت کرده اند، پس خداوند (تو را) بر آنان غلبه و تسلط داد و خداوند، دانا و حکیم است. (۷۲) همانا کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کردند، و آنان که (مجاهدان و مهاجران را) پناه داده و یاری کردند، آنان دوستدار و حامی و هم پیمان یکدیگرند. اما کسانی که ایمان آورده، ولی هجرت نکردند، حق هیچگونه دوستی و حمایت از آنان را ندارید، تا آنکه هجرت کنند. و اگر (مؤمنان تحت فشار، برای حفظ دینشان) از شما یاری طلب کردند، بر شماست که یاریشان کنید، مگر در برابر

قومی که میان شما و آنان پیمان (ترک مخاصمه) است، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۷۳) و کسانی که کفر ورزیدند، یاران یکدیگرند، (پس شما با آنان هم پیمان نشوید،) اگر شما (هم میان خود، همبستگی) نداشته باشید، فتنه و فساد بزرگی در زمین واقع خواهد شد. (۷۴) و کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند، همانان مؤمنان واقعی‌اند. برای آنان آموزش و روزی شایسته و کریمانه‌ای است. (۷۵) و کسانی که بعداً ایمان آورده و همراه شما هجرت و جهاد کردند، آنان از شمایند. و در قانون الهی، خویشاوندان نسبت به یکدیگر اولویت دارند. همانا خداوند به هر چیزی بسیار داناست. (۷۶)

التوبة

(این آیات اعلام جدائی و) بیزاری و برائتی است از سوی خدا و پیامبرش، نسبت به مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید. (۱) پس (ای مشرکان!) در زمین به مدت چهار ماه مهلت دارید که (آزادانه) بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را مغلوب کنید (و از عذاب خدا بگریزید.) و (بدانید) که خداوند، خوارکننده‌ی کافران است. (۲) (و این آیات، اعلامی است) از سوی خدا و پیامبرش (به مردم) در روز حج اکبر (عید قربان یا روز عرفه) که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند. (با این حال) اگر توبه کنید (و دست از شرک و کفر بردارید)، این برایتان بهتر است. و اگر روی بگردانید، پس بدانید که (کاری از شما ساخته نیست) و هرگز نمی‌توانید خدا را ناتوان کنید. و کافران را به عذابی دردناک بشارت ده. (۳) مگر کسانی از مشرکین که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از تعهدات خود نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند و کسی را در برابر شما یاری نداده‌اند، پس پیمانشان را تا پایان مدتشان نگهدارید (و وفادار باشید)، که همانا خداوند، اهل تقوا را دوست دارد. (۴) پس چون ماه‌های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید بکشید و دستگیر کنید و در محاصره قرار دهید و در همه جا به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، راهشان را باز کنید (و آزادشان بگذارید) که همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۵) و اگر یکی از مشرکان از تو امان و پناه خواست، پس به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان. چرا که آنان گروهی ناآگاهند (و با شنیدن آیات الهی، شاید هدایت شوند). (۶) چگونه می‌تواند نزد خدا و رسولش، پیمانی با مشرکان (عهد شکن) باشد، مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید. پس تا هنگامی که به عهدشان وفا دارند، شما هم وفادار بمانید که خداوند، متقین را دوست دارد. (۷) چگونه (می‌توان با آنان پیمانی داشت) در حالی که اگر بر شما دست یابند، هیچ خویشاوندی و پیمانی را درباره‌ی شما مراعات نمی‌کنند. شما را با زبانِ (نرم) خویش راضی می‌کنند، ولی دلهایشان پذیرا نیست و بیشترشان فاسق و (پیمان شکن)‌اند. (۸) (مشرکان پیمان شکن)، آیات خدا را به بهای اندکی فروختند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به راستی آنان بد اعمالی انجام می‌دادند. (۹) (مشرکان پیمان شکن، نه تنها درباره‌ی شما، بلکه) درباره‌ی هیچ مؤمنی، (هیچگونه) حقّ خویشاوندی و (هیچ) عهد و پیمان را مراعات نخواهند کرد و ایشان همان تجاوزکارانند. (۱۰) آیا اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمایند. و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، به تفصیل بیان می‌کنیم. (۱۱) آیا اگر (به جای توبه)، سوگندهای خویش را پس از بستن پیمانشان شکستند و در دین شما، زبان به طعنه (و عیب گوئی) گشودند، پس با سران کفر بجنگید. زیرا که آنان را (پایبندی به) سوگندی نیست، باشد که (با شدت عمل شما)، از کردار خود باز ایستند. (۱۲) آیا با گروهی که سوگندها (و پیمان‌های) خود را شکستند و به بیرون کردن پیامبر (از وطنش) همت گماشتند، و آنان نخستین بار جنگ را با شما آغاز کردند، پیکار نمی‌کنید؟ آیا از آنان می‌ترسید؟ اگر ایمان دارید، سزاوارتر آن است که از خدا بترسید! (۱۳) با آنان بجنگید تا خداوند آنان را به دست‌های شما عذاب کند و خوارشان سازد و شما را بر آنان پیروز کند و دل‌های (پر درد) مؤمنان را تشفی و مرهم نهد. (۱۴) و خداوند (با پیروزی شما و خواری دشمن)، غیظ و خشم دل‌های

مؤمنان را از بین ببرد و خداوند لطف خود را بر هر کس بخواهد برمی گرداند (و راه توبه را به روی آنان می گشاید). و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۵) یا پنداشته‌اید که (تنها با ادعای ایمان) رها می‌شوید، در حالی که هنوز خداوند (با امتحان‌هایش شما را نیازموده)، تا کسانی را از شما که جهاد کرده و جز خدا و پیامبرش و مؤمنان رازداری برنگزیده‌اند، معلوم دارد و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۶) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را با آنکه به صراحت بر کفر خویش گواهی می‌دهند، تعمیر کنند. آنان کارهایشان (به خاطر بی‌ایمانی) تباه شده است و در آتش، جاودان خواهند بود. (۱۷) مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند. (۱۸) آیا آبرسانی به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را همانند (عمل) کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو نزد خداوند یکسان نیست و خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۱۹) کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جانهای خویش جهاد کردند، بزرگ‌ترین درجه را نزد خداوند دارند و اینان همان رستگارانند. (۲۰) پروردگارشان آنان را به رحمتی از ناحیه خود و رضایت خویش و باغهایی از بهشت، بشارت می‌دهد که برایشان در آن نعمت‌های ابدی است. (۲۱) آنان تا ابد در آنجا جاودانند. همانا نزد خداوند پاداشی بزرگ است. (۲۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر پدران و برادرانتان، «کفر» را بر «ایمان» ترجیح دادند، ولایت آنان را نپذیرید و هر کس از شما دوستی و ولایت آنان را بپذیرد، آنان همان ستمگراند. (۲۳) بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و خاندان شما و ثروت‌هایی که جمع کرده‌اید و تجارتی که از کسادی آن بیم دارید و خانه‌هایی که به آنها دلخوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر باشد، پس منتظر باشید تا خداوند، فرمان (قهر) خویش را به اجرا در آورد. و خداوند، گروه نافرمان را هدایت نمی‌کند. (۲۴) همانا خداوند در مواضع بسیاری شما را یاری کرده است و در روز حُنین (نیز شما را یاری کرد)، آنگاه که فراوانی لشکرتان شما را به غرور و اعجاب واداشت، ولی این فزونیِ نفرات هیچ سودی برای شما نداشت و زمین با همه‌ی گستردگی‌اش بر شما تنگ آمد، پس شما پشت به دشمن فرار کردید. (۲۵) سپس خداوند، آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و سپاهیان فرستاد که شما آنان را ندیدید و کافران را عذاب کرد، و این کیفر کافران است. (۲۶) سپس خداوند بعد از آن (فرار)، لطف خود را به هر که بخواهد برمی گرداند (و توبه‌ی فراریان را می‌پذیرد). و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً مشرکان، پلید و ناپاکند، پس بعد از این سال نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر (به خاطر راندن کفار و قطع داد و ستد) از فقر و تنگدستی می‌ترسید، پس به زودی خداوند اگر بخواهد از فضل خویش شما را بی‌نیاز خواهد کرد، قطعاً خداوند آگاه و حکیم است. (۲۸) با کسانی از اهل کتاب (یهود، نصاری، مجوس، صابئین)، که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمردند و به دین حق گردن نمی‌نهند بجنگید، تا با خواری و ذلت، به دست خود جزیه بپردازند. (۲۹) و یهودیان می‌گفتند: عُزَیر، پسر خداست و مسیحیان می‌گفتند: مسیح، پسر خداست. این سخنی است (باطل) که به زبانشان می‌آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند، شباهت دارد (که می‌گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند). خدا آنان را بکُشد، چگونه (از حق) روی گردان می‌شوند. (۳۰) (اهل کتاب)، دانشمندان و راهبان خود و مسیح فرزندان مریم را به جای خداوند به خدائی گرفتند، در حالی که دستور نداشتند جز خدای یکتا را که معبودی جز او نیست بپرستند. خداوند از هر چه برای او شریک می‌پندارند، منزّه است. (۳۱) می‌خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش سازند، ولی خداوند جزاین نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند، هرچند کفار، ناراحت باشند. (۳۲) او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند. (۳۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان و راهبان، (با سوء استفاده از موقعیت خود)، اموال مردم را به ناحق می‌خورند و آنان را از راه خدا بازمی‌دارند. و کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک، بشارت بده! (۳۴) روزی که آن طلاها و نقره‌ها،

در آتش دوزخ گداخته می‌شود و با آنها پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های آنان را داغ می‌نهند، (فرشتگان عذاب به آنان می‌گویند): این است آنچه برای خود اندوختید (و به محرومان ندادید)، پس مزه‌ی آنچه را که می‌اندوختید بچشید! (۳۵) همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند، در کتاب (آفرینش) خدا و از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است، که چهارماه از آن (جنگ) حرام است، این آیین ثابت و پابرجاست. پس در این ماه‌ها، با جنگ و خونریزی بر خود ستم نکنید و جملگی با همه‌ی مشرکان بجنگید، آنگونه که آنان همگی با شما می‌جنگند و بدانید که خداوند با پروا پیشه‌گان است. (۳۶) همانا تأخیر (و تغییر ماه‌های حرام به ماه‌های دیگر)، سبب افزایش در کفر است، که به وسیله آن کافران گمراه می‌شوند. (آنها) یک سال (جنگ در ماه‌های حرام) را (به سلیقه و تمایل و مصلحت‌اندیشی)، حلال می‌دانند و یک سال آن را حرام، تا با تعداد ماه‌هایی که خداوند حرام ساخته، مطابق آید. از این رو آنچه را خدا حرام کرده حلال می‌کنند. کارهای ناپسند آنها، در نظرشان زیبا جلوه یافته است و خداوند کافران را هدایت نمی‌کند. (۳۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا وقتی به شما گفته می‌شود در راه خدا (و برای جهاد) حرکت کنید، سنگین و زمین‌گیر می‌شوید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟ پس بدانید بهره‌ی زندگی دنیا در (برابر) آخرت، جز اندکی نیست. (۳۸) اگر (به سوی میدان جنگ) نشتابید، خداوند شما را به عذابی دردناک عذاب می‌کند و گروه دیگری را جایگزین شما می‌کند و شما (با ترک جبهه)، ضرری به خدا نمی‌زنید و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۳۹) اگر پیامبر را یاری نکنید، همانا خدا آن زمان که کافران او را (از مکه) بیرون کردند یاری کرد، در حالی که او نفر دوم از دو تن بود، زمانی که آن دو در غار (ثور) بودند، (پیامبر) به همراهش (ابوبکر) می‌گفت: اندوه مدار که خدا با ماست. پس خدا، آرامش خویش را بر او نازل کرد و او را با سپاه‌یانی که آنها را ندیدید یاری کرد و سخن و طرح کافران را (که قصد کشتن پیامبر را داشتند)، پست‌تر (و خنثی) قرار داد و کلمه (و اراده) خداوند (برای نصرت پیامبرش)، برتر (و پیروز) است و خداوند توانا و حکیم است. (۴۰) (به سوی جبهه و جهاد) کوچ کنید، سبکبار و سنگین بار، (خواه بر شما آسان باشد، خواه دشوار). و در راه خدا با اموال و جانهای خود جهاد کنید، اگر می‌دانستید، این برای شما بهتر است. (۴۱) اگر غنیمی نزدیک و سفری کوتاه (برای جهاد) بود، قطعاً (منافقان) در پی تو می‌آمدند، ولی آن راه بر آنان دور و دشوار آمد (و به این بهانه نمی‌آیند) و به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می‌توانستیم، با شما (به جنگ) بیرون می‌شدیم! آنان (با این روش)، خود را هلاک می‌کنند و خداوند می‌داند که آنان دروغ‌گویانند. (۴۲) خداوند از تو در گذشت، چرا پیش از آنکه (حال) راستگویان بر تو روشن شود و دروغ‌گویان را بشناسی، به آنان اجازه (مرخصی) دادی؟ (۴۳) آنان که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، هرگز برای جهاد کردن با مال و جانشان، از تو مرخصی نمی‌طلبند و خداوند به (حال) پرهیزکاران آگاه است. (۴۴) تنها کسانی از تو اجازه می‌گیرند (به جبهه نروند)، که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و دل‌هایشان مردد گشته است، پس آنان در شک و تردیدشان سرگردانند. (۴۵) (منافقان) اگر تصمیم جدی بر رفتن به جبهه داشتند، ساز و برگ جهاد آماده می‌کردند. ولی خداوند، انگیزه و بسیج آنان را (به خاطر کوردلی و نالایقی)، خوش نداشت و آنان را (از رفتن به جبهه) بازداشت و به آنان گفته شد: همنشین خانه‌نشینان (کودکان و سالمندان و بیماران) باشید. (۴۶) اگر (منافقان) همراه شما به جنگ بیرون آمده بودند، جز فساد، (تردید و اضطراب، چیزی) بر شما نمی‌افزودند و به سرعت در میان شما رخنه می‌کردند تا فتنه پدید آورند و در میان شما کسانی (تأثیرپذیرند که) به سخنان آنان گوش و دل می‌سپارند و خداوند به حال ستمگران آگاه است. (۴۷) (منافقان) پیش از این دنبال فتنه‌گری بودند و کارها را برای تو واژگون جلوه می‌دادند، تا آنکه حق آمد و امر خدا آشکار شد (و پیروز شدید)، در حالی که آنان ناراحت بودند. (۴۸) و برخی از آنان (بهانه‌جویان ترسو) می‌گویند: به من اجازه بده (به جبهه نیایم) و مرا (به گناه و) فتنه مینداز. آگاه باشید که اینان در فتنه (و گناه) سقوط کرده‌اند و همانا جهنم بر کافران احاطه دارد. (۴۹) اگر به تو نیکی رسد (و پیروز شوی)، منافقان را ناراحت می‌کند، ولی اگر به تو مصیبتی و شکستی برسد، می‌گویند: ما چاره‌ی خویش را از قبل اندیشیده‌ایم (و این را پیش‌بینی می‌کردیم) و برمی‌گردند، در حالی که خوشحالتند. (۵۰) بگو: هرگز جز آنچه خداوند برای ما مقرر کرده است،

به ما نخواهد رسید. او مولای ماست و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند. (۵۱) (ای پیامبر! به منافقان) بگو: آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را انتظار دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خداوند یا از سوی خودش یا به دست ما به شما برسد. پس شما منتظر باشید، ما نیز با شما در انتظار می‌مانیم. (۵۲) (به منافقانی که به جای حضور در جبهه، قصد کمک مالی دارند) بگو: چه از روی علاقه انفاق کنید و چه از روی کراهت، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد، زیرا شما قومی فاسق بوده‌اید. (۵۳) و چیزی منافقان را از پذیرفته شدن انفاقشان منع نکرد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را جز از روی کسالت و بی‌حالی به جا نمی‌آورند و جز از روی کراهت و بی‌میلی انفاق نمی‌کنند. (۵۴) پس اموال و فرزندان منافقان تو را به شگفتی نیندازد. جز این نیست که خداوند می‌خواهد به این وسیله آنان را در زندگی دنیا عذاب کند و جانشان در حال کفر، خارج شود. (۵۵) منافقان به خدا قسم می‌خورند که همانا آنان از شمایند، در حالی که (دروغ می‌گویند و) از شما نیستند، بلکه آنان گروهی هستند که (از شما) می‌ترسند (یا میان دل و زبان و عملشان جدایی است). (۵۶) اگر (منافقان) پناهگاه یا غارها یا گریزگاهی بیابند، البته شتابان به آن روی می‌آورند. (۵۷) و بعضی از منافقان در صدقات (تقسیم زکات)، به تو عیب می‌گیرند. پس اگر چیزی از آن (اموال) به آنان داده شود، راضی می‌شوند (و تو را عادل می‌شمارند)، ولی اگر چیزی به آنان داده نشود، به ناگاه آنان خشمگین می‌شوند (و تو را به بی‌عدالتی متهم می‌کنند). (۵۸) اگر آنان به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده‌اند راضی می‌شدند و می‌گفتند: خداوند (و آنچه او صلاح بداند) برای ما بس است، خدا و پیامبرش به زودی از فضل خود به ما خواهند داد و ما تنها به پروردگار، راغب و امیدواریم، (اگر چنین می‌گفتند، برای آنان بهتر بود). (۵۹) همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درماندگان و کارگزاران زکات و جلب دلها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه‌ی جهاد) در راه خدا و تأمین در راه‌مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است. (۶۰) برخی از منافقان، پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او سراپا گوش است. (و به سخن هر کس گوش می‌دهد.) بگو: گوش دادن او به نفع شماست، او به خداوند ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای هر کس از شما که ایمان آورد، مایه‌ی رحمت است و آنان که رسول خدا را اذیت و آزار می‌دهند، عذابی دردناک دارند. (۶۱) (منافقان) برای شما به خدا سوگند می‌خورند تا شما را راضی کنند، در حالی که اگر ایمان آورده‌اند، شایسته‌تر آن است که خدا و رسولش را راضی کنند. (۶۲) آیا ندانستند که هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، کیفرش آتش دوزخ است و پیوسته در آن خواهد بود؟ این است خواری و رسوائی بزرگ (که بهره‌ی مخالفان است). (۶۳) منافقان بیم دارند که سوره‌ای به زیان آنان نازل شود که از آنچه در درونشان است، خبر دهد. بگو: (هرچه می‌خواهید) مسخره کنید، قطعاً خداوند آنچه را که (از آشکار شدنش) بیم دارید، آشکار خواهد کرد. (۶۴) اگر از منافقان بپرسی (چرا مسخره کردید؟) قطعاً می‌گویند: ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم (و غرضی نداشتیم). بگو: آیا خداوند و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟! (۶۵) (بی‌جهت) عذر و بهانه نیاورید. همانا شما بعد از ایمانتان کافر شدید. اگر از گروهی از شما (به خاطر توبه یا آنکه بار اول اوست) درگذریم، گروهی (دیگر) را به خاطر سابقه‌ی جرمشان کیفر می‌دهیم. (۶۶) مردان و زنان منافق، از یکدیگرند (از یک قماشند)، به منکر فرمان می‌دهند و از معروف نهی می‌کنند و دستهای خود را (از بخشش و انفاق) می‌بندند. خدا را فراموش کرده‌اند، پس خداوند نیز آنان را فراموش کرده است. همانا منافقان، همان فاسقانند. (۶۷) خداوند به مردان و زنان منافق و به کافران، وعده‌ی آتش دوزخ را داده، که پیوسته در آن خواهند بود. آن (دوزخ) برایشان بس است و خداوند آنان را لعنت کرده (و از لطف خویش دور ساخته) و برایشان عذابی پایدار است. (۶۸) (حال شما منافقان)، همچون کسانی است که پیش از شما بودند، (با آنکه) آنان نیرومندتر از شما و ثروت‌مندتر و صاحب فرزندان بیشتری بودند، پس آنان از نصیبشان بهره‌مند شدند، شما نیز همان‌گونه که پیشینان شما متمتع شدند، بهره‌ی خود را بردید و (در روش باطل خود) فرو رفتید، چنانکه آنان فرورفتند. آنها اعمالشان در دنیا و آخرت محو شد و آنان همان زیانکارانند. (۶۹) آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند، (سرنوشت) قوم نوح، عاد، ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیرورو شده، به آنان نرسیده

است؟ پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند، (ولی آنان لجاجت کرده، نابود شدند). پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه خودشان به خویش ستم می کردند. (۷۰) مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می دهند و از منکرات و بدی‌ها (منکرات) نهی می کنند، نماز بر پای داشته، زکات می پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می کنند. بزودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. هم انا خداوند، توانای غالب و حکیم است. (۷۱) خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی (از بهشت) که از پای (درختان) آن، نهرها جاری و در آن جاودانند و (نیز) مسکن‌هایی دلیسند در بهشت برین را وعده داده است. ولی رضایت و خرسندی خداوند، برتر و والاتر (از اینها) است. این همان رستگاری بزرگ است. (۷۲) ای پیامبر! با کافران و منافقان ستیز کن و بر آنان سخت گیر و خشن باش که جایگاهشان دوزخ است و بد سرنوشتی دارند. (۷۳) (منافقان) به خدا سوگند می خورند که (سخنی کفرآمیز) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخن کفر (آمیز) گفته‌اند و پس از اسلام آوردنشان کافر شدند و تصمیم به کاری (کشتن پیامبر) گرفتند که به آن دست نیافتند. و جز اینکه خداوند و پیامبرش آنان را از لطف خویش بی نیاز کرد، عیبی (برای پیامبر و مؤمنین) نیافتند (با این حال) اگر توبه کنند، برایشان بهتر است و اگر روی بگردانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت به عذابی دردناک گرفتار می کند و در روی زمین هیچ دوست و یآوری برایشان نخواهد بود. (۷۴) و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود. (۷۵) پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و (به پیمان) پشت کرده و روی گردان شدند. (۷۶) سرانجام به دنبال آنکه با خدا در آنچه پیمان بسته بودند، خلف وعده کردند و بدان سبب که دروغ می گفتند، (خداوند، روح) نفاق را تا روزی که به دیدار او رسند، (روز مرگ یا قیامت)، در دل‌های آنان قرار داد. (۷۷) آیا ندانستند که خداوند، راز آنان و سخنان آهسته (و درگوشی) آنان را می داند و اینکه خداوند، به همه‌ی غیب‌ها داناست؟! (۷۸) منافقان بر مؤمنانی که (علاوه بر صدقات واجب)، داوطلبانه صدقات مستحب نیز می دهند و همچنین بر مؤمنان (تهی دستی) که جز به اندازه‌ی توانشان چیزی (برای انفاق و پشتیبانی از جبهه) نمی یابند، عیب می گیرند و آنان را مسخره می کنند. (بدانند که) خداوند آنان را به ری سخند می گیرد (و کیفر تمسخرشان را خواهد داد) و برای آنان عذابی دردناک است. (۷۹) برای منافقان استغفار کنی یا استغفار نکنی، (یکسان است). اگر هفتاد بار برایشان آمرزش بخواهی، خداوند هرگز آنان را نخواهد بخشید. این (قهر حتمی الهی) به خاطر آن است که آنان به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و خدا، گروه فاسق را هدایت نمی کند. (۸۰) به کسانی که بر خلاف (فرمان) رسول خدا، از جنگ سر باز زدند و از خانه نشستن خود (به هنگام جنگ تبوک) شادمان شدند و از اینکه با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند، کراهت داشتند و (به دیگران نیز) گفتند در این گرما (برای جنگ) بیرون نروید! بگو: آتش دوزخ، سوزان تر است اگر می فهمیدند. (۸۱) پس به سزای آنچه (با دست خود) کسب می کردند، کم بخندند و بسیار بگریند. (۸۲) پس اگر خداوند تو را (پس از این جنگ) به سوی طایفه‌ای از منافقان بازگرداند و آنان از تو برای حرکت (به جنگ دیگری) اجازه‌ی خروج خواستند بگو: شما هرگز با من بیرون نخواهید شد و هرگز همراه من، با هیچ دشمنی نبرد نخواهید کرد، زیرا شما نخستین بار به نشستن در خانه راضی شدید، پس (اکنون نیز) با آنان که از فرمان تخلف کرده‌اند (در خانه) بنشینید! (۸۳) و بر مرده‌ی هیچ یک از منافقان نماز مگزار و (برای دعا و استغفار) بر قبرش نایست، چون آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و از دنیا رفتند در حالی که فاسق بودند. (۸۴) اموال و فرزندان آنان (منافقان)، تو را به شگفتی و اعجاب نیاورد! همانا خداوند می خواهد آنان را بدین وسیله در دنیا عذاب کند و در حال کفر جانشان به در آید. (۸۵) و هرگاه سوره‌ای نازل شود که به خداوند ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، صاحبان ثروت (منافقان)، از تو اجازه‌ی مرخصی (برای فرار از جبهه) می خواهند و می گویند: ما را واگذار تا با خانه‌نشینان، (آنان که از جنگ معافند و باید در خانه بنشینند) باشیم. (۸۶) آنان راضی شدند که با متخلفان و خانه‌نشینان باشند و بر دل‌های آنان مَهْرزده شده است، از این رو نمی فهمند. (۸۷) ولی (در مقابل منافقان رفاه طلب و گریزان از جنگ)، پیامبر و مؤمنان همراه او، با اموال و جانهایشان جهاد

کردند و اینانند که همه‌ی خیرات و نیکی‌ها برای آنان است و همانانند رستگاران. (۸۸) خداوند برای آنان باغهایی (در بهشت) آماده ساخته که نهرها از پای (درختان) آنها جاری است، و در آنجا جاودانند. این همان رستگاری بزرگ است. (۸۹) بادیه‌نشینانی که (از شرکت در جنگ) معذور بودند، (نزد تو) آمدند تا به آنان اذن داده شود (که در جنگ شرکت نکنند)، ولی کسانی که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند (و عذری نداشتند)، از جنگ باز نشستند. بزودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذابی دردناک خواهد رسید. (۹۰) بر ناتوانان و بیماران (که نمی‌توانند در جهاد شرکت کنند) و تهیدستانی که چیزی برای خرج کردن (در راه جهاد) نمی‌یابند، ایرادی نیست، به شرط آن که خیرخواه خدا و پیامبرش باشند، (و از آنچه در توان دارند مضایقه نکنند). (زیرا) بر نیکوکاران راه سرزنش و مؤاخذه‌ای نیست و خداوند بخشنده‌ی مهربان است. (۹۱) و نیز (اشکالی نیست) بر آنان که چون نزد تو آمدند تا آنان را برای شرکت در جبهه بر مرکبی سوار کنی، گفتی: چیزی نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم و آنان (از نزد تو) برگشتند، در حالی که چشمانشان از اندوه، اشکبار بود که چرا چیزی ندارند که خرج جهاد کنند. (آری، بر این گونه فقیران عاشق جهاد، برای نرفتن به جبهه گناهی نیست) (۹۲) راه (ایراد و مؤاخذه)، تنها بر کسانی است که در عین توانگری و ثروتمندی، از تو اذن می‌خواهند (که به جبهه نروند) و راضی شده‌اند که با متخلفان باشند. خداوند بر دل‌هایشان مهر زده است، از این رو نمی‌دانند. (۹۳) هنگامی که از جهاد برگشتید، (منافقان متخلف از جنگ تبوک)، برای شما عذر می‌آوردند. بگو: عذر تراشی نکنید، ما هرگز حرف شما را باور نمی‌کنیم، خداوند ما را از اخبار (و احوال) شما آگاه کرده است. خداوند و پیامبرش عملکرد شما را می‌بینند، آنگاه نزد خدایی که دانای پنهان و آشکار است باز گردانده می‌شوید و او شما را به آنچه می‌کردید، آگاه خواهد کرد. (۹۴) هنگامی که از جهاد نزد منافقان باز گشتید، برای شما به خدا سوگند می‌خورند تا از (گناه و سرزنش) آنان چشم‌پوشید. پس، از آنان اعراض و دوری کنید که آنان پلیدند و به خاطر آنچه بدست خود کسب می‌کرده‌اند، جایگاهشان دوزخ خواهد بود. (۹۵) برای شما سوگند می‌خورند تا شما از آنان راضی شوید. (بدانید که شما هم) اگر از آنان راضی شوید، قطعاً خداوند از گروه فاسق، خشنود نخواهد شد. (۹۶) بادیه‌نشینان عرب (به خاطر دوری از تعلیم و تربیت و سخنان پیامبر)، در کفر و نفاق شدیدترند و به اینکه حدود آنچه را خدا بر پیامبرش نازل کرده ندانند سزاوارتر، و خداوند دانا و حکیم است (۹۷) بعضی از بادیه‌نشینان، کسانی هستند که آنچه را انفاق می‌کنند، (به خاطر نفاق یا ضعف ایمان)، ضرر حساب می‌کنند و برای شما پیش آمده‌ای بد را انتظار می‌کشند. بر خود آنان پیش آمد بد باد! و خداوند شنوا و داناست. (۹۸) اما برخی از عربهای بادیه‌نشین، کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند، وسیله‌ی قرب به خدا و (جلب) دعا و صلوات رسول می‌دانند. آگاه باشید که همین انفاق‌ها، برای آنان موجب قرب است. بزودی خداوند آنان را در رحمت خویش وارد می‌کند. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۹۹) و نخستین پیشگامان از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری آنان را پیروی کردند، خداوند از آنها راضی است و آنان نیز از خدا راضی، و (خدا) برای آنان باغهایی فراهم ساخته که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، همیشه در آن جاودانه‌اند. این است رستگاری و کامیابی بزرگ. (۱۰۰) و از میان بادیه‌نشینان پیرامون شما، گروهی منافقند و از اهل مدینه نیز عده‌ای بر نفاق خو گرفته‌اند، تو آنان را نمی‌شناسی، (ولی) ما آنها را می‌شناسیم! بزودی آنان را دوبار عذاب خواهیم کرد، سپس به سوی عذابی سهمگین، باز گردانده می‌شوند. (۱۰۱) و (از اعراب) دیگرانی هستند که به گناهان خویش اعتراف کرده‌اند، کار خوب و بد را به هم آمیخته‌اند. امید است خداوند توبه‌ی آنان را بپذیرد (و لطف خویش را به آنان باز گرداند). همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۰۲) از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک‌سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن). زیرا دعای تو، مایه‌ی آرامش آنان است و خداوند شنوا و داناست. (۱۰۳) آیا ندانستند که تنها خداوند از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و اینکه خداوند، بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (۱۰۴) و بگو: (هر گونه که می‌خواهید و می‌توانید) عمل کنید، که بزودی خداوند و پیامبرش و مؤمنان کار شما را می‌نگرند و بزودی به سوی دانای غیب و

آشکار بازگردانده می‌شوید، پس شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. (۱۰۵) و گروه دیگری هستند که کارشان به خواست الهی واگذار شده است یا عذابشان می‌کند و یا (به خاطر توبه و پشیمانی)، به آنان لطف می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. (۱۰۶) و (گروهی دیگر از منافقان) کسانی هستند که مسجدی برای ضربه زدن به اسلام و برای ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاهی برای (مساعدت) به دشمنان دیرینه‌ی خدا و پیامبرش ساختند، و همواره سوگند می‌خورند که جز خیر، قصدی نداریم! (ولی) خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغ‌گویانند. (۱۰۷) در آن (مسجد ضرار)، هرگز (برای نماز) نیست، همانا مسجدی که از روز نخست بر اساس تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن نماز برپاداری. (زیرا) در آن مسجد، مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک سازند و خداوند پاکان را دوست می‌دارد. (۱۰۸) آیا کسی که بنیان (کار) خود را بر پایه‌ی تقوا و رضای الهی قرار داده بهتر است، یا کسی که بنیاد (کار) خویش را بر لبه‌ی پرتگاهی سست و فروریختنی نهاده که او را در آتش دوزخ می‌اندازد؟ خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۱۰۹) بنیانی را که منافقان بنا نهادند، همواره موجب تحیر و سردرگمی در دل‌های آنان است. (آنها راه نجاتی ندارند)، مگر آنکه دل‌هایشان (از نفاق) جدا شود (یا با مرگ، متلاشی شود) و خداوند دانا و حکیم است. (۱۱۰) همانا خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را به بهای بهشت خریده است. آنان در راه خدا می‌جنگند تا بکشند یا کشته شوند. (وفای به این) وعده‌ی حق که در تورات و انجیل و قرآن آمده بر عهده خداست و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ پس مژده باد شما را بر این مع امله‌ای که به وسیله‌ی آن (با خدا) بیعت کردید و این همان رستگاری بزرگ است. (۱۱۱) (مؤمنان مجاهد)، اهل توبه، عبادت، ستایش، سیاحت، رکوع، سجود، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود و مقررات الهی‌اند و چنین مؤمنانی را بشارت ده. (۱۱۲) برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، سزاوار نیست که برای مشرکان، پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند، طلب آموزش کنند، هر چند خویشاوند آنان باشند. (۱۱۳) و آموزش‌خواهی ابراهیم برای پدرش (عموی مشرکش که سرپرستی او را به عهده داشت)، فقط به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود، (آن هنگام که از هدایتش ناامید نبود)، پس هنگامی که برایش روشن شد، او دشمن خداست، از او بی‌زاری جست. همانا ابراهیم، اهل آه و ناله (از ترس خدا) و بردبار بود. (۱۱۴) خداوند بر آن نیست که قومی را بعد از آنکه هدایتشان نمود، بی‌راه بگذارد تا آنچه را (که باید از آن) پرهیز کنند، برایشان بیان کند. قطعاً خداوند به هر چیزی دانا است. (۱۱۵) همانا حکومت آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست، زنده می‌کند و می‌میراند و شما را جز خداوند، هیچ سرپرست و یآوری نیست. (۱۱۶) همانا خداوند، لطف خود را بر پیامبر و مهاجران و انصاری که او را در لحظه‌ی دشوار (جنگ تبوک) پیروی کردند، سرازیر نمود، پس از آنکه نزدیک بود دل‌های بعضی از آنان منحرف شود (و در جبهه حضور نیابند). سپس خداوند لطف خود را به آنان بازگرداند، همانا او به آنان رؤف و مهربان است. (۱۱۷) و نیز بر سه نفری که (از شرکت در جبهه‌ی تبوک به خاطر سستی) وامانده بودند، تا آنگاه که زمین با همه‌ی وسعتش (به سبب قهر و نفرت مردم) بر آنان تنگ شد و از خود به تنگ آمده و فهمیدند که در برابر خدا، هیچ پناهگاهی جز خود او نیست، پس خداوند لطف خویش را شامل آنان ساخت تا به توبه موقت شوند. همانا خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. (۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید. (۱۱۹) اهل مدینه و بادیه‌نشینان اطراف آنان، حق ندارند از (فرمان) رسول خدا تخلف کنند و (به جبهه نروند) و جان‌های خود را از جان پیامبر عزیزتر بدانند. زیرا هیچگونه تشنگی، رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و هیچگامی در جایی که کافران را به خشم آورد برن می‌دارند و هیچ چیزی از دشمن به آنان نمی‌رسد، مگر آنکه برای آنان به پاداش اینها عمل صالح نوشته می‌شود. قطعاً خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. (۱۲۰) هیچ مال اندک یا فراوانی را (در مسیر جهاد) انفاق نمی‌کنند و هیچ سرزمینی را نمی‌پیمایند، مگر آنکه برای آنان ثبت می‌شود، تا خداوند آنان را به بهتر از آنچه می‌کرده‌اند پاداش دهد. (۱۲۱) سزاوار نیست که همه‌ی مؤمنان (به جهاد) رهسپار شوند، پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش باز گشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان (از گناه و

طغیان) حذر کنند. (۱۲۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کفار که نزدیک شمایند بجنگید. باید آنان در شما خشونت و صلابت بیابند و بدانید که خداوند، با پرهیزکاران است. (۱۲۳) و هرگاه سوره‌ای نازل شود، برخی از منافقان گویند: این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزود؟ اما آنان که ایمان آورده‌اند، (آیات قرآن) بر ایمانشان بیافزاید و آنان بشارت می‌گیرند. (۱۲۴) و اما آنان که در دل‌هایشان بیماری است، (آیات قرآن) پلیدی بر پلیدی آنان افزاید و در حال کفر بمیرند. (۱۲۵) آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند، اما نه توبه می‌کنند و نه پند می‌گیرند. (۱۲۶) و هرگاه سوره‌ای نازل شود، بعضی از آنان (منافقان) به بعضی دیگر نگاه کنند (و پرسند): آیا کسی شما را می‌بیند؟ پس (مخفیانه از حضور پیامبر) خارج می‌شوند. خداوند دل‌های آنان را (از حق) برگردانده است، زیرا آنان مردم نفهمی هستند. (۱۲۷) همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رئوف و مهربان است. (۱۲۸) پس اگر (از سخنان خداوند) روی گردان شدند، بگو: خداوند مرا کافی است، هیچ معبودی جز او نیست، تنها بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است. (۱۲۹)

یونس

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، را، این است آیات کتاب استوار و حکمت‌آمیز. (۲) آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خود آنان وحی کردیم که مردم را بیم و هشدار بده و به مؤمنان بشارت بده که برای آنان نزد پروردگارشان جایگاه نیکویی است؟ کافران گفتند: همانا این مرد جادوگری آشکار است! (۳) همانا پروردگارتان، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز و دوران آفرید، سپس بر عرش استیلاء یافت (زمام امور را به دست گرفت). کار جهان را تدبیر و سامان دهی می‌کند. هیچ شفاعت‌کننده‌ای جز با اذن او نیست. آن خداوند است که پروردگار شماست، پس او را پرستید. آیا پند نمی‌گیرید؟ (۴) باز گشت همه‌ی شما به سوی اوست. این وعده‌ی حقّ الهی است. اوست که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، به عدالت پاداش دهد و برای آنان که کافر شده‌اند به سزای کفرشان، نوشیدنی‌ای از مایع سوزان و عذابی دردناک خواهد بود. (۵) اوست که خورشید را درخشنده و ماه را تابان قرار داد و برای حرکت ماه منزلگاه‌هایی قرار داد تا شماره‌ی سالها و حساب را بدانید. خداوند اینها را جز بر اساس حق نیافریده است. خداوند آیات را برای آنان که (می‌خواهند) بدانند، به تفصیل بیان می‌کند. (۶) همانا در رفت و آمد (و اختلاف) شب و روز و در آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده است، برای مردم پرهیزکار نشانه‌هایی (بزرگ) است. (۷) قطعاً آنان که به دیدار ما (و دریافت نعمت‌های اخروی) امید ندارند و (تنها) به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند و به آن آرام گرفته و تکیه می‌کنند و نیز کسانی که از نشانه‌های (قدرت) ما غافلند. (۸) آنان به خاطر آنچه که عمل می‌کردند، جایگاهشان آتش است. (۹) به یقین آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پروردگارشان آنان را به خاطر ایمانشان هدایت می‌کند. و در باغ‌های پر نعمت که نهرها از زیر پایشان جاری است اقامت دارند. (۱۰) دعا و نیایش آنان در بهشت، «سبحانک اللهم» (خدایا تو پاک و منزّه‌ی) است و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان، «الحمد لله ربّ العالمین» (سپاس و ستایش مخصوص خداست) می‌باشد. (۱۱) و اگر خداوند برای مردم به همان شتاب که برای خود خیر می‌طلبند، در رساندن بلا به آنان شتاب می‌نمود، قطعاً اجلشان فرا رسیده بود. پس کسانی را که به دیدار ما امید (و باور) ندارند به حال خود رها می‌کنیم تا در سرکشی خویش سرگردان بمانند. (۱۲) و هنگامی که ضرری به انسان برسد، در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته و یا ایستاده است، ما را می‌خواند، ولی چون ضرر را از او برطرف ساختیم، چنان به راه خود می‌رود که گویی هرگز ما را برای گرفتاری که به وی رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسراف‌کاران، عمل کردشان زیبا جلوه می‌کند. (۱۳) و همانا ما امت‌های پیش از شما را چون ستم کردند، هلاک کردیم. (زیرا) پیامبرانشان برای آنها معجزات

آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند. ما این گونه گروه تبه کاران را کیفر می دهیم. (۱۴) سپس شما را پس از (هلاکت) آنان، جانشینانی در زمین قرار دادیم، تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید. (۱۵) و هرگاه آیات روشن ما بر آنان تلاوت می شود، کسانی که به دیدار ما (و دریافت پادشاهای اخروی) امید و باوری ندارند می گویند: قرآنی غیر از این بیاور، یا این قرآن را تغییر بده. (به آنان) بگو: من حق ندارم که آن را از پیش خود تغییر دهم. من پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به من وحی شود، من از عذاب روزی بزرگ (قیامت) بیمناکم، اگر پروردگارم را نافرمانی کنم. (۱۶) بگو: اگر خداوند می خواست، آن (قرآن) را بر شما نمی خواندم و شما را به آن آگاه نمی ساختم. من پیش از (آوردن) قرآن، عمری در میان شما بوده ام، آیا نمی اندیشید؟! (۱۷) پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بندد، یا آیات او را دروغ بشمارد؟ قطعاً مجرمان، رستگار نمی شوند. (۱۸) و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان ضرر می رساند و نه سودشان می دهد و می گویند: این بت ها شفیعان ما نزد خداوندند. بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که او خبری از آنها در آسمان ها و زمین ندارد؟ خداوند منزّه و والاتر است از شریکانی که برایش قرار می دهند. (۱۹) (در آغاز) مردم جز امتی واحد نبودند (و بر فطرت پاک توحیدی بودند)، پس دچار اختلاف شدند، (گروهی مؤحد و گروهی مشرک)، و اگر سنت (مهلت یافتن مردم برای آزمایش) از سوی پروردگارت مقدم و مقدر نگریده بود، (در همین دنیا) میان مردم در آنچه اختلاف می کردند، داوری می شد (و به هلاک منحرفان حکم می گردید). (۲۰) و می گویند: چرا از سوی پروردگارش بر او آیه و معجزه ای نازل نمی شود؟ پس بگو: غیب (و معجزه که به جهان غیب مربوط است)، از آن خداست (نه در اختیار من یا تابع هوس مردم). پس در انتظار باشید، من نیز همراه شما از منتظرانم (که خداوند چگونه پاسخ بهانه گیری های شما را می دهد). (۲۱) و هرگاه پس از رنجی که به مردم رسیده، (طعم) رحمت و لطفی به آنان بچشانیم، (به جای سپاس)، در آیات ما مکر و حيله می کنند. بگو: تدبیر الهی سریعتر و نافذتر است. همانا فرستادگان ما (فرشتگان)، آنچه را مکر و نیرنگ می کنید می نویسند. (۲۲) او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد، تا آنگاه که در کشتی باشید و بادی موافق، کشتی ها را به جریان در آورد و بدین وسیله خوشحال شوند، ناگهان تندبادی آید و موج از هر سو سراغشان آید و گمان برند که در محاصره ای بلا گرفتارند، (در این هنگام) خداوند را با اخلاص عقیده می خوانند (و می گویند): اگر ما را از این خطر نجات دهی، قطعاً از شاکران خواهیم بود. (۲۳) پس چون خداوند نجاتشان داد، در آن هنگام در زمین به ناحق سرکشی می کنند. ای مردم! همانا سرکشی شما فقط به زیان خودتان است. کامیابی زندگی دنیا (چند روزی بیش نیست)، سپس بازگشت شما به سوی ماست که شما را به عملکردتان آگاه خواهیم ساخت (و کیفر ستم هایتان را خواهیم داد). (۲۴) همانا مثل زندگی دنیا همچون آبی است که از آسمان فرود آوریم، پس گیاه زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند با آن در آمیخت (و روئید)، تا آنکه زمین (از آن گیاهان) زینت بگرفت و اهل زمین پنداشتند که بر استفاده از آن همه نباتات توانايند. (ناگهان) فرمان (ویرانی ما) شبی یا روزی آمد، پس آن را چنان درو کردیم که گویی دیروز گیاهی وجود نداشته است. ما این گونه آیات خود را برای گروه اندیشمند تشریح می کنیم. (۲۵) و خداوند (مردم را) به سر منزل سلامت و سعادت (بهشت) می خواند و هر که را بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (۲۶) برای آنان که نیکی کنند، پاداشی نیکوتر (از نظر کیفی) و افزون تر (از نظر کمی) خواهد بود و بر چهره ای آنان غبار ذلت و خواری ننشیند، آنان اهل بهشتند و همیشه در آنجايند. (۲۷) و آنان که به دنبال کسب بدی ها رفتند، به قدر همان بدی ها مجازات دارند و غبار ذلت و خواری آنان را فرامی گیرد. از قهر خداوند، پناه دهنده ای ندارند، گویا چهره هایشان با پاره هایی از شب تیره پوشانده شده است. آنان اهل دوزخند و در آن جاودانه اند. (۲۸) و روزی که همه را (در قیامت) گردهم آوریم، آنگاه به مشرکان می گوئیم: شما و شریکانی که برای خدا می پنداشتید در جای خود بمانید (تا به حسابتان رسیدگی شود)، پس میانشان جدایی می افکنیم و معبودها (به مشرکین) می گویند: شما (در حقیقت) ما رانمی پرستیدید، (بلکه در پی هوسها و اوهام خود بودید). (۲۹) پس (معبودها به مشرکان گویند): گواهی خدا میان ما و شما کافی است، به راستی ما از پرستش شما بی خبر بودیم. (۳۰) آنجا هر کس به (جزای) آنچه از پیش فرستاده، مبتلا شود

و به سوی سرپرست حقیقی خودشان (خداوند) برگردانده شوند و آنچه به افترا و دروغ خدا می‌پنداشتند، از پیش چشمشان محو شود. (۳۱) بگو: چه کسی از آسمان و زمین شما را روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و چه کسی کار هستی را سامان می‌دهد؟ (در پاسخ) خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا از کیفر پرستش غیر خدا پروا می‌کنید؟ (۳۲) پس این چنین خداوند (قادر و یکتا)، به حق پروردگار شماست. و پس از حق، جز گمراهی چیست؟ پس چگونه (از حق) باز گردانده می‌شوید؟! (۳۳) بدین سان حکم و سخن پروردگارت بر آنان که نافرمانی کردند محقق شد که آنان ایمان نمی‌آورند. (۳۴) بگو: آیا از معبودهایی که شما شریک خدا قرار داده‌اید، کسی هست که بتواند آفرینش را ایجاد و آغاز کند و سپس آن را باز گرداند؟ بگو: (فقط) خداوند، آفرینش را آغاز می‌کند و سپس بازمی‌گرداند. پس چرا (از حق) باز گردانده می‌شوید؟! (۳۵) بگو: آیا از معبودهایی که شما شریک خدا قرار داده‌اید، کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو: (فقط) خداوند به حق هدایت می‌کند. پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا کسی که خود هدایت نمی‌شود مگر آنکه هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟! (۳۶) و بیشتر آنان جز از گمان (بی‌پایه) پیروی نمی‌کنند. قطعاً گمان به هیچ وجه (انسان را) از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند، همانا خداوند به آنچه مردم انجام می‌دهند، آگاه است. (۳۷) و چنان نیست که این قرآن از سوی غیر خدا و به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیقی است برای کتب آسمانی پیشین و توضیحی از آن کتاب است. شکی در آن نیست که از سوی پروردگار جهانیان است. (۳۸) بلکه می‌گویند: قرآن را بافته (و به دروغ به خدا نسبت داده) است. بگو: اگر راست می‌گویید (که قرآن، سخن بشر است، نه کلام خدا)، پس سوره‌ای همانند آن بیاورید و هر که را غیر از خدا می‌توانید به یاری بخوانید؟ (۳۹) بلکه (حق آن است که) چیزی را که به شناخت آن احاطه نداشتند دروغ پنداشتند، در حالی که سرانجام و حقیقت و باطن آن هنوز بر ایشان روشن نشده است. کسانی که پیش از آنان بودند نیز همین گونه تکذیب کردند. پس بنگر که سرانجام ستمگران چگونه است. (۴۰) و بعضی از آنان کسانی هستند که به قرآن ایمان می‌آورند و برخی کسانی که به آن ایمان نمی‌آورند و پروردگارت به فسادکنندگان داناتر است. (۴۱) و اگر تو را تکذیب کردند، پس بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شما باشد. (و هر یک از ما و شما، جزای کار خود را خواهد دید.) شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من نیز از آنچه شما انجام می‌دهید، بیزارم. (۴۲) (و چون قرآن بخوانی) گروهی از آنان (در ظاهر) به سخن تو گوش فرامی‌دهند، (اما گویی گزند و هیچ نمی‌شنوند)، آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش ناشنویان برسانی؟ هر چند اهل تعقل نباشند؟ (۴۳) و گروهی از مردم کسانی‌اند که به تو نگاه می‌کنند، (اما گویی هیچ نمی‌بینند). پس آیا تو می‌توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند (با چشم دل) نمی‌بینند؟ (۴۴) قطعاً خداوند هیچ ظلمی به مردم نمی‌کند، اما این خود مردمند که به خویشتم ستم می‌کنند. (۴۵) و روزی که خداوند آنان را محشور و جمع می‌کند، گویا جز ساعتی از روز را (در دنیا یا برزخ) نمانده‌اند. آن روز یکدیگر را می‌شناسند. قطعاً آنان که دیدار خدا (معاد یا قیامت) را تکذیب کردند، زیان کار شدند و هرگز هدایت یافته نبوده‌اند. (۴۶) (ای پیامبر!) برخی از قهر و کيفری را که به کافران وعده می‌دهیم یا (در حال حیات تو) نشانت می‌دهیم، یا تو را از دنیا می‌بریم (و پس از تو به کيفر می‌رسند، به هر حال) باز گشت آنان به سوی ماست، سپس خداوند بر آنچه انجام می‌دهند، گواه است. (۴۷) برای هر امتی پیامبری است. پس هر گاه پیامبرشان بیاید، میان آنان به عدالت داوری می‌شود و ستمی به آنان روا نمی‌گردد. (۴۸) کفار (از روی استهزا) می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده (عذاب) چه وقت است؟ (۴۹) بگو: من (حتی) برای خودم جز آنچه خدا بخواهد، مالک زیان و سودی نیستم (تا چه رسد برای شما)، برای هر امتی اجل و سرآمدی معین است که هر گاه مدّتشان فرا رسد، نه لحظه‌ای تأخیر دارند و نه پیشی می‌گیرند. (۵۰) بگو: آیا اندیشیده‌اید، اگر عذاب خداوند شب یا روز به سراغ شما آید (چه می‌کنید؟) گناهکاران چه چیزی را از او به شتاب می‌خواهند (که می‌گویند: «متی هذا الوعد» عذاب خدا چه وقت است). (۵۱) آیا پس از آنکه (عذاب) نازل شد، به آن ایمان می‌آورید؟ حالا؟ در حالی که بیشتر خواستار زود آمدن عذاب

بودید؟ (۵۲) سپس به ستمگران گفته شود: عذاب همیشگی را بچشید. آیا جز به آنچه به دست آورده‌اید، کیفر داده می‌شوید؟ (۵۳) و از تو خبر می‌گیرند که آیا آن (وعده‌ی مجازات الهی) حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم که آن حتمی است و شما نمی‌توانید (خدا را از انجام آن) عاجز کنید. (۵۴) اگر برای هر کس که ستم کرده، آنچه در زمین است می‌بود، قطعاً همه‌ی آن را (برای نجات از قهر الهی و باز خرید خود) می‌داد. آنان با دیدن عذاب، پشیمانی خود را پنهان می‌کنند (تا شماتت نشوند) و میانشان به عدالت داوری می‌شود و بر آنان ستم نرود. (۵۵) آگاه باشید! آنچه در آسمان‌ها و زمین است، قطعاً از آن خداست. آگاه باشید که وعده‌ی خدا حتمی و راست است، لیکن بیشترشان نمی‌دانند. (۵۶) اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۵۷) ای مردم! همانا از سوی پروردگارتان پند و اندرز برای شما آمد که مایه‌ی شفا برای آنچه در سینه‌های شماست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است. (۵۸) بگو: (مؤمنان) تنها به فضل و رحمت خداوند شاد شوند، (نه به مال و مقام)، که آن بهتر از هر چیزی است که می‌اندوزند. (۵۹) بگو: آیا دیدید هر رزقی که خداوند برای شما نازل کرده است، (از پیش خود) بعضی را حرام و بعضی را حلال قرار دادید؟ بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده یا بر خداوند دروغ می‌بندید؟ (۶۰) کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، (درباره‌ی مجازات) روز قیامت چه گمانی دارند؟ همانا خداوند دارای بخشش و احسان بر مردم است، ولی بیشترشان سپاسگزاری نمی‌کنند. (۶۱) و (تو) در هیچ حال (و اندیشه‌ای) نیستی و هیچ بخشی از قرآن را نمی‌خوانی و (شما مردم) هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر آنکه آنگاه که وارد آن (کار) می‌شوید، ما بر شما گواهییم و چیزی به وزن ذره‌ای، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگارت پوشیده نیست و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر نیست، جز آنکه در کتاب روشن ثبت است. (۶۲) آگاه باشید که قطعاً بر اولیای خدا، نه ترسی است و نه اندوهگین می‌شوند. (۶۳) آنان که ایمان آورده‌اند و شیوه‌ی آنان پرہیزکاری است. (۶۴) برای آنان (اولیای خدا) در زندگی دنیا و آخرت بشارت است. تبدیل و تغییری در سخنان (و وعده‌های) الهی نیست و آن همان رستگاری بزرگ است. (۶۵) گفتار مخالفان، تو را غمگین نسازد. زیرا عزت، به تمامی از آن خداوند است و او شنوا و داناست. (۶۶) آگاه باشید! همانا هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است، از آن خداست و کسانی که به جای خداوند شریکانی را می‌خوانند، (از آنها نیز) پیروی نمی‌کنند، بلکه جز گمان خود چیز دیگری را پیروی نمی‌کنند و آنان جز دروغگویانی بیش نیستند. (۶۷) اوست کسی که شب را برای شما قرار داد تا در آن آرامش یابید و روز را روشنی بخش گردانید (تا به کار پردازید). یقیناً در این (نظام حکیمانه و هدفدار)، نشانه‌هایی برای گروهی است که می‌شوند. (۶۸) (مشرکان) گفتند: خداوند فرزندی گرفته است، او منزّه است، او بی‌نیاز است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست. هیچ دلیلی نزد شما بر این گفتار نیست. آیا آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟ (۶۹) بگو: همانا کسانی که بر خداوند دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند. (۷۰) بهره‌ای اندک در دنیا دارند، سپس بازگشت آنان به سوی ماست، آنگاه به سزای کفرشان، عذاب سخت به آنان می‌چشانیم. (۷۱) و بر آنان سرگذشت نوح را بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر ماندن و موقعیت من (در میان شما) و یادآوری‌ام نسبت به آیات خداوند بر شما سنگین و تحمل ناپذیر است، پس (بدانید که) من تنها بر خداوند توکل کرده‌ام (و از چیزی هراس ندارم) پس شما و شریک انتان فکرتان را جمع کنید تا چیزی از کارتان بر شما پوشیده نماند، سپس در باره‌ی من تصمیم بگیرید و مهلتم ندهید! (۷۲) پس اگر (به دعوت الهی) پشت کردید، من از شما اجرتی نخواسته‌ام. پاداش من تنها بر خداست و من مأمورم که تسلیم فرمان او باشم. (۷۳) پس او (نوح) را تکذیب کردند، آنگاه ما او و کسانی که در کشتی همراه او بودند را نجات دادیم و آنان را جانشین (در زمین) قرار دادیم و همه‌ی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق ساختیم. پس بنگر که پایان کار هشدار داده شدگان چگونه بود! (۷۴) آنگاه پیامبرانی را پس از نوح به سوی قومشان فرستادیم، پس آنان معجزات و دلایل روشن را برای مردم آوردند، ولی مردم بر آن نبودند که به آنچه قبلاً تکذیبش کرده بودند ایمان بیاورند. ما این گونه بر دلهای متجاوزین مہر می‌زنیم. (۷۵) سپس بعد از آنان، موسی و هارون را همراه با معجزات خویش، به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم، اما آنان که گروهی تبه‌کار بودند،

استکبار ورزیدند (و دعوت پیامبران را نپذیرفتند). (۷۶) پس هنگامی که از جانب ما حق به سراغشان آمد، گفتند: قطعاً این یک جادوی آشکار است. (۷۷) موسی (به آنان) گفت: آیا چون حق به سراغ شما آمد، (به آن سحر و جادو می گوید و می پرسید): آیا این سحر است؟ در حالی که جادوگران هرگز رستگار نمی شوند. (۷۸) گفتند: (ای موسی!) آیا آمده‌ای تا ما را از راهی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، برگردانی تا بزرگی و حکومت در زمین برای شما دو نفر (موسی و هارون) باشد؟ و (لی) ما به شما دو نفر ایمان آور نیستیم. (۷۹) و فرعون گفت: هر جادوگر کاردانی را نزد من آورید. (۸۰) پس چون جادوگران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنان گفت: بیفکنید آنچه را (از وسایل جادوگری که می توانید) بیفکنید. (۸۱) پس چون (ساحران، ابزار سحر خود را) افکندند، موسی گفت: آنچه را شما آورده‌اید جادوست، خداوند به زودی آن را باطل خواهد کرد. چرا که خداوند کار مفسدان را اصلاح نمی کند. (۸۲) و خداوند، حق را با کلمات و قدرت و سنت‌های خویش (و وعده‌ای که داده) تثبیت می کند، هر چند مجرمان از آن ناخشنود شوند! (۸۳) (در آغاز) جز گروهی اندک از فرزندان قوم موسی به او ایمان نیاوردند، در حالی که از فرعون و اشرافیان آنان ترس داشتند، ترس اینکه آنان را شکنجه کنند، زیرا که فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسراف کاران بود. (۸۴) و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خداوند ایمان آورده‌اید و تسلیم او هستید، پس فقط بر او توکل کنید. (۸۵) پس آنان گفتند: تنها بر خداوند توکل کرده‌ایم، پروردگارا! ما را گرفتار سختی‌ها و آزمایش ستمگران قرار مده. (۸۶) و ما را به رحمت خویش، از شر قوم کافر رهایی بخش. (۸۷) و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه‌هایی آماده کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست). (۸۸) و موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و بزرگان قومش در زندگی دنیا زینت و اموال بسیار داده‌ای، پروردگارا تا (به وسیله آنها)، مردم را از راه تو گمراه سازند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل‌هایشان را سخت، زیرا که آنان تا عذاب دردناک را نبینند، ایمان نخواهند آورد. (۸۹) (خداوند) فرمود: دعای شما دو تن مستجاب شد، پس ایستادگی کنید و از شیوه نادانان پیروی نکنید. (۹۰) و ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. در حالی که فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال می کردند تا چون غرقاب فرعون را فراگرفت گفت: ایمان آوردم که معبودی نیست جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند و من از تسلیم شده گانم. (۹۱) آیا اکنون؟! (در آستانه‌ی مرگ توبه می کنی؟) در حالی که پیشتر نافرمانی می کردی و از تبه کاران بودی؟ (۹۲) پس امروز جسد تو را (از متلاشی شدن و کام حیوانات دریایی) نجات می دهیم تا عبرتی برای آیندگان باشی. یقیناً بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند! (۹۳) و ما بنی اسرائیل را در جایگاه شایسته‌ای جا دادیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم، ولی آنان (با دیدن آن همه معجزات) اختلاف نکردند، مگر پس از علم و آگاهی (به حقایق موسی). همانا پروردگارت، روز قیامت در آنچه که در آن اختلاف می کردند، میان آنان داوری می کند. (۹۴) پس اگر در آنچه بر تو نازل کردیم شک داری، از آن کسانی که کتاب آسمانی پیش از تو را می خوانند بپرس. یقیناً حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمده است، پس از شک آوران مباش. (۹۵) و هرگز از کسانی که آیات الهی را تکذیب کردند، مباش که از زیانکاران خواهی بود. (۹۶) همانا کسانی که فرمان پروردگارت علیه آنان (به جرم اعمالشان) تحقق یافته، ایمان نمی آورند. (۹۷) و اگرچه برای آنان هر گونه معجزه‌ای بیاید، تا آنکه عذاب دردناک الهی را ببینند (که ایمان آن هنگام، بی ثمر است). (۹۸) چرا اهل هیچ شهری (به موقع) ایمان نیاورد که (ایمانش به او) سود بخشد؟ مگر قوم یونس (که وقتی در آخرین لحظه ایمان آوردند)، ما عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا مدتی بهره‌مندشان ساختیم. (۹۹) و اگر پروردگارت می خواست، (به اجبار) همه‌ی مردم روی زمین یکجا ایمان می آوردند. (اکنون که سنت خدا بر ایمان اختیاری مردم است)، پس آیا تو مردم را مجبور می کنی تا ایمان آورند؟! (۱۰۰) در حالی که هیچ کس جز به اذن و اراده‌ی الهی توفیق ایمان ندارد و خداوند پلیدی (تردید و کفر) را بر کسانی که نمی اندیشند مقرر می دارد. (۱۰۱) بگو: (به دیده‌ی عبرت) بنگرید که در آسمان‌ها و زمین چیست؟ آیا نشانه‌ها و هشدارها برای کسانی که ایمان

نمی‌آورند سودی ندارد. (۱۰۲) پس آیا (کسانی که در برابر آن همه آیات و انبیای الهی سرپیچی می‌کنند)، انتظار چیزی جز نظیر روزگار (پر نکبت و ذلت) پیشینیان را دارند؟ بگو: در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم (تا همان بلائی که بر سر آنها آمد، بر سر شما نیز بیاید). (۱۰۳) (به هنگام نزول بلا و مجازات)، پیامبران و مؤمنان را نجات می‌دهیم. این گونه بر ما حق است که مؤمنان (به تو را نیز) رهائی بخشیم. (۱۰۴) بگو: ای مردم! اگر از (درستی) دین من در شک و تردیدید، پس (بدانید که من) کسانی را که شما به جای خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم، بلکه خدایی را می‌پرستم که جان شما را (در وقت مرگ) می‌گیرد و مأمورم که از مؤمنان باشم. (۱۰۵) و (به من فرمان داده شده که) به آئینی خالی از هرگونه شرک، روی آور و هرگز از مشرکان مباش. (۱۰۶) و غیر از خداوند، چیزی را که نه سودی برای تو دارد، نه زبانی، نخوان. پس اگر چنین کنی، همانا تو از ستمگران (مشرک) خواهی بود. (۱۰۷) و اگر خداوند (برای آزمایش یا هدف دیگر بخواهد) زبانی به تو برساند، جز خود او کسی توان برطرف کردن آن را ندارد و اگر برای تو خیری بخواهد، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. خیر را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند و او بس آمرزنده و مهربان است. (۱۰۸) بگو: ای مردم! اینک حق از سوی پروردگارتان به سراغ شما آمده است. پس هر کس هدایت یابد، یقیناً به سود خویش هدایت می‌یابد و هر کس گمراه شود، تنها به زیان خویش گمراه می‌شود و من بر (ایمان آوردن) شما وکیل نیستم (تا به اجبار شما را به راه حق درآورم). (۱۰۹) و (تنها) آنچه را بر تو وحی می‌شود پیروی کن و پایدار باش تا آنکه خداوند داوری کند و او بهترین داوران است. (۱۱۰)

هود

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف لام را، (قرآن) کتابی است که آیات آن استوار گشته، آنگاه از جانب حکیمی آگاه، شرح و تفصیل داده شده است. (۲) که جز خداوند یکتا را نپرستید، همانا از طرف او برای شما هشدار دهنده و بشارت دهنده هستم. (۳) و از پروردگارتان طلب مغفرت کنید و بسوی او بازگردید تا شما را به بهره‌ای نیکو تا مدتی معین (که عمر دارید) کامیاب کند و به هر بافضیلتی فزونی بخشد و اگر (از بندگی خدا) روی بگردانید، همانا من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. (۴) بازگشت شما به سوی خداست و او بر هر چیزی تواناست. (۵) بدانید که مخالفان برای آنکه خود را از پیامبر پنهان دارند، سر و سینه‌های خود را به هم نزدیک می‌کنند و لباس‌های خویش را بر سر می‌کشند (تا شناخته نشوند، غافل از آنکه) خداوند تمام کارهای سرّی و آشکار آنان را می‌داند. همانا او به اسرار درون سینه‌ها آگاه است. (۶) و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر آنکه روزی او بر خداست و او قرارگاه دائمی و جایگاه موقت او را می‌داند. همه در کتاب آشکاری ثبت است. (۷) او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوران) آفرید و عرش (حکومت) او بر آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکو کارترید و اگر بگویید که شما پس از مرگ زنده خواهید شد، همانا کفار خواهند گفت: این نیست مگر سحری آشکار. (۸) و هرگاه عذاب را تا مدت محدودی از آنان به تأخیر بیندازیم، (به مسخره) می‌گویند: چه عاملی جلوی عذاب ما را گرفت؟ بدانید روزی که قهر و عذاب ما به سراغشان بیاید، از ایشان بازگشتی نیست و آنچه بدان مسخره می‌کردند، آنان را فراخواهد گرفت. (۹) و اگر به انسان از جانب خود نعمتی بچشانیم، سپس آن را از او بازپس گیریم، همانا او نومید و ناسپاس خواهد بود. (۱۰) و اگر پس از سختی و محنتی که به انسان رسیده، نعمتی به او بچشانیم (چنان مغرور می‌شود که) می‌گوید: همانا گرفتاری‌ها از من دور شد (و دیگر به سراغم نخواهد آمد)، بی‌گمان او شادمان و فخر فروش است. (۱۱) مگر کسانی که (در سایه‌ی ایمان واقعی)، اهل صبر و عمل صالح هستند، (نه با رفتن نعمت مایوس و نه با آمدن آن فخر فروشی نمی‌کنند). برای آنان مغفرت و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۲) پس شاید تو (به خاطر عدم پذیرش مردم، ابلاغ) بعضی از آنچه را که به تو وحی می‌شود واگذاری و (شاید) سینه‌ات به خاطر آن (حرفها) که می‌گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده، یا فرشته‌ای با او نیامده، تنگ شده باشد. (مبادا چنین باشد، که) تو فقط هشدار دهنده‌ای و خداوند بر هر چیزی ناظر و

نگهبان است. (۱۳) یا اینکه می‌گویند: (او) قرآن را از پیش خود بافته و ساخته است! بگو: اگر راست می‌گویند، شما هم ده سوره مثل این از پیش خود ساخته‌ها، بیاورید و (برای این کار) هر کس از غیر خدا را که می‌خواهید (نیز به کمک) دعوت کنید. (۱۴) پس اگر از عهده‌ی اجابت (درخواست) شما برنیامدند، بدانید آنچه که نازل شده، به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست، پس آیا (در این صورت) تسلیم می‌شوید؟! (۱۵) کسانی که زندگانی دنیا و زیبایی‌های آن را بخواهند، ما در همین دنیا (نتیجه‌ی) اعمالشان را بطور کامل می‌دهیم، و در آن هیچ کم و کاستی نخواهد بود. (۱۶) (اما) آنان کسانی هستند که در قیامت، جز آتش چیزی ندارند و آنچه در دنیا ساخته‌اند بر باد رفته، و اعمالی که انجام می‌دهند باطل و بی‌اثر خواهد بود. (۱۷) آیا آن کس که (همچون پیامبر اسلام) دلیل روشنی (مثل قرآن) از طرف پروردگارش دارد و بدنبال او شاهده‌ی از اوست، و پیش از او (نیز) کتاب موسی (که) رهبر و رحمت بوده است (بر آمدن او بشارت داده، مانند کسی است که این خصوصیات را نداشته باشد؟)، آنان (کسانی که حق جو هستند) به او ایمان می‌آورند، و هر کس از احزاب (و گروه‌های مختلف) که به او کافر شود، وعده‌گاهش آتش است. پس، از آن در تردید مباش (که) قطعاً آن (وحی، کلام) حقی است (که) از پروردگارت (نازل شده)، اگر چه اکثر مردم ایمان نیاورند. (۱۸) و کیست ستمکارتر از آنکه بر خداوند دروغ می‌بندد؟ آنان (در قیامت) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند و شاهدان (آن روز انبیا و فرشتگان) خواهند گفت: اینها همان کسانی هستند که بر پروردگارشان دروغ بستند. بدانید، لعنت خدا بر ستمگران باد. (۱۹) کسانی که (مردم را) از راه خدا بازمی‌دارند و می‌کشند تا آن را کج جلوه دهند، در حالی که آنها خودشان به آخرت کافرند. (۲۰) آنها در زمین عاجزکننده نیستند (و نمی‌توانند بر مقدرات شومی که برای خود رقم زده‌اند، غلبه کرده و از خطر فرار کنند). و در برابر خداوند هیچ یآوری ندارند. عذاب خدا نسبت به آنها مضاعف است. (چرا که هم خود گمراه بودند و هم دیگران را با بستن راه خدا یا کج نشان دادن آن به گمراهی کشاندند)، آنان (از شدت لجاجت و عناد)، توان شنیدن (حق) را ندارند و (آن را) نمی‌بینند. (۲۱) آنها کسانی هستند که (سرمایه‌ی وجود و عمر) خویش را از دست داده و از آنچه به دروغ می‌ساختند (نیز) بازمانده‌اند. (۲۲) به ناچار آنان در قیامت، زیانکارترین افرادند. (۲۳) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و در برابر پروردگارشان فروتن باشند، آنان اهل بهشتند و برای همیشه در آنجا خواهند ماند. (۲۴) مثل دو گروه (کافران و مؤمنان)، همچون «نابینا و ناشنوا» و «بینا و شنوا» است، آیا این دو گروه در مثل یکسانند؟ پس چرا پند نمی‌گیرید؟ (۲۵) و همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، (او به مردم گفت: من برای شما هشدار دهنده‌ی روشنی هستم. (۲۶) دعوت من این است) که جز خداوند را نپرستید، که همانا من از عذاب روزی دردناک بر شما می‌ترسم. (۲۷) پس سران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز انسانی مثل خودمان نمی‌بینیم و جز اراذل و اوباش که ساده‌لوحند (و نسنجیده در نگاه اول یار تو گشته‌اند)، کس دیگری را پیرو تو نمی‌یابیم، و برای شما هیچ برتری بر خودمان نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگومی‌پنداریم. (۲۸) (نوح به قوم خود) گفت: آیا اگر ببینید که من بر دلیل روشنی از طرف پروردگارم باشم و او از نزد خودش، رحمت (ویژه‌ی نبوت) را به من داده باشد که بر شما مخفی مانده است، (آیا باز هم سرپیچی می‌کنید؟) آیا شما را به پذیرش آن وادار کنیم، در حالی که نسبت به آن کراهت دارید؟ (۲۹) (نوح ادامه داد که) ای قوم من! از شما در برابر این دعوت، اجرتی درخواست نمی‌کنم، پاداش من تنها بر خداست و من کسانی را که ایمان آورده‌اند (به خاطر خواست نابجای شما) طرد نمی‌کنم، (چرا که) آنان پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد (و از من شکایت خواهند نمود)، ولی من شما را قوم جاهلی می‌بینم. (۳۰) (نوح در جواب تقاضای طرد مؤمنان تهی دست و گمنام گفت: ای مردم! اگر من آنان را (از خود) برانم، چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد؟ چرا اندیشه نمی‌کنید؟) (۳۱) (نوح گفت: من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های الهی نزد من است و نه (می‌گویم که از پیش خود) غیب می‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و نمی‌گویم آن کسانی که در پیش چشم شما خوارند، خداوند هرگز به آنان خیری نخواهد رساند، (بلکه) خداوند به آنچه در دل آنهاست آگاه‌تر است. (اگر چیزی جز این بگویم، قطعاً از ستمکاران خواهم بود. (۳۲) (مخالفتان) گفتند: ای نوح! تو واقعاً با

ما جدال و جَزّ و بحث زیادی نمودی، (اکنون دیگر بس است) اگر راست می‌گویی، آنچه را (از عذاب الهی) که به ما وعده می‌دهی بر سر ما بیاور!؟ (۳۳) (نوح گفت): همانا اگر خداوند اراده کند، آن را بر سر شما خواهد آورد و شما قدرت خنثی کردن (و مقاومت در برابر) آن را نخواهید داشت. (۳۴) و اگر خداوند بخواهد شما را (به خاطر عدم لیاقت) گمراه سازد، (دیگر) نصیحت من به حال شما سودی نخواهد داشت، هر چند بخواهم برای شما خیرخواهی کنم. او پروردگار شماست و (شما) بسوی او بازخواهید گشت. (۳۵) بلکه (مشرکان) می‌گویند: او (نوح یا محمد)، آن (سخنان) را بر خداوند افترا بسته است. بگو: اگر من چیزی را به دروغ به خداوند نسبت داده‌ام، پس کیفرش بر عهده‌ی خودم خواهد بود و من از جرم شما (که گناهی را به من نسبت می‌دهید) بیزارم. (۳۶) (و از جانب ما) به نوح وحی گردید که جز (همان) کسانی که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، (افراد دیگر) از قوم تو هرگز ایمان نمی‌آورند، پس از کارهایی که می‌کنند غمگین مباش. (۳۷) و (اکنون) زیر نظر ما و طبق دستور و الهام ما کشتی بساز و درباره‌ی کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگویی که آنان غرق شدند هستند. (۳۸) و نوح (به فرمان الهی) مشغول ساختن کشتی شد. (اما) هر زمان که اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند. (او) گفت: اگر شما ما را مسخره کنید، ما (نیز) قطعاً همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد. (۳۹) پس بزودی خواهید دانست که مجازاتِ خوارکننده به سراغ چه کسی خواهد آمد و عذاب جاودانه دامن چه کسی را خواهد گرفت. (۴۰) (کفر و استهزا ادامه داشت) تا زمانی که قهر ما آمد و تنور فوران کرد. ما (به نوح) گفتیم که از هر زوج (حیوان و موجود زنده) یک جفت (نر و ماده) در آن (کشتی) سوار کن، و (همچنین) خانواده‌ی خودت را، جز (همسر و یکی از فرزندان و) کسانی که قبلاً در مورد آنها قول (عذاب) داده شده بود. و (نیز سوار کن) افرادی را که ایمان آورده‌اند، (امّا) جز گروه کمی، کسی همراه او ایمان نیاورده بود. (۴۱) و (نوح به مسافران کشتی) گفت: بر آن سوار شوید که حرکت و توقفش با نام خداست. همانا پروردگار من آمرزنده و مهربان است. (۴۲) و آن (کشتی) آنها را از لابلای امواجی همچون کوه پیش می‌برد. (در این هنگام) نوح، فرزندش را که در گوشه‌ای قرار داشت صدا زد (و گفت): ای پسر من! (ایمان بیاور و) با ما سوار شو و با کافران مباش. (۴۳) (پسر نوح) گفت: بزودی به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند. (نوح) گفت: امروز جز (برای افراد مؤمن) و کسانی که مورد رحم قرار گرفته‌اند، هیچ حافظ (و پناهگاهی) در مقابل قهر الهی نیست. (در این هنگام) موجی میان آن دو جدایی انداخت و او (پسر نوح) غرق گردید. (۴۴) و (بعد از آنکه طوفان و آب همه جا را فرا گرفت) گفته شد: ای زمین! آبت را فرو بر، و ای آسمان! (از باریدن) بایست. (بدین ترتیب) آب فرو نشست و کار (قهر الهی) پایان پذیرفت و (کشتی) بر دامنه کوه) جودی پهلو گرفت و (در این هنگام) گفته شد که (رحمت خدا از) قومس تمگر دور باد! (۴۵) پس نوح پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! همانا پسر من از خاندان من است و البته وعده‌ی تو (درباره‌ی نجات خاندانم)، حق است و تو بهترین داورانی. (۴۶) (خداوند در پاسخ) فرمود: ای نوح! او (در واقع) از خاندان تو (و نبوت) نیست، او (دارای) عمل ناشایستی است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من مخواه، همانا من تو را موعظه می‌کنم که (مبادا) از جاهلان باشی. (۴۷) (نوح) گفت: پروردگارا! به تو پناه می‌برم از اینکه چیزی را که به (خیر و شر) آن آگاهی ندارم، از تو درخواست کنم و اگر تو (این خواسته را) بر من نبخشایی و بر من ترحم ننمایی، از زیانکاران خواهم بود. (۴۸) به نوح خطاب شد: (اینک) با سلامی از جانب ما و برکاتی بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو هستند، فرود آی، و بزودی امت‌هایی (از نسل همین نجات یافتگان) را از نعمت‌ها برخوردار خواهیم ساخت، (امّا) سپس (به خاطر غفلت و کفر و گناه)، عذابی دردناک از طرف ما به آنان خواهد رسید. (۴۹) (ای پیامبر!) اینها از اخبار غیبی است که ما آنها را به تو وحی می‌کنیم (و) پیش از این نه تو و نه قوم تو از آنها خبری نداشتید، پس (تو نیز مانند نوح) صبر کن که همانا عاقبت (پیروزی)، برای متقین است. (۵۰) و به سوی قوم عاد، برادرشان هود (را فرستادیم، او به مردم) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. (شما در پرستش بت‌ها به خطا می‌روید و) شما جز اهل افترا و تهمت نیستید. (۵۱) (هود گفت): ای قوم من! من از شما در برابر رسالتم پاداشی درخواست نمی‌کنم، پاداش من نیست مگر بر

عهدی آن کس که مرا آفریده است، پس آیا تعقل نمی کنید؟! (۵۲) و (هود ادامه داد) ای قوم من! از پروردگارتان طلب آموزش کنید، سپس به سوی او باز گردید و توبه نمایید تا او از آسمان پی در پی بر شما باران بفرستد، (چنانکه گویی همه‌ی آسمان در حال ریزش است) و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و (از راه حق) به خاطر گناه اعراض نکنید و روی برنمایید. (۵۳) (مشرکان) گفتند: ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده‌ای و ما به خاطر سخنان تو، از خدایانمان دست برنمی داریم و ما از ایمان آوردگان به تو نیستیم. (۵۴) (ما حرفی نداریم) مگر اینکه می گوییم: بعضی از خدایان ما به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده‌اند، زیرا مورد خشم بت‌ها قرار گرفته‌ای. هود) گفت: همانا من خدا را به شهادت می طلبم و شما (نیز) شاهد باشید که من از آنچه شریک (خدا) قرار می دهید بیزارم. (۵۵) از هر چه غیر اوست (و شما آن را می پرستید تیرئه می جویم)، پس همگی بر علیه من توطئه کنید و مرا مهلت ندهید، (تا معلوم شود که نه از شما و نه از بت‌هایتان هیچ کاری ساخته نیست). (۵۶) همانا من بر خداوندی که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام، (زیرا) هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر آنکه او مهارش را گرفته (و بر او تسلط دارد، امّا سلطه‌ای عادلانه و حق جویانه) بدرستی که پروردگار من بر صراط مستقیم است. (۵۷) پس اگر شما (از دعوت) روی برگردانید، پس برآستی که من آنچه را که به خاطر آن به سوی شما (مأمور و) فرستاده شده‌ام، به شما رسانده‌ام و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما خواهد کرد، و شما هیچ ضرری به او نمی‌رسانید. همانا پروردگارم بر هر چیزی نگهبان است. (۵۸) و زمانی که فرمان (قهر) ما آمد، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و از عذاب سخت رهایشان ساختیم. (۵۹) و آن قوم عاد، آیات پروردگارشان را منکر شدند و پیامبران او را نافرمانی کرده و از فرمان هر ستمگر لجوجی پیروی نمودند. (۶۰) و (سر انجام) در این دنیا و در روز قیامت، لعنت (و قهر الهی) در پی ایشان شد. بدانید که قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. آگاه باشید که بر عاد، قوم (حضرت) هود لعنت باد. (۶۱) و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح (را فرستادیم) او گفت: ای قوم من! خدای یگانه را پرستید که جز او معبود دیگری برای شما نیست. اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست تا در آن آبادی کنید، پس، از او آموزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، همانا پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است. (۶۲) (قوم ثمود) گفتند: ای صالح! تو برآستی قبل از این در میان ما مایه‌ی امید بودی، آیا (اینک) تو ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند نهی می کنی؟ همانا که ما نسبت به آنچه ما را به آن می خوانی در شکی هستیم که ما را به توبه گمان کرده است. (۶۳) (صالح) گفت: ای قوم من! آیا نظر شما این است که اگر من از طرف پروردگارم معجزه داشته باشم و از جانب او مشمول رحمت شده باشم، (لب فروبندم و تبلیغ نکنم؟) پس اگر من خدا را معصیت کنم (و رسالت الهی را انجام ندهم)، چه کسی مرا در برابر (قهر) او یاری خواهد کرد؟ پس شما جز خسارت و زیان چیزی به من نمی‌افزایید. (۶۴) و (صالح در بیان معجزه‌ی خود گفت: ای قوم من! این شتر ماده (که به اراده‌ی) خداوند (آفریده شده) معجزه‌ای برای شماست، پس او را آزاد بگذارید تا در زمین خدا (چرا کند و از مراتع و علف‌های آن) بخورد، و آزاری به او نرسانید که بزودی عذاب (الهی) شما را فرا خواهد گرفت. (۶۵) پس (علی‌رغم آن همه سفارشات و تهدیدات، قوم ثمود) شتر را پی کردند (و دست و پایش را بریدند)، پس (صالح) گفت: (برای مدّت) سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مند باشید (که بعد از آن عذاب الهی فرا خواهد رسید)، این وعده‌ای است راست و حقیقی. (۶۶) چون (پس از گذشت سه روز،) فرمان (قهر) ما آمد، صالح و کسانی را که به همراه او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از عذاب) نجات دادیم و از خواری آن روز (رهایی) بخشیدیم. ای رسول ما! همانا پروردگارت، همان توانای شکست‌ناپذیر است. (۶۷) و ستمگران را صیحه‌ای (آسمانی) فرا گرفت، پس در خانه‌هایشان به روی در افتادند (و مردند). (۶۸) آنچنان (قوم ثمود در اثر این صیحه و زلزله نابود شدند) که گویی هرگز در آنجا ساکن نبوده‌اند، بدانید که همانا ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند. بدانید که ثمود (از رحمت الهی) دور باد. (۶۹) و همانا فرستادگان ما (که فرشتگانی به صورت انسان بودند)، ابراهیم را مژده آورده گفتند: سلام، (ابراهیم نیز) گفت: سلام. پس زمانی نگذشت که گوساله‌ی بریانی را (برای پذیرایی) نزد آنان آورد. (۷۰) پس چون (ابراهیم) دید که دست آنان به سمت غذا دراز

نمی‌شود (و از آن نمی‌خورند)، نسبت به آنان ناخشنود شد و ترسی از آنان در دل او افتاد (که شاید غذا نمی‌خورند تا نمک گیر نشوند و بتوانند براحتی سوء قصد خود را انجام دهند)، اما میهمانان گفتند: مترس، همانا ما برای (قلع و قمع) قوم لوط فرستاده شده‌ایم. (۷۱) و همسر ابراهیم ایستاده بود، پس (چون گفتگوها را شنید)، خندید، ما او را به (فرزندی به نام) اسحاق و پس از اسحاق، (فرزندی به نام) یعقوب بشارت دادیم. (۷۲) (همسر ابراهیم) گفت: ای وای بر من! آیا دارای فرزند می‌شوم در حالی که من پیرزنم و این شوهرم پیرمرد؟ برآستی که این چیز عجیبی است! (۷۳) (فرشتگان به همسر ابراهیم) گفتند: آیا از کار خداوند تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات الهی بر شما اهل خانه (و خاندان رسالت) نازل باد، همانا او (پروردگاری) ستوده و بزرگوار است. (۷۴) پس چون ترس و وحشت از ابراهیم برطرف شد و بشارت (فرزند نیز) برای او آمد، درباره‌ی قوم لوط با ما به (گفتگو و) مجادله پرداخت (تا شاید در مورد آنان شفاعت کند). (۷۵) بدرستی که ابراهیم، بردبار و صاحب آه و ناله و اهل توبه و انابه بود. (۷۶) (اما از آنجا که فرمان قهر الهی در مورد قوم لوط حتمی بود، لذا فرشتگان در پاسخ به تقاضای شفاعت و تأخیر در عذاب به او گفتند:) ای ابراهیم! از این (تقاضا) صرف نظر کن، که به تحقیق فرمان قهر پروردگارت صادر شده و قطعاً عذاب غیر قابل برگشت به سراغ آنها خواهد آمد. (۷۷) و هنگامی که فرستادگان ما، (فرشتگان مأمور عذاب)، به سراغ لوط آمدند، درباره‌ی آمدن آنان غمگین شد و برای حفظ آنها (از آزار این قوم شرور)، به تنگ آمد، (با خود) گفت: امروز، روز سختی است! (۷۸) و قوم لوط، که سابقه‌ی کارهای بد داشتند، به سرعت به سراغ او آمدند. (حضرت لوط، برای جلوگیری از تعرض مردم به فرشتگان، با اشاره به دختران خود، به آنان) گفت: ای قوم من! اینها دختران منند، (که می‌توانید با آنان ازدواج کنید. اگر قصدی دارید) آنها برای شما پاک‌ترند، پس از خدا پروا کنید (و دست به گناه نزنید) و مرا در پیش میهمانانم رسوا مسازید، آیا در (میان) شما یک نفر رشید (جوانمرد) وجود ندارد؟ (که بجای گناه ازدواج را بپذیرد؟) (۷۹) (قوم لوط) گفتند: تو خود می‌دانی که برای ما هیچ حقی نسبت به دختران تو نیست (و ما رغبتی به ازدواج نداریم)، خودت خوب می‌دانی که ما چه می‌خواهیم. (۸۰) (حضرت لوط) گفت: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم و یا به تکیه‌گاه محکمی پناه می‌بردم! (۸۱) (وقتی کار به اینجا رسید، میهمانان) گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار تو هستیم، (درباره‌ی ما نگران مباش، زیرا) آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نخواهند کرد. پس پاسی از شب گذشته، خانواده‌ات را (از این سرزمین) بیرون ببر و (مراقب باش تا) هیچ کس از شما (به پشت سرش) متوجه نشود. ولی همسرت (را با خود همراه مبر، زیرا) آن بلایی که به همه می‌رسد به او (نیز) خواهد رسید. همانا وقت (نابودی) آنان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟! (۸۲) پس هنگامی که فرمان (قهر) ما آمد، آن سرزمین را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ‌هایی از گل‌های لایه لایه بر آنها فرو ریختیم، (۸۳) (سنگ‌هایی که) نزد پروردگارت نشاندار بودند، و این (کیفر سنگباران) از (سایر) ستمگران (و فاسدانی که در خط قوم لوط باشند)، دور نیست. (۸۴) و به سوی (منطقه و مردم) مدین، برادرشان شعیب (را فرستادیم، او) گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید (که) جز او خدای دیگری برای شما نیست، و پیمان‌ه و ترازو را (در هنگام خرید و فروش) کم نگذارید، همانا (در این صورت) من شما را به خیر (و صلاح) می‌بینم و برآستی که من از عذاب روز (قیامتی که) فراگیر (است)، بر شما می‌ترسم. (۸۵) و (حضرت شعیب تأکید کرد که) ای قوم من! پیمان‌ه و ترازو را با انصاف و عدل پر کنید (و تمام دهید) و (از) اشیا (و اجناس و حقوق) مردم (چیزی) را نگاهید و فسادکنان، در زمین تباهی مکنید. (۸۶) (مال و سرمایه‌ی حلالی که) خداوند (برای شما) باقی گذارده (از مال و ثروتی که در اثر کم‌فروشی بدست می‌آورد) برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید، و من نگهبان شما (بر حفظ ایمانتان و پذیرش این راه) نیستم. (۸۷) (اما مردم مدین در جواب) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ (و) یا اینکه (نتوانیم) آن گونه که خود می‌خواهیم، در اموالمان تصرف کنیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! (این چه توقعی است که از ما داری؟) (۸۸) (شعیب) گفت: ای قوم من! آیا اندیشیده‌اید که اگر من دلیل روشنی از طرف پروردگارم داشته باشم و او مرا رزق نیکویی (مثل نبوت) از سوی خود عطا کرده

باشد، (چگونه می توانم مخالفت او کنم؟) و من نمی خواهم نسبت به آنچه شما را از آن نهی می کنم، خود مخالفت کنم (و مرتکب آن شوم). من به جز اصلاح به مقدار توانم، خواسته‌ی دیگری ندارم و جز به لطف خداوند، توفیقی برای من نیست، (از این روی) بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازگشته‌ام. (۸۹) و (شعیب گفت: ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، شما را به کاری وادار نسازد که (عذابی) مثل آنچه به قوم نوح، یا قوم هود (و) یا قوم صالح رسید به شما هم برسد و (می دانید که ماجرای) قوم لوط (چندان) از شما دور نیست. (۹۰) (پس بیایید) و از پروردگارتان آمرزش بطلبید و به سوی او باز گردید. همانا پروردگار من، مهربان و دوستدار (توبه کنندگان) است. (۹۱) (کفار) گفتند: ای شعیب! ما بسیاری از سخنان تو را درک نمی کنیم و ما تو را در میان خود شخص ضعیفی می بینیم و اگر بستگان تو نبودند، هر آینه تو را سنگسار می کردیم و تو بر ما (هیچ) برتری و قدرت و عزتی نداری. (۹۲) (شعیب) گفت: ای قوم من! آیا قبیله‌ی من نزد شما از خداوند عزیزتر است (که) شما (فرمان) او را پشت سر انداخته‌اید، (آیا برای کسان و خویشان من حساب باز کرده‌اید؟) همانا پروردگار من به آنچه عمل می کنید احاطه دارد. (۹۳) و (شعیب گفت: ای قوم من! (پس) هر چه در توان دارید انجام دهید، من (نیز) کار خودم را خواهم کرد. بزودی خواهید دانست (که) عذاب خوارکننده به سراغ چه کسی خواهد آمد و چه کسی دروغگوست. شما در انتظار باشید، من (نیز) همراه شما منتظرم. (۹۴) و چون فرمان (قهر) ما آمد، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و (آنگاه) صیحه‌ی (آسمانی) ستمگران را فرو گرفت، پس در خانه‌هایشان به رو افتادند (و مردند). (۹۵) (کفار مدین آنچنان نابود شدند) که گویی هرگز در آن منطقه ساکن نبوده‌اند، آگاه باشید (لطف خدا) از مردم مدین دور باد، همان گونه (که) از قوم ثمود دور شد. (۹۶) و به تحقیق ما موسی را با معجزه و براهین روشن فرستادیم، (۹۷) به سوی فرعون و اشراف قومش (فرستادیم)، پس آنها (بجای پذیرفتن دعوت موسی)، از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که فرمان فرعون مایه‌ی رشد (و نجات) نبود. (۹۸) او (فرعون) در روز قیامت، پیشاپیش قومش حرکت می کند، پس آنها را وارد آتش می سازد و چه بد جایگاهی است که به آن وارد می شوند. (۹۹) و در این دنیا با لعنتی بدرقه شدند و روز قیامت نیز چنین خواهد بود. (و این) چه بد عطایی است که به آنان داده می شود. (۱۰۰) (ای پیامبر!) این (مطالب، گوشه‌ای) از اخبار آبادی‌ها و شهرهایی است که ما آن را برای تو بازگو می کنیم، (البته) بعضی از آنها (هنوز) پابرجا هستند، ولی بعضی دیگر ویران شده‌اند. (۱۰۱) و ما به آنان ظلم نکردیم، بلکه آنان خود بر خویشان ستم روا داشتند و چون قهر پروردگارت آمد، پس (آن) خدایانی که به جای «الله» می خواندند، سودی به حال آنان نبخشید و آنان را جز ضرر و هلاکت چیزی نیفزوند. (۱۰۲) و این چنین است مؤاخذه (و مجازات) پروردگارت، زمانی که شهرها و آبادی‌های ستمگر را (با قهر خود) می گیرد. همانا مؤاخذه‌ی او (سخت) دردناک و شدید است. (۱۰۳) البته در این (یادآوری‌ها)، نشانه (و عبرتی) است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد. همان روزی که مردم را در آن گرد می آورند و آن روزی که (همه آن‌را) مشاهده می کنند و برای همه نمایان و مشهود است (و تمام اعمال و روحيات هویدا می شود). (۱۰۴) و ما، آن (روز) را مگر برای مدت معدودی به تأخیر نمی اندازیم. (۱۰۵) روزی که (چون) بیاید، هیچ کس جز با اذن او حرفی نمی زند، پس (گروهی) از آنها بدبخت و سیه روز و (عده‌ای دیگر) خوشبخت و سعادتمندند. (۱۰۶) اما (آن) کسانی که بدبخت شده‌اند، پس در آتش (اند و در آنجا) ناله‌ای (زار) و خروشی (سخت) دارند. (۱۰۷) (و) تا آسمان‌ها و زمین پایدار است، در آن (آتش) جاودانند، مگر آنچه خداوند بخواهد، همانا پروردگارت هر چه را اراده کند، انجام می دهد. (۱۰۸) و اما کسانی که خوشبخت (و سعادتمند) شده‌اند، پس تا آسمان‌ها و زمین پابرجاست، در بهشت جاودانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد (این) عطایی قطع ناشدنی است. (۱۰۹) پس (ای پیامبر!) از آنچه این کفار می پرستند در شک و تردید مباش، (که) آنها عبادت نمی کنند مگر همان گونه که قبلاً پدرانشان (بت‌ها را) عبادت می کرده‌اند، و همانا ما نصیب آنها را به طور کامل و بی کم و کاست خواهیم پرداخت. (۱۱۰) و به تحقیق ما به موسی کتاب (تورات) دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر سنت پروردگارت (در مورد تأخیر عذاب کفار) از پیش مقرر نگشته بود، هر آینه (در همین

دنیا) میان آنان داوری و حکم می‌شد (و به کیفر می‌رسیدند) و همانا آنان درباره‌ی آن در شکی هستند که موجب بدگمانی آنان است. (۱۱۱) و قطعاً پروردگارت (جزای) تمام اعمال آنان را حتماً بطور کامل خواهد داد، همانا او به (تمام) آنچه (مردم) عمل می‌کنند، آگاه است. (۱۱۲) پس (ای پیامبر!) همان گونه که مأمور شده‌ای، استوار باش و (نیز) هر کس که با تو، به سوی خدا آمده است، و سرکشی نکنید که او به آنچه می‌کنید بیناست. (۱۱۳) و به ستمگران تمایل و تکیه نکنید که آتش (عذاب) شما را فرامی‌گیرد و (در این صورت) برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس (از هیچ ناحیه‌ای) مورد کمک قرار نخواهید گرفت. (۱۱۴) و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب پیادار، (زیرا) بدرستی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر. (۱۱۵) و پایدار باش، که همانا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۱۱۶) پس چرا در قرون قبل از شما، صاحبان علم و قدرتی نبودند تا مردم را از فساد در زمین باز دارند، مگر گروه کمی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم، و ستمگران دنباله‌رو و دلبسته‌ی مال و مقامی شدند که در آن مست و سرکش شده بودند و آنان مردمی مجرم و گناهکار بودند. (۱۱۷) و پروردگارت تو بر آن نبوده تا آبادی‌هایی را که مردمش اصلاح کردند، به ظلم و ستم هلاک کند. (۱۱۸) و اگر پروردگارت می‌خواست، هر آینه همه‌ی مردم را (با اجبار)، یک ائمت واحد (و دارای یک عقیده‌ی حق) قرار می‌داد، در حالی که همچنان اختلاف می‌ورزند. (۱۱۹) مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند، و (خداوند) برای همین (رحمت) مردم را آفرید، و فرمان پروردگارت صادر شده که دوزخ را از جن و انس پر خواهد کرد. (۱۲۰) و هر یک از سرگذشت انبیای (قبلی)، که برای تو بازگو کردیم، چیزی است که دلت را بدان محکم گردانیم، و در این (اخبار)، برای تو حقایق و برای اهل ایمان، پند و تذکری آمده است. (۱۲۱) و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو: هر چه در توان دارید انجام دهید، ما نیز انجام می‌دهیم. (۱۲۲) و شما در انتظار باشید، ما هم منتظریم. (۱۲۳) و نهان آسمان و زمین تنها برای خداوند است و تمام امور به او باز گردانده می‌شود، پس بنده‌ی او باش (و تنها او را پرستش کن) و بر او توکل نمای و پروردگارت از عملکرد شما غافل نیست. (۱۲۴)

یوسف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف لام را. آن است آیات کتاب روشنگر. (۲) همانا ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیاندیشید. (۳) ما با این قرآن که به تو وحی کردیم بهترین داستان را بر تو بازگو می‌کنیم، در حالی که تو پیش از آن، از بی‌خبران بودی. (۴) آنگاه که یوسف به پدر خویش گفت ای پدر همانا من (در خواب) یازده ستاره با خورشید و ماه دیدم، آنها را در برابر خود سجده‌کنان دیدم. (۵) (یعقوب) گفت: ای پسر کوچکم خوابت را برای برادرانت بازگو مکن، که برایت نقشه‌ای (خطرناک) می‌کشند. زیرا شیطان، برای انسان دشمنی آشکار است. (۶) و اینگونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خوابها (و سرانجام امور) به تو می‌آموزد و نعمت خویش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند همانگونه که پیش از این بر دو پدرت ابراهیم و اسحاق تمام کرد. همانا پروردگارت دانای حکیم است. (۷) بتحقیق در (داستان) یوسف و برادرانش نشانه‌هایی (از حاکم شدن اراده خداوندی) برای جویندگان است. (۸) آنگاه که (برادران او) گفتند: همانا یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدرمان از ما که گروهی نیرومند هستیم محبوب‌ترند. همانا پدرمان (در این علاقه به آن دو) در گمراهی روشنی است. (۹) (برادران به یکدیگر گفتند) یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی دور بیافکنید تا توجه پدرتان مخصوص شما شود و پس از انجام طرح (با توبه) گروهی شایسته باشید. (۱۰) گوینده‌ای از میان آنان گفت: یوسف را نکشید و (اگر اصرار به این کار دارید لاقفل) او را به نهران خانه چاه بیفکنید تا بعضی از کاروان‌ها (که از آنجا عبور می‌کنند) او را بگیرند. (۱۱) گفتند: ای پدر تو را چه شده که ما را بر یوسف امین نمی‌دانی در حالیکه قطعاً ما خیرخواه او هستیم؟! (۱۲) او را فردا با ما بفرست تا (در صحرا) بگردد و بازی کند و قطعاً ما نگهبانان (خوبی)

برای او خواهیم بود. (۱۳) (یعقوب) گفت: همانا اینکه او را ببرید حتما مرا غمگین می سازد و از این می ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید. (۱۴) (فرزندان یعقوب) گفتند: اگر گرگ او را بخورد، با آنکه ما گروهی قوی هستیم، در آن صورت ما زیان کار (و بی کفایت) خواهیم بود. (۱۵) پس چون او را با خود بردند و همگی تصمیم گرفتند که او را در مخفی گاه چاه قرار دهند (تصمیم خود را عملی کردند) و ما به او (در همان چاه) وحی کردیم که در آینده آنها را از این کارشان خبر خواهی داد در حالی که آنها (تو را) نشناسند. (۱۶) و (بعد از انجام نقشه خود) شب هنگام گریه کنان نزد پدرشان آمدند. (۱۷) گفتند: ای پدر ما رفتیم که مسابقه دهیم و یوسف را نزد وسایل خود (تنها) گذاشتیم، پس گرگ او را خورد و البته تو سخن ما را هر چند راستگو باشیم باور نداری. (۱۸) و پیراهن یوسف را آغشته به خونی دروغین (نزد پدر) آوردند. (پدر) گفت: چنین نیست بلکه نفستان کاری (بد) را برای شما آراسته است. پس (من را) صبری جمیل و نیکوست و خدا بر آنچه می گوید به کمک طلبیده می شود. (۱۹) و (یوسف در چاه بود تا) کاروانی فرا رسید و ما مور آب را فرستادند پس او دلو خود را به چاه افکند (یوسف به طناب و دلو آویزان شد و به بالای چاه رسید) ما مور آب فریاد زد مژده که این پسری است. او را چون کالائی پنهان داشتند (تا کسی ادعای مالکیت نکند) در حالی که خداوند بر آنچه انجام می دادند آگاه بود. (۲۰) و (کاروانیان) یوسف را به بهایی اندک چند درهمی فروختند و درباره او بی رغبت بودند. (۲۱) و کسی از مردم مصر که یوسف را خرید به همسرش گفت: مقام او را گرامی دار (او را به دید برده نگاه مکن) امید است که در آینده ما را سود برساند یا او را به فرزندی بگیریم. و اینگونه ما به یوسف در آن سرزمین جایگاه و مکت دادیم (تا اراده ما تحقق یابد) و تا او را از تعبیر خوابها بیاموزیم و خداوند بر کار خویش تواناست ولی اکثر مردم نمی دانند. (۲۲) و چون (یوسف) به رشد و قوت خود رسید به او علم و حکم (نبوت یا حکمت) دادیم و ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۲۳) و زنی که یوسف در خانه او بود از یوسف از طریق مرآده و ملایمت، تمنای کام گیری کرد و درها را (برای انجام مقصودش) محکم بست و گفت: بیا که برای تو آماده ام. یوسف گفت: پناه به خدا که او پروردگار من است و مقام مرا گرامی داشته، قطعاً ستمگران رستگار نمی شوند. (۲۴) و همانا (همسر عزیز مصر) قصد او (یوسف) را کرد و او نیز اگر برهان پروردگارش را نمی دید (بر اساس غریزه) قصد او را می کرد. اینگونه (ما او را با برهان کمک کردیم) تا بدی و فحشاء را از او دور کنیم، چرا که او از بندگان برگزیده ما است. (۲۵) و هر دو به سوی در سبقت گرفتند و آن زن پیراهن یوسف را از پشت درید. ناگهان شوهرش را نزد در یافتند. زن (با چهره حق به جانبی برای انتقام از یوسف یا تبرئه خویش) گفت: کیفر کسی که به همسر تو قصد بد داشته جز زندان و یا شکنجه دردناک چیست؟ (۲۶) (یوسف) گفت: او خواست از من (برخلاف میل) کام گیرد و شاهی از خانواده زن شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد پس زن راست می گوید و او از دروغگویان است (زیرا در این صورت او و همسر عزیز از روبرو درگیر می شدند و پیراهن از جلو چاک می خورد). (۲۷) و اگر پیراهن او (یوسف) از پشت پاره شده باشد پس زن دروغ گفته و یوسف از راستگویان است. (۲۸) پس همینکه (عزیز مصر) پیراهن او را دید که از پشت پاره شده است، (حقیقت را دریافت و) گفت: بی شک این از حيله شما زنان است. البته حيله شما شگرف است. (۲۹) (عزیز مصر به یوسف گفت: یوسف از این مسئله صرف نظر کن (و آن را بازگو نکن و به همسرش نیز خطاب کرد: و تو برای گناهت استغفار کن چون قطعاً از خطاکاران بوده ای). (۳۰) زنانی در شهر (زبان به ملامت گشودند) و گفتند: همسر عزیز با غلامش مرآده داشته و از او کام خواسته است. همانا یوسف او را شیفته خود کرده است. به راستی ما او را در گمراهی آشکار می بینیم. (۳۱) پس چون (همسر عزیز) نیرنگ (و بدگویی) زنان (مصر) را شنید، (کسی را برای دعوت) به سراغ آنها فرستاد و برای آنان (محفلی و) تکیه گاهی آماده کرد و به (دست) هر یک چاقویی داد (تا میوه میل کنند) و به یوسف گفت: بر زنان وارد شو. همینکه زنان او را دیدند (از زیبایی) بزرگش یافتند و دست های خود را (به جای میوه) عمیقاً بریدند و گفتند مزه است خداوند، این بشر نیست، این نیست جز فرشته ای بزرگوار. (۳۲) (همسر عزیز مصر به زنانی که دست خود را بریده بودند) گفت: این همان کسی است که مرا درباره او ملامت

می کردید. و البته من از او کام خواستم ولی او پاکی ورزید. و اگر آنچه را به او دستور می دهم انجام ندهد، حتما زندانی خواهد شد و قطعا از خوارشدگان خواهد بود. (۳۳) (یوسف) گفت: پرودگارا؛ زندان برای من از آنچه مرا به سوی آن می خوانند محبوبتر است. و اگر حيله آنها را از من باز نگردانی من به سوی آنها تمایل می کنم و از جاهلان می گردم. (۳۴) پس پرودگارش (در خواست) او را اجابت کرد و حيله زنان را از او برگرداند، زیرا که او شنوای داناست. (۳۵) سپس بعد از آن همه نشانه ها و شواهدی که (برای پاکی یوسف) دیدند، اینگونه برایشان جلوه کرد که او را تا مدتی زندانی کنند. (۳۶) و با یوسف دو جوان دیگر وارد زندان شدند. یکی از آن دو (نزد یوسف آمد) گفت: من در خواب خود را دیدم که برای شراب (انگور) می فشارم و دیگری گفت: من خود را در خواب دیدم که بر سرم نانی می برم و پرندگان از آن می خورند ما را از تعبیر خوابمان آگاه ساز، که ما ترا از نیکوکاران می بینیم. (۳۷) (یوسف به آن دو نفر که خواب دیده بودند) گفت: من قبل از آنکه جیره غذایی شما برسد، تأویل خوابتان را خواهم گفت. این تعبیر از چیزهایی است که پرودگرم به من آموخته است. همانا من آئین قومی را که به خدا ایمان نمی آورند و به قیامت کفر می ورزند، رها کرده ام. (۳۸) و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی کرده ام. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خداوند قرار دهیم. این از فضل خدا بر ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند. (۳۹) ای دو یار زندانی من، آیا خدایان متعدد و گوناگون بهتر است یا خداوند یکتای مقتدر. (۴۰) شما غیر از خداوند چیزی را عبادت نمی کنید مگر اسم هایی (بی مسما) که شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید (و) خداوند هیچ دلیلی (برحقانیت) آن نفرستاده است. کسی جز خداوند حق فرمانروایی ندارد، او دستور داده که او را نپرستید. این دین پا بر جای و استوار است ولی اکثر مردم نمی دانند. (۴۱) ای دوستان زندانیم، اما یکی از شما (آزاد می شود) و به ارباب خود شراب می نوشاند و دیگری به دار آویخته می شود (و آنقدر بالای دار می ماند) که پرندگان (با نوک خود) از سر او می خورند، امری که درباره آن از من نظر خواستید حتمی و قطعی است. (۴۲) و (یوسف) به آن زندانی که می دانست آزاد می شود گفت: «مرا نزد ارباب خود به یاد آور» (ولی) شیطان یادآوری به اربابش را از یاد او برد، در نتیجه (یوسف) چند سالی در زندان ماند. (۴۳) و (روزی) پادشاه (مصر) گفت: من هفت گاو فربه که هفت گاو لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه ی سبز و (هفت خوشه ی) خشکیده ی دیگر را (در خواب) دیدم، ای بزرگان قوم! اگر تعبیر خواب می کنید درباره ی خوابم به من نظر دهید. (۴۴) (اطرافیان پادشاه) گفتند: خوابهایی پریشان است و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم. (۴۵) و آن کس از آن دو (زندان) که نجات یافته بود، پس از مدتی (یوسف را) به خاطر آورد، و (به عزیز مصر) گفت: مرا (به سراغ یوسف) بفرستید تا (از تعبیر خواب) شما را با خبر کنم. (۴۶) (فرستاده شاه وارد زندان شد و گفت: ای یوسف، ای مرد راستگوی درباره ی (این خواب که) هفت گاو فربه هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه ی سبز و (هفت خوشه ی) خشکیده دیگر، به ما نظر بده تا به سوی مردم برگردم، شاید آنان (از اسرار خواب) آگاه شوند. (۴۷) (یوسف در جواب) گفت: هفت سال پی در پی کشت کنید و آنچه را درو کردید، جز اندکی را که می خورید، در خوشه اش کنار بگذارید. (۴۸) سپس بعد از آن، هفت سال سخت می آید که مردم آنچه را برایشان از پیش ذخیره کرده اید خواهند خورد جز اندکی که (برای بذر) حفظ می کنید. (۴۹) سپس بعد از آن سالی فرامی رسد که به مردم در آن سال باران می رسد (و مشکل قحطی تمام می شود) و در آن سال مردم (بخاطر وسعت و فراوانی، از میوه ها و دانه های روغنی) عصاره می گیرند. (۵۰) و پادشاه گفت: او را نزد من آورید، پس چون فرستاده ی شاه نزد وی آمد (یوسف) گفت: نزد آقای خود برگرد و از او بپرس که ماجرای آن زنانی که دستانشان را بریدند چه بود؟ همانا پرودگار من به حيله آنان آگاه است. (۵۱) (پادشاه به زنان) گفت: وقتی از یوسف کام می خواستید چه منظور داشتید؟ زنان گفتند: منزّه است خدا، ما هیچ بدی از او نمی دانیم. همسر عزیز گفت: اکنون حقیقت آشکار شد من (بودم که) از او کام خواستم و بی شک او از راستگویان است. (۵۲) (یوسف گفت: این (اعاده حیثیت) برای آن بود که (عزیز) بداند من در نهان به او خیانت نکرده ام و قطعا خداوند نیرنگ خائن را به جایی نمی رساند. (۵۳) و من نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس آدمی بدون شک همواره به بدی

امر می کند، مگر آن که پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من آمرزنده‌ی مهربان است. (۵۴) و پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا وی را (مشاور) مخصوص خود قرار دهم. پس چون با او گفتگو نمود، به او گفت: همانا تو امروز نزد ما دارای منزلتی بزرگ و فردی امین هستی. (۵۵) (یوسف) گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین (مصر) بگمار، زیرا که من نگهبانی دانا هستم. (۵۶) و ما اینگونه به یوسف در آن سرزمین مکنت و قدرت دادیم که در آن هر جا که خواهد قرار گیرد (و تصرف کند) ما رحمت خود را بر هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پادشاه نیکوکاران را ضایع نمی‌گردانیم. (۵۷) و قطعاً برای کسانی که ایمان آورده و همواره تقوی پیشه کرده‌اند پادشاه آخرت بهتر است. (۵۸) (سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت) و (در پی مواد غذایی) برادران یوسف (به مصر) آمدند و بر او وارد شدند آنگاه (یوسف) آنان را شناخت ولی آنها او را نشناختند. (۵۹) و چون یوسف بارهای (غذایی) آنان را آماده ساخت، گفت: برادر پدری خود را (در نوبت آینده) نزد من آورید. آیا نمی‌بینید که من پیمانانه را کامل می‌دهم و بهترین میزبان هستم. (۶۰) (ولی) اگر آن برادر را نزد من نیاورید، نه پیمانانه‌ای (از غله) نزد من خواهید داشت و نه نزدیک من شوید. (۶۱) (برادران به یوسف) گفتند: او را با اصرار و التماس از پدرش خواهیم خواست و حتماً این کار را خواهیم کرد. (۶۲) و (یوسف) به غلامان خود گفت: آنچه را به عنوان قیمت پرداخته‌اند در بارهایشان بگذارید، تا چون به خانواده‌ی خود بازگردند آن را باز شناسند، به امید آنکه (بار دیگر) برگردند. (۶۳) پس چون به سوی پدر خود باز گشتند، گفتند: ای پدر پیمانانه (برای نوبت دیگر) از ما منع شد، پس برادرمان (بنیامین) را با ما بفرست تا سهمیه و پیمانانه خود را بگیریم و ما حتماً نگهبان او خواهیم بود. (۶۴) (یعقوب) گفت: آیا شما را بر او امین بدانم، مگر همانند قبل عمل که شما را بر برادرش امین دانستم (و دیدید که چه شد)، پس (به جای شما به خدا اعتماد می‌کنم که) خداوند بهترین حافظ است و او مهربان‌ترین مهربانان است. (۶۵) و هنگامی که بارهای خود را گشودند، دریافتند که سرمایه‌شان بدانها باز گردانیده شده گفتند: ای پدر (دیگر) چه می‌خواهیم؟ این سرمایه ماست که به ما باز گردانده شده و ما قوت و غذای خانواده خود را فراهم و از برادرمان حفاظت می‌کنیم و با (بردن او) یک بار شتر می‌افزاییم و این (پیمانانه اضافی نزد عزیز) پیمانانه‌ای ناچیز است. (شاید معنا این باشد: این مقداری که گرفته‌ایم به جایی نمی‌رسد، اگر نوبت دیگر برویم، بار بیشتری می‌گیریم). (۶۶) (پدر) گفت: من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا آنکه (با سوگند) به نام خدا وثیقه‌ای محکم بیاورید که حتماً او را نزد من برگردانید، مگر آنکه همه شما گرفتار حادثه‌ای شوید. پس چون وثیقه خود را آوردند (پدر) گفت: خداوند بر آنچه می‌گوییم وکیل است. (۶۷) و (یعقوب) گفت: ای پسران من (چون به مصر رسیدید همه) از یک دروازه (به شهر) وارد نشوید (تا توجه مردم به شما جلب نشود) بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید و (بدانید من با این سفارش) نمی‌توانم چیزی از (مقدرات) خدا را از شما دور کنم. فرمان جز برای خدا نیست، تنها بر او توکل می‌کنم و همه توکل کنندگان (نیز) باید بر او توکل نمایند. (۶۸) و چون از همانجا که پدرشان دستورشان داده بود وارد (مصر) شدند، این کار در برابر اراده خداوند هیچ سودشان نبخشید جز آنکه نیازی در دل یعقوب بود که عملی شد (تنها اثر ورود از چند دروازه حفظ از چشم زخم و رسیدن برادران، به خصوص بنیامین به یوسف بود که عملی شد و اثر دیگری نداشت) و البته (یعقوب) بخاطر آنچه به او آموزش که به او داده بودیم دارای علمی (فراوان) بود ولی بیشتر مردم آگاه نیستند. (۶۹) وقتی (برادران) بر یوسف وارد شدند، او برادرش (بنیامین) را در نزد خود جای داده گفت: همانا من برادر تو هستم پس از آنچه برادران انجام داده‌اند اندوهگین مباش. (۷۰) پس چون بارهای برادران را مجهز و مهیا ساخت ظرف آبخوری (گران قیمتی) را در خورجین برادرش (بنیامین) قرار داد، سپس منادی صدا زد؛ ای کاروانیان! قطعاً شما دزدید. (۷۱) (برادران یوسف روبه ماموران کردند) گفتند: شما چه چیزی را گم کرده‌اید. (۷۲) گفتند: پیمانانه و جام مخصوص شاه را گم کرده‌ایم و برای هر کس آنرا بیاورد یک بار شتر (جایزه) است و من این را ضمانت می‌کنم. (۷۳) گفتند: به خدا سوگند شما می‌دانید که ما برای فساد در این سرزمین نیامده‌ایم و ما هرگز سارق نبوده‌ایم. (۷۴) (مأموران یوسف) گفتند: پس اگر دروغ گفته باشید، کیفرش چیست؟ (۷۵) گفتند: کیفر سارق، آنکه پیمانانه در بارش

پیدا شود، پس خود او کیفرش است (که به عنوان گروگان یا برده در اختیار صاحب پیمانۀ قرار گیرد) ما (در منطقه کنعان)، ظالم (سارق) را اینگونه کیفر می‌دهیم. (۷۶) پس (از پذیرش کیفر ماموران شروع به بازرسی کرده و) قبل از بار بردارش به (بازرسی) بار سایر برادران پرداخت، سپس پیمانۀ را از بار بردارش بیرون آورد. ما اینگونه برای یوسف تدبیر کردیم زیرا طبق قانون شاه مصر یوسف نمی‌توانست برادرش را بازداشت کند، مگر آنکه خدا بخواهد (که کیفر سارق در کنعان را مقدمه بازداشت این برادر قرار می‌دهد) ما هر کس را که بخواهیم (و لایق باشد) درجاتی بالا می‌بریم و برتر از هر صاحب دانشی دانشوری است. (۷۷) (برادران) گفتند: اگر او سرقت کند (جای تعجب نیست، زیرا) پیش از این نیز برادر او دزدی کرده بود. یوسف (این تهمت را) در دل خود پنهان داشت و (با آنکه ناراحت شده بود) به روی آنان نیاورد. (ولی) گفت: موقعیت شما بدتر (از او) است و خداوند به آنچه توصیف می‌کنید داناتر است. (۷۸) (برادران) گفتند: ای عزیز، همانا برای او پدری است پیر و سالخورده، پس یکی از ما را به جای او بگیر (و او را رها کن) همانا ترا از نیکوکاران می‌بینیم. (۷۹) (یوسف) گفت: پناه به خدا از اینکه کسی را به جز آنکه متاعمان را نزد او یافته‌ایم، بگیریم. زیرا که در اینصورت حتماً ستمگر خواهیم بود. (۸۰) پس چون از یوسف مأیوس شدند (که یکی را به جای دیگری بازداشت کند) نجواکنان به کناری رفتند. (برادر) بزرگشان گفت: آیا نمی‌دانید که پدرتان برای برگرداندن او بر شما پیمان الهی گرفته و پیش از این نیز درباره یوسف کوتاهی کرده‌اید. پس من هرگز از این سرزمین نمی‌روم تا آنکه (یوسف عفو کند یا آنکه) پدرم به من اجازه دهد یا خدا در حق من حکمی کند و او بهترین داور و حاکم است. (۸۱) (برادر بزرگ) گفت: من اینجا می‌مانم ولی) شما به سوی پدرتان برگردید، پس بگویید: ای پدر همانا پسرت دزدی کرده و ما جز به آنچه می‌دانستیم گواهی ندادیم و ما ننگهبان (و آگاه به) غیب نبوده‌ایم. (۸۲) (اگر به حرف ما اطمینان نداری) از قریه‌ای که در آن بودیم و از کاروانی که در میانشان به اینجا رو آورده‌ایم، سؤال کن و بی‌شک ما راستگو هستیم. (۸۳) (یعقوب) گفت: (این چنین نیست) بلکه (بار دیگر) نفس شما (با نسبت دزدی به یوسف یا تعیین کیفر گروگان‌گیری) مسئله را برای شما آراسته است پس صبری نیکو (لازم است) امید است که خداوند همه برادران را با هم نزد من آورد چرا که او قطعاً آگاه و حکیم است. (۸۴) (یعقوب از برادران روی گرداند و گفت: ای دروغ‌بر یوسف، پس اندوه خود را فرو می‌خورد (تا آنکه) دو چشمش از اندوه سفید (و نابینا) شد. (۸۵) (فرزندان یعقوب به پدرشان) گفتند: به خدا سوگند تو پیوسته یوسف را یاد می‌کنی تا آنکه بیمار و لاغر شوی و (یا مشرف به مرگ) و از بین بروی. (۸۶) (یعقوب) گفت: من ناله آشکار و حزن (پنهان) خود را فقط به خدا شکایت می‌برم و از (عنایت و لطف) خداوند چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۸۷) ای پسرانم (بار دیگر به مصر) بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خداوند مأیوس نشوید، حق این است که جز گروه کافران از رحمت خداوندی مأیوس نمی‌شوند. (۸۸) پس هنگامی که (مجدداً) بر یوسف وارد شدند، گفتند: ای عزیز قحطی، ما و خاندان ما را فرا گرفته و (برای خرید گندم) بهای اندکی با خود آورده‌ایم (اما شما کاری به پول اندک ما نداشته باش) سهم ما را به طور کامل وفا کن و بر ما بخشش نما، زیرا که خداوند کریمان و بخشنندگان را پاداش می‌دهد. (۸۹) (یوسف) گفت: آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید آنگاه که نادان بودید. (۹۰) گفتند: آیا تو خود (همان) یوسفی؟ گفت: (آری) من یوسفم و این برادر من است. به تحقیق خداوند بر ما منت گذاشت. زیرا که هر کس تقوا و صبر پیشه کند پس همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. (۹۱) (برادران) گفتند: به خداوند قسم، که واقعا خداوند ترا بر ما برتری داده است و قطعاً ما خطاکار بوده‌ایم. (۹۲) (یوسف) گفت: امروز بر شما توبیخ و ملامتی نیست، خداوند شما را می‌بخشد و او مهربانترین مهربانان است. (۹۳) (یوسف گفت: این پیراهن مرا ببرید و آنرا بر صورت پدرم بیفکنید (تا) بینا شود و همه کسان خود را نزد من بیاورید. (۹۴) و چون کاروان (از مصر به سوی کنعان محل زندگی یعقوب) رهسپار شد، پدرشان گفت: همانا من بوی یوسف را می‌یابم، البته اگر مرا کم خرد ندانید. (۹۵) (پسران یعقوب به پدر) گفتند: به خدا سوگند تو سخت در گمراهی دیرین خود هستی. (۹۶) پس چون (آن برادری که حامل پیراهن یوسف بود) مژده رسان آمد، پیراهن را روی صورت یعقوب انداخت. پس

یعقوب بینا گشت و گفت: آیا به شما نگفتم: همانا من از (عنایت) خداوند چیزی می دانم که شما نمی دانید. (۹۷) (فرزندان) گفتند: ای پدر! برای گناهانمان (از خداوند) طلب آمرزش کن که براستی ما خطاکار بودیم. (۹۸) (یعقوب) گفت: بزودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می کنم براستی که او، خود آمرزنده و بسیار مهربان است. (۹۹) پس چون (پدر و مادر و برادران) بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را در کنار خویش جای داد و گفت: به خواست خدا با امن و امان داخل مصر شوید. (۱۰۰) و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد ولی همه آنان پیش او افتادند و سجده کردند. و (یوسف) گفت: ای پدر این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین، پروردگارم آنرا تحقق بخشید و به راستی که به من احسان کرد آنگاه که مرا از زندان آزاد ساخت و شما را پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را بر هم زد از بیابان (کنعان به مصر) آورد. همانا پروردگار من در آنچه بخواهد صاحب لطف است. براستی او دانای حکیم است. (۱۰۱) (یوسف گفت: پروردگارا! تو مرا (بهره ای) از حکومت دادی و از تعبیر خوابها به من آموختی. (ای) پدیدآورنده ای آسمان ها و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی، مرا تسلیم خود بمیران و مرا به شایستگان ملحق فرما. (۱۰۲) (ای پیامبر) این (داستان) از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می کنیم و تو نزد آنان (برادران یوسف) نبودی آنگاه که در کار خویش هم داستان و متفق شدند و نیرنگ می نمودند (که چگونه یوسف را در چاه اندازند و بگویند گرگ او را دریده است). (۱۰۳) ای پیامبر بیشتر مردم ایمان بیاور نیستند، هر چند (سخت بکوشی و) حرص و آرزو داشته باشی. (۱۰۴) و تو بر این (وظیفه ای ارشاد) پاداشی از آنان نمی خواهی. آن (رسالت و قرآن) جز تذکر و پندی برای جهانیان نیست. (۱۰۵) و چه بسیار نشانه در آسمان ها و زمین، که بر آن می گذرند، در حالی که از آن روی گردانند. (۱۰۶) و بیشترشان به خداوند ایمان نمی آورند، جز اینکه (با او چیزی را) شریک می گیرند. (و ایمانشان خالص نیست). (۱۰۷) آیا (آنها که ایمان نمی آورند) از اینکه عذاب الهی آنها را در برگیرد و یا قیامت در حالی که نمی دانند ناگهانی فرارسد در امانند؟ (۱۰۸) (ای پیامبر تو نیز) بگو: این راه من است. من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و خداوند (از هر شریکی) منزّه است و من از مشرکان نیستم. (۱۰۹) و پیش از تو (پیامبری) نفرستادیم، جز مردانی از اهل آبادی ها را که به آنان نیز وحی می کردیم. (با وجود این) آیا در زمین سیر نکرده اند تا عاقبت کسانی را که پیش از آنان بوده اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که تقوا پیشه کرده اند بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۱۱۰) (دعوت پیامبران و مخالفت دشمنان همچنان ادامه داشت) تا هنگامی که پیامبران (از هدایت مردم) به آستانه نومیدی رسیدند و کفار گمان کردند که (وعده عذاب) به دروغ به آنان داده شده است. آنگاه یاری ما به آنان رسید، پس کسانی را که می خواستیم نجات یافتند و (لی) عذاب ما از گروه مجرمان باز گردانده نمی شود. (۱۱۱) به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است. (این) سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد. بلکه تصدیق کننده ای آن (کتاب آسمانی) است که پیش از آن آمده و روشنگر هر چیز و (مایه) هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان می آورند. (۱۱۲)

الرعد

به نام خداوند بخشنده مهربان. (۱) الف لام میم را. آن آیات کتاب (آسمانی) است و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرو آمده، حق است ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند. (۲) خداست آنکه آسمان ها را بدون ستون هایی که آنها ببینند برافراشت، سپس بر عرش (مقام فرمانروایی) برآمد و خورشید و ماه را که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند، تسخیر نمود. او کار (هستی) را تدبیر می کند، آیات خود را به روشنی بیان می کند تا شاید به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید. (۳) و اوست خدایی که زمین را گسترانید و در آن کوه ها و نهرا قرار داد و از هر میوه ای، دو جفت در آن قرار داد. او روز را با شب می پوشاند. قطعاً در این (امور) برای کسانی که فکر می کنند نشانه هایی است. (۴) و در زمین قطعاتی است مجاور هم و باغهایی از انواع انگور و کشت زار و درختان خرما (محصولاتی مختلف) همانند و غیر همانند که همه با یک آب آبیاری می شوند و بعضی میوه ها را در خوردن بر

بعضی برتری دادیم. همانا در این (تنوع میوه‌ها و مزه‌ها با آنکه از یک آب و خاک تغذیه می‌شوند) برای کسانی که تعقل دارند حتما نشانه‌هایی است. (۵) اگر تعجب می‌کنی پس عجیب گفتار آنهاست (که می‌گویند): آیا آنگاه که خاک شدیم، آیا به آفرینش تازه‌ای درمی‌آییم؟ آنانند کسانی که به پروردگارش کفر ورزیدند و همانانند که غل‌ها در گردنشان باشد و همانانند همدم آتش که در آن جاودانه‌اند. (۶) و پیش از رحمت و نیکی، به شتاب از تو عذاب و بدی می‌خواهند در حالی که پیش آنان عذابها بوده است. و همانا پروردگارت نسبت به مردم با همه ستمشان دارای آمرزش است و به یقین پروردگارت سخت کیفر است. (۷) و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: چرا از طرف پروردگارش نشانه‌ای (آشکار و به دلخواه ما) بر او نازل نشده است؟ (ای پیامبر) تو فقط بیم دهنده‌ای و برای هر قومی راهنمایی است. (۸) خداوند می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای (در شکم) حمل می‌کند و آنچه را که رحم‌ها جذب می‌کنند (مثل نطفه) و آنچه را که (در مراحل بعد از جذب) می‌افزایند و هر چیز نزد او به مقدار و اندازه‌ای است. (۹) او به نهان و آشکار آگاه است بزرگ و بلند مرتبه است. (۱۰) (برای او) یکسان است که از شما کسی سخن را سزای گوید و کسی که آنرا آشکارا گوید و کسی که خود را به شب مخفی کند و کسی که در روز آشکارا حرکت کند. (۱۱) برای انسان فرشتگانی است که پی در پی او را از پیش رو و از پشت سر از فرمان خداوند حفاظت می‌کنند. همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان حال خود را تغییر دهند و هر گاه خداوند برای قومی آسیبی بخواهد پس هیچ برگشتی برای آن نیست و در برابر او هیچ دوست و کارساز و حمایت‌کننده‌ای برای آنان نیست. (۱۲) اوست کسی که برق (آسمان) را برای بیم و امید به شما نشان می‌دهد و ابرهای گرانبار را پدید می‌آورد. (۱۳) رعد با ستایش او و فرشتگان از بیم او تسبیح می‌کنند و او صاعقه‌ها را فرو می‌فرستد تا هر که را بخواهد مورد اصابت قرار دهد، در حالی که آنان درباره خداوند به جدال می‌پردازند و او سخت کیفر است. (۱۴) تنها خواندن او حق است و کسانی را که (مشرکان) جز او می‌خوانند هیچ پاسخشان نمی‌گویند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب گشوده تا آنرا بدھانش رساند و حال آنکه نخواهد رسید و دعا و خواست کافران (از غیر خدا) جز در گمراهی (و به هدر رفتن و انحراف) نیست. (۱۵) و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه با سایه‌هاشان بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می‌کنند. (۱۶) بگو: پروردگار آسمان و زمین کیست؟ بگو: خداست. بگو: پس چرا جز او را که مالک هیچ سود و زیبایی برای خویشتن نیستند سرپرست گرفته‌اید؟ بگو: آیا نابینا و بینا با هم برابرند؟ یا آیا تاریکی‌ها و روشنایی یکسانند؟ یا مگر برای خدا شریکانی قرار داده‌اند که مانند آفریدن خدا (چیزی) آفریده و این آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟ بگو: خداوند آفریدگار هر چیزی است و اوست یگانه قهار. (۱۷) خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس رودخانه‌ها به اندازه (ظرفیت) خویش جاری شده و سیلاب کفی را بر خود حمل کرد. و از (فلزات) آنچه که در آتش بر آن می‌گدازند تا زیور یا کالایی بدست آرند، کفی مانند کف سیلاب (حاصل شود). اینگونه خداوند حق و باطل را (بهم) می‌زند. پس کف (آب) به کناری رفته (و نیست شود) و اما آنچه برای مردم مفید است در زمین باقی بماند. خداوند اینگونه مثال‌ها می‌زند. (۱۸) برای کسانی که پروردگارش را اجابت کردند نیکوترین (پاداش) است. ولی کسانی که (دعوت) او را نپذیرفتند، اگر هر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعاً حاضرند آن را (برای رهایی خود از عذاب) فدیة بدهند، آنانند که برایشان حساب سختی است و جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است. (۱۹) پس آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت بسوی تو نازل شده حق است، مانند کسی است که نابیناست؟ همانا تنها صاحبان خرد پند می‌گیرند. (۲۰) (خردمندان) کسانی هستند که به پیمان الهی وفا می‌کنند و عهد (او را) نمی‌شکنند. (۲۱) و (خردمندان) کسانی هستند که آنچه را خداوند به پیوند با آن فرمان داده پیوند می‌دهند و در برابر پروردگارش (بخاطر شناختی که دارند خشوع) خشیت دارند و از سختی حساب می‌ترسند. (۲۲) و (خردمندان) کسانی هستند که برای جلب توجه پروردگارش صبر پیشه کرده و نماز پیا داشتند و از آنچه روزیشان کردیم پنهانی و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی پاک می‌کنند. آنانند که سرای آخرت مخصوص آنهاست. (۲۳) (سرای آخرت) باغهای جاودانی که آنان و هر کس از پدران و همسران

و فرزندان‌شان که صالح بوده‌اند بدان داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری (برای تیریک و تهنیت) بر آنان وارد می‌شوند. (۲۴) فرشتگان هنگام دیدار بهشتیان به آنان می‌گویند: بخاطر استقامتی که کردید، بر شما درود باد. پس چه نیکوست سرای آخرت. (۲۵) (در برابر گروه اول) کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم بستن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوند آن فرمان داده قطع می‌کنند و در زمین فساد می‌نمایند. آنانند که برایشان لعنت است و برایشان بدمنزلی است. (۲۶) خداوند برای هر که بخواهد روزی را گسترش می‌دهد و (یا) تنگ می‌گرداند. و (مردم) به زندگی دنیا دل خوشند، در حالی که زندگی دنیا در (برابر زندگی) آخرت جز یک کامیابی (موقت و اندک) نیست. (۲۷) کفار می‌گویند: چرا از طرف پروردگارش معجزه‌ای (به دلخواه ما) بر او نازل نشده است؟ بگو: همانا خداوند هر که را بخواهد (به حال خود رها و) گمراه می‌کند و هر کس را که به سوی او رو کرده و توبه نماید، به سوی خویش هدایت می‌نماید. (۲۸) (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. (۲۹) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند خوشا بحالشان و سرانجام نیکویی دارند. (۳۰) این چنین ما تو را در بیان امتی که پیش از آن امت‌های دیگری (آمده و) رفته‌اند، به رسالت فرستادیم، تا آنچه را به سوی تو وحی کرده‌ایم بر آنان تلاوت کنی. در حالی که آنان به خدای رحمن کفر می‌ورزند، بگو: او پروردگار من است، معبودی جز او نیست تنها بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من تنها به سوی اوست. (۳۱) و اگر به واسطه قرآن کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمین به آن قطعه قطعه شود یا به واسطه آن مردگان به سخن آیند، (باز ایمان نمی‌آورند). بلکه تمام امور بدست خداست. آیا مؤمنان (از این سنگدلان) مأیوس نشده‌اند (و نمی‌دانند) که اگر خدا می‌خواست قطعا (با قهر و اجبار) همه مردم را به راه می‌آورد. و پیوسته به کسانی که کفر ورزیدند به سزای کارهایی که کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای می‌رسد یا آن مصیبت به نزدیک خانه آنان فرو می‌آید (تا هر لحظه زندگی همراه با دغدغه داشته باشند و این دلهره همچنان ادامه دارد) تا آنگاه که وعده الهی فرا رسد البته خداوند وعده‌ای که داده خلاف نمی‌کند. (۳۲) و همانا پیامبرانی پیش از تو (نیز) به استهزاء گرفته شدند، اما من به کسانی که کفر ورزیدند مهلت دادم سپس آنان را (به قهر خود) گرفتم، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بود. (۳۳) پس آیا آن (خدایی) که بر هر کس و عملکرد او حاکم و ناظر است، (با بت‌های ساختگی یکی است؟) و (لی) آنان برای خدا شریکانی قرار داده‌اند. بگو: آنها را نام ببرید (چه هستند و چه توانی دارند؟) آیا خدا را از شریکانی در زمین خبر می‌دهید که او نمی‌شناسد؟ یا سخنی تو خالی (می‌گویید)، بلکه برای کسانی که کفر ورزیدند، مکرشان آراسته جلوه داده شده است و از راه (حق) باز داشته شده‌اند و هر که را خدا گمراه کند، پس برای او هیچ هدایت‌کننده‌ای نیست. (۳۴) برای آنان در زندگی دنیا عذابی است و قطعا عذاب آخرت سخت‌تر است و در برابر (قهر) خداوند هیچ محافظی برایشان نیست. (۳۵) مثال بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده (چنین است که) نهرها از زیر آن جاری است. میوه‌ها و سایه‌اش دائمی است این است. عاقبت کسانی که تقوی پیشه کردند و سرانجام کافران آتش است. (۳۶) و کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) دادیم، به آنچه به سوی تو نازل شده دلشاد می‌شوند. و بعضی از گروه‌ها کسانی هستند که بخشی از آن (قرآن) را انکار می‌کنند. بگو: همانا من مأمورم که خدا را بپرستم و به او شرک نورزم. تنها به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست. (۳۷) و بدین سان ما آن (قرآن) را به صورت فرمانی روشن (به زبان عربی) نازل کردیم و بدون شک اگر بعد از دانشی که به تو رسیده است از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر (قهر) خدا برای تو هیچ یاور و محافظی نیست. (۳۸) و البته ما قبل از تو (نیز) پیامبرانی فرستاده‌ایم و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم و هیچ پیامبری را نسزد که معجزه‌ای بیاورد، مگر با اذن الهی. برای هر زمان و دوره‌ای کتاب (و قانون) است. (۳۹) خداوند هر چه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و ام‌الکتاب تنها نزد اوست. (۴۰) (ای پیامبر در فکر دیدن نتیجه کار مباش زیرا) اگر بخشی از آنچه را به آنان وعده می‌دهیم (در زمان حیات تو) به تو نشان دهیم یا تو را از دنیا ببریم، (بدان که ما وعده‌های خود را محقق خواهیم کرد) پس وظیفه تو تنها تبلیغ است و حساب تنها با ماست. (۴۱) (حساب همه با ماست و ما به سرعت حساب همه را می‌رسیم) مگر ندیدی

که ما به سراغ زمین می‌آییم و دائما از اطراف آن (با گرفتن جان ساکنانش) می‌کاهیم. خداوند حکم می‌کند و هیچ تجدیدنظرکننده‌ای برای حکم او نیست و او سریعاً به حساب همه می‌رسد. (۴۲) و البته کسانی که پیش از آنان بودند مکرها کردند، ولی (سودی نکرد زیرا) همه تدبیرها و مکرها برای خداست، او می‌داند که هر کس چه کسب می‌کند و کفار بزودی خواهند دانست که سرای آخرت از آن کیست. (۴۳) و کسانی که کفر ورزیدند گویند: تو فرستاده (خدا) نیستی. بگو: گواهی خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما کافی است. (۴۴)

ابراهیم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، را، (این) کتابی است که آن را به سوی تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها (ی شرک و جهل) به سوی نور (ایمان) خارج کنی. به سوی راه خداوند عزیز حمید. (۲) خداوندی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای اوست، پس وای بر کفار از عذابی سخت. (۳) (کفار) کسانی هستند که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و (مردم را) از راه خدا بازمی‌دارند و می‌خواهند آنرا منحرف کنند، آنها در گمراهی عمیقی هستند. (۴) هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش، تا (بتواند پیام خدا را) برای مردم بیان کند، پس خداوند هر که را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه می‌کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌نماید، و اوست عزیز و حکیم. (۵) همانا موسی را همراه معجزاتی (به سوی مردم) فرستادیم (و به او گفتیم): قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج ساز و روزهای (نزول قهر یا لطف) خدا را به آنان یادآوری کن، همانا در این (یادآوری) برای کسانی که صبر و مقاومت و سپاس فراوان داشته باشند نشانه‌هایی از قدرت الهی است. (۶) و (به یاد آور) هنگام که موسی به قوم خود گفت: نعمت خداوند بر خودتان را یاد کنید، آنگاه که شما را از فرعونیان نجات داد، آنها که شما را به بدترین نوع عذاب می‌کردند، پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را (برای کنیزی و هوسرانی خود) زنده نگاه می‌داشتند، و در این امور، از طرف پروردگارتان آزمایش بزرگی بود. (۷) و (نیز به یاد آور) هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً شما را می‌افزایم، و اگر کفران کنید البته عذاب من سخت است. (۸) و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: اگر شما و ساکنان زمین همگی کفر ورزید (به خداوند زیانی نمی‌رسد) چرا که خداوند (ذاتا) بی‌نیاز و شایسته‌ی ستایش است. (نه آنکه از طریق ایمان و شکر شما بخواهد برای خود بی‌نیازی و ستایش کسب کند). (۹) آیا خیر کسانی که قبل از شما بودند، (مثل خبر غرق شدن) قوم نوح و (طوفان قوم) عاد و (صاعقه‌ی قوم) ثمود و کسانی که بعد از آن‌ها بودند، به شما نرسیده است؟ همان‌ها که جز خداوند از (آمار و تعداد تلفات) آن‌ها آگاه نیست، پیامبرانشان همراه با معجزات به سراغشان آمدند، ولی آن‌ها دست‌هایشان را در دهانشان می‌گذاشتند (یعنی ساکت شوید و ما را موعظه نکنید) و می‌گفتند: ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کفر می‌ورزیم و ما از آنچه شما ما را به آن دعوت می‌کنید، در شک و تردید هستیم. (۱۰) پیامبرانشان (در جواب) گفتند: آیا درباره خدا، آفریدگار آسمان‌ها و زمین، شکی هست؟! (آیا هستی با این عظمت نیاز به خالق ندارد؟) او که شما را (به راه حق) دعوت می‌کند تا از گناهانتان بگذرد، و تا موعد معین شما رامهلت دهد. (کفار) گفتند: شما جز انسانی همچون خود ما نیستید، (و امتیازی بر ما ندارید) شما می‌خواهید ما را از آنچه نیاکان ما می‌پرستیدند باز دارید، (اگر غیر از این است) پس برای ما برهان و معجزه‌ای روشن (آنگونه که ما می‌خواهیم) بیاورید. (۱۱) پیامبرانشان در جوابشان گفتند: (آری) ما جز بشری مثل شما نیستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش که بخواهد ممت می‌گذارد (و او را بر مردم مبعوث می‌کند) و ما را نرسد که جز با اذن خداوند، برای شما معجزه‌ای بیاوریم، پس مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل نمایند. (۱۲) و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که او ما را به راه‌های (سعادت) ما هدایت کرده است؟ قطعاً ما در برابر هر آزاری که شما نسبت به ما روا دارید، مقاومت خواهیم کرد و اهل توکل باید فقط بر خداوند توکل نمایند. (۱۳) و کفار به پیامبرانشان گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم،

مگر آن که در کیش ما در آید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که ما حتما ستمگران را نابود می‌کنیم. (۱۴) و همانا بعد از (هلاکت) ستمگران، شما را در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این، برای کسانی است که از مقام من پروا کنند و از وعده تهدید آمیزم بترسند. (۱۵) و (پیامبران و مؤمنان) در انتظار فتح و پیروزی بودند، و (لی) تمام ستمگران لجوج محروم ماندند. (۱۶) عاقبت این (ستمگران لجوج) دوزخ است، و از آبی بدبو و چرکین نوشانده می‌شوند. (۱۷) آن (آب چرکین) را جرعه جرعه می‌آشامد، در حالی که فرو بردن آن هرگز گوارا نیست، و مرگ از هر سو به سراغ او می‌آید، ولی او مردنی نیست، و پس از آن، عذاب شدیدی است. (۱۸) مثل (کارهای) کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، همچون خاکستری است که در روز طوفانی تندبادی بر آن بوزد، آنان بر حفظ ذره‌ای از آنچه بدست آورده‌اند، قادر نیستند. این، همان گمراهی دور و عمیق است. (۱۹) آیا ندیدی که خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؟ اگر بخواهد شما را می‌برد و آفریده‌ای جدید (به جای شما) می‌آورد. (۲۰) و این تبدیل و جابه جایی، برای خداوند سخت نیست. (۲۱) و (در قیامت، مردم) همگی در پیشگاه خدا ظاهر شوند. پس ضعیفان به مستکبران گویند: ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، پس آیا (امروز) می‌توانید چیزی از عذاب خدا را از ما بازدارید؟ (آن‌ها در پاسخ) گویند: اگر خداوند ما را (به رهائی از عذاب) هدایت کرد، قطعاً ما شما را هدایت می‌کنیم. بر ما یکسان است که فریاد و ناله بزنیم، یا صبر کنیم (و ضجه‌ای نزنیم) برای ما هیچ راه نجاتی نیست. (۲۲) و (چون کار کيفر و پاداش به اتمام رسد) شیطان (از روی ملامت به دوزخیان) گوید: همانا خداوند به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم ولی با شما تخلف کردم، من بر شما تسلطی نداشتم، جز آن که شما را دعوت کردم و شما (به میل خود) استجابت کردید. پس مرا ملامت و نکوهش نکنید، و خود را سرزنش کنید. (در این روز) نه من می‌توانم فریادرس شما باشم، و نه شما فریادرس من. من از اینکه مرا پیش از این شریک خدا قرار داده بودید بیزارم. قطعاً برای ستمگران عذاب دردناکی است. (۲۳) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغهایی که از زیر درختانش نهرها جاری است داخل شوند آنان با اذن پروردگارشان برای همیشه در آن خواهند بود و تحت آنان به یکدیگر سلام است. (۲۴) آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل زده؟ کلمه طَّيِّبَه (سخن و ایمان) پاک همانند درختی پاک است که ریشه‌اش ثابت و شاخه‌اش در آسمان است. (۲۵) (شجره طَّيِّبَه) با اذن پروردگارش، همواره میوه می‌دهد. و خداوند برای مردم مثل هایی می‌زند، باشد که به یاد آرند و پند گیرند. (۲۶) و مثل سخن (و اعتقاد) پلید همچون درختی پلید (بی ریشه) است که از روی زمین برآمده و هیچ ثباتی ندارد. (۲۷) خداوند در زندگی دنیا و در آخرت، اهل ایمان را با کلام (و عقیده‌ی حق و) ثابت، پایدار قرار می‌دهد و خداوند ستمگران را (به حال خود رها کرده، توفیقشان را گرفته)، گمراه می‌کند. و خداوند آنچه بخواهد (طبق عدل و حکمت خود) انجام می‌دهد. (۲۸) آیا به کسانی که نعمت خداوند را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند نگرستی؟ (۲۹) (آنان) به دوزخ در آیند که چه بد جایگاهی است. (۳۰) (رهبران فاسد) برای خداوند شریک هایی قرار دادند، تا مردم را از راه خدا گمراه نمایند. بگو: کامیاب شوید که قطعاً پایان کار شما آتش است. (۳۱) (ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه‌ای. (۳۲) خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس با آن برای رزق شما از (زمین) میوه‌ها بیرون آورد، و کشتی را رام شما نمود تا به فرمان او در دریا به حرکت درآید، و برای شما نهرها را مسخر نمود. (۳۳) و (خداوند) خورشید و ماه را که دایماً در حرکت هستند، برای شما رام نمود و نیز شب و روز را برای شما مسخر نمود. (۳۴) و (خداوند) از هر آنچه که از او خواستید (و نیاز داشتید) به شما داده است، و اگر (بخواهید) نعمت خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به دقت شماره کنید. همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است. (۳۵) و (به یاد آور) زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را امن قرار ده و من و فرزندانم را از اینکه بت‌ها را پرستیم دور بدار. (۳۶) پروردگارا! همانا بت‌ها بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند، پس هر که مرا پیروی کند، قطعاً او از من است و هر کس با من مخالفت کند، همانا تو

بخشنده‌ی مهربانی. (۳۷) پروردگارا! من (یکی) از ذرّیه‌ام را در وادی (و درّه‌ای بی آب و) بی گیاه، در کنار خانه‌ی گرمی و با حرمت تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم) تا نماز برپا دارند، پس دل های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس گزارند. (۳۸) پروردگارا! همانا تو آنچه را پنهان و یا آشکار کنیم، می دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خداوند پوشیده نمی ماند. (۳۹) ستایش خداوندی را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود. قطعاً پروردگارم شنونده دعاست (و آن را مستجاب می کند). (۴۰) پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذرّیه‌ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. (۴۱) پروردگارا مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را، روزی که حساب بر پا می شود ببخشای. (۴۲) خداوند را از آنچه ستمگران انجام می دهند غافل مپندار، همانا او (کیفر و حساب) آنان را برای روزی به تأخیر می اندازد که چشم ها (از حیرت و وحشت) آن روز خیره می ماند. (۴۳) (روزی که مجرمان از شدت وحشت) شتاب زده، سرها را بالا گرفته، چشم ها و پلک هاشان به هم نخورد و دل هایشان (از امید و تدبیر) تهی است. (۴۴) و مردم را از روزی که عذاب به سراغشان خواهد آمد بترسان. پس کسانی که ظلم کرده اند، خواهند گفت: پروردگارا! ما را تا مدت کوتاهی مهلت ده، تا دعوت تو را اجابت نمایم و از پیامبران پیروی کنیم (به آنان گفته می شود) آیا شما نبودید که پیش از این سوگند یاد می کردید که هرگز برای شما زوال و فناپی نیست؟ (۴۵) و (شما بودید که) در خانه های کسانی که (پیش از شما بودند و) به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید، و برای شما روشن شد که با آنان چه کردیم و برای شما مثل ها زدیم (پس چرا عبرت نگرفتید). (۴۶) به یقین آنان تمام مکر خود را به کار گرفتند، ولی مکر و حیل های آن ها نزد خداست گرچه کوه ها از مکرشان از جا کنده شود. (۴۷) مپندارید که خداوند وعده ای را که به پیامبرانش داده است تخلف می کند، قطعاً خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴۸) روزی که زمین به غیر این زمین و آسمان ها (به آسمان های دیگر) تبدیل شوند و (همه مردم) در پیشگاه خداوند یگانه قهار حاضر شوند. (۴۹) و در آن روز مجرمان را می بینی که در غل و زنجیر بهم بسته شده اند. (۵۰) جامه های آنان از قطران (=ماددهی چسبندهی بدبوی قابل اشتعال همچون قیر) است، و صورت هایشان را آتش می پوشاند. (۵۱) (مجرمان کیفر می شوند) تا خداوند به هر کس سزای آنچه کسب کرده بدهد، چرا که خداوند حساب رسی سریع است. (۵۲) این (قرآن) پیام رسا و ابلاغی برای مردم است تا به وسیله ای آن، هشدار یابند و بدانند که همانا او معبودی یکتاست و تا خردمندان پند گیرند. (۵۳)

الحجر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف لام راء، آن است آیات کتاب (آسمانی) و قرآن روشن و روشنگر. (۲) چه بسا کسانی که کفر ورزیدند آرزو دارند که ای کاش مسلمان بودند. (۳) آنان را (به حال خود) رها کن تا بخورند و بهره مند شوند و آرزوها سرگرمشان کند، پس به زودی (نتیجه این بی تفاوتی ها را) خواهند فهمید. (۴) و ما اهل هیچ قریه ای را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن (کارنامه و) کتابی معلوم بود. (۵) هیچ امتی از اجل خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۶) و کفار گفتند: ای کسی که ادعا داری) ذکر (الهی) بر او نازل شده به یقین تو دیوانه ای. (۷) اگر از راست گویانی چرا فرشتگان را پیش ما نمی آوری؟ (۸) (غافل از آنکه) ما فرشتگان را جز بر اساس حق نمی فرستیم و در آن صورت دیگر کفار مهلت داده نمی شوند. (و قهر فوری الهی آنان را خواهد گرفت). (۹) همانا ما خود قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما خود آن را نگاه داریم. (۱۰) و همانا ما پیش از تو، در میان اقوام و گروه های پیشین (نیز پیامبرانی) فرستادیم. (۱۱) و هیچ پیامبری برایشان نمی آمد، مگر آنکه به استهزای او می پرداختند. (۱۲) اینگونه ما (برای اتمام حجت) قرآن را در دل های مجرمان راه می دهیم. (۱۳) (اما) آنان به آن ایمان نمی آورند و سنت و راه کفار پیشین نیز اینگونه بوده است. (۱۴) و اگر از آسمان دری بر روی آنان بگشاییم تا همواره در آن بالا روند. (۱۵) قطعاً می گفتند در حقیقت ما چشم بندی شده ایم بلکه ما قومی جادو شده ایم. (۱۶) و همانا ما در آسمان برج هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان زینت

دادیم. (۱۷) و آنها را از (دسترس) هر شیطان رانده شده‌ای، حفظ کردیم. (۱۸) مگر آنکه دزدانه گوش فرا داد که شهابی روشن او را دنبال نمود. (۱۹) و زمین را گستراندیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و در آن از هر چیز سنجیده و به اندازه، رویاندیم. (۲۰) و در آن زمین، برای شما و آنکه شما روزی دهنده او نیستید، وسیله‌ی زندگی قرار دادیم. (۲۱) و هیچ چیز نیست مگر آنکه منابع و گنجینه‌های آن نزد ماست و ما جز به مقدار معین فرو نمی‌فرستیم. (۲۲) و بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم در حالی که شما نه خزینه‌دار بارانید و نه می‌توانید آن را برای خود (در ابرها یا در زمین) ذخیره کنید. (۲۳) و البته این مائیم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و مائیم که (بعد از مرگ همه، باقی مانده و) وارث می‌شویم. (۲۴) و بدون شک ما به پیشینیان از شما علم داریم و به آیندگان نیز آگاهیم. (۲۵) و همانا پروردگار تو است که همه آنان را محشور خواهد کرد، زیرا که او حکیم و علیم است. (۲۶) و همانا ما انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه متغیر و بو گرفته، آفریدیم. (۲۷) و قبل از انسان، جن را از آتشی سوزان و نافذ آفریدیم. (۲۸) و (یاد کن) آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من بشری را از گلی خشک سیاه و بدبو شده خلق می‌کنم. (۲۹) پس هر گاه معتدل و استوارش ساختم و از روح خود در او دمیدم پس سجده کنان پیش او بافتید. (۳۰) پس فرشتگان همگی با هم و یک سره سجده کردند. (۳۱) مگر ابلیس که از اینکه با سجده کنان باشد خودداری کرد. (۳۲) (خداوند) فرمود: ای ابلیس! چه شد ترا که همراه (فرشتگان) سجده کنان نیستی؟! (۳۳) (ابلیس) گفت: من اینگونه نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو آفریده‌ای، سجده کنم. (۳۴) (خداوند) فرمود: پس از صف فرشتگان (و این مقام) خارج شو که همانا تو رانده و مطرودی. (۳۵) و البته تا روز جزا بر تو لعنت خواهد بود. (۳۶) (ابلیس) گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که مردم برانگیخته شوند، مهلت بده (و زنده بدار). (۳۷) (خداوند) فرمود: پس همانا تو از مهلت یافتگانی. (۳۸) (آری) نه تا روز قیامت، بلکه) تا روزی که وقت آن معلوم است. (۳۹) (ابلیس) گفت: پروردگارا! به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من هم در زمین (بدی‌ها را) برایشان می‌آرایم و همه را فریب خواهم داد. (۴۰) مگر بندگان اخلاص مند (و برگزیده تو را) از میان آنان. (۴۱) (خداوند) فرمود: این (اخلاص و نجات مخلصین) راه مستقیمی است که خود برعهده دارم. (۴۲) همانا برای تو بر بندگان (برگزیده) من تسلطی نیست، مگر از گمراهانی که تو را پیروی کنند. (۴۳) و البته دوزخ وعده گاه همگی آنهاست. (۴۴) برای آن هفت در است، برای هر در بخشی از آن گمراهان تقسیم شده‌اند. (۴۵) همانا پرهیزکاران در باغها و (کنار) چشمه ساراند. (۴۶) (به آنان خطاب می‌شود): با سلامت و امنیت به باغها وارد شوید. (۴۷) و ما هر گونه کینه‌ای در سینه‌های آنان را برکنده‌ایم، (در نتیجه آنان) برادرانه بر تخت‌ها روبروی یکدیگرند. (۴۸) در آنجا هیچگونه رنجی به آنان نمی‌رسد از آنجا بیرون شدنی نیستند. (۴۹) (ای پیامبر) به بندگانم خبر ده که همانا من خودم بسیار بخشنده و مهربانم. (۵۰) و البته عذاب من نیز همان عذاب دردناک است. (۵۱) و آنان را از (داستان) مهمانان ابراهیم خبر ده. (۵۲) آنگاه که بر او وارد شده و سلام کردند، ابراهیم گفت: همانا ما از شما بیمناکیم. (۵۳) گفتند: مترس که ما تو را به نوجوانی دانا مژده می‌دهیم. (۵۴) ابراهیم گفت: آیا با اینکه پیری به من رسیده، مرا چنین بشارتی می‌دهید؟ پس به چه چیز (عجیبی) بشارت می‌دهید. (۵۵) (مهمانان) گفتند: ما تو را به حقیقت بشارت دادیم، پس از ناامیدان مباش. (۵۶) (ابراهیم) گفت: جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود. (۵۷) (سپس ابراهیم) گفت: ای فرستادگان (الهی) کار شما چیست؟! (۵۸) گفتند: ما به سوی قومی تبه‌کار فرستاده شده‌ایم (تا آنان را هلاک کنیم). (۵۹) مگر خاندان لوط که ما قطعاً همه آنان را از هلاکت نجات می‌دهیم. (۶۰) مگر همسرش که مقدر کرده‌ایم او از بازماندگان (در کیفر) باشد. (۶۱) پس چون فرستادگان (الهی) به سراغ خاندان لوط آمدند. (۶۲) (لوط) گفت: شما گروهی ناشناس هستید. (فرشتگان) گفتند: در واقع ما آنچه را (از نزول عذاب که) درباره‌اش تردید داشتند، برای تو آورده‌ایم. (۶۴) و ما به حق نزد تو آمده‌ایم و قطعاً ما راستگویانیم. (۶۵) پس خاندانت را پاسی از شب (گذشته) حرکت بده و خودت از پشت سرشان برو و هیچ یک از شما (به پشت سر خویش) توجه نکند و به آنجا که مأور شده‌اید بروید. (۶۶) و به لوط این امر حتمی را رساندیم که ریشه و

بن این گروه تبه کار، صبحگاهان قطع شده است. (۶۷) و اهل شهر شادی کنان (برای تعرض به مهمانان به سراغ خانه لوط) آمدند. (۶۸) لوط گفت: همانا این گروه مهمان من هستند پس مرا (در برابر آنان) رسوا نکنید. (۶۹) و از خدا پروا کنید و مرا خوار و شرمند نسازید. (۷۰) (تبه کاران شهر) گفتند: آیا ما تو را از (مهمان کردن) مردم منع نکردیم. (۷۱) (لوط) گفت: اگر شما قصد کاری دارید اینها دختران من هستند. (با آنان ازدواج کنید و از آلودگی به لواط بپرهیزید). (۷۲) (ای پیامبر) به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند. (۷۳) پس به هنگام طلوع آفتاب صیحه‌ای مرگبار آنان را فراگرفت. (۷۴) پس آن شهر را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ هائی از گل سخت بارانیدیم. (۷۵) همانا در این سرگذشت، برای اشارت فهمان و تیزبینان نشانه‌هایی روشن است. (۷۶) و (ویرانه‌های) آن سرزمین (هنوز) در کنار راه (کاروان‌ها) پا برجاست. (۷۷) همانا در این ماجرا برای مؤمنان نشانه‌ای روشن است. (۷۸) و به راستی اهالی سرزمین ایکه (نیز) ستمگر بودند. (۷۹) پس از آنان انتقام گرفتیم و همانا (شهرهای ویران شده) این دو منطقه در برابر چشمان شما آشکار است. (۸۰) و همانا (قوم ثمود) اهالی حجر نیز پیامبران را تکذیب کردند، (۸۱) و ما آیات خود را به آنان ارائه دادیم، ولی آنها از آیات ما روی گردان شوند. (۸۲) و آنان خانه‌های امن در دل کوه‌ها می‌تراشیدند. (۸۳) (اما سرانجام) صیحه (مرگبار) صبحگاهان آنان را فراگرفت. (۸۴) و آنچه را بدست آورده بودند بکارشان نیامد. (۸۵) و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست جز به حق نیافریدیم و قطعاً ساعت قیامت آمدنی است، پس به نیکویی (از لغزش‌ها) صرف نظر کن. (۸۶) همانا پروردگار تو، اوست آفریننده دانا. (۸۷) و همانا ما به تو سبع المثنی (سوره حمد) و قرآن بزرگ دادیم. (۸۸) ای پیامبر به آنچه که ما با آن گروه‌های از کفار را کامیاب کرده‌ایم، چشم مدوز و بر آنان اندوه مخور و بال محبت خویش را برای مؤمنان فروگستر. (۸۹) و بگو همانا من همان هشدار دهنده روشن‌گرم. (۹۰) (ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همانگونه که بر تجزیه‌کنندگان آیات الهی فرستادیم. (۹۱) آنان که قرآن را قطعه قطعه کردند. (آنچه به سودشان بود گرفتند و آنچه نبود رها کردند). (۹۲) پس به پروردگارت سوگند ما از همه آنان (در قیامت) حتماً بازخواست خواهیم کرد. (۹۳) از آنچه انجام می‌داده‌اند. (۹۴) پس آنچه را بدان مأ‌مور شده‌ای آشکار کن و از مشرکان اعراض نما (و به آنان اعتنا نکن). (۹۵) همانا ما تو را از (شر) استهزاکنندگان کفایت کردیم. (۹۶) همانان که معبود دیگری را در کنار خداوند قرار می‌دهند. پس به زودی حقیقت را خواهند فهمید. (۹۷) (ای پیامبر) البته ما می‌دانیم که سینه‌ات بواسطه آنچه می‌گویند، تنگ می‌شود. (۹۸) پس (برای تقویت خود) پروردگارت را با سپاس و ستایش به پاکی یاد کن و از سجده‌کننده‌گان باش. (۹۹) و پروردگارت را پرستش کن تا آنکه (مرگ) یقینی تو را فرارسد. (۱۰۰)

النحل

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) فرمان (قهر) خدا آمد پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و برتر از هر چیزی است که با او شریک می‌سازند. (۲) خداوند فرشتگان را، همراه با وحی که از فرمان اوست، بر هر کس از بندگانش که بخواهد فرو می‌فرستد که مردم را هشدار دهید که معبودی جز من نیست پس تنها از من پروا کنید (و مخالف دستور عمل نکنید). (۳) او آسمان‌ها و زمین را براساس حق آفرید، او از آنچه با او شریک می‌سازند برتر است. (۴) او انسان را از نطفه‌ای آفرید، پس آنگاه او به آشکارا با (خداوند) دشمنی می‌ورزد. (۵) و چهارپایان را آفرید، که برای شما در آنها وسیله گرمی و بهره‌هایی است و از (گوشت و شیر) آنها می‌خورید. (۶) و برای شما در چهارپایان، (شب هنگام) که از چراگاه برمی‌گردانید و (بامدادان) که به چراگاه می‌فرستید، شکوه و جلوه‌ای است. (۷) و چهارپایان بارهای سنگین شما را به شهری می‌برند که جز به رنج تن نمی‌توانستید به آن برسید. همانا پروردگار شما رؤف و مهربان است. (۸) و اسبان و استران و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و برای شما تجملی باشد و چیزهایی را می‌آفریند که نمی‌دانید. (۹) و بر خداست که راه میانه (و مستقیم) را به مردم نشان دهد) و برخی از آن (راه‌ها) منحرف است و اگر خداوند بخواهد همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند. (ولی اجبار سودی ندارد و سنت و برنامه خداوند بر آزاد گذاشتن انسان‌ها

است). (۱۰) اوست آنکه برای شما از آسمان آبی فرستاد که نوشیدنی شما از آن است و گیاهانی که (چهارپایان خود را) در آن می‌چرانید، (نیز) از آن است. (۱۱) خداوند بوسیله آن آب برای شما کشتزار و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر نوع میوه‌ای می‌رویانند. همانا در این امر برای آنان که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن است. (۱۲) و خداوند شب و روز و خورشید و ماه را در خدمت و بهره‌دهی شما قرار داد و ستارگان به فرمان او تسخیر شده‌اند البته در این امر برای گروهی که تعقل می‌کنند نشانه‌هایی قطعی (از عظمت و قدرت و حکمت و رأفت) اوست. (۱۳) و (همچنین) آنچه را در زمین با رنگ‌های گوناگون برای شما پدید آورد. البته در این آفریده‌ها برای پندگیران عبرت و نشانه‌ای روشن است. (۱۴) و اوست آنکه دریا را رام نمود تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورهایی برای پوشیدن از آن بیرون آورید و می‌بینی که کشتی‌ها سینه دریا را شکافته (و پیش می‌روند، چنین کرد تا از کشتی‌ها، تجارت‌ها، ماهی‌گیری‌ها، غواصی‌ها و حمل و نقلها که همه وسیله درآمد است، استفاده کنید) و به سراغ فضل و لطف او روید و شاید سپاسگزار باشید. (۱۵) و خداوند در زمین کوه‌هایی استوار افکند تا زمین شما را نلرزاند و نهرهایی و راه‌هایی (قرار داد) تا راه یابید. (۱۶) و نشانه‌های دیگری (در زمین قرار داد) و آنان به وسیله ستاره راه می‌یابند. (۱۷) پس آیا آنکه می‌آفریند همانند کسی است که نمی‌آفریند؟ پس آیا یاد نمی‌کنید و پند نمی‌گیرید؟ (۱۸) و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید، نمی‌توانید شماره کنید. همانا خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۱۹) و خداوند آنچه را پنهان می‌کنید و آنچه را آشکار می‌سازید می‌داند. (۲۰) و کسانی را که بجای خدا می‌خوانند، هیچ چیز نمی‌آفرینند و خود نیز آفریده شده‌اند. (۲۱) آنها مرده گانند نه زنده گان، و نمی‌دانند چه وقت برانگیخته خواهند شد. (۲۲) معبود شما معبودی است یگانه، پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان به انکار خو کرده و همانان مستکبرند. (۲۳) البته و بی‌گمان، آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکارا می‌نمایند، خداوند می‌داند. همانا او مستکبران را دوست ندارد. (۲۴) و هرگاه به آنان گفته شد: پروردگارتان چه نازل کرده؟ گفتند افسانه‌های پیشینیان. (۲۵) آنان باید در روز قیامت هم بار گناهان خود را به تمامی به دوش کشند و هم بخشی از بار گناهان کسانی که بدون علم آنان را گمراه می‌نمایند بدانند که چه بد باری را برمی‌دارند. (۲۶) همانا کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) مکر ورزیدند، پس قهر خداوند به سراغ پایه‌های بنای آنان آمد، پس سقف از بالای سرشان بر آنان فرو ریخت و از آنجا که اندیشه‌اش را نمی‌کردند، عذاب الهی آمد. (۲۷) (به علاوه) خداوند در روز قیامت آنان را خوار و رسوا خواهد ساخت و می‌گوید: شریکان من که درباره آنها (با پیامبر و مؤمنان) ستیزه و مخالفت می‌کردند، کجا هستند؟ (در این هنگام) دانشمندان گویند: همانا امروز، ذلت و رسوایی بر کافران است. (۲۸) آن کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند (در حالی که) به خود ستم کار بوده‌اند، پس (در آن موقع آنان) سر تسلیم فرو آرند (و به دروغ گویند): ما هیچگونه کار بدی انجام نداده‌ایم. چنین نیست، بلکه قطعاً خداوند به آنچه انجام داده‌اید، آگاه است. (۲۹) پس، از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آنجا خواهید ماند، و برآستی چه بد است جایگاه متکبران. (۳۰) و به پرهیزکاران گفته شد: پروردگارتان چه نازل کرده است؟ گویند: خیر (نازل کرده است) برای کسانی که نیکی کرده‌اند در این دنیا نیکی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است و چه نیکوست سرای پرهیزکاران. (۳۱) به باغهایی دائمی داخل خواهند شد که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، هر چه را بخواهند برای ایشان در آنجا موجود است، خداوند اینگونه پرهیزکاران را پاداش می‌دهد. (۳۲) به آنان که (از آلودگی‌های شرک و گناه) پاکند، فرشتگانی که جانشان را می‌ستانند، می‌گویند: سلام علیکم. به پاداش آنچه انجام داده‌اید، به بهشت داخل شوید. (۳۳) آیا کفار جز آنکه فرشتگان (مأ مور قبض روح) یا فرمان (قهر) پروردگارت به سراغشان آید انتظاری دارند، کسانی که پیش از آنان بودند نیز چنین کردند و خداوند به آنان ظلم نکرد، لکن آنها به خودشان ستم می‌کردند. (۳۴) پس کیفر بدی‌هایی که انجام دادند به آنان رسید و آنچه که آنان به مسخره می‌گرفتند آنان را فراگرفت. (۳۵) و کسانی که شرک ورزیدند، گفتند: اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدرانمان هیچ چیزی را غیر از او نمی‌پرستیدیم و بدون حکم او هیچ چیزی را حرام نمی‌کردیم. کسانی که پیش از اینان بودند نیز اینگونه برخورد می‌کردند، پس مگر جز ابلاغ روشن، وظیفه دیگری بر پیامبران

است؟ (۳۶) و همانا ما در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را پرستید و از طاغوت (و هر معبودی جز خدا) دوری نمایید، پس گروهی از مردم کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و بعضی از آنان گمراهی بر آنان سزاوار است، پس در زمین سیر و سفر کنید، تا ببینید که پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ (۳۷) (ای پیامبر) اگر چه بر هدایت آنان حرص می‌ورزی، اما (بدان که) قطعاً خداوند کسی را که (بخاطر سوء انتخاب و عملش) گمراه کرده هدایت نمی‌کند و برای آنان هیچ یآوری نیست. (۳۸) و با شدیدترین نوع سوگندشان، به خدا سوگند یاد کردند که هر کس می‌میرد خداوند او را بر نخواهد انگیخت. آری (رستخیز مردگان) وعده حقی است بر خداوند (و آن را وفا خواهد کرد) و لکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۹) (رستخیز مردگان) برای آن است که (خداوند) چیزی را که مردم در آن اختلاف می‌کنند روشن سازد و کسانی که کفر ورزیدند بدانند که آنها خودشان دروغگو بودند، (نه انبیا). (۴۰) (رستخیز مردگان برای ما کار مهمی نیست، زیرا) هر گاه چیزی را اراده کنیم، همانا گفتار ما برای آن چیز این است که به آن می‌گوییم باش، پس (بی درنگ) موجود می‌شود. (۴۱) و کسانی که پس از آنکه ستم دیدند در راه خدا هجرت کردند، بدون شک ما در همین دنیا جایگاه نیکویی به آنان خواهیم داد و اگر می‌دانستند البته پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود. (۴۲) (آنان) کسانی هستند که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکل می‌نمایند. (۴۳) ما قبل از تو نیز، جز مردانی که به سویشان وحی می‌نمودیم (فرشته یا موجود دیگری را) نفرستادیم (که آنها از آمدن تو تعجب می‌کنند، به آنها بگو): اگر نمی‌دانید از اهل ذکر پرسید. (۴۴) (ما پیامبران پیش از تو را) همراه با معجزات و کتب (آسمانی فرستادیم) و به سوی تو ذکر (قرآن) را فرو فرستادیم، تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده روشن بیان کنی و شاید بیاندیشند. (۴۵) آیا کسانی که بدی‌ها را با حيله و نیرنگ انجام دادند، درامانند، از اینکه خداوند آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که پیش بینی و اندیشه نمی‌کنند، عذاب الهی به سراغشان آید. (۴۶) یا (قهر الهی) در حین تلاش و کوششان ناگهان آنان را بگیرد، پس نتوانند آن عذاب را خنثی و عاجز نمایند. (۴۷) یا آنکه در حال دلهره آنان را بگیرد، پس البته پروردگار شما رؤف و مهربان است. (۴۸) آیا چیزهایی را که خداوند آفریده ندیده‌اند که چگونه از راست و چپ سایه‌هایشان می‌گسترند و در حال سجده، فروتانه خضوع دارند. (۴۹) و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از جنبه و فرشتگان، تنها برای خداوند سجده می‌کنند و تکبیر و سرپیچی نمی‌کنند. (۵۰) و از پروردگارشان که حاکم و محیط بر آنهاست می‌ترسند و آنچه را فرمان داده شده‌اند انجام می‌دهند. (۵۱) و خداوند فرمود دو معبود نگیرید، فقط او معبود یکتاست، پس تنها از من بترسید. (۵۲) و آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست و پرستش و فرمان برداری پیوسته برای اوست، پس آیا از غیر خداوند پروا می‌کنید. (۵۳) و آنچه از نعمت دارید، پس از خداوند است. (به علاوه) هر گاه نگرانی و بلا به شما رسد، تنها به سوی او ناله می‌کنید. (۵۴) اما همین که نگرانی و محنت را از شما برطرف کرد، ناگهان گروهی از شما نسبت به پروردگارشان شرک می‌ورزند. (و عوامل و افراد دیگری را در دفع بلا مؤثر می‌دانند). (۵۵) تا آنچه را (از نعمت و برطرف کردن سختی‌ها) به آنان داده‌ایم (بخاطر شرک‌ورزی) ناسپاسی کنند، پس کامیاب شوید که به زودی خواهید دانست (سزای کفران و شرک شما چیست؟). (۵۶) و (مشرکان) سهمی از آنچه را ما روزی آنان کرده‌ایم برای بت‌هایی قرار می‌دهند که هیچ نمی‌دانند. به خدا سوگند حتماً از آنچه افتراء می‌بندید بازخواست خواهید شد. (۵۷) و برای خداوند دختران را قرار می‌دهند، در حالی که او (از فرزند داشتن) منزّه است ولی برای خودشان آنچه را (از پسران) که علاقه دارند (قرار می‌دهند). (۵۸) و هر گاه یکی از آن مشرکان به دختر دارشدن بشارت داده شود، صورتش از غصه سیاه می‌شود، در حالی که خشم خود را فرو می‌برد. (۵۹) بخاطر بشارت تلخی که به او داده شده، از میان مردم متواری می‌شود (درمانده است که) آیا این دختر را همراه با ننگ و خفت نگاه دارد یا او را در خاک پنهان کند. بدانید که چه بد قضاوت می‌کنند. (۶۰) برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند صفات زشت است ولی برای خداوند صفات برتر است و اوست خداوند عزیز و حکیم. (۶۱) و اگر خداوند مردم را بخاطر ستمشان مؤاخذه و عذاب کند، هیچ جنبنده‌ای را روی آن (زمین) باقی نمی‌گذارد و لکن (سنت خداوند بر مهلت دادن است و) کیفر آنان را تا زمان معینی به تأخیر

می‌اندازد، پس همینکه اجلشان فرا رسد نمی‌توانند نه ساعتی پس و نه ساعتی پیش افکنند. (۶۲) و مشرکان، آنچه را برای خود نمی‌پسندند برای خدا قرار می‌دهند و زبانشان به دروغ می‌گویند که نیکوتر برای آنان است. حقا که آتش برای آنان است و آنان (به سوی آن) پیشگامانند. (۶۳) به خدا سوگند که همانا ما به سوی امت‌های پیش از تو (نیز) پیامبرانی فرستادیم، پس شیطان کارهای (ناپسند) ایشان را برایشان زیبا جلوه داد، پس (آن شیطان) امروز نیز سرپرست آنهاست و برای آنان عذاب دردناکی است. (۶۴) و ما کتاب (آسمانی قرآن) را بر تو فرو فرستادیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برای آنان روشن بیان کنی و (این کتاب) برای گروهی که ایمان می‌آورند مایه‌ی هدایت و رحمت است. (۶۵) و خداوند از آسمان آبی فرستاد، پس بواسطه آن زمین را پس از آنکه پژمرده بود زنده کرد، البته در این (باریدن و روئیدن) برای گروهی که (سخن حق را با جان و دل) می‌شنوند نشانه‌ای روشن است. (۶۶) و بی‌گمان برای شما در (آفرینش) چهارپایان عبرتی است، ما شما را از آنچه در درون آنهاست، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالصی که برای نوشندگان گوارا است سیراب می‌کنیم. (۶۷) و از میوه‌های درختان خرما و انگور، هم (نوشیدنی) مست‌کننده و هم رزق نیکو می‌سازید. البته در این امر برای گروهی که تعقل می‌کنند نشانه روشنی است. (۶۸) و پروردگارت به زنبور عسل وحی (و الهام‌گریزی) کرد که از بعضی کوه‌ها و درختان و از داربست‌هایی که مردم می‌سازند خانه‌هایی بسازد. (۶۹) سپس از همه میوه‌ها بخورد، پس راه‌های پروردگارت را خالصانه طی کن. از شکم‌های آنها نوشیدنی رنگارنگ بیرون می‌آید که در آن شفای مردم است، البته در این (زندگی زنبور) برای کسانی که فکر می‌کنند قطعا عبرتی است. (۷۰) و خداوند شما را آفرید سپس (جان) شما را می‌گیرد و بعضی از شما به پست‌ترین دوران عمر (پیری) بازگردانده می‌شود، تا آنجا که بعد از دانستن (بسیاری از مطالب، بخاطر پیری همه را فراموش می‌کند و دیگر) چیزی نمی‌داند. البته خداوند آگاه و توانمند است. (۷۱) و خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر در روزی برتری داده است، پس کسانی که برتری داده شده‌اند، رزق خود را بر زیردستان خود رد نمی‌کنند تا آنکه همه با هم برابر شوند. پس آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند؟ (۷۲) و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی قرار داد و از پاکیزه‌ها شما را روزی داد، پس آیا (باز هم) به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفر می‌ورزند؟ (۷۳) و به جای خداوند بت‌هایی را می‌پرستند که برای آنان مالک هیچگونه رزقی از آسمان‌ها و زمین نیستند و نمی‌توانند (روزی دهند). (۷۴) پس بت‌ها را امثال و مانند خدا بشمارید. همانا خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. (۷۵) خداوند، برده مملوکی را مثل می‌زند که بر هیچ چیز توانایی ندارد و کسی که (آزاد است و) ما به او رزق نیکو از جانب خود داده‌ایم، پس او مخفیانه و آشکارا از آن رزق انفاق می‌کند. آیا (این دو نفر) برابرند؟ (اگر نزد شما دو انسان توانا و ناتوان برابر نیستند، پس چگونه سنگ و چوب را با خداوند برابر می‌دانید) ستایش مخصوص خداست، اما بیشترشان نمی‌دانند. (۷۶) و خداوند دو مرد را مثال می‌زند که یکی از آن دو گنگ است که بر هیچ چیز توانایی ندارد و سربرار مولای خویش است، بگونه‌ای که هر کجا او را می‌فرستد، هیچ سودی با خود نمی‌آورد، آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه مستقیم می‌رود برابر است؟ (۷۷) غیب آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و برپایی قیامت (در سرعت و آسانی) جز مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر نیست. البته خداوند بر هر چیزی قادر است. (۷۸) و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشمها و دل‌ها قرار داد، شاید شما شکر کنید. (۷۹) آیا به پرندگان نمی‌نگرند، در حالی که در فضای آسمان در قبضه (او) هستند، جز خداوند آنها را نگاه نمی‌دارد. البته در این (پرواز) برای گروهی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی روشن است. (۸۰) و خداوند برای شما از خانه‌هایتان، مایه آرامش قرار داد، و برای شما از پوست‌های چهارپایان خیمه‌هایی قرار داد، که روز کوچ شما و روز اقامت شما (حمل و نقل) آنرا سبک و خفیف می‌باید. و از پشم و کرک و موهای آنها، برای مدتی لوازم و اسباب زندگی قرار داد. (۸۱) و خداوند از آنچه آفریده، برای شما سایه‌ها قرار داد و از کوه برایتان، غارها قرار داد و برای شما لباس‌هایی قرار داد که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند و لباس‌هایی که شما را از

آسیبهای یکدیگر حفظ می‌نماید. اینگونه (خداوند) نعمت خود را بر شما تمام می‌کند، باشد که خود را تسلیم او کنید. (۸۲) پس (ای پیامبر) اگر روی برتافتند، پس بر (عهده) تو جز تبلیغ روشن نیست. (۸۳) (آنها) نعمت خداوند را می‌شناسند، سپس آنرا انکار می‌کنند و بیشتر آنان کافر و ناسپاسند. (۸۴) و (یاد کن) روزی را که از هر امتی شاهدی برانگیزیم، سپس به کسانی که کفر ورزیدند اجازه (هیچ کلامی) داده نخواهد شد و آنها برای عذرخواهی فراخوانده نمی‌شوند. (۸۵) و چون کسانی که ستم کردند عذاب را ببینند، پس نه از آنان عذاب کم شود و نه مهلتشان داده شود. (۸۶) و چون کسانی که شرک ورزیدند، شرکای (پنداری) خود را (در قیامت) ببینند، گویند پروردگارا اینان شریکان (خیالی) ما بودند که ما به جای تو می‌خواندیم (ولی شرکا به سخن آمده) حرف آنان را به خودشان برگردانده (و پاسخشان دهند) که شما بدون شک دروغ‌گوید. (۸۷) در چنین روزی به پیشگاه خدا سر تسلیم افکنند و آنچه را به دروغ می‌بافتند، از آنان محو شود. (۸۸) کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به سزای فساد مداومشان عذابی بر عذابشان افزودیم. (۸۹) و (یاد کن) روزی را که در هر امتی، شاهدی بر آنان از خودشان برانگیزیم و تو را بر آنان گواه آوریم و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است و مایه‌ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است. (۹۰) همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان و دادن (حق) خویشاوندان، فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهی می‌فرماید و شما را موعظه می‌کند باشد که متذکر شوید. (۹۱) و به عهد خدا آنگاه که پیمان بستید وفادار باشید و سوگندها را پس از استوار ساختنش نشکنید، زیرا که خدا را بر خودتان کفیل (و گواه و ضامن) قرار داده‌اید. همانا خداوند آنچه انجام می‌دهید می‌داند. (۹۲) و مانند آن زن نباشید که بافته‌ی خویش را پس از محکم بافتن، رشته رشته می‌کند، (بدینگونه که شما) سوگندهای خود را دست‌آویز (فریب و خیانت) میان خودتان می‌گیرید به خیال آنکه گروهی از گروه دیگری بیشتر است، (بخاطر تعداد یا منافع گروهی، ایمانی که با گروه ضعیف بسته‌اید بشکنید) جز این نیست که خداوند شما را با آن سوگندها، آزمایش می‌کند و حتماً آنچه را که در آن اختلاف می‌کردید در قیامت برایتان روشن خواهد ساخت. (۹۳) و اگر خداوند خواسته بود (همه شما را به طور اکراه و اجبار) یک امت (مؤمن و) متحد قرار داده بود، (تا میان شما هیچ اختلافی نباشد، ولی این اجبار و اکراه خلاف سنت و برنامه اوست و لذا) هر که را بخواهد گمراه می‌کند (و به حال خودش وامی‌گذارد) و هر که را بخواهد (و استحقاق هدایت دارد) هدایت می‌کند و قطعاً شما از آنچه انجام می‌دادید بازخواست خواهید شد. (۹۴) و سوگندهایتان را مایه‌ی فریب میان خودتان قرار ندهید، تا مبادا گامی بعد از استواری‌اش بلغزد، (که در این صورت حرمت و قداست سوگند و پیمان و اطمینان شکسته می‌شود) و بخاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا بدی را خواهید چشید و برای شما عذابی بزرگ است. (۹۵) و پیمان خدا را با بهای کمی معامله نکنید، زیرا اگر بدانید، آنچه نزد خداست همان برای شما بهتر است. (۹۶) آنچه نزد شماست به پایان می‌رسد، و آنچه نزد خداست باقی و پایدار است، و کسانی که صبر پیشه کردند، همانا مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می‌کردند، پاداش خواهیم داد. (۹۷) هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و قطعاً مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می‌کرده‌اند، پاداش خواهیم داد. (۹۸) پس هرگاه خواستی قرآن بخوانی، از (شر) شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر. (۹۹) البته شیطان را بر کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، غلبه و سلطه‌ای نیست. (۱۰۰) غلبه و سلطه‌ی شیطان تنها بر کسانی است که (با پیروی از او) سلطه و ولایت او را می‌پذیرند، و (بر) کسانی است که آنان (به واسطه فریب شیطان) به خدا شرک آورده‌اند. (۱۰۱) و هرگاه آیه‌ای را جایگزین آیه‌ای کنیم، در حالی که خداوند به آنچه نازل می‌کند داناتر است، (و می‌داند در چه شرایطی چه دستوری دهد) مخالفان گویند: همانا تو دروغ بافی، (چنین نیست) بلکه بیشترشان نمی‌دانند (که تغییر قانون بخاطر هوس، پشیمانی و ضعف و سردرگمی نیست، بلکه بر اساس مصلحت است). (۱۰۲) بگو آن (قرآن) را روح القدس (جبرئیل) از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت قدم و استوار گرداند و برای مسلمانان (مایه‌ی) هدایت و بشارت باشد. (۱۰۳) و البته ما می‌دانیم که مخالفان تو می‌گویند: جز این نیست که

بشری آن (قرآن) را به او می آموزد. (اینگونه نیست، زیرا) زبان کسی را که (این قرآن را) به او نسبت می دهند غیر عربی و نارساست، در حالی که این (قرآن) زبان عربی روشن است. (۱۰۴) همانا کسانی که به آیات خداوند ایمان نمی آورند، خداوند آنان را هدایت نمی کند و برایشان عذابی دردناک است. (۱۰۵) جز این نیست که دروغ را تنها کسانی می سازند که آیات خدا را باور ندارند و آنان خود دروغگویانند، (نه پیامبری که با تمام وجود به خدا ایمان دارد). (۱۰۶) کسی که بعد از ایمان به خدا کافر (و مرتد) شود، نه آنکه او را به زور وادار کرده اند (که با زبان اظهار کفر کند) در حالی که قلبش به ایمان خویش مطمئن است، بلکه کسی که سینه به روی کفر بگشاید (و بعد از ایمان با شادی به استقبال کفر برود) پس بر آنان از طرف خداوند غضبی است و برایشان عذابی بزرگ است. (۱۰۷) آن (قهر الهی) بخاطر آن است که آنان زندگی دنیا را بر آخرت برگزیدند، و قطعاً خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. (۱۰۸) آنانند کسانی که خداوند بر دلها و گوش و چشمانشان، مهر نهاده است و آنان همان غافلانند. (۱۰۹) شک نیست که آنان حتماً در آخرت همان زیانکارانند. (۱۱۰) پس قطعاً پروردگار تو برای کسانی که پس سختی ها (بی که از کفار دیدند برای حفظ آیین یا توبه) هجرت کرده و به جهاد برخاسته و پایداری نمودند، همانا پروردگارت از آن پس قطعاً آمرزنده مهربان است. (۱۱۱) روزی بیاید که هر کس تنها به جدال و دفاع از خویشتن پردازد و به هر کس آنچه را انجام داده جزای کامل داده می شود و آنان مورد ظلم قرار نمی گیرند. (۱۱۲) و خداوند (برای شما) قریه ای را مثال می زند که امن و آرام بود، روزیش از هر سو فراوان می رسید، اما (مردم آن قریه) نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، پس خداوند به (سزای) آنچه انجام می دادند، پوشش فراگیر گرسنگی و ترس را بر آنان چشاند. (۱۱۳) البته پیامبری از میان خودشان به سراغشان آمد، اما او را تکذیب کردند، پس ایشان را در حالی که ستمکار بودند، عذاب فراگرفت. (۱۱۴) پس، از آن چیزهای حلال و پاکیزه ای که خداوند روزی شما کرده بخورید، و اگر تنها او را می پرستید نعمت خدا را شکر گزارید. (۱۱۵) جز این نیست که (خداوند) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا (به هنگام ذبح) بر آن برده شده، بر شما حرام کرده است، پس هر کس (به خوردن اینها) ناچار شود، بدون آنکه (قصد) تجاوز و تعدی (به حکم خداوند) داشته باشد و یا (از نیاز ضروری) تجاوز کند، (مانعی برای خوردنش نیست) زیرا که خداوند بخشنده مهربان است. (۱۱۶) و با هر دروغی که به زبانتان می آید نگویید: این حلال است و آن حرام، تا بر خدا دروغ بسته باشید. زیرا کسانی که بر خداوند دروغ می بندند رستگار نمی شوند. (۱۱۷) (سرچشمه ای همه افتراها رسیدن به دنیایی است که) بهره ای اندک است، در حالی که برای آنان (در آخرت) عذابی دردناک است. (۱۱۸) و بر کسانی که یهودی بودند آنچه را که پیش از این بر تو نقل کردیم حرام کردیم، (در سوره انعام که قبل از نحل نازل شده، علاوه بر مردار و خون، چیزهای دیگری بخاطر گوشمالی یهودیان، حرام شده است.) و (لی ما با تحریم) ظلمی بر آنان نکردیم، و لکن (تحریم ما کيفر) ستمی بود که آنان بر خویش روا داشته بودند. (۱۱۹) سپس البته پروردگار تو برای کسانی که از روی نادانی کار بدی کردند آنگاه از پس آن توبه کرده و به کار شایسته پرداختند همانا پروردگارت پس از آن توبه، قطعاً بخشنده مهربان است. (۱۲۰) همانا ابراهیم (به تنهایی) یک امت بود، در برابر خدا خاضع و فرمان بر و حق گرا بود، و از مشرکان نبود. (۱۲۱) او نسبت به نعمت های خداوند شکر گزار بود، (خدا) او را برگزید و به راهی مستقیم هدایتش کرد. (۱۲۲) و در دنیا به او نیکی دادیم و قطعاً او در آخرت (نیز) از صالحان و شایستگان است. (۱۲۳) سپس به تو وحی کردیم که از آئین ابراهیم حق گرا پیروی کن، و او از مشرکان نبود. (۱۲۴) همانا (حکم) تعطیلی (و بزرگداشت روز) شنبه بر کسانی قرار داده شد که در آن اختلاف کردند و قطعاً پروردگارت در روز قیامت درباره ی آنچه آنان (یهودیان) دائماً در آن اختلاف می کردند، قضاوت خواهد کرد. (۱۲۵) (ای پیامبر مردم را) با حکمت (و گفتار استوار و منطقی) و پند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و (با مخالفان) به شیوه ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن، همانا پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده آگاه تر است و (همچنین) او هدایت یافتگان را بهتر می شناسد. (۱۲۶) و اگر عقوبت می کنید، چنان عقوبت کنید که شما را بدان عقوبت کردند و البته اگر صبر و شکیبایی کنید قطعاً صبر برای صابران بهتر است. (۱۲۷) (و ای پیامبر) صبر پیشه

کن و صبر تو جز (به یاری و توفیق) خداوند نیست و بر آنان اندوه مخور، و از آنچه مکر و تدبیرهای خصمانه‌ای که می‌کنند، دلتنگ و در فشار مباش. (۱۲۸) زیرا که خداوند با کسانی است که تقوی پیشه کردند و (با) کسانی (است) که آنان نیکو کارند. (۱۲۹)

الإسراء

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) پاک و منزّه است آن (خدایی) که بنده‌اش را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی که اطرافش را برکت داده‌ایم شبانه برد، تا از نشانه‌های خود به او نشان دهیم. همانا او شنوا و بیناست. (۲) ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم و او را هدایت گر بنی اسرائیل قرار دادیم، که غیر از من تکیه گاه و کارسازی نگیرید. (۳) (ای بنی اسرائیل!) ای فرزندان کسانی که آنان را همراه نوح، سوار (بر کشتی) کردیم و (نجات دادیم!) همانا نوح، بنده‌ای بسیار شکرگزار بود (شما هم مثل او باشید، تا نجات یابید). (۴) ما در کتاب (تورات)، به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می‌کنید و برتری‌جویی بزرگی خواهید کرد. (۵) پس همین که وعده‌ی نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را (برای سرکوبی شما) برانگیزیم. پس درون خانه‌ها را جستجو کنند (تا فتنه‌گران را یافته کیفر دهند) و آن، وعده‌ای قطعی است. (۶) سپس، جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم. (۷) اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید (باز هم) به خود بد کرده‌اید. پس همین که وعده‌ی (فسادگری) دوم فرا رسد (جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می‌فرستیم) تا سیمای (نظامی و عزت دنیوی) شما را زشت نمایند و (برای گرفتن قدرت) به مسجد الاقصی وارد شوند، همان گونه که بار نخست وارد شدند و تا آنچه را زیر سلطه درآورده‌اند، به سختی ویران کنند. (۸) امید است که پروردگارتان بر شما رحم کند و اگر باز گردید (و دوباره فتنه کنید) ما نیز برمی‌گردیم (و قهر خود را می‌فرستیم) و ما دوزخ را برای کافران، زندانی سخت قرار داده‌ایم. (۹) همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برایشان پاداش بزرگی است. (۱۰) و آنان که به آخرت ایمان نمی‌آورند، برایشان عذابی دردناک، آماده کرده‌ایم. (۱۱) و انسان (شتابزده و نادان) همانگونه که خیر را می‌طلبد، شر را هم می‌طلبد و انسان همواره عجول است. (۱۲) و ما شب و روز را دو نشانه (از قدرت خود) قرار دادیم، پس نشانه‌ی شب (روشنی ماه) را زدودیم و نشانه‌ی روز (خورشید) را روشنگر ساختیم تا فضل و روزی از پروردگارتان بجوید و تا شمار سالها و حساب را بدانید و ما هر چیز را به روشنی بیان کردیم. (۱۳) و کارنامه‌ی هرانسانی را در گردنش بسته‌ایم و روز قیامت برای او نوشته‌ای بیرون آوریم که آن را در برابر خود گشوده می‌بیند. (۱۴) (در قیامت به انسان گفته می‌شود:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خودت حسابگر خویش باشی. (۱۵) هر کس هدایت یافت، پس همانا به سود خویش هدایت یافته است و هر کس گمراه شد، تنها به زیان خویش گمراه شده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و ما هرگز عذاب کننده نبوده‌ایم، مگر آنکه پیامبری بفرستیم (و اتمام حجت کنیم). (۱۶) و هرگاه بخواهیم (مردم) منطقه‌ای را (به کیفر گناهشان) هلاک کنیم، به خوشگذرانان آنان فرمان می‌دهیم، پس در آن مخالفت و عصیان می‌کنند، که مستحقّ عذاب و قهر الهی می‌شوند، سپس آنجا را به سختی درهم می‌کوبیم. (۱۷) و چه بسیار مردمانی را که پس از نوح (به کیفر گناه و کفرشان) نابود کردیم و همین کافی است که پروردگارت به گناهان بندگانش آگاه و بیناست. (۱۸) هر کس پیوسته زندگی دنیای زودگذر را بخواهد، به مقداری که بخواهیم و برای هر که اراده کنیم، در این دنیا بشتاب فراهم می‌کنیم، سپس جهنّم را برایش قرار می‌دهیم که با شرمندگی و طردشدگی، وارد آن خواهد شد. (۱۹) و هر کس خواهان آخرت باشد و برای آن تلاش شایسته و در خور کند، و مؤمن باشد، پس تلاش آنان سپاس گزارده می‌شود. (۲۰) ما از عطای پروردگارت، اینان (فرصت طلبان) و آنان (دنیا طلبان) را کمک می‌کنیم و عطای پروردگارت از کسی منع

نمی‌شود. (۲۱) بنگر که چگونه بعضی از آنان را بر بعض دیگر برتری دادیم، و قطعاً درجات آخرت، بزرگتر و ارزشمندتر است. (۲۲) با خداوند معبود دیگری قرار مده که نکوهیده و سرافکننده خواهی نشست. (۲۳) پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «اف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگووارانه سخن بگو. (۲۴) و از روی مهربانی و لطف، بال تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! بر آن دو رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند. (۲۵) پروردگارتان به آنچه در درون شماست، آگاه‌تر (از خودتان) است. اگر صالح باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است. (۲۶) حقّ خویشاوند و بیچاره و در راه‌مانده را ادا کن و هیچگونه ریخت و پاش و اسراف نکن. (۲۷) همانا اسراف‌کاران برادران شیطان‌ها و شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود. (۲۸) و اگر به انتظار رحمتی از پروردگارت که به آن امیدواری، از آنان اعراض می‌کنی، پس با آنان سخنی نرم بگو. (۲۹) و نه دست خود را به گردنت بسته بدار (که هیچ انفاقی نکنی) و نه آن را کاملاً باز گذار (که چیزی برای خودت نماند و) سرزنش شده و حسرت خورده (به کنجی) نشینی. (۳۰) همانا پروردگارت برای هر کس بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می‌سازد، همانا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (۳۱) فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ! (۳۲) به زنا نزدیک نشوید، که کار زشت و راه بدی است. (۳۳) و کسی را که خداوند، (قتل او را) حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولی او تسلط (و اختیار دیه یا قصاص) قرار داده‌ایم، پس نباید در کشتن (و قصاص) زیاده روی کند، چرا که آن (ستم‌دیده به طور عادلانه) یاری و حمایت شده است. (۳۴) و به مال یتیم، جز به بهترین راه (که به نفع یتیم باشد) نزدیک نشوید، تا آنکه به حدّ بلوغ و رشدش برسد. (که آنگاه اموالش را به او برمی‌گردانید) و به پیمان وفا کنید، که (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد. (۳۵) و چون با پیمانانه داد و ستد کنید، پیمانانه را تمام دهید و با ترازوی درست وزن کنید، که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است. (۳۶) و از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه‌ی اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. (۳۷) و در زمین با تکبر و سرمستی راه مرو، قطعاً تو زمین را نخواهی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نخواهی رسید. (۳۸) همه‌ی اینها، گناهِش نزد پروردگارت ناپسند است. (۳۹) این (دستورات) از حکمت‌هایی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است، و با خدا معبودی دیگر قرار نده که سرزنش شده و رانده، در دوزخ افکنده خواهی شد. (۴۰) آیا (می‌پندارید) پروردگارتان شما را با داشتن پسران برگزیده و خودش از فرشتگان، دخترانی گرفته است؟ همانا شما سخن (و تهمت) بزرگی می‌گویید. (۴۱) و به یقین، ما در این قرآن (حقایق را با بیان‌های گوناگون و) مکرّر بیان کردیم، تا پند گیرند، و جز بر رمیدگی آنان نیفزود. (۴۲) بگو: اگر با خداوند، خدایانی بود آنگونه که مشرکان می‌گویند در آن هنگام آن خدایان در پی یافتن راه نفوذی به سوی خدای صاحب عرش بودند (تا قدرت را از او بگیرند). (۴۳) خداوند منزّه و برتر است از آنچه می‌گویند، برتری بزرگ! (۴۴) آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست، تسبیح خداوند را می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر آنکه با ستایش، از او به پاکی یاد می‌کند، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. همانا او بردبار و آمرزنده است. (۴۵) و هرگاه قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به قیامت ایمان ندارند، حاجبی ناپیدا (و معنوی) قرار می‌دهیم (تا از درک معارف حق محروم بمانند). (۴۶) و بر دل‌های آنان (کفار) پوشش‌هایی قرار دادیم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی (تا حق را نشنوند). و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد کنی، آنان پشت کرده و گریزان می‌شوند. (۴۷) ما داناییم که چون به تو گوش می‌دهند، برای چه گوش می‌دهند و آنگاه که (برای خنثی کردن تبلیغات پیامبر) با هم نجوا می‌کنند (نیز بهتر می‌دانیم چه می‌گویند). آن زمان که ستمگران (به دیگران) می‌گویند: شما جز از مردی افسون شده پیروی نمی‌کنید (آن را هم می‌دانیم). (۴۸) (ای پیامبر!) بنگر که چگونه برای تو مثلها زدند و در نتیجه گمراه شدند، پس نمی‌توانند راه حق را بیابند. (۴۹) و گفتند: آیا آنگاه که ما استخوان‌های پوسیده و پراکنده شویم، آیا براستی ما با آفرینشی تازه، برانگیخته

می‌شویم؟ (۵۰) بگو: (استخوان خرد شده که آسان است، شما) سنگ باشید یا آهن. (۵۱) یا هر مخلوقی از آنچه که در نظر شما از آن هم سخت‌تر است (باز خدا می‌تواند شما را دوباره زنده کند) آنان بزودی خواهند گفت: چه کسی ما را بازمی‌گرداند؟ بگو: همان کسی که نخستین بار شما را آفرید. پس بزودی سرهای خویش را (با تعجب) به سوی تو تکان خواهند داد و گویند: آن روز، چه زمان خواهد بود؟ بگو: شاید نزدیک باشد! (۵۲) روزی که شما را (از قبرهایتان) فرامی‌خواند، پس شما حمدگویان اجابت می‌کنید و می‌پندارید که جز مدت کوتاهی (در دنیا یا برزخ) درنگ نکرده‌اید. (۵۳) و به بند گانم بگو: سخنی گویند که نیکوتر است، چرا که شیطان (با سخنان ناموزون) میان آنان فتنه و فساد می‌کند. همانا شیطان همواره برای انسان، دشمنی آشکار بوده است. (۵۴) پروردگار شما به شما داناتر است، اگر بخواهد بر شما رحمت می‌آورد، یا اگر بخواهد (به خاطر کردارتان) شما را عذاب می‌کند. و ما تو را به عنوان وکیل مردم نفرستادیم (تا به ایمان آوردن مجبورشان کنی). (۵۵) و پروردگارت به هر که در آسمان‌ها و زمین است، داناتر است. و البته ما بعضی از پیامبران را بر بعض دیگر برتری بخشیدیم و به داود زبور دادیم. (۵۶) بگو: کسانی را که غیر خداوند گمان می‌کردید (معبود شمایند) بخوانید. که آنها نه مشکلی را می‌توانند از شما برطرف کنند و نه تغییری در آن دهند. (۵۷) آنان را که (مشرکان به جای خدا) می‌خوانند (مانند عیسی و فرشتگان) خودشان وسیله‌ای برای تقرب به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر، و به رحمت او امیدوارند و از عذابش بیمناک. همانا عذاب پروردگارت در خور پرهیز و وحشت است. (۵۸) و هیچ منطقه آبادی نیست، مگر آنکه پیش از روز قیامت، آن را هلاک می‌کنیم یا (به خاطر گناهانشان) به شدت عذاب می‌کنیم، این در کتاب الهی (و لوح محفوظ) ثبت شده است. (۵۹) و هیچ چیزی ما را از فرستادن آیات و معجزات (مورد درخواست مردم) باز نداشت، جز اینکه امت‌های پیشین آنها را تکذیب کردند (و هلاک شدند). ما به قوم ثمود ماده شتری دادیم که روشنگر (اذهان مردم) بود، امّا به آن ستم کردند و ما معجزات (درخواستی) را نمی‌فرستیم مگر برای بیم دادن. (۶۰) و (به یاد آور) آنگاه که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که نشانت دادیم و آن درخت نفرین شده در قرآن را، جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم. و ما مردم را بیم می‌دهیم، ولی (هشدار ما) جز طغیان و سرکشی بزرگ، چیزی بر آنان نمی‌افزاید. (۶۱) و به یاد آور زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس سجده کردند، مگر ابلیس که گفت: آیا برای کسی سجده کنم که از گل آفریده‌ای؟! (۶۲) ابلیس گفت: به من خبر ده، این است آن کسی که بر من گرامی داشتی؟ اگر تا قیامت مهلتم دهی، یقیناً بر نسل او افسار زده، به زیر سلطه می‌کشم، مگر اندکی را. (۶۳) (خداوند به ابلیس) گفت: برو، هر کس از آدمیان از تو پیروی کند، قطعاً کيفرتان دوزخ است، کيفری کامل! (۶۴) و (ای شیطان!) هر کس از مردم را می‌توانی با صدای خود بلغزان و نیروهای سواره و پیاده‌ات را بر ضد آنان گسیل دار و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو و به آنان وعده بده، و شیطان جز فریب، وعده‌ای به آنان نمی‌دهد. (۶۵) قطعاً تو بر بندگان (خالص) من تسلطی نداری و حمایت و نگهداری پروردگارت (برای آنان) کافی است. (۶۶) پروردگار شما کسی است که برایتان کشتی را در دریا به حرکت درمی‌آورد، تا با تلاش خود از فضل و رحمتش بهره برید. البته او همواره نسبت به شما مهربان است. (۶۷) و هر گاه در دریا به شما محنت و رنج رسد، هر که را جز خداوند می‌خوانید، محو و گم می‌شود، پس چون شما را نجات دهد و به خشکی رساند، از او رومی گردانید. و انسان بسیار ناسپاس است. (۶۸) پس آیا ایمن شده‌اید از این که شما را در ناحیه‌ی خشکی (به قهر خود) فرو برد، یا باران ریگ بر شما بباراند، سپس نگهداری برای خود نیابید؟ (۶۹) یا اینکه ایمن شده‌اید از اینکه خداوند دوباره شما را به دریا ببرد و طوفانی شکننده بر شما بفرستد، پس شما را به خاطر کفرتان غرق کند. آنگاه برای خودتان هیچ دادخواه و پیجویی در برابر قهر ما نیابید؟! (۷۰) و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم. (۷۱) روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان فرامی‌خوانیم، پس هر کس نامه‌ی عملش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه‌ی خود را (با شادی) می‌خوانند و کمترین ستمی بر آنان نمی‌شود. (۷۲) و هر کس در این دنیا کوردل و

گمراه باشد، در آخرت نیز کور و گمراه تر خواهد بود. (۷۳) و بسا نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم غافل کنند تا چیز دیگری غیر از وحی را به ما نسبت دهی، و آنگاه تو را دوست خود گیرند. (۷۴) و اگر ما تو را استوار نکرده بودیم، هر آینه نزدیک بود که اندکی به آنان تمایل پیدا کنی. (۷۵) آنگاه دو برابر (کیفر مشرکان) در زندگی و دو برابر در مرگ، عذابت می‌چشانیم و برای خویش در برابر قهر ما یآوری نمی‌یافتی. (۷۶) و بسا نزدیک بود کافران (با نیرنگ یا غلبه) تو را از این سرزمین بلغزانند تا از آن بیرون کنند، و در آن هنگام، جز مدت کمی پس از تو پایدار نمی‌ماندند (و به خاطر این ظلم گرفتار قهر الهی می‌شدند). (۷۷) این، سنت (هلاکت طغیان گران) درباره‌ی پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم جاری بوده است و برای سنت ما هیچ تغییری نمی‌یابی. (۷۸) نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بپادار، و همچنین قرآن سپیده دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است. (۷۹) و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن، و این وظیفه‌ای افزون برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد. (۸۰) و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر و برای من از پیش خودت سلطه و برهانی نیرومند قرار ده. (۸۱) و بگو: حق آمد و باطل نابود شد، همانا باطل، نابود شدنی است. (۸۲) و آنچه از قرآن فرو می‌فرستیم، مایه‌ی شفای (دل) و رحمتی برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران نمی‌افزاید. (۸۳) و هر گاه که به انسان نعمتی عطا کردیم، روی گرداند و شانه‌ی خود را (از روی تکبر) چرخاند و چون (کمترین) گزندی به او رسد (از همه چیز) مأیوس و نومید شود. (۸۴) بگو: هر کس بر ساختار و خلق و خوی خویش عمل می‌کند، پس پروردگارتان دانایتر است به کسی که به هدایت نزدیکتر است. (۸۵) و از تو درباره‌ی روح می‌پرسند. بگو: روح از امور پروردگارم (و مربوط به او) است و جز اندکی از دانش به شما نداده‌اند. (۸۶) و اگر بخواهیم، هر آینه آنچه را به تو وحی کرده‌ایم، (از یادت) می‌بریم، سپس کسی را نمی‌یابی که در برابر ما از تو دفاع کند. (۸۷) جز رحمت از پروردگارت (مدافعی نخواهی یافت)، قطعاً فضل خداوند نسبت به تو بزرگ است. (۸۸) بگو: اگر (تمام) انس و جن گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند مثل آن را بیاورند، هر چند که بعضی پشتیبان و یاور دیگری باشند. (۸۹) و همانا در این قرآن، از هر گونه مثال برای مردم آوردیم، ولی بیشتر مردم سرباززده، و جز انکار کاری نکردند! (۹۰) و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر برای ما چشمه‌ای از زمین جاری سازی، (۹۱) یا برای تو باغی از خرما و انگور باشد که از میان آن، نهرها جاری گردانی. (۹۲) یا آسمان را همان گونه که می‌پنداری به صورت پاره‌هایی بر ما بیفکنی، یا خداوند و فرشتگان را در مقابل ما بیاوری. (۹۳) یا برای تو خانه‌ای از زر و زیور باشد، یا در آسمان پرواز کنی و به پرواز و بالا-رفتن تو (نیز) ایمان نخواهیم آورد تا آنکه کتابی بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم. بگو: پروردگار من منزّه است. آیا جز این است که من بشری فرستاده شده‌ام؟! (۹۴) و آنگاه که هدایت به سراغ مردم آمد، چیزی مردم را از ایمان آوردن بازداشت، جز آنکه گفتند: آیا خداوند، بشری را به عنوان پیامبر، برانگیخته است؟ (۹۵) بگو: اگر در زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان و آرامش راه می‌رفتند، هر آینه ما از آسمان فرشته‌ای را به عنوان فرستاده بر آنان می‌فرستادیم. (۹۶) بگو: میان من و شما خدا برای گواهی کافی است، همانا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (۹۷) و هر که را خدا هدایت کند، پس همو هدایت یافته است و هر که را گمراه سازد، هرگز یاورانی جز خدا برای آنان نخواهی یافت و ما در روز قیامت، آنان را واژگون (به صورت خزنده) کور و کر و لال محشور می‌کنیم و جایگاهشان دوزخ است، که هر گاه خاموش شود، آتش آنان را بیافزاییم. (۹۸) آن (دوزخ) کیفر آنان است، بدان جهت که کافر شدند و گفتند: آیا پس از آنکه (مردیم و به صورت) استخوان و (مثل کاه) ریزریز شدیم، آیا واقعا به صورت آفریده‌ی جدیدی برانگیخته خواهیم شد؟ (۹۹) آیا نیاندیشیده‌اند خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، بر آفریدن مثل این مردم نیز تواناست؟ و خداوند برای آنان مدّتی معین کرده که شکی در آن نیست، امّا ستمگران سرباز زده و جز به کفر به چیزی تن نمی‌دهند. (۱۰۰) بگو: اگر شما خزانه‌دار رحمت پروردگارم بودید، قطعاً از ترس انفاق (و تهی دستی)، چیزی به کسی نمی‌دادید. و

انسان تنگ نظر و بخیل است! (۱۰۱) همانا به موسی نه معجزه‌ی روشن دادیم. پس، از بنی اسرائیل آنگاه که (موسی) به سراغشان آمد سؤال کن. پس فرعون (با دیدن آن همه معجزه) به او گفت: ای موسی! من تو را قطعاً افسون شده می‌پندارم. (۱۰۲) موسی گفت: قطعاً می‌دانی که این (معجزات) را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین برای بصیرت شما نفرستاده است و من تو را ای فرعون! هلاک شده می‌پندارم. (۱۰۳) پس (فرعون) تصمیم گرفت که آنان را از آن سرزمین تبعید کند، پس ما او و همه‌ی همراهانش را غرق کردیم. (۱۰۴) و پس از آن (غرق فرعون) به بنی اسرائیل گفتیم: در این سرزمین مستقر شوید، پس چون موعد آخرت فرا رسد، همه‌ی شما را با هم گرد خواهیم آورد. (۱۰۵) و ما قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم. (۱۰۶) و قرآنی که آن را بخش بخش کردیم تا آن را با تأنی و درنگ بر مردم بخوانی و آن را آنگونه که باید به تدریج نازل کردیم. (۱۰۷) بگو: به قرآن ایمان آورید یا ایمان نیاورید (برای خداوند فرقی ندارد)، قطعاً آنان که پیش از این علم داده شده‌اند، هر گاه بر آنان تلاوت می‌شود، سجده‌کنان بر چانه‌ها به زمین می‌افتند. (۱۰۸) و می‌گویند: پروردگارمان منزّه است، همانا وعده پروردگار ما انجام شدنی است. (۱۰۹) و گریه‌کنان بر چانه‌ها (به سجده) می‌افتند و همواره بر خشوعشان افزوده می‌شود. (۱۱۰) بگو: نام الله را بخوانید یا نام رحمان را، هر کدام را بخوانید، پس بهترین نامها از آن اوست. و نماز را خیلی بلند یا خیلی آهسته نخوان و میان این دو، راه (معتدلی) را انتخاب کن. (۱۱۱) و بگو: ستایش از آن خداوندی است که نه فرزندی برای خود گرفته است، و نه در حاکمیت، شریکی برای او بوده و نه هرگز به خاطر ذلت و ضعف، یآوری گرفته است. و او را به طور شایسته، بزرگ بشمار. (۱۱۲)

الکف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ستایش مخصوص خدایی است که کتاب (آسمانی قرآن را) بر بنده‌ی خود نازل کرد و برای آن هیچگونه انحرافی قرار نداد. (۲) (کتابی که) استوار و نگهبان (کتابهای آسمانی دیگر) است، تا از عذاب شدیدی که از سوی اوست بترساند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت دهد که برای آنان پاداشی نیکوست. (۳) برای همیشه در آن (اجر الهی و بهشت) ماندگارند. (۴) و تا (کتاب الهی و پیامبر) به آنان که گویند: خداوند برای خود فرزندی گرفته است، هشدار دهد. (۵) آنان و پدرانشان هیچ علمی به این سخن (یا به خداوند) ندارند. این کلمه‌ای که از دهانشان بیرون می‌آید، تهمت بزرگی است و جز دروغ نمی‌گویند. (۶) پس بیم آن می‌رود که اگر به این حدیث (قرآن) ایمان نیاورند، تو در پی آنان خود را هلاک کنی. (۷) البتّه ما آنچه را روی زمین است، زینت برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدامشان بهتر و نیکوتر عمل می‌کنند. (۸) و ما (سرانجام) آنچه را روی آن است، به صورت خاک و زمینی بی‌گیاه قرار می‌دهیم. (۹) آیا پنداشته‌ای که اصحاب کهف و رقیم، از نشانه‌های شگفت ما بودند؟ (۱۰) آنگاه که آن جوانمردان به غار پناه بردند، گفتند: پروردگارا! از سوی خود رحمتی به ما عطا کن و برای ما رشدی در کارمان فراهم ساز. (۱۱) پس ما تا چند سالی که در آن غار بودند، بر گوش‌های آنان (پرده‌ی خواب و بیهوشی) زدیم. (۱۲) سپس آنان را برانگیختیم (و بیدارشان کردیم) تا معلوم سازیم کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب و درنگ خود را دقیقتر شماره می‌کند. (۱۳) ما داستان آنان (اصحاب کهف) را به درستی برای تو حکایت می‌کنیم. آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم. (۱۴) و ما به دل‌هایشان نیرو و استحکام بخشیدیم، آنگاه که آنان بپاخواستند و (برخلاف عموم مردم) گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است، هرگز جز او (کسی را به) خدایی نخواهیم خواند، چرا که در این صورت حرف خطایی گفته‌ایم. (۱۵) آنان قوم مابند که به جز او، خدایان دیگری گرفته‌اند. چرا آنان دلیل آشکاری بر خدایان خود نمی‌آورند؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند، دروغی افترا بدهد؟ (۱۶) و آنگاه که از مشرکان و آنچه جز خدای می‌پرستند فاصله گرفتید، پس به غار پناه برید، تا پروردگارتان از رحمت خود

برای شما گشایشی بخشد و برایتان در کار (و سرنوشت) شما گشایشی فراهم آورد. (۱۷) و (اگر آنجا بودی) خورشید را می‌دیدید که هنگام طلوع، به سمت راست آنان متمایل می‌شود و چون غروب کند، ایشان را وامی‌گذارد و به چپ متمایل می‌گردد و آنان در محلی وسیع از آن غار قرار داشتند. این از آیات و نشانه‌های خداست. هر کس را خدا هدایت کند، او هدایت یافته‌ی واقعی است و هر که را به بیراهه واگذارد و گمراه کند، هرگز برای او یآوری راهنما نخواهی یافت. (۱۸) و (اگر به آنان نگاه می‌کردی) آنان را بیدار می‌پنداشتی (زیرا چشمانشان باز بود)، در حالی که آنان خواب بودند و ما آنان را به پهلوی راست و چپ می‌گرداندیم (تا بدنشان سالم بماند) و سگشان دست‌های خود را بر آستانه‌ی غار نهاده بود (و نگهبانی می‌داد) اگر نگاهشان می‌کردی، پشت کرده و از آنان می‌گریختی و سرتاپا، پراز ترس از آنان می‌شدی. (۱۹) و ما آنگونه (که خوابشان کردیم)، آنان را (از خوابی که شبیه مرگ بود) برانگیختیم تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند. یکی از آنان گفت: چه مدّت (در این غار) مانده‌اید؟ گفتند: یک روز یا بخشی از روز. (سرانجام) گفتند: پروردگارتان داناتر است که چه مقدار مانده‌اید. پس یکی از خودتان را با این پولتان به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک غذای پاکیزه‌تری دارد، پس غذایی از آن برایتان بیاورد و باید (در این کار) زیرکی و دقت به خرج دهد، و مبادا کسی را از شما آگاه کند! (۲۰) زیرا اگر آنان (مشرکان) بر شما دست یابند، سنگسارتان خواهند کرد، یا شما را به آیین خودشان باز خواهند گرداند و در این صورت هرگز رستگار نخواهید شد. (۲۱) و بدین گونه (مردم را) بر حالشان آگاه کردیم تا زمانی که میانشان درباره کارشان (معاد و قیامت) گفتگو بود، بدانند که وعده‌ی خدا (درباره‌ی رستاخیز) حق است و اینکه در فرارسیدن قیامت تردیدی نیست، پس (از آشکار شدن این حقیقت) عده‌ای گفتند: بر روی آنان بنای یادبودی بنا کنید، پروردگارشان به حال آنان داناتر است، آنان که بر کارشان آگاهی و دسترسی یافته بودند گفتند: ما بر آنان معبد و مسجدی می‌سازیم (تا نشان حرکت توحیدی آنان باشد). (۲۲) بزودی خواهند گفت: (اصحاب کهف) سه نفر بودند، چهارمینشان سگشان بود و (عده‌ای) گویند: پنج نفر بودند، ششمین آنان سگشان بود. (این سخنی بی‌دلیل و) پرتاب تیر گمان به گذشته‌ای ناپیداست. و (عده‌ای دیگر) گویند: هفت تن بودند و هشتمین آنان سگشان بود. بگو: پروردگارم به تعدادشان داناتر است (و شمار) آنان را جز اندکی، کسی نمی‌داند. پس درباره‌ی آنان جز به ظاهر (و آنچه آشکار کرده‌ایم)، مجادله مکن و درباره‌ی ایشان از هیچ کس از (اهل کتاب) نظر نخواه. (۲۳) درباره‌ی هیچ چیز و هیچ کار، مگو که من آن را فردا انجام می‌دهم، (۲۴) مگر آنکه (بگویی): اگر خدا بخواهد. و اگر فراموش کردی (گفتن: ان شاء الله، همین که یادت آمد) پروردگارت را یاد کن و بگو: امید است که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر است، راهنمایی کند. (۲۵) و آنان در غارشان سیصد سال ماندند و نه سال (نیز بر آن) افزودند. (۲۶) بگو: خداوند به مدّتی که در غار ماندند، داناتر است. غیب آسمان‌ها و زمین از آن اوست. چه بینا و شنواست! جز او برای مردم هیچ یار و یآوری نیست و هیچ کس را در حکم و فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد. (۲۷) و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است (بر مردم) بخوان، (سنت‌ها و) کلمات الهی را تغییر دهنده‌ای نیست و هرگز جز او پناهگاهی نخواهی یافت (که به آن پناهنده شوی). (۲۸) و با کسانی که پروردگارشان را (همواره و در هر) صبحگاه و شامگاه می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند، خود را شکیب ساز و دیدگانت را از آنان برمگیر که زیور دنیا را بطلبی و از کسانی که دلشان را از یاد خود غافل کرده‌ایم و در پی هوس خویشند و کارشان بر گزافه و زیاده روی است، پیروی مکن. (۲۹) و بگو: حق از سوی پروردگار شما رسیده است، پس هر که خواست ایمان آورد و هر که خواست کافر شود. همانا ما برای ستمگران آتشی مهیا کرده‌ایم که (شعله‌هایش) همچون سراپرده‌ای آنان را فرا گرفته و چون پناه خواهند، با آبی (مانند مس) گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند! چه بد نوشیدنی و چه بد جایگاهی است! (۳۰) همانا آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند (بدانند که) همانا ما پاداش کسی را که عمل خوب انجام داده تبه نمی‌کنیم. (۳۱) آنان برایشان باغهای جاودانه‌ای است که نهرها از زیر (قصرها و تخت‌هایشان) جاری است. در آنجا با دستبندهایی طلایی آراسته می‌شوند و جامه‌های سبز از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند،

درحالی که در آنجا بر تخت‌ها (ی بهستی) تکیه داده‌اند. چه نیکو پاداشی و چه خوش جایگاهی! (۳۲) (ای پیامبر!) برای آنان (سرگذشت) دو مردی را مثل بزنی که برای یکی از آن دو، دو باغ انگور قرار دادیم و دور آنها را با نخل پوشانیدیم و میان آن دو باغ را کشتزار قرار دادیم. (۳۳) هر دو باغ، محصول خود را داد و چیزی از آن نکاست و میان آن دو، نهی روان ساختیم. (۳۴) و برای آن مرد میوه‌ای (فراوان) بود. پس به دوستش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، گفت: من از تو مالدارتر و از نظر نفرت، نیرومندترم. (۳۵) و او در حالی که بر خویش ستمکار بود، به درون باغ خود آمد (و با غرور و سرمستی) گفت: گمان ندارم که هرگز این (باغ، یا دنیا) نابود شود! (۳۶) و گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، یقیناً بهتر از این (باغ) را در بازگشت، خواهم یافت. (۳۷) دوستش در حالی که با او گفتگو می‌کرد گفت: آیا به آن (خدایی) که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آنگاه تو را مردی کامل و تمام اندام قرار داد، کافر شده‌ای؟! (۳۸) ولی من (گویم): اوست خداوند، پروردگار من و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم. (۳۹) و چرا آنگاه که وارد باغ شدی، نگفتی: ما شاء الله (آنچه خدا بخواهد)، هیچ نیرویی جز به (قدرت) خدا نیست؟! اگر مرا از نظر مال و فرزند، کمتر از خویش می‌بینی! (۴۰) پس امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو را به من عطا کند و مجازات (صاعقه و عذابی) حساب شده بر باغ تو از آسمان فرستد تا به زمینی هموار و بی‌گیاه و لغزنده تبدیل شود. (۴۱) یا آب آن (باغ به زمین) فروکش کند، پس هرگز نتوانی آن را بازیابی. (۴۲) و (سرانجام) فرآورده‌های آن (مرد مغرور، با قهر الهی) احاطه شد، پس او چنان شد که دو دست خویش را به خاطر خرجهایی که در باغ کرده بود (از شدت حسرت) برهم می‌مالید، در حالی که آن (باغ و تاکستان) بر داربست هایش فرو ریخته بود و می‌گفت: ای کاش کسی را شریک پروردگارم قرار نمی‌دادم. (۴۳) و هیچ گروهی نداشت که او را در برابر (قهر) خدا یاری کنند و نمی‌توانست خودش را یاری کند. (۴۴) آنجا (ثابت شد که) ولایت و قدرت تنها از آن خدای حق است و (نزد) اوست بهترین پاداش و نیکوترین فرجام. (۴۵) و (ای پیامبر!) برای آنان زندگی دنیا را مثل بزنی که (در ناپایداری) همچون آبی است که از آسمان فرو فرستادیم، پس گیاه زمین به وسیله‌ی آن (چنان رشد کند و انبوه شود که) در هم فرو رود، پس ناگهان خشک شود، آن چنان که بادها پراکنده‌اش کنند و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۴۶) مال و فرزندان، زینت زندگی دنیایند و کارهای ماندگار شایسته، نزد پروردگارت پاداشی بهتر دارند و امید داشتن به آنها نیکوتر است. (۴۷) و (یاد کن) روزی که کوه‌ها را به حرکت درآوریم و زمین را آشکار (صاف و هموار) می‌بینی در حالی که همگان را برانگیخته‌یم، پس هیچ یک از آنان را فروگذار نمی‌کنیم. (۴۸) و (در آن روز) همه‌ی مردم صف کشیده، بر پروردگارت عرضه می‌شوند. (خدا به آنان می‌فرماید): همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، (امروز هم) به سوی ما آمدید، بلکه پنداشتید که هرگز ما برایتان موعدی مقرر نخواهیم داشت؟! (۴۹) و کتاب (و نامه اعمال) در میان نهاده می‌شود، پس مجرمان را می‌بینی که از آنچه در آن است بیمناک‌اند و می‌گویند: وای بر ما، این چه نوشته‌ای است که هیچ (گفتار و کردار) کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده مگر اینکه برشمرده است! و آنچه انجام داده‌اند (مقابل خود) حاضر می‌یابند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند. (۵۰) و (یاد کن) هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه به جز ابلیس سجده کردند! او از جن بود و از فرمان پروردگارش سر بر تافت. آیا (با این حال) او و نسل او را به جای من سرپرستان خود می‌گیرید؟ در حالی که آنان برای شما دشمنند! ستمگران بد چیزی را به جای خدا برگزیدند. (۵۱) من آنان (ابلیس و فرزندان) را نه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و نه در آفرینش خودشان به شهادت نطلبیدم و من گمراه‌کنندگان را دستیار خود نمی‌گیرم. (۵۲) و (یاد کن روز قیامت) را) روزی که (خداوند به مشرکان) می‌گوید: آنان را که شریک من می‌پنداشتید فرا بخوانید (تا کمکتان کنند)، پس (مشرکان) آنها را می‌خوانند ولی پاسخی به آنان نمی‌دهند و ما میانشان ورطه‌ی هلاکت قرار می‌دهیم. (۵۳) و گناهکاران (در قیامت) آتش دوزخ را می‌بینند، پس درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد و راه فراری از آن نمی‌یابند. (۵۴) و البته ما در این قرآن از هر مثلی برای مردم متنوع بیان کردیم، و (لی) انسان بیش از هر چیز جدال‌کننده است. (۵۵) و چه چیزی مردم را پس

از آنکه هدایت برای آنان آمد، از ایمان آوردن و آموزش خواهی از پروردگارشان باز داشت؟ جز آنکه (خواستند) سنت خداوند درباره‌ی پیشینیان (که عذاب الهی بود) برای آنان (نیز) بیاید، یا آنکه عذاب، رویاروی آنان قرار گیرد! (۵۶) و ما پیامبران را جز بشارت دهندگان (برای مؤمنان) و بیم دهندگان (برای مجرمان) نمی‌فرستیم، ولی کافران به باطل مجادله و ستیز می‌کنند تا به وسیله‌ی آن حق را در هم کوبند. و آنان نشانه‌ها و آیات مرا و آنچه را که به آن بیم داده شدند، به مسخره گرفتند. (۵۷) و کیست ستمکارتر از آنکه به آیات پروردگارش تذکر دهند، پس (به جای پذیرش) از آنها اعراض کند و (گناهان و) دستاورد پیشینه‌ی خویش را فراموش کند؟! البته ما بر دل‌هایشان پرده‌هایی نهادیم تا آیات قرآن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی قرار دادیم که اگر به سوی هدایتشان فراخوانی، هرگز به راه نخواهند آمد. (۵۸) و پروردگارت آمرزنده‌ی صاحب رحمت است، اگر مردم را به خاطر آنچه کسب کرده‌اند مجازات کند، هرچه زودتر عذاب برایشان می‌فرستد، (ولی چنین نمی‌کند) بلکه برای آنان موعدی قرار داده که (با فرارسیدنش) جز به لطف خداوند هرگز راه بازگشتی نمی‌یابند. (۵۹) و (مردم) آن آبادی‌ها را هنگامی که ستم کردند، هلاکشان کردیم و برای نابود کردنشان (از پیش) زمانی را قرار دادیم. (۶۰) و (به یاد آور) زمانی که موسی به جوان (همراهش) گفت: من دست از جستجو بر نمی‌دارم تا به محلّ برخورد دو دریا برسم، حتی اگر سال‌ها (به راه خود) ادامه دهم. (۶۱) پس چون به محلّ تلاقی آن دو (دریا) رسیدند، ماهی خود را (که برای غذا همراه داشتند) فراموش کردند. ماهی هم راه خود را به دریا برگرفت و رفت. (۶۲) پس همین که (از کنار دریا) گذشتند، موسی به جوان (همراه) خود گفت: غذای چاشت ما را بیاور، به راستی که از این سفر رنج بسیار دیده‌ایم. (۶۳) (آن جوان) گفت: آیا به یاد داری وقتی که به صخره پناه بردیم و من (پریدن) ماهی (به دریا) را فراموش کردم (که برای تو بگویم) و کسی جز شیطان آن را از یاد من نبرد، تا آن را یادآوری کنم. و (در کمال) شگفتی ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و رفت). (۶۴) (موسی) گفت: این همان (محلّ قرار) بود که در پی آن بودیم. پس از همان راه برگشتند، در حالی که ردّ پای خود را (به دقت) دنبال می‌کردند. (۶۵) پس (در آنجا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود، رحمتی (عظیم) به او عطا کرده بودیم و از نزد خود علمی (فراوان) به او آموخته بودیم. (۶۶) موسی به او (خضر) گفت: آیا (اجازه می‌دهی) در پی تو بیایم، تا از آنچه برای رشد و کمال به تو آموخته‌اند، به من بیاموزی؟ (۶۷) (خضر) گفت: تو هرگز نمی‌توانی بر همراهی من صبر کنی. (۶۸) و چگونه بر چیزی که آگاهی کامل به (راز) آن نداری صبر می‌کنی؟ (۶۹) (موسی) گفت: به خواست خدا مرا شکبیا خواهی یافت و در هیچ کاری، تو را نافرمانی نخواهم کرد. (۷۰) (خضر) گفت: پس اگر در پی من آمدی، از چیزی (از کارهای شگفت من) مپرس، تا آنکه خودم درباره‌ی آن سخن آغاز کنم. (۷۱) پس آن دو (موسی و خضر) به راه افتادند، تا آنکه سوار کشتی شدند. (خضر) آن را سوراخ کرد. موسی (از روی اعتراض یا تعجب) گفت: آیا آن را سوراخ کردی تا سرنشینان آن را غرق کنی؟ راستی که کار ناروایی انجام دادی! (۷۲) (خضر) گفت: آیا نگفتم تو هرگز نمی‌توانی همراه من شکبیا باشی؟ (۷۳) (موسی) گفت: مرا به خاطر فراموشی‌ام مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر. (۷۴) پس به راه خود ادامه دادند تا به نوجوانی برخورد کردند، پس خضر او را کشت. موسی گفت: آیا بی‌گناهی را بدون آنکه کسی را کشته باشد، کشتی؟ به راستی کار زشت و منکری انجام دادی! (۷۵) گفت: آیا نگفتمت که نمی‌توانی همپای من صبر کنی؟ (۷۶) (موسی) گفت: اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراه مباش، قطعاً از سوی من معذور خواهی بود (و اگر رهایم کنی حق داری). (۷۷) پس آن دو به راه خود ادامه دادند تا به اهل یک آبادی رسیدند، از اهل آنجا غذا خواستند، آنان از مهمان کردن آن دو سرباز زدند. پس آن دو در آنجا دیواری را یافتند که در حال ریزش بود. خضر، دیوار را برپا کرد. (موسی با تعجب) گفت: اگر می‌خواستی برای این کار مزد می‌گرفتی! (۷۸) (خضر) گفت: این (بار) جدایی میان من و توست، بزودی تو را از تأویل و راز آنچه نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت. (۷۹) اما آن کشتی (که سوراخ کردم) از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند. خواستم آن را معیوبش کنم، (چون) در کمین آنان پادشاهی بود که غاصبانه و به زور، هر کشتی (سالمی) را می‌گرفت. (۸۰) و اما نوجوان (که او

را کشتم) پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند. ترسیدیم که او آن دو را به کفر و طغیان وا دارد. (۸۱) (از این رو) خواستیم که پروردگارشان به جای او (فرزندی) پاکتر و بهتر و با محبت تر به آن دو بدهد. (۸۲) و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن دیوار، گنجی برای آن دو بود و پدرشان مردی صالح بود. پس پروردگارت اراده کرد که آن دو به حدّ رشد (و بلوغ) خود برسند و گنج خویش را که رحمتی از سوی پروردگارت بود استخراج کنند و من این کارها را خودسرانه انجام ندادم. این بود تأویل و راز آنچه نتوانستی بر آن صبر و شکیبایی ورزی. (۸۳) و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند. بگو: به زودی از او یادی بر شما خواهیم کرد. (۸۴) همانا ما در زمین به او (ذوالقرنین) قدرت دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای به او عطا کردیم. (۸۵) پس او در پی سبب رفت (و سفر خود را آغاز کرد). (۸۶) تا آنگاه که به (منطقه‌ی) غروب خورشید رسید، چنان یافت که آن در چشمه‌ای تیره و گل آلود فرو می رود و نزد آن قومی را یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین! یا آنها را عذاب می کنی یا میان آنان راه نیکی پیش می گیری (و همه را می بخشایی). (۸۷) (ذوالقرنین) گفت: امّا هر کس ستم کند، او را عذاب خواهیم کرد، سپس به سوی پروردگارش باز گردانده می شود، او هم وی را به سختی عذاب می کند. (۸۸) و اما هر کس ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهد، پس پاداش بهتر برای اوست و برای او از سوی خود، آسانی مقرّر خواهیم داد. (۸۹) سپس (ذوالقرنین برای سفر دیگر) سبب (دیگری) را پیگیری کرد. (۹۰) تا آنکه به محلّ طلوع خورشید رسید، آن را چنان یافت که بر قومی طلوع می کند که جز خورشید برای آنان پوشش و سایه بانی قرار نداده بودیم. (۹۱) و ما اینگونه به آنچه از امکانات و برنامه نزد او (ذوالقرنین) بود، احاطه داشتیم (و کارهایش زیر نظر ما بود). (۹۲) سپس (برای سفری دیگر از اسبابی که در اختیار داشت) سببی را پیگیری کرد. (۹۳) تا آنگاه که به میان دو سد (کوه) رسید، پشت آن دو کوه مردمی را یافت که گویا هیچ سخنی را نمی فهمیدند. (۹۴) (آن مردم) گفتند: ای ذوالقرنین! همانا (قوم) یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می کنند، آیا ما برای تو خرج و هزینه‌ای قرار دهیم تا میان ما و آنان سدّی ایجاد کنی (تا از شرّشان ایمن شویم)؟ (۹۵) (ذوالقرنین در پاسخ) گفت: آنچه پروردگارم در آن به من قدرت داده، (از کمک مالی شما) بهتر است. پس مرا با نیرویی کمک کنید تا میان شما و آنان سدّی محکم بسازم. (۹۶) پاره‌های آهن برای من بیاورید تا آنگاه که میان دو کوه (با انباشتن پاره‌های آهن) برابر شد، گفت: بدمید؛ تا وقتی که آن را (مانند) آتشی گرداند، گفت: مس گداخته و آب شده بیاورید تا روی آهن‌ها بریزم. (۹۷) (پس از ساختن این دیوار آهنی، یاجوج و ماجوج نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند در آن رخنه‌ای پدید آورند. (۹۸) (ذوالقرنین) گفت: این رحمت بزرگی از پروردگارم است (و تا موعد مقرّر پابرجاست) پس هرگاه وعده‌ی پروردگار من فرارسد، آن (سد) را خورد و هموار می کند و وعده‌ی پروردگارم حق است. (۹۹) و در آن روز (پایان جهان)، مردم را رها می کنیم تا بعضی در بعضی همچون موج در آمیزند و (چون) در صور دمیده شود، همه را یکجا گرد خواهیم آورد. (۱۰۰) و آن روز، دوزخ را چنان که باید، بر کافران عرضه خواهیم کرد. (۱۰۱) آنان که چشمانشان از یاد من در پرده‌ی غفلت بود و (از شدّت تعصّب و لجاجت) توان شنیدن (سخن حق) را نداشتند. (۱۰۲) آیا آنان که کفر ورزیدند، پنداشتند که بندگان مرا به جای من به سرپرستی بگیرند؟ قطعاً ما جهنّم را برای پذیرایی از کافران مهیّا کرده‌ایم. (۱۰۳) بگو: آیا شما را خبر دهم که زیانکارترین مردم کیست؟ (۱۰۴) آنان که در زندگی دنیا تلاششان گم و نابود می شود، در حالی که می پندارند (همچنان) کار شایسته و نیک انجام می دهند. (۱۰۵) آنان، کسانی‌اند که به آیات پروردگارشان و دیدار او (در قیامت) کفر ورزیدند، پس کارهایشان تباہ و نابود شد. پس ما برای آنان در قیامت، میزانی برپا نخواهیم کرد، (چون کارشان وزن و ارزشی ندارد تا نیاز به میزان باشد). (۱۰۶) این است که کیفر آنان دوزخ است، به خاطر کفری که ورزیدند و آیات من و فرستادگانم را به مسخره گرفتند. (۱۰۷) یقیناً آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، بهشت برین برایشان منزلگاه پذیرایی است. (۱۰۸) همواره در آن جاودانه‌اند و درخواست دگرگونی و جابه‌جایی نمی کنند. (۱۰۹) بگو: اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، دریا پایان می پذیرد، هر چند دریای دیگری همانند را به کمک آن آوریم. (۱۱۰) بگو: همانا من بشری

همچون شمایم (جز اینکه) به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یگانه است. پس هر که به دیدار پروردگارش (در قیامت و به دریافت الطاف او) امید و ایمان دارد، کاری شایسته انجام دهد. و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد. (۱۱۱)

مریم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) کاف، هاء، یاء، عین، صاد، (۲) (در این سوره) یادی از لطف پروردگارت نسبت به بنده‌اش زکریا (به میان آمده است). (۳) زمانی که پروردگارش را با ندایی پنهان خواند. (۴) (زکریا) گفت: پروردگارا! همانا استخوانم سست شده، و (موی) سرم از شعله‌ی پیری، سفید شده است و پروردگارا! من هرگز در دعای تو (از اجابت) محروم نبوده‌ام. (۵) و همانا من برای پس از (مرگ) خود، از بستگانم بیمناکم و همسرم نازا بوده است، پس از جانب خود جانشینی (فرزندی) به من عطا فرما. (۶) (خداوند!) به من جانشینی عطا کن (که وارث من و دودمان یعقوب باشد و پروردگارا! او را پسندیده قرار ده. (۷) (خداوند فرمود:) ای زکریا! ما تو را بشارت می‌دهیم به پسری که نامش یحیی است (و قبلاً همانمی برای او قرار نداده‌ایم. (۸) (زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری باشد در حالی که همسرم نازاست و من از پیری، ناتوان شده‌ام؟ (۹) (زکریا) چنین گفت: اما پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است، (زیرا) پیش از این من تو را آفریدم در حالی که چیزی نبود. (۱۰) (به زکریا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده. (خداوند) فرمود: نشانه‌ی تو این است که سه شبانه روز قدرت سخن گفتن با مردم را نخواهی داشت، (با اینکه سالم هستی). (۱۱) پس (زکریا) از محراب عبادت به سوی مردم خارج شد، آنگاه به آنان اشاره کرد که در صبح و شام خدا را تسبیح گویند. (۱۲) ای یحیی! کتاب (خدا) را با قدرت بگیر و در کودکی به او حکمت (و نبوت) دادیم. (۱۳) و نیز از جانب خود، مهربانی و پاکی به او دادیم و او تقوایش بود. (۱۴) و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و (نسبت به مردم، زورگویی) سرکش و نافرمان نبود. (۱۵) و سلامی (شایسته) بر او باد روزی که متولد شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود. (۱۶) و در این کتاب، مریم را یاد کن، هنگامی که از خاندانش جدا شد و در مکانی شرقی قرار گرفت. (۱۷) آنگاه دور از دیگران برای خود پرده‌ای قرارداد، در این هنگام ما روح خود (روح القدس) را به سوی او فرستادیم، پس به شکل انسانی راست قامت بر او نمایان شد. (۱۸) (مریم به آن فرشته) گفت: همانا من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر پرهیزکاری (از من دور شو). (۱۹) (فرشته) گفت: همانا من فرستاده‌ی پروردگار توام (و آمده‌ام) تا پسری پاکیزه به تو بخشم. (۲۰) (مریم) گفت: چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد؟ در حالی که نه بشری با من تماس گرفته و نه من بدکاره بوده‌ام. (۲۱) (فرشته‌ی الهی) گفت: مطلب همین است. پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است (که پسری بدون پدر به تو عطا کنم) و تا او را برای مردم نشانه و رحمتی از خود قرار دهیم و این کاری است شدنی و قطعی. (۲۲) پس مریم (به عیسی) باردار شد و با وی در مکانی دور خلوت گزید. (۲۳) آنگاه درد زایمان او را به سوی تنه‌ی درخت خرمایی کشاند (تا تکیه دهد). (از شدت ناراحتی) گفت: ای کاش پیش از این مرده و فراموش شده بودم. (۲۴) پس (عیسی در شکم) از طرف پایین پایش وی را صدا زد که (ای مادر!) غم مخور، همانا پروردگارت زیر (پای) تو چشمه‌ی آبی روان ساخت. (۲۵) و شاخه این نخل را به سوی خود تکان ده، رطب تازه بر تو فرو ریزد. (۲۶) پس (از آن رطب) بخور و (از آب نهر) بنوش و چشمت را (به داشتن فرزندی چون عیسی) روشن دار، پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، (که درباره نوزاد می‌پرسند، با اشاره به آنان) بگو: من برای خداوند رحمان، روزه‌ی سکوت نذر کرده‌ام، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (۲۷) پس مریم در حالی که نوزادش را در آغوش گرفته بود، او را به نزد بستگان خود آورد. گفتند: ای مریم! به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای. (۲۸) ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت (نیز) بدکاره نبود. (۲۹) پس مریم به سوی او (عیسی) اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره (و) کودک است سخن بگوییم؟ (۳۰) (عیسی به سخن آمد و) گفت: منم بنده‌ی خدا، او به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است. (۳۱) و هر جا که

باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. (۳۲) و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و (نسبت به مردم) ستمگر و سنگدل قرار نداده است. (۳۳) و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم. (۳۴) این است عیسی، پسر مریم؛ (همان) گفتار درستی که در آن شک می‌کنند. (۳۵) شایسته نیست که خداوند فرزندی برگیرد، او منزّه است، هرگاه انجام کاری را اراده کند، همین قدر که گوید: موجود باش، بی‌درنگ موجود می‌شود. (۳۶) و در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستید که راه مستقیم همین (بندگی او) است. (۳۷) پس گروه‌هایی از میان خودشان به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از حضور در روز بزرگ (قیامت). (۳۸) چه خوب شنوا و بینا بود روزی که به سوی ما می‌آیند، ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکارند. (۳۹) و آنان را از روز ندامت و حسرت بترسان، آن هنگام که کار (از کار) بگذرد (و همه چیز پایان یابد) در حالی که (اکنون) آنان در غفلتند و ایمان نمی‌آورند. (۴۰) تنها ماییم که زمین و اهلش را به ارث می‌بریم و (همه) به سوی ما بازگردانده می‌شوند. (۴۱) و در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او پیامبری راستگو و راست کردار بود. (۴۲) آنگاه که (ابراهیم) به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و تو را از هیچ چیز بی‌نیاز نمی‌کند؟ (۴۳) ای پدر! همانا دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین، از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم. (۴۴) ای پدر! بندگی را پرستش مکن که شیطان نسبت به خدای رحمان عصیانگر است. (۴۵) ای پدر! همانا من می‌ترسم که از جانب خدای رحمان عذابی به تو رسد، و تو برای شیطان دوست و یاور باشی. (۴۶) گفت: ای ابراهیم! آیا از خدایان من بیزاری؟ اگر از (این روش) دست برداری قطعاً تو را سنگسار خواهیم کرد و (اکنون) برای مدتی طولانی از من دور شو. (۴۷) (ابراهیم از او جدا شد و) گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم، زیرا او همواره نسبت به من بسیار مهربان بوده است. (۴۸) و من از شما و آنچه غیر خدا می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم و پروردگارم را می‌خوانم، امیدوارم که در خواندن پروردگارم محروم (و بی‌پاسخ) نمانم. (۴۹) چون ابراهیم از مشرکان و از آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، ما اسحاق و (فرزندش) یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر قرار دادیم. (۵۰) و از رحمت خویش به آنها عطا کردیم و برای آنان (در میان مردم) نام بلند و نیکو قرار دادیم. (۵۱) و در این کتاب از موسی یاد کن، زیرا که او بنده‌ی (برگزیده و) خالص شده (خدا) و فرستاده‌ای پیامبر بود. (۵۲) و از جانب راست (کوه) طور او را ندا دادیم و به (مقام قرب خود و) رازگویی نزدیکش ساختیم. (۵۳) و از رحمت خویش، برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم. (۵۴) و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او همواره در وعده‌های صادق و فرستاده‌ای پیامبر بود. (۵۵) و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (۵۶) و در این کتاب، از ادریس یاد کن، همانا او پیامبری بسیار راستگو بود. (۵۷) و ما او را به مقام والایی رساندیم. (۵۸) آنان پیامبرانی بودند که خداوند بر آنها نعمت (ویژه) ارزانی داشت؛ از نسل آدم و از (فرزندان) کسانی که با نوح (در کشتی) سوارشان کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل (یعقوب) و از کسانی که هدایت نمودیم و برگزیدیم؛ هرگاه آیات خدای رحمان بر آنان خوانده می‌شد سجده‌کنان و گریان از رو به خاک می‌افتادند. (۵۹) آنگاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید. (۶۰) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس آنها داخل بهشت می‌شوند و به هیچ وجه مورد ستم قرار نمی‌گیرند (و از پاداششان کاسته نمی‌شود). (۶۱) بهشت‌های جاویدی که خدای رحمان از غیب به بندگانش وعده داده، مسلماً وعده‌ی او تحقق یافتنی است. (۶۲) در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند، (و گفتارشان) جز سلام (نیست) و در آنجا هر صبحگاه و شامگاه، روزی آنان آماده است. (۶۳) این، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان پرهیزکار خود به ارث می‌دهیم. (۶۴) ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگار تو نازل نمی‌شویم؛ آنچه پیش روی ما (در آینده) و آنچه پشت سر ما (در گذشته) و آنچه میان این دو قرار دارد از اوست و پروردگار تو فراموشکار نیست. (۶۵) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد؛ تنها او

را پرستش کن و برای عبادتش شکبیا باش، آیا برای او همتا و هم نامی می‌شناسی؟ (۶۶) و انسان می‌گوید: آیا آنگاه که مردم، دوباره زنده (از قبر) خارج خواهیم شد؟ (۶۷) آیا انسان (در زنده شدن دوباره‌ی خود شک دارد؟) و به یاد نمی‌آورد که ما او را پیش از این آفریده‌ایم، در حالی که چیزی نبود؟ (۶۸) پس به پروردگارت سوگند که ما همه آنها را با شیاطین محشور خواهیم کرد، سپس در حالی که به زانو درآمده‌اند، گرداگرد جهنم حاضر خواهیم نمود. (۶۹) سپس از هر گروهی، کسانی را که بر خدای رحمان سرکش تر بودند، جدا خواهیم کرد. (۷۰) آنگاه ما می‌دانیم چه کسانی از آنها برای سوختن در دوزخ سزاوارترند. (۷۱) و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می‌شود، (و این ورود شما) از جانب پروردگارت حکمی قطعی است. (۷۲) سپس اهل تقوا را (از دوزخ) نجات می‌دهیم و ستمکاران را (در حالی که از ضعف و ذلت) به زانو درآمده (اند) در آن رها می‌کنیم. (۷۳) و هرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند: کدام یک از ما دو گروه، جایگاهش بهتر و محفلش آراسته‌تر است. (۷۴) و چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم که مال و ثروتشان بهتر بود و منظری آراسته‌تر داشتند. (۷۵) بگو: هر که در گمراهی است، خداوند رحمان (طبق سنت خود) مدتی به او مهلت و مدد می‌دهد، تا زمانی که آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، یا عذاب (این دنیا) یا عذاب (قیامت را. پس (در آن روز) خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و لشکرش ناتوان‌تر است. (۷۶) کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و نیکی‌های ماندگار، ثوابش نزد پروردگارت بهتر و خوش فرجام‌تر است. (۷۷) پس آیا دیدی کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت: قطعاً به من مال و فرزند (بسیار) داده خواهد شد! (۷۸) آیا (این خوش خیالی به خاطر آن است که) از غیب آگاه است، یا از خدای رحمان تعهدی گرفته است؟ (۷۹) هرگز (چنین نیست)، به زودی هر چه می‌گوید می‌نویسیم و برای همیشه عذابش می‌کنیم. (۸۰) و هر چه (از مال و فرزند) دم می‌زند ما وارث خواهیم شد و او بی‌کس و تنها نزد ما خواهد آمد. (۸۱) به جای خدای یگانه خدایانی (دروغین) برگزیدند تا برای ایشان سبب عزت باشد. (۸۲) هرگز (به این آرزو نمی‌رسند، بلکه) به زودی (معبودها) پرستش آنان را منکر خواهند شد و در برابر آنان (به جای عزت بخشی) به مخالفت برمی‌خیزند. (۸۳) آیا ندیدی که ما شیطان‌ها را به سوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟ (۸۴) پس بر (عذاب) آنان عجله مکن، ما حساب آنها (و روز و ساعت و اعمال و حتی نفس زدن آنان) را شماره کنیم (تا موعدشان فرا رسد). (۸۵) (یاد کن) روزی که ما پرهیزکاران را دسته جمعی به سوی (ضیافت) خدای رحمان گرد آوریم. (۸۶) و مجرمان را (پیاده و) تشنه به سوی جهنم می‌رانیم. (۸۷) آنان مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که با خدای رحمان پیمانی بسته باشد. (۸۸) و (کفار) گفتند: خدای رحمان (برای خود) فرزندی انتخاب کرده است. (۸۹) راستی، مطلب زشتی گفتید. (۹۰) نزدیک است از این سخن، آسمان‌ها متلاشی و زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد. (۹۱) زیرا برای خدای رحمان، فرزندی قائل شدند. (۹۲) در حالی که برای خدای رحمان، سزاوار نیست که فرزند بگیرد. (۹۳) موجودی در آسمان‌ها و زمین نیست مگر آن که بنده‌وار نزد خداوند رحمان می‌آید. (۹۴) قطعاً خداوند همه‌ی آنان را حساب کرده، با دقت شمرده است. (۹۵) و همگی روز قیامت تنها (و تهی دست) نزد او خواهند آمد. (۹۶) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دلها) قرار می‌دهد. (۹۷) پس همانا قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله‌ی آن بشارت دهی و مردم ستیزه‌جو را بدان هشدار دهی. (۹۸) و چه بسیار نسل‌هایی که پیش از آنان هلاک کردیم. آیا کسی از آنها را می‌یابی یا کمترین صدایی از ایشان می‌شنوی؟ (۹۹)

طه

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) طاها، (۲) ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به زحمت و مشقت بیفتی. (۳) مگر آنکه مایه‌ی تذکر و یادآوری باشد برای کسی که (از خدا) می‌ترسد. (۴) از جانب کسی که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده، نازل شده است. (۵) (او)

خداوندی بخشنده و) رحمان است که بر عرش (تخت فرمانروایی هستی)، تسلط دارد. (۶) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین و آنچه در میان آنها و آنچه در زیر زمین است، برای اوست. (۷) و اگر سخت را آشکار بگویی (و یا پنهان کنی، تفاوتی ندارد)، پس همانا او اسرار (شما) و پنهان تر (از آن) را می‌داند. (۸) (زیرا او) خدایی است که معبودی جز او نیست (و) بهترین نام ها برای اوست. (۹) و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟! (۱۰) هنگامی که آتشی را دید، پس به خانواده‌ی خود گفت: قدری درنگ کنید، همانا من آتشی یافته‌ام، شاید (بتوانم) مقداری از آن را برای شما بیاورم یا به واسطه‌ی (آن) آتش، راهی بیابم. (۱۱) پس همین که نزد آتش آمد، ندا داده شد: ای موسی! (۱۲) همانا من پروردگار تو هستم. پس کفش خود را بیرون آور، به درستی که تو در سرزمین مقدّس «طوی» هستی. (۱۳) و من تو را (به پیامبری) برگزیده‌ام، پس به آنچه وحی می‌شود گوش فراده. (۱۴) همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را بپا دار تا به یاد من باشی. (۱۵) همانا قیامت خواهد آمد (ولی) من می‌خواهم (زمان) آن را مخفی کنم تا هر کس در برابر سعی و تلاش خود، جزا داده شود. (۱۶) پس مبادا کسی که به قیامت ایمان ندارد و پیرو هوای نفس خویش است، تو را از توجه به قیامت باز دارد که سقوط می‌کنی. (۱۷) و (خداوند فرمود): ای موسی! آنچه به دست راست توست چیست؟! (۱۸) (موسی) گفت: این عصای من است که بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم (از درختان) برگ می‌ریزم و در آن منافع دیگری (نیز) برای من است. (۱۹) (خداوند) فرمود: ای موسی! عصا را بیفکن. (۲۰) پس (موسی) آن را افکند، پس ناگهان آن (عصا) ماری شد که می‌شتافت. (۲۱) (خداوند) فرمود: آن را بگیر و نترس، ما بزودی آن را به حالت اولیّه‌اش برمی‌گردانیم. (۲۲) و دستت را به زیر بازو و بغل خویش فروبر تا سفید و بی‌عیب بیرون آید (که این نیز) نشانه و معجزه‌ی دیگری است. (۲۳) تا از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (۲۴) (ای موسی! اکنون) به سوی فرعون حرکت کن که او طغیان کرده است. (۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه‌ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله‌ام بیفزا). (۲۶) و کارم را برایم آسان فرما. (۲۷) و گره از زبانم باز نما. (۲۸) تا (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند. (۲۹) و از خاندانم (یاور و) وزیری برایم قرار بده. (۳۰) برادرم هارون را. (۳۱) (و اینگونه) پشت مرا با او استوار ساز. (۳۲) و او را در کارم شریک گردان. (۳۳) تا ما تو را بسیار به پاکی بستاییم. (۳۴) و تو را بسیار یاد نماییم. (۳۵) (پروردگارا!) همانا تو همواره نسبت به احوال ما آگاه و بصیر هستی. (۳۶) (خداوند) فرمود: ای موسی! به یقین آنچه را درخواست کردی به تو داده شد. (۳۷) و به تحقیق ما بار دیگر بر تو مَنّت گذاشتیم (و تو را مشمول نعمت های خویش ساختیم). (۳۸) آنگاه که به مادرت آنچه را باید الهام کرد، وحی کردیم. (۳۹) (به او وحی کردیم) که کودک خود را در صندوقی بگذارد، پس آن (صندوق) را در دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند و (کسی که) دشمن من و دشمن او (است)، آن را (از دریا) بگیرد. و (ای موسی!) من محبّتی از جانب خویش بر تو افکندم (تا تو را دوست بدارند) و تا زیر نظر من ساخته شوی (و پرورش یابی). (۴۰) آنگاه که خواهرت (در پی آن صندوق) می‌رفت تا بگوید: آیا شما را به کسی راهنمایی کنم که تکفل و پرستاری او را بپذیرد؟! (و آنان پذیرفتند). پس (این گونه) ما تو را به سوی مادرت باز گردانیدیم تا چشم او (به تو) روشن شود و اندوهگین نگردد. و (ای موسی!) تو شخصی (از فرعونیان) را به قتل رساندی (و از این بابت دچار اندوه گردیدی)، پس تو را از غم نجات دادیم و تو را در آزمون های مختلف آزمودیم. پس چند سالی را در میان مردم مدین (و در کنار شعیب پیامبر) درنگ کردی، سپس (اینک) در زمان مقدر (برای پذیرش رسالت به اینجا) آمدی. (۴۱) (ای موسی!) من تو را برای خودم ساخته و برگزیدم. (۴۲) (اکنون) تو و برادرت با (معجزات و) آیاتی که من به شما داده‌ام بروید و در یاد (و رسالت) من سستی نکنید. (۴۳) بروید به سوی فرعون که او طغیان کرده است. (۴۴) پس به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد. (۴۵) (موسی و هارون) گفتند: پروردگارا! همانا می‌ترسیم که او بر ضد ما تعدی کند یا بر طغیان ادامه دهد (و بر آن بیفزاید). (۴۶) (خداوند) فرمود: نترسید، همانا من با شما هستم (و همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم. (۴۷) پس به سراغ او بروید، پس (به او) بگویید: (ای فرعون) ما دو فرستاده‌ی پروردگار تو هستیم، و بنی اسرائیل را به همراه ما بفرست (و بیش از این) آنها را آزار مده.

البته ما با معجزه‌ای از جانب پروردگارت به سوی تو آمده‌ایم و درود بر کسی که هدایت را پیروی کند. (۴۸) (به او بگوئید: همانا به ما وحی گردیده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند (و از آنها) سرپیچی نماید. (۴۹) (فرعون) گفت: ای موسی! پس پروردگار شما دو نفر کیست؟! (۵۰) (موسی) گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش خاص آن را عطا کرده و آنگاه (آن را به راه کمال) هدایت فرمود. (۵۱) (فرعون) گفت: پس حال نسل‌های پیشین چگونه است؟! (۵۲) (موسی) گفت: علم آن (احوال) در کتابی نزد پروردگار من است (و) پروردگار من نه (خطا و چیزی را) گم می‌کند و نه فراموش می‌نماید. (۵۳) خدایی که زمین را برای شما بستر آسایش قرار داد و راه‌هایی را در آن برای شما ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد، پس به واسطه‌ی آن، انواع زوج‌های گوناگون گیاهان را (از خاک) بیرون آوردیم. (۵۴) (تا هم خودتان از آن) بخورید و (هم) چهار پایانتان را (در آن) بچرانید. البته در این (امور) نشانه‌هایی برای خردمندان است. (۵۵) ما شما را از آن (زمین) آفریدیم و در آن بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. (۵۶) و به تحقیق ما تمام آیات و معجزات خویش را به او (فرعون) نشان دادیم، ولی او تکذیب و امتناع کرد. (۵۷) (فرعون) گفت: ای موسی! آیا تو آمده‌ای تا با سحر خود ما را از منطقه و سرزمینمان بیرون کنی؟! (۵۸) (فرعون ادامه داد) پس ما (هم) حتما سحری همانند آن (سحر) را برای تو خواهیم آورد. پس (اکنون) بین ما و خودت زمانی قرار بده که از آن تخلف نکنیم (آن هم در) مکانی هموار و با فاصله‌ای که نسبت به همه یکسان باشد. (۵۹) (موسی) گفت: وعدگاه (ما و) شما، روز زینت (روز عید) و در وقت چاشت (نیمروز) که همه‌ی مردم جمع شده باشند. (۶۰) پس فرعون پشت کرد (و مجلس را ترک کرد)، پس (تمام) مکر و حیل‌های خود را جمع کرد، سپس (در روز موعود) باز آمد. (۶۱) موسی به آنان (فرعونیان) گفت: وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید، که شما را با عذابی (سخت) هلاک و ریشه کن خواهد کرد و به تحقیق آن کس که (به خدا) دروغ ببندد، ناکام و زیانکار گردد. (۶۲) پس آنان در کارشان به کشمکش پرداختند و نجوی (و نتیجه نزاع خود) را مخفی کردند. (۶۳) (فرعونیان) گفتند: همانا این دو (موسی و هارون) قطعاً جادوگرند (که) می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و آیین برتر شما را براندازند. (۶۴) پس (اینک تمام نقشه و) کید خود را گرد آورید، سپس در یک صف (و بطور منظم) حاضر شوید. و به تحقیق امروز پیروزی از آن کسی است که برتری یابد (و سحر او غالب شود). (۶۵) (ساحران) گفتند: ای موسی! آیا تو (ابتدا عصای خود را) می‌افکنی یا ما اول کسی باشیم که بیفکنند؟! (۶۶) (موسی) گفت: بلکه شما بیفکنید. پس (همین که آنان بساط خود را افکندند) ناگهان طنابها و عصاهای آنان در اثر سحرشان چنان به نظر او (موسی) آمد که حرکت می‌کنند! (۶۷) پس موسی در دل خود احساس ترس کرد (که مبادا مردم فریب بخورند). (۶۸) ما (به موسی) گفتیم: نترس! همانا تو خودت برتری. (۶۹) و آنچه را در دست راست داری بیفکن تا هر چه را آنان ساخته‌اند در کام خود فرو برد (و بیلعد). همانا آنچه آنان ساخته‌اند (فقط) حیل‌ه ساحر است و ساحر هر جا رود (و هر چه کند پیروز) و رستگار نگردد. (۷۰) پس (وقتی آنان معجزه موسی را دیدند که چگونه اژدها همه‌ی بافته‌هایشان را بلعید، تمام) ساحران به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. (۷۱) (فرعون که تمام نقشه‌های خود را بر آب دید به ساحران) گفت: آیا قبل از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! بی‌گمان او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. پس قطعاً دست‌ها و پاهای شما را بر خلاف (یکدیگر، یعنی دست راست و پای چپ یا به عکس) قطع خواهیم کرد و شما را بر شاخه‌های درخت خرما به دار خواهیم آویخت و به زودی خواهید دانست که شکنجه و مجازات کدام یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است. (۷۲) (ساحرانی که ایمان آورده بودند به فرعون) گفتند: ما هرگز تو را بر کسی که ما را آفریده و بر آن معجزاتی که برای ما آمده، ترجیح نخواهیم داد. پس تو هر حکم و قضاوتی که می‌خواهی بکن، تو فقط در این زندگانی دنیا حکم می‌کنی. (۷۳) همانا ما به پروردگارمان ایمان آورده‌ایم تا خطاهای ما و آنچه را از سحر که بر آن وادارمان کردی بر ما ببخشد، و خداوند بهتر و پاینده‌تر است. (۷۴) همانا هر کس که گناهکار و مجرم نزد پروردگار خود بیاید، پس برای او جهنمی است که نه در آن می‌میرد (تا رهایی یابد) و نه (با خوشی) زندگی می‌کند. (۷۵) و هر

کس در حالی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشد، نزد او آید، پس برای آنان درجات عالی و برتر است. (۷۶) (و) باغهای جاویدانی که در زیر آنها نهرها جاری است (و آنان برای) همیشه در آنجا خواهند بود، و این پاداش کسی است که (خود را از کفر و گناه) پاکیزه گرداند. (۷۷) و به تحقیق ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه (از مصر) کوچ بده و برای آنان راهی خشک در میان دریا بگشا تا نه از تعقیب (فرعونیان) بترسی و نه (از غرق شدن)، بیمناک باشی. (۷۸) پس فرعون با سپاهیانش آنان را دنبال کرد، پس (موجی) از دریا آنان را گرفت و به طور کامل غرق کرد. (۷۹) و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هیچ هدایتی نکرد. (۸۰) ای بنی اسرائیل! همانا ما شما را از (دست) دشمنانتان نجات دادیم و با شما در سمت راست کوه طور، قرار و وعده گذاردیم و بر شما (غذاهای آماده‌ای همچون) «مَن» و «سِیلوی» نازل کردیم. (۸۱) (اینک) از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید، و (لی) در آن طغیان نکنید که قهر و غضب من بر شما وارد خواهد شد و هر کس که قهر من او را بگیرد، قطعا سقوط کرده است. (۸۲) و البتّه من، هر کس را که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، به هدایت برسد، قطعا می‌بخشم. (۸۳) و (به موسی گفتیم): ای موسی! چه چیز سبب تعجیل (و پیشی گرفتن) تو از قومت شد؟! (چرا زودتر به وعده‌گاه آمدی؟) (۸۴) (موسی) گفت: آنها (قوم من) به دنبال من هستند و پروردگارا! برای خشنودی تو به سوی تو شتاب کردم. (۸۵) (خداوند) فرمود: همانا ما قوم تو را بعد از (آمدن) تو آزمایش کردیم و سامری آنها را گمراه کرد. (۸۶) پس موسی خشگمین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت (و) گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما وعده‌ای نیکو (نزول تورات) نداد؟ آیا مدّت (غیبت من) بر شما طولانی شد؟ یا اینکه می‌خواستید خشمی از طرف پروردگارتان بر شما فرود آید، که با قرار و موعد من تخلف کردید؟! (۸۷) (مردم به موسی) گفتند: ما به میل و اراده‌ی خود خلاف وعده نکردیم، ولیکن از زیور آلات قوم (فرعون، چیزها و) بارهایی بر ما نهاده شد، پس ما آنها را (در آتش) افکندیم پس اینگونه سامری (بر ما) القا کرد. (۸۸) پس (سامری) برای آنها پیکر گوساله‌ی نری که دارای صدایی بود پدید آورد، آنگاه (با پیروانش به مردم) گفتند: این خدای شما و خدای موسی است. پس سامری (خدا و همه‌ی تعلیمات موسی را) فراموش کرد. (۸۹) پس آیا نمی‌بینند که (این گوساله) برایشان پاسخی ندارد و مالک (هیچگونه) سود و زیانی برای آنها نیست؟! (۹۰) و البتّه هارون (نیز) پیش از این (آمدن موسی) به آنان گفته بود: ای قوم من! شما قطعا به واسطه‌ی آن (گوساله)، مورد آزمایش قرار گرفته‌اید و همانا پروردگار شما خداوند رحمان است، پس از من پیروی کنید و دستور مرا اطاعت نمایید. (۹۱) (اما قوم مرتد، به هارون) گفتند: ما همچنان برپاداریم (و هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت) تا موسی به سوی ما باز گردد. (۹۲) (موسی در حالی که موی سر و صورت برادر را گرفته بود به او) گفت: ای هارون! زمانی که دیدی آنان گمراه شدند، چه چیز تو را بازداشت؟! (۹۳) از اینکه مرا پیروی نکنی؟ (چرا برای نجات مردم فوراً به سراغ من نیامدی؟) آیا دستور مرا نافرمانی کردی؟! (۹۴) (هارون در جواب) گفت: (ای برادر و) ای فرزند مادرم! (موسی) ریش و سر مرا (به مؤاخذه) مگیر، همانا من ترسیدم (با برخورد تند من، آنها متفرق شوند و) تو بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و کلام مرا مراقبت نکردی! (۹۵) (سپس موسی به سامری) گفت: ای سامری! (منظور تو از) این کار (و فتنه‌ی) بزرگ که کردی چیست؟! (۹۶) (سامری) گفت: من به چیزی پی بردم که (دیگران) به آن پی نبردند، پس من مشتکی از آثار رسول (حق) را بر گرفتم، پس آن را (در گوساله) افکندم و این گونه نفسم این کار را در نظرم بیاراست (و فریب داد). (۹۷) (موسی به سامری) گفت: پس برو (دور شو)، پس همانا بهره‌ی تو در دنیا این است که (به دردی مبتلا- خواهی شد که دائما) می‌گویی: «به من دست نزنید» و همانا برای تو (در آخرت) میعادگاهی است که هرگز از آن تخلف نخواهد شد. و (اکنون) به سوی معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی نگاه کن، ما حتما آن را می‌سوزانیم (و) سپس خاکستر و ذرات آن را به دریا خواهیم پاشید. (۹۸) (ای قوم من!) همانا معبود شما «الله» است که معبودی جز او نیست (و) علم او همه چیز را فرا گرفته است. (۹۹) (ای پیامبر!) ما این گونه از اخبار گذشته بر تو حکایت می‌کنیم و همانا ما از جانب خویش به تو ذکر (قرآن) داده‌ایم. (۱۰۰) پس هر کس از آن (ذکر) روی برگرداند، قطعا

او در روز قیامت، بار سنگینی (از گناه) را بر دوش خواهد کشید. (۱۰۱) (آنها) برای همیشه در آن (بار گناه و عقوبتش) خواهند ماند و چه بد باری است برای آنها، (بار گناه) در روز قیامت. (۱۰۲) (همان) روزی که در صور دمیده می شود و ما در آن روز، مجرمان را با چشمان تیره (و بدن های کبود) محشور می کنیم. (۱۰۳) (آنها) در بین خودشان آهسته با یکدیگر گفتگو می کنند که شما جز چندی (ده روز در دنیا بیشتر) توقف نداشتید. (۱۰۴) (البته) ما به آنچه آنها می گویند داناتریم، آنگاه که بهترین آنان در رفتار، می گوید: شما درنگ نکردید مگر یک روز! (۱۰۵) و (ای پیامبر!) از تو درباره ی کوه ها (در قیامت) می پرسند، بگو: پروردگار من آنها را از بن برکنده و متلاشی می کند. (۱۰۶) پس آنها را (همچون) کویری صاف و هموار، رها می سازد. (۱۰۷) که در آن هیچ پستی و بلندی مشاهده نمی کنی. (۱۰۸) در آن روز، (مردم) از دعوت کننده ای که (هیچ) انحرافی ندارد پیروی می کنند (و گوش به صدای اسرافیل هستند) و همه صداها در برابر (عظمت خداوند) رحمان فرو می نشیند. پس (در آن روز) جز صدایی آهسته نمی شنوی. (۱۰۹) در آن روز، شفاعت (هیچ کس) سودی ندارد، مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه دهد و از گفتار او (شفاعت کننده یا شفاعت شونده) راضی باشد. (۱۱۰) (خداوند به) آنچه آنان در پیش روی دارند و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته اند آگاه است، ولی مردم بر او احاطه علمی ندارند. (۱۱۱) و (در آن روز) همه ی چهره ها در برابر خداوند زنده ی پاینده، خوار و فروتن می شود و البته هر کس که بار ستم برداشت، مأیوس و زیان کار است. (۱۱۲) و (ای پیامبر!) هر کس از کارهای نیکو انجام دهد و مؤمن باشد، پس (در آن روز) نه از ستم و کاستی (در پاداشش) نترسد. (۱۱۳) و بدینسان ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم و در آن با انواع بیان ها هشدار دادیم، شاید آنها پروا کنند و یا برایشان پندی ایجاد شود. (۱۱۴) پس (بدان که) بلند مرتبه است خدای فرمانروای بر حق، و تو (ای پیامبر!) بر خواندن قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد شتاب مکن و بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن. (۱۱۵) و به تحقیق، پیش از این با آدم پیمان بستیم، اما او فراموش کرد و ما عزم استواری برای او نیافتیم. (۱۱۶) و زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس همگی سجده کردند، مگر ابلیس که سرپیچی و امتناع رد. (۱۱۷) پس گفتیم: ای آدم! همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، پس (مواظب باش که با وسوسه هایش) شما را از بهشت بیرون نکند که به رنج و مشقت خواهی افتاد. (۱۱۸) (در صورتی که) همانا تو در آنجا (بهشت)، نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی. (۱۱۹) و در آنجا (بهشت)، نه تشنه می شوی و نه از حرارت آفتاب آزار می بینی. (۱۲۰) پس شیطان او را وسوسه کرد (و) گفت: ای آدم! آیا (می خواهی که) تو را به درخت جاودانگی و ملک (و پادشاهی) فنا ناپذیر راهنمایی کنم؟! (۱۲۱) پس (آدم و همسرش فریفته شده و) هر دو از آن (درخت ممنوعه) خوردند، پس (به ناگاه لباس هایشان ریخت و) شرمگاهشان برای آنان ظاهر شد و (ناچاراً) هر دو به چسباندن برگ (درختان) بهشت بر خودشان مشغول شدند و (این چنین) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و بیراهه رفت. (۱۲۲) سپس پروردگارش او را برگزید، پس (لطف خویش را) بر او باز گرداند و او را هدایت کرد. (۱۲۳) (خداوند به آدم و حوا) فرمود: از آن (بهشت و مقام والا) فرود آید (که) بعضی از شما، دشمن بعض دیگر خواهد بود، پس اگر از جانب من رهنمودی برای شما آمد، پس (بدانید که) هر کس از رهنمود من پیروی کند، نه گمراه می شود و نه تیره بخت. (۱۲۴) و هر کس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محشور می کنیم. (۱۲۵) (در قیامت خواهد) گفت: پروردگارا! چرا مرا نابینا محشور کردی در حالی که من (در دنیا) بینا بودم؟! (۱۲۶) (و خداوند در جواب خواهد) فرمود: همان گونه که آیات ما به تو رسید و تو آنها را فراموش کردی، امروز هم همانطور فراموش گردیده ای. (۱۲۷) و ما این گونه هر کس را که افراط و اسراف کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد جزا می دهیم و قطعا عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر است. (۱۲۸) پس آیا مردمانی که پیش از این مورد قهر و هلاکت ما قرار گرفتند و (اینان امروز) در خانه های آنان رفت و آمد می کنند، برای هوشیاری و هدایتشان کافی نیست؟! همانا در آن (حوادث) برای صاحبان عقل و اندیشه نشانه ها و عبرت هاست. (۱۲۹) و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و (ملاحظه ی) زمان مقرر نبود، هر آینه عذاب الهی لازم می آمد (و دامان آنان را نیز

می گرفت). (۱۳۰) پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن با ستایش پروردگارت (او را) تسبیح کن و (همچنین) برخی از اوقات شب و اطراف روز را تسبیح بگویی، باشد که خشنود شوی. (۱۳۱) و هرگز به متاعی که ما به گروهی از آنها داده‌ایم، چشم مدوز که (این) شکوفه و جلوه‌ی زندگی دنیاست (و ما می‌خواهیم) تا آنها را در آن بیازمائیم و (به یقین) روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (۱۳۲) و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می‌دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقوا است. (۱۳۳) و (کافران) گفتند: چرا (پیامبر) از جانب پروردگارش معجزه و نشانه‌ای برای ما نمی‌آورد؟ آیا دلیل و نشانه روشن در کتب قبلی برایشان نیامده (که ایمان نیاورند؟). (۱۳۴) و اگر ما آنان را قبل از (آمدن پیامبر و نزول قرآن) با عذابی هلاک می‌کردیم، می‌گفتند: پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا ما از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و خوار شویم. (۱۳۵) بگو: هر یک (از ما و شما) در انتظاریم، پس انتظار بکشید که به زودی خواهید دانست یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است. (۱۳۶)

الأنبياء

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) (زمان) حساب مردم نزدیک شده است، در حالی که آنان در بی‌خبری، (از آن) روی گردانند! (۲) هیچ پند تازه‌ای از طرف پروردگارشان برای آنان نیامد، مگر اینکه آن را شنیدند و (باز) سرگرم بازی شدند. (۳) در حالی که دل‌های آنان (از حق، غافل و به چیز دیگری) سرگرم است و کسانی که (کافر شدند و به خود) ستم کردند، مخفیانه نجوی می‌کنند که آیا این (مرد) جز بشری مثل شماست؟ آیا با اینکه می‌بینید به سوی سحر می‌روید؟! (۴) (پیامبر) گفت: پروردگار من، هر سخنی که در آسمان و زمین باشد می‌داند. او شنوای داناست. (۵) (کفار) گفتند: آنچه محمد آورده، وحی نیست) بلکه خواب‌های آشفته است، بلکه آنها را به دروغ به خدا نسبت داده، بلکه او یک شاعر است، پس (اگر راست می‌گوید) باید همان گونه که (پیامبران) پیشین (با معجزه) فرستاده شده بودند، او برای ما معجزه‌ای بیاورد. (۶) تمام آبادی‌هایی که پیش از اینها هلاکشان کردیم، (تقاضای این گونه معجزات را کردند، ولی همین که پیشنهادشان عملی شد) ایمان نیاوردند، پس آیا اینان ایمان می‌آورند؟! (۷) و (ای پیامبر! به آنان بگو: ما (هیچ پیامبری را) پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه (آنها نیز) مردانی بودند که ما به ایشان وحی می‌کردیم، پس اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع (و اهل کتب آسمانی) بپرسید. (۸) و (همچنین) ما آنها را پیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم و آنان جاویدان نبودند (که نمیرند). (۹) سپس ما به وعده‌ای که به آنان داده بودیم، وفا کردیم. پس آنان و هر که را خواستیم، نجات دادیم و اسراف کاران را هلاک نمودیم. (۱۰) همانا بر شما کتابی نازل کردیم که در آن وسیله‌ی تذکر شماست، آیا نمی‌اندیشید؟! (۱۱) و ما چه بسیار آبادی‌هایی را در هم شکستیم که مردمش ستمگر بودند و پس از آنها قومی دیگر را پدید آوردیم. (۱۲) پس چون (قوم ستمگر) قهر ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند. (۱۳) (اما خطاب رسید که) فرار نکنید! و به خانه‌هایتان و آنچه در آن کامیاب بودید باز گردید، شاید مورد سؤال قرار گیرید. (۱۴) (و چون عذاب ما را جدی دیدند) گفتند: ای وای بر ما! همانا ما ستمکار بودیم. (۱۵) و پیوسته، این سخن آنان بود تا ما آنها را درو کرده و خاموش و بی‌حرکت ساختیم. (۱۶) و ما، آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست برای بازی نیافریدیم. (۱۷) (و اگر چنانچه (بر فرض محال) می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم و بازیگر بودیم، هر آینه آن را از پیش خود (و متناسب با خود) انتخاب می‌کردیم. (۱۸) (این چنین نیست،) بلکه ما حق را بر باطل می‌گوییم تا مغز آن را در هم بشکنند، پس بی‌درنگ، باطل محو و نابود می‌شود. و وای بر شما از آنچه (خداوند را به آن) توصیف می‌کنید (و نسبت لهو و لعب و بیهوده کاری می‌دهید). (۱۹) و برای اوست هر که در آسمان‌ها و زمین است، و کسانی که نزد او هستند (فرشتگان) از (برای) عبادت او تکبر نمی‌ورزند و خسته و درمانده نمی‌شوند. (۲۰) آنان شبانه روز بی‌آنکه سستی ورزند، خداوند را به پاکی می‌ستایند. (۲۱) آیا خدایانی که (کفار) از زمین انتخاب کرده‌اند، مردگان را

زنده می‌کنند؟ (۲۲) اگر در آسمان‌ها و زمین خدایانی جز الله بود، هر آینه آن دو فاسد می‌شدند، پس منزّه است خداوند پروردگار عرش، از آنچه (ناآگاهان) توصیف می‌کنند. (۲۳) او (خداوند) از آنچه انجام می‌دهد سؤال نمی‌شود، امّا آنها (مردم) در انجام کارهایشان) مورد بازخواست قرار می‌گیرند. (۲۴) آیا آنها (کافران) بجای خداوند (یکتا) خدایان دیگری را گرفته‌اند؟ (پس به آنان) بگو: دلیل تان را بیاورید. این (قرآن) یادنامه‌ی پیروان من و یادنامه کسانی است که پیش از من بوده‌اند (که همه بر نداشتن شریک برای خداوند اتفاق کلمه دارند) امّا اکثر مردم، حق را نمی‌دانند، پس (از آن) روی گردانند. (۲۵) و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست، پس (تنها) مرا بپرستید. (۲۶) و (کفار) گفتند: خداوند رحمان (فرشتگان را برای خود) فرزند گرفته است! منزّه است او، بلکه (فرشتگان) بندگانی گرامی هستند. (۲۷) (فرشتگان) در کلام بر او سبقت نمی‌گیرند و (تنها) به فرمان او عمل می‌کنند. (۲۸) (خداوند) آنچه را که در (آینده) پیش روی آنان و یا گذشته‌ی آنهاست می‌داند و آنان (فرشتگان) جز برای کسی که خداوند رضایت دهد، شفاعت نمی‌کنند و از ترس او (پروردگار) بیمناکند. (۲۹) و هر که از آنها (فرشتگان) بگوید: من به جای خداوند، معبود هستم، پس جزای او را جهنّم قرار می‌دهیم (و) ما این گونه ستمکاران را کیفر خواهیم داد. (۳۰) آیا کافران نمی‌بینند که آسمان‌ها و زمین بهم بسته بودند، پس ما، آن دو را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم. آیا (با این همه) باز ایمان نمی‌آورند؟ (۳۱) و در زمین، کوه‌های ثابت و استوار قرار دادیم تا (مبادا زمین) آنها (مردم) را بلرزاند و در لابلای کوه‌ها، (دره‌ها و) راه‌های فراخ پدید آوریم، شاید که آنها راه یابند. (۳۲) و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم، و آنها از نشانه‌های آن روی گردانند. (۳۳) و او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید (که) هر یک (از آنها) در مداری (معین)، شناور (و در حرکت) است. (۳۴) و ما پیش از تو برای (هیچ) انسانی، جاودانگی (و زندگی ابدی) قرار ندادیم، پس آیا اگر تو از دنیا بروی، آنان! زندگانی جاوید خواهند یافت؟! (۳۵) هر نفسی چشیده مرگ است و ما شما را با مبتلا کردن به بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم و بسوی ما باز گردانده می‌شوید. (۳۶) و هر گاه کفار تو را ببینند، کاری غیر از به استهزا گرفتن تو ندارند، (با همدیگر می‌گویند): آیا این است آنکه خدایان شما را (به بدی) یاد می‌کند؟ در حالی که (این کافران) خودشان، یاد خدای رحمان را منکرند (و به او کفر می‌ورزند). (۳۷) (طبیعت بشر به گونه‌ای است که گویا) انسان، از عجله آفریده شده، (امّا) من به زودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد، پس (در تقاضای عذاب از من) شتاب مکنید! (۳۸) (کفار، به پیامبر (ص) و مؤمنین) می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی فرامی‌رسد؟ (۳۹) اگر کفار می‌دانستند زمانی که (آنروز فرا رسد، دیگر) نمی‌توانند شعله‌های آتش را از صورت‌ها و از پشت‌هایشان دور کنند و (هیچ چیز و هیچ) کسی آنان را یاری نمی‌کند، (این قدر درباره‌ی قیامت شتاب نمی‌کردند). (۴۰) بلکه (این آتش) ناگهان به سراغشان خواهد آمد و آنانرا بهت زده خواهد کرد. پس (دیگر) نه قدرت دفع آن را دارند و نه به آنان مهلتی داده خواهد شد. (۴۱) و (نگران مباش که تو را استهزا می‌کنند) همانا پیامبران پیش از تو نیز مورد استهزا قرار گرفتند. (۴۲) (از وعده‌های الهی) که مسخره می‌کردند، (سرانجام) دامان (خود) مسخره‌کنندگان را گرفت! (۴۲) بگو کیست که شما را در شب و روز از (عذاب) خدای رحمان نگاه می‌دارد؟! (باز) آنان از یاد پروردگارشان روی می‌گردانند. (۴۳) یا برای آنان (کفار) خدایانی است که آنان را در برابر (عذاب) ما حفظ کند؟ آنان، (خدایان ساختگی) قادر بر یاری (و حفظ) خودشان نیستند (تا چه رسد به دیگران)، و از جانب ما نیز همراهی نمی‌شوند. (۴۴) با این وجود، ما آنها و پدرانشان را (از نعمت‌ها) کامیاب ساختیم تا آنجا که عمرشان طولانی شد (و مایه‌ی غرور و طغیان آنان گردید). آیا نمی‌بینند که ما به سراغ زمین آمده (و با مرگ و فنا) از اطراف آن می‌کاهیم؟ پس آیا ایشان (بر ما) غلبه دارند؟ (۴۵) بگو: من فقط از طریق وحی به شما هشدار می‌دهم. امّا (ای پیامبر! بدان) کسانی که (نسبت به شنیدن حق) کر هستند، زمانی که انذار می‌شوند، آن را نمی‌شنوند! (۴۶) در حالی که اگر دمی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، قطعاً خواهند گفت: ای وای بر ما، همانا ما ستمکار بودیم. (۴۷) و ما برای روز قیامت، ترازوهای عدل برپا خواهیم کرد، پس (در آن روز) هیچ ستمی به احدی نخواهد شد و

اگر (عملی) همسنگ دانه‌ی خردلی (هم) باشد، ما آن را (برای محاسبه) خواهیم آورد و (همین قدر در دقت محاسبات) کافی است که ما حسابرس باشیم. (۴۸) و همانا ما به موسی و هارون، فرقان و نور و تذکری برای اهل پروا عطا کردیم. (۴۹) (همان) کسانی که از پروردگارشان در نمان می‌ترسند و همانانی که از قیامت در هراسند. (۵۰) و این (قرآن)، مبارک ذکر است که ما آن را (برای شما) نازل کردیم، آیا شما آن را انکار می‌کنید؟! (۵۱) و همانا ما پیش از این، ابراهیم را به رشد و کمال خود رساندیم، و (البته) ما به (شایستگی‌های) او آگاه بودیم. (۵۲) آن زمان که به پدرش (عمویش) و قومش گفت: چیست این (صورت‌ها و) مجسمه‌های بی‌روحي که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟! (۵۳) (آنان در پاسخ) گفتند: ما پدرانمان را بر پرستش آنها یافته‌ایم! (۵۴) (ابراهیم) گفت: به تحقیق که شما و پدرانتان در گمراهی آشکار بوده و هستید! (۵۵) (مشرکین به ابراهیم) گفتند: آیا تو سخن حقی برای ما آورده‌ای یا اینکه شوخی می‌کنی؟! (۵۶) (ابراهیم) گفت: البته (که حق می‌گویم) پروردگار شما (همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آنها را به وجود آورده و من (نیز) بر این حقیقت از گواهانم. (۵۷) و به خداوند سوگند که درغیاب شما، نقشه‌ای برای (نابودی) بت‌هایتان خواهم کشید. (۵۸) پس (سرانجام، ابراهیم در یک فرصت مناسب) همه آنها، جز بزرگشان را کاملاً خرد کرد تا شاید آنها به سراغ آن بیایند (و وجدان‌های خفته‌ی آنها بیدار شود). (۵۹) گفتند: چه کسی با خدایان ما این چنین کرده؟ قطعاً او از ستمکاران است. (۶۰) گفتند: شنیده‌ایم جوانی که به او ابراهیم می‌گویند، بت‌ها را (به بدی) یاد می‌کرد. (۶۱) (بزرگان قوم) گفتند: پس او را در پیش چشم مردم بیاورید تا آنها (بر مجرم بودن او) گواهی دهند. (۶۲) گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با خدایان ما این چنین کرده‌ای؟! (۶۳) (ابراهیم) گفت: بلکه این بزرگشان آن را انجام داده است. پس از خودشان پرسید اگر سخن می‌گویند!! (۶۴) پس به (وجدانهای) خود بازگشتند، پس (به یکدیگر یا به خویش) گفتند: هر آینه شما خودتان ستمگر و ظالمید. (۶۵) سپس سرهایشان را به زیر انداختند (و با شرمندگی گفتند: ای ابراهیم!) برآستی تو خود می‌دانی که اینها (حرف نمی‌زنند و) اهل سخن گفتن نیستند. (۶۶) (ابراهیم) گفت: پس آیا شما بجای خداوند چیزی را می‌پرستید که هیچ سودی برای شما ندارد و هیچ زیانی به شما نمی‌رساند؟! (۶۷) اف بر شما و بر هر چه که غیر از خدا پرستش می‌کنید، آیا نمی‌اندیشید؟! (۶۸) (اما مشرکان لجوج و متعصب) گفتند: اگر می‌خواهید کاری انجام دهید! او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. (۶۹) (و سرانجام آتشی فراهم آورده و ابراهیم را به درون آن انداختند، اما ما) گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. (۷۰) و (اگر چه) آنان برای او (تدبیر بد و) کیدی را اراده کردند، ولی ما آنها را از زیانکارترین (مردم) قرار دادیم. (۷۱) و ما، او (ابراهیم) و لوط را (از شرّ کافران) به سرزمینی که در آنجا برای همه جهانیان برکت نهادیم، نجات دادیم. (۷۲) و به او (ابراهیم) اسحاق و یعقوب را به عنوان نعمتی افزون بخشیدیم و همه را از صالحان قرار دادیم. (۷۳) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند و به آنان، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکاه را وحی کردیم و آنان فقط عبادت‌کنندگان ما بودند. (۷۴) و به لوط، حکمت و دانش عطا کردیم و او را از قریه‌ای که کارهای زشت انجام می‌دادند رهانیدیم، برآستی آنان مردمی بد و منحرف بودند. (۷۵) و او را در رحمت خویش وارد نمودیم، همانا او از شایستگان بود. (۷۶) و (به یاد آور ماجرای) نوح را از پیش (از ابراهیم و لوط) آن زمان که (پروردگار خویش را) ندا کرد، پس (خواستهای) او را اجابت کردیم، پس او و خاندانش را از (آن اندوه و) بلای بزرگ، نجات بخشیدیم. (۷۷) و او را در برابر مردمی که آیات (و نشانه‌های) ما را تکذیب می‌کردند، یاری دادیم، بدرستی که آنان، مردم بدی بودند، پس همه‌ی آنها را غرق کردیم. (۷۸) و داود و سلیمان (را یاد کن) آن هنگام که درباره کشتزاری که گوسفندان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباہ ساخته بودند) داوری می‌کردند و ما شاهد داوری آنان بودیم. (۷۹) پس ما آن (حکم حق) را به سلیمان تفهیم کردیم و ما به هر یک از آنها، فرزاندگی و دانش دادیم، و کوه‌ها را رام داود ساختیم (بطوری که آنها) و پرندگان (با او) تسبیح می‌گفتند، و ما انجام دهنده‌ی این کارها بودیم. (۸۰) و به او (داود) فن زره‌سازی برای شما را آموختیم تا شما را از (خطرات) جنگتان حفظ کند، پس آیا شما شکرگزار هستید؟! (۸۱) و برای سلیمان، تند باد را (رام نمودیم) که به فرمان او به سوی سرزمینی که

در آن برکت قرار دادیم حرکت می کرد و ما به هر چیزی آگاهیم. (۸۲) و گروهی از شیطان ها برای او (سلیمان) غواصی می کردند و کارهای غیر از این را (نیز) انجام می دادند و ما مراقب آنان بودیم، (تا از فرمان او تجاوز و سرکشی نکنند). (۸۳) و (به یاد آور) ایوب را آن زمان که پروردگارش را ندا داد که همانا به من آسیب رسیده و تو مهربانترین مهربانانی. (۸۴) پس (دعای) او را مستجاب کردیم و سختی او را برداشتیم و خاندانش را به او باز گرداندیم و همانندشان را (نیز) با ایشان (همراه کردیم تا هم) رحمتی از سوی ما (به او باشد و هم یادآوری) و پند و تذکری برای عبادت کنندگان. (۸۵) و اسماعیل و ادریس و ذی الکفل (را یاد کن که) همه از شکیبایان بودند. (۸۶) و ما آنانرا در رحمت خویش وارد ساختیم. بدرستی که آنان از شایستگان بودند. (۸۷) و ذوالنون (یونس را به یاد آور) آن هنگام که خشمگین (و با قهر از میان مردم بیرون) رفت و گمان کرد که (آسوده شد و) ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما همین که در کام نهنگ فرو رفت و سبب آن را دانست) پس در آن تاریکی ها ندا داد که (خداوند!) جز تو معبودی نیست، تو پاک و منزهی (و) همانا من از ستمکاران بودم (و نمی بایست مردم را بخاطر سرسختی شان رها کرده و تنها بگذارم). (۸۸) پس (دعای) او را اجابت کردیم و او را از آن اندوه نجات دادیم و ما این چنین، مؤمنان را نجات می دهیم. (۸۹) و زکریا (را یاد کن) آنگاه که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که) تو خود، بهترین وارثان هستی. (۹۰) پس (دعای) او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم، و همسرش را (که نازا بود) برای او شایسته قرار دادیم (و این بخاطر آن بود که) همانا آنان در کارهای نیک، شتاب داشتند و ما را از روی امید و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند. (۹۱) و (به یاد آور مریم را، آن) زنی که دامان خویش را پاک نگاه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش (عیسی مسیح) را (آیت و) نشانه ای برای جهانیان قرار دادیم. (۹۲) همانا این، امت شمامست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید. (۹۳) و (از تفرقه پرهیزید، ولی با این وجود) آنها کار خود را در میانشان به تفرقه کشاندند (و باید بدانند که سرانجام) همگی به سوی ما بازمی گردند. (۹۴) پس هر که از کارهای نیکو انجام دهد و مؤمن باشد، پس برای تلاش او هیچگونه ناسپاسی نخواهد بود و همانا ما (کارهای نیکویش را) برای او ثبت می کنیم. (۹۵) و بر آبادی هایی که آنها را (بخاطر فساد و گناه) هلاک نمودیم، حرام است (که باز گردند) آنان بازمی گردند. (۹۶) تا آن زمان که (راه بر) یاجوج و ماجوج گشوده شود و آنان از هر بلندی بتازند و به سرعت عبور کنند. (۹۷) و وعده ی حق (برپایی قیامت) نزدیک گردید، پس در آن هنگام چشم های کفار (از وحشت و حیرت) خیره و باز ماند (و با خود گویند: ای وای بر ما! برآستی که ما از این (روز) در غفلت بودیم، بلکه ما ستمگر بودیم. (۹۸) (به آنان گفته می شود) همانا شما و هر آنچه که غیر از خدا می پرستید، هیزم دوزخ خواهد بود (و قطعاً) در آن وارد خواهید شد. (۹۹) اگر اینها خدایان (واقعی) بودند، وارد آن (دوزخ) نمی شدند، در حالی که همگی برای همیشه در آن ماندگار خواهند بود. (۱۰۰) برای آنان در دوزخ، ناله ها و نعره است و آنان در آنجا (هیچ پاسخی) نمی شنوند. (۱۰۱) همانا کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان (در برابر کارشان، وعده) نیکو داده شده است، آنان از آن (دوزخ) دور نگاهداشته خواهند شد. (۱۰۲) آنان صدای (زبانه کشیدن) آن را نمی شنوند و آنان در آنچه (از نعمتها و کامیابی ها) که دلشان بخواهد جاودانه اند. (۱۰۳) بزرگ ترین وحشت (آن روز) آنان را غمگین (و مضطرب) نمی سازد و فرشتگان به ملاقات (و استقبال) آنان می روند (و می گویند: این روزی است، که به شما وعده داده شده بود. (۱۰۴) روزی که آسمان را همچون طومار نوشته ها در هم می پیچیم (و) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی گردانیم، (این) وعده ای است بر عهده ی ما (و) ما حتماً انجام دهنده (ی وعده های خود) هستیم. (۱۰۵) و همانا در (کتاب آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر، (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. (۱۰۶) همانا در این (پیشگویی) برای گروه عبادت کننده، پیام (مهم) و روشنی است. (۱۰۷) و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (۱۰۸) (پس به آنان) بگو: جز این نیست که به من وحی می شود که معبود شما فقط خدای واحد است، پس آیا شما تسلیم هستید؟! (۱۰۹) پس اگر روی برگردانند پس (به آنان) بگو: به همه ی شما بطور

یکسان اعلام (خطر) کردم و من نمی دانم آن وعده‌ای (از عذاب الهی) که به شما داده شده، آیا (زمان وقوعش) نزدیک است، یا دور! (۱۱۰) همانا او، هم سخن آشکار را می‌داند و هم آنچه را که پنهان می‌کنید. (۱۱۱) و من نمی‌دانم، شاید این (تأخیر در عذاب) برای شما آزمون‌ی باشد و (فرصتی برای) کامیابی تا مدتی دیگر. (۱۱۲) (پیامبر) گفت: پروردگارا! (تو خود میان ما) به حق داوری کن، و (ای کافران بدانید که) پروردگار همه ما خداوند رحمان است که در برابر آنچه (از نسبت های ناروا که او را) توصیف می‌کنید کمک خواسته می‌شود. (۱۱۳)

الحج

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، که همانا زلزله‌ی قیامت، حادثه‌ای بزرگ و هولناک است. (۲) روزی که آن (زلزله‌ی بزرگ) را مشاهده کنید (چنان ترس و وحشت وجودتان را فرا خواهد گرفت که) هر شیر دهنده‌ای، آن را که شیر می‌دهد فراموش کند و هر بارداری جنین خود را سقط کند، و مردم را مست می‌بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند شدید است. (۳) و بعضی از مردم، ناآگاهانه درباره‌ی خداوند به جدال می‌پردازند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند. (۴) بر او (شیطان) نوشته (و مقرّر) شد که هر کس ولایت او را بپذیرد، قطعاً او را گمراه می‌کند و به آتش سوزانش می‌کشاند. (۵) ای مردم! اگر درباره‌ی قیامت شک دارید (با دقت در وجود خود، شک خود را برطرف کنید)، ما شما را از خاک آفریدیم (مواد غذایی خاک از طریق غذا به صورت نطفه در آمد) سپس از نطفه، سپس (به صورت) خون بسته شده، سپس (به صورت چیزی مانند) گوشت جویده شده که بعضی خلقت کامل یافته (و به دنیا آید) و بعضی خلقت کامل نیافته (و سقط شود)، تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم) و آنچه (از جنین ها) را که بخواهیم تا سرآمدی معین در رحم مادران قرار دهیم، سپس شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم، تا به حدّ رشد و بلوغ برسید و (در این میان) بعضی از شما می‌میرند و بعضی به پست ترین مرحله‌ی زندگی (و پیری) می‌رسند تا جایی که دانسته‌های خود را از دست دهند. (همچنین) زمین را (در زمستان) خشک و مرده می‌بینی اما هنگامی که باران بر آن فرو می‌باریم، به حرکت درآید و رشد کند و انواع گیاهان زیبا می‌رویند. (۶) این (مراحل مختلف خلقت انسان و گیاه) به خاطر آن است که خداوند حق است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و بر هر چیزی تواناست. (۷) و (آفرینش انسان از خاک و رویش گیاهان از زمین خشک، نشانه آن است که) همانا قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست، و خداوند تمام کسانی را که در قبرها آرمیده‌اند زنده خواهد کرد. (۸) و از (میان) مردم کسی است که درباره‌ی خدا بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنی مجادله می‌کند. (۹) (و) با تکبر و نخوت، می‌خواهد مردم را از راه خدا گمراه کند، برای او در دنیا رسوایی است و در قیامت، عذاب سوزان به او می‌چشایم. (۱۰) (در قیامت به او گفته می‌شود: این عذاب سوزان،) به خاطر چیزی است که دست هایت از پیش فرستاده است، و قطعاً خدا به بندگانش ظلم نمی‌کند. (۱۱) و از (میان) مردم، کسی است که خداوند را تنها با زبان می‌پرستد، (ایمان او در حاشیه و در مرز کفر است و با حادثه‌ای کوچک می‌لغزد) پس اگر خیری به او برسد، به آن اطمینان یابد، و اگر مصیبت و آزمایشی به او برسد، دگرگون شود (و به سوی کفر رود، چنین کسی) در دنیا و آخرت زیانکار است، این همان زیان آشکار است. (۱۲) او غیر از خداوند چیزی را می‌خواند که نه زبانی به او می‌رساند و نه سودی، این است همان انحراف دور و عمیق. (۱۳) بلکه کسی را می‌خواند که ضررش از نفعش بیشتر است، چه مولا- و سرپرست بدی و چه همدم زشتی. (۱۴) همانا خداوند اهل ایمان و عمل صالح را در باغهایی (از بهشت) وارد می‌کند که نهرها زیر درختانش جاری است، (آری) خداوند هر چه اراده کند، انجام می‌دهد. (۱۵) هر کس گمان می‌کند که خداوند او (پیامبرش) را در دنیا و آخرت یاری نمی‌کند، (و در پی مکر و حيله است، بگو تا) طنابی به آسمان بیاویزد (و خود را حلق آویز کند) سپس (آن را) قطع کند، آن گاه بنگرد که آیا نیرنگش خشم او را فرو می‌نشانند؟! (۱۶) و این گونه قرآن را (به صورت) آیات روشن نازل کردیم، و البته خداوند هر

کس را بخواهد هدایت می‌کند. (۱۷) همانا خداوند در قیامت، میان مؤمنان (مسلمان) و یهودیان و صابئین و نصاری و مجوس و مشرکان، داوری کرده و حق را از باطل جدا خواهد نمود، همانا خداوند بر هر چیزی گواه (و از همه چیز آگاه) است. (۱۸) آیا ندیدی که هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای خدا سجده می‌کنند؟ البتّه بسیاری از مردم (به خاطر تکبر و لجاجت) قطعاً گرفتار عذابند، و هر که را خدا خوار کند، هیچ احترام‌کننده‌ای برای او نیست، همانا خداوند هر چه را بخواهد انجام می‌دهد. (۱۹) این دو گروه مخالف، (کثیری که اهل عبادتند باکثیر دیگری که مستحق عذابند) درباره‌ی پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند، پس برای کسانی که کفر ورزیدند، لباس‌هایی از آتش بریده شده است، (و) از بالای سرشان مایع جوشانی ریخته می‌شود. (۲۰) با آن مایع جوشان (که از بالای سرشان ریخته می‌شود)، آنچه در درون و برونشان هست گداخته می‌شود. (۲۱) و برای (کیفر) آنان گرزهایی از آهن است. (۲۲) و برای (کیفر) آنان گرزهایی از آهن است. هرگاه اراده کنند که از (شدّت) غم از دوزخ خارج شوند، به آن برگردانده می‌شوند (و به آنان گفته می‌شود): بچشید عذاب سوزان را. (۲۳) قطعاً خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند، به باغهایی که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، وارد می‌کند، در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت داده می‌شوند و در آن جا لباسشان از ابریشم است. (۲۴) و (اهل بهشت) به سخنان پاک (و دلنشین) هدایت می‌شوند، و به راه خداوندی که شایسته‌ی ستایش است رهبری می‌گردند. (۲۵) همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مؤمنان را) از راه خدا و مسجدالحرامی که آن را برای همه‌ی مردم، ساکنین مکه و یا (مسافرین) بادیه نشین مساوی قرار دادیم باز می‌دارند (گرفتار قهر ما خواهند بود) و هر کس در مسجدالحرام اراده انحراف و ظلم کند، ما به او عذاب دردناک می‌چشانیم. (۲۶) و (به یاد آور) آنگاه که مکان کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم (به او گفتیم): هیچگونه شرکی نسبت به من روا مدار و خانه‌ی مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دار. (۲۷) و در میان مردم بانگ حج بر آور تا آنان، پیاده و سوار بر مرکبهای چابک از هر راه دوری به سراغ تو بیایند. (۲۸) (مردم از هر منطقه‌ای به حج خواهند آمد) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و در ایام مخصوص حج خدا را یاد کنند، به خاطر چهار پایان زبان بسته‌ای که رزقشان شده؛ پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید. (۲۹) (زائران خانه خدا در روز عید قربان که قربانی کردند) سپس باید آلودگی خود را بر طرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه‌ی کهن و آزاد (کعبه) طواف نمایند. (۳۰) این است (مناسک حج) و هر کس آنچه را خداوند محترم شمرده گرامی بدارد، قطعاً برای او نزد پروردگارش بهتر است، و چهار پایان برای شما حلال شده است، مگر آنچه (حرام بودنش) بر شما خوانده شده باشد پس، از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از کلام باطل اجتناب ورزید. (۳۱) (مراسم حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشید و هیچگونه شرکی به خداوند نورزید، و هر کس به خدا شرک ورزد، گویی از آسمان سقوط کرده و پرنده‌ای در فضا او را می‌رباید، یا باد او را به مکانی دور پرتاب می‌کند. (۳۲) این است (دستورات خداوند درباره‌ی حج) و هر کس شعائر خدا را گرامی بدارد، پس این از تقوای دل‌هاست. (۳۳) در آن (حیوانات قربانی) برای شما تا رسیدن زمان معین (عید قربان) منافی است، سپس جایگاه آن (قربانی) به سوی آن خانه قدیمی و آزاد (کعبه) است. (۳۴) و (شما تنها امتی نیستید که تکلیف قربانی دارد، زیرا) ما برای هر امتی آئینی قرار دادیم، تا هنگام قربانی نام خدا را بر حیواناتی که خداوند روزی آنان کرده ببرند، خدای شما معبود یکتاست، پس فقط تسلیم او باشید، و به بندگان خالص بشارت ده. (۳۵) (مخبتین) کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هایشان از خوف (خداوند) می‌لرزد و بر آنچه (از سختی‌ها) به آنان می‌رسد مقاومت و برپاکنندگان نمازند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۳۶) و (قربانی کردن) شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است، پس (هنگام قربانی) نام خدا را بر شتران در حالی که ایستاده‌اند ببرید، پس چون به پهلو افتادند (و جان دادند) از (گوشت) آنها بخورید و به فقیر قانع و فقیری که روی سؤال ندارد اطعام کنید، بدین گونه حیوانات قربانی را برای شما (رام و) مسخر کردیم، تا شاید

شکرگزاری کنید. (۳۷) هرگز گوشت و خون حیوانات قربانی، به خداوند نمی‌رسد، بلکه آنچه از طرف شما به او می‌رسد تقواست، این گونه خداوند حیوانات را برای شما مسخر نمود، تا خدا را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است به بزرگی یاد کنید، و به نیکوکاران بشارت ده. (۳۸) قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند، بی‌شک خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. (۳۹) به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع و جهاد داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان قادر است. (۴۰) (مظلومان مورد تهاجم)، کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز این که می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد، و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۴۱) کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه‌ی امور برای خداست. (۴۲) و (ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب می‌کنند (نگران مباش، زیرا) قوم نوح و عاد و ثمود نیز که قبل از اینها بودند، انبیا را تکذیب کردند. (۴۳) و قوم ابراهیم و لوط (نیز پیامبرشان را تکذیب کردند). (۴۴) و مردم (منطقه‌ی) مدین، انبیا را تکذیب کردند، موسی (نیز) مورد تکذیب مردم قرار گرفت، پس به کافران مهلت دادم (و همین که در غفلت غرق شدند) آنان را (با قهر خود) گرفتم، پس چگونه خواهد بود غذایی که برای آنان مجهول و مبهم است (و نمی‌توانند عمق آن را بفهمند)؟! (۴۵) پس چه بسیار از (شهرها و) آبادی‌هایی که ستمگر بودند و آنها را هلاک کردیم، پس (دیوارهای) آن بر سقف هایش فرو ریخت، (نخست سقف‌ها ویران شد، و بعد دیوارها و پایه‌ها بر روی سقف‌ها سقوط کرد). و چه بسیار چاه (پر آب)، متروکه و چه بسا قصرهای بلند (و محکمی که بی‌ساکن یا مخروبه شد). (۴۶) آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البته چشم‌های آنان کور نیست، لکن دل‌هایی که در سینه دارند نابینا است. (۴۷) و کفار، تعجیل عذاب الهی را از تو می‌خواهند، در حالی که خداوند هرگز از وعده‌ی خود تخلف نمی‌کند و یک روز نزد پروردگارت به منزله‌ی هزار سال (از سال‌هایی) است که شما می‌شمردید. (۴۸) و چه بسیار از (شهرها و) آبادی‌هایی که به (اهل) آن مهلت دادم در حالی که ستمگر بودند (اما از این مهلت، برای توبه و اصلاح خویش استفاده نکردند و بر کفر خود اصرار ورزیدند). سپس آن (ها) را با قهر خود گرفتم و بازگشت (همه) به سوی من است. (۴۹) بگو: ای مردم! همانا من برای شما هشدار دهنده‌ای روشن‌گرم. (۵۰) پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برایشان آمرزش و رزق نیکو خواهد بود. (۵۱) و کسانی که در (انکار و رد) آیات ما تلاش کردند و چنین پنداشتند که می‌توانند ما را عاجز کنند (و بر ما پیروز شوند) آنان اهل دوزخند. (۵۲) و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم، مگر این که هرگاه آرزو می‌کرد (و برای پیشبرد اهداف الهی خود طرحی می‌ریخت) شیطان در (طرح و) آرزوی او (مسائلی را) القا می‌کرد، لکن خداوند هر چه را که شیطان القا می‌کرد از بین می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید و خداوند آگاه و حکیم است. (۵۳) تا (خداوند) القائات شیطان را برای آنان که در دل هایشان بیماری است و (نیز) برای سنگدلان، وسیله‌ی آزمایش قرار دهد و قطعاً ستمگران در دشمنی طولانی و عمیقی هستند. (۵۴) و نیز آگاهان بدانند (وحی کدام است و القائات شیطان کدام، و بدانند) که طرح و آرزوی انبیا حقیقی است از طرف پروردگار تو، پس به آن ایمان آورند و دل هایشان در برابر آن خاضع گردد و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند به راه مستقیم هدایت می‌کند. (۵۵) و کسانی که کفر ورزیدند همواره از قرآن و نبوت در شک هستند، تا زمانی که قیامت به طور ناگهانی برای آنان فرا رسد، یا عذاب روز عقیم (روزی که بر جبران گذشته قادر نیستند) به سراغشان آید. (۵۶) در روز قیامت حکومت برای خداست، او در میان مردم حکم و داوری می‌کند، پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغهای پر نعمت (بهشت) خواهند بود. (۵۷) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، پس برای آنان

عذاب خوارکننده‌ای است. (۵۸) و کسانی که در راه خدا هجرت کنند، سپس کشته شوند یا بمیرند قطعاً خداوند رزق نیکویی به آنان خواهد داد، و همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است. (۵۹) بی‌تردید خداوند آنان را در محلی وارد می‌کند که مورد رضایتشان باشد، همانا خداوند دانا و بردبار است. (۶۰) (آری)، مطلب چنین است، و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، ولی باز هم به او ظلم شود، قطعاً خداوند او را یاری خواهد کرد، البتّه خداوند بخشایشگر و آمرزنده است. (۶۱) این (وعده‌ی نصرت الهی) به خاطر آن است که خداوند (بر هر چیزی قادر است، اوست که) شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب فرو می‌برد، البتّه خداوند شنوا و بیناست. (۶۲) این (یاری مظلوم از سوی خداوند) به خاطر آن است که خداوند حق است و هر چه را غیر از او بخوانند، آن باطل است؛ البتّه خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (۶۳) آیا ندیدی که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، آنگاه زمین سرسبز گشت؟ همانا خداوند دارای لطف و آگاهی است. (۶۴) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است مخصوص اوست، و در حقیقت، این خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است. (۶۵) آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتی‌هایی که به امر او در دریا می‌روند برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم رأفت و رحمت دارد. (۶۶) و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می‌میراند، بار دیگر زنده می‌کند؛ البتّه انسان بسیار ناسپاس است. (۶۷) برای هر امتی (شریعت و) آیینی قرار داده‌ایم که عمل‌کننده به آن باشند، پس نباید در (بارهی) این امر با تو نزاع کنند (که چگونه آیین تازه‌ای آورده‌ای؛ مردم را) به راه پروردگارت دعوت کن، همانا تو بر هدایت مستقیم قرار داری. (۶۸) و اگر (کفار) با توبه جدال برخاستند، پس به آنان بگو: خداوند به آنچه شما عمل می‌کنید آگاه‌تر است. (۶۹) خداوند در روز قیامت، میان شما در مورد آنچه اختلاف می‌کردید داوری خواهد کرد. (۷۰) آیا نمی‌دانی که خداوند آنچه را در زمین و آسمان است می‌داند؟ همه‌ی اینها در کتاب (ثبت) است و این بر خداوند آسان است. (۷۱) و کافران، غیر از خداوند چیزی را می‌پرستند که او هیچگونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و آنها نسبت به آن هیچگونه اطلاعی ندارند و برای ستمگران هیچ یآوری نیست. (۷۲) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره‌ی کسانی که کفر ورزیدند ترش روئی و خشم را می‌شناسی (به گونه‌ای که) نزدیک است به کسانی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند حمله کنند، (به آنان) بگو: آیا شما را به چیزی بدتر از این خبر دهم؟ آتشی که خداوند به کافران وعده داده است، و چه بد سرانجامی است. (۷۳) ای مردم! مثلی زده شده است، پس به آن گوش فرا دهید، همانا کسانی که به جای خدای یکتا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برآید، نمی‌تواند از او بازستانند، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند. (۷۴) (مشرکان)، خدا را آن گونه که شایسته اوست بزرگ نداشتند، قطعاً خداوند نیرومند و شکست‌ناپذیر است. (۷۵) خداوند از میان فرشتگان و مردم رسولانی برمی‌انگیزد، همانا خداوند شنوا و بیناست. (۷۶) آنچه را پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می‌داند و تمام کارها به خدا بازگردانده می‌شود. (۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید. (۷۸) و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد (در راه) اوست، او شما را (بر همه‌ی امت‌ها) برگزید و در دین (اسلام) هیچگونه دشواری بر شما قرار نداد، آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید)، او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این (کتاب نیز مطلب چنین است) تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز بر پا دارید و زکات پردازید و به خدا تمسک جوید، که او مولا و سرپرست شماست، پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یآوری. (۷۹)

المؤمنون

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) قطعاً مؤمنان رستگار شدند. (۲) همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند. (۳) و آنان که از بیهوده روی گردانند. (۴) و همان کسانی که زکات می‌پردازند. (۵) و آنان که دامان خود را (از گناه) حفظ می‌کنند. (۶) مگر در مورد

همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، پس آنان (در آمیزش با این دو گروه) ملامت نمی‌شوند. (۷) پس هر کس فراتر از این (همسر و کنیز) طلب کند، پس آنانند که متجاوزند. (۸) و (مؤمنان رستگار) کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند. (۹) و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند. (۱۰) آنان وارثانند. (۱۱) کسانی که بهشت برین را ارث می‌برند و در آن جاودانه خواهند ماند. (۱۲) و همانا ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. (۱۳) سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. (۱۴) سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم، آن گاه لخته خون را پاره گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم، و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس شایسته‌ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است. (۱۵) سپس بدون تردید بعد از آن (مراحل) می‌میرد. (۱۶) آن گاه شما روز قیامت برانگیخته می‌شوید. (۱۷) و همانا ما بالای سر شما هفت راه (هفت آسمان) آفریدیم، و ما از خلق (و جهان هستی) غافل نبوده‌ایم. (۱۸) و از آسمان، آبی به اندازه‌ی (معین) فرو فرستادیم، و آن را در زمین جای دادیم و همانا ما بر بردن آن قادریم. (۱۹) پس به وسیله‌ی آن (آب) برای شما باغهایی از خرما و انگور پدید آوردیم که در آن باغها برای شما میوه‌های فراوانی است و از آنها می‌خورید. (۲۰) و (نیز) درختی که از طور سینا می‌روید، (و) روغن و نان خورش برای خوردن گان به بار می‌آورد. (۲۱) و همانا برای شما در چهارپایان عبرتی است، از آنچه در شکم آنهاست (شیر) به شما می‌نوشانیم و برای شما در آنها منافع زیادی است و از (گوشت) آنها می‌خورید. (۲۲) و بر آنها و بر کشتی‌ها سوار می‌شوید. (۲۳) و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس (به آنها) گفت: ای قوم من! خداوند (یکتا) را پرستید. جز او هیچ خدایی برای شما نیست، آیا پروا نمی‌کنید؟ (۲۴) پس اشراف قوم او که کافر شدند، گفتند: این نوح جز انسانی همانند شما نیست، او می‌خواهد بر شما برتری جوید، اگر خداوند می‌خواست (برای ما پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد. ما این (دعوت نوح) را در میان (تاریخ) پدران قبلی خود نشنیده‌ایم. (۲۵) او نیست جز مردی که در او نوعی جنون است، پس تا مدتی درباره‌ی او صبر کنید. (تا از جنون نجات یابد یا بمیرد یا ما تکلیف خود را با او روشن کنیم). (۲۶) نوح گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری فرما. (۲۷) پس ما به نوح وحی کردیم: زیر نظر ما و (مطابق دستور و آموزش و) وحی ما کشتی بساز. پس همین که فرمان (قهر) ما آمد و (آب از) تنور جوشید، از تمام حیوانات یک جفت (نر و ماده) و (نیز) اهل خود را در کشتی وارد کن، مگر کسی از آنان را که قبلاً درباره‌ی او سخن به میان آمده (و وعده‌ی هلاکتش داده شده)، و درباره‌ی ستمگران با من سخن مگو (و نزد من از آنان شفاعت مکن) که قطعاً آنان غرق خواهند شد. (۲۸) پس هنگامی که تو و همراهانت بر کشتی سوار شدید، بگو: حمد و سپاس برای خداوندی است که ما را از گروه ستمگران نجات داد. (۲۹) و بگو: پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگان. (۳۰) البتّه در این داستان نشانه‌هایی است، و همانا ما آزمایش‌کنندگانیم. (قوم نوح و دیگران را بارها آزمایش کردیم تا زمینه‌ی توبه و رشد خود را نشان دهند). (۳۱) سپس بعد از قوم نوح، نسل دیگری پدید آوردیم. (۳۲) و در میان آنان (نیز) پیامبری از خودشان فرستادیم که (به آنان گفت): خدا را پرستید. جز او معبودی برای شما نیست، پس آیا پروا نمی‌کنید؟ (۳۳) و اشرافی از قوم آن پیامبر که کفر ورزیدند و دیدار قیامت را تکذیب نمودند و آنان را در دنیا در ناز و نعمت قرار داده بودیم (در پاسخ رسولشان، به مردم) گفتند: این، جر انسانی مثل شما نیست، از هر چه می‌خورید می‌خورد، و از هر چه می‌نوشید می‌نوشد. (۳۴) و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، قطعاً زیانکارید. (۳۵) آیا (آن پیامبر) به شما وعده می‌دهد که وقتی مرید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، شما (از قبر) بیرون آورده می‌شوید؟! (۳۶) دور است دور، آنچه به شما وعده داده شده است. (۳۷) جز این زندگی دنیا چیز دیگری نیست، می‌میریم و زندگی می‌کنیم و ما (هرگز پس از مرگ) برانگیخته نخواهیم شد. (۳۸) او جز مردی که بر خدا دروغ می‌بندد نیست، و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد. (۳۹) (پیامبرشان) گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری فرما. (۴۰) (خداوند) فرمود: قطعاً به زودی پشیمان خواهند شد. (۴۱) پس (قهر خدا آمد و) بانگ مرگبار که سزاوارش بودند آنان را فراگرفت، و آنان را همچون خاشاکی که بر آب

افتد قرار دادیم، پس دور باد گروه ستمگر (از رحمت خدا). (۴۲) آن گاه بعد از (هلاکت) این گروه، نسل های دیگری پدید آوردیم. (۴۳) هیچ امتی از اجل (وقت انقراض) خود، نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۴۴) سپس پیامبران را پی در پی (برای هدایت آن امت ها) فرستادیم، هر بار که پیامبر هر امتی به سراغ قومش آمد، مردم او را تکذیب کردند، پس ما نیز آن گروه را هلاک کردیم و گروه دیگری را دنبال آنان آوردیم، و ما آنان را زیانزد مردم قرار دادیم (تا عبرت گیرند) پس قومی که ایمان نمی آورند دور (از رحمت خدا) باد. (۴۵) سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و دلیلی روشن فرستادیم. (۴۶) به سوی فرعون و اشراف قوم او، ولی تکبر ورزیدند و آنان مردمی برتری جوی و گردن کش بودند. (۴۷) پس (در پاسخ موسی و هارون) گفتند: آیا ما به دو انسان مانند خودمان ایمان آوریم در حالی که قوم موسی و هارون برده ی ما بودند؟ (۴۸) پس آن دو پیامبر را تکذیب کردند، و از هلاک شدگان گشتند. (۴۹) و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم، شاید (مردم به واسطه آن) هدایت شوند. (۵۰) و ما (عیسی) فرزند مریم و مادرش را معجزه قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی مرتفع که دارای آرامش و امنیت و آب گوارا بود جای دادیم. (۵۱) ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه (و پسندیده) بخورید و کار نیکو انجام دهید، همانا من به آنچه انجام می دهید آگاهم. (۵۲) و البته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید. (۵۳) اما مردم کارشان را در میان خود به پراکندگی کشاندند، هر گروهی به راهی رفتند؛ و هر حزب و دسته ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند. (۵۴) پس آنان را تا مدتی (که مرگشان فرا رسد یا به عذاب خدا مبتلا شوند) در ورطه ی جهل و غفلت رها کن. (۵۵) آیا گمان می کنند که آنچه از مال و فرزند به آنان مدد می کنیم (برای این است که). (۵۶) شتاب می کنیم که خیرهایی به آنان برسانیم؟ (هرگز چنین نیست) بلکه آنان نمی فهمند (که مال و فرزند وسیله ی امتحان آنهاست). (۵۷) همانا کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند. (۵۸) آنان که به آیات پروردگارشان ایمان دارند. (۵۹) و به پروردگارشان شرک نمی ورزند، (۶۰) و کسانی که (اموال خود را در راه خدا) می دهند آنچه را دادند، در حالی که دل هایشان ترسان است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان بازمی گردند. (۶۱) چنین کسانی، در خیرات شتاب می ورزند و همانان هستند که در (رسیدن به) خیرات از یکدیگر پیشی می گیرند. (۶۲) و ما هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید (و بر کار مردم گواه است) و به آنان هیچ ستمی نمی شود. (۶۳) بلکه دل های آنان از این (کتاب) در غفلت و بی خبری است و علاوه بر این کارهایی (ناروا) دارند که انجام می دهند. (۶۴) (جهل و انحراف و کارهای ناپسند آنان همچنان ادامه دارد) تا زمانی که مرفهان (و خوشگذرانان مغرور) را به قهر خود گرفتار سازیم، در این هنگام است که ناله سر می دهند. (۶۵) (اما به آنان خطاب می شود): امروز ناله نکنید، قطعا شما از جانب ما یاری نخواهید شد. (۶۶) همانا آیات من به طور مداوم بر شما تلاوت می شد ولی شما اعراض کرده، به عقب بازمی گشتید. (۶۷) در حالی که نسبت به آن (پیامبر و قرآن) تکبر می ورزیدید و شبها تا دیروقت بدگویی می کردید. (۶۸) آیا آنها در این گفتار (قرآن) نیندیشیدند، یا مطالبی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟ (لذا قبول حرف تازه برای آنان سخت است). (۶۹) یا این که پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند) پس برای همین او را انکار می کنند؟ (۷۰) یا می گویند: او جنون دارد؟ (چنین نیست) بلکه او حق را برای آنان آورده اما بیشترشان از پذیرش حق کراهت دارند. (۷۱) و اگر حق، از هوس های آنان پیروی می کرد، قطعا آسمان ها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباہ می شدند، ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه ی یاد (و شرف و حیثیت) آنهاست، اما آنان از این یاد روی گردانند. (۷۲) آیا تو از آنها (در برابر دعوت) مزدی خواسته ای؟ با این که پاداش دائمی پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است. (۷۳) و قطعا تو مردم را به راه راست دعوت می کنی. (۷۴) و همانا کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، از راه راست منحرفند. (۷۵) و (بر فرض) اگر به آنها رحم کنیم و (رنج و عذاب و) بدبختی های آنان را برطرف سازیم (به جای هوشیاری و شکر) در طغیانشان کوردلانه اصرار می ورزند. (۷۶) و همانا آنان را به عذاب گرفتار کردیم ولی آنان در برابر پروردگارشان نه تواضع کردند و نه تضرع. (۷۷) (نه رحمت در آنان اثر کرد و نه

مؤاخذه، ما هم این سنگدلان را رها می کنیم) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم (و چنان گرفتار شوند که ناگهان در آن (عذاب) مأیوس شوند. (۷۸) و اوست که برای شما گوش و چشم ها و دل ها آفرید، چه اندک سپاسگزارید. (۷۹) و اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید. (۸۰) و اوست که زنده می کند و می میراند؛ و رفت و آمد شب و روز برای اوست، پس آیا نمی اندیشید؟ (۸۱) (کافران هدایت نشدند) بلکه سخنی همانند گفته ی پیشینیان گفتند. (۸۲) گفتند: آیا اگر مردیم و خاک و استخوان هایی (پوسیده) شدیم، آیا ما بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟ (۸۳) البته این حرف از قبل، به ما و پدران ما وعده داده شده، این (حرف ها و وعده ها) جز افسانه های پیشینیان (چیزی) نیست. (۸۴) (به این کفار) بگو: اگر شما علم دارید، (بگوئید) زمین و کسانی که در آن زندگی می کنند از کیست؟ (۸۵) آنان خواهند گفت: برای خداست بگو: پس آیا متذکر نمی شوید؟ (۸۶) بگو: پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ (۸۷) (باز هم) خواهند گفت: برای خداست، بگو: آیا پروا نمی کنید؟ (۸۸) بگو: اگر می دانید (بگوئید) فرمانروایی همه ی موجودات به دست کیست؟ او که (به همه) پناه می دهد، ولی هیچ کس در برابر او پناه ندارد. (۸۹) به زودی خواهند گفت: (حکومت بر همه چیز) برای خداست. بگو: پس چگونه (می گوئید) پیامبر شما را سحر کرده (و شما مسحور او شده اید)؟ (۹۰) (ما آنان را سحر نمی کنیم) بلکه حق را برای آنان آوردیم، و قطعاً آنان دروغ می گویند. (۹۱) خداوند هیچگونه فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست، (و اگر جز این بود)، قطعاً هر خدایی به سوی آفریده ی خود می رفت، و بی تردید بعضی از خدایان بر بعضی دیگر برتری می جست (و با این کار، هستی تباه می شد) خداوند از آنچه (مشرکان) توصیف می کنند منزّه است. (۹۲) (اوست که) به غیب و شهود (نهان و آشکار) آگاه است؛ پس از هر چیزی که برای او شریک می گیرند برتر است. (۹۳) بگو: پروردگارا! اگر آنچه را (از عذاب) که به آنان وعده داده شده (می خواهی) به من نشان دهی. (۹۴) پس پروردگارا! مرا در میان قوم ستمگر قرار مده. (۹۵) و بدون شک ما می توانیم آنچه را به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم. (۹۶) (ای پیامبر!) بدی را به بهترین روش دفع کن. (در مقام انتقام و مقابله به مثل مباش) ما به آنچه مخالفان توصیف می کنند آگاه تریم. (می دانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می کنند). (۹۷) و بگو: پروردگارا! من از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم. (۹۸) و پناه می برم به تو ای پروردگارا! از این که آنان نزد من حاضر شوند. (۹۹) (آنها همچنان به توصیف های ناروا و کردارهای زشت خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ به سراغ یکی از آنان آید، می گوید: پروردگارا! مرا باز گردان. (۱۰۰) شاید در آنچه از خود به جای گذاشته ام (از مال و ...) کار نیکی انجام دهم. (به او گفته می شود): هرگز. این گفته سخنی است که (به ظاهر) می گوید (ولی اگر برگردد، به آن عمل نمی کند) و در پی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. (۱۰۱) پس آن گاه که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان خویشاوندی است و نه (از حال یکدیگر) سؤال می کنند. (۱۰۲) پس کسانی که کفّه ی اعمالشان سنگین باشد، ایشان همان رستگارانند. (۱۰۳) و کسانی که کفّه ی اعمالشان سبک باشد، پس آنان کسانی هستند که سرمایه ی وجود خود را از دست داده اند و همیشه در جهنم می مانند. (۱۰۴) آتش، صورت آنها را می سوزاند و آنان در دوزخ چهره ای (زشت و) عبوس دارند. (با لبهایی وارونه و دندان هایی آشکار). (۱۰۵) (به آنان گفته می شود): آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد، پس آنها را دروغ می شمردید؟ (۱۰۶) گویند: پروردگارا! شقاوت (و بدبختی) ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم. (۱۰۷) پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آور، اگر بار دیگر (به کفر و گناه) باز گشتیم قطعاً ستمگریم. (۱۰۸) (خداوند به آنان) گوید: دور شوید و در آتش گم شوید و با من سخن مگوئید. (۱۰۹) (آیا شما فراموش کردید که) گروهی از بندگان من می گفتند: پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم کننده گانی. (۱۱۰) (اما) شما آنان را به مسخره گرفتید تا آن که (با این کار) یاد مرا از خاطرتان بردند و شما به آنان می خندیدید. (۱۱۱) من امروز به خاطر آن که (مؤمنان در برابر تمسخر و خنده ی شما) صبر کردند، به آنان پاداش دادم که ایشانند رستگاران. (۱۱۲) (خداوند) از آنان می پرسد: شما در زمین چقدر ماندید؟ (۱۱۳) می گویند: یک روز یا بخشی از یک

روز، پس از شمارگران بپرس. (۱۱۴) می گوید: اگر آگاهی داشتید می دانستید که جز اندکی درنگ نکرده اید. (۱۱۵) پس آیا گمان می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم، و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ (۱۱۶) پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از این که شما را بیهوده آفریده باشد) خدایی جز او نیست که پروردگار عرش گرانقدر است. (۱۱۷) و هر کس با خداوند، معبود دیگری بخواند، هیچ برهانی بر کار خود ندارد، پس قطعاً حساب او نزد پروردگارش خواهد بود، قطعاً کافران رستگار نمی شوند. (۱۱۸) و بگو: پروردگارا! بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۱۹)

النور

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) (این) سوره‌ای است که آن را نازل کردیم و (عمل به) آن را واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن فرستادیم. باشد تا شما متذکر شوید. (۲) هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنین حاضر و ناظر باشند. (۳) مرد زناکار، جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند. و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. و این زناشویی بر مؤمنان حرام است. (۴) و کسانی که نسبت زنا به زنان پاکدامن و شوهردار می دهند و چهار شاهد نمی آورند، پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید که آنان همان افراد فاسقند. (۵) مگر کسانی که پس از آن (تهمت زدن) توبه کنند و در مقام اصلاح و جبران برآیند، که قطعاً خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶) و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می دهند، و جز خودشان شاهدی ندارند، هر یک از آنان برای اثبات ادعای خود باید چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که قطعاً از راستگویان است. (۷) و در پنجمین بار بگوید: لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد! (۸) و عذاب (سنگسار) را از زن دفع می کند اینکه زن (در مقام دفاع) چهار بار به خدا قسم بخورد که قطعاً آن مرد (در این نسبتی که به من می دهد) از دروغگویان است. (۹) و در مرتبه پنجم بگوید: غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (۱۰) و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود (رسوا می شدید و نظام خانوادگی شما مختل می شد) قطعاً خداوند توبه پذیر و حکیم است. (۱۱) قطعاً کسانی که آن دروغ بزرگ را (در میان) آوردند، گروهی متشکل از خود شما بودند. آن را برای خود شر نپندارید، بلکه آن (در نهایت) به نفع شماست. هر کدام از آنان بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است، به کیفر رسد و برای کسی که بخش بزرگ گناه را بر عهده گرفته عذاب بزرگی است. (۱۲) چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمت بزرگ و آشکار است؟ (۱۳) چرا چهار شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را نیاوردند، آنان نزد خدا همان دروغگویانند. (۱۴) و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود، به سزای آن سخنان که می گفتید، قطعاً عذابی بزرگ به شما می رسید. (۱۵) آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می گرفتید و با آنکه علم نداشتید دهان به دهان می گفتید و این را ساده و کوچک می پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است. (۱۶) چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این تهمت بی دلیل (از پیش خود) حرفی بزنیم (پروردگارا) تو منزه‌ی، این بهتانی بزرگ است. (۱۷) خداوند شما را موعظه می کند که اگر ایمان دارید هرگز امثال این تهمت ها را تکرار نکنید. (۱۸) خداوند برای شما آیات خود را بیان می کند و او دانا و حکیم است. (۱۹) همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها درباره‌ی اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می داند و شما نمی دانید. (۲۰) و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و این که خداوند رئوف و مهربان است (شما را سخت کیفر می داد). (۲۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! گام های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام های شیطان شود پس به درستی که او به فحشا و منکر فرمان می دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می سازد و خداوند شنوا و داناست. (۲۲) صاحبان مال و وسعت از شما نباید سوگند بخورند که به

نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۳) همانا کسانی که به زنان پاکدامن و بی‌خبر (از هرگونه آلودگی) و با ایمان نسبت بد می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است. (۲۴) روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان علیه آنان به آنچه انجام داده‌اند گواهی می‌دهند. (۲۵) در آن روز، خداوند جزای حق آنان را بی‌کم و کاست خواهد داد و آنان خواهند دانست که خداوند همان حقیقت آشکار است. (۲۶) زنان پلید سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید سزاوار زنان پلید، زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک. آنان از آنچه درباره‌شان می‌گویند متزه‌ند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست پیش از آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید، وارد نشوید. این دستور به نفع شماست شاید پند گیرید. (۲۸) پس اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد آنجا نشوید تا آنکه (به نحوی) به شما اجازه‌ی ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که برگردید، برگردید (و ناراحت نشوید) این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به عملکرد شما آگاه است. (۲۹) بر شما گناهی نیست که به منازل غیر مسکونی که در آن متاعی دارید وارد شوید و خداوند به آنچه ظاهر و یا کتمان می‌کنید آگاه است. (۳۰) به مردان مؤمن بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاک ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. (۳۱) و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدرشوهر خود، یا پسر خود، یا پسرشوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر خود، یا پسربرادر خود، یا پسرخواهر خود، یا زنان (هم‌کیش) خود، یا آنچه را مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتگزار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سنّ تمیز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و نیز پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید. (۳۲) پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته‌ی (ازدواج) خود را همسر دهید. (و از فقر نترسید که) اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند. خداوند، گشایشگر دانا است. (و از فقر و نیاز شما آگاه است و بر کفایت شما وعده داده است و در عمل به وعده‌اش قدرت دارد). (۳۳) و کسانی که وسیله‌ی ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی و عفت پیشه کنند، تا آن که خداوند از کرم خویش، آنان را بی‌نیاز نماید. و هر کدام از غلامان و کنیزان شما که خواهان بازخريد و آزادی (تدریجی) خود باشند، (یعنی مایلند با قرارداد کتبی با مالک خویش کار کرده و خود را آزاد نمایند) اگر در آنان خیر و شایستگی دیدید، تقاضای آنان را بپذیرید (و برای کمک به آزاد شدن آنان) از مالی که خدا به شما داده به آنان بدهید، و کنیزان خود را که تصمیم بر پاکدامنی دارند، به خاطر رسیدن به مال دنیا به فحشا وادار نکنید، که هر کس آنان را به فحشا مجبور کند، البته خداوند برای آن کنیزان که به اکراه بدان کار وادار گشته‌اند، بخشنده‌ی مهربان است. (۳۴) همانا ما به سوی شما آیاتی روشنگر و از کسانی که قبل از شما بودند نمونه‌های برجسته و تاریخی و پندی برای پرهیزکاران فرستادیم. (۳۵) خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد. آن چراغ در میان شیشه‌ای و آن شیشه همچون ستاره‌ای تابان و درخشان. این چراغ از روغن درخت پر برکت زیتون بر افروخته است، که نه شرقی است و نه غربی. (روغنش به قدری صاف و شفاف است) که بدون تماس آتش نزدیک است (شعله‌ور شود و) روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را که خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند، و خداوند برای مردم مثلها می‌زند و به هر چیزی آگاه است. (۳۶) (این نور هدایت) در خانه‌هایی است که خداوند اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود و در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند. (۳۷) مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد

خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، سرگرم و مشغول نمی‌کند، از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود بماند. (۳۸) تا خداوند به آنان به نیکوتر از آنچه کرده‌اند پاداش بدهد و از فضل و رحمت خویش بر پاداششان بیفزاید و خداوند هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. (۳۹) اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی در بیابان است که تشنه آن را آب می‌پنجد، (اما) همین که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت، اما خدا را نزد خویش یافت که حساب او را بی‌کم و کاست داده و خداوند زود به حسابها می‌رسد. (۴۰) یا (اعمال کافران) همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ روی آن را می‌پوشاند، و روی آن، موج بزرگ دیگری است و بالای آن موج (دوم) ابری است، (تاریکی عمق دریا و موج‌های انباشته و ابرهای تیره) ظلماتی است تو در تو (که کافر در آن‌ها غرق شده است) همین که دست خود را (برای نجات) برآورد، احدی دست او را نمی‌بیند (تا نجاتش دهد). و خداوند برای هر کس نوری قرار ندهد، هیچ نوری برای او نخواهد بود. (۴۱) آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال‌گشوده (در پرواز) برای خدا تسبیح می‌گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می‌داند؟ و خداوند به آنچه می‌کنند دانا است. (۴۲) و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، مخصوص خداست. و بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴۳) آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می‌راند. سپس بین اجزای آن پیوند برقرار می‌کند. آن‌گاه آن را مترکم می‌سازد. پس می‌بینی که باران از میان آن بیرون می‌آید و خداوند از آسمان از ابرهایی که مثل کوه است تگرگ فرو می‌فرستد. پس (زیان) آن را به هر کس بخواهد می‌رساند و از هر کس بخواهد بازمی‌دارد. نزدیک است درخشندگی برق آن ابر، چشم‌ها را کور کند. (۴۴) خداوند، شب و روز را جا به جا می‌کند. همانا در این (قدرت نمایی) برای اهل بصیرت، عبرتی قطعی است. (۴۵) و خداوند هر جنبه‌ای را از آب آفرید، پس برخی از آنها بر شکم خویش راه می‌رود و برخی بر دو پا راه می‌رود و بعضی بر چهار پا راه می‌رود. خداوند هر چه بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. (۴۶) به راستی که آیاتی روشن‌گر نازل کردیم و خداوند هر کس را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند. (۴۷) و می‌گویند: ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و پیروی نمودیم. اما گروهی از آنان بعد از این اقرار، (به گفته خود) پشت می‌نمایند و آنان مؤمن واقعی نیستند. (۴۸) و هرگاه به سوی خدا و رسول او خوانده شوند، تا پیامبر میانشان داوری کند، آن‌گاه است که گروهی از آنان، روی گردان می‌شوند. (۴۹) و (لی) اگر حق با آنان (و به سودشان) باشد، با رضایت و تسلیم به سوی پیامبر می‌آیند. (۵۰) آیا در دل‌هایشان مرضی است، یا دچار شک شده‌اند و یا بیم آن دارند که خداوند و پیامبرش حقی از آنان را ضایع کنند؟ (نه)، بلکه آنان همان ستمگرانند. (۵۱) و (ولی) چون مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخوانند، تا میانشان داوری کند، سخنان جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم، اینان همان رستگارانند. (۵۲) و هر کس از خدا و رسولش پیروی کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان رستگارانند. (۵۳) و سخت‌ترین سوگندهایشان را به نام خدا خوردند، که اگر (برای جبهه و جهاد) دستور دهی، قطعا از خانه خارج می‌شوند. (به آنان) بگو: سوگند نخورید، اطاعت پسندیده (بهتر از گزافه‌گویی است)، البته خداوند به کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است. (۵۴) بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایید، (به او زیانی نمی‌رسد، زیرا) بر او فقط آن (تکلیفی) است که به عهده‌اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تکلیفی) است که به عهده‌ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعتش کنید، هدایت می‌یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد. (۵۵) خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعا دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی‌ترسشان امتیث را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند. (۵۶) و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید. باشد تا مورد رحمت قرار گیرید. (۵۷) هرگز گمان مبر که کفار ما را در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که سرانجام بدی است. (۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگانی که مالکشان

هستید و کسانی از شما که به سنّ بلوغ و احتلام نرسیده‌اند در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت هنگام خلوت شماسست، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند عالم و حکیم است. (۵۹) و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند بزرگسالانی که قبلاً بالغ شده‌اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. (۶۰) و بر زنان وانشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است. (۶۱) بر نابینا و لنگ و بیمار و بر خود شما ایرادی نیست که بخورید از خانه‌های خود یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهائیتان یا خانه‌های عمه‌هایتتان یا خانه‌های دایی‌هایتتان یا خانه‌های خاله‌هایتتان یا آن خانه‌هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید یا خانه‌های دوستانتان. بر شما باکی نیست که به طور دسته جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد هر خانه‌ای شدید پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیت الهی است و مبارک و پسندیده است. خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند. باشد که بیندیشید. (۶۲) مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هر گاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند، بدون اجازه او نمی‌روند، (ای پیامبر!) کسانی که اجازه می‌گیرند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس اگر برای بعضی از کارهای خوداز تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی (و مصلحت بود) اجازه بده و برای آنان از خدا طلب آموزش کن، که خداوند بخشنده و مهربان است. (۶۳) آن گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید پیامبر را صدا نزنید. خدا می‌داند چه کسانی از شما مخفیانه و با پنهان شدن پشت سر دیگری از صحنه می‌گریزد. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید از این که فتنه‌ای دامشان را بگیرد، یا به عذاب دردناکی گرفتار شوند بترسند. (۶۴) آگاه باش! آنچه در آسمان‌ها و زمین است مخصوص خداست. بی‌شک آنچه را شما بر آن هستید (از افکار و نیات) می‌داند و روزی را که به سوی او بازگردانده می‌شوند، (می‌داند) پس آنان را به آنچه عمل کرده‌اند آگاه می‌کند و خداوند به همه چیز آگاه است. (۶۵)

الفرقان

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) مبارک است آن که قرآن، وسیله‌ی شناخت حق از باطل را بر بنده‌اش نازل کرد، تا برای جهانیان مایه‌ی هشدار باشد. (۲) خداوندی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین برای اوست، و هیچ فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نیست، و هر چیزی را آفرید و آن گونه که باید اندازه گیری کرد. (۳) (مشرکان) به جای او خدایانی گرفتند که هیچ چیز نمی‌آفرینند، ولی خود آفریده شده‌اند. (این معبودهای دروغین حتی) مالک هیچگونه ضرر و نفعی برای خود نیستند و (برای دیگران) اختیار مرگ و حیات و قیامت را ندارند. (۴) و کسانی که کافر شدند، گفتند: این قرآن جز افترا بی‌بسته است چیزی نیست و گروه دیگری او را بر این کار یاری کرده‌اند. پس به راستی (با این سخن) ظلم و دروغی بزرگ را مرتکب شده‌اند. (۵) و (کفار) گفتند: (قرآن) افسانه‌های پیشینیان است که او برای خود نسخه‌ای نوشته و هر صبح و شام بر او دیکته می‌شود. (۶) بگو: (این قرآن را) کسی فرستاد که اسرار را در آسمان‌ها و زمین می‌داند، قطعاً او آمرزنده و مهربان است. (۷) (کفار) گفتند: این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده است تا همراه او بیم دهنده باشد (و ادعای او را تأیید کند)؟ (۸) یا (چرا) به او گنجی عطا نشده، یا چرا برای او باغی نیست تا از (محصولات) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟ و ستمگران (به مؤمنان) گفتند: شما جز مرد سحر شده‌ای را پیروی نمی‌کنید. (۹) بنگر که چگونه برای تو مثل

ها زدند (و تو را چگونه وصف کردند) پس گمراه شدند؛ در نتیجه نمی‌توانند راهی (به حقیقت) بیابند. (۱۰) مبارک است خدایی که اگر اراده کند، بهتر از آنچه آنها توقع دارند، برای تو قرار می‌دهد، باغهایی که از زیر درختان آن نهرها جریان دارد و قصرهایی را برای تو قرار می‌دهد. (۱۱) (نه تنها تو را باور ندارند) بلکه قیامت را انکار کرده‌اند، و ما برای منکران قیامت آتشی فروزان و سوزان آماده کرده‌ایم. (۱۲) چون (دوزخ) از فاصله‌ی دور آنان را ببیند، خشم و خروشی از آن می‌شنوند. (۱۳) و چون به زنجیر بسته شده، در مکانی تنگ از آن انداخته شوند، آنجاست که ناله زنند (و مرگ خود را می‌خواهند). (۱۴) (به آنان گفته می‌شود): امروز یک بار درخواست هلاکت نکنید، بلکه بسیار درخواست هلاکت کنید. (۱۵) (ای پیامبر!) به مردم بگو: آیا این (ذلت و عذاب) بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزکاران وعده داده شده و سزا و سرانجام آنان است؟ (۱۶) برای اهل بهشت آن چه بخواهند موجود است. آنان برای همیشه در آن جا هستند. (این پاداش) بر پروردگارت وعده‌ای است واجب. (۱۷) (و یاد کن) روزی که خداوند مشرکان و آن چه را به جای خدا می‌پرستیدند (در یک جا) محشور کند، پس (به معبودهای آنان) گوید: آیا شما بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟ (۱۸) (معبودها) گویند: خدایا! تو متزهی، ما را نرسد که غیر از تو سرپرستی بگیریم ولی تو آنان و پدرانشان را چنان کامیاب گرداندی که یاد (تو و قرآن) را فراموش کردند و گروهی هلاک و سر در گم شدند. (۱۹) (خداوند در آن روز به مشرکان می‌فرماید): این معبودها گفته‌های شما را انکار کردند؟ نه برای برطرف کردن قهر خدا توانی دارید، نه می‌توانید حمایتی (از کسی) دریافت کنید و هر کس از شما ظلم کرده (و شرک ورزد) عذاب بزرگی به او می‌چسانیم. (۲۰) و ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آن که آنان (نیز) غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند، و ما بعضی از شما را وسیله‌ی آزمایش بعضی دیگر قرار دادیم. آیا صبر و تحمل از خود نشان می‌دهید؟ و پروردگار تو همواره بیناست. (۲۱) و کسانی که به ملاقات ما امید ندارند (و رستخیز را قبول نمی‌کنند) گفتند: چرا فرشتگان بر ما نازل نمی‌شوند و یا چرا پروردگاران را نمی‌بینیم؟ قطعاً آنان در نفس خود استکبار ورزیدند و سرکشی بزرگی کردند. (۲۲) روزی که فرشتگان را می‌بینند، آن روز برای گناهکاران مژده‌ای نیست، (بلکه روز کیفر آنهاست) و (فرشتگان به مجرمان) می‌گویند: (بهشت برای شما) حرام و ممنوع است. (۲۳) ما به سراغ هر عملی که (به عنوان خیرات) انجام داده‌اند می‌رویم و آن را غباری پراکنده می‌سازیم. (۲۴) در آن روز، اهل بهشت جایگاه خوش و آسایشگاه نیکویی دارند. (۲۵) و روزی که آسمان با ابرها بشکافد و فرشتگان فروآیند فروآمدنی. (۲۶) در آن روز، فرمانروایی بر حق، از آن خدای رحمان است و روزی است که بر کافران سخت و سنگین است. (۲۷) و روزی که ستمکار (مشرک) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر همراه می‌شدم. (۲۸) ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم. (۲۹) رفیق من بعد از آن که حق از طرف خدا برای من آمد، مرا گمراه ساخت. و شیطان هنگام امید، انسان را رها می‌کند. (۳۰) پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می‌گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند. (۳۱) و ما این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم، و پروردگارت برای راهنمایی و حمایت تو کافی است. (۳۲) و کسانی که کفر ورزیدند، (بهانه‌ی دیگری آورده و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ (غافل از آن که ما) این گونه (نازل کردیم) تا دل تو را به وسیله‌ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم. (۳۳) و هیچ مثلی (از بهانه‌ها و طعنه‌ها) برای تو نیاورند، مگر آن که پاسخ به حق و بهترین بیان را برای تو آوردیم. (۳۴) کسانی که بر صورت هاشان به سوی جهنم محشور می‌شوند، آنان بدترین مکان را دارند و منحرف‌ترین راه را می‌روند. (۳۵) و همانا به موسی کتاب (تورات) دادیم و برادرش هارون را کمک و همراه او قرار دادیم. (۳۶) پس به آن دو گفتیم: (برای اتمام حجّت) به سوی قومی که آیات ما را تکذیب کردند بروید. آنگاه آنان را (به خاطر عنادشان) به سختی قلع و قمع کردیم. (۳۷) و قوم نوح که پیامبران را تکذیب کردند، غرق نمودیم و آنان را برای مردم (تاریخ) عبرت قرار دادیم و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده نمودیم. (۳۸) و قوم عاد و ثمود و اصحاب رس و نسل‌های فراوان میان آنان را (هلاک کردیم). (۳۹) و برای هر یک نمونه‌هایی (برای پند گرفتن) آوردیم (و چون

عبرت نگرفتند) همه را به سختی نابود کردیم. (۴۰) همانا (مشرکان مکه به هنگام مسافرت به شام) بر منطقه‌ای که باران بلا بر آن باریده بود (و سنگباران شده بودند) گذر کردند. آیا آن را نمی‌دیدند (تا پند گیرند؟) چرا، (منطقه‌ی قوم لوط را دیدند ولی عبرت نگرفتند زیرا) آنان به قیامت و رستاخیز امید و ایمانی نداشتند. (۴۱) و هرگاه (کفار) تو را ببینند، جز به مسخره‌ات نگیرند، (حرف آنان این است که) آیا این همان کسی است که خداوند او را پیامبر قرار داده است؟ (۴۲) اگر ما بر پرستش بت‌ها مقاومت نمی‌کردیم، نزدیک بود که (این شخص) ما را از خدایانمان منحرف کند. آن گاه که عذاب را ببینند خواهند دانست که چه کسی گمراه‌تر است. (۴۳) آیا کسی که هوای نفس خود را معبود خود قرار داده است دیده‌ای؟ آیا تو می‌توانی وکیل او باشی (و به دفاع از او برخیزی و او را هدایت کنی)؟ (۴۴) آیا گمان می‌کنی که اکثر کفار (حق را) می‌شنوند و (در آن) می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه گمراه‌ترند. (زیرا ارزش انسان به تعقل و بینش اوست). (۴۵) آیا به (قدرت) پروردگارت نمی‌نگری که چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر می‌خواست آن را ساکن (و ثابت) قرار می‌داد (تا همیشه شب یا بین الطلوعین باشد) سپس خورشید را دلیل و نمایانگر آن قرار دادیم. (۴۶) سپس آن سایه را (اندک اندک) به سوی خود جمع می‌کنیم. (۴۷) و او کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام بخش گردانید و روز را زمان برخاستن (و تلاش) شما قرار داد. (۴۸) و او خداوندی است که بادها را مژده‌ای پیشاپیش (باران) رحمتش فرستاد و از آسمان، آبی پاکیزه‌کننده فرو فرستادیم. (۴۹) تا به وسیله‌ی آن سرزمین مرده (و پژمرده و خشک) را زنده گردانیم و آن را به چهارپایان و مردمان بسیار از مخلوقات خود بنوشانیم. (۵۰) و همانا ما آن (آیات قرآن یا ابر و باران) را در میانشان گونه‌گون کردیم تا شاید به یاد خدا بیفتند اما اکثر مردم سر باز زدند و ناسپاسی کردند. (۵۱) و اگر می‌خواستیم در هر آبادی، (پیامبر و) هشداردهنده‌ای برمی‌انگیختیم (تا کار تو سبک شود، ولی این کار لزومی نداشت). (۵۲) پس، از کافران پیروی نکن و به وسیله‌ی قرآن (یا ترک پیروی از آنان) با آنان به جهادی بزرگ بپرداز. (۵۳) و او خدایی است که دو دریا را به هم پیوست، این یکی شیرین و گوارا و آن دیگری شور و تلخ و میان این دو حایلی قرار داد که همیشه از هم جدا باشند. (۵۴) و او کسی است که انسان را از آب آفرید و او را دارای پیوند نسبی و سببی گردانید (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)، و پروردگارت تو همواره تواناست. (۵۵) و آنان غیر از خداوند چیزهایی را می‌پرستند که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند؛ و کافر همواره در برابر پروردگارش پشتیبان (گمراهان و خطوط انحرافی) است. (۵۶) و تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (۵۷) بگو: از شما هیچگونه مزدی در برابر رسالتم درخواست نمی‌کنم، مگر (این که) کسی بخواهد (با راهنمایی من) به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد. (۵۸) و بر (خدای) زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی همین بس که او به گناهان بندگانش آگاهی دقیق دارد. (۵۹) خدایی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روزگار آفرید. سپس بر عرش (قدرت) استیلا یافت (و به تدبیر جهان پرداخت). اوست خدای رحمان، پس از او بخواه که بر همه چیز آگاه است، (یا درباره او از خبره‌ای پرس که می‌داند). (۶۰) و چون به آنان گفته شود: (خدای) رحمان را سجده کنید، گویند: رحمان چیست؟ آیا به چیزی که تو فرمانمان می‌دهی سجده کنیم؟ (این دعوت) بر رمیدگی آنان می‌افزاید. (۶۱) فرخنده و مبارک است کسی که در آسمان برج‌هایی قرار داد، و در آن، خورشید و ماه تابانی نهاد. (۶۲) و اوست که شب و روز را برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید، جانشین یکدیگر قرار داد. (۶۳) و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین بی‌تکبر راه می‌روند، و هرگاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند (و سخنان نابخردانه گویند) با ملایمت (و سلامت نفس) پاسخ دهند. (۶۴) و آنان برای پروردگارشان، در حال سجده و قیام شب‌زنده‌داری می‌کنند. (۶۵) آنان که می‌گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن دامنگیر است. (۶۶) به درستی که دوزخ، جایگاه و منزلگاه بدی است. (۶۷) آنان که هرگاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دو روش اعتدال دارند. (۶۸) و (بندگان خاص خدا) کسانی هستند که با خداوند، خدای دیگری را نمی‌خوانند و انسانی که خداوند (خونش را) حرام کرده است، جز به حق

نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس چنین کند عقوبت گناهش را خواهد دید. (۶۹) در روز قیامت عذاب او دوچندان می‌شود و همیشه به خواری در آن خواهد ماند. (۷۰) مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند. پس اینان (کسانی هستند که) خداوند بدی‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۷۱) و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در حقیقت به سوی خدا بازگشتی پسندیده دارد (و پاداش خود را از او می‌گیرد). (۷۲) و (بندگان خدا) کسانی هستند که در مجلس (گفتار و کردار) باطل حاضر نمی‌شوند و چون بر لغوی عبور کنند کریمانه بگذرند. (۷۳) و آنان کسانی هستند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور (چشم و گوش بسته) به سجده نمی‌افتند (بلکه عمل آنان آگاهانه است). (۷۴) و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا! به ما از ناحیه‌ی همسران و فرزندانمان مایه‌ی روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده. (۷۵) آنان (بندگان رحمن) به خاطر آن که صبر کردند، غرفه‌های بهشتی داده می‌شوند و در آن جا با تحیت و سلام گرم روبرو خواهند شد. (۷۶) در آن جا، جاودانه هستند. چه نیکو جایگاه و منزلگاهی است. (۷۷) بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست (زیرا سابقه‌ی خوبی ندارید). شما حق را تکذیب کرده‌اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را خواهد گرفت. (۷۸)

الشعراء

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ط، سین، میم. (۲) این است آیات کتاب روشنگر. (۳) گویی می‌خواهی به خاطر آن که مشرکان ایمان نمی‌آورند، جان خود را از دست بدهی. (۴) اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع گردد (و با اکراه و اجبار مؤمن شوند، اما سنت الهی چنین نیست). (۵) هیچ تذکر تازه‌ای از (طرف) خداوند مهربان برایشان نیامد، مگر آن که از آن روی گردان بودند. (۶) پس آنان تکذیب کردند، و به زودی اخبار (کیفر) آنچه را که به مسخره می‌گرفتند به آنان خواهد رسید. (۷) آیا به زمین نگاه نکردند که از هر نوع (روییدنی) نیکو چقدر رویانیدیم؟ این است آیات کتاب روشنگر. (۸) قطعاً در این (آفرینش نیکو) عبرت و نشانه‌ای است، ولی بیشترشان ایمان آورنده نیستند. (۹) و به راستی پروردگار تو همان نفوذ ناپذیر مهربان است. (۱۰) و (یادکن) زمانی که پروردگارت موسی را ندا داد که به سوی قوم ستمکار برو. (۱۱) قوم فرعون؛ آیا پروا نمی‌کنند؟! (۱۲) (موسی) گفت: پروردگارا! می‌ترسم مرا تکذیب کنند. (۱۳) و سینه‌ام تنگ می‌گردد و زبانم باز نمی‌شود، پس هارون را (نیز) رسالت بده (تا مرا یاری کند). (۱۴) و آنان بر (گردن) من (ادّعی) گناهی دارند، پس می‌ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد). (۱۵) خداوند فرمود: چنین نیست، پس (تو و هارون) همراه با معجزات ما حرکت کنید که ما با شما و شنونده (گفتگوهایتان) هستیم. (۱۶) به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده‌ی پروردگار جهانیانیم. (۱۷) بنی‌اسرائیل را (آزاد کن و) همراه با ما بفرست. (۱۸) (فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی نپروردیم و سالیانی از عمرت را در نزد ما نماندی؟! (۱۹) و با این حال انجام دادی آن کاری را که انجام دادی (و یکی از افراد ما را با مشت کشتی)، در حالی که تو از ناسپاسانی. (۲۰) (موسی) گفت: آن (قتل) را زمانی انجام دادم که از سرگشتگان بودم. (۲۱) و چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم، سپس پروردگارم به من حکمت (و دانش) بخشید و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۲) و (آیا) این که بنی‌اسرائیل را بنده‌ی خود ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟ (چرا نباید من در خانه‌ی پدرم رشد کنم؟). (۲۳) (فرعون) گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۴) (موسی) گفت: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر باور دارید. (۲۵) (فرعون) به اطرافیان خود گفت: آیا نمی‌شنوید (چه حرف‌هایی می‌زند)؟! (۲۶) (بار دیگر موسی) گفت: او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست. (۲۷) (فرعون) گفت: قطعاً پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده، سخت دیوانه است. (۲۸) (موسی) گفت: (او) پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می‌باشد، اگر تعقل کنید. (۲۹) (فرعون) گفت: (ای موسی!) اگر معبودی غیر از من برگزینی قطعاً تو را از زندانیان قرار خواهم

داد. (۳۰) موسی گفت: (حتی) اگر نشانه‌ی آشکاری برایت بیاورم (که رسالت مرا اثبات کند)؟ (۳۱) فرعون گفت: اگر راست می‌گویی آن نشانه را بیاور. (۳۲) پس عصای خود را بیفکند، پس ناگهان آن عصا اژدهایی آشکار شد. (۳۳) و دست خود را (از گریانش) بیرون آورد، پس ناگهان آن دست برای تماشاگران سفید و درخشان نمود. (۳۴) فرعون به اشرافیان اطرافش گفت: واقعا این مرد، ساحری کاردان است. (۳۵) او می‌خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان آواره کند، پس چه رأی و دستور می‌دهید؟ (۳۶) گفتند: به موسی و برادرش فرصت بده و در تمام شهرها افرادی را برای گردآوری (ساحران) اعزام کن. (۳۷) تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند. (۳۸) پس ساحران در موعد روزی معلوم، گردآوری شدند. (۳۹) و به مردم گفته شد: آیا شما نیز جمع می‌شوید؟ (۴۰) به این امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم. (۴۱) پس همین که ساحران (از شهرها به نزد فرعون) آمدند به او گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم پاداشی داریم؟ (۴۲) فرعون گفت: آری، در این صورت (علاوه بر پاداش) حتما شما از مقربان دربار خواهید بود. (۴۳) (روز موعود فرا رسید و همه‌ی ساحران جمع شدند، موسی به آنان گفت: بیفکنید آنچه را می‌خواهید بیفکنید. (۴۴) پس (ساحران) ریسمان‌ها و عصاهای خود را (به زمین) افکندند و گفتند: به عزت فرعون سوگند که قطعا ما پیروزیم. (۴۵) سپس موسی عصایش را افکند، پس ناگهان (اژدهایی شد و) هر چه را به نیرنگ ساخته بودند بلعید. (۴۶) آنگاه ساحران بی‌اختیار به سجده درافتادند. (۴۷) گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. (۴۸) پروردگار موسی و هارون. (۴۹) فرعون (که به خشم آمده بود) گفت: آیا قبل از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی‌شک او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. پس به زودی کیفر خود را خواهید دانست. حتما دست‌ها و پاهایتان را از چپ و راست قطع خواهم کرد، و همگی شما را به دار خواهم آویخت. (۵۰) ساحران گفتند: باکی نیست، ما به سوی پروردگار خود بازمی‌گردیم. (۵۱) ما امید داریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان هستیم. (۵۲) و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه (از مصر) کوچ ده، زیرا شما تعقیب خواهید شد. (۵۳) پس فرعون (از این حرکت آگاه شد و) به شهرها مأمور فرستاد تا مردم را گرد آورند. (۵۴) (تبلیغات فرعونیان درباره‌ی موسی و یارانش این بود:) همانا اینها گروهی اندکند. (۵۵) که نسبت به ما خشم و نفرت دارند. (۵۶) ولی ما همگی آماده‌ی دفاع هستیم. (۵۷) لذا آنان را (به گمان تعقیب بنی‌اسرائیل)، از باغها و چشمه‌ها بیرون کردیم. (۵۸) و گنج‌ها و جایگاه نیکو (و قصرهای مجلل)، بیرون کردیم. (۵۹) (تدبیر ما) این چنین بود که (بعد از غرق کردن فرعونیان)، بنی‌اسرائیل را وارث آنها قرار دهیم. (۶۰) پس هنگام طلوع خورشید، سپاه فرعون به تعقیب آنان برخاستند. (۶۱) پس زمانی که دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: (ما به دام افتادیم و) آنان به ما دست خواهند یافت. (۶۲) موسی به آنان گفت: چنین نیست، قطعا پروردگارم با من است و مرا هدایت خواهد کرد. (۶۳) پس (به دنبال این تلاقی)، به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن. دریا شکافت و هر پاره‌ای مثل کوهی بزرگ گردید. (۶۴) آنگاه گروه دیگر (لشکر فرعون) را به آنجا نزدیک کردیم. (۶۵) و موسی و هر که را با او بود، همگی را (از دریا عبور و) نجات دادیم. (۶۶) سپس گروه دیگر را غرق ساختیم. (۶۷) البته در این ماجرا، (عبرت و) نشانه‌ی روشنی است و بیشتر آنان ایمان آورنده نبودند. (۶۸) و همانا پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است. (۶۹) (ای پیامبر!) سرگذشت ابراهیم را بر مردم بخوان. (۷۰) آن گاه که به پدرش (عمویش آذر) و قومش گفت: شما چه می‌پرستید؟ (۷۱) گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم که همواره ملازم آنهایم. (۷۲) ابراهیم گفت: آیا هر گاه آنها را می‌خوانید (یا دعا می‌کنید) سخن شما را می‌شنوند؟ (۷۳) یا به شما سود و زیانی می‌رسانند؟ (۷۴) بت پرستان گفتند: (نه) بلکه پدرانمان را یافتیم که این گونه (پرستش) می‌کردند. (۷۵) ابراهیم گفت: آیا در آنچه می‌پرستید اندیشه و نگاه (عمیق) کرده‌اید؟ (۷۶) شما و پدران پیشین شما (دقت کرده‌اید)؟ (۷۷) البته این بت‌ها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار جهانیان (که محبوب من است). (۷۸) همان پروردگاری که مرا آفرید و همواره راهنمایم می‌کند. (۷۹) او که مرا (هنگام گرسنگی) طعام می‌دهد و (هنگام تشنگی) سیرابم می‌نماید. (۸۰) و هر گاه بیمار شوم، همواره مرا شفا می‌بخشد. (۸۱) او کسی است که مرا می‌میراند، سپس

زنده‌ام می‌کند. (۸۲) او کسی است که امید دارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد. (۸۳) (ابراهیم در ادامه‌ی سخن خود گفت: پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن. (۸۴) و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده. (۸۵) و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده. (۸۶) (ابراهیم در ادامه‌ی دعاهایش گفت: پدرم را ببخش که بی‌شک او از گمراهان است. (۸۷) و روزی که همه مبعوث می‌شوند، مرا خوار مگردان. (۸۸) روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند. (۸۹) مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید. (۹۰) و (آن روز) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک گردد. (۹۱) و آتش برافروخته برای گمراهان نمودار شود. (۹۲) و به آنان گفته شود: کجاست آنچه می‌پرستیدید؟ (۹۳) به جای خداوند، آیا یاریتان می‌کنند یا از خود دفاع توانند کرد؟ (۹۴) پس همه‌ی معبودان و عابدان گمراه به دوزخ سرنگون شوند. (۹۵) و لشکریان ابلیس نیز همگی (به دوزخ افکنده شوند). (۹۶) و آنان در دوزخ در حالی که با هم مشاجره می‌کنند، (به معبودهای خود). (۹۷) می‌گویند: به خدا سوگند که همانا ما در گمراهی آشکاری بودیم. (۹۸) چون شما (بت‌ها و معبودها) را با پروردگار جهانیان برابر می‌دانستیم. (۹۹) و جز تبه‌کاران، ما را گمراه نکردند. (۱۰۰) در نتیجه (امروز) برای ما نه شفیعانی وجود دارد. (۱۰۱) و نه حتی یک دوست صمیمی. (۱۰۲) پس اگر برای ما بازگشتی (به دنیا) بود، از مؤمنان می‌شدیم. (۱۰۳) حَقًّا که در این (سرگذشت) درس عبرت و نشانه‌ای است، ولی بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۰۴) البتّه پروردگار تو همان توانای مهربان است. (۱۰۵) قوم نوح، انبیا را تکذیب کردند. (۱۰۶) زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟ (۱۰۷) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۰۸) پس، از خداوند پروا کنید و اطاعتم نمایید. (۱۰۹) و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (۱۱۰) پس نسبت به خداوند تقوا پیشه کنید و (دستوراتم را) فرمان ببرید. (۱۱۱) آنان (به جای ایمان آوردن) گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟ (۱۱۲) (نوح) گفت: من به عملکرد گذشته (کسانی که شما اراذل می‌خوانید) آگاهی ندارم. (یا مرا با اعمال گذشته‌ی آنان کاری نیست). (۱۱۳) حساب آنان جز بر پروردگارم نیست، اگر شما درک کنید. (۱۱۴) (امروز که آنان ایمان آورده‌اند،) من طردکننده‌ی مؤمنان نیستم. (۱۱۵) من جز هشداردهنده‌ای روشن‌گر نیستم. (۱۱۶) مردم به نوح گفتند: ای نوح! اگر (از دعوت خود) دست برداری قطعاً از سنگسار شدگان خواهی شد. (۱۱۷) نوح گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند. (۱۱۸) پس میان من و آنان (داوری کن و) راه روشنی بگشا و مرا و هر کس از مؤمنان را که با من است (از شرّ این کفار) نجات بده. (۱۱۹) پس ما نوح و هر کس از مؤمنان را که در آن کشتی گرانبار، با او بود نجات دادیم. (۱۲۰) سپس باقی‌ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۱) البتّه در این (ماجرا) نشانه‌ی بزرگی است، ولی اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۲۲) و قطعاً پروردگارت همان صاحب عزّت و مهربان است. (۱۲۳) قوم عاد (نیز همچون قوم نوح) انبیا را تکذیب کردند. (۱۲۴) آن‌گاه که برادرشان هود به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی‌کنید؟ (۱۲۵) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۲۶) پس از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. (۱۲۷) و من برای رسالتم هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم، (زیرا که) مزد من فقط بر عهده‌ی پروردگار جهانیان است. (۱۲۸) (هود به مردم گفت: آیا بر هر تپه‌ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می‌سازید؟ (۱۲۹) و کاخ‌های استوار می‌گیرید، به امید آنکه جاودانه بمانید؟ (۱۳۰) و هر گاه کسی را کیفر می‌دهید، همچون زورگویان کیفر می‌دهید؟ (۱۳۱) پس، از خداوند پروا کنید و مرا فرمان برید. (۱۳۲) و از خداوندی که می‌دانید چقدر کمکتان کرده پروا کنید. (۱۳۳) او شما را با (بخشیدن) چهار پایان و فرزندان مدد کرده است. (۱۳۴) و باغها و چشمه سارها (به شما داده است. (۱۳۵) اگر کفران کنید) من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (۱۳۶) (قوم عاد به حضرت هود) گفتند: پند دهی یا از پند دهندگان نباشی، برای ما برابر است (و ما تو را نمی‌پذیریم). (۱۳۷) این (دعوت تو یا بت پرستی ما) جز شیوه پیشینیان نیست. (۱۳۸) و ما عذاب نخواهیم شد. (۱۳۹) پس هود را تکذیب کردند آنگاه ما آنان را هلاک کردیم. البتّه در این (داستان) بی‌شک نشانه‌ی بزرگی است، (ولی) اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۴۰) و همانا پروردگار تو، همان خداوند عزیز و مهربان است. (۱۴۱) قوم ثمود

(نیز) پیامبران را تکذیب کردند. (۱۴۲) آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی‌کنید؟ (۱۴۳) من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۴۴) پس از خداوند پروا کنید و از من اطاعت نمایید. (۱۴۵) و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (۱۴۶) آیا (فکر می‌کنید) شما در آنچه در این دنیا دارید، در امن و امان رها خواهید شد؟ (۱۴۷) در باغها و چشمه‌ها. (۱۴۸) و کشتزارها و نخل‌هایی که شکوفه‌اش لطیف و برهم نشسته است. (و هیچ مسئولیت و بازگشتی نخواهید داشت؟) (۱۴۹) و شما (ماهرانه) از کوه‌ها خانه‌هایی برای خوشگذرانی می‌تراشید. (۱۵۰) پس، از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. (۱۵۱) و از اسراف‌کاران فرمان نبرید. (۱۵۲) آنان که در زمین فساد می‌کنند و اهل اصلاح نیستند. (۱۵۳) (قوم ثمود به جای ایمان آوردن به صالح) گفتند: همانا تو از سحر شدگانی. (۱۵۴) تو جز بشری مثل ما نیستی. پس اگر از راستگویانی، نشانه (و معجزه) ای بیاور. (۱۵۵) صالح (در پاسخ معجزه خواهی مردم) گفت: این ماده شتری است (که با اراده‌ی خداوند، از درون کوه خارج شد). برای اوست سهمی از آب (یک روز) و برای شما روز دیگری معین شده است. (۱۵۶) و به آن آسیبی نرسانید که عذاب روز سهمگین، شما را فرامی‌گیرد. (۱۵۷) پس ناقه را کشتند، سپس از کرده‌ی خود پشیمان شدند. (۱۵۸) پس آنان را عذاب فرا گرفت. همانا در این (ماجرا) قطعاً نشانه و درس عبرتی است، و (لی) اکثر آنان ایمان آورنده نیستند. (۱۵۹) و البته پروردگار تو بی‌شک همان توانای مهربان است. (۱۶۰) قوم لوط (نیز) انبیا را تکذیب کردند. (۱۶۱) زمانی که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف دوری، و از خدا) پروا نمی‌کنید؟ همانا. (۱۶۲) من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۶۳) پس، از خداوند پروا کنید و مرا اطاعت نمایید. (۱۶۴) و من در برابر رسالتم از شما مزدی درخواست نمی‌کنم. (زیرا) مزد من تنها بر پروردگار جهانیان است. (۱۶۵) آیا از میان مردم جهان، شما به سراغ مردها می‌روید؟ (۱۶۶) و همسرانان را که پروردگارتان برای شما آفریده رها می‌کنید؟ بلکه شما مردمی تجاوزکارید. (۱۶۷) مردم (به جای پند پذیری) گفتند: ای لوط! اگر (از حرف هایت) دست برداری، قطعاً از تبعید شدگان خواهی بود. (۱۶۸) لوط گفت: من مخالف شدید کردار شما هستم. (۱۶۹) پروردگارا! من و کسان مرا از (شرّ) آنچه انجام می‌دهند رهایی بخش. (۱۷۰) پس (دعایش را مستجاب کردیم) و او و تمام خاندانش را نجات دادیم. (۱۷۱) مگر پیرزنی (زن لوط) که در میان بازماندگان بود. (۱۷۲) سپس، دیگران را ریشه کن کردیم. (۱۷۳) و بر سر آنان بارانی (از سنگ) فرو فرستادیم. پس چه بد است باران هشدار داده شدگان. (۱۷۴) البته در این (ماجرا) نشانه‌ای (از قدرت الهی) است، لکن بیشتر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۷۵) همانا پروردگار تو همان توانای مهربان است. (۱۷۶) اصحاب ایکه (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. (۱۷۷) زمانی که شعیب به آنان گفت: آیا از (شرک و انحراف) پروا ندارید؟ (۱۷۸) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۷۹) پس، از خدا پروا کنید و من را اطاعت کنید. (۱۸۰) و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. اجر من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (۱۸۱) حقّ پیمان‌ها را ادا کنید و از کم‌فروشان نباشید. (۱۸۲) و با ترازوی درست بسنجید. (۱۸۳) و اجناس مردم را کم ندهید و در زمین به فساد و تبه‌کاری نکوشید. (۱۸۴) و از خدایی که شما و اقوام پیشین را آفریده پروا کنید. (۱۸۵) مردم (به جای قبول دعوت شعیب) گفتند: تو قطعاً از سحر شدگانی. (۱۸۶) و تو جز بشری مثل ما نیستی، و ما تو را از دروغ‌گویان می‌پنداریم. (۱۸۷) پس اگر تو از راستگویانی، پاره‌هایی از آسمان را بر سر ما بیفکن! (۱۸۸) (شعیب) گفت: پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید آگاه‌تر است. (۱۸۹) پس شعیب را تکذیب کردند و عذاب روز ابر (آتشبار) آنان را فراگرفت. البته آن عذاب روز بزرگ و هولناکی است. (۱۹۰) بی‌شک در این (ماجرا) نشانه‌ای (از قدرت الهی) است، ولی اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۹۱) و البته پروردگارت همان توانای مهربان است. (۱۹۲) و البته این (قرآن) فرستاده پروردگار جهانیان است. (۱۹۳) (که جبرئیل) فرشته‌ی امین الهی آن را فرو آورده است. (۱۹۴) بر دل تو، تا از هشدار دهندگان باشی. (۱۹۵) (این قرآن) به زبان عربی روشن (نازل شده). (۱۹۶) و همانا (خبر) آن در کتابهای (آسمانی) پیشین آمده است. (۱۹۷) آیا این که علمای بنی‌اسرائیل از آن (قرآن) اطلاع دارند، برای آنان (مشرکان عرب) نشانه‌ای (بر صحت آن) نیست؟ (۱۹۸) (بر فرض) اگر ما قرآن را بر بعضی غیر عربها نازل می‌کردیم. (۱۹۹) پس او آن را برایشان

می خواند، عربها به آن ایمان نمی آوردند. (۲۰۰) ما این گونه قرآن را (با بیانی رسا و روشن) در دلهای گناهکاران عبور دادیم. (۲۰۱) (ولی آنان) ایمان نمی آورند، مگر آنکه عذاب دردناک را مشاهده کنند. (۲۰۲) که ناگهان و در حالی که آگاه نباشند به سراغشان آید. (۲۰۳) پس گویند: آیا به ما مهلتی (برای توبه و جبران) داده خواهد شد؟ (۲۰۴) آیا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند (که می پرسند قهر خدا چه زمانی است)؟ (۲۰۵) آیا دیدی که اگر سال ها هم آنان را (از نعمت های خود) برخوردار کنیم. (۲۰۶) آنگاه عذاب موعود به آنها خواهد رسید. (۲۰۷) آنچه برخوردار بودند، در دفع عذاب به کارشان نیاید. (۲۰۸) و ما (مردم) هیچ منطقه ای را هلاک نکردیم، مگر آن که بیم دهندگانی داشتند. (۲۰۹) تا مایه ی پند و عبرت باشد، و ما ستمکار نبودیم (که بدون هشدار مجازات کنیم). (۲۱۰) و قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند. (۲۱۱) نه سزاوار آنان است (که شیاطین آن را نازل کنند) و نه قدرت بر این کار دارند. (۲۱۲) بی شک آنها از شنیدن (اخبار آسمانی) برکنارند. (۲۱۳) پس (ای پیامبر!) با خدا معبود دیگری را نخوان که از عذاب شدگان خواهی شد. (۲۱۴) و خویشان نزدیک را هشدار ده. (۲۱۵) و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند، بال خود را بگستر (و متواضع باش). (۲۱۶) پس اگر سرپیچی کردند بگو: قطعاً من از آنچه انجام می دهید بیزارم. (۲۱۷) و بر (خدای) عزیز و مهربان توکل کن. (۲۱۸) خدایی که چون (به نماز) برمی خیزی تو را می بیند. (۲۱۹) و حرکت تو را در میان سجده کنندگان (نیز می بیند). (۲۲۰) زیرا که اوست شنوا و دانا. (۲۲۱) آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟ (۲۲۲) بر هر دروغ ساز گنه پیشه ای فرود می آیند. (۲۲۳) (زیرا این افراد) به سخنان شیاطین گوش فرامی دهند و بیشترشان دروغ گویند. (۲۲۴) (پیامبر اسلام شاعر نیست، زیرا) شاعران را گمراهان پیروی می کنند. (۲۲۵) آیا ندیدی که آنان در هر وادی سرگشته می روند؟ (۲۲۶) و مطالبی می گویند که به آن عمل نمی کنند؟ (۲۲۷) مگر آنان (شاعرانی) که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده و خدا را بسیار یاد می کنند، و پس از آن که مورد ستم قرار گرفتند (به دفاع از خود) یاری می طلبند (و با شعر از مظلومیت خود دفاع می کنند) و کسانی که ظالمند، به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت. (۲۲۸)

النمل

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) طاء، سین. آن است آیات قرآن و کتاب روشننگر. (۲) که (وسیله ی) هدایت و بشارت برای اهل ایمان است. (۳) کسانی که نماز بر پامی دارند و زکات می پردازند و تنها ایشانند که به آخرت یقین دارند. (۴) همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کارهای (زشت) شان را زیبا جلوه می دهیم تا (همچنان) سرگشته باشند. (۵) آنان کسانی هستند که برای ایشان عذاب بد (و دردناک) خواهد بود و آنان در قیامت زیانکارترین افرادند. (۶) به یقین که تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می کنی. (۷) (یاد کن) زمانی که موسی به خانواده ی خود گفت: همانا من آتشی احساس کردم (شما در همین مکان توقف کنید)، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله ی آتشی برای شما می آورم، باشد که خود را گرم کنید. (۸) پس همین که (موسی) نزد آن آمد، ندا داده شد که هر که در آتش و هر که اطراف آن است برکت داده شد و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است. (۹) ای موسی! همانا این منم خدای عزیز حکیم. (۱۰) و عصایت را بیفکن! (موسی عصا را افکند)، پس همین که آن را دید چنان جست و خیز می کند که گویا ماری کوچک است، پشت کنان فرار کرد و به عقب برنگشت. (ما به او گفتیم: ای موسی! نترس که پیامبران در آستان من نمی ترسند. (۱۱) مگر کسی که ستم کند؛ سپس بعد از بدی کار خوبی را جایگزین نماید همانا که من بخشنده ی مهربانم. (۱۲) و دستت را در گریبان کن؛ سفید و درخشنده خارج شود، بی آنکه عیبی در آن باشد؛ (این معجزه) در زمره ی معجزات نه گانه به سوی فرعون و قومش (آمده است) که آنان قومی فاسق هستند. (۱۳) پس چون آیات و معجزات روشننگر ما به سویشان آمد، گفتند: این سحری است آشکار. (۱۴) و با آن که در دل به آن یقین داشتند، از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند، پس بنگر که فرجام تبه کاران چگونه است. (۱۵) و به راستی به داوود و سلیمان دانشی (ویژه) عطا

کردیم، و آن دو گفتند: ستایش، مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید. (۱۶) و سلیمان وارث داوود شد و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ قطعا این (بخشش) همان برتری و امتیاز روشن است. (۱۷) و برای سلیمان، سپاهیان از جن و انس و پرنده گرد آمدند، پس از تشنه و بی‌نظمی بازداشته می‌شدند (تا در رکابش باشند). (۱۸) (سلیمان با لشکر خود حرکت می‌کرد) تا به وادی مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را ناآگاهانه پایمال نکنند. (۱۹) پس (سلیمان) از سخن این مورچه با تبسمی خندان شد و گفت: پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده‌ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می‌پسندی انجام دهم و در سایه رحمت خود، مرا در زمره بندگان شایسته‌ات وارد کن. (۲۰) و (سلیمان) جوایب حال پرندگان شد و (هدهد را ندید)، گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی‌بینم؟ (آیا حضور دارد و من نمی‌بینم) یا از غایبان است. (۲۱) قطعا او را کفیری سخت خواهم داد یا او را ذبح می‌کنم، مگر آن که (برای غیبت خود) دلیل روشنی (و عذر موجهی) برای من بیاورد. (۲۲) پس دیری نپایید که (هدهد آمد و) گفت: از چیزی آگاهی یافتم که تو (با همه‌ی عزت و شوکتی که داری) از آن آگاه نشده‌ای و برای تو از (منطقه‌ی) سبا گزارشی مهم و درست آورده‌ام. (۲۳) (هدهد توضیح داد): همانا من زنی را یافتم (به نام بلقیس) که بر مردم سلطنت می‌کرد و از همه چیز (دنیا) برخوردار بود و تخت بزرگی داشت. (۲۴) آن زن و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه (حق) بازداشته و آنان هدایت نمی‌شوند. (۲۵) (جلوه دادن شیطان، اعمال مردم را برای آن است) که آنان سجده نکنند برای خداوندی که چیزهای ناپیدای آسمان‌ها و زمین را بیرون می‌آورد (و آشکار می‌کند) و عملکرد نهان و آشکار شما را می‌داند. (۲۶) خداوندی که معبودی جز او نیست (و) پروردگار عرش بزرگ است. (۲۷) (سلیمان بعد از شنیدن گزارش هدهد) گفت: به زودی خواهیم دید که آیا (در گزارش) راست گفتی یا از دروغ‌گوییانی؟ (۲۸) این نامه‌ی مرا ببر و به سوی آنها بيفکن؛ آن گاه از آنان روی برتاب، پس بنگر چه جوابی می‌دهند. (۲۹) (چون هدهد نامه را نزد بلقیس افکند، او به شگفت آمد و) گفت: ای اشراف (و بزرگان کشور)! نامه‌ای پرارزش به سوی من افکنده شد. (۳۰) نامه از سلیمان است و (مضمون آن) این است: به نام خداوند بخشنده مهربان. (۳۱) بر من برتری نجوید. نزد من آید و تسلیم (حق و مطیع من) باشید. (۳۲) (بلقیس) گفت: ای بزرگان! در کارم نظر دهید که بی‌حضور شما (تاکنون) کاری را فیصله نداده‌ام. (۳۳) (اشراف) گفتند: ما سخت نیرومند و دلاوریم (و نباید در برابر یک نامه از موضع ضعف برخورد کنیم)، ولی اختیار کار با توست، نظر خود را بیان فرما تا ببینیم چه دستور می‌دهی؟ (و ما با قدرت انجام دهیم). (۳۴) (بلقیس) گفت: بی‌شک، هرگاه پادشاهان به منطقه‌ی آبادی وارد شوند (و هجوم برند)، آن جا را به تباهی می‌کشند و عزیزان آن جا را ذلیل می‌کنند و این، سیره‌ی همیشگی آنان است. (۳۵) و همانا من (جنگ را صلاح نمی‌بینم)، هدیه‌ای با ارزش به سویشان می‌فرستم، پس چشم براهم تا ببینم فرستادگان من با چه خبری برمی‌گردند. (شاید با قبول هدایا از سوی سلیمان، ما هم درامان باشیم). (۳۶) چون (پیک حامل هدایا) نزد سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا مرا با مالی ناچیز مدد می‌کنید؟ پس (بدانید) آنچه خداوند به من داده بهتر است از آنچه به شما داده است، (من با هدیه‌ی شما شاد نمی‌شوم) بلکه شما هستید که به هدیه‌ی خودتان خوشحالید. (۳۷) (سلیمان به پیک بلقیس) گفت: به سوی آنان برگرد، پس ما حتما لشکریانی بر آنان وارد می‌کنیم که برای آنان تاب مقابله نیست و ما حتما آنان را از منطقه، ذلیلانه آواره می‌کنیم در حالی که خواری را احساس خواهند کرد. (۳۸) (سلیمان) گفت: ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او (بلقیس، ملکه‌ی سبا) را قبل از آن که آنان به حال تسلیم نزد من آیند برای من می‌آورد؟ (۳۹) عفریتی از جن (که دارای قدرت و زیرکی خاصی بود به سلیمان) گفت: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آن که از جای خود برخیزی، و من قطعا بر این کار هم قدرت دارم و هم مورد اعتمادم. (۴۰) کسی (به نام آصف بن برخیا) که به بخشی از کتاب (الهی) آگاهی داشت (سلیمان) گفت: من آن (تخت) را قبل از آن که پلک چشمت بهم بخورد نزد تو می‌آورم. (سلیمان

پذیرفت و او تخت را آورد.) همین که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود مستقر دید، (به جای غرور و تکبر) گفت: این (توانایی وزیر من که مقداری از علم کتاب و اسم اعظم را می‌داند)، از لطف پروردگار من است، تا مرا (با این نعمت‌ها) بیازماید که آیا شکر گزارم یا کفران می‌کنم؟ و هر کس شکر کند، قطعا به سود خویش شکر ورزیده و هر کس کفران نماید (به ضرر خویش گام نهاده، زیرا) پروردگار من (از شکر مردم) بی‌نیاز و کریم است. (بی‌نیازی و کرامت، برای خداوند ذاتی است و هرگز وابسته به شکر یا کفران کسی نیست). (۴۱) (سلیمان) گفت: تخت (ملکه) را برایش ناشناس گردانید، تا بینم آیا پی می‌برد یا از کسانی است که پی نمی‌برند؟ (۴۲) پس هنگامی که (بلیس) آمد، به او گفته شد: آیا تخت تو این گونه است؟ گفت: گویا خود آن است، و پیش از این، به ما علم (به حقایق سلیمان) داده شده و ما فرمان بردار بوده‌ایم. (۴۳) آنچه (آن زن) به جای خدا می‌پرستید، او را (از تسلیم شدن در برابر حق) بازداشته بود، و او از قوم کافران بود، (ولی بعد از کفر، ایمان آورد). (۴۴) به او (بلیس) گفته شد: وارد قصر شو! پس چون آن را دید، پنداشت بر که آبی است، (برای عبور) جامه از ساق پایش برگرفت، (تا تر نشود. سلیمان به او گفت: (این جا آبی نیست)، بلکه قصری از شیشه و بلور صیقلی است. (ملکه‌ی سبا) گفت: پروردگارا! من به خودم ظلم کردم و (اکنون) همراه سلیمان، در برابر پروردگار جهانیان سر تسلیم فرود آورده‌ام. (۴۵) و به راستی به سوی قوم ثمود، برادرشان (حضرت) صالح را فرستادیم که (او به مردم گفت: خداوند را پرستید. پس آن گاه مردم به دو گروه متخاصم تقسیم شدند. (۴۶) صالح گفت: ای قوم من! چرا پیش از نیکی شتابزده خواهان بدی هستید؟ چرا از خداوند آمرزش نمی‌خواهید تا مشمول رحمت گردید؟ (۴۷) (مردم به صالح) گفتند: ما به تو و همراهانت فال بد زده‌ایم (و قحطی موجود به خاطر وجود شماست. صالح) گفت: فال (و سرنوشت نیک و بد) شما نزد خداست، بلکه شما گروهی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید. (۴۸) و در آن شهر نه دسته (و گروه) بودند که در آن سرزمین فساد می‌کردند و اهل اصلاح نبودند. (۴۹) (آن گروه مفسد) گفتند: به خداوند سوگند یاد کنید (و هم قسم شوید) که بر او و خانواده‌اش شیخون می‌زنیم، سپس به ولی او خواهیم گفت: ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم (تا چه رسد به اینکه آنان را کشته باشیم)، و ما قطعا راست می‌گوییم. (۵۰) و (آن نه گروه مفسد) دست به تدبیر بزرگی زدند و ما نیز به تدبیر بزرگی دست زدیم، ولی آنها نمی‌فهمیدند. (۵۱) پس بنگر که پایان تدبیر آنان (و شیخون به صالح و کسانش) به کجا انجامید، ما آنان و قومشان همگی را هلاک کردیم. (۵۲) پس این خانه‌های آنهاست که به خاطر ظلمی که کردند ویران و خالی شده است، و قطعا در این (کیفر، عبرت و) نشانه روشنی است برای اهل علم و آگاهی. (۵۳) و مؤمنان و کسانی را که اهل پروا بودند، (از مهلکه) نجات دادیم. (۵۴) و (نیز) لوط را (فرستادیم) که به قومش گفت: آیا این کار بسیار زشت را در حالی که به زشتی آن آگاهید، انجام می‌دهید؟ (۵۵) آیا شما با بودن زنان، برای غریزه‌ی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ بلکه شما مردمی (نادان و) جهالت پیشه‌اید. (۵۶) ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید، زیرا آنان مردمی هستند که پاکیزگی می‌جویند. (۵۷) پس ما لوط و خانواده‌اش را نجات دادیم، جز زنش را که (به خاطر انحراف) مقدر کرده بودیم از بازماندگان (و هلاک شدگان در آن شهر) باشد. (۵۸) سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها باریدیم (و همگی زیر آن دفن شدند) و چه بد است باران انداز شدگان. (۵۹) بگو: سپاس برای خداست و سلام بر آن بندگانش، که آنان را برگزید. آیا خدا بهتر است یا آنچه را که شریک قرار می‌دهند؟ (۶۰) کیست که آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ و از آسمان برای شما آب فرستاد، پس به وسیله‌ی آن، باغهایی بهجت‌انگیز رویانید؛ کار شما نبود که درختانش را برویانید، آیا معبودی با خداست؟ (نه) بلکه آنان قومی منحرفند. (۶۱) کیست که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن، رودها قرار داد، و برای آن، کوه‌ها را (مانند لنگر) ثابت و پابرجا قرار داد و میان دو دریا (شور و شیرین) مانعی قرار داد (که مخلوط نشوند). آیا معبودی با خداست؟ (نه) بلکه اکثر آنان نمی‌دانند. (۶۲) کیست که هر گاه در مانده‌ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند، و شما را جانشینان (خود) در زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می‌پذیرید. (۶۳) کیست که شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا (به

وسيله ستارگان) هدايت مي کند، و کيست که بادها را پيشاپيش (باران) رحمتش به عنوان بشارت مي فرستد، آيا معبودي با خداست؟ خداوند برتر است از آن چه براي او شريک قرار مي دهند. (۶۴) کيست که آفرينش را آغاز مي کند، سپس آن را (در قيامت) بازمي گرداند و کيست که شما را از آسمان و زمين روزي مي دهد؟ آيا با خداوند معبودي هست؟ بگو: اگر راست مي گوييد برهانتان را بياوريد. (۶۵) بگو: جز خداوند، هيچ کس در آسمان ها و زمين، غيب نمي داند و کسي نمي داند چه زماني برانگيخته خواهد شد. (۶۶) بلکه علم مشرکان در قيامت به کمال خواهد رسيد، بلکه آنان (امروز) دربارهي آن (آخرت) در شک هستند، بلکه نسبت به (چگونگي) وقوع آن کورند. (۶۷) و کساني که کفر ورزيدند، گفتند: آيا هرگاه ما و پدرانمان (بعد از مرگ) خاک شديم، آيا حتما (زنده از گور) بيرون آورده مي شويم؟ (۶۸) در حقيقت به ما و نياکانمان از قبل، اين وعده داده شده، (لکن) اين وعده جز افسانه هاي پيشينيان چيز ديگري نيست. (۶۹) بگو: در زمين بگرديد پس بنگريد که فرجام گنه پيشگان چگونه بوده است. (۷۰) و بر (انحراف و عواقب شوم) آنان اندوه مخور و از آنچه مکر (و توطئه) مي کنند، دلنگنگ مباش. (۷۱) و مي گويند: اگر راست مي گوييد، اين وعده (عذاب دنيا يا قيامت) کي خواهد بود؟ (۷۲) بگو: چه بسا بخشي از آن عذابي را که با شتاب مي خواهيد، در پي شما باشد (و به شما برسد و خود خبر نداشته باشيد). (۷۳) و البته پروردگار تو بر (اين) مردم داراي بخشش است و لکن بيترشان شکر گزار نيستند. (۷۴) و البته پروردگارت، آنچه را در سينه هاشان پنهان دارند و آنچه را آشکار مي نمايند، (به خوبي) مي داند. (۷۵) و هيچ (موجود) پنهاني در آسمان و زمين نيست، مگر اين که در کتابي روشن (نزد خداوند ثبت) است. (۷۶) همانا اين قرآن، بيتر آنچه را بني اسرائيل در آن اختلاف دارند، (به طور صحيح) بر آنان حکايت مي کند. (۷۷) و البته که آن (قرآن) براي اهل ايمان، مايه رحمت و هدايت است. (۷۸) بدون شک، پروردگار تو با حکم خود ميانشان داوري خواهد کرد و او صاحب قدرت و آگاه است. (۷۹) پس بر خداوند توکل کن (و بدان) که تو بر حق آشکار هستي. (۸۰) بي شک، نمي تواني دعوت خود را به گوش مردگان برساني، و نمي تواني کران را آنگاه که روي برمي گردانند و پشت مي کنند، فراخواني (و حقيقت را به آنان بفهماني). (۸۱) تو هدايت کننده کوران از گمراهيشان نيستي؛ تو فقط مي تواني سخن خود را به گوش کساني برساني که به آيات ما ايمان آورده اند و در برابر حق تسليم هستند. (۸۲) و هرگاه سخن (و وعده عذاب الهي) بر مردم حتمي شود، جنبنده اي را براي آنان از زمين بيرون آوريم تا با مردم سخن گويد، که همانا مردم آيات ما را باور نمي کردند. (۸۳) و (ياد کن) روزي که از هر امتي گروهی از کساني که آيات ما را انکار مي کنند محشور مي کنيم، پس آنان از پراکنده شدن منع مي شوند. (۸۴) چون گرد آيند، (خداوند) مي فرمايد: آيا آيات مرا دروغ انگاشتيد و حال آن که به آنها احاطه ي علمي نداشتيد، آيا شما (در طول حيات جز تکذيب) چه مي کرديد؟ (۸۵) و به خاطر ظلمي که کردند، حکم (عذاب) بر آنان مقرر گرديد، پس آنها حرفي نمي زنند (و سخني ندارند که بگويند). (۸۶) آيا نديدند که ما شب را قرار داديم تا در آن آرام گيرند و روز را روشني بخش ساختيم؟ (تا در آن براي معاش خود تلاش کنند) حتما در اين امر براي کساني که ايمان دارند عبرت هايي است. (۸۷) و (ياد کن) روزي که در صور دميده شود، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمين است به هراس افتد، مگر آن کس که خدا بخواهد و همگي خاضعانه نزد او آيند. (۸۸) و کوه ها را مي بيني و مي پنداري که بي حرکتند، در حالي که آنها همچون ابر در حرکتند. (اين) صنعت (ماهرانه) خداست که هر چيزي را با دقت ساخته است، او به هر چه انجام مي دهيد آگاه است. (۸۹) هر کس کار نيکي بياورد، پس براي او (پاداشي) بهتر از عملش خواهد بود، و آنان از هراس آن روز ايمن هستند. (۹۰) و هر کس که کار بدی بياورد، پس به رو در آتش (دوزخ) سرنگون شوند، (به آنان گفته شود): آيا جز آنچه مي کرديد سزا داده مي شويد؟ (۹۱) (اي پيامبر! بگو: فقط مأمورم که پروردگار اين شهري که خداوند آن را محترم شمرده پرستش کنم، و همه چيز تنها براي اوست و مأمورم که از اهل تسليم و طاعت باشم. (۹۲) و (همچنين مأمورم) قرآن (را بر مردم) تلاوت کنم. پس هر کس هدايت را پذيرد تنها به سود خود پذيرفته و هر کس گمراه شود، پس بگو: (من مسئول نيستم، زيرا) من فقط هشدار دهنده ام. (۹۳) و بگو: ستايش براي خداست. به زودي آياتش را به

شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت. و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۹۴)

الفصل

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) طا، سین، میم. (۲) اینها آیات کتاب روشنگر است. (۳) ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می‌آورند، بدرستی بر تو می‌خوانیم. (۴) همانا فرعون در سرزمین (مصر) سرکشی کرده و مردم آنجا را فرقه فرقه نموده است، گروهی از آنان را به زبونی و ناتوانی کشانده، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگه می‌دارد. برآستی که او از تبه‌کاران است. (۵) و ما اراده کرده‌ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثین (روی زمین) قرار دهیم. (۶) و به آنان (مستضعفین) در زمین، قدرت و تمکن بخشیم، و از ناحیه آنان به فرعون و (وزیرش) هامان و سپاهیانشان آنچه را که از آن بیمناک بودند نشان دهیم. (۷) و ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هرگاه (از فرعونیان) بر او بیمناک شدی، او را (در جعبه‌ای گذاشته و) به دریا بیفکن و (از این فرمان) مترس و (از دوریش) غمگین مباش، (زیرا) ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم. (۸) پس (مادر موسی چنان کرد، چیزی نگذشت که) فرعونیان، او را (دیده و از آب) برگرفتند تا سرانجام، دشمن و مایه اندوهشان گردد. همانا فرعون و هامان و سپاهیانشان خطاکار بودند. (۹) و (چون) همسر فرعون (احساس کرد که آنان قصد کشتن کودک را دارند خطاب به فرعون) گفت: او را نکشید (که او) روشنی چشم من و توست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها نمی‌فهمیدند (که چه کسی را در آغوش خویش می‌پرورانند). (۱۰) و دل مادر موسی (از هر چیز، جز فکر فرزند) تهی شد (و) اگر قلب او را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان (به وعده‌ی ما باقی) بماند، همانا نزدیک بود که (به واسطه جزع و فرع) آن (راز) را افشا کند. (۱۱) و (مادر موسی) به خواهر او گفت: (صندوق حامل موسی را) دنبال کن پس او از دور وی را زیر نظر داشت، در حالی که (دشمنان) متوجه نبودند (که آنکه او را تعقیب می‌کند خواهر موسی است و از این تعقیب، چه هدفی دارد). (۱۲) و ما (به دهان گرفتن سینه‌ی) زنان شیرده را از پیش بر او ممنوع کردیم، پس (خواهر موسی که مأموران را در جستجوی دایه دید) گفت: آیا می‌خواهید شما را بر خانواده‌ی راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما بپذیرند و برای او خیرخواه باشند؟ (۱۳) پس ما (اینگونه) او را به مادرش باز گردانیدیم تا روشنی چشم او باشد و غم نخورد و بداند که همانا وعده الهی حق است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۱۴) چون موسی نیرومند شد و کامل گردید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۱۵) و موسی وارد شهر شد، در حالی که مردم (از ورودش) بی‌خبر بودند، پس در آنجا به دو مرد برخورد که با یکدیگر نزاع می‌کردند، این یکی از طرفدارانش و آن (دیگری) از دشمنانش بود. پس آن که از پیروان موسی بود، از او در برابر دشمنش یاری خواست. پس موسی (به حمایت از دوست خود) مُشتی بر او زد که کار او را ساخت (و با همان مشت کشته شد)، موسی (از این پیشامد تکانی خورد و) گفت: این از کار شیطان بود، همانا او دشمن گمراه کننده‌ی آشکاری است. (۱۶) (موسی) گفت: پروردگارا! همانا من به خویشتن ستم کرده‌ام، پس مرا ببخش، پس (خداوند) او را آمرزید بدرستی که او آمرزنده‌ی مهربان است. (۱۷) (سپس موسی) گفت: پروردگارا! بخاطر (قدرت و) نعمتی که بر من ارزانی داشتی، پس هرگز پشتیبان تبه‌کاران نخواهم بود. (۱۸) (ولی از آن پس، موسی به سبب این قتل) در شهر نگران و ترسان گردید (و هر لحظه انتظار حادثه‌ای را می‌کشید) پس ناگهان (مشاهده کرد) همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود، با فریاد از او کمک می‌خواهد! موسی به او گفت: بدرستی که تو در گمراهی آشکاری هستی! (۱۹) پس چون (موسی) خواست به آن کسی که دشمن هر دوی آنها بود حمله کند (و با او درگیر شود، او) گفت: ای موسی! آیا تصمیم گرفته‌ای که مرا (هم) به قتل برسانی، همان‌گونه که دیروز (نیز) انسانی را کُشتی؟! تو جز زورگویی در روی زمین هدفی نداری و نمی‌خواهی که از مصلحان باشی. (۲۰) و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر (که

مرکز استقرار فرعونیان بود) شتابان (به سوی او) آمد و گفت: ای موسی! همانا سران قوم در مورد تو مشورت می کنند تا تو را بکشند، پس (فوراً از اینجا) خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم. (۲۱) پس (موسی) از شهر خارج شد در حالی که نگران و ترسان بود. گفت: پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده. (۲۲) و چون (موسی) به سوی مدین روی نهاد، گفت: امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید. (۲۳) و چون موسی به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در اطراف آن دید که به سیراب کردن (چهار پایان خویش) مشغولند و در کنار آنان به دو زن برخورد که مراقب بودند (تا گوسفندانشان با گوسفندان دیگر مخلوط نشوند. پس موسی جلو رفته و به آنان) گفت: منظور شما (از این کناره گیری) چیست؟ گفتند: ما (برای پرهیز از اختلاط با مردان، گوسفندان خود را) آب نمی دهیم تا اینکه همه ی چوپانان خارج شوند و (حضور ما در اینجا برای آن است که) پدر ما پیرمردی کهنسال است. (۲۴) پس (موسی گوسفندانشان را) برای آنان آب داد، سپس رو به سوی سایه آورد و گفت: پروردگارا! همانا من به هر خیری که برایم بفرستی نیازمندم. (۲۵) پس (چیزی نگذشت که) یکی از آن دو (زن) در حالی که با حیا و عفت راه می رفت به نزد او آمد و گفت: همانا پدرم از شما دعوت می کند تا مزد اینکه برای ما آب دادی به تو بپردازد. پس همین که موسی به نزد آن پدر پیر (حضرت شعیب) آمد و سرگذشت خود را برای او بازگو کرد، او گفت: نترس، تو از (دست) گروه ستمگران نجات یافتی. (۲۶) یکی از آن دو (دختر، خطاب به پدر) گفت: ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که (می توانی) استخدام کنی، شخص توانا و امین است. (۲۷) (حضرت شعیب به موسی) گفت: من قصد دارم تا یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم بر این (شرط) که هشت سال برای من کار کنی و اگر (این مدت را) به ده سال تمام کردی، پس (بسته به خواست و محبت) از ناحیه توست و من نمی خواهم که بر تو سخت گیرم، بزودی به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهی یافت. (۲۸) (موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و) گفت: این (قرارداد) بین من و تو (برقرار شد، البته) هر کدام از دو مدت را که به انجام رساندم، پس ستمی بر من نخواهد بود، و خداوند بر آنچه ما می گوئیم (گواه و) وکیل است. (۲۹) پس چون موسی، مدت (قرارداد خود با شعیب) را به پایان رساند و با خانواده اش رهسپار گردید، از سوی (کوه) طور آتشی را دید. به خانواده اش گفت: (همین جا) بمانید، همانا من آتشی دیده ام، (می روم تا) شاید از آن خبری بیابم یا مقداری آتش برایتان بیاورم تا (با آن) گرم شوید. (۳۰) پس همین که (موسی) به نزد آن (آتش) آمد، (ناگهان) از جانب راست آن درّه، در آن منطقه مبارک و خجسته از (میان) یک درخت، ندا داده شد که ای موسی! همانا من، الله، پروردگار جهانیان هستم. (۳۱) و (از تو می خواهم) اینکه عصایت را بیفکنی! پس چون (موسی عصا را انداخت ناگهان) مشاهده کرد که آن (عصا) چنان جست و خیز می کند که گویا ماری چالاک و کوچک است، پشت کنان فرار کرد و به عقب (هم) نگاه نکرد! (به او ندا رسید که) ای موسی! پیش بیا و نترس، همانا تو در امان هستی. (۳۲) (ای موسی! اکنون) دستت را در گریبان فرو ببر (خواهی دید که) بدون هیچ بیماری، و نقص و عیبی، سفید و درخشان بیرون خواهد آمد، و برای رهایی از (تعجب و) ترس، بازوی خود را جمع کن، پس این (دو معجزه، دو دلیل روشن و) دو برهان از طرف پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اطراف اوست، بدرستی که آنان گروهی فاسق بوده اند. (۳۳) (موسی) گفت: پروردگارا! همانا من یکی از آنها (فرعونیان) را کشته ام، پس می ترسم که مرا (به قصاص او) به قتل رسانند. (۳۴) و برادرم هارون را که در بیان از من شیواتر است برای یاری ام با من بفرست تا مرا تصدیق کند، همانا می ترسم که (فرعونیان) مرا تکذیب کنند. (۳۵) (خداوند) فرمود: (نگران مباش) ما بازوی تو را به واسطه (همراهی) برادرت محکم خواهیم کرد و برای شما، برتری و سلطه قرار خواهیم داد، پس به برکت آیات (و نشانه های) ما بر شما دست نخواهند یافت (و) شما و هر کس پیروی تان کند، پیروز خواهید بود. (۳۶) پس هنگامی که موسی با (معجزات و) آیات روشن ما به سراغ آنان آمد، گفتند: این چیزی جز سحر ساختگی نیست و ما چنین چیزی را در (میان) نیاکان خود نشنیده ایم. (۳۷) و موسی (در پاسخ تکذیب فرعونیان) گفت: پروردگار من به کسانی که از جانب او آمده اند، آگاه تر است و (می داند) سرانجام (نیک) آخرت برای چه کسانی است. بدرستی که ستمکاران رستگار نخواهند شد. (۳۸) و فرعون

گفت: ای بزرگان قوم! (اگرچه) من جز خودم معبودی برای شما نمی‌شناسم (اما برای تحقیق بیشتر) ای هامان! برای من آتشی بر کِگل بیفروز (و آجر تهیه کن) پس برجی بلند برای من بساز، شاید (به واسطه بالا رفتن از آن) به خدای موسی دست یابم. و همانا من او را از دروغ‌گویان می‌پندارم. (۳۹) او (فرعون) و سپاهیانش به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و پنداشتند که آنان به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند. (۴۰) پس ما (نیز) او و لشگریانش را (با قهر خود) گرفتیم و به دریا افکندیم. پس بنگر که پایان کار ستمگران چگونه است. (۴۱) و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قراردادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند و (البته در) روز قیامت، یاری نخواهند شد. (۴۲) و در این دنیا، لعنتی بدرقه آنان کردیم و روز قیامت، آنان از زشت‌چهره‌گان خواهند بود. (۴۳) و به تحقیق بعد از آنکه نسل‌های نخستین را نابود ساختیم، به موسی کتاب (آسمانی تورات را) عطا کردیم (تا وسیله‌ای) برای بصیرت مردم و هدایت و رحمت باشد، شاید که آنان پند گیرند. (۴۴) و هنگامی که فرمان (نبوت) را به موسی دادیم، تو در جانب غربی (کوه طور) حضور نداشتی و از شاهدان نبود. (۴۵) ولی ما (اقوامی را) در اعصار مختلف خلق کردیم، پس زمان‌های طولانی بر آنها گذشت (و آثار انبیا از دل‌هایشان محو شد، پس تو را با کتاب آسمانی به سوی مردم فرستادیم)، و تو در میان اهل مدین اقامت نداشته‌ای تا (از وضع آنان آگاه باشی و بتوانی) آیات ما را (پیرامون مردم مدین) بر آنان (مردم مکه) بخوانی، لکن سنت ما این است که افرادی را برای هدایت می‌فرستیم. (۴۶) و آنگاه که ما (موسی را) ندا دادیم، تو در کنار کوه طور نبود، لیکن (این وحی و اطلاع از اخبار گذشتگان) رحمتی است از جانب پروردگارت تا تو (به واسطه‌ی آن) قومی را که پیش از تو هشدار دهنده‌ای برایشان نیامده بود، هشدار دهی، شاید آنان متذکر شوند. (۴۷) و اگر نبود اینکه هرگاه مصیبتی در اثر عملکردشان به آنان برسد، می‌گویند: پروردگارا! (ما که نمی‌دانستیم) چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا آیات تو را پیروی کنیم و از ایمان‌آوردگان باشیم، (ما هرگز پیامبری به سوی آنان نمی‌فرستادیم). (۴۸) پس هرگاه از جانب ما (آیات) حق برای آنان آمد، گفتند: چرا آنچه (به این پیامبر) داده شده، شبیه آن چه به موسی داده شده نیست؟ (چرا معجزاتی مثل تبدیل عصا به اژدها و یا نزول دفعی کتاب، مثل تورات که قابل مشاهده باشد ندارد؟! (اما مگر) همین کافران لجوج و بهانه‌گی (ر) به آنچه قبلاً به موسی داده شده بود، کفر نورزیدند؟ (مگر آنها نبودند که) گفتند: (این دو کتاب تورات و قرآن) سحرهایی هستند که پشتیبان یکدیگرند و (نیز) گفتند: همانا ما به همه‌ی آنها کافریم؟! (۴۹) (ای پیامبر! به آنان) بگو: (اکنون که منکر هر دو کتاب هستید) اگر راست می‌گویید، شما کتابی از جانب خداوند بیاورید که از این دو (کتاب تورات و قرآن) هدایت بخش‌تر باشد تا من از آن پیروی کنم. (۵۰) پس اگر (خواستہ و پیشنهاد) تو را نپذیرفتند، بدان که آنان پیرو هوسهای نفسانی خویش‌اند و کیست گمراه‌تر از آن کس که بدون (پذیرش حق و توجه به) هدایت و رهنمون الهی، از هوس خود پیروی نماید؟ همانا خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۵۱) و ما پیوسته برای آنان سخن گفتیم (و آیات قرآن را برایشان نازل کردیم) شاید که پند گیرند و متذکر شوند. (۵۲) (برخی از) آنان که پیش از این (قرآن) کتابشان دادیم، همانها به آن (قرآن) ایمان می‌آوردند. (۵۳) و زمانی که (قرآن) بر آنان تلاوت شود، گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همانا آن، حقی است از طرف پروردگار ما (و) ما پیش از این (نیز) اهل تسلیم بوده‌ایم. (۵۴) آنان به خاطر صبرشان، دو برابر پاداش داده می‌شوند. و (آنانند که) بدی‌ها را با نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم (به دیگران) انفاق می‌نمایند. (۵۵) و هرگاه (سخن) لغوی را بشنوند، از آن روی برگردانند و گویند: اعمال ما برای ما و کارهای شما برای شما باشد، سلام (وداع ما) بر شما باد، ما به سراغ جاهلان نمی‌رویم. (۵۶) (ای پیامبر!) همانا تو نمی‌توانی هر که را دوست داری هدایت کنی (و به مقصد برسانی)، بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و او به ره‌یافتگان آگاه‌تر است. (۵۷) و (کفار مکه) گفتند: اگر ما با (قبول برنامه‌های) تو، هدایت را بپذیریم، (بزودی) از سرزمینمان آواره خواهیم شد. (بگو): آیا ما آنان را در حرم امنی قرار ندادیم که بهره‌های هر چیزی به عنوان روزی از جانب ما به سوی آن سرازیر می‌شود؟ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (۵۸) و چه بسیار مناطقی که ما (آنها را) بخاطر طغیان در زندگی، هلاک کردیم، این خانه‌های آنهاست که بعد از آنان جز اندکی (از انسان‌ها در آن) سکونت نکردند و ما وارث

آنان هستیم. (۵۹) و پروردگارت قریه‌ها (و شهرها) را نابود نمی‌کند، مگر اینکه در میان آنان پیامبری برانگیزد، که آیات ما را بر آنان تلاوت کند. و ما هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهل آن ظالم بودند. (۶۰) و آنچه به شما داده شده، بهره‌ی زندگی دنیا و زینت آن است (که فانی و زودگذر است)، در حالی که آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است. پس آیا نمی‌اندیشید؟! (۶۱) پس آیا کسی که به او وعده‌ای نیکو داده‌ایم و او آن را خواهد دید، مانند کسی است که او را از بهره‌ی زندگی دنیا بهره‌مند ساختیم (و سپس او در روز قیامت از احضارشدگان (برای حساب و جزا) خواهد بود؟! (۶۲) و روزی که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: کجایند آن شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! (۶۳) آن (شریکان و) کسانی که حکم عذاب بر آنان محقق گشته، می‌گویند: پروردگارا! اینان کسانی هستند که ما گمراه کرده‌ایم. همان‌گونه که خود گمراه بودیم، آنها را (نیز) گمراه نمودیم، (اما اینک از آنان) به سوی تو بیزاری می‌جویم. (اینان در واقع) ما را نمی‌پرستیدند (بلکه بدنال هواپرستی و هوسرانی خود بودند). (۶۴) و (در این هنگام به مشرکان) گفته می‌شود: (اکنون آن) معبودانی را که شریک خدا می‌پنداشتید بخوانید، پس آنها را می‌خوانند، اما جوابی به آنها نمی‌دهند و (در این حال) عذاب الهی را می‌بینند (که آنان را در برمی‌گیرد، پس آرزو می‌کنند) ای کاش، هدایت یافته بودند. (۶۵) و (به یاد آورید) روزی که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: به پیامبران (و فرستادگان من) چه پاسخی دادید؟! (۶۶) پس در آن روز، همه‌ی اخبار (و پاسخهایی که می‌توان از دیگران گرفت) بر آنان پوشیده می‌ماند، و آنان از یکدیگر سؤالی نمی‌کنند. (۶۷) اما هر کس (در این دنیا) توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته‌ای انجام دهد، پس امید است که از رستگاران باشد. (۶۸) و پروردگارت آنچه را بخواهد می‌آفریند و (آنچه را بخواهد) برمی‌گزیند، برای آنان (در برابر خداوند) حق انتخابی نیست، منزّه است خدا و برتر است از آنچه (برای او) شرک می‌ورزند. (۶۹) و پروردگارت تو آنچه را دل‌های آنان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند. (۷۰) او الله است، معبودی جز او نیست، ستایش در دنیا و آخرت (و آغاز و فرجام) مخصوص اوست، حاکمیت تنها از آن اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۷۱) بگو: آیا اندیشیده‌اید که اگر خدا شب را تا روز رستاخیز پایدار بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما روشنی خواهد آورد؟ پس آیا نمی‌شنوید؟! (۷۲) (و) بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند، روز شما را تا روز رستاخیز جاودان بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما شب خواهد آورد تا در آن آرامش (و آسایش) یابید؟ پس آیا نمی‌نگرید؟! (۷۳) و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا در آن آرامش یابید و از فضل او (روزی خود را) بجوید، و باشد که شکر گزارید. (۷۴) و (باز بخاطر آورید) روزی را که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: کجایند آن (همتایان و) شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! (۷۵) و (در آن روز) از هر امتی، گواهی بیرون می‌آوریم، پس (به مشرکان) می‌گوییم: دلیل خود را (بر شرک) بیاورید! پس می‌فهمند که حق، مخصوص خداست و هر چه به دروغ می‌باقتند، از (دست) آنان رفته و محو شده است. (۷۶) همانا قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم نمود، با آن که ما آنقدر از گنج‌ها (و صندوق جواهرات) به او داده بودیم که حمل (آن ذخایر و) کلیدهایش بر گروه نیرومند نیز سنگین بود. روزی قومش به او گفتند: مغرورانه شادی مکن، به درستی که خداوند شادمانان مغرور را دوست نمی‌دارد. (۷۷) و (ای قارون!) در آنچه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را جستجو نما و (در عین حال) بهره‌ات را نیز از این دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خداوند به تو احسان کرده است، تو نیز (از این ثروت به دیگران) احسان نما و بدنال فساد در زمین مباش که خداوند، فسادگران را دوست نمی‌دارد. (۷۸) (قارون در جواب) گفت: همانا این (ثروت فراوان) به واسطه دانشی که نزد من است، به من داده شده، آیا او نمی‌دانست که خداوند، قبل از او از میان نسل‌ها، کسانی را که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند، هلاک کرده است؟ و (در آن هنگام حتی) از گناهان مجرمان (هم) سؤالی نمی‌شود؟! (۷۹) (روزی قارون) با تمام تجمل خود در میان قومش ظاهر شد، (با دیدن این صحنه) آنان که خواهان زندگانی دنیا بودند (آهی کشیده و) گفتند: ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده، برای ما نیز بود. براستی که او بهره‌ی بزرگی (از نعمت‌ها) دارد. (۸۰) و (اما) کسانی که علم و آگاهی (واقعی) به آنان داده شده بود، گفتند: وای بر

شما! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند (از این مال و ثروت)، بهتر است، و (البته) جز صابران، آن (پاداش) را دریافت نخواهند کرد. (۸۱) پس ما، او و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم و هیچ گروهی نبود که او را در برابر قهر خداوند یاری کند و خودش نیز نمی‌توانست از خویش دفاع نماید. (۸۲) و همان کسانی که موقعیت دیروز او (قارون) را آرزو می‌کردند (با دیدن صحنه هلاکت او) می‌گفتند: وای! (بر ما) گویا خداوند، (رزق و) روزی را بر هر کس از بندگانش که بخواهد، گشاده و یا تنگ می‌گرداند، (و) اگر خداوند بر ما منت نهاده بود، هر آینه ما را نیز (با او) به قعر زمین برده بود، وای! گویی کافران، رستگار نمی‌شوند. (۸۳) (ما، نجات و سعادت در) آن سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که خواستار برتری و فساد در زمین نباشند و سرانجام، (رستگاری) از آن پرهیزکاران است. (۸۴) هر کس نیکی آورد، برای او (پاداشی) بهتر از آن خواهد بود، و هر کس بدی آورد، پس کسانی که کارهای ناروا انجام دهند، جز (به اندازه) آنچه کرده‌اند، مجازات نمی‌شوند. (۸۵) همانا آن کس که قرآن را (بر تو نازل و عمل به آن را) بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به وعده‌گاه (و زادگاهت) باز خواهد گردانید. بگو: پروردگرم آگاه‌تر است که چه کسی هدایت آورده و چه کسی در گمراهی آشکار است. (۸۶) و تو امید نداشتی که (این) کتاب (آسمانی) به تو القا گردد، (و این نزول نبود)، مگر رحمتی از سوی پروردگارت، پس (به شکرانه‌ی آن) هرگز پشتیبان کافران مباش. (۸۷) و (به هوش باش) پس از آنکه آیات الهی به سوی تو نازل گردید، (و سوسه‌ها و تهدیدات کفار) تو را (از تبلیغ و عمل به آن) باز ندارد و (همچنان دیگران را) به سوی پروردگارت دعوت کن و هرگز از مشرکان مباش. (۸۸) و (هرگز) معبود دیگری را با «الله» مخوان که معبودی جز او نیست. همه چیز جز وجه او نابود است، حکم (و حاکمیت، تنها) از آن اوست، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۸۹)

العنکبوت

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) آیا مردم پنداشتند که چون گفتند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و دیگر مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟! (۳) در حالی که بدون تردید کسانی را که پیش از ایشان بودند آزمودیم تا خداوند کسانی را که راست گفتند معلوم دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم دارد. (۴) آیا کسانی که کارهای بد انجام می‌دهند، پنداشته‌اند که بر ما پیشی خواهند گرفت (و از کیفر ما خواهند گریخت)؟ چه بد داوری می‌کنند. (۵) آن کس که به دیدار خداوند امید دارد (می‌داند که) بی‌شک اجلی که خداوند تعیین کرده آمدنی است؛ و اوست شنوای دانا. (۶) و هر کس تلاش کند پس برای خود می‌کوشد، زیرا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است. (۷) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قطعاً لغزش‌های آنان را می‌پوشانیم، و بی‌شک بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند پاداششان می‌دهیم. (۸) و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را که بدان علم نداری شریک من سازی، از ایشان اطاعت مکن، سرانجام شما به سوی من است، پس شما را از (حقیقت) آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهم ساخت. (۹) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بی‌شک آنان را در زمره‌ی شایستگان درمی‌آوریم. (۱۰) و برخی از مردم (به زبان) می‌گویند: به خداوند ایمان آورده‌ایم، پس هرگاه در راه خدا آزار ببینند، اذیت و آزار مردم را به عنوان عذاب خداوند قرار می‌دهند، و اگر از جانب پروردگارت یاری و پیروزی رسد، با تأکید می‌گویند: ما با شما بودیم. آیا (نمی‌دانند که هیچ کس از) خداوند به آنچه در دلهای جهانیان می‌گذرد، آگاه‌تر نیست؟! (۱۱) و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده می‌شناسد، و منافقان را (نیز) می‌شناسد. (۱۲) و کسانی که کافر شده‌اند، به کسانی که ایمان آوردند گفتند: شما راه ما را پیروی کنید، (اگر گناهی داشته باشد) ما گناهان شما را بر عهده می‌گیریم. در حالی که چیزی از گناهانشان را عهده‌دار نیستند؛ قطعاً آنان دروغگویانند. (۱۳) بی‌شک آنان هم بار (خطای) خودشان و (هم) بارهای دیگر را با بار خود بر دوش خواهند کشید، و مسلماً در روز قیامت از آنچه به دروغ می‌بافتند بازخواست خواهند شد. (۱۴) و به راستی نوح را به سوی قومش

فرستادیم، پس در میان آنان، هزار سال به استثنای پنجاه سال درنگ کرد، (ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند) پس طوفان (قهر خداوند) آنان را در حالی که ستمگر بودند فرا گرفت. (۱۵) پس او و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن (ماجرا) را برای جهانیان، نشانه‌ی (عبرت) قرار دادیم. (۱۶) و (یاد کن) ابراهیم را آنگاه که به قومش گفت: خدا را بپرستید و از او پروا کنید، اگر بدانید این (کار) برای شما بهتر است. (۱۷) همانا شما به جای خدا بت‌هایی را می‌پرستید و دروغی را می‌سازید، همانا کسانی که به جای خدا پرستش می‌کنید، مالک رزق شما نیستند، پس روزی را نزد خدا جستجو کنید و او را بپرستید و برای او شکر نمایید که به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۱۸) و اگر (مرا) تکذیب کنید (تعجب ندارد)، زیرا اَمّت‌های پیش از شما (نیز پیامبران را) تکذیب کردند و بر پیامبر (خدا) جز تبلیغ روشن (مسئولیتی) نیست. (۱۹) آیا ندیده‌اند که خداوند چگونه آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند؟ البتّه این (کار) بر خداوند آسان است. (۲۰) بگو: در زمین بگردید، پس بنگرید که (خداوند) چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس (همان) خدا نشأه‌ی آخرت (قیامت) را ایجاد می‌کند، همانا خداوند بر هر کاری بسیار توانا است. (۲۱) (خداوند)، هر که را بخواهد عذاب و هر که را بخواهد رحمت می‌کند، و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۲) و شما هرگز نمی‌توانید خدا را عاجز کنید، نه در زمین و نه در آسمان، و برای شما جز خداوند، ولی و یاور نیست. (۲۳) و کسانی که به آیات خداوند و لقای او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوس هستند و آناند که برایشان عذابی دردناک خواهد بود. (۲۴) پس پاسخ قوم او (ابراهیم) جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانید. ولی خداوند او را از آتش نجات داد. همانا در این (نجات بخشی الهی) برای گروهی که ایمان می‌آوردند، نشانه‌هایی (از قدرت خداوند) است. (۲۵) و (ابراهیم) گفت: شما به جای خدا بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که مایه‌ی پیوند شما در زندگی دنیاست، امّا روز قیامت، بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت خواهد کرد، و جایگاه شما (در) آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود. (۲۶) پس لوط به او (ابراهیم) ایمان آورد، و گفت: همانا من به سوی پروردگارم روی آورده‌ام که او عزیز و حکیم است. (۲۷) و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم، و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب را قرار دادیم، و پاداش او را در دنیا عطا کردیم و قطعاً او در آخرت از شایستگان است. (۲۸) و (یاد کن) لوط را آنگاه که به قوم خود گفت: همانا شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ یک از مردم جهان در آن کار بر شما پیشی نگرفته است. (۲۹) شما به سراغ مردها می‌روید و راه (طبیعی زناشویی) را قطع می‌کنید و در مجالس خود (آشکارا و بی‌پرده) اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟ پس قومش پاسخی ندادند جز این که گفتند: اگر تو (در ادّعی پیامبری) از راستگویانی، عذاب خدا را برای ما بیاور. (۳۰) (لوط) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم (فاسد و) تبه‌کار پیروز گردان. (۳۱) و چون فرستادگان ما (که از فرشتگان بودند)، برای ابراهیم مژده‌ی (تولد فرزند) آوردند، گفتند: ما نبودکننده‌ی اهل این منطقه هستیم، زیرا مردم آن ستمگرند. (۳۲) (ابراهیم) گفت: در این منطقه لوط است، فرشتگان گفتند: (نترس) ما به کسانی که در این جا هستند آگاه‌تریم؛ قطعاً او (لوط) و خاندانش را نجات می‌دهیم، جز همسرش که از باقی ماندگان (در قهر ما) است. (۳۳) و هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از آمدنشان بد حال شد و دستش (از حمایت آنان در برابر بدکاران) کوتاه گردید؛ (فرشتگان) گفتند: نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده‌ات را نجات می‌دهیم، مگر همسرت که از باقی ماندگان (در عذاب) است. (۳۴) همانا ما بر اهل این منطقه به خاطر فسقی که داشتند، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت. (۳۵) و از آن منطقه (غضب شده) نشانه‌ی روشنی (و درس عبرتی)، برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاشتیم. (۳۶) و به سوی (مردم) مَدین، برادرشان شعیب را (به رسالت فرستادیم)؛ پس گفت: ای قوم! خدا را بپرستید، و به روز قیامت امیدوار باشید، و در زمین (فتنه‌انگیزی و) فساد نکنید. (۳۷) پس شعیب را تکذیب کردند و (به این سبب) زلزله آنان را فرا گرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده (و مرده) بودند. (۳۸) و (قوم) عاد و ثمود را نیز (هلاک کردیم)؛ و بی‌شک (بعضی) از مساکن (مخروبه‌ی) آنان برای شما آشکار است؛ و شیطان اعمالشان را برای آنان زینت داد، پس آنان را از راه (خدا) باز داشت، در حالی که (برای شناخت حق و باطل) بصیرت

داشتند. (۳۹) و قارون و فرعون و هامان را (نیز هلاک کردیم)؛ و به راستی موسی همراه دلایل روشن (و معجزات) به سوی آنان آمد، (ولی) آنان در زمین تکبر و سرکشی کردند، و (با این همه) نتوانستند (بر خدا) پیشی گیرند (و از عذاب الهی فرار کنند). (۴۰) پس هر یک (از آنان) را به (جرم) گناهش گرفتار (عذاب) کردیم، پس بر بعضی از آنان باد شدید ریگ افشان فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه‌ی آسمانی (و بانگ مرگبار) فرا گرفت، و برخی را در زمین فرو بردیم، و بعضی دیگر را غرق کردیم؛ و چنان نبود که خداوند بر آنان ستم کند، بلکه خودشان بر خود ستم کردند. (۴۱) مثل کسانی که غیر خدا را سرپرست خود برگزیدند، همانند مثل عنکبوت است که (برای خود) خانه‌ای ساخته؛ و البته سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است اگر می‌دانستند. (۴۲) همانا خداوند آنچه را غیر از او می‌خوانند، هر چه باشد، او عزیز و حکیم است. (۴۳) و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، امّا جز دانشمندان و آگاهان، کسی آن را درک نمی‌کند. (۴۴) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، همانا در این آفرینش، برای اهل ایمان نشانه‌ی قطعی است. (۴۵) آنچه را از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را بپا دار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر بازمی‌دارد و البته یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهد می‌داند. (۴۶) و با اهل کتاب جز با بهترین شیوه مجادله نکنید، مگر ستمگران از آنان، و (به آنان) بگویید: ما به آنچه (از سوی خدا) بر ما و شما نازل شده ایمان داریم، و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم او هستیم. (۴۷) و این گونه، کتاب را بر تو نازل کردیم. پس (بعضی از) کسانی که کتاب آسمانی به ایشان دادیم به آن (قرآن) ایمان می‌آورند، و از این (مشرکان نیز) کسانی به آن ایمان می‌آورند و جز کافران (کسی) آیات ما را انکار نمی‌کند. (۴۸) و تو قبل از (نزول) این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود آن (قرآن) را نمی‌نویسی، مبادا آنان که در صدد ابطال (سخنان) تو هستند، شک و تردید کنند. (۴۹) بلکه آن (قرآن) آیاتی است روشن که در سینه‌های کسانی که به آنان معرفت داده شده جای دارد؛ و جز ستمگران آیات ما را انکار نمی‌کنند. (۵۰) و گفتند: چرا بر او از طرف پروردگارش معجزاتی (مانند عصای موسی) نازل نمی‌شود؟ بگو: معجزات تنها نزد خداست (و به فرمان او نازل می‌شود نه میل دیگران)؛ و من فقط هشدار دهنده‌ای آشکار هستم. (۵۱) آیا (این معجزه) برای آنان کافی نیست که ما کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم تا پیوسته بر آنان تلاوت شود؟ همانا در این کتاب، برای گروهی که ایمان آورند، رحمت و تذکری قطعی است. (۵۲) بگو: همین بس که خداوند میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که (به جای پیروی از حق)، به باطل ایمان آوردند و به خدا کفر ورزیدند، آنان همان زیانکارانند. (۵۳) آنان با عجله از تو عذاب (الهی) را می‌خواهند و اگر مهلت معین (برای آنان مقرر) نبود، قطعاً عذاب به سراغشان می‌آمد، (ولی بدانند) عذاب ناگهانی به سراغشان خواهد آمد در حالی که از آن غافلند. (۵۴) آنان از تو عذاب فوری می‌خواهند، و حال آن که جهنم بر کافران احاطه دارد. (۵۵) روزی (فرا رسد) که عذاب از بالای سرشان و از زیر پاهایشان آنان را فرا گیرد؛ (در آن روز خداوند) می‌فرماید: بپشید (جزای) کارهایی را که (در دنیا) انجام داده‌اید. (۵۶) ای بندگان با ایمان من! همانا زمین من وسیع است، پس تنها مرا پرستید. (۵۷) هر نفسی، چشنده‌ی مرگ است؛ سپس به سوی ما باز گردانده می‌شوید. (۵۸) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که نهرها از زیر آنها جاری است؛ همیشه در آنجا خواهند بود؛ چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان. (۵۹) (مؤمنان صالح) کسانی هستند که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کرده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۶۰) و چه بسا جنبنده‌ای که نمی‌تواند روزی خود را تأمین کند، خداست که به او و به شما روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا. (۶۱) و اگر از آنان (مشرکان) سؤال کنی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را تسخیر کرد؟ حتماً خواهند گفت: خدا. پس، (از راه حق) به کجا منحرف می‌شوند؟ (۶۲) خداوند برای هر کس از بندگان که بخواهد روزی را می‌گسترده و یا تنگ می‌کند، همانا خداوند به هر چیزی آگاه است. (۶۳) و اگر از آنان (مشرکان) بپرسی: چه کسی از آسمان، آبی فرستاد که به وسیله‌ی آن زمین را بعد از مرگش زنده کرد؟ حتماً خواهند گفت: خدا. بگو: ستایش مخصوص

خداست، اما بیشتر آنان نمی‌اندیشند. (۶۴) این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر بدانند، زندگی حقیقی، همان سرای آخرت است. (۶۵) پس هنگامی که بر کشتی سوار شوند (و خطر را احساس کنند)، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند) پس همین که (خداوند) آنان را به سوی خشکی رساند و نجات داد، باز ناگاه به شرک برمی‌گردند. (۶۶) (بگذار) تا به آنچه به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند و (از لذت‌های زودگذر زندگی) کامیاب شوند؛ اما به زودی خواهند فهمید. (۶۷) آیا ندیدند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خداوند کفر می‌ورزند؟ (۶۸) و کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بندد یا هنگامی که حق به سراغش آمد آن را تکذیب کند؟ آیا برای کافران، در دوزخ جایگاهی نیست؟ (۶۹) و کسانی که در راه ما (تلاش و) جهاد کردند، راه‌های (قرب به) خود را به آنان نشان خواهیم داد و همانا خداوند با نیکوکاران است. (۷۰)

الروم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) رومیان مغلوب (ایرانیان) شدند. (۳) (این شکست) در نزدیک‌ترین سرزمین (رخ داد) ولی آنان بعد از مغلوب شدن، در آینده‌ی نزدیکی پیروز خواهند شد. (۴) (این پیروزی) در چند سال (آینده خواهد بود)، قبل از پیروزی و شکست و بعد از آن، کار تنها به دست خداست و در آن روز (پیروزی)، مؤمنان خوشحال خواهند شد. (۵) خداوند هر کس را بخواهد، به یاری خود یاری می‌کند، و او قدرتمند و نفوذ ناپذیر مهربان است. (۶) (این پیروزی) وعده‌ی الهی است. خداوند وعده‌اش را تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۷) (مردم) فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌شناسند، و آنان از آخرت غافلند. (۸) آیا آنان در وجود خودشان فکر نکردند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز بر اساس حق و زمان‌بندی معین نیافریده است، و بی‌شک بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان (در قیامت) کفر می‌ورزند. (۹) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ آنها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را زیرورو کردند و بیش از آنچه اینان آباد کردند، آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان همراه با (معجزه و) دلایل روشن به سراغشان آمدند، (اما آنها انکار کردند و به قهر خدا گرفتار شدند) پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه آنها بر خود ستم کردند. (۱۰) سپس عاقبت کسانی که کارهای بد مرتکب شدند، این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آن را به مسخره می‌گرفتند. (۱۱) خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را تجدید می‌کند، آنگاه به سوی او باز گردانده می‌شوید. (۱۲) و روزی که قیامت بر پا می‌شود، تبه‌کاران نومید و غمگین می‌شوند. (۱۳) و برای آنان از شریکانی (که برای خدا قرار داده‌اند) شفیعانی نخواهد بود، و آنان (در آن روز) به شریکان خود کافر می‌شوند. (۱۴) و روزی که قیامت بر پا می‌شود، در آن روز (مردم) از هم جدا می‌شوند. (۱۵) پس کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام دادند، پس آنان در باغی (از بهشت) شادمان خواهند بود. (۱۶) و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، پس احضارشدگان در عذابند. (۱۷) پس خدا را تنزیه کنید به هنگامی که وارد شب می‌شوید و هنگامی که به صبح درمی‌آیید. (۱۸) و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین و هنگام شب و هنگامی که ظهر می‌کنید، مخصوص اوست. (۱۹) زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را (نیز) از زنده بیرون می‌کشد، و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، و شما نیز (روز قیامت) این گونه بیرون آورده می‌شوید. (۲۰) و از نشانه‌های الهی آن است که شما را از خاکی (پست) آفرید، پس (به صورت) بشری به هر سوی پراکنده شدید. (۲۱) و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار داد؛ بی‌شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است. (۲۲) و از نشانه‌های الهی، آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست؛ همانا در این امر برای دانشمندان نشانه‌هایی قطعی است. (۲۳) و از نشانه‌های الهی، خوابیدن شما در شب و روز، و تلاش شما در کسب

فضل پروردگار است؛ همانا در این امر برای گروهی که (حقایق را) می شنوند نشانه‌هایی قطعی است. (۲۴) و از نشانه‌های الهی آن است که برق (آسمان) را که مایه‌ی بیم و امید است به شما نشان می‌دهد، و از آسمان، آبی می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند، همانا در این امر برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌هایی قطعی است. (۲۵) و از نشانه‌های الهی آن است که آسمان و زمین به فرمان او بر پاست؛ پس هرگاه شما را از زمین فرا خواند، ناگهان (از قبر) بیرون می‌آید (و در صحنه‌ی قیامت حاضر شوید). (۲۶) و هر که در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست، همه برای او فرمانبردارند. (۲۷) و او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را (باز می‌گرداند و) تجدید می‌کند، و این کار برای او (از آفرینش نخستین) آسان‌تر است، و قدرت برتر در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست؛ و او غلبه‌ناپذیر و دانا به حقایق امور است. (۲۸) خداوند برای شما، مثالی از خودتان زده است (و آن این که) آیا در آنچه ما روزی شما کردیم، از بردگانتان شریکانی را می‌پذیرید، تا آنان در رزق، مساوی (و شریک) شما باشند؟ و آیا همانطور که از یکدیگر می‌ترسید از بردگانتان می‌ترسید؟! (شما که در یک لقمه‌ی نان، حاضر نیستید با زیردستان خود شریک باشید، چگونه بت‌های بی‌روح را شریک خدا می‌دانید؟! ما آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، این گونه شرح می‌دهیم. (۲۹) آری، کسانی که ظلم کردند، بدون آگاهی، از هوس‌های خود پیروی نمودند. پس کسی را که خدا گمراهش کرد، چه کسی می‌تواند هدایت کند؟ برای آنان هیچگونه یآوری نیست. (۳۰) پس با گرایش به حق به این دین روی بیاور، (این) فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۱) (شما نیز بر اساس همان فطرت)، به سوی او روی آورید و از او پروا کنید و نماز را بر پا کنید و از مشرکان نباشید. (۳۲) از کسانی که دین خود را جدا و پراکنده کردند و به دسته‌ها و فرقه‌ها تقسیم شدند؛ و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست شادمانند. (۳۳) و هرگاه زبانی به مردم رسد، توبه‌کنان پروردگار خود را می‌خوانند و به سوی او بازمی‌گردند، اما چون خداوند از طرف خود رحمتی به آنان بچشاند، گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می‌ورزند. (۳۴) تا سرانجام درباره‌ی آنچه به ایشان بخشیده‌ایم کفران پیشه کنند، پس کام بگیرید که به زودی خواهید دانست (نتیجه‌ی کفر و کفران چیست). (۳۵) آیا ما بر ایشان حجت و دلیل محکمی نازل کرده‌ایم؟ دلیلی که درباره‌ی شرک آنان سخنی بگوید (آن را موجه بداند)؟! (۳۶) و هرگاه به مردم رحمتی چشانیم، به آن شاد شوند و اگر به خاطر دستاورد گذشته (و اعمال بد) آنها، ناگواری (و مصیبتی) به آنان رسد، ناگهان مایوس می‌شوند. (۳۷) آیا ندیدند که خداوند برای هر کس بخواهد (طبق حکمت)، روزی را گسترش می‌دهد و (یا) تنگ می‌سازد؟ البتّه در این (توسعه و ضیق) برای کسانی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی قطعی است. (۳۸) (اکنون که دانستی توسعه‌ی رزق به دست خداست)، پس حقّ خویشاوند و تنگدست و در راه‌مانده را ادا کن. این (انفاق) برای کسانی که خواهان خشنودی خدا هستند بهتر است، و آنان همان رستگارانند. (۳۹) و آنچه شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (رباخوار) افزوده شود، پس نزد خداوند فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و رضای خدا را می‌طلبید پس آنان (که چنین کنند پاداشی) چند برابر دارند. (۴۰) خداوند کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی داد، آنگاه شما را می‌میراند، سپس زنده می‌کند؛ آیا از شریک‌هایی که شما برای خدا گرفته‌اید کسی هست که ذره‌ای از این کارها را انجام دهد؟ او منزّه و برتر است از آنچه شریکش قرار می‌دهند. (۴۱) به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند. (۴۲) بگو: در زمین سیر کنید پس بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما (زندگی می‌کردند و) بیشترشان مشرک بودند چگونه بود. (۴۳) (حال که دانستی فرجام شرک هلاکت است)، پس به دین استوار ایمان بیاور، پیش از آن که روزی بیاید که برای آن برگشتی از (قهر) خدا ممکن نیست، در آن روز مردم از هم جدا (و دسته دسته) می‌شوند. (۴۴) هر کس کفر ورزد، کفرش به زیان اوست و کسانی که کار شایسته انجام دهند (سعادت ابدی را) برای خودشان آماده می‌کنند. (۴۵) تا (خداوند) کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از فضل خویش پاداش دهد؛ (و کافران

را محروم کند، زیرا) او کافران را دوست نمی‌دارد. (۴۶) و از نشانه‌های الهی این است که بادها را می‌فرستد، تا مژده (باران) دهند و بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند، و شما از فضل او (روزی) بجوید، شاید شکرگزاری کنید. (۴۷) و البته ما پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس آنان دلایل روشن برای مردم آوردند، (برخی ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند) پس، از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و (مؤمنان را یاری کردیم که) یاری مؤمنان حقیقی است بر عهده‌ی ما. (۴۸) خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان، هر گونه بخواهد می‌گستراند و آن را بخش بخش می‌کند، پس می‌بینی که باران از لابلای آن (ابر) بیرون می‌آید. پس هرگاه آن (باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند، به ناگاه آنان شادمان گردند. (۴۹) و هر چند پیش از آن که (باران) بر آنان نازل شود، (آری)، پیش از آن نوید بودند. (۵۰) پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند. همانا خداست زنده‌کننده‌ی مردگان و او بر هر چیزی قدرت دارد. (۵۱) و اگر بادی (آفت‌زا) بفرستیم، و (مردم زمین سرسبز) را زرد شده ببینند، بعد از آن کفر خواهند ورزید. (۵۲) (دل‌های اینان مرده است) پس تو نمی‌توانی مردگان را شنوا کنی، و این دعوت را به گوش کران آنگاه که پشت کنان روی می‌گردانند، برسانی. (۵۳) و تو هدایت‌کننده‌ی کوران از گمراهیشان نیستی، تنها کسانی سخت را به گوش می‌گیرند که به آیات ما ایمان دارند و اهل تسلیم هستند. (۵۴) خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی، قوتی بخشید، آنگاه بعد از توانایی و قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می‌آفریند، و اوست دانای توانا. (۵۵) و روزی که قیامت بر پا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی درنگ نکرده‌اند، (آنان در دنیا نیز) این گونه (از حق) گردانده می‌شدند. (۵۶) و کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده، (به مجرمان) می‌گویند: قطعاً شما (به موجب آنچه) در کتاب خداست تا روز رستاخیز (در برزخ) مانده‌اید، پس این، روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید (که قیامت حق است). (۵۷) پس در چنین روزی، پوزش کسانی که ستم کردند سودی ندارد، و توبه‌ی آنان نیز پذیرفته نمی‌شود. (۵۸) و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم، و اگر برای آنان نشانه و معجزه‌ای بیاوری، کافران حتماً خواهند گفت: شما جز بر باطل نیستید. (و این‌ها سحر و جادوست). (۵۹) این گونه، خداوند بر دل‌های کسانی که معرفت ندارند، مهر می‌زند. (۶۰) پس صبر پیشه کن که همانا وعده‌ی خداوند (درباره‌ی نصرت تو) حق است، و کسانی که (به راه حق) یقین ندارند تو را به سبک سری وادار نکنند. (۶۱)

لقمان

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) این، آیات کتاب سراسر حکمت است. (۳) که (مایه‌ی) هدایت و رحمت، برای نیکوکاران است. (۴) آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و تنها آنان به آخرت یقین دارند. (۵) آنان بر هدایتی از پروردگارش هستند و هم آنانند رستگاران. (۶) و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم‌کننده‌اند، تا بی هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره گیرند؛ آنان برایشان عذابی خوارکننده است. (۷) و هرگاه آیات ما بر او خوانده شود، مستکبرانه روی برگرداند، چنان که گویی آن را نشنیده، گویا در گوش‌های او سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک بشارت ده. (۸) همانا کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، برای آنان باغ‌های پر نعمت (بهشت) است. (۹) در آن جاودانه‌اند، وعده‌ی الهی حق است و اوست شکست‌ناپذیر حکیم. (۱۰) (خداوند)، آسمان‌ها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه‌هایی بيفکنند که زمین شما را نلرزاند، و در آن از هر جنبه‌ای منتشر ساخت؛ و از آسمان، آبی فرو فرستادیم پس در زمین (انواع گوناگونی) از جفت‌های (گیاهان) نیکو و پر ارزش رویاندیم. (۱۱) این آفرینش خداست، پس به من نشان دهید که (معبودان) غیر او چه آفریده‌اند؟ آری، ستمگران (مشرک) در گمراهی آشکارند. (۱۲) و ما به لقمان حکمت دادیم، که شکر خدا را به جای آور و هر کس شکر کند، همانا برای خویش شکر کرده؛ و هر کس کفران کند (بداند به خدا زیان نمی‌رساند،

زیرا) بی تردید خداوند بی نیاز و ستوده است. (۱۳) و (یاد کن) زمانی که لقمان به پسرش در حال موعظه‌ی او گفت: فرزندم! چیزی را همتای خدا قرار نده، زیرا که شرک (به خدا)، قطعاً ستمی بزرگ است. (۱۴) و ما انسان را درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ناتوان تر می‌شد، (و شیر دادن) و از شیر گرفتنش در دو سال است، (به او سفارش کردیم که) برای من و پدر و مادرت سپاس گزار، که بازگشت (همه) فقط به سوی من است. (۱۵) و اگر آن دو (پدر و مادر) تلاش کردند چیزی را که بدان علم نداری، شریک من سازی، از آنان فرمان مبر، ولی با آنان در دنیا به نیکی رفتار کن، و راه کسی را پیروی کن که به سوی من باز آمده است، پس بازگشت شما به سوی من است، من شما را به آنچه عمل می‌کردید آگاه خواهم ساخت. (۱۶) ای فرزندم! اگر (عمل تو) همسنگ دانه‌ی خردلی باشد و در دل تخته سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین نهفته باشد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد، زیرا که خداوند دقیق و آگاه است. (۱۷) فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است. (۱۸) و روی خود را از مردم (به تکبر) بر مگردان، و در زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. (۱۹) و در راه رفتن (و رفتارت)، میانه‌رو باش و از صدایت بکاه، زیرا که ناخوش‌ترین صداها، آواز خران است. (۲۰) آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است برای شما مسخر کرده، و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است، ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایتی و بدون هیچ کتاب روشنگری، درباره‌ی خداوند به جدال و ستیز می‌پردازند. (۲۱) و هرگاه به آنان گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده پیروی کنید. گویند: بلکه ما آنچه را پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی خواهیم کرد. آیا اگر شیطان آنان را به عذاب فروزان فرا خواند (باز هم باید از او تبعیت کنند)؟! (۲۲) و هر کس روی خود را (به حقیقت) به سوی خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد، پس بی‌تردید به دستگیره (و رشته‌ی) محکمی چنگ زده، و پایان همه‌ی کارها به سوی اوست. (۲۳) (ای پیامبر!) هر کس کفر ورزید، کفرش تو را محزون نکند، بازگشت آنان تنها به سوی ماست، پس ما آنان را به عملکردشان آگاه خواهیم کرد، قطعاً خداوند به آنچه در سینه‌هاست آگاه است. (۲۴) آنان را (در دنیا) اندکی بهره‌مند می‌سازیم، سپس به عذاب سختی گرفتارشان خواهیم ساخت. (۲۵) و اگر از آنان سؤال کنی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ حتماً خواهند گفت: خدا. بگو: ستایش از آن خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۲۶) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست، همانا خداوند بی‌نیاز و ستوده است. (۲۷) و اگر آنچه درخت در زمین است، قلم شوند، و دریا و از پس آن هفت دریا به کمک آیند، (و مرکب شوند تا کلمات خدا را بنویسند)، کلمات خدا به پایان نرسد، همانا خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است. (۲۸) آفرینش و رستاخیز (همه‌ی) شما (نزد خدا چیزی) جز مانند (آفریدن و زنده کردن) یک تن نیست، همانا خداوند شنوا و بیناست. (۲۹) آیا ندیدی که خداوند، پیوسته شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند، و خورشید و ماه را تسخیر کرده، هر یک تا زمان معینی در حرکت‌اند؟ همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۳۰) این همه، دلیل بر آن است که خداوند، حق، و آنچه غیر از او می‌خوانند باطل است، و همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است. (۳۱) آیا نمی‌بینی که کشتی‌ها در سایه‌ی نعمت خداوند در دریا حرکت می‌کنند، تا خداوند بخشی از آیات قدرت خود را به شما نشان دهد؟ همانا در این (حرکت کشتی‌ها) برای مردم شکیب و سپاس گزار، نشانه‌هایی است. (۳۲) و هرگاه موجی (خروشان در دریا) همچون ابرها (ی آسمان) آنان را بپوشاند، خدا را با طاعتی خالصانه می‌خوانند، پس چون خداوند آنان را به خشکی (رساند و) نجات دهد، بعضی راه اعتدال پیش گیرند (و بعضی راه انحراف)، و جز پیمان‌شکنان ناسپاس، آیات ما را انکار نمی‌کنند. (۳۳) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید و بترسید از روزی که هیچ پدری مسئولیت (اعمال) فرزندش را نمی‌پذیرد و هیچ فرزندی به جای پدرش قبول مسئولیت نمی‌کند، قطعاً وعده‌ی خداوند حق است، پس زندگی دنیا شما را نفریبد و (شیطان) فریبکار، شما را نسبت به خدا فریب ندهد. (۳۴) بی‌گمان آگاهی از زمان (برپایی قیامت) مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را در رحم‌هاست می‌داند، و هیچ

کس نمی‌داند که فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند که در چه سرزمینی می‌میرد، همانا خداوند علیم و خبیر است. (۳۵)

السجده

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) نازل کردن این کتاب که شکی در آن نیست، از سوی پروردگارِ جهانیان است. (۳) آیا می‌گویند: (پیامبر) قرآن را به دروغ ساخته؟ بلکه آن همان حقّ منحصر به فرد است که از طرف پروردگارت می‌باشد تا قومی را که قبل از تو هیچ هشدار دهنده‌ای برایشان نیامده بود بترسانی، تا شاید هدایت یابند. (۴) خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، در شش روز آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت؛ برای شما جز او هیچ یاور و شفاعت‌کننده‌ای نیست، آیا متذکر نمی‌شوید (و پند نمی‌گیرید؟) (۵) (خداوند) امر (این جهان) را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند، سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمردید، (نظام این عالم برچیده می‌شود و) به سوی او بالا می‌رود. (۶) اوست (خداوندی) که از پنهان و آشکار آگاه، (و) شکست‌ناپذیر و مهربان است. (۷) کسی که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. (۸) سپس (بقای) نسل او را از عصاره‌ای از آب پست و بی‌مقدار مقرر فرمود. (۹) سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید، و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، (ولی) اندکی از شما سپاس می‌گزارید. (۱۰) و گفتند: آیا همین که (پس از مرگ) در زمین (دفن و پوسیده و) گم شدیم، آیا آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟ آری، آنان به ملاقات پروردگارشان کافرند. (۱۱) بگو: فرشته‌ی مرگ که بر شما گمارده شده، جانتان را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان برگردانده می‌شوید. (۱۲) و (چه صحنه‌ی دلخراشی است) اگر ببینی مجرمان را هنگامی که نزد پروردگارشان سرهای خود را به زیر افکنده (می‌گویند): پروردگارا! دیدیم و شنیدیم (آنچه را وعده کرده بودی)، پس ما را (به دنیا) بازگردان تا کار نیکو انجام دهیم، همانا ما به یقین رسیدیم. (۱۳) و اگر می‌خواستیم هر کس را (به اجبار) به هدایت می‌رساندیم ولی (می‌خواهیم که هر کس خود راه خود را انتخاب کند). ولی (کافران بدانند که) اراده قطعی من چنین است که دوزخ را (از افراد بی‌ایمان و گنه‌کار) از جن و انس پر خواهم کرد. (۱۴) پس به خاطر آن که ملاقات چنین روزی را فراموش کردید (عذاب را) بپشید، ما (نیز) شما را به دست فراموشی سپردیم، و عذاب دائمی را بپشید، به خاطر آنچه انجام می‌دادید. (۱۵) تنها کسانی به آیات ما ایمان دارند که هر گاه این آیات به آنان یادآوری شود به شکل سجده رُخ بر خاک نهند و با ستایش پروردگارشان تسبیح گویند، و آنان تکبر نمی‌ورزند. (۱۶) (مؤمنان، به هنگام شب،) پهلوهایشان از بسترها دور می‌ماند (و) پروردگارشان را از روی بیم و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۱۷) هیچ کس نمی‌داند چه پاداش مهمی که مایه‌ی روشنی چشم‌هاست برای آنان نهفته است، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند. (۱۸) پس آیا کسی که مؤمن است مثل کسی است که فاسق است؟ (هرگز چنین نیست، این دو گروه) مساوی نیستند. (۱۹) امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند، پس برای پذیرایی از آنها جایگاهی از باغ‌ها (بهشت فراهم) است، به خاطر آنچه انجام می‌دادند. (۲۰) و امّا کسانی که (از مدار ایمان خارج و) فاسق شدند، پس جایگاهشان آتش است، هر گاه اراده کنند که از آن بیرون آیند، در آن باز گردانده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: بپشید عذاب آتشی را که همواره تکذیبش می‌کردید. (۲۱) و البتّه ما غیر از آن عذاب بزرگ‌تر (در قیامت) از عذاب نزدیک (در این دنیا) به آنان می‌چشانیم، تا شاید به سوی خدا باز گردند. (۲۲) و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش تذکر داده شود، ولی از آنها اعراض نماید؟ البتّه ما از تبه‌کاران انتقام می‌گیریم. (۲۳) و همانا ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در لقای او (با خدا و دریافت آیات الهی) شک نداشته باش، ما آن (کتاب) را برای بنی‌اسرائیل مایه‌ی هدایت قرار دادیم. (۲۴) و از میان بنی‌اسرائیل پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت کنند؛ چون آنان، هم صبر کردند و هم به آیات ما یقین

داشتند. (۲۵) همانا پروردگار تو میان مردم در قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهد کرد. (۲۶) آیا برایشان روشن نشده که ما قبیله‌های بسیاری را قبل از ایشان هلاک کردیم؟ با این که این‌ها در خانه‌های آن هلاک شدگان رفت و آمد دارند؛ البتّه در این (هلاکت‌ها و جایگزین شدن‌ها، عبرت‌ها و) نشانه‌هایی است، آیا نمی‌شنوند؟ (۲۷) آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین بی‌گیاہ می‌رانیم، پس به وسیله‌ی آن گیاہان را می‌رویانیم تا چهار پایانشان و خودشان از آن بخورند؟ پس آیا نمی‌بینند؟ (۲۸) و کفار می‌پرسند: اگر راست می‌گوئید، این پیروزی (شما) چه زمانی است؟ (۲۹) بگو: (بدانید که در) روز پیروزی، ایمان آوردن کسانی که کفر ورزیدند به حالشان سودی نخواهد داشت، و به آنان مهلت داده نخواهد شد. (۳۰) پس، از آنان دوری کن و منتظر باش، که آنان نیز منتظرند. (۳۱)

الأحزاب

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ای پیامبر! از خداوند پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند دانا و حکیم است. (۲) و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۳) و بر خداوند توکل کن، و همین بس که خداوند وکیل و نگهبان (تو) است. (۴) خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل قرار نداده است؛ و هرگز همسرانی را که مورد «ظهار» قرار می‌دهید مادران شما قرار نداده؛ (و نیز) فرزند خوانده‌های شما را پسر (واقعی) شما قرار نداده است. این (قرار دادن همسر به منزله‌ی مادر و فرزند خوانده به منزله‌ی فرزند) سخنی است که شما به زبان می‌گوئید، و خداوند حق می‌گوید و اوست که به راه (راست) هدایت می‌کند. (۵) آنان (پسر خواندگان) را به نام پدرانشان بخوانید، که این نزد خداوند عادلانه‌تر است، پس اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنان برادران دینی و موالی شما هستند؛ و در آنچه (پیش از این) خطا کردید (و پسر خواندگان را فرزند خود دانستید) گناهی بر شما نیست، ولی در آنچه دل‌هایتان قصد و عمد داشته (مسئولید) و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۶) پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران او (در حرمت نکاح مانند) مادران مؤمنان محسوب می‌شوند، و در کتاب خداوند، خویشاوندان (نسبی) بعضی نسبت به بعضی از مؤمنان و مهاجران (که قبلاً بر اساس ایمان و هجرت ارث می‌بردند، در ارث بردن) اولویت دارند، مگر آن که بخواهید نسبت به دوستانان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را در قالب وصیت به آنان بدهید)؛ این (حکم) در کتاب (الهی) نوشته شده است. (۷) (و به یاد آور) هنگامی که ما از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی فرزند مریم، و از همه‌ی آنان پیمانی استوار گرفتیم (که در ادای مسئولیت و دعوت کوتاهی نکنند). (۸) (خداوند از پیامبران پیمان محکم گرفت) تا راستگویان را از صداقتشان (در ایمان و عمل صالح)، بازخواست کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۱۰) آن گاه که دشمنان از بالا و پایین (شهر) شما به سراغتان آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و آن گاه که چشم‌ها (از ترس) خیره شده بود و جان‌ها به حنجره‌ها رسیده بود، و به خداوند گمان‌های (بدی) می‌بردید. (۱۱) آن جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و به لرزه‌ی سختی دچار شدند. (۱۲) و آن گاه که منافقان و کسانی که در روحشان بیماری (شک و تردید) بود، گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های فریبنده به ما ندادند. (۱۳) و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی‌حفاظ است. در حالی که بی‌حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند. (۱۴) و (آن منافقان و بیمار دلان چنان بودند که) اگر (دشمنان) از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و از آنان تقاضای فتنه‌گری می‌کردند، به سرعت می‌پذیرفتند، و جز

مدّت کمی درنگ نمی‌کردند. (۱۵) در حالی که آنان پیش از این با خداوند پیمان بسته بودند که (به دشمن) پشت نکنند؛ و پیمان الهی بازخواست شدنی است. (۱۶) بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار هرگز برای شما سودی ندارد و (بر فرض که سודتان دهد) در آن صورت جز بهره اندکی نخواهید برد. (۱۷) بگو: اگر خداوند برای شما رنجی یا رحمتی اراده کند، کیست که شما را در برابر (اراده) خداوند مصون بدارد؟ در حالی که آنان غیر از خداوند برای خود نه کارسازی می‌یابند و نه یاری دهنده‌ای. (۱۸) بدون شک خداوند کسانی از شما که مردم را (از جبهه و جهاد) بازمی‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: به سوی ما بیایید (و خود را به کشتن ندهید) به خوبی می‌شناسد؛ (آنان ضعیف و ترسو هستند) و جز اندکی به جبهه نمی‌روند. (۱۹) در حالی آنان بر یاری شما بخیل هستند، که هرگاه (لحظات) بیم (و جنگ) پیش آید، آنان را می‌بینی چنان به تو می‌نگرند که چشمانشان (در حلقه) می‌چرخد، همچون کسی که مرگ او را فرا گرفته، پس همین که ترس از میان رفت، زبان‌های تند و خشن (خود را) بر شما می‌گشایند، در حالی که نسبت به خیر (مال و غنیمت) بخیل هستند، آنان ایمان (واقعی) ندارند و خداوند اعمالشان را محو نموده؛ و این کار بر خداوند آسان است. (۲۰) (آنها به قدری وحشت‌زده شده‌اند که) می‌پندارند احزاب (مشرک و یهود مهاجم) هنوز پراکنده نشده‌اند و اگر (بار دیگر) دسته‌های دشمن (به سراغ مسلمانان) آید، دوست دارند کاش میان اعراب بادیه نشین بودند (و درگیر جنگ نمی‌شدند) و تنها از اخبار (مربوط به) شما جويا می‌شدند و این افراد اگر در میان شما بودند جز اندکی نمی‌جنگیدند. (۲۱) همانا برای شما در (سیره‌ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (۲۲) و همین که مؤمنان دسته‌ها (ی لشکر دشمن) را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفتند. (دیدن لشکر مهاجم) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (۲۳) از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده‌ی جهاد نمودند)، برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند. (۲۴) تا خداوند صادقان را به خاطر صداقتشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا (اگر توبه کنند) لطف خود را بر آنان بازگرداند زیرا که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۲۵) و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند با دلی پر از خشم برگرداند، بدون آن که هیچ خیری (پیروزی و غنیمتی) به دست آورند، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و آنان را پیروز کرد)، و خداوند، توانای شکست‌ناپذیر است. (۲۶) و خداوند کسانی از اهل کتاب (یهودیان) را که از مشرکان عرب پشتیبانی می‌کردند، از برج و قلعه‌های مرتفعشان پایین کشید و در دل‌های آنان ترس و وحشت افکند، (که در نتیجه شما مسلمانان) گروهی (از آنان) را کشتید و گروهی را اسیر کردید. (۲۷) و سرزمین آنان و خانه‌ها و اموالشان و (نیز) زمینی را که در آن گام نهاده بودید در اختیار شما گذاشت، و خداوند بر هر کاری تواناست. (۲۸) ای پیامبر! به همسران بگو: اگر شما زندگی دنیا و زینت (و زرق و برق) آن را می‌خواهید، بیایید تا شما را (با پرداخت مهرتان) بهره‌مند سازم و به وجهی نیکو (بدون قهر و خشونت) رهایتان کنم. (۲۹) و اگر خدا و رسولش و سرای آخرت را می‌خواهید، پس (بدانید که) قطعاً خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی را آماده کرده است. (۳۰) ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است. (۳۱) و هر کس از شما نیز که در برابر خدا و رسولش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو بار خواهیم داد و برایش روزی کریمانه و پر ارزشی فراهم کرده‌ایم. (۳۲) ای همسران پیامبر! شما مثل یکی از زنان (عادی) نیستید. اگر تقوا پیشه‌اید پس به نرمی و کرشمه سخن نگوئید تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمعی پیدا کند، و نیکو و شایسته سخن بگویید. (۳۳) و در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین، با خود آرایی ظاهر نشوید (و زینت‌های خود را آشکار نکنید)، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، و از خدا و رسولش اطاعت کنید؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (۳۴) و آنچه که از آیات خدا و حکمت در

خانه‌هایتان تلاوت می‌شود یاد کنید؛ همانا خداوند (نسبت به شما) دارای لطف و (از کارهای شما) آگاه است. (۳۵) همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان انفاق‌گر و زنان انفاق‌گر، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای (همه‌ی) آنان آمرزش و پاداشی گرانقدر و بزرگ آماده کرده است. (۳۶) و هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارند هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کنند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی نماید، پس بدون شک به گمراهی آشکاری گرفتار شده است. (۳۷) و (به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه)، کسی که خداوند بر او نعمت (اسلام و ایمان) داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی) داده بودی می‌گفتی: همسرت را نگاه دار (و او را طلاق نده) و از خدا پروا کن. و در دلت چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند، و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. پس چون دوران کامیابی زید از همسرش پایان یافت (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو در آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخوانده‌هایشان هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام شدنی است. (۳۸) بر پیامبر در (انجام) آنچه خداوند برای او تعیین کرده هیچ سختی و محذوری نیست، چنان که خداوند درباره‌ی انبیای قبلی نیز این سنت را قرار داده بود (که آداب و رسوم جاهلی و بی‌اساس را بشکنند)، و فرمان خدا همواره سنجیده و اندازه‌گیری شده است. (۳۹) کسانی که پیام‌های الهی را ابلاغ می‌کنند و از خدا می‌ترسند، و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند، و خداوند برای حسابرسی کافی است. (۴۰) محمد صلی الله علیه و آله، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است. (۴۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید. (۴۲) و او را در هر صبح و شام تسبیح نمایید (و به پاکی بستن). (۴۳) و کسی است که بر شما درود می‌فرستد و فرشتگان او (نیز بر شما درود می‌فرستند) تا شما را از تاریکی‌ها (کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) در آورند و او به مؤمنان مهربان است. (۴۴) تحیت آنان در روزی که خدا را ملاقات کنند سلام است؛ و خداوند برای آنان پاداشی نیکو فراهم کرده است. (۴۵) ای پیامبر! همانا ما تو را گواه (بر مردم) و بشارت دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم. (۴۶) و (نیز) دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابان (قرار دادیم). (۴۷) و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از سوی خداوند بخششی بزرگ است. (۴۸) و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و به آزارشان اعتنا مکن، و بر خدا توکل نما که خداوند برای وکالت کافی است. (۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه زنان با ایمان را به همسری گرفتید و پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، عده‌ای برای شما به عهده آنان نیست تا حسابش را نگهدارید، پس آنها را (با پرداخت مهریه و هدیه‌ی مناسبی) بهره‌مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهایشان کنید. (۵۰) ای پیامبر! ما برای تو همسرانی را که مهرشان را پرداخته‌ای حلال کردیم و همچنین کنیزانی را که (به عنوان غنایم جنگی) خداوند بر تو ارزانی داشته و مالک شدی (بر تو حلال کردیم) و نیز (ازدواج با) دختران عموی و دختران عمه‌های و دختران دایی و دختران خاله‌های را که با تو هجرت کرده‌اند، (برای تو حلال کردیم)، و زن با ایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهریه‌ای از حضرت نخواهد) اگر پیامبر بخواهد می‌تواند او را به عقد خویش در آورد؛ (این قانون عقد بدون مهریه) مخصوص توست نه دیگر مؤمنان؛ همانا می‌دانیم که برای مؤمنان دربارهی همسران و کنیزانشان چه حکمی کرده‌ایم، (این برای آن است که) تا برای تو مشکلی نباشد، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۵۱) از همسرانت هر کدام را خواستی می‌توانی (نوبت او را) مؤخرداری و هر که را خواهی نزد خود جای دهی، و بر تو باکی نیست هر کدام را که (برای مدتی) ترک کرده‌ای دوباره طلب کنی؛ این (حکم) برای آن که چشمانشان روشن شود و ناراحت نشوند و همه‌ی آنان به آنچه در اختیارش ان می‌گذاری راضی باشند مناسب‌تر است، و خداوند آنچه را در دل‌های شماست می‌داند، و خداوند دانا و بردبار است. (۵۲) از این پس، هیچ زنی بر تو حلال نیست، و نباید (همسرانت را رها کنی) و همسر

دیگری به جای آنان بگیری، هر چند زیبایی آنان تو را به شگفت آورد، مگر کنیزانی که مالک آنها می شوی؛ و خداوند بر هر چیزی مراقب است. (۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا، (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هرگاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می‌دهد، اما او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است. (۵۴) اگر چیزی را آشکار نمایید یا پنهانش کنید پس بی‌شک خداوند به هر چیزی داناست. (۵۵) بر زنان، (نداشتن حجاب) در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و دیگر زنان مسلمان و کنیزانشان گناهی نیست، و تقوای الهی پیشه کنید زیرا خداوند بر هر چیزی گواه است. (۵۶) همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما (نیز) بر او درود فرستید و به او سلام کنید سلامی همراه با تسلیم. (۵۷) همانا کسانی که خدا و رسولش را آزار می‌دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت می‌کند، و برای آنان عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. (۵۸) و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون آن که کاری کرده باشند آزار می‌دهند بدون شک بهتان و گناه روشنی را بر دوش کشیده‌اند. (۵۹) ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است. (۶۰) اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه پراکنی می‌کنند (از کارشان) دست بردارند، حتماً تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، آنگاه جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند. (۶۱) آنان لعنت شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند. (۶۲) این سنت خداوند درباره‌ی کسانی است که پیش از این بوده‌اند (و این فتنه‌انگیزی‌ها و دلهره‌ها را در جامعه به وجود می‌آوردند) و هرگز برای سنت خداوند تغییری نخواهی یافت. (۶۳) مردم پیوسته از زمان وقوع قیامت از تو می‌پرسند، بگو: علم آن تنها نزد خداست و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد. (۶۴) همانا خداوند کافران را لعنت کرده (و از لطف خود دور نموده) و برای آنان آتش فروزانی فراهم کرده است. (۶۵) آنان برای همیشه در آن می‌مانند و دوست و یآوری (برای خود) نمی‌یابند. (۶۶) روزی که صورت‌های آنان در آتش گردانده می‌شود، (با حسرت) می‌گویند: ای کاش! خدا را اطاعت می‌کردیم و پیرو رسول (او) بودیم. (۶۷) و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند. (۶۸) پروردگارا! آنان را عذاب دو چندان ده و به لعنتی بزرگ لعنت کن. (۶۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، پس خداوند او را از آنچه (درباره‌اش به افترا) می‌گفتند، تیرئه فرمود و او نزد خداوند آبرومند بود. (۷۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حق و) استوار گویید. (۷۱) تا خداوند کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بپامزد؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند، بدون شک به رستگاری بزرگی دست یافته است. (۷۲) همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت، اما او بس ستمکار و نادان است. (۷۳) تا خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (به علت ضایع کردن امانت) عذاب کند، و لطف خود را بر مردان و زنان با ایمان برگرداند (و توبه‌ی آنان را بپذیرد) که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۷۴)

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) ستایش مخصوص خدایی است که آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است ملک اوست و در آخرت (نیز) حمد و ستایش تنها برای اوست و اوست حکیم آگاه. (۲) آن چه در زمین فرو می‌رود و آن چه از آن خارج می‌شود و آن چه از آسمان نازل می‌شود و آن چه در آن بالا می‌رود (همه را) می‌داند و اوست مهربان آمرزنده. (۳) و کسانی که کافر شدند گفتند: قیامت برای ما نخواهد آمد. بگو: چرا، به پروردگaram که آگاه از غیب و نهان است سوگند که به سراغ شما نیز خواهد آمد. به میزان ذره‌ای در آسمانها و در زمین از خدا پوشیده نیست، نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگتر از آن، نیست جز آن که در کت اب روشن (الهی ثبت) است. (۴) تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛ آنانند که برایشان آموزش و روزی نیکو مقرر است. (۵) و کسانی که در (انکار و محو) آیات ما تلاش کردند که ما را درمانده کنند، آنانند که برایشان عذابی (سخت) از عقوبتی دردناک است. (۶) و کسانی که به آنان علم داده شده، آن چه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده حق می‌بیند که به راه خدای عزیز ستوده هدایت می‌کند. (۷) و کسانی که کفر ورزیدند، (به استهزا) گفتند: آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که به شما خبر می‌دهد هر گاه (در قبرها) کاملاً متلاشی شدید (بار دیگر) در آفرینش تازه‌ای (زنده) خواهید شد؟ (۸) آیا او (دانسته) بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست؟ (نه، چنین نیست) بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دوری (از نجات و حق) هستند. (۹) آیا به آن چه از آسمان و زمین، پیش رو و پشت سرشان است نگاه نکردند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم یا قطعه‌هایی از (سنگ‌های) آسمان را بر سرشان فرود می‌آوریم، همانا در این (تهدید) برای هر بنده‌ی توبه کاری عبرت قطعی است. (۱۰) و همانا داوود را از سوی خود فضیلتی دادیم (و گفتیم): ای کوه‌ها! با او (در تسبیح خدا) هم نوا شوید و (ای) پرندگان! (همراهی کنید) و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۱) (و گفتیم): زره‌های کامل و فراخ بساز و بافت آن را درست اندازه‌گیری کن. و کار شایسته انجام دهید، همانا من به آن چه عمل می‌کنید بینا هستم. (۱۲) و برای سلیمان باد را (رام و مستخر کردیم) که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و برای او چشمه‌ی مس (گداخته) را روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر یک از آنان که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد او را از عذاب فروزان می‌چشانیدیم. (۱۳) جنیان، هر چه را که سلیمان می‌خواست از محراب و تمثال و ظروف بزرگ مانند حوضچه و دیگ‌های ثابت برایش می‌ساختند. ای خاندان داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید. اما اندکی از بندگان من سپاسگزارند. (۱۴) پس چون مرگ را بر سلیمان مقرر داشتیم، کسی جنیان را از مرگ او آگاه نساخت مگر جنبنده‌ی زمین (= موریانه) که عصایش را (به تدریج) می‌خورد، پس چون سلیمان به زمین افتاد جنیان دریافتند که اگر غیب می‌دانستند، در آن عذاب خوارکننده (کارهای سخت) نمی‌ماندند. (۱۵) همانا برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت و رحمت الهی) بود: دو باغ و بوستان از راست و چپ. از روزی پروردگارتان بخورید و برای او شکر گزار باشید (که) شهری پاک و پروردگاری آمرزنده (دارید). (۱۶) پس (به جای شکر، از خداوند) روی گرداندند، و ما بر آنان سیل ویرانگر عزم را فرستادیم و دو باغستان (پر محصول) آنان را به دو باغ با میوه‌های تلخ و شورگز و اندکی از درخت سدر تبدیل نمودیم. (۱۷) این (کیفر) را به خاطر کفرانشان به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاسان را کیفر می‌دهیم؟ (۱۸) و میان آنان و مناطقی که در آن برکت قرار داده بودیم، آبادی‌هایی آشکار بود (که به هم وصل و نزدیک بود) و سفر در میان قریه‌ها را به طور متناسب مقرر کرده بودیم (و به آنان گفتیم): در این مناطق شب‌ها و روزها در حال امن سفر کنید. (۱۹) پس (به ناسپاسی) گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما فاصله بیانداز و بر خویشتن ستم کردند، پس ما آنان را موضوع داستان‌هایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و آنان را به کلی پراکنده و متلاشی کردیم، همانا در این (ناسپاسی آنان و قهر ما) نشانه‌هایی (از عبرت) برای هر صبرکننده و شکرگزاری وجود دارد. (۲۰) و البته ابلیس گمان خود را (که می‌گفت: من اولاد آدم را گمراه می‌کنم) بر آنان تحقّق یافته دید، پس همگی از او پیروی کردند، جز گروه اندکی از مؤمنان. (۲۱) و ابلیس هیچگونه تسلط و غلبه‌ای بر آنان (که از او پیروی کردند) نداشت. (کار او تنها وسوسه است) تا معلوم کنیم کسی را که به آخرت ایمان دارد (و در

برابر و سوسه‌های او مقاومت می‌کند) از کسی که نسبت به آخرت در تردید است، و پروردگارت بر همه چیز نگهبان است. (۲۲) بگو: کسانی را که جز خدا (شریک و معبود خود) پنداشته‌اید بخوانید (تا حاجتی از شما برآوردند)، آنان به میزان ذره‌ای مالک چیزی در آسمان و زمین نیستند، و برای شریک‌ها (ای خیالی شما) در (اداره‌ی) زمین و آسمان هیچگونه مشارکتی نیست و از طرف آنان هیچگونه پشتیبانی برای خداوند نیست. (۲۳) و شفاعت نزد خداوند سودی ندارد، مگر برای آن کس که او اجازه دهد. (انتظار اذن شفاعت، ادامه دارد) تا زمانی که هراس و اضطراب از دل‌های آنان بر طرف شود، (معجزمان) از آنان پرسند: پروردگار شما چه گفت؟ پاسخ می‌دهند: حق گفت؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۴) (ای پیامبر! به مشرکان) بگو: کیست که از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو: خدا؛ و البته (یکی از) ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم. (۲۵) بگو: (شما) از آن چه ما مرتکب شده‌ایم باز خواست نخواهید شد، و ما (نیز) از آن چه شما انجام می‌دهید باز خواست نخواهیم شد. (۲۶) بگو: پروردگار ما، ما و شما را (در قیامت) گرد می‌آورد، سپس بین ما و شما به حق داوری خواهد کرد و اوست داور دانا. (۲۷) بگو: کسانی را که به عنوان شریک به خداوند ملحق کرده‌اید به من نشان دهید. هرگز چنین نیست، بلکه اوست خدای نفوذناپذیر حکیم. (۲۸) و ما تو را به عنوان پیامبری مژده‌دهنده و بیم‌دهنده نفرستادیم جز برای همه‌ی مردم، ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند. (۲۹) و آنان (با تمسخر) می‌گویند: اگر راست می‌گویند، این وعده (قیامت) چه وقت خواهد بود؟ (۳۰) بگو: برای شماست وعده روزی که نه (می‌توانید) ساعتی از آن تأخیر کنید و نه پیشی بگیرید. (۳۱) و کسانی که کافر شدند گفتند: ما نه به این قرآن و نه به آن (کتابی) که پیش از آن بوده است هرگز ایمان نخواهیم آورد. (و تعجب می‌کنی) اگر ببینی وقتی که ستمگران (مشرک) در پیشگاه پروردگارشان باز داشت شده‌اند در حالی که بعضی با بعض دیگر جدل و گفتگو می‌کنند (و گناه خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند). کسانی که ضعیف نگاه داشته شده‌اند (زیر دستان) به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید، حتماً ما مؤمن بودیم. (۳۲) (اما) کسانی که استکبار ورزیدند به مستضعفان گویند: آیا ما شما را از هدایتی که به سراغتان آمد باز داشتیم؟ بلکه شما خود گناهکار بودید. (۳۳) و زیردستان به مستکبران گویند: بلکه (مایه‌ی گمراهی ما) نیرنگ شب و روز (شما بود)، آن گاه که ما را فرمان می‌دادید به خدا کفر ورزیم و برای او همتیانی قرار دهیم. و همین که عذاب را مشاهده کردند پشیمانی خود را پنهان نمودند. و ما در گردن کسانی که کفر ورزیدند غل‌ها قرار دادیم، آیا جز آن چه عمل می‌کردند جزا داده می‌شوند؟ (۳۴) و ما در هیچ دیاری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آن که افراد خوشگذر آنان گفتند: حتماً ما به آن چه بدان فرستاده شده‌اید کافریم. (۳۵) و گفتند: ما از جهت اموال و اولاد بیش‌تریم (و این نشانه لطف خداوند به ماست) و ما عذاب نمی‌شویم. (۳۶) بگو: همانا پروردگار من برای هر که بخواهد روزی را گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گرداند ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند. (که این گشایش‌ها و تنگی‌ها بیانگر میزان علاقه خداوند به آنان نیست). (۳۷) و اموال و فرزندان آن‌گونه (فضیلتی) نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند. پس آنانند که برایشان دو برابر آن چه عمل کردند پاداش است و آنانند که در غرفه‌ها و طبقات (بهشتی) آسوده خاطرند. (۳۸) و کسانی که به قصد به ستوه آوردن (و محو و ابطال آیات) ما تلاش می‌کنند، اینان در عذاب (الهی) احضار می‌شوند. (۳۹) بگو: بدون شک، پروردگارم برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشایش می‌دهد، و یا برای او تنگ (و محدود) می‌گرداند و هر چه را (در راه او) انفاق کردید پس او (عوضش را) جایگزین می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است. (۴۰) و (به یاد آور) روزی که خداوند همه را محشور می‌کند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا این‌ها شما را می‌پرستیدند؟ (۴۱) فرشتگان گویند: خدایا! تو متزهی، تو سرپرست مایی، نه آنها، بلکه آنان جن را می‌پرستیدند، (و) بیش‌ترشان به آنان ایمان داشتند. (۴۲) پس امروز برخی از شما برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیست، و به کسانی که ستم کردند می‌گوییم: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌شمردید. (۴۳) و هرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود گویند: جز این نیست که این مرد می‌خواهد شما را از آن چه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد. و گویند: این قرآن جز دروغی

بافته شده نیست. و کسانی که کفر ورزیدند، همین که حق به سراغشان آمد، گفتند: این، جز یک جادو و سحر رو شن چیز دیگری نیست. (۴۴) و ما به آنان (مشرکان عرب) کتاب‌های آسمانی نداده بودیم که آن را بخوانند و بیاموزند و بیم دهنده‌ای به سوی آنان نفرستاده‌ایم. (۴۵) و کسانی که پیش از آنان بودند، (پیامبران را) تکذیب کردند، در حالی که (کافران قوم تو) به یک دهم آن چه (از قدرت و امکانات) به گذشتگان داده بودیم نرسیده‌اند، پس آنان پیامبران مرا تکذیب کردند، پس (بین) چگونه بود کيفر و عقوبت من (نسبت به آنان). (۴۶) بگو: من شما را به یک سخن پند می‌دهم؛ برای خدا قیام کنید، دو نفر دو نفر و یک نفر یک نفر، پس بیاندیشید (تا ببینید) که هیچ گونه در هم سخن شما (پیامبر) نیست، او برای شما از عذاب سختی که در پیش است جز هشدار دهنده‌ای نیست. (۴۷) بگو: هر مزدی که از شما خواستم پس آن به نفع شماست، مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است. (۴۸) بگو: همانا پروردگرم که به نهان‌ها بسیار آگاه است حق را (بر دل‌ها) می‌افکند. (۴۹) بگو: حق آمد و باطل (کاری از آن ساخته نیست) نمی‌تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن. (۵۰) بگو: اگر من گمراه شده باشم به زیان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یافته باشم پس به (برکت) چیزی است که پروردگرم به من وحی می‌کند، همانا اوست شنوای نزدیک. (۵۱) و اگر بینی وقتی که کافران (از عذاب سخت) فزع کنند و راه گریزی در کار نیست، و از مکانی نزدیک دستگیر شوند (تعجب خواهی کرد). (۵۲) (و در آن حال) گویند: به او ایمان آوردیم و کجا این دست‌یابی به ایمان از راه دور (که توان بر انجام عمل صالحی ندارند) به سودشان خواهد بود. (۵۳) در حالی که پیش از این به آن کفر ورزیدند و از دور دست‌ها تیر در تاریکی می‌انداختند. (و به پیامبر اسلام تهمت‌ها می‌زدند). (۵۴) (سرانجام) میان آنان و آن چه می‌خواستند جدایی افتاد، همان گونه که از دیر باز با امثال ایشان چنین شد، زیرا آنان در شک و تردید سختی بودند. (۵۵)

فاطر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ستایش، مخصوص خداوندی است که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است؛ فرشتگان را که دارای بال‌های (قدرت) دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا هستند، رسولانی قرار داد. او هر چه را بخواهد در آفرینش می‌افزاید، البته خداوند بر هر کاری تواناست. (۲) هر رحمتی را که خداوند (به روی) مردم بگشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست، و هر چه را خداوند دریغ دارد، پس غیر او فرستنده‌ای برای آن نیست، و اوست عزیز و حکیم. (۳) ای مردم! نعمت‌هایی را که خداوند به شما عطا کرده یاد کنید، آیا جز خداوند، آفریدگاری است که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟ جز او معبودی نیست. پس چگونه از حق به سوی باطل بازگردانده می‌شوید. (۴) و اگر تو را تکذیب می‌کنند (نگران مباش زیرا) پیامبران پیش از تو (نیز) تکذیب شده‌اند، و همه‌ی کارها به سوی خداوند بازمی‌گردد. (۵) ای مردم! وعده‌ی خداوندی حق است؛ پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد و مبادا (شیطان) فریبکار شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد. (۶) بی‌گمان، شیطان دشمن شما است، پس شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته‌ی خود را فرامی‌خواند تا از اصحاب دوزخ باشند. (۷) کسانی که کفر ورزیدند، برایشان عذابی سخت است، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۸) پس آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را نیکو می‌بیند، (مانند کسی است که هدایت یافته است). پس بدون شک خداوند هر که را بخواهد (و سزاوار بداند) گمراه می‌کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌نماید، پس مگذار به خاطر حسرت بر آنان جانت از دست برود، زیرا خداوند به آن چه انجام می‌دهند آگاهی کامل دارد. (۹) و خداوند است که بادها را فرستاد تا ابر را برانگیزاند، پس آن را به سوی سرزمینی مرده رانندیم، و به وسیله‌ی آن زمین را بعد از مردنش زنده نمودیم. رستاخیز نیز چنین است. (۱۰) هر کس خواهان عزت است، پس عزت، همه از آن اوست (و به هر که بخواهد می‌دهد). تنها سخن (و عقیده‌ی) پاک به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته آن را بالا می‌برد، و کسانی که برای انجام بدی‌ها نقشه می‌کشند، برایشان

عذاب سختی است و نیرنگ آنان است که تباه می‌شود. (۱۱) خداوند، شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید؛ آن گاه شما را زوج یکدیگر قرار داد، و هیچ ماده‌ای جز با علم او باردار نشود و نزاید، و هیچ کس عمر طولانی داده نشود و یا از عمرش کاسته نشود، مگر آن که در کتاب (علم خدا ثبت گردیده) است؛ قطعاً این امر بر خداوند آسان است. (۱۲) دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین، لطیف (و نوشیدنش گوار است، و آن یکی، شور و تلخ است، ولی شما از هر دو گوشت تازه می‌خورید و زیور (و مروارید) بیرون می‌آورید و می‌پوشید. کشتی‌ها را در آن می‌بینی که امواج را می‌شکافند تا از فضل او (روزی) طلبید و شاید شکر گزار باشید. (۱۳) شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب داخل می‌کند. (از یکی می‌کاهد و به دیگری می‌افزاید.) و خورشید و ماه را رام و مسخر نمود، هر یک از آنها برای مدتی معین در حرکتند. این است خداوند پروردگار شما، فرمانروایی مخصوص اوست. و کسانی که به جای او می‌خوانید ما لیک پوست هسته‌ی خرمائی نیستند. (۱۴) اگر آن (بت)‌ها را بخوانید، دعای شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند پاسخی به شما ندهند، و روز قیامت شرک شما را انکار خواهند کرد، و هیچ کس مانند (خداوند) خبیر، تو را (به حقیقت کارها) آگاه نکند. (۱۵) ای مردم! این شماید که به خداوند نیاز دارید و (تنها) خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. (۱۶) اگر بخواهد شما را می‌برد و آفریده‌ی جدیدی می‌آورد. (۱۷) و این کار بر خداوند سخت نیست. (۱۸) و هیچ فردی بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد، و اگر سنگین باری برای حمل بارش، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند، چیزی از بارش حمل نشود (و کسی به او رحم نکند). تو تنها کسانی را که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز به پا می‌دارند هشدار می‌دهی، و هر کس (از گناه) پاک شود، پس این پاکی به نفع خود اوست و بازگشت (همه) تنها به سوی خداوند است. (۱۹) (مؤمن و کافر یکسان نیستند چنانکه) نابینا و بینا یکسان نیستند. (۲۰) تاریکی و روشنایی (نیز یکسان نیستند). (۲۱) و سایه و گرمای آفتاب (یکسان نیستند). (۲۲) و زندگان و مردگان یکسان نیستند. همانا خداوند (حق را) به هر کس که بخواهد می‌شنوید و تو هرگز نمی‌توانی به کسانی که در گورها هستند (حق را) بشنوانی. (۲۳) تو جز بیم دهنده‌ای (بیش) نیستی. (۲۴) همانا ما تو را به حق برای بشارت و هشدار فرستادیم و هیچ امتی نبوده مگر آن که در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است. (۲۵) و اگر تو را تکذیب می‌کنند (نگران مباش، زیرا) بدون شک کفاری که پیش از آنان بودند نیز (انبیا را) تکذیب نمودند، پیامبرانشان همراه با معجزه‌ها و دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند (اما آنان ایمان نیاوردند). (۲۶) سپس کسانی را که کفر ورزیدند (به مؤاخذه و مجازات) گرفتم، پس کیفر من چگونه است؟ (۲۷) آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه‌ی آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) بیرون آوردیم. و از بعضی کوه‌ها (رگه‌ها و) راه‌های سفید و سرخ، به رنگ‌های گوناگون و کاملاً سیاه (بیرون آوردیم). (۲۸) و همچنین از مردم و جنبنده‌ها و چهار پایان به رنگ‌های گوناگون (آفریدیم)؛ از میان بندگان او تنها دانشمندان (ربّانی) خشیت الهی دارند، بی‌شک خداوند، عزیز و آمرزنده است. (۲۹) همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز بر پا می‌دارند و از آن چه ما روزیشان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد. (۳۰) خداوند پاداش آنان را به طور کامل عطا کند و از فضل خویش به آنان بیفزاید، چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (۳۱) و آن چه از کتاب به سوی تو وحی کردیم، همان حق است که تصدیق کننده‌ی کتاب‌های پیش از آن است؛ قطعاً خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بینا است. (۳۲) آنگاه این کتاب (قرآن) را به گروهی از بندگانمان که (آنان را) برگزیدیم به میراث دادیم، پس برخی از بندگان ما (در عمل به کتاب) بر خود ستمکارند و بعضی میانه‌رو و برخی با اذن الهی نسبت به کارهای خیر سبقت گیرند، که این همان فضل بزرگ الهی است. (۳۳) (پاداش الهی و آن فضل بزرگ)، باغ‌هایی همیشه سرسبز است که به آنها وارد خواهند شد، و در آنها با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می‌شوند و لباس آنان در آن جا (از) ابریشم است. (۳۴) و گویند: سپاس برای خداوندی است که اندوه را از ما زدود، همانا پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است. (۳۵) خداوندی که ما را از فضل خویش در سرای ابدی جای داد که در آن جا هیچ رنجی به ما نمی‌رسد و درماندگی به سراغ ما نمی‌آید. (۳۶) و کسانی که کفر ورزیدند، برایشان آتش دوزخ

است، نه بر آنها حکم می‌شود که بمیرند و نه از عذاب دوزخ تخفیفی برایشان هست؛ ما این گونه هر ناسپاسی را کیفر می‌دهیم. (۳۷) و آن کفار در دوزخ ناله می‌زنند (و می‌گویند): پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم، غیر از آنچه که قبلاً انجام می‌دادیم. (در پاسخ به آنان گفته می‌شود): آیا ما به شما چندان عمر ندادیم که در آن هر کس که بنای تذکر دارد متذکر شود و (عبرت گیرد؟ به علاوه) هشدار دهنده به سراغتان آمد (ولی شما توجّهی نکردید)، که اینک بچشید، پس برای ستمگران هیچ یآوری نیست. (۳۸) همانا خداوند به غیب آسمان‌ها و زمین آگاه است، بدون شک او به راز دل‌ها داناست. (۳۹) او کسی است که شما را در زمین جانشینان (پیشینان) قرار داد؛ پس هر کس کفر ورزد بر ضررش خواهد بود و کافران را کفرشان جز دشمنی و خشم نزد پروردگارشان نمی‌افزاید، و کافران را کفرشان جز خسارت نمی‌افزاید. (۴۰) بگو: آیا شریکان خویش را که به جای خداوند می‌خوانید دیده‌اید؟ به من نشان دهید که چه چیزی را از زمین آفریده‌اند، یا برای آنان در (آفرینش) آسمان‌ها مشارکتی است؟ یا به آنان کتابی داده‌ایم که ایشان، دلیل و حجّتی از آن بر شرک خود دارند؟ (نه، هیچ کدام نیست)، بلکه ستمکاران تنها بر اساس وعده‌ای (دروغی) که بعضی‌شان به بعضی دیگر (در مورد شفاعت) می‌دهند یکدیگر را فریب می‌دهند. (۴۱) همانا خداوند آسمان‌ها و زمین را از زوال (و سقوط و خروج از مدار) نگاه می‌دارد، و اگر زوال پذیرند (و از مدار خارج شوند) احدی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد؛ البتّه او بردبار و آمرزنده است. (۴۲) و (مشرکان) با سخت‌ترین سوگندها، به خدا سوگند یاد کردند که اگر هشدار دهنده‌ای به سراغشان بیاید از هر یک از امت‌های دیگر هدایت یافته‌تر شوند؛ پس همین که هشدار دهنده‌ای برایشان آمد، جز نفرت (از حق) چیزی بر آنان نیفزود. (۴۳) (نفرت آنان از حق) به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ بدشان بود، و نیرنگ بد جز اهلش را فرا نگیرد، پس آیا آنان جز سنّت (خداوند را در مورد قلع و قمع) پیشینان انتظار دارند؟ با آنکه برای سنّت و قانون الهی هرگز جایگزینی نخواهی یافت، و هرگز برای سنّت الهی تغییری نخواهی یافت. (۴۴) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که سرانجام کسانی که قبل از ایشان بودند و قدرشان بیش از آنان بود چه شد؟ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که خداوند را به عجز در آورد (و از حیطه‌ی قدرت او خارج باشد). البتّه او بس آگاه و تواناست. (۴۵) و اگر خداوند مردم را به سزای آن چه انجام داده‌اند مؤاخذه نماید، هیچ جنبنده‌ای روی زمین باقی نمی‌ماند، ولی (سنّت خداوند بر آن است که) مردم را تا مدّتی معین مهلت دهد (تا خود را اصلاح نمایند)، پس همین که مدّتشان به سر آمد (آنان را مؤاخذه می‌کند). و همانا خداوند به (احوال) بندگان خود بیناست (و هر کس را به مقتضای کردارش جزا می‌دهد). (۴۶)

یس

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) یا، سین. (۲) سوگند به قرآن (محکم و) حکمت‌آموز. (۳) که همانا تو از پیامبرانی. (۴) بر راه راست هستی. (۵) قرآن از جانب خداوند قادر مهربان نازل شده است. (۶) تا به مردم آن چه را به نیاکانشان هشدار داده شده تو نیز هشدار دهی، پس آنان غافلند. (۷) به یقین فرمان (عذاب) بر بیشتر آنان سزاوار گشته است پس ایشان ایمان نمی‌آورند. (۸) به راستی که ما در گردن‌های آنان غلهایی قرار دادیم، که تا چانه‌شان را می‌پوشاند در نتیجه سرهای آنان بالا مانده است (و نمی‌توانند اطراف و پیش پای خود را ببینند). (۹) و پیش روی آنان حائل و سدّی و پشت سرشان نیز حائل و سدّی قرار دادیم، و به طور فراگیر آنان را پوشاندیم، پس هیچ چیز را نمی‌بینند. (۱۰) بر آنان تفاوتی نمی‌کند که آنان را بیم دهی یا بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند. (۱۱) تنها کسی را (می‌توانی) هشدار دهی که از ذکر (قرآن) پیروی کند و در درون و نهان از خدای رحمان بترسد، پس او را به آمرزش و پاداشی پر ارزش بشارت ده. (۱۲) همانا ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن چه را از پیش فرستاده‌اند و آثارشان را می‌نویسیم و هر چیزی را در (کتاب و) پیشوایی روشن برشمرده‌ایم. (۱۳) برای آنها اصحاب قریه را مثال بزن که فرستادگان خدا به سوی آنها آمدند. (۱۴) آن گاه که دو نفر (از پیامبران خود) را به سوی آنان فرستادیم، پس تکذیبشان کردند، سپس با شخص سوّمی (آن دو را) تأیید کردیم، پس

گفتند: همانا ما (از طرف خدا) به سوی شما فرستاده شده‌ایم. (۱۵) کفار گفتند: شما جز بشری مثل ما نیستید و خدای رحمان چیزی (بر شما) نازل نکرده است، شما جز دروغ نمی‌گویید. (۱۶) پیامبران گفتند: پروردگار ما می‌داند که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم. (۱۷) و بر ما، جز تبلیغ آشکار و روشن، وظیفه‌ی دیگری نیست. (۱۸) (کفار به انبیا) گفتند: ما (حضور) شما را به فال بد گرفته‌ایم (وجود شما شوم است و مایه‌ی بدبختی ما) و اگر از حرفتان دست بردارید قطعاً شما را طرد خواهیم کرد و از طرف ما عذاب دردناکی به شما خواهد رسید. (۱۹) (انبیا در پاسخ) گفتند: شومی شما از خود شماست، آیا اگر پند داده شدید (باید فال بد بزنید)؟ بلکه شما قومی اسرافکارید. (۲۰) و از دورترین منطقه شهر، مردی با شتاب آمد (و) گفت: ای قوم من! از این انبیا پیروی کنید. (۲۱) از کسانی که پاداشی درخواست نمی‌کنند و خود هدایت یافته‌اند پیروی کنید. (۲۲) و چیست مرا که نپرستم آنکه مرا آفریده است و همگی به سوی او بازگشت داده می‌شوید. (۲۳) آیا به جای او خدایانی را برگزینیم که اگر خداوند رحمان اراده‌ی گزندی به من نماید، شفاعت آنها کمترین سودی برای من ندارد و مرا نمی‌رهانند؟ (۲۴) در این صورت من در گمراهی آشکاری خواهم بود. (۲۵) (ای مردم! بدانید) من به پروردگارتان ایمان آوردم، پس (شما نیز سخن مرا) بشنوید (و ایمان آورید). (۲۶) (سرانجام او را شهید کردند) به او گفته شد: به بهشت وارد شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند. (۲۷) که پروردگارم مرا بخشید و از گرامی داشتگان قرارم داد. (۲۸) و ما بعد از (شهادت آن مرد خدا) هیچ لشگری از آسمان برای هلاک قوم او نفرستادیم و اصولاً سنت ما قبل از این هم چنین نبود (که برای عذاب اهل زمین سپاهی از آسمان بفرستیم). (۲۹) تنها یک صیحه (آسمانی، صیحه‌ای تکان دهنده و مرگبار که) ناگهان همگی خاموش شدند. (۳۰) ای دریغ بر بندگان! که هیچ پیامبری بر آنان نیامد مگر آن که او را به استهزا گرفتند. (۳۱) آیا ندیدند چه بسیار نسل‌هایی را که قبل از آنان هلاک کردیم و آنان به سوی این کفار بر نمی‌گردند؟ (۳۲) و همگی نزد ما احضار می‌شوند. (۳۳) و زمین مرده که ما آن را زنده کردیم و دانه‌ای از آن خارج ساختیم که از آن می‌خورند، برای آنان نشانه‌ای است (بر امکان معاد). (۳۴) و در آن، باغ‌هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشمه‌ها شکافته و روان ساختیم. (۳۵) تا از میوه‌ی آن و آن چه دستانشان به عمل آورده است، بخورند، پس چرا سپاسگزاری نمی‌کنند؟ (۳۶) منزه است خدایی که تمام زوج‌ها را آفرید، از آن چه زمین می‌رویاند و از خود مردم و از آن چه نمی‌دانند. (۳۷) و نشانه‌ای (دیگر) برای آنان شب است که ما روز را (مانند پوست) از آن برمی‌کنیم، پس در تاریکی فرو می‌روند. (۳۸) و خورشید به (سوی) قرارگاه خود روان است، آن نظام تقدیر خداوند عزیز داناست. (۳۹) و برای ماه نیز منزلگاه‌هایی معین کرده‌ایم، تا همچون شاخه کهنه‌ی خرما برگردد. (۴۰) نه خورشید را سزاست که به ماه رسد و نه شب را سزد که بر روز پیشی گیرد هر کدام در سپهر و مدار معینی شناورند. (۴۱) و نشانه‌ای (دیگر) برای آنان، آن است که ما فرزندان‌شان را در کشتی‌های پر از بار سوار کردیم. (۴۲) و برای آنان مرکب‌های دیگری مانند همان آن، (از قبیل اسب و شتر...) آفریدیم. (۴۳) و اگر بخواهیم آنان را غرق می‌کنیم، به گونه‌ای که نه فریادرسی برایشان باشد و نه (از دریا) نجات داده شوند. (۴۴) مگر آنکه بار دیگر رحمت ما شامل حالشان شود و تا مدتی (دیگر از زندگی) برخوردار باشند. (۴۵) و هرگاه به آنان گفته شود از (مجازات دنیا) که پیش روی شماست و از (مجازات آخرت) که به دنبال شماست پروا کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید (اعراض می‌کنند). (۴۶) و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان برای آنان نمی‌آید مگر آن که از آنها روی گردانند. (۴۷) و هرگاه به آنان گفته شود: از آن چه خداوند رزوی شما کرده بخشش کنید، کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا به کسانی غذا دهیم که اگر خداوند می‌خواست خودش به آنها غذا می‌داد؟ شما در گمراهی آشکاری هستید. (۴۸) (کفار) می‌گویند: اگر راست می‌گوئید، این وعده (قیامت) چه وقت فرامی‌رسد؟ (۴۹) آنان جز یک صیحه (مرگبار) را انتظار نمی‌کشند که آنان را فرا خواهد گرفت، در حالی که به مخاصمه و جدال سرگرمند. (۵۰) پس در آن حال، نه توان وصییتی دارند و نه می‌توانند به سوی خانواده‌هایشان باز گردند. (۵۱) و در صور دمیده شود، پس ناگاه آنان از گورها (برخاسته)، شتابان به سوی پروردگارشان می‌آیند. (۵۲) گویند: وای بر ما، چه کسی ما را

از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان است که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند. (۵۳) (آری)، جز یک بانگ نبود که ناگهان همگی نزد ما احضار شدند. (۵۴) پس در چنین روزی بر هیچ کس ستمی نمی‌شود، و جز آن چه عمل کردید جزایی داده نمی‌شوید. (۵۵) بی‌شک اهل بهشت در آن روز به خوشی مشغولند. (۵۶) آنان و همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تخت‌های زینتی تکیه می‌زنند. (۵۷) در آن جا (هر گونه) میوه برای آنان مهیا است و هر آن چه بخواهند برایشان موجود است. (۵۸) سلام، سخن پروردگار مهربان به آنان است. (۵۹) و (گفته می‌شود) ای گناهکاران و مجرمین! امروز (از نیکوکاران) جدا شوید. (۶۰) ای فرزندان آدم! مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را اطاعت نکنید که همانا او برای شما دشمنی آشکار است. (۶۱) و تنها مرا بپرستید، که راه مستقیم همین است. (۶۲) اما شیطان گروه زیادی از شما را گمراه کرد، پس چرا تعقل نمی‌کردید؟ (۶۳) این همان جهنمی است که به شما وعده داده می‌شد. (۶۴) امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید، به آتش آن بسوزید. (۶۵) امروز بر دهانشان مهر می‌نهم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان به آن چه کسب کرده‌اند گواهی می‌دهند. (۶۶) و اگر بخواهیم فروغ دیدگان‌شان را محو می‌کنیم، پس آنگاه که در راه سبقت می‌گیرند، چگونه خواهند دید؟ (۶۷) و اگر بخواهیم آنان را در جای خود مسخ می‌کنیم (و به مجسمه‌هایی بی‌روح مبدل می‌سازیم)، به گونه‌ای که نه بتوانند به راه خود ادامه دهند و نه بر گردند. (۶۸) و هر که را طول عمر دهیم، او را در آفرینش واژگونه می‌کنیم. (حافظه‌اش به فراموشی سپرده می‌شود، قدرتش به ضعف می‌گراید و قامتش خم می‌گردد) آیا تعقل نمی‌کنند؟ (۶۹) و ما به او (پیامبر) شعر نیاموختیم و سزاوار او نیز نیست، آن (چه به او آموختیم) جز مایه‌ی ذکر و قرآن روشن نیست. (۷۰) (این قرآن برای آن است که) تا هر کس زنده (دل) است، هشدارش دهد و (حجت را بر کافران تمام کند) و گفتار خدا درباره آنان محقق گردد. (۷۱) آیا ندیدند که ما از آن چه با قدرت خود به عمل آوردیم برای آنان چهارپایانی آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ (۷۲) و چهارپایان را برای آنان رام کردیم، از برخی سواری می‌گیرند و از برخی تغذیه می‌کنند. (۷۳) و در آنها بهره‌های دیگری نیز (از قبیل پشم و کرک) و نوشیدنی‌ها برای مردم است. پس چرا (با این حال) سپاس نمی‌گزارند؟! (۷۴) و به جای خداوند (یگانه) خدایانی را (به پرستش) گرفتند، به این امید که یاری شوند. (۷۵) (در حالی که آن خدایان، توان یاری آنان را ندارند و اینها (در قیامت) به عنوان لشکر بت‌ها احضار می‌شوند. (۷۶) پس سخنان مشرکان تو را محزون نکند، ما آن چه را پنهان می‌دارند و آن چه را آشکار می‌کنند می‌دانیم. (۷۷) آیا انسان ندید (و نیاندیشید) که ما او را از نطفه‌ای (بی‌مقدار) آفریدیم؟ پس اینک ستیزه‌جویی آشکار شده است. (۷۸) و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: چه کسی این استخوان‌ها را در حالی که پوسیده است زنده خواهد کرد؟ (۷۹) (به او) بگو: همان کسی که بار اول آن را آفرید، (بار دیگر) آن را زنده خواهد کرد و او بر هر آفریده‌ای آگاه است. (۸۰) (اوست) آن که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید پس هر گاه بخواهید از آن آتش می‌افروزید. (۸۱) آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، توانا نیست که مثل آنها را بیافریند؟ آری، (می‌تواند) و او آفریدگار بسیار داناست. (۸۲) چون چیزی را اراده کند، فرمانش این است که بگوید: «باش» پس بی‌درنگ موجود می‌شود. (۸۳) پس منزّه است کسی که حاکمیت و مالکیت همه چیزی به دست اوست و به سوی او باز گردانده می‌شود. (۸۴)

الفاظ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) سوگند به صف بستگان (در صفوفی منظم) صف بستنی. (۲) پس بازمی‌دارند (از معاصی و وسوسه‌ها) باز داشتنی. (۳) همانان که پی در پی ذکر خدا (کتاب آسمانی) را تلاوت می‌کنند. (۴) بی‌شک که معبود شما یکتاست. (۵) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است و پروردگار مشرق‌ها (و مغرب‌ها). (۶) ما آسمان زیرین را به زیور ستارگان آراستیم. (۷) و (آن را) از هر شیطان متمرد و سرکشی محفوظ داشتیم. (۸) آن‌ها نمی‌توانند به (اسرار) عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سو به آنها (شهاب) پرتاب می‌شود. (۹) تا رانده شوند و برای آن‌ها عذابی پابنده است. (۱۰) مگر آنکه شیطانی (به

آسمان بالا رود و) به سرعت خبری را برآید که شهاب و شراره‌ای نافذ او را دنبال (و نابود) کند. (۱۱) پس از آنان نظر بخواه که آفرینش آنان سخت‌تر است یا کسانی که ما در آسمانها و زمین آفریدیم؟ ما آنان را از گلی چسبنده آفریدیم. (۱۲) بلکه تو (از افکار آنان) تعجب می‌کنی و آنان (تو را) مسخره می‌کنند. (۱۳) و هرگاه اندرز داده شوند پند نمی‌گیرند. (۱۴) و هرگاه معجزه‌ای بینند، یکدیگر را به مسخره کردن دعوت می‌کنند. (۱۵) و می‌گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۶) (می‌گویند): آیا چون مردیم و خاک و استخوان (پوسیده) شدیم آیا (دوباره) برانگیخته خواهیم شد؟! (۱۷) و آیا پدران گذشته‌ی ما نیز (زنده خواهند شد)؟ (۱۸) بگو: آری (همه زنده می‌شوید) در حالی که خوار و کوچک خواهید بود. (۱۹) همانا قیامت با یک صیحه است، پس آن‌گاه آنان (صحنه قیامت را) خواهند دید. (۲۰) و گویند: وای بر ما این روز جزاست. (۲۱) (به آنها گفته می‌شود): این همان روز جدایی (حق از باطل) است که دائماً آن را تکذیب می‌کردید. (۲۲) (خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد): ستمکاران و هم‌ردیفان آنان و آن چه را به جای خداوند می‌پرستیدند (در یک جا) گرد آورید. (۲۳) پس همه را به راه دوزخ راهنمایی کنید. (۲۴) آنان را متوقف کنید، زیرا که آنان مورد سؤال و بازخواست هستند. (۲۵) (به آنان گفته می‌شود): چه شد که امروز یکدیگر را یاری نمی‌کنید. (۲۶) (آری، نمی‌توانند یکدیگر را یاری کنند) بلکه آنان امروز کاملاً تسلیم (قدرت خدا) هستند. (۲۷) و بعضی از آنان به بعضی دیگر روی کرده و از یکدیگر می‌پرسند. (۲۸) (پیروان به رهبران) گویند: بی‌شک شما بودید که از روی قهر و غلبه (برای گرایش ما به کفر و شرک) به سراغ ما می‌آمدید. (۲۹) (گروه دیگر در پاسخ) گویند: (این چنین نیست) بلکه شما خود اهل ایمان نبودید. (۳۰) و ما را بر شما سلطه و غلبه‌ای نبود بلکه شما خود گروهی سرکش بودید. (۳۱) پس وعده (عذاب) پروردگاران بر ما محقق شد و بدون شک ما چشندگان عذابیم. (۳۲) پس ما شما را گمراه کردیم (امّا نه با قهر) زیرا که ما خود نیز منحرف بودیم. (۳۳) پس آنان در آن روز، در عذاب الهی مشترکند. (۳۴) همانا ما با مجرمان این گونه رفتار می‌کنیم. (۳۵) آنان که هرگاه برایشان «لا-اله الا الله» گفته می‌شد، تکبر می‌ورزیدند. (۳۶) و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعری دیوانه خدایانمان را رها کنیم؟ (۳۷) (هرگز چنین نیست) بلکه او حق آورده و انبیا (پیشین) را تصدیق نموده است. (۳۸) شما (نیز به خاطر این روحیه‌ی استکباری و تهمت‌ها و لجاجت‌ها) عذاب دردناک الهی را خواهید چشید. (۳۹) و جز آن چه انجام داده‌اید، کیفر نمی‌بینید. (۴۰) مگر بندگان خالص شده‌ی خدا (که از کیفر برکنارند). (۴۱) آنانند که برایشان رزق معلوم است. (۴۲) انواع میوه‌ها و آنان مورد احترامند. (۴۳) در باغ‌های پر نعمت (بهشت). (۴۴) بر تخت‌هایی در برابر یکدیگر (تکیه زده‌اند). (۴۵) و از نهر جاری (جامی از شراب) بر آنان می‌گردانند، (۴۶) شرابی سفید رنگ و لذت‌بخش برای نوشندگان. (۴۷) (شرابی که) نه مایه‌ی فساد عقل است و نه آنان از نوشیدن آن مست می‌شوند. (۴۸) و نزدشان همسرانی است درشت چشم که چشم از غیر فرو بندند. (۴۹) گویی (از شدت سفیدی) تخم مرغانی هستند پوشیده و پنهان. (۵۰) پس بعضی از آنان بر بعضی روی کرده و از یکدیگر سؤال می‌کنند. (۵۱) یکی از آنان گوید: مرا در دنیا همنشینی بود. (۵۲) که پیوسته می‌گفت: آیا تو از باوردارندگان (قیامت) هستی؟ (۵۳) آیا هرگاه مردیم و خاک و استخوان شدیم (دوباره زنده شده و) جزا داده خواهیم شد؟ (۵۴) گوید: آیا شما (بهشتیان) می‌توانید (بر حال او) اطلاع یابید؟ (۵۵) پس از حال او اطلاع می‌یابد، پس او را در میان دوزخ می‌بیند. (۵۶) (فرد بهشتی به دوزخی) گوید: به خدا سوگند نزدیک بود که مرا به نابودی کشانی. (۵۷) و اگر نعمت (و لطف) پروردگرم نبود قطعاً من از احضار شدگان (در دوزخ) بودم. (۵۸) (اهل بهشت از شدت شادی به یکدیگر می‌گویند): آیا ما دیگر نمی‌میریم؟ (۵۹) مگر همان مرگ اولی (که گذشت) و ما دیگر عذاب نخواهیم شد؟ (۶۰) قطعاً این (نعمت‌های ابدی) رستگاری بزرگی است (که نصیب ما شده). (۶۱) باید اهل عمل برای چنین جایگاهی کار کنند. (۶۲) آیا آن (نعمت‌های بهشتی) برای پذیرایی بهتر است یا درخت زقوم؟ (۶۳) همانا ما درخت زقوم را وسیله‌ی شکنجه و درد و رنج ستمگران قرار داده‌ایم. (۶۴) همانا این درخت از عمق دوزخ می‌روید. (۶۵) خوشه‌ها و شکوفه‌ی آن مانند سرهای شیاطین است. (۶۶) پس دوزخیان از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند. (۶۷) سپس بر روی آن (غذا) مخلوطی از آب جوشان و سوزنده برای آنان

خواهد بود. (۶۸) پس بازگشت آنان به سوی دوزخ است. (۶۹) آنان پدران خویش را گمراه یافتند. (۷۰) امّا با این حال، در پی آنان شتابان می‌دوند. (۷۱) بی‌گمان قبل از آنان، اکثر پیشینیان (نیز) گمراه شدند. (۷۲) و قطعاً ما در میانشان بیم‌دهندگان فرستادیم. (۷۳) پس (اینک) بنگر که سرانجام هشدار داده شدگان چگونه بود. (۷۴) (که همه آنان هلاک شدند) به استثنای بندگان خالص شده خدا. (۷۵) و همانا نوح، ما را (به فریاد رسی) ندا داد، (و ندای او را اجابت کردیم) پس چه خوب پاسخ دهنده‌ای هستی. (۷۶) و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم. (۷۷) و (تنها) نسل او را باقی گذاشتیم. (۷۸) و در میان آیندگان برای او (مدح و ثنا) به جا گذاشتیم. (۷۹) در میان جهانیان بر نوح سلام باد. (۸۰) همانا ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم. (۸۱) به راستی که او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۲) سپس دیگران را غرق کردیم. (۸۳) و بی‌گمان، ابراهیم از پیروان نوح بود. (۸۴) آن گاه که با دلی سلیم و سالم (از هر عیب) به پیشگاه پروردگارش آمد. (۸۵) آن گاه که به پدر (سرپرست) و قوم خویش گفت: این (بت‌ها) چیست که می‌پرستید؟ (۸۶) آیا به دروغ معبودهای دیگری غیر از خداوند می‌خواهید. (۸۷) پس گمان شما به پروردگار جهانیان چیست (که غیر او را می‌پرستید)؟ (۸۸) پس نگاه خاصی به ستارگان کرد. (۸۹) و گفت: من بیمارم (و نمی‌توانم در مراسم عید شما شرکت کنم). (۹۰) پس مردم از او روی گردانده برگشتند. (۹۱) پس پنهانی به سراغ خدایان آنان (در بت‌خانه) رفت و (با تمسخر) گفت: چرا غذا نمی‌خورید؟ (۹۲) شما را چه شده، چرا سخن نمی‌گویید؟ (۹۳) پس (دور از چشم مردم) به سراغ بت‌ها رفت و با قدرت ضربه محکمی بر آنها فرود آورد (و خردشان کرد). (۹۴) پس مردم شتابان به سوی او روی آوردند (و اعتراض کردند). (۹۵) (ابراهیم) گفت: آیا آن چه را خود می‌تراشید می‌پرستید؟ (۹۶) در حالی که خداوند شما و آن چه را انجام می‌دهید (و می‌سازید) آفریده است. (۹۷) گفتند: برای (کیفر) او بنیانی به پا کنید (همچون کوره) پس او را در آتش بیفکنید. (۹۸) پس خواستند برای (نابودی) ابراهیم به او نیرنگی زنند، ولی ما آنان را زیردست و مغلوب قرار دادیم (و نقشه‌ی آنها را بر آب کردیم). (۹۹) و (ابراهیم) گفت: من به سوی پروردگارم رهسپارم، او مرا راهنمایی خواهد کرد. (۱۰۰) پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش. (۱۰۱) پس ما او را به نوجوانی بردبار مژده دادیم. (۱۰۲) پس چون نوجوان در کار و کوشش به پای او رسید، پدر گفت: ای فرزندم! همانا در خواب (چنین) می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم پس بنگر که چه می‌بینی و نظرت چیست؟ فرزند گفت: ای پدر! آن چه را مأمور شده‌ای انجام ده که به زودی اگر خدا بخواهد مرا از صبرکنندگان خواهی یافت. (۱۰۳) پس چون هر دو تسلیم (فرمان) ما شدند و ابراهیم، گونه‌ی فرزند را بر خاک نهاد (تا ذبحش کند)، (۱۰۴) او را ندا دادیم که ای ابراهیم! (۱۰۵) حقّاً که رؤیایت را تحقق بخشیدی (و امر ما را اطاعت کردی)، همانا ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم (و نیت عمل خیر آنان را به جای عمل قبول می‌کنیم). (۱۰۶) همانا این همان آزمایش آشکار بود. (۱۰۷) و ما قربانی بزرگی را فدای او کردیم. (۱۰۸) و در میان آیندگان برای او (نام نیک) به جا گذاشتیم. (۱۰۹) درود و سلام بر ابراهیم. (۱۱۰) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (که برای آنان مدح و ثنا به جا می‌گذاریم). (۱۱۱) همانا او از بندگان مؤمن ماست. (۱۱۲) و او را به اسحاق که پیامبری از شایستگان بود مژده دادیم. (۱۱۳) و بر ابراهیم و اسحاق برکت و خیر بسیار عطا کردیم و از نسل آن دو (برخی) نیکوکار و (برخی) آشکارا به خود ستمکار بودند. (۱۱۴) و به راستی ما بر موسی و هارون منت نهادیم. (۱۱۵) و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم. (۱۱۶) و آنان را یاری کردیم، پس غالب آمدند (و پیروز شدند). (۱۱۷) و به آن دو کتاب روشننگر دادیم. (۱۱۸) و آن دو را به راه راست هدایت کردیم. (۱۱۹) و برای آن دو در میان آیندگان (نام نیک) باقی گذاشتیم. (۱۲۰) سلام بر موسی و هارون. (۱۲۱) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۱۲۲) همانا آن دو از بندگان مؤمن ما بودند. (۱۲۳) و به راستی الیاس از فرستادگان ما بود. (۱۲۴) آن گاه که به قوم خود گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟ (۱۲۵) آیا (بت) بعل را می‌خوانید و بهترین آفریدگار را رها می‌کنید؟ (۱۲۶) خدایی که پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست؟! (۱۲۷) پس او را تکذیب کردند و بدون شک آنان (در دوزخ) احضار خواهند شد. (۱۲۸) به جز بندگان برگزیده‌ی خدا. (۱۲۹) و برای او در میان آیندگان (نام نیک) بر جای

گذاشتیم. (۱۳۰) سلام و درود بر الیاس. (۱۳۱) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۱۳۲) همانا او از بندگان مؤمن ماست. (۱۳۳) و همانا لوط یکی از فرستادگان است. (۱۳۴) آن گاه که او و همه‌ی خانواده‌اش را (از قهر خود) نجات دادیم. (۱۳۵) جز پیرزنی که در میان باقی ماندگان (جزء هلاک شدگان) بود. (۱۳۶) سپس باقی را نابود کردیم. (۱۳۷) و همانا شما صبحگاهان بر آثار آنان می گذرید. (۱۳۸) (و نیز) شامگاهان؛ پس آیا عقل خود را بکار نمی گیرید. (۱۳۹) و همانا یونس از فرستادگان است. (۱۴۰) آن گاه که (از قوم خود) فرار کرد (و) به سوی کشتی پر (از بار و مسافر شتافت. کشتی به خطر افتاد و بنا شد بر اساس قرعه، افرادی به دریا افکنده شوند). (۱۴۱) پس یونس با مسافران کشتی قرعه انداخت و از بازندگان شد. (۱۴۲) پس (او را به دریا افکندند و) ماهی بزرگی او را بلعید. او خود را سرزنش می کرد (و در شکم ماهی به تسبیح خداوند پرداخت). (۱۴۳) پس اگر از تسبیح گویان نبود، (۱۴۴) تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند. (۱۴۵) پس او را در حالی که بیمار بود به زمین خشکی افکندیم. (۱۴۶) و بر او بته‌ای از کدو رویاندیم. (۱۴۷) و او را (پس از بهبودی) به سوی یکصد هزار نفر بلکه یا بیش تر فرستادیم. (۱۴۸) پس ایمان آوردند و تا مدتی آنان را کامیاب و بهره‌مند کردیم. (۱۴۹) (می گویند: ملائکه دختران خدا هستند) پس از آنان سؤال کن: آیا دختران برای پروردگارت و پسران برای آنان است؟! (۱۵۰) یا ما فرشتگان را زن آفریدیم و آنان ناظر بودند؟! (۱۵۱) آگاه باشید که آنان از سر تهمت می گویند: «خدا فرزند آورده!»! و البته آنان دروغ گویند. (۱۵۳) آیا خداوند دختران را بر پسران برگزیده است؟! (۱۵۴) شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟! (۱۵۵) پس آیا پند نمی گیرید؟! (۱۵۶) آیا برای شما (در این عقاید باطل) دلیل روشنی است؟! (۱۵۷) پس اگر راست می گوید کتاب (و سند) تان را بیاورید. (۱۵۸) و (گفتند: خدا از جنیان همسر گرفته است و) میان خدا و جن نسبتی قائل شدند در حالی که جنیان به خوبی می دانند آنها (برای حساب پس دادن) احضار خواهند شد. (۱۵۹) خداوند از آن چه آنان می گویند، منزّه است. (۱۶۰) جز بندگان برگزیده‌ی خدا (که او را به شایستگی توصیف می کنند). (۱۶۱) همانا شما (بت پرستان) و آنچه می پرستید. (۱۶۲) هرگز نمی توانید (دیگران را فریب دهید و) بر ضد خداوند گمراه کنید. (۱۶۳) مگر کسی که خودش (با اراده و اختیار) به دنبال دوزخ باشد. (۱۶۴) (فرشتگان گویند:) و هیچ کس از ما نیست مگر آن که برای او (مرتب و) جایگاهی معین است. (۱۶۵) و این ما هستیم که (برای اطاعت فرمان خداوند) صف کشیده‌ایم. (۱۶۶) و این مائیم که تسبیح گوی خدایم. (۱۶۷) (مشرکان) پیوسته و با تأکید می گفتند. (۱۶۸) اگر پندنامه‌ای از نوع (کتاب‌های) پیشینیان نزد ما بود، (۱۶۹) ما نیز حتماً از بندگان برگزیده‌ی خدا بودیم. (۱۷۰) (ولی همین که قرآن برای آنان آمد) پس به آن کفر ورزیدند و به زودی (نتیجه‌ی کفر خود را) خواهند دانست. (۱۷۱) و بی‌شک فرمان ما برای بندگانی که به رسالت فرستاده شده‌اند از پیش معین شده است. (۱۷۲) همانا ایشانند که پیروزند. (۱۷۳) و همانا سپاه ماست که پیروز است. (۱۷۴) پس تا مدتی (معین از کفار) روی بگردان. (۱۷۵) و عناد و لجاجت) آنان را بنگر، پس به زودی (کیفر عنادشان را) خواهند دید. (۱۷۶) پس آیا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند؟! (۱۷۷) پس هرگاه (عذاب ما) به آستانه آنان فرود آید، اخطار شدگان چه بد صبحگاهی خواهند داشت. (۱۷۸) و تا مدتی از آنان روی بگردان. (۱۷۹) و بنگر، پس به زودی خواهند دید (که عاقبتشان چه می شود). (۱۸۰) پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزیز، از آن چه درباره‌ی او (می پندارند و) توصیف می کنند. (۱۸۱) و سلام بر همه‌ی فرستادگان. (۱۸۲) و سپاس و ستایش برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۱۸۳)

ص

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) صاد، به قرآن پندآموز سوگند. (۲) آری، کسانی که کفر ورزیدند، در سرکشی سخت و مخالفت شدیدی هستند. (۳) چه بسیار اقوام پیش از اینان که (به خاطر کفر و نفاق) هلاکشان کردیم، پس فریاد زدند، لکن (چه سود) که زمان، زمان فرار نبود. (۴) و تعجب کردند که هشدار دهنده‌ای از خودشان به سراغشان آمده و کافران گفتند: این،

جادوگری دروغگو است. (۵) آیا او به جای معبودهای متعدّد، یک معبود قرار داده است؟ البتّه که این، چیزی بسیار عجیب است! (۶) سردمداران کفر، (سخن پیامبر) را رها کردند (و به دیگران نیز گفتند): بروید و بر پرستش خدایان خود پایدار بمانید که این مقاومت شما چیز مطلوبی است. (۷) ما این مطالب را در آیین اخیر (نیاکان یا آیین مسیحیت) نشنیده‌ایم، این آیین جز آیینی ساختگی نیست. (۸) آیا از میان همه‌ی ما، قرآن بر او نازل شده است؟ (این حرف‌ها بهانه‌ای بیش نیست) بلکه آنان نسبت به قرآن، در شک هستند. آری، آنان هنوز عذاب مرا نچشیده‌اند. (۹) مگر گنجینه‌های رحمت پروردگار عزیز و بخشنده‌ی تو در اختیار آنان است (تا وحی بر افرادی که آنان می‌خواهند نازل شود)؟ (۱۰) یا حکومت آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آنهاست، از ایشان است؟ پس به وسیله‌ی امکاناتی که دارند بالا روند (و رشته کار را بدست گیرند و از نزول وحی بر کسی که ما می‌خواهیم جلوگیری کنند). (۱۱) آنان لشگر کوچکی از احزاب شکست خورده‌اند (که از حقیقت دورند و بهانه می‌گیرند). (۱۲) پیش از این کفّار (مکه نیز)، قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت، انبیا را تکذیب کردند. (۱۳) (همان گونه که) قوم ثمود و لوط و اصحاب بیشه (که قوم حضرت شعیب بودند) آنان نیز احزابی بودند (که انبیا را تکذیب کردند). (۱۴) هر یک از این گروه‌ها، رسولان را تکذیب کردند و عذاب الهی در مورد آنان تحقق یافت. (۱۵) گویا این کفّار جز صیحه‌ای هلاکت بار که به دنبالش هیچ آرامش و آسایشی برای آنان نیست انتظار ندارند. (۱۶) و (لذا با تمسخر و غرور) گفتند: «پروردگارا! سهم ما را (از عذاب) هرچه زودتر قبل از روز قیامت به ما بده». (۱۷) (ای پیامبر!) بر آن چه می‌گویند شکبیا باش و بنده‌ی ما داود را یاد کن که صاحب قدرت بود، اما با این حال، همواره روی به سوی درگاه ما داشت. (۱۸) همانا ما کوه‌ها را رام کردیم تا شامگاهان و بامدادان، همراه او تسبیح گویند. (۱۹) و پرندگان را (نیز) گرد آورده (و تسخیر او کردیم) تا همگی به داود رجوع کنند (و در ذکر خدا با او هماهنگ گردند). (۲۰) و فرمانروایی و حکومت او را استوار داشتیم و به او حکمت و داوری عادلانه و فیصله بخش دادیم. (۲۱) و آیا ماجرای آن دادخواهان که از دیوار محراب (داود) بالا رفتند به تو رسیده است؟ (۲۲) آن گاه که (ناگهانی) بر او وارد شدند و او از (مشاهده‌ی) آنان به هراس افتاد. شاکیان گفتند: نترس، ما دو نفر درگیر شده‌ایم و یکی از ما بر دیگری تعدی نموده است، پس بین ما به حق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست راهنمایی فرما». (۲۳) این برادر من است که برای او نود و نه میش و برای من تنها یک میش است، اما (با آن همه سرمایه به من) می‌گوید: آن یک میش را هم به من واگذار و در گفتگو بر من غلبه نموده است. (۲۴) (داود) گفت: حقّاً که او با درخواست افزودن میش تو به میش‌های خودش به تو ستم کرده است و البتّه بسیاری از شریکان، بعضی بر بعضی ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام می‌دهند و آنان کم هستند و داود متوجّه شد که ما او را (با این صحنه و طرح نزاع) آزمایش کردیم، پس، (از قضاوت خود قبل از شنیدن سخن طرف مقابل پشیمان شد و) از پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع در افتاد و توبه و انابه کرد. (۲۵) پس ما آن (قضاوت عجولانه) را بر او بخشیدیم و البتّه برای او در نزد ما مقام قرب و عاقبت نیک است. (۲۶) ای داود! همانا ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هواها و هوس‌ها پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند. البتّه کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند برایشان عذاب سختی است به خاطر آن که روز قیامت را فراموش کردند. (۲۷) و ما آسمان و زمین و آن چه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم، این، پندار کسانی است که کفر ورزیدند، پس وای از آتش (دوزخ) بر کسانی که کافر شدند! (۲۸) آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند همانند فسادگران در زمین قرار می‌دهیم، یا اهل تقوا را مانند فاجران قرار می‌دهیم؟ (۲۹) (این) کتاب مبارکی است که به سوی تو فرو فرستادیم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان پند گیرند. (۳۰) و ما به داود سلیمان را بخشیدیم، او بنده‌ی خوبی بود، زیرا که بسیار به درگاه ما روی می‌آورد. (۳۱) آن گاه که عصرگاهان اسبان چابک تندرو بر سلیمان عرضه شد (و او مشغول سان دیدن بود). (۳۲) پس گفت: من این اسبان را به خاطر پروردگارم (و برای جهاد با کفّار) دوست دارم، (سان دیدن ادامه داشت) تا آنکه اسبان از دیدگان او پنهان شدند. (۳۳) (پس دستور داد که) اسبان را نزد من باز گردانید (تا بار دیگر آنها را ببینم) پس شروع کرد

(به نوازش کردن اسبان و) تا ساق‌ها و گردن‌های اسبان را دست می‌کشید. (۳۴) و به راستی ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم پس به درگاه خدا انابه و توبه کرد. (۳۵) و گفت: پروردگارا! مرا پیامرز و به من فرمانروایی و ملکی عطا کن که پس از من سزاوار هیچ کس نباشد، همانا تو بسیار بخشنده‌ای. (۳۶) پس ما باد را مسخر او ساختیم که به فرمان او هر کجا می‌خواهد به نرمی و آرامی حرکت کند. (۳۷) و شیاطین را (مسخر او ساختیم) هر بنا و عوایسی از آنها را. (۳۸) و گروه دیگری از شیاطین که در غل و زنجیر (و تحت سلطه‌ی او) بودند. (۳۹) (گفتیم): این بخشش بی حساب ماست، به هر کس می‌خواهی ببخش یا امساک کن. (۴۰) و برای او نزد ما مقامی شایسته و سرانجامی نیک است. (۴۱) و بنده‌ی ما ایوب را یاد کن، آن گاه که پروردگارش را ندا داد که: شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (۴۲) (به او گفتیم): پای خود را بر زمین بزن (تا از زیر پای تو چشمه‌ای جاری کنیم) این چشمه‌ی آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است. (۴۳) و ما بر اساس رحمت خویش خانواده‌اش را (که در اثر بیماری سخت و طولانی، از او جدا شده بودند) به او بخشیده و برگرداندیم و همانند آنها را به آنان افزودیم (و بستگانش را توسعه دادیم) تا برای خردمندان پندی باشد. (۴۴) (و او را از بن بست تعهدی که کرده بود نجات دادیم. او سوگند یاد کرده بود که به خاطر تخلف همسرش ضربه‌ای شلاق به او بزند لکن چون همسرش وفادار بود به او گفتیم): دسته‌ای از شاخه‌های نازک گیاه به دست خود بگیر و با آن بزن تا (بدن همسرت آزرده نشود) و سوگند را مشکن. ما ایوب را صابر یافتیم، چه بنده‌ی خوبی که بسیار توبه و انابه دارد. (۴۵) و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که دارای قوت و بصیرت بودند یاد کن. (۴۶) همانا ما آنان را با خلوص ویژه‌ای که یادآور سرای قیامت بود خالص کردیم. (۴۷) و آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان و نیکانند. (۴۸) و اسماعیل و یسوع و ذوالکفل را که همه از نیکانند یاد کن. (۴۹) این یاد (ما در دنیا از آنان) است و البته برای پرهیزکاران بازگشتگاهی نیکو (در قیامت) خواهد بود. (۵۰) باغ‌های جاودانه‌ای که دره‌ایش به روی آنان گشوده است. (۵۱) در آن جا (بر تخت‌ها) تکیه می‌زنند (و میوه‌های فراوان و نوشیدنی در آن جا طلب می‌کنند. (۵۲) و در کنارشان همسرانی است که به شوهرانشان چشم دوخته و هم‌سالند. (۵۳) این است آن چه برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود. (۵۴) این رزق ماست که برای آن پایانی نیست. (۵۵) این (پاداش بهشتیان) و البته برای طغیانگران بازگشت‌گاه بدی است. (۵۶) دوزخی که در آن وارد می‌شوند، چه بد آرامگاهی است. (۵۷) این آب داغ و چرکابی است که باید آن را بچشند. (۵۸) و (جز این‌ها) کیفرهای دیگری از همان نوع برای آنان است. (۵۹) (به سران دوزخی گفته می‌شود): این‌ها گروهی (از پیروان شما) هستند که همراه شما وارد می‌شوند، (آنها می‌گویند): خوش آمدی برای آنان نیست، زیرا که آنان وارد دوزخ شدند. (۶۰) (آنان به رهبران و پیش کسوتان خود) گویند: بلکه خوش آمد بر شما مباد که شما این عذاب را برای ما پیش فرستادید، پس چه جایگاه بدی است. (۶۱) گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، پس در آتش عذاب او دو برابر بیفزاید.» (۶۲) و گویند: چرا مردانی را که ما آنان را از اشرار می‌شمردیم (در این جا) نمی‌بینیم؟ (۶۳) آیا ما (به ناحق) آنان را به مسخره می‌گرفتیم (و امروز اهل بهشتند، یا آنکه در جهنم هستند) و چشمان ما به آنها نمی‌افتد. (۶۴) همانا مجادله‌ی اهل آتش یک واقعیت است. (۶۵) بگو: من فقط بیم دهنده‌ام و هیچ معبودی جز خداوند یکتای قهار و مقتدر نیست. (۶۶) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، نفوذناپذیر و بسیار آمرزنده. (۶۷) بگو: او خبر بزرگی است، (۶۸) که شما از او روی گردانید. (۶۹) برای من نسبت به عالم بالا هیچ آگاهی نبود، آن گاه که (درباره او با یکدیگر) مجادله می‌کردند. (۷۰) به من چیزی وحی نمی‌شود مگر از آن رو که من هشدار دهنده‌ای آشکارم. (۷۱) آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من آفریننده‌ی بشری از گل هستم. (۷۲) پس همین که او را نظام بخشیدم و از روح خود در او دمیدم، سجده‌کنان برای او به خاک افتید. (۷۳) پس فرشتگان همه با هم سجده کردند. (۷۴) مگر ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود. (۷۵) (خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چه چیز تو را مانع شد که برای موجودی که به داستان قدرت خویش خلق کردم سجده کنی؟ تکبر کردی یا از بلند مرتبه‌گانی؟!» (۷۶) ابلیس گفت: «من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل» (۷۷) خداوند فرمود: «پس از این در گاه بیرون شو که تو رانده شده‌ای. (۷۸) و همانا لعنت

من تا روز رستاخیز بر تو خواهد بود.» (۷۹) ابلیس گفت: «پروردگارا! پس مرا تا روزی که (خلایق) برانگیخته (و زنده) می شوند مهلت ده.» (۸۰) تا روز و زمانی معین. (۸۱) تا روز و زمانی معین. (۸۲) ابلیس گفت: به عزت تو سوگند که همه (ی مردم) را گمراه خواهم کرد. (۸۳) مگر بندگان تو آنان که خالص شده اند. (۸۴) (خداوند) فرمود: به حق سوگند و حق می گویم: (۸۵) که جهنم را از تو و تمام کسانی که از تو پیروی کنند پر خواهم کرد. (۸۶) (ای پیامبر! به مردم) بگو: من از شما (به خاطر رسالت) هیچ پاداشی طلب نمی کنم و من اهل تکلف نیستم. (۸۷) او جز تذکری برای جهانیان نیست. (۸۸) و خبرش را پس از مدتی خواهید دانست. (۸۹)

الزمر

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) نزول (تدریجی) کتاب (بر تو) از جانب خداوند عزیز حکیم است. (۲) همانا ما این کتاب (آسمانی) را به سوی تو به حق نازل کردیم، پس خدا را در حالی که دین خود را برای او خالص نموده ای عبادت کن. (۳) آگاه باشید که دین خالص مخصوص خداوند است و کسانی که به جای خداوند معبودهایی را برگزیدند (و در توجیه کار خود گفتند): ما آنها را نمی پرستیم مگر برای آن که ما را هر چه بیش تر به خدا نزدیک کنند، همانا خداوند درباره ی آن چه آنان بر سر آن اختلاف می کنند، میانشان داوری خواهد کرد. البته خداوند کسی را که دروغگویی کفران پیشه است هدایت نمی کند. (۴) اگر خداوند اراده کرده بود (برای خود) فرزندی بگیرد قطعاً از آن چه می آفریند، آن چه را می خواست برمی گزید. او منزّه است (از این که فرزندی داشته باشد) او خداوند یگانه ی پیروز است. (۵) او آسمانها و زمین را به حق آفرید. شب را بر روز و روز را بر شب درمی پیچد و خورشید و ماه را رام ساخت. هر یک تا مدتی معین در حرکتند، بدانید که او عزیز و بسیار آمرزنده است. (۶) او شما را از یک نفس آفرید، سپس جفتش را از همان نفس قرار داد و برای شما (از خزانه قدرت خود) از چهار پایان هشت زوج (نر و ماده ی گوسفند و بز و گاو و شتر) نازل کرد. او شما را در شکم های مادراتان و در تاریکی های سه گانه (گوشت و پوست و خون) آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر در مراحل گوناگون) می آفریند. این است خدایی که پروردگار شماست، حکومت برای اوست، جز او هیچ معبودی نیست، پس چگونه به بیراهه می روید؟ (۷) اگر کفران کنید، پس (بدانید) خداوند از شما بی نیاز است و برای بندگانش کفران را نمی پسندد. و اگر شکر گزار باشید آن را برای شما می پسندد و هیچ گناهکاری بار (گناه) دیگری را بر نمی دارد، سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، پس شما را به آن چه عمل می کردید خبر خواهد داد، همانا او به آن چه در سینه ها است بس آگاه است. (۸) و هر گاه به انسان آسیبی رسد پروردگارش را می خواند در حالی که (با توبه) به سوی او بازگشته است. امّا همین که خداوند از جانب خویش نعمت بزرگی به او دهد آن چه را (به خاطر رفع آن) قبلاً خدا را می خواند، فراموش می کند و برای خداوند همتیانی قرار می دهد تا (خود و دیگران را) از راه او منحرف سازد. بگو: «مدّت کمی را با کفر خود کامیاب باش که تو بدون شک از دوزخیانی.» (۹) آیا (چنین کسی بهتر است یا) آن کس که در طول شب در حال سجده و قیام به اطاعت مشغول است (و) از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟» تنها خردمندان متذکر می شوند (و پند می پذیرند). (۱۰) بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند نیکی است، و زمین خدا بزرگ است، (پس اگر در منطقه ای برای حفظ ایمان و تقوا و کار نیک در فشارید، هجرت نمایید). همانا صابران پاداش خود را بی حساب به طور کامل دریافت می دارند. (۱۱) بگو: «همانا من مأورم که خدا را بپرستم در حالی که دین را برای او خالص و پیراسته گردانیده ام. (۱۲) و فرمان یافته ام که اولین مسلمان باشم.» (۱۳) بگو: «البته اگر نسبت به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روز بزرگ بیم دارم.» (۱۴) بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص کرده ام. (۱۵) پس شما جز او هر چه را می خواهید بپرستید.» بگو: «همانا زیانکاران (واقعی) کسانی هستند که سرمایه ی وجودی خویش و بستگان شان را در قیامت از کف داده باشند، آگاه باش، این همان

زیان آشکار است» (۱۶). برای زیانکاران از بالای سرشان لایه‌هایی از آتش و از زیر پایشان نیز لایه‌هایی (از آتش) است. این غذایی است که خداوند بندگانش را به آن می‌ترساند. پس ای بندگان من! از من پروا کنید. (۱۷) و کسانی که از عبادت و بندگی طاغوت‌ها (و قدرت‌های ضد الهی) دوری نموده و به سوی خدا بازگشتند بر آنان مژده باد، پس بندگان مرا بشارت ده. (۱۸) آنان که سخن را با دقت می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنانند همان خردمندان. (۱۹) پس آیا کسی را که حکم عذاب بر او حتمی شده است (می‌توانی هدایت کنی؟) آیا تو می‌توانی کسی را که در آتش است رهایی بخشی؟ (۲۰) ولی کسانی که از پروردگارشان پروا دارند، برایشان غرفه‌هایی (در بهشت) است که بالای آن غرفه‌ها، غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است، (این)، وعده‌ی الهی است و خداوند در وعده‌اش خلاف نمی‌کند. (۲۱) آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین راه داد، سپس با آن، زراعتی که رنگ‌های گوناگونی دارد بیرون می‌آورد، آن گاه آن کشت (و زراعت) با هیجان رشد می‌کند (تا آن که می‌خشکد) پس آن را زرد می‌بینی، سپس آن را به صورت کاه و خاشاک درمی‌آورد، همانا در این (تغییر و تحوّل) برای خردمندان پند و یادآوری است (که بدانند دنیا ناپایدار است). (۲۲) آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده است، پس او از طرف خداوند بر (فراز مرکبی از) نور است (مثل کسی است که در تنگنای تعصب و لجاجت و غرور است؟ نه) پس وای بر آنان که از سنگدلی یاد خدا نمی‌کنند. آنان در گمراهی آشکارند. (۲۳) خداوند بهترین سخن را در قالب کتابی نازل کرد (که آیاتش) متشابه (و مشابه یکدیگر است). از (تلاوت آیات) آن پوست کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند به لرزه می‌افتد، سپس (با ایمان و اُنس) به یاد خدا پوست‌ها و دل‌های آنان نرم و آرام می‌شود، این است هدایت خداوند که هر که را بخواهد به آن هدایت می‌کند و هر که را خداوند (به خاطر فسق و فسادش) گمراه نماید، پس هیچ هدایت‌کننده‌ای برای او نیست. (۲۴) پس آیا کسی که (با ایمان و عمل صالح) روی خود را از عذاب بد روز قیامت دور می‌سازد (مثل کسی است که از قهر الهی در قیامت غافل است؟) و (در آن روز) به ستمگران گفته می‌شود: «بچشید آن چه را کسب کرده‌اید.» (۲۵) کسانی که پیش از این کفار بودند (نیز پیامبران را) تکذیب کردند پس از طریقی که توجه نداشتند عذاب به سراغشان آمد. (۲۶) پس خداوند خواری و رسوایی در زندگی دنیا را به آنان چشاندید و قطعاً عذاب آخرت بزرگ‌تر است اگر معرفت داشتند. (۲۷) و همانا ما در این قرآن (برای هدایت مردم) از هر مثالی آوردیم، تا شاید متذکر شوند. (۲۸) قرآنی عربی (و فصیح)، بی‌هیچ کجی، شاید مردم پرهیزکار شوند. (۲۹) خداوند (برای توحید و شرک) مثلی زده است: بنده‌ای که چند مالک ناسازگار در مالکیت او شریک باشند (و دستورات متضاد به او بدهند) و بنده‌ای که تنها مطیع یک نفر است (و فقط از او دستور می‌گیرد) آیا این دو در مثل یکسانند؟ حمد و ستایش مخصوص خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۰) بدون شک تو خواهی مُرد و آنان (نیز) مردنی هستند. (۳۱) سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان به مخاصمه و جدال خواهید پرداخت. (۳۲) پس کیست ظالم‌تر از کسی که بر خداوند دروغ بست و چون سخن راست برایش آمد تکذیب نمود؟ آیا برای کافران در دوزخ جایگاهی نیست؟ (۳۳) و کسی که سخن راست آورد و آن را تصدیق کرد، آنانند همان تقوای پیشه‌گان. (۳۴) هر چه بخواهند برای آنان نزد پروردگارشان فراهم است، این است پاداش نیکوکاران. (۳۵) تا خداوند (در سایه‌ی ایمان و صداقت آنان) بدترین کاری که مرتکب شده‌اند از آنها بپوشاند و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش دهد. (۳۶) آیا خداوند برای بنده‌اش کافی نیست؟ و مردم تو را از غیر خدا می‌ترسانند و هر که را خدا گمراه کند پس هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود. (۳۷) و هر که را خداوند هدایت کند، پس هیچ گمراه‌کننده‌ای برای او نیست، آیا خداوند، نفوذناپذیر و صاحب انتقام نیست. (۳۸) و اگر (از مشرکان) سؤال کنی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» قطعاً خواهند گفت: «خدا» بگو: «پس آیا در آن چه از غیر خدا می‌خوانید نظر و اندیشه کرده‌اید؟! (راستی) اگر خداوند نسبت به من ضرری را اراده کند آیا این بت‌ها می‌توانند آن ضرر را برطرف کنند، یا (اگر) خداوند برای من لطف و رحمتی را بخواهد، آیا آنها می‌توانند مانع آن رحمت

شوند؟» بگو: «خداوند برای من کافی است. اهل توکل تنها بر او توکل می نمایند.» (۳۹) بگو: «ای قوم من! شما بر اساس موضع (و مقام یا قدرت) خود عمل کنید، من نیز (به وظیفه‌ی خود) عمل می کنم، پس در آینده‌ی نزدیکی خواهید دانست. (۴۰) که عذاب خوارکننده (دنیا) به سراغ چه کسی خواهد آمد و عذاب پایدار (قیامت) بر او نازل خواهد شد.» (۴۱) همانا ما برای (هدایت) مردم کتاب (آسمانی قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت را پذیرفت به سود خود اوست و هر که گمراه شد، پس بی شک بر ضرر نفس خویش (قیام کرد و) گمراهی را برگزید و تو و کیل بر مردم نیستی (تا با اجبار آنان را هدایت کنی). (۴۲) خداوند است که جان‌ها را به هنگام مرگشان به طور کامل می گیرد، و (جان) آن را که نمرده است در هنگام خواب (می گیرد)، پس آن را که مرگ بر او قطعی شده نگاه می دارد و جان‌های دیگر را (که مرگش فرا نرسیده) برای مدتی معین (به جسم آنان) بازمی گرداند. بی شک در این (گرفتن و دادن روح هنگام خواب و بیداری)، برای گروهی که فکر می کنند نشانه‌هایی بزرگ (از قدرت خدا) وجود دارد. (۴۳) آیا مشرکان به جای خدا (بت‌ها را) شفیعان گرفته‌اند؟! بگو: «آیا اگر مالک هیچ چیز نباشند و قدرت تعقل نداشته باشند (باز هم شفیع شما خواهند بود)؟» (۴۴) (ای پیامبر! به آنان) بگو: «تمام شفاعت‌ها (در دنیا و آخرت) برای خداست، برای اوست حکومت و فرمانروائی آسمان‌ها و زمین، سپس به سوی او برگردانده می شوید.» (۴۵) و هرگاه خداوند به تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند متغیر می شود، ولی هرگاه از غیر او یاد شود، بی درنگ شادمان می شوند. (۴۶) بگو: «خداوند! ای آفریدگار آسمان و زمین! و ای دانای غیب و شهود! تویی که در میان بندگانت در آن چه همواره اختلاف می کنند داوری خواهی کرد.» (۴۷) و کسانی که ستم کرده‌اند اگر تمام آن چه را که در زمین است و مانند آن را با آن مالک باشند، در روز قیامت برای نجات از عذاب سخت الهی همه‌ی آن را فدیة خواهند داد (ولی چه سود؛ در آن روز) برای آن ستمگران از سوی خداوند چیزهایی روشن و ظاهر می شود که هرگز در محاسن باتشان پیش‌بینی نمی کردند. (۴۸) و (در آن روز) برای آنان بدی آن چه (در دنیا) کسب کرده‌اند روشن خواهد شد و آن عذابی که به مسخره می گرفتند آنان را فرا خواهد گرفت. (۴۹) پس چون سختی و ضرری به انسان رسد ما را می خواند، سپس همین که از جانب خود نعمتی به او عطا کنیم گوید: «بر اساس علم و تدبیرم نعمت‌ها به من داده شده» (چنین نیست) بلکه آن نعمت وسیله‌ی آزمایش است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۵۰) به راستی کسانی که قبل از آنان بودند (نیز) این سخن را گفتند، ولی آن چه را (در دنیا) کسب می کردند کاری برایشان نکرد. (۵۱) پس (نتیجه) اعمال بدی که مرتکب شده بودند به آنان رسید و کسانی از اینان (کافران مگه) که ستم کردند به زودی بدی آن چه را انجام داده‌اند به ایشان خواهد رسید و آنان نمی توانند ما را در مانده کنند (و از ما بگریزند). (۵۲) آیا (هنوز) ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هر که بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! البته در این امر برای کسانی که ایمان می آورند نشانه‌هایی (از حکمت و قدرت الهی) است. (۵۳) بگو: «ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف (و ستم) کرده‌اید! از رحمت خداوند مأیوس نشوید، همانا خداوند همه‌ی گناهان را می بخشد، زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۴) و پیش از آن که عذاب به سراغ شما آید و دیگر یاری نشوید، به سوی پروردگارتان باز گردید (و توبه کنید) و تسلیم او شوید. (۵۵) و از بهترین آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است پیروی کنید، پیش از آن که عذاب، ناگهانی و در حالی که از آن بی خبرید به سراغ شما آید. (۵۶) تا مبادا (در قیامت) کسی بگوید: «دریغ بر من بر آن چه در (کاری که) جهت الهی (داشته) کوتاهی کرده‌ام و همانا من از مسخره کنندگان (آیات او) بودم.» (۵۷) یا آن که (از شدت اندوه) بگوید: «اگر خداوند هدایت‌م کرده بود، از پرهیزکاران بودم.» (۵۸) یا هنگامی که عذاب را ببیند بگوید: «ای کاش برای من بازگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم.» (۵۹) آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آنها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران شدی. (۶۰) و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند رو سیاه می بینی، آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟ (۶۱) و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، همراه با کامیابی‌شان نجات می دهد، در حالی که هیچ بدی به آنان نرسد و ایشان اندوهگین نشوند. (۶۲) خداوند آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر

هر چیز نگهبان (و حافظ و ناظر) است. (۶۳) کلیدهای آسمانها و زمین برای اوست و کسانی که به آیات الهی کفر ورزیدند آنان همان زیان کارانند. (۶۴) بگو: «ای نادانان! آیا مرا فرمان می دهید که جز خدا بپرستم؟» (۶۵) و قطعاً به تو و به کسانی که (از پیامبران) پیش از تو بوده اند وحی شده است که: «اگر شرک ورزی بدون شک عمل تو تباه می شود و قطعاً از زیانکاران خواهی شد.» (۶۶) بلکه تنها خدا را پرستش کن و از سپاس گزاران باش. (۶۷) و خدا را آن گونه که حق اوست قدردانی نکردند (و او را نشناختند)، در حالی که روز قیامت زمین یکسره در قبضه قدرت اوست و آسمانها به دست قدرت او در هم پیچیده اند. او منزّه است و از آن چه شریک او قرار می دهند برتر است. (۶۸) و در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است، بی هوش شده (و می میرد)، مگر آن که را خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده شود، پس ناگاه آنان (زنده شده)، به پا خیزند و (به اطراف) نظر می کنند. (۶۹) و (در آن روز) زمین به نور پروردگارش روشن گردد و نامه ای اعمال را در میان نهند و پیامبران و شاهدان را حاضر سازند و میان آنان به حق داوری شود در حالی که بر آنان ستم نمی رود. (۷۰) و به هر کس (نتیجه ای) آن چه انجام داده به تمامی داده شود و خداوند به آن چه انجام می دهند آگاه تر است. (۷۱) و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند، تا چون به نزدیک آن رسند درهای دوزخ گشوده شود و نگهبانان آن به ایشان گویند: «آیا از میان شما پیامبرانی به سراغ شما نیامدند تا آیات پروردگارتان را بر شما تلاوت کنند و شما را از دیدار امروزتان هشدار دهند؟» گویند: «چرا»، (آنان آمدند ولی ما گوش ندادیم) لکن فرمان عذاب بر کافران قطعی است. (۷۲) به آنان گفته شود: «از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آن خواهید بود، پس چه بد است منزلگاه متکبران». (۷۳) و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون به نزد آن رسند، در حالی که درهای بهشت گشوده شده است و نگهبانان بهشت به آنان گویند: «سلام بر شما پاک و پسندیده بودید، پس داخل شوید در حالی که در آن جاودانه خواهید بود». (۷۴) و (بهشتیان) گویند: «سپاس خداوندی را که به وعده ای که به ما داد وفا کرد و زمین را میراث ما قرار داد. تا از بهشت هر جای را که خواهیم برمی گزینیم». پس چه نیکوست پاداش اهل عمل. (۷۵) و فرشتگان را می بینی که گرد عرش حلقه زده اند، در حالی که همراه با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و میان آنان به حق داوری گردد و گفته می شود: «سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است.» (۷۶)

غافر

به نام خداوند بخشنده می مهربان. (۱) حا، میم. (۲) نزول کتاب از طرف خداوند عزیز علیم است. (۳) آمرزنده ای گناه، پذیرنده ای توبه، سخت کیفر و صاحب عطای فراوان. هیچ معبودی جز او نیست. بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴) جز کسانی که کفر ورزیدند کسی در آیات خداوند جدال و ستیزه نمی کند پس تحرّک آنان در شهرها تو را نفریبد. (۵) پیش از این (کفّار مکّه) نیز قوم نوح و احزابی که بعدشان آمدند (پیامبران را) تکذیب کردند و هر امتی تصمیم گرفت تا پیامبرش را به عقوبت بگیرد و به وسیله ای باطل مجادله کردند تا حق را نابود نمایند، پس آنان را (به قهر خود) گرفتم، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بوده است. (۶) و بدین گونه (که احزاب در دنیا عقوبت شدند) وعده عذاب پروردگارت درباره ی کسانی که کفر ورزیدند قطعی شد که آنان اهل دوزخند. (۷) کسانی که عرش (خدا) را حمل می کنند و آنان که اطراف آن هستند، پروردگارش را با سپاس و ستایش تسبیح کرده (و به پاکی یاد می کنند) و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند (از خداوند) آمرزش می خواهند (و می گویند): پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کرده اند بیمارز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن. (۸) پروردگارا! و آنان را با هر کس از پدران و همسران و فرزندانشان که صلاحیت دارند به باغ های اقامتی که به ایشان وعده داده ای وارد کن؛ همانا تو همان خدای عزیز و حکیمی. (۹) (پروردگارا!) آنان را از بدی ها (و کیفر اعمالشان)

حفظ کن و هر کس را در آن روز از بدی‌ها حفظ کنی، پس مشمول رحمت ساخته‌ای؛ و این همان رستگاری بزرگ است. (۱۰) همانا کسانی که کفر ورزیدند (در دوزخ) ندا می‌شوند: «قطعاً خشم خداوند (نسبت به شما) بزرگ‌تر از خشم شما نسبت به خودتان است، زیرا شما به ایمان دعوت می‌شدید ولی کفر می‌ورزیدید.» (۱۱) کفار گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. اینک به گناهان خود اعتراف کردیم؛ پس آیا برای بیرون رفتن (از دوزخ) راهی هست؟» (۱۲) این (عذاب) برای آن است که هرگاه خداوند به یگانگی خوانده می‌شد، کفر می‌ورزیدید، ولی هرگاه برای او شریکی مطرح می‌شد باور می‌کردید، پس (امروز) حکم برای خداوند بلند مرتبه (و) بزرگ است. (۱۳) اوست آن که آیات خود را به شما نشان می‌دهد و از آسمان برای شما روزی نازل می‌کند، ولی جز آن که به درگاه خدا انابه دارد، متذکر نمی‌شود. (۱۴) پس خدا را بخوانید در حالی که دین خود را برای او پیراسته کرده‌اید، هر چند کافران را ناخوش آید. (۱۵) او دارای درجات رفیع (و) صاحب عرش است، (و) از طرف خود فرشته‌ی وحی (روح الامین) را بر هر کس از بندگانش که بخواهد می‌فرستد تا مردم را از روز ملاقات (و) قیامت (و) بترساند. (۱۶) روزی که مردم ظاهر و آشکارند و هیچ چیز از آنان بر خداوند پنهان نیست. (در آن روز ندا آید): امروز حکومت برای کیست؟ (و پاسخ آید): برای خداوند یکتای قهار. (۱۷) امروز، هر کس در برابر کاری که کسب کرده است پاداش داده می‌شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ همانا خداوند به حساب‌ها زود می‌رسد. (۱۸) (ای پیامبر!) مردم را از روز نزدیک (قیامت) هشدار ده، آن‌گاه که (از شدت وحشت) جان‌ها به گلوگاه رسد، در حالی که اندوه خویش فرو می‌برند، (در آن روز) برای ستمکاران هیچ دوست دلسوز و هیچ شفاعت‌گری که سخنش پذیرفته باشد وجود ندارد. (۱۹) خداوند از خیانت چشم‌ها و آن چه دل‌ها مخفی می‌کنند، آگاه است. (۲۰) و خداوند به حق داوری می‌کند و معبودهایی که جز او می‌خوانند هیچ حکمی نمی‌کنند. همانا خداوند اوست شنوای بینا. (۲۱) آیا در زمین سیر نکردند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند و قوت و آثارشان در زمین سخت‌تر و نیرومندتر از اینان بوده چگونه بوده است؟ پس خداوند آنان را به خاطر گناهانشان (به قهر خود) گرفت و در برابر (قهر) خداوند برای آنان هیچ مدافعی نبود. (۲۲) این (قهر الهی) به خاطر آن بود که پیامبرانشان همراه با دلائل روشن به سراغ آنان می‌آمدند، ولی آنان کفر ورزیدند، پس خداوند آنان را به قهر خود گرفت. همانا او قوی و سخت‌کیفر است. (۲۳) و همانا ما موسی را همراه با معجزات و منطق روشن فرستادیم. (۲۴) به سوی فرعون و هامان و قارون، پس گفتند: «او ساحری دروغگوست.» (۲۵) پس چون موسی از طرف ما همراه با حق به سراغ آنان آمد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را زنده نگهدارید.» (غافل از آن که) طرح و نیرنگ کافران جز در گمراهی و تباهی نیست. (۲۶) و فرعون گفت: «مرا بگذارید تا موسی را بکشم و او پروردگارش را به یاری طلبد (تا نجاتش دهد) همانا من می‌ترسم که دین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد بر پا کند.» (۲۷) و موسی گفت: «من به پروردگار خود و پروردگار شما از (شر) هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد پناه می‌برم.» (۲۸) و مردی با ایمان از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت گفت: «آیا می‌خواهید مردی را که می‌گوید: پروردگار من خداوند است بکشید؟! در حالی که او از طرف پروردگارتان با دلایل روشن نزد شما آمده است، اگر او دروغگو باشد دروغش به زیان خود اوست ولی اگر راستگو باشد، بعضی از آنچه را به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید، همانا خداوند کسی را که اسرافکار (و) بسیار دروغگو است هدایت نمی‌کند. (۲۹) (آن مرد با ایمان در ادامه‌ی سخن خود گفت: ای قوم من! امروز حکومت برای شماست که در این سرزمین غلبه دارید، ولی اگر (قهر خدا) به سراغ ما آید پس چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟ فرعون گفت: «من جز آن چه را که تشخیص می‌دهم راه دیگری به شما ارائه نمی‌دهم و من جز راه رشد، شما را هدایت نمی‌کنم.» (۳۰) و کسی که ایمان آورده بود گفت: «ای قوم! من از روزی مثل روز (هلاک) آن احزاب بر شما می‌ترسم. (۳۱) (از سرنوشتی) مانند سرنوشت قوم نوح (که به طوفان) و قوم عاد (که به باد سخت و سرد و مسموم) و قوم ثمود (که به صاعقه گرفتار شدند) و کسانی که پس از آنها آمدند؛ و خداوند بر بندگان اراده‌ی ظلم نمی‌کند. (۳۲) ای قوم من! همانا من از روزی که یکدیگر را به فریاد

بخوانید بر شما بیمناکم. (۳۳) روزی که روی می گردانید (و) فرار می کنید (اما) برای شما هیچگونه پناهگاه و نگهدارنده‌ای در برابر عذاب الهی نیست؛ و هر که را خداوند (بر اثر عملش) گمراه کند (و به حال خود واگذارد) هیچ هدایت کننده‌ای برای او نیست. (۳۴) همانا یوسف پیش از این با دلایل روشن نزد شما آمد، اما شما همواره از آن چه برایتان آورده بود در شک بودید، تا آن گاه که یوسف از دنیا رفت، گفتید: «خداوند پس از او هرگز پیامبری نخواهد فرستاد». این گونه، خداوند هر افراطگر تردیدکننده‌ای را گمراه می‌سازد. (۳۵) کسانی که درباره‌ی آیات خداوند به ستیز و مجادله می‌پردازند، بدون آن که هیچ دلیلی برایشان آمده باشد، (این کار) نزد خداوند و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند خشم بزرگی را به دنبال دارد. این گونه، خدا بر دل هر متکبر جباری مَهر می‌نهد. (۳۶) و فرعون گفت: «ای هامان! برای من بنای بلندی بساز، شاید به وسایلی دست یابم. (۳۷) وسایلی که سبب (صعود به) آسمان‌ها باشد، تا از خدای موسی اطلاع یابم، همانا من او را دروغگو می‌پندارم.» و این گونه برای فرعون کار زشتش زیبا جلوه داده شد و از راه حق بازماند و توطئه‌ی فرعون جز به نابودی و زیان نمی‌انجامد. (۳۸) و کسی که (از قوم فرعون به موسی) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید، تا شما را به راه درست هدایت کنم. (۳۹) ای قوم من! همانا این زندگی دنیا کالایی (ناچیز) است و همانا آخرت، آن سرای پایدار است. (۴۰) هر کس کار بدی انجام دهد، جز به همان مقدار کیفر داده نمی‌شود و هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته‌ای انجام دهد، پس اینانند که داخل بهشت می‌شوند و در آن جا بی حساب روزی داده می‌شوند. (۴۱) (مؤمن آل فرعون گفت): ای قوم! مرا چه می‌شود که شما را به رهایی (از آتش) می‌خوانم و شما مرا به دوزخ فرامی‌خوانید؟! (۴۲) مرا دعوت می‌کنید تا به خدا کفر ورزم و چیزی را که به (حَقَّائِیت) آن علم ندارم شریک او گردانم (در حالی که) من شما را به سوی (خداوند) عزیز غَفَّار دعوت می‌کنم. (۴۳) قطعاً آن چه مرا به آن دعوت می‌کنید، در دنیا و آخرت در خور دعوت نیست، در حالی که بازگشت ما به سوی خداست و مسرفان همدم آتشند. (۴۴) پس به زودی آن چه را برای شما می‌گویم متذکر خواهید شد و من کارم را به خدا واگذار می‌کنم زیرا که او به (احوال) بندگان بیناست. (۴۵) پس خداوند او را از بدی‌های آن چه نیرنگ نمودند حفظ کرد و عذاب سختی آل فرعون را فراگرفت. (۴۶) آتش هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شود و روزی که رستاخیز برپا شود، (گویند): «آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب وارد کنید». (۴۷) و (یاد کن) آن گاه که در آتش به محاجّه (و آوردن دلیل) می‌پردازند، پس زبردستان به کسانی که تکبر ورزیدند، گویند: «همانا ما پیرو شما بودیم، آیا (امروز) شما می‌توانید حتی بخشی از آتش را از ما دور کنید؟» (۴۸) کسانی که تکبر می‌ورزیدند (در پاسخ) گویند: «ما همگی در آتش هستیم، زیرا خداوند میان بندگانش (به عدالت) داوری کرده است». (۴۹) و کسانی که در دوزخند، به نگهبانان دوزخ گویند: «از پروردگارتان بخواهید که یک روز از عذاب ما بکاهد». (۵۰) (نگهبانان دوزخ در پاسخ) گویند: «آیا چنین نبود که پیامبرانتان معجزاتی برای شما آوردند؟» می‌گویند: «چرا» گویند: «پس دعا کنید (و خدا را بخوانید)» ولی دعای کافران در تباهی است. (۵۱) همانا ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان (برای گواهی دادن) به پا می‌خیزند یاری می‌کنیم. (۵۲) (همان) روزی که عذرخواهی ستمگران سودشان ندهد، لعن و نفرین برای آنان است و جایگاهشان سرای بد. (۵۳) و همانا ما به موسی هدایت دادیم و به بنی اسرائیل کتاب آسمانی (تورات) را به میراث دادیم. (۵۴) (که) مایه‌ی هدایت و تذکر برای خردمندان است. (۵۵) پس صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده‌های خداوند حق است و برای گناهت استغفار کن و شامگاهان و بامدادان، سپاسگزارانه پروردگارت را تسبیح کن. (۵۶) همانا کسانی که در آیات خداوند بدون حجّتی که برایشان آمده باشد به مجادله برمی‌خیزند، در سینه‌هایشان جز خود بزرگ بینی نیست که به آن نخواهند رسید، (و از مجادله خود نتیجه نخواهند گرفت) پس به خداوند پناه ببر که بی‌شک او شنوای بیناست. (۵۷) قطعاً آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردم بزرگ‌تر است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۵۸) ناینوا و بینا یکسان نیستند و کسانی هم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، با (مردم) بدکار برابر نیستند؛ چه کم متذکر می‌شوید. (۵۹) همانا قیامت آمدنی است؛ شکی در آن نیست، ولی اکثر مردم ایمان

نمی آورند. (۶۰) و پروردگارتان گفت: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من سر باز زده و تکبر می ورزند به زودی با سرافکنندگی به جهنم وارد می شوند.» (۶۱) خداوند کسی است که شب را برای شما قرار داد تا در آن آرام گیرید و روز را روشنی بخش ساخت؛ همانا خداوند نسبت به مردم لطف بسیار دارد ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند. (۶۲) این است خداوندی که پروردگار شما و آفریدگار هر چیز است، معبودی جز او نیست، پس چگونه (از راه حق) باز گردانده می شوید؟ (۶۳) این گونه، کسانی که به آیات خداوند کفر ورزیدند به بیراهه کشیده می شوند. (۶۴) خداوند کسی است که زمین را محل استقرار شما و آسمان را سرپناه قرار داد و شما را نقش بندی کرد، پس صورت های شما را نیکو نمود و از پاکیزه ها به شما روزی داد، این است خدایی که پروردگار شماست، پس پر برکت و بلند مرتبه است خدایی که پروردگار جهانیان است. (۶۵) اوست زنده ای که جز او معبودی نیست، پس او را در حالی که دین را برای او خالص نموده اید بخوانید. سپاس برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۶۶) بگو: «من نهی شده ام از این که آنان را که شما جز خداوند می خوانید پرستش کنم، (آن هم) زمانی که از طرف پروردگارم دلایل روشنی برایم آمده است و فرمان یافته ام که تسلیم پروردگار جهانیان باشم.» (۶۷) او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه ای، سپس از علقه ای (خون بسته شده)، سپس شما را به صورت نوزادی (از رحم ها) بیرون می آورد سپس (رشدتان می دهد) تا به کمال قوت خود برسید (و) آنگاه تا پیر شوید، و بعضی از شما پیش از رسیدن به پیری می میرد (ولی بعضی از شما زنده می ماند) تا به سرآمدی که معین است برسید و باشد که تعقل کنید. (۶۸) او کسی است که زنده می کند و می میراند، و چون به وجود چیزی حکم کند، فقط به آن می گوید: «باش» پس بی درنگ موجود می شود. (۶۹) آیا کسانی را که در آیات خداوند مجادله و ستیز می کنند ندیدی که چگونه (از حق) منصرف می شوند؟ (۷۰) کسانی که کتاب خدا و آن چه را که پیامبران را به آن فرستادیم تکذیب کرده اند، پس به زودی (نتیجه ی کار خود را) خواهند دانست. (۷۱) آن گاه که غل ها در گردن هایشان باشد و با زنجیرها کشیده می شوند. (۷۲) در آب جوشان و سپس در آتش سوزانده می شوند. (۷۳) سپس به آنان گفته می شود: «آن چه (برای خدا) شریک قرار می دادید کجا هستند؟ (۷۴) (آنها) که جز خدا پرستش می کردید؟! گویند: «از نزد ما گم شده اند (سپس به دروغ گویند): بلکه ما در دنیا چیزی را پرستش نمی کردیم.» این گونه خداوند کافران را گمراه می کند. (۷۵) این (عذاب) به خاطر آن است که در زمین به ناحق شادی می کردید و در ناز و سرمستی به سر می بردید. (۷۶) از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آنید و چه بد است جایگاه متکبران. (۷۷) پس (ای پیامبر!) صبر کن که وعده ی خداوند حق است. پس هرگاه بخشی از آن چه را به آنان وعده داده ایم به تو نشان دهیم، یا (پیش از آن) تو را از دنیا ببریم (در هر صورت) به سوی ما باز می گردند (و عذاب را می چشند). (۷۸) و همانا ما پیش از تو پیامبرانی فرستادیم. داستان بعضی از آنان را برای تو بازگو کردیم و (داستان) بعضی دیگر را برای تو نقل نکردیم و هیچ پیامبری نمی تواند معجزه ای جز به فرمان خدا بیاورد، پس چون فرمان خدا آمد (و قیامت برپا شد) به حق داوری خواهد شد و باطل گرایان در آن جا زیانکارند. (۷۹) خداوند است که برای شما چهار پایان را قرار داد تا از آنها سواری بگیری و از آنها بخورید. (۸۰) و برای شما در چهار پایان منافع (دیگری نیز) هست؛ و سوار بر آنها به نیازی که در دل دارید برسید و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید. (۸۱) و خداوند (پیوسته) آیات خود را به شما نشان می دهد، پس کدام یک از آیات الهی را انکار می کنید؟ (۸۲) پس آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بوده اند چه شد (و چگونه نابود شدند؟ آنان) تعدادشان از اینان بیشتر و قدرت و آثارشان در زمین سخت تر (و فزون تر) بود، اما آن چه را به دست آورده بودند به کارشان نیامد. (۸۳) پس چون پیامبرانشان همراه با معجزات به سراغشان آمدند به آن مقدر علمی که نزدشان بود خوشحال شدند (و حاضر نشدند منطق انبیا را بپذیرند) و آن چه (از قهر الهی) که به تمسخر می گرفتند، آنان را فرا گرفت. (۸۴) پس چون عذاب ما را دیدند گفتند: «به خداوند یکتا ایمان آوردیم و به آن چه (از قبل) شرک می ورزیدیم کافر شدیم.» (۸۵) اما پس از آن که قهر ما را دیدند، دیگر ایمانشان برایشان سودی نداشت. این سنت الهی است که در میان بندگانش جاری است. و در این جا

کافران زیانکارند. (۸۶)

فصلت

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) حا، میم. (۲) (این قرآن) از طرف خداوند بخشنده‌ی مهربان نازل شده است. (۳) کتابی که آیات آن به روشنی بیان شده است، قرآنی عربی، برای مردمی که می‌دانند. (۴) (کتابی) بشارت دهنده و هشدار دهنده؛ پس (با این حال) بسیاری از مردم روی گردان شدند و (ندای قرآن را) نمی‌شنوند. (۵) و گفتند: «دل‌های ما از آن چه ما را به سوی آن دعوت می‌کنی در پوشش و پرده است و در گوش‌های ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی است، پس تو (کار خود را) انجام ده، ما نیز (کار خود را) انجام می‌دهیم.» (۶) (ای پیامبر! به مردم) بگو: «همانا من بشری هستم مثل شما؛ (با این تفاوت که) به من وحی می‌شود که قطعاً خدای شما یکتا است. پس بدون انحراف به سوی او رو کنید و از او آمرزش بخواهید و وای بر مشرکان. (۷) کسانی که زکات نمی‌پردازند و آنان همان‌هایی هستند که به آخرت کافرند. (۸) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند برایشان پاداش دائمی (و بی‌منت) است. (۹) بگو: آیا شما به کسی که زمین را در دو روز آفریده است کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟ اوست پروردگار جهانیان. (۱۰) و در زمین کوه‌هایی را بر فرازش قرار داد و در آن خیر فراوان نهاد، و در چهار روز رزق و روزی اهل زمین را مقدر کرد که برای تمام نیازمندان کافی است. (۱۱) سپس به (آسمان) در حالی که دود بود توجه کرد، پس به آن و زمین فرمود: با رغبت یا کراهت بیایید (و شکل بگیرید) گفتند: فرمانبردار آمدیم (و شکل گرفتیم). (۱۲) پس آن را (که به صورت دود بود)، در دو روز در قالب هفت آسمان درآورد و در هر آسمانی امرش را وحی کرد؛ ما آسمان دنیا را به ستارگان زینت دادیم و آن را وسیله‌ی حفظ (آسمان‌ها) قرار دادیم؛ این است تقدیر خدای توانا و دانا. (۱۳) پس اگر روی گرداندند بگو: «من شما را از صاعقه‌ای همچون صاعقه‌ی قوم عاد و ثمود می‌ترسانم. (۱۴) آن گاه که فرستادگان (ما) از پیش رو و از پشت سر به سراغشان آمدند (و گفتند): «جز خداوند را نپرستید» (امّا آنان در پاسخ) گفتند: «اگر پروردگار ما می‌خواست (پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی را می‌فرستاد، پس ما به آن چه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم.» (۱۵) پس قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «کیست که از ما قدرتمندتر باشد؟» آیا ندیدند که همان خداوندی که آنان را آفرید قوی‌تر از آنهاست؟ و پیوسته به آیات ما کفر ورزیدند. (۱۶) پس ما بادی سرد و توفنده و مسموم‌کننده را در ایامی نحس بر آنان فرستادیم تا عذاب خوارکننده‌ای را در همین دنیا به آنان بچشانیم، و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و آنان یاری نخواهند شد. (۱۷) و اما قوم ثمود، آنان را هدایت کردیم ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند پس به کيفر آن چه کسب می‌کردند صاعقه عذاب خفت بار آنان را فرو گرفت. (۱۸) و (از عاد و ثمود) ما آنان را که ایمان آوردند و تقوا پیشه بودند نجات دادیم. (۱۹) و (یاد کن) روزی را که دشمنان خدا جمع گشته و به سوی دوزخ آورده می‌شوند و آنان را از پراکنندگی بازمی‌دارند. (۲۰) تا چون به دوزخ رسند، گوش و چشمان و پوستشان به آن چه انجام می‌دادند گواهی می‌دهد. (۲۱) و دوزخیان به پوستشان گویند: «چرا علیه ما گواهی دادید؟» گویند: «خدایی که همه چیز را به نطق آورده ما را نیز به سخن آورد، او که نخستین بار شما را آفرید و فقط به سوی او برگردانده می‌شوید.» (۲۲) (بر فرض) شما گمان می‌کردید که خداوند بسیاری از عمکردتان را نمی‌داند، ولی (نسبت به اعضای بدنتان که وسیله‌ی گناه شما بودند) نمی‌توانستید چیزی را پنهان کنید که گوش و چشم‌ها و پوستتان بر ضد شما گواهی دهد. (۲۳) و این گمان (فاسد) شما نسبت به پروردگارتان بود که شما را به هلاکت انداخت و از زیانکاران شدید. (۲۴) پس اگر صبر کنند (چه سود که) دوزخ جایگاهشان است، و اگر تقاضای عفو کنند، از بخشودگان نیستند. (۲۵) و ما برای آنان همنشینانی گماشتیم، که از پیش رو و پشت سرشان (کارهای خلافشان را) برایشان زیبا جلوه دادند و فرمان عذابی که قبل از آنان گروه‌هایی از جن و انس را فرا گرفته بود بر آنان نیز ثابت شد، همانا که آنان زیانکارانند. (۲۶) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «به این قرآن

گوش ندهید و در (هنگام تلاوت) آن (سخن) لغو بیافکند تا شاید پیروز شوید.» (۲۷) پس قطعاً به آنان که کفر ورزیدند عذاب سختی می‌چشانیم و حتماً آنان را به بدترین کاری که انجام می‌دادند کیفر خواهیم داد. (۲۸) سزای دشمنان خدا همین است که برایشان به خاطر انکار دائمی آیات ما، آتشی باشد که همیشه در آن جا بمانند. (۲۹) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «پروردگارا! آن جن و انسی که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آنها را زیر قدم‌هایمان بگذاریم (و لگد مالشان کنیم) تا از پست‌ترین افراد باشند.» (۳۰) همانا کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست، پس (بر این عقیده) مقاومت نمودند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند (و می‌گویند): نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که پی در پی وعده داده می‌شدید. (۳۱) ما (فرشتگان) در دنیا و آخرت دوستان شما ایم؛ و برای شماست (در بهشت) هر چیزی که تمایل داشته باشید و برای شماست در آن جا هر چه را درخواست کنید. (۳۲) (همه‌ی این‌ها) پذیرایی مقدّماتی جانب خداوند بخشنده‌ی مهربان است. (۳۳) و کیست خوش‌سخن‌تر از کسی که (مردم را) به سوی خداوند دعوت کند و (خود نیز) عمل شایسته انجام دهد و بگوید: «من از مسلمانان هستم»؟ (۳۴) و نیکی با بدی یکسان نیست؛ (بدی دیگران را) با شیوه‌ی بهتر (که نیکی است) دفع کن، که این هنگام آن کس که میان تو و او دشمنی است همچون دوست گرم می‌شود (و عداوتش نسبت به تو تمام می‌شود). (۳۵) و این (خصلت و برخورد نیکو) را جز کسانی که اهل صبر و شکیبایی هستند دریافت نمی‌کنند، و این را جز کسی که دارای بهره‌ی بزرگی (از کمالات باشد) نخواهد یافت. (۳۶) و اگر انگیزه و وسوسه‌ای از طرف شیطان تو را تحریک کند (که بدی را با بدی جواب دهد) پس به خداوند پناه ببر که او خود شنوای آگاه است. (۳۷) و از نشانه‌های (قدرت) او شب و روز و خورشید و ماه است، نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه (بلکه) برای خداوندی که آنها را آفریده سجده کنید، اگر تنها او را می‌پرستید. (۳۸) و اگر (گروهی از مردم از عبادت خداوند) تکبر ورزیدند، پس (باکی نیست زیرا) کسانی (از فرشتگان) که نزد پروردگارت هستند شب و روز برای او تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند. (۳۹) و از آیات خداوند آن است که زمین را پزمرده (و بی‌جان) می‌بینی پس همین که (از آسمان) آب را بر آن فرو فرستادیم به جنبش در آمد و نمو کرد، البتّه همان کسی که (زمین مرده را) زنده کرد، قطعاً زنده‌کننده‌ی مردگان است؛ بدون شک او بر هر کاری قادر است. (۴۰) همانا کسانی که در آیات ما به انحراف می‌روند بر ما پوشیده نیستند، پس آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در روز قیامت در آرامش حاضر می‌شود؟ شما هر چه می‌خواهید انجام دهید، قطعاً خداوند به آن چه عمل می‌کنید، بینا است. (۴۱) البتّه کسانی که به قرآن چون به سراغشان آمد کفر ورزیدند (به کیفر خود می‌رسند) در حالی که قرآن کتابی نفوذ ناپذیر است. (۴۲) هیچگونه باطلی از پیش رو و از پشت سر در آن راه ندارد، (این قرآن) از طرف خداوند فرزانه و ستوده نازل شده است. (۴۳) (ای پیامبر!) به تو گفته نمی‌شود جز آن چه به پیامبران قبل از تو نیز گفته شده، همانا پروردگار تو صاحب آمرزشی بزرگ و کیفری دردناک است. (۴۴) و اگر ما قرآن را عجمی قرار داده بودیم حتماً می‌گفتند: «چرا آیات آن باز و روشن نشده (و با تعجب می‌پرسیدند) آیا (قرآن) اعجمی و (مخاطب آن پیامبر و مردم) عربی؟!» بگو: «این قرآن برای کسانی که ایمان آوردند هدایت و شفایی است، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برای آنان مایه کوری است، (گویی) آنان از راه دور ندا می‌شوند. (ولی صدا را نمی‌شوند). (۴۵) و البتّه ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در آن اختلاف شد و اگر نبود سنتّ سابق پروردگارت (در مورد مهلت دادن به مردم)، قطعاً میانشان داوری شده بود (و هر اختلاف‌کننده‌ای به کیفر خود رسیده بود)، و البتّه آنان در باره‌ی قرآن نیز در شکی همراه با سوء ظن هستند. (۴۶) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خود اوست، و هر کس بدی کند پس بر علیه خویش عمل کرده است، و پروردگار تو به مردم ستم نمی‌کند. (۴۷) آگاهی به زمان وقوع قیامت تنها به خداوند بازمی‌گردد، و هیچ میوه‌ای از غلاف خود خارج نمی‌شود و هیچ مادّه‌ای باردار نمی‌شود و بار نمی‌گذارد مگر به علم او، و روزی که (خداوند) آنان را ندا کند: شرکای من (که می‌پنداشتید) کجا هستید؟» گویند: «ما عرض داشتیم که هیچ گواهی (بر گفتار و عقیده‌ی خود) نداریم.» (۴۸) و هر چه را که از پیش همواره

می خوانند، از نزد آنان محو شود، و می فهمند که برایشان هیچ راه فراری نیست. (۴۹) انسان از دعای خیر خسته نمی شود، و هرگاه شری به او رسد پس بسیار مأیوس و نومید می شود. (۵۰) و اگر بعد از سختی ای که به انسان رسیده از طرف خود رحمتی به او بچشانیم حتماً می گوید: «این رحمت، حق من است» (و چنان مغرور می شود که می گوید: گمان نمی کنم قیامت بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگرم بازگردانده شوم حتماً برای من نزد او بهترین (منزلت) خواهد بود.» پس ما کسانی را که کفر ورزیدند، حتماً به آن چه انجام داده اند آگاه خواهیم کرد، و قطعاً از عذاب سخت به آنان خواهیم چشاند. (۵۱) و هرگاه به انسان نعمتی بخشیم، روی گرداند و خود را کنار کشد و هرگاه شری به او رسد پس دعایی طولانی کند. (۵۲) بگو: به من «خبر دهید که اگر قرآن از جانب خداوند باشد سپس شما به آن کفر ورزیدید، کیست گمراه تر از آن که در مخالفت شدید با قرآن باشد؟» (۵۳) ما در آینده نزدیکی آیات خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنان نشان خواهیم داد، تا برایشان روشن شود که قطعاً او حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر چیزی گواه است؟ (۵۴) آگاه باش که مردم از ملاقات پروردگارشان (در قیامت) در شکی عمیق هستند. آگاه باش که او به هر چیزی احاطه دارد. (۵۵)

الشوری

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) حا، میم، (۲) عین، سین، قاف. (۳) اینگونه خداوند عزیز حکیم به تو و کسانی که قبل از تو بوده اند وحی می کند. (۴) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۵) نزدیک است که آسمانها (از عظمت وحی) از فرازشان بشکافند در حالی که فرشتگان همراه با سپاس، پروردگارشان را تسبیح می کنند و برای کسانی که در زمین هستند آموزش می طلبند. آگاه باش که خداوند، اوست بسیار بخشنده و مهربان. (۶) و کسانی که به جای او سرورانی را به پرستش گرفته اند خداوند مراقب آنان است و تو بر (ایمان آوردن آنان) و کیل نیستی (تا با اجبار وادارشان کنی). (۷) و بدین سان قرآنی عربی را به تو وحی کردیم تا مردم مکه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و از روز جمع (قیامت) که شکی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشت و گروهی در آتش سوزانند. (۸) و اگر خدا می خواست مردم را امت یگانه قرار می داد (ولی سنت خدا بر دادن اختیار به مردم است) و هر کس را که بخواهد در رحمت خود وارد می کند و برای ستمگران هیچ سرپرست و یابوری (در آن روز) نیست. (۹) آیا به جای خداوند سرپرستان دیگری گرفته اند، با آنکه تنها خدا سرپرست (واقعی) است و اوست که مردگان را زنده می کند و اوست که بر هر کاری تواناست. (۱۰) و هر چه را در آن اختلاف دارید پس حکمش با خداست، این است خدایی که پروردگار من است. تنها بر او توکل کرده ام و تنها به سوی او انابه می کنم. (۱۱) آفریننده آسمانها و زمین، برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از چهار پایان نیز جفت هایی، به این وسیله شما را کثیر می کند. او را هیچ مانندی نیست و او شنوا و بیناست. (۱۲) کلیدهای آسمانها و زمین برای اوست، برای هر که بخواهد رزق را توسعه می دهد و یا تنگ می گیرد، همانا او به هر چیز آگاه است (و توسعه و تضییق او بر اساس علم و حکمت است). (۱۳) از (احکام) دین آنچه را به نوح سفارش کرد، برای شما (نیز) مقرر داشت و آنچه به سوی تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش نمودیم آن بود که دین را به پا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید، آنچه مردم را بدان دعوت می کنی بر مشرکان سنگین است. خداوند هر که را بخواهد به سوی خویش برمی گزیند و هر که را به درگاه او رو آورد به سوی خویش هدایت می کند. (۱۴) و (از دور پیامبران) پراکنده نشدند مگر پس از آنکه علم (به حقیقت آنان) برایشان حاصل شد، به خاطر روحیه کینه و حسادت که میانشان بود، و اگر سنت سابق خداوند (در مورد مهلت دادن به کفار) تا زمانی معین نبود، میان آنان حکم می شد (و اهل باطل هلاک می گشتند) و همانا کسانی که پس از آنان کتاب آسمانی را به میراث بردند، دربارهی آن دچار شک و تردید هستند. (۱۵) پس (ای پیامبر) به خاطر آن (که اهل کتاب دچار شک و تردید یا عناد و لجاجت با تو هستند، آنان را به راه حق) دعوت کن و بر آن پایداری نما آن گونه که

فرمان یافته‌ای و خواسته‌های آنان را پیروی مکن و (به آنان) بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و فرمان یافته‌ام تا میان شما به عدالت حکم کنم. خداوند، پروردگار ما و شماست. اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شماست (و هیچ کدام مسئول کارهای دیگری نیستیم) هیچ حجتی میان ما و شما (ناگفته) نمانده است. خداوند (در قیامت) میان ما جمع خواهد کرد و بازگشت همه به سوی اوست. (۱۶) و کسانی که درباره خداوند پس از آنکه دعوت او را پذیرفته‌اند به جدال (می‌پردازند) دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و بی‌پایه است و بر آنهاست خشم الهی و برایشان عذاب سختی است. (۱۷) خداست آنکه کتاب آسمانی و میزان را به حق نازل کرد و چه می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد. (۱۸) کسانی که ایمان به قیامت ندارند (نسبت به وقوع آن) شتاب می‌ورزند، ولی کسانی که به آن ایمان دارند از آن می‌ترسند و می‌دانند که قیامت حق است، بدانید محققاً کسانی که درباره قیامت به جدال می‌پردازند در گمراهی دوری هستند. (۱۹) خداوند نسبت به بندگانش با مهر و لطف رفتار می‌کند، هر که را بخواهد (و صلاح بداند) روزی می‌دهد و اوست توانای غالب. (۲۰) آن که کشت آخرت بخواهد برای او در کشتش می‌افزاییم و آن که کشت دنیا بخواهد از آن به او می‌دهیم و در آخرت هیچ نصیبی ندارد. (۲۱) آیا خدایانِ باطلِ مشرکان، احکامی از دین که خداوند به آن اذن نداده برای مشرکان قرار داده‌اند و اگر فرمان قطعی (خداوند مبنی بر مهلت دادن به منحرفان) نبود قطعاً میان مشرکان (به هلاکت) حکم می‌شد و همانا ستمکاران برایشان عذابی دردناک است. (۲۲) ستمکاران را خواهی دید که از آنچه انجام داده‌اند هراسانند در حالی که (کیفر) آن به آنان خواهد رسید و کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند در باغ‌های بهشت هستند، برای آنان نزد پروردگارشان هر چه را بخواهند (فراهم است). این است آن فضل بزرگ. (۲۳) این (فضل بزرگ) چیزی است که خداوند به بندگانش، آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند بشارت می‌دهد. (ای پیامبر! به مردم) بگو: من از شما بر این (رسالت خود) هیچ مزدی جز مودت نزدیکانم را نمی‌خواهم و هر کس کار نیکی انجام دهد، برای او در نیکویی آن می‌افزاییم. همانا خداوند بسیار آمرزنده و قدردان است. (۲۴) آیا می‌گویند (که محمّد) بر خدا دروغی بسته است، پس اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌نهد. خداوند باطل را محو و حق را با کلمات خویش استوار می‌سازد همانا او به راز سینه‌ها آگاه است. (۲۵) و اوست که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از گناهان درمی‌گذرد و هر چه را انجام می‌دهید می‌داند. (۲۶) و (دعای) کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش بر آنان می‌افزاید و برای کافران عذابی شدید است. (۲۷) و اگر خداوند برای بندگانش رزق را توسعه می‌داد در زمین طغیان می‌کردند و لکن آنچه را می‌خواهد به اندازه‌ای (معین) نازل می‌کند. زیرا که او به بندگانش آگاه و بیناست. (۲۸) و اوست که پس از ناامیدی مردم باران می‌فرستد و رحمت خویش را گسترش می‌دهد و اوست سرور ستوده. (۲۹) و از نشانه‌های قدرت او آفرینش آسمان‌ها و زمین است و جنبندگانی که در آن دو پراکنده‌اند و او هر گاه بخواهد بر گردآوری آنها تواناست. (۳۰) و آنچه از مصیبت به شما رسد پس به خاطر دست آورد خودتان است و او از بسیاری (گناهانتان) درمی‌گذرد. (۳۱) و شما نمی‌توانید (خدا) را در زمین به عجز آورید (و از سلطه او خارج شوید) و برای شما از غیر خداوند هیچ سرپرست و یآوری نیست. (۳۲) و از نشانه‌های (قدرت) او (حرکت) کشتی‌ها است در دریا که همچون علائمی برجسته‌اند. (۳۳) اگر بخواهد باد را متوقف می‌کند پس کشتی‌ها بر پشت آب راکد می‌مانند. همانا در این امر برای هر صبر پیشه سپاسگزار، نشانه‌هایی (از قدرت خدا) وجود دارد. (۳۴) یا (کشتی‌ها را) به خاطر آنچه (صاحبانشان) انجام داده‌اند نابود می‌کند و یا از بسیاری درمی‌گذرد (و غرقشان نمی‌کند). (۳۵) و کسانی که در آیات ما مجادله می‌کنند بدانند که برایشان راه گریزی نیست. (۳۶) آنچه به شما داده شده بهره زندگی دنیا است و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و باقی‌تر است. (۳۷) و کسانی که از گناهان کبیره و زشتی‌ها پرهیز می‌کنند و چون خشم و غضب کنند، می‌بخشند. (۳۸) و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می‌گیرد و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۳۹) و کسانی که هر گاه به آنان ستمی رسد (تسلیم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند. (۴۰) و

جزای بدی بدیی مانند آن است، پس هر که عفو کند و اصلاح نماید پس پاداش او بر خداست همانا او ستمکاران را دوست ندارد. (۴۱) و کسانی که بعد از ظلم دیدنشان (برای رفع آن) یاری می‌طلبند بر آنان راه (نکوهشی) نیست. (۴۲) همانا نکوهش فقط بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق طغیان می‌کنند، آنانند که برایشان عذاب دردناکی است. (۴۳) و البته کسی که صبر نماید (و مجرم را ببخشد) همانا این از کارهای استوار است. (۴۴) و هر که را خدا گمراه کند (و به گمراهی خویش واگذارد) پس بعد از آن برای او هیچ یآوری نیست و ستمگران را هنگامی که عذاب الهی را دیدند مشاهده می‌کنی که می‌گویند: آیا راهی برای بازگشت (به دنیا) وجود ندارد؟ (۴۵) و آنان را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند در حالی که از شدت ذلت خاشعند و از گوشه چشم پنهانی می‌نگرند. و کسانی که ایمان آورده‌اند گویند: همانا زبانکاران کسانی هستند که خود و خانواده‌شان را در قیامت باخته‌اند. بدانید که همانا ستمگران در عذابی پایدارند. (۴۶) و برای آنان جز خداوند هیچ یآوری که یاریشان کند نخواهد بود و هر کس را که خداوند گمراه کند پس برای او هیچ راه (نجاتی) نیست. (۴۷) پیش از آنکه روزی فرا رسد که از جانب خداوند بازگشتی برایش نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. در آن روز برای شما هیچ پناهگاهی نیست و شما را هیچ قدرت انکار نیست. (۴۸) پس اگر روی گردانند (غمگین مباش) ما ترا بر آنان نگهبان فرستادیم، (تا به اجبار آنان را به ایمان واداری)، جز رساندن پیام، مسئولیتی بر تو نیست و البته هرگاه از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم به آن شاد شده (و از ما غافل می‌شود) و اگر به خاطر دست آورد کارشان بلایی به آنان رسد، (نعمت‌ها را فراموش می‌کنند)، همانا انسان ناسپاس است. (۴۹) فرمان روایی آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست، هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر که بخواهد دختران بخشد و به هر که بخواهد پسران بخشد. (۵۰) یا (در یک رحم) پسران و دختران را در کنار هم قرار دهد و هر که را بخواهد نازا گرداند، همانا اوست دانای توانا. (۵۱) و هیچ بشری را نسزد که خداوند با او سخن گوید مگر از طریق وحی (که بر قلب او نازل می‌شود) یا از پس پرده و حجاب یا آنکه فرستاده‌ای (به نام فرشته) فرستد، پس به اذن او هر چه بخواهد وحی کند. همانا او والا مرتبه و با حکمت است. (۵۲) و بدین گونه ما روحی (به نام قرآن) را از فرمان خود به تو وحی کردیم و تو نه کتاب را می‌دانستی چیست و نه ایمان را، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر که از بندگانشان را بخواهیم به وسیله آن هدایت کنیم و همانا تو (مردم را) به راه راست هدایت می‌کنی. (۵۳) راه خداوندی که آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای اوست. بدانید که همه امور به سوی او بازمی‌گردد. (۵۴)

الزخرف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) حا، میم. (۲) به کتاب روشنگر سوگند. (۳) همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که در آن تعقل کنید. (۴) و همانا آن در "امّ الکتاب" ("لوح محفوظ) است که نزد ما بلند مرتبه و حکمت‌آمیز و استوار است. (۵) آیا بخاطر آنکه شما گروهی اسرافکارید ما ذکر (قرآن) را از شما باز گردانیم. (۶) و چه بسیار پیامبری که در میان پیشینیان فرستادیم. (۷) و هیچ پیامبری به سراغشان نمی‌آمد مگر آنکه او را مسخره می‌کردند. (۸) پس ما کسانی را که از نظر قدرت سخت‌تر از این اسراف‌کاران بودند هلاک کردیم و سرنوشت پیشینیان تکرار شد. (۹) و اگر از آنان سؤال کنی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را (خداوند) قادر دانا آفریده است. (۱۰) همان که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و در آن برای شما راه‌هایی قرار داد تا شاید راه یابید. (۱۱) و آن کس که از آسمان به اندازه‌ای معین، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه‌ی آن، سرزمین مرده را زنده کردیم، شما نیز این گونه (از قبرها) خارج می‌شوید. (۱۲) و همان کسی که همه‌ی جفت‌ها را آفرید و برای شما کشتی‌ها و چهارپایان قرار داد که بر آنها سوار شوید. (۱۳) تا بر پشت آنها قرار گیرید و آنگاه که بر آن استقرار یافتید نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید منزّه است آن که این مرکب را برای ما رام کرد و ما بر آن توانا نبودیم. (۱۴) و همانا ما به سوی پروردگارتان باز خواهیم گشت. (۱۵) (مشرکان گفتند: ملائکه دختران خدایند) و برای او از بندگانش جزئی قرار دادند. همانا انسان، کفران پیشه

آشکار است. (۱۶) آیا از آنچه می آفریند دخترانی بر گرفته و برای شما پسران را برگزیده است. (۱۷) در حالی که هر گاه یکی از آن مشرکان را به آنچه برای خداوند رحمن پسندیده است مژده دهند چهره اش سیاه گردد و اندوه خود را فرو برد. (۱۸) آیا کسی را که در زیور پرورش یافته و در مجادله بیانش غیر روشن است (شایسته نسبت دادن به خداست؟) (۱۹) و فرشتگان را که خود بندگان (خدای) رحمان هستند، مؤنث پنداشتند. آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ گواهی آنان (بر آن همه خرافات) به زودی نوشته می شود و بازخواست خواهند شد. (۲۰) و (مشرکان در توجیه خلاف خود) گفتند: اگر (خدای) رحمن می خواست، ما آنها را نمی پرستیدیم. برای آنان نسبت به این گفتار هیچگونه آگاهی (و دلیل علمی) نیست و ایشان جز از روی حدس و گمان سخنی نمی گویند. (۲۱) آیا پیش از این به آنان کتابی دادیم که ایشان به آن تمسک می جویند. (۲۲) (چنین نیست) بلکه گویند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و با پیروی از آنان هدایت یافته ایم. (۲۳) و بدین گونه ما در هیچ شهر و دیاری پیش از تو هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه ثروتمندان مغرورشان گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و از آثار آنان پیروی می کنیم. (۲۴) (پیامبرشان) گفت: آیا اگر آئینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید برایتان بیاورم (حاضرید دست از راه نیاکان بردارید) گفتند: ما به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم. (۲۵) پس ما از آنان انتقام گرفتیم و بنگر که فرجام تکذیب کنندگان چگونه است. (۲۶) و (به یاد آور) زمانی که ابراهیم به پدر (عمویش آزر) و قوم خود گفت: همانا من از آنچه شما می پرستید بیزارم. (۲۷) مگر (پرستش) کسی که مرا پدید آورد که البته او هدایت خواهد کرد. (۲۸) و آن (کلمه توحید) را در میان نسلش کلمه ماندنی قرار داد. باشد که آنان (به توحید) بازگردند. (۲۹) (من نه تنها مشرکان را هلاک نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را کامیاب کردم تا آن که حق (قرآن) و پیامبری آشکار به سراغشان آمد. (۳۰) و چون حق به سراغشان آمد، گفتند: این سحر است و ما به آن کفر می ورزیم. (۳۱) و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ (از نظر جاه و مال) از دو قریه (مکه و طائف) نازل نشده است. (۳۲) آیا آنان رحمت پروردگارت (در مورد تعیین پیامبر) را (میان خود) تقسیم می کنند در حالی که ما معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم (تا چه رسد به اعطای مقام والای نبوت) و درجات بعضی انسانها را بر برخی دیگر برتری دادیم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند بهتر است. (۳۳) و اگر نبود که مردم یکسره و یک دست (کافر) می شدند، برای خانه های کسانی که به خدای رحمن کفر می ورزند، سقف هایی از نقره قرار می دادیم و نیز نردبان هایی که بر آنها بالا روند. (۳۴) و برای خانه هایشان درب های متعدّد و تخت هایی که بر آنها تکیه زنند (قرار می دادیم). (۳۵) و هر گونه زینتی (برای آنان فراهم می کردیم) ولی اینها همه جز وسیله کامیابی زندگی دنیا نیست، در حالی که آخرت نزد پروردگارت مخصوص اهل تقواست. (۳۶) و هر که از یاد خدای رحمن روی گردان شود شیطانی بر او می گماریم که همراه و دمساز وی گردد. (۳۷) و آنها (شیاطین) مردم را از راه (حق) بازمی دارند ولی گمان می کنند که هدایت یافته اند. (۳۸) (همراه بودن شیطان ادامه دارد) تا زمانی که (مجرم در قیامت) نزد ما آید (و به شیطان همدم خود) گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بد همنشینی بودی. (۳۹) (ولی به آنان گفته می شود) امروز (آرزوی دوری از شیاطین) برای شما سودی ندارد چرا که ظلم کردید، شما (با شیاطین) در عذاب مشترکید. (۴۰) (ای پیامبر!) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکارند هدایت کنی؟ (۴۱) پس هر گاه تو را از (میان آنان) ببریم، از آنان انتقام خواهیم گرفت. (۴۲) یا (اگر زنده باشی) عذابی را که به آنان وعده داده ایم به تو نشان می دهیم، پس بدون شک ما بر نابودی آنان مقتدریم. (۴۳) پس آنچه را به تو وحی شده محکم بگیر، همانا تو بر راه مستقیم هستی. (۴۴) و همانا قرآن برای تو و قومت وسیله یادآوری (و عظمت) است و به زودی (درباره آن) از شما سؤال خواهد شد. (۴۵) و از رسولانی که قبل از تو فرستاده ایم (از طریق پیروان یا کتابشان) سؤال کن، آیا غیر از خداوند رحمان، معبودان دیگری برای پرستش مردم قرار داده ایم؟ (۴۶) و همانا ما موسی را همراه با آیات (و معجزات) خود به سوی فرعون و اشراف قومش فرستادیم پس گفت: همانا من فرستاده پروردگار عالمیانم. (۴۷) پس چون موسی با آیات ما به سراغ آنان

آمد، آنان به آن (آیات و معجزات) خندیدند. (۴۸) و ما هیچ معجزه‌ای به فرعونیان نشان نمی‌دادیم، مگر آنکه از معجزه دیگر بزرگتر بود و ما آنان را به عذاب گرفتیم تا شاید باز گردند. (۴۹) و (به موسی) گفتند: ای ساحر، پروردگارت را به آنچه نزد تو عهد کرده است برای ما بخوان (تا عذاب را از ما بردارد که در آن صورت) قطعاً هدایت تو را خواهیم پذیرفت. (۵۰) ولی همین که (به دعای موسی) عذاب را از آنان برطرف کردیم، همان دم همگی پیمان شکستند (و ایمان نیاوردند). (۵۱) و فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر (کاخ) من جاری نیست؟ آیا (عظمت مرا) مشاهده نمی‌کنید. (۵۲) بلکه من از این کسی که بی‌مقدار است و نمی‌تواند روشن سخن بگوید بهترم. (۵۳) (اگر موسی حق است) پس چرا دستبندهایی از طلا بر او نیاویخته، یا (برای تصدیق رسالتش)، با او فرشتگانی همراه نشده‌اند. (۵۴) پس فرعون قوم خود را سبک شمرد و آنان او را اطاعت کردند زیرا آنان قومی فاسق بودند. (۵۵) پس چون ما را به خشم آوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. (۵۶) پس آنان را پیشگامانی (بد) و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم. (۵۷) و همین که (از سوی بت پرستان) درباره عیسی بن مریم مثالی زده شد (که اگر معبودان غیر خدا هیزم دوزخند پس عیسی نیز که معبود است دوزخی است) ناگهان قوم تو در پی آن فریاد تمسخر بر داشتند. (۵۸) و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ (اگر عیسی که از معبودهای ما بهتر است در جهنم باشد، به جهنم رفتن ما و معبودهایمان چندان مهم نیست). این مثال را برای تو جز از راه جدل نزدند بلکه آنان قومی جدل پیشه‌اند. (۵۹) عیسی جز بنده‌ای نیست که ما بر او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل الگو و نمونه قرار دادیم. (۶۰) و اگر بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی را قرار می‌دهیم تا جانشین شما شوند. (۶۱) و همانا عیسی (چون مرده زنده می‌کرد) مایه علم و آگاهی به قیامت است. پس در قیامت شک نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است. (۶۲) و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، همانا او دشمن آشکار شماست. (۶۳) و چون عیسی همراه با دلایل روشن (و معجزات) آمد، گفت: همانا من برای شما حکمت آورده‌ام (و آمده‌ام) تا بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کنید برای شما بیان کنم. پس از خداوند پروا و مرا اطاعت کنید. (۶۴) همانا خداوند همان پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این راه مستقیم است. (۶۵) پس از میان مردم گروه‌هایی اختلاف نمودند، پس وای بر کسانی که ظلم کردند از عذاب روز دردناک. (۶۶) آیا جز قیامت را انتظار می‌برند که ناگهان به سراغشان آید در حالی که بی‌خبراند. (۶۷) دوستان (امروز)، در آن روز با یکدیگر دشمن‌اند، جز اهل تقوی. (۶۸) (خداوند به آنان می‌گوید:) ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه غمگین می‌شوید. (۶۹) آنان که به آیات ما ایمان آورده و همواره تسلیم (حق) هستند. (۷۰) شما و همسران‌تان در حالی که شادمانید به بهشت داخل شوید. (۷۱) ظرف‌ها و جام‌هایی از طلا بر آنان چرخانده می‌شود و آنچه را که نفس میل داشته باشد و چشم (از دیدنش) لذت‌برد در بهشت موجود است و شما در آنجا جاودانه هستید. (۷۲) و این است بهشتی که به خاطر عملکردتان به میراث برده‌اید. (۷۳) در آنجا برای شما میوه فراوانی است که از آنها می‌خورید. (۷۴) بدون شک مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه‌اند. (۷۵) عذاب از آنان کاهش نمی‌یابد و آنان در آنجا (حزنی همراه با) یأس دارند. (۷۶) و ما به آنان ستم نکردیم ولیکن آنان خود ستمگر بوده‌اند. (۷۷) و فریاد می‌کشند که ای مالک (دوزخ! بگو): پروردگارت علیه ما حکم (مرگ) صادر کند. او می‌گوید: شما ماندنی هستید (و مرگ در کار نیست). (۷۸) همانا ما حق را برای شما آوردیم ولی اکثر شما نسبت به آن کراحت داشتید. (۷۹) بلکه آنان تصمیم قطعی (بر نپذیرفتن حق) گرفتند، (اگر چنین است) پس ما نیز تصمیم گرفته‌ایم (و کیدشان را بی‌اثر می‌گذاریم). (۸۰) آیا آنان گمان می‌کنند که ما اسرار پنهانی و سخنان در گوشی آنان را نمی‌شنویم. چرا و فرستادگان ما نزد آنان حضور داشته و (همه چیز را) ثبت می‌کنند. (۸۱) (ای پیامبر! به آنان) بگو: اگر برای خداوند رحمن فرزندی بود پس من اولین پرستنده بودم (و به آن فرزند احترام می‌گذاردم). (۸۲) منزّه است پروردگار آسمان‌ها و زمین، پروردگار عرش، از آنچه او را توصیف می‌کنند. (۸۳) پس (این یاوه‌سراها را) به حال خود واگذار تا (در باطل) فرو روند و سرگرم باشند تا روزی را که وعده داده شده‌اند ملاقات نمایند. (۸۴) و اوست آنکه در آسمان‌ها پرستش می‌شود و در زمین نیز

پرستش می‌شود و اوست حکیم دانا. (۸۵) منشأ خیر و برکت است، آن که حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست برای اوست و آگاهی از قیامت مخصوص اوست و به سوی او باز گردانده می‌شوید. (۸۶) کسانی را که جز او می‌خوانند مالک هیچگونه شفاعتی نیستند مگر کسانی که شهادت به حق داده‌اند (مثل حضرت عیسی و فرشتگان که بدون رضای خودشان معبود قرار گرفته‌اند) و آنان خود می‌دانند (که مورد شفاعت کجاست). (۸۷) و اگر از مشرکان سؤال کنی چه کسی آنان را آفریده است، قطعاً خواهند گفت: خدا. پس چگونه به انحراف کشانده می‌شوند. (۸۸) و سخن رسول ما این است: ای پروردگار! همانا اینان قومی هستند که ایمان نمی‌آورند. (۸۹) اکنون که از هدایتشان ناامید شده‌ای) پس از آنان روی گردان و بگو: بدرود. در آینده خواهند فهمید (که کيفرشان چیست؟) (۹۰)

الدخان

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) حا، میم. (۲) به کتاب روشنگر سوگند. (۳) ما آن را در شبی مبارک و فرخنده نازل کردیم، ما همواره اندازکننده بودیم. (۴) در آن (شب مبارک) هر امر مهمی بر طبق حکمت الهی تفصیل و تبیین می‌شود. (۵) (نزول قرآن در شب قدر و فیصله امور در آن شب،) امری (و اراده‌ای) است از طرف ما، همانا ما فرستنده (همه انبیا) هستیم. (۶) (نزول کتاب و فرستادن انبیا) از طرف پروردگارت رحمت بزرگی است، همانا او خود شنوای دانا است. (۷) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر اهل یقین باشید. (۸) هیچ معبودی جز او نیست، اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست. (۹) (کافران این را باور ندارند)، بلکه آنان در شکی (عمیق و پیوسته با حقایق) بازی می‌کنند. (۱۰) پس منتظر روزی باش که آسمان دود، نمایانی را با خود می‌آورد. (۱۱) (دودی که) همه مردم را فرامی‌گیرد. این است عذاب دردناک. (۱۲) (مردم می‌گویند) پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن، ما ایمان می‌آوریم. (۱۳) این بیداری برای آنان چه سود؟ در حالی که پیامبری روشنگر به سراغشان آمد. (ولی اعتنا نکردند) (۱۴) سپس از او روی گرداندند و گفتند: او جن زده‌ای است که تعلیمش داده‌اند. (۱۵) البته ما برای مدت کمی بر طرف‌کننده عذاب هستیم (لکن) شما دوباره از سر گیرنده هستید. (۱۶) روزی که ما با قدرتی بزرگ (شما را) خواهیم گرفت، همانا که انتقام گیرنده‌ایم. (۱۷) و همانا ما قبل از این کفار، قوم فرعون را آزمودیم و پیامبر با کرامتی به سراغشان آمد. (۱۸) (موسی به آنان گفت: بنی اسرائیل، این) بندگان خدا را به من واگذارید (تا آزادشان کرده و از استعمارشان نجات دهم) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۹) و اینکه بر خداوند برتری نجوید، همانا من برهانی آشکار برای شما آورده‌ام. (۲۰) و از اینکه مرا متهم (یا سنگسار) کنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم. (۲۱) و اگر به من ایمان نمی‌آورید پس (لااقل) از من کناره بگیرید. (۲۲) پس (چون از پذیرش دعوتش مأیوس شد) پروردگارش را خواند و (گفت:): آنان قومی گنه پیشه هستند. (۲۳) پس (به او گفتیم:): بندگان مرا شبانه کوچ بده، زیرا که شما تحت تعقیب (فرعونیان) هستید. (۲۴) و دریا را آرام پشت سر بگذار (و توقع نداشته باش که بعد از عبور شما آبها روی هم ریخته شود، آنگاه که لشکر فرعون وارد شود، آبها روی هم ریخته خواهد شد). زیرا آنان غرق شدگانند. (۲۵) چه بسیار از باغها و چشمه‌ها به جا گذاشتند (و رفتند). (۲۶) و کشت‌ها و جایگاه‌های عالی. (۲۷) و نعمت‌هایی که در آنها کامیاب بودند. (۲۸) و ما این گونه (همه را از آنان گرفتیم و) آنها را به قوم دیگر به میراث دادیم. (۲۹) پس نه آسمان و زمین بر آنان گریست و نه به آنان مهلتی داده شد. (۳۰) و همانا ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوارکننده نجات دادیم. (۳۱) از (عذاب) فرعون که مردی بزرگ‌طلب و از اسراف‌کاران بود. (۳۲) و همانا ما آنان را به خاطر علم بر جهانیان (هم زمان خود) برگزیدیم. (۳۳) و از نشانه‌های قدرت خود، آنچه را که در آن آزمایش آشکار بود به آنان دادیم. (اما چه سود) (۳۴) البته این مشرکان (زمان تو) پیوسته می‌گویند: (۳۵) غیر از این مرگ اول ما (چیز دیگری در کار) نیست و ما بار دیگر زنده نخواهیم شد. (۳۶) پس اگر شما (پیامبران) راستگو هستید، پدران (مرده) ما را باز آورید. (۳۷) آیا مشرکان مکه (از نظر موقعیت)

بهبترند یا قوم تبع و دیگرانی که قبل از آنان بودند. ما آنان را به خاطر آنکه قومی تبه‌کار بودند هلاک کردیم. (پس چرا اینها عبرت نمی‌گیرند). (۳۸) و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازی نیافریدیم. (۳۹) ما جز بر اساس حق آسمان و زمین را نیافریدیم، ولی اکثر مشرکان نمی‌دانند. (۴۰) همانا روز جدا سازی (حق از باطل) وعده‌گاه همه آنهاست. (۴۱) روزی که هیچ دوستی از دوست خود حمایتی نمی‌کند و آنان (از هیچ سوی دیگر نیز) یاری نمی‌شوند. (۴۲) جز کسی که خداوند او را مورد رحمت قرار دهد، همانا او عزیز و رحیم است. (۴۳) همانا (میوه) درخت زقوم، (۴۴) غذای گناهکاران است. (۴۵) همچون مس آب کرده در شکم آنها می‌جوشد. (۴۶) همچون جوشش آب داغ. (۴۷) (به مأموران دوزخ گفته می‌شود) گنه‌کار را بگیرد و او را به وسط آتش شعله‌ور بکشید. (۴۸) سپس از آب سوزان بر سرش بریزد. (۴۹) (به او گفته می‌شود) بچش که تو همان هستی که به گمان خود عزیز و کریم بودی. (۵۰) این همان است که همواره در آن تردید داشتید. (۵۱) به راستی پرهیزگاران در جایگاهی امن هستند. (۵۲) در میان باغ‌ها و (کنار) چشمه‌سارها. (۵۳) لباس‌های ابریشم نازک و ضخیم می‌پوشند در حالی که در برابر هم (بر تخت‌ها) جای گرفته‌اند. (۵۴) این گونه (ما پاداش می‌دهیم) و آنان را به حورالعین (زنان سیمین تن و فراخ چشم) ترویج می‌کنیم. (۵۵) در آن باغ‌ها هر میوه را (که بخواهند) با آسودگی می‌طلبند. (۵۶) در بهشت جز مرگ نخستین (که پشت سر گذاشته‌اند) مرگی نخواهند چشید و خداوند آنان را از عذاب سوزان حفظ نموده است. (۵۷) (اینها همه) بخششی است از طرف پروردگارت، این است همان کامیابی بزرگ. (۵۸) جز این نیست که ما قرآن را به زبان تو آسان گرداندیم تا شاید متذکر شوند. (۵۹) پس منتظر باش که آنان نیز منتظرند. (تو منتظر پیروزی و آنان منتظر سرنوشت شوم خود). (۶۰)

الجانبة

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) نزول کتاب از طرف خداوند عزت‌مند حکیم است. (۳) همانا در آسمان‌ها و زمین برای مؤمنان نشانه‌هایی است. (۴) و در آفرینش شما و آنچه از جنده‌ها که (در هستی) پراکنده نموده، برای اهل یقین، نشانه‌هایی (از قدرت الهی) است. (۵) و شب و روز که در پی یکدیگرند و آنچه از روزی که خداوند از آسمان فرو فرستاده و زمین را به واسطه‌ی آن بعد از پژمردگی‌اش سبز و زنده نموده است و گردش بادها، برای کسانی که تعقل کنند نشانه‌هایی (از قدرت الهی) است. (۶) این‌ها آیات الهی است که ما آنها را به حق بر تو تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات او به چه سخنی ایمان می‌آورند. (۷) وای بر هر دروغ پرداز گناه پیشه. (۸) (گناهکاری که) آیات خدا را که پیوسته بر او تلاوت می‌شود، می‌شنود ولی همچون کسی که آنها را نشنیده متکبرانه (بر انحراف خود) اصرار می‌ورزد، پس او را به عذابی سخت بشارت ده. (۹) و هرگاه از آیات ما چیزی فهمد آن را به مسخره می‌گیرد، آنانند که برایشان عذاب خفت‌باری است. (۱۰) جهنم پیش روی آنان است و آنچه را به دست آورده‌اند و آنچه را از غیر خدا، اولیای خود گرفته‌اند، ذره‌ای آنان را بی‌نیاز نمی‌کند و برای آنان عذاب بزرگی است. (۱۱) این (قرآن) مایه‌ی هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیدند برایشان عذابی دردناک از هول و اضطراب است. (۱۲) خداوند کسی است که دریا را برای شما رام کرد تا به فرمان او کشتی‌ها در آن جریان پیدا کنند و تا از فضل او جستجو کنید و شاید شکرگزاری کنید. (۱۳) و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه از اوست که برای شما رام نمود، همانا در این تسخیر برای کسانی که فکر کنند، قطعاً نشانه‌هایی است. (۱۴) (ای پیامبر!) به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو: از کسانی که به روز رستاخیز که یکی از ایام الله (است) امید ندارند، در گذرند (و آنان را به خدا واگذارند) تا خداوند (در آن روز) هر قومی را به آنچه انجام می‌دادند جزا دهد. (۱۵) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خود اوست و هر کس عمل بدی مرتکب شود، پس به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان بازگشت داده می‌شوید. (۱۶) و همانا ما به بنی اسرائیل کتاب (آسمانی تورات) و حکومت و نبوت دادیم و از (خوردنی‌های) پاکیزه و دلپسند روزی کردیم و آنان را بر اهل زمانه برتری دادیم. (۱۷) و به

آنان دلایل روشنی نسبت به امر (دین) دادیم، پس اختلاف نکردند مگر پس از آنکه حقیقت برایشان حاصل شد (و این اختلاف) از روی حسادت و برتری‌جویی بود که میان آنان وجود داشت. همانا خداوند در قیامت درباره آنچه پیوسته اختلاف می‌کنند، میانشان داوری خواهد کرد. (۱۸) سپس تو را بر شریعتی از امر (دین) قرار دادیم، پس آن را پیروی کن و از خواسته‌های جاهلان پیروی نکن. (۱۹) آنان هرگز در برابر خداوند از تو دفاع نخواهند کرد و البته ستمگران یاور یکدیگرند و خداوند یار افراد با تقواست. (۲۰) این (کتاب) برای مردم، وسیله‌ی بصیرت و هدایت و برای اهل یقین، مایه‌ی رحمت است. (۲۱) آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شدند گمان کردند که ما آنان را همچون کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند قرار خواهیم داد و حیات و مرگشان یکسان است؟ چه بد داوری می‌کنند. (۲۲) و خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید تا هر کس به موجب آنچه کسب نموده است پاداش داده شود و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۲۳) پس آیا دیدی کسی را که هوای خویش را معبود خود قرار داده و خداوند او را با وجود آگاهی‌اش به بیراهه گذاشت و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده‌ای نهاد. پس بعد از خدا کیست که او را هدایت کند، پس آیا پند نمی‌گیرید؟ (۲۴) و گفتند: جز همین زندگی دنیایی، زندگی دیگری نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم (یک گروه می‌رویم و یک گروه می‌آییم) و ما را چیزی جز طبیعت و روزگار نابود نمی‌کند، در حالی که هیچگونه علمی بر این ادعا ندارند. آنان جز گروهی خیالباف نیستند. (۲۵) و هرگاه آیات روشن ما (درباره معاد) بر آنان تلاوت گردد، دلیل و حجتی ندارند، مگر آنکه گویند: اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید. (۲۶) بگو: خداست که شما را زنده می‌کند و سپس می‌میراند و آنگاه برای روز قیامتی که شکی در آن نیست همه را جمع می‌نماید ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (۲۷) حکومت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز یاهو سرایان زیانکارند. (۲۸) (در روز رستاخیز) هر ائمتی را به زانو در آمده می‌بینی، در حالی که هر امتی به سوی کتابش (برای دادرسی) فراخوانده شده است. امروز آنچه را عمل می‌کردید دریافت خواهید کرد. (۲۹) این است کتاب ما که به حق درباره شما سخن می‌گوید، همانا ما آنچه را انجام می‌دادید نسخه برداری و ثبت می‌کردیم. (۳۰) پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پروردگارشان آنان را در رحمت خویش داخل می‌کند، این است آن رستگاری آشکار. (۳۱) و اما کسانی که کفر ورزیدند (به آنان گفته می‌شود) مگر آیات من بر شما خوانده نشد، پس استکبار ورزیدید و گروهی مجرم بودید. (۳۲) و هرگاه گفته شد که وعده الهی حق است و در قیامتی که (در پیش است) شکی نیست، گفتید: ما نمی‌دانیم قیامت چیست، ما آن را جز گمانی نمی‌پنداریم و ما به سراغ باور کردن آن نیستیم. (۳۳) و بدی‌های اعمالشان برایشان روشن شد و آنچه را به مسخره می‌گرفتند، فراگیرشان شد. (۳۴) و به آنان گفته شود: امروز ما شما را به فراموشی می‌سپاریم، همان گونه که شما دیدار امروزتان را به فراموشی سپردید، جایگاه شما آتش است و برای شما هیچ یاوری نیست. (۳۵) این به خاطر آنست که شما آیات خدا را مسخره گرفتید و زندگی دنیا مغرورتان کرد. پس امروز نه از آتش دوزخ خارج می‌شوند و نه از آنان خواسته می‌شود که رضایت خدا را بخواهند. (۳۶) پس سپاس و ستایش مخصوص خداوند است، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. (۳۷) و بزرگی در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست و اوست خدای عزیز و حکیم. (۳۸)

الأحقاف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) نزول (این) کتاب از طرف خداوند عزیز و حکیم است. (۳) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، جز بر اساس حق و زمان‌بندی مشخص نیافریدیم، و (لی) کسانی که کفر ورزیدند، از آنچه بدان هشدار داده شده‌اند روی گردانند. (۴) بگو: آیا آنچه را به جای خداوند می‌خوانید، دیده‌اید؟ به من نشان دهید که چه چیزی را از زمین آفریده‌اند، یا در (آفرینش) آسمان‌ها چه مشارکتی داشته‌اند؟ اگر راستگو هستید، کتابی پیش از این (قرآن) یا نشانه‌ای علمی (بر

ادّعی خود) برای من بیاورید. (۵) و کیست گمراه‌تر از کسی که به جای خداوند، کسانی را می‌خواند که تا روز قیامت پاسخش را نمی‌دهند و حتی از خوانده شدن خود بی‌خبرند. (۶) و آنگاه که مردم محشور شوند، آنها دشمن‌شان خواهند بود و عبادتشان را انکار خواهند کرد. (۷) و هرگاه آیات روشنگر ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیدند، در باره حقی که برایشان آمده، گویند: این سحر آشکار است. (۸) یا اینکه می‌گویند: (آنچه را پیامبر آورده) افتراست. بگو: اگر من آن را به دروغ به خدا بسته باشم، (در آن هنگام) شما در برابر قهر خداوند نمی‌توانید از من دفاع کنید. خداوند به آنچه در آن وارد می‌شوید (و به گفتگو و جدال می‌پردازید) آگاه‌تر است. برای گواه به میان من و شما خداوند کافی است و اوست بسیار آمرزنده و مهربان. (۹) بگو: من در میان پیامبران بی‌سابقه نیستم و نمی‌دانم با من و شما چگونه عمل خواهد شد و جز آنچه به من وحی می‌شود از چیز دیگری پیروی نمی‌کنم و من جز هشدار دهنده‌ای آشکار نیستم. (۱۰) بگو: اگر (این قرآن) از نزد خدا باشد و شما به آن کفر ورزید، در حالی که گواهی از بنی‌اسرائیل، بر همانند آن (یعنی تورات) گواهی داده و ایمان آورده، ولی شما (همچنان) تکبر ورزیده‌اید، آیا (عاقبت کار را) دیده‌اید؟ همانا خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۱۱) و کسانی که کفر ورزیدند، درباره کسانی که ایمان آورده‌اند، گویند: اگر (اسلام) خوب بود، آنان در پذیرفتن آن بر ما سبقت نمی‌گرفتند. و چون خود هدایت نیافتند، به زودی خواهند گفت: این دروغی سابقه‌دار است. (۱۲) و پیش از قرآن، کتاب موسی امام و رحمت بود و این کتاب که به زبان عربی است، تصدیق‌کننده (کتاب‌های آسمانی) است تا به ظالمان هشدار دهد و برای نیکوکاران بشارت باشد. (۱۳) همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس (بر ایمان و گفته خود) پایداری کردند، هیچ بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. (۱۴) آنان به خاطر آنچه (از کارهای نیک) انجام می‌دادند، اهل بهشتند و همواره در آن خواهند ماند. (۱۵) و ما انسان را سفارش کردیم که به والدین خود نیکی کند، مادرش او را با سختی حمل کرد و با سختی به دنیا آورد و دوران حمل تا از شیر گرفتنش سی ماه (به طول کشد)، تا آنگاه که به رشد کامل رسد و چهل ساله شود، گوید: پروردگار! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و والدین من لطف کردی شکرگزاری کنم و عمل شایسته‌ای انجام دهم که تو آن را بپسندی و فرزندانم را برای من شایسته گردان، همانا من به سوی تو بازگشته و از مسلمین و تسلیم شدگانم. (۱۶) آنانند کسانی که بهترین آنچه را انجام داده‌اند، از آنان می‌پذیریم و از بدی‌هایشان درمی‌گذریم، در حالی که در زمره بهشتیانند. (این بهشت، همان) وعده راستی است که همواره به آنان وعده داده می‌شدند. (۱۷) و آنکه به والدین خود گفت: اُف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که (پس از مرگ از گور) خارج گردم، در حالی که نسل‌های بسیاری پیش از من گذشته‌اند (و هرگز زنده نشده‌اند). ولی والدین او، خدا را به فریادرسی می‌خوانند (و به او می‌گویند): وای بر تو، ایمان بیاور قطعاً وعده خداوند حق است، اما او می‌گوید: این (وعده‌ها) جز افسانه پیشینیان نیست. (۱۸) آنان کسانی هستند که در میان اقوام کافری از جن و انس که پیش از آنان بودند، عذاب خدا بر آنان قطعی شده است، حتماً آنان زیانکارانند. (۱۹) و برای هر یک (از جن و انس، گذشتگان و آیندگان)، از آنچه انجام داده‌اند، درجاتی است (که به آن خواهند رسید) و (خداوند) جزای کارهایشان را کامل بدهد و آنان مورد ستم قرار نگیرد. (۲۰) و (یاد کن) روزی که کافران بر آتش عرضه شوند. (به آنان گفته شود): شما در زندگی دنیا، نعمت‌های دل‌پسندان را تلف کردید و از آنها کامیاب شدید (و برای امروزتان چیزی ذخیره نکردید) پس امروز به خاطر استکبار ناحقی که در زمین داشتید و پیوسته مرتکب گناه می‌شدید به عذاب خوارکننده کیفر داده می‌شوید. (۲۱) و سرگذشت برادر قوم عاد (حضرت هود) را یاد کن آنگاه که قومش را در منطقه احقاف هشدار داد. در حالی که پیش از او و پس از او هشدار دهندگانی آمده بودند. (او به مردم گفت): جز خدا را نپرستید که من از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم. (۲۲) (قوم عاد به حضرت هود) گفتند: آیا به سراغ ما آمده‌ای تا ما را از خدایانمان برگردانی؟ پس اگر از راستگویانی آنچه را وعده می‌دهی برای ما بیاور. (۲۳) هود گفت: علم (به زمان وقوع قیامت) تنها نزد خداست و من آنچه را بدان فرستاده شده‌ام به شما ابلاغ می‌کنم ولی (متأسفانه) شما را گروهی جاهل می‌بینم. (۲۴) پس چون آن توده‌ی ابر را دیدند که به سمت سرزمین آنان

روی آورده است، گفتند: این ابر باران زاست، (هود گفت: چنین نیست) بلکه آن عذابی است که به شتاب خواستارش بودید. بادی که در آن عذابی دردناک نهفته است. (۲۵) (آن باد) به فرمان پروردگارش همه چیز را در هم می‌کوبد. پس صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شد، اینگونه، تبه کاران را جزا می‌دهیم. (۲۶) و همانا به قوم عاد چنان امکاناتی دادیم که به شما (اهل مکه) ندادیم و به آنان گوش و چشم و دل دادیم ولی گوش و چشم و دل آنان به حالشان سودی نبخشید، زیرا پیوسته آیات خدا را انکار می‌کردند و (بالاخره) عذابی که آن را به مسخره می‌گرفتند آنان را فراگرفت. (۲۷) و همانا آبادی‌هایی را که در اطراف شما (اهل مکه) بود، نابود کردیم و آیات خود را گونه‌گونه بیان کردیم تا شاید (از راه باطل خود) باز گردند. (۲۸) پس چرا معبودانی که به جای خداوند برای تقرّب برگزیده بودند، آنان را یاری نکردند؟ بلکه از نزد آنان محو شدند و این بود (سرانجام) انحراف آنان و آنچه که می‌یافتند. (۲۹) و آنگاه که گروهی از جن را به سوی تو روانه ساختیم تا قرآن را بشنوند، پس چون نزد آن حاضر شدند، گفتند: خاموش باشید (و گوش فرا دهید) پس چون (شنیدن آیات) به انجام رسید به سوی قوم خود باز گشتند تا آنان را هشدار دهند. (۳۰) گفتند: ای قوم ما! همانا ما (آیات) کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده و کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند. مردم را به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می‌نماید. (۳۱) ای قوم ما! دعوت‌گر الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا خداوند از گناهانتان بر شما ببخشد و از عذاب دردناک امانتان دهد. (۳۲) و هر که دعوت‌گر الهی را پاسخ نگوید، پس نمی‌تواند (عوامل قهر الهی) در زمین را عاجز کند و جز خداوند هیچگونه یآوری نخواهد داشت، آنان در گمراهی آشکارند. (۳۳) آیا ندیده‌اند که خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و در آفرینش آنها درنمانده، می‌تواند مردگان را زنده کند، آری، او بر هر کاری بسیار تواناست. (۳۴) و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند (به آنان گفته شود): آیا این (جهنم) حق نیست؟ گویند: به پروردگاران سوگند که چنین است. (خداوند به آنان) گوید: پس به خاطر کفرتان، عذاب را بچشید. (۳۵) پس (ای پیامبر)، صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای (عذاب) آنان شتاب نکن. روزی که آنچه را وعده داده شده‌اند بنگرند گویی جز ساعتی از روز (در دنیا) نمانده‌اند (این) ابلاغی است (برای همگان) پس آیا جز گروه بدکار هلاک می‌گردند؟ (۳۶)

محمد

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را تباه گردانید. (۲) و کسانی که (به خدا) ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و به آنچه بر محمد نازل شده که حق است و از جانب پروردگارشان است ایمان آورده‌اند، خداوند بدی‌های آنان را پوشاند و کارشان را به سامان آورد. (۳) این (دو گونه سرانجام) به خاطر آن است که کسانی که کفر ورزیدند، از باطل پیروی کردند و کسانی که ایمان آوردند، از همان حقی که از طرف پروردگارشان (نازل شده) است پیروی نمودند. این گونه خداوند برای (بیداری) مردم مثال حالشان را بیان می‌کند. (۴) پس هرگاه با کسانی که کافر شدند (در میدان جنگ) روبرو شدید، گردن‌هایشان را بزنید تا آن که آنان را از پا در آورید (و چون در دست شما اسیر شوند) پس آنان را سخت ببندید (تا فرار نکنند) سپس، یا بر آنان منت نهید (و آزادشان کنید) و یا با گرفتن فدیة و عوض رهایش کنید تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد. این است (دستور خداوند) و اگر خداوند اراده می‌کرد، (از طریق صاعقه و زلزله و دیگر بلاها) از آن کفار انتقام می‌کشید ولی خدا (فرمان جنگ داد) تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا کشته شدند هرگز خداوند اعمالشان را از بین نمی‌برد. (۵) خداوند، به زودی آنان را (به سوی مقامات والا) هدایت می‌کند و حال و کارشان را نیکو می‌گرداند. (۶) و در بهشتی که برای آنان توصیف کرده، وارد می‌سازد. (۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد. (۸) و کسانی که کفر ورزیدند، بر آنان

نگون ساری باد و (خداوند) اعمالشان را نابود گردانید. (۹) این (هلاکت) به خاطر آن است که آنچه را خداوند نازل کرده، ناخوش داشتند، پس (خداوند) کارهایشان را تباه (و بی ارزش) نمود. (۱۰) پس آیا در زمین سیر نکردند، تا بنگرند سرانجام کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ خداوند آنان را هلاک کرد و برای این کافران نیز همانند آن کيفرها خواهد بود. (۱۱) این (کیفر کافران) به خاطر آن است که خداوند، یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند و همانا کافران یآوری ندارند. (۱۲) همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به باغ‌هایی (از بهشت) که نه‌رها از زیر (درختان) آن جاری است داخل می‌کند. و کسانی که کفر ورزیدند (از زندگی دنیا) بهره می‌گیرند و همان گونه که چهارپایان می‌خورند می‌خورند، و (سرانجام)، جایگاه آنهاست. (۱۳) و چه بسیار (مردم) شهرها که از (مردم) شهری که تو را بیرون کردند، نیرومندتر بودند، ما آنان را هلاک کردیم و برای آنان هیچ یآوری نبود. (۱۴) پس آیا کسی که بر دلیل روشنی از طرف پروردگارش است، همچون کسی است که بدی کردارش در نظرش آراسته شده و از هوس‌هایش پیروی کرده است؟ (۱۵) وصف بهشتی که اهل پروا به آن وعده داده شده‌اند، (چنین است): در آن نه‌رهایی است از آبی که بدبو شدنی نیست و نه‌رهایی از شیر که مزه آن دگرگونی ندارد و نه‌رهایی از شراب که برای نوشندگان لذت‌بخش است و نه‌رهایی از عسل مصفاً و ناب. و برای آنان در آنجا هرگونه می‌ای موجود است و نیز آمرزشی از طرف پروردگارش. (آیا اینان) همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه‌اند و آبی جوشان، نوشانده می‌شوند، که اندروشان را متلاشی می‌کند. (۱۶) و گروهی از آنان، کسانی هستند که (در ظاهر) به تو گوش می‌سپارند، اما همین که از نزد تو بیرون روند، به صاحبان علم و دانش گویند: او هم اکنون چه گفت؟ آنان کسانی هستند که خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده‌اند. (۱۷) و کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند هدایتشان را بیفزاید و روح پرهیزگاری به آنان عطا کند. (۱۸) پس آیا (کفار برای ایمان آوردن) قیامت را انتظار دارند، که ناگهان به سراغشان آید، در حالی که نشانه‌های آن آمده است. پس آنگاه که (رستاخیز) به سراغشان آید متذکر شدن آنان چه سودی برایشان خواهد داشت؟! (۱۹) پس بدان که هیچ معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و برای مردان و زنان با ایمان استغفار کن و خداوند، رفت و آمد و آرمیدن شما را می‌داند (و به تمام حالات شما آگاه است). (۲۰) و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: چرا سوره‌ای (برای جهاد) نازل نمی‌شود؟ پس هنگامی که سوره‌ای محکم و روشن نازل می‌گردد که در آن نامی از جنگ رفته است، بیماردلان را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند مانند نگاه کردن کسی که از (سکرات) مرگ بی‌هوش شده است، پس همان مرگ برایشان سزاوارتر است. (۲۱) فرمانبرداری باید و سخن سنجیده. پس هنگامی که امر (کارزار) قطعی شد، اگر به خدا راست گویند (و صادقانه جهاد کنند)، قطعاً برایشان بهتر است. (۲۲) پس (ای بیماردلان سست ایمان!) اگر (از جهاد) روی گردانید، جز این از شما انتظار نمی‌رود که در زمین فساد کنید و پیوندهای خویشاوندی را قطع کنید. (۲۳) آنانند کسانی که خداوند از رحمت خویش دور و (گوششان را) کر و چشم‌هایشان را کور ساخته است (نه حقی می‌شنوند و نه حقی می‌بینند). (۲۴) آیا در قرآن تدبیر و تأمل نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌ها است. (۲۵) همانا کسانی که پس از آن که راه هدایت برایشان روشن شد به آن پشت کردند، شیطان (رفتار بدشان را) برایشان آراسته و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است. (۲۶) این، به خاطر آن است که (بیماردلان مرتد) به کسانی که از دستورات الهی ناخوش بودند، گفتند: ما در بعضی امور از شما اطاعت خواهیم کرد، در حالی که خداوند پنهان کاری آنان را می‌داند. (۲۷) پس (حال آنان) چگونه خواهد بود، آنگاه که فرشتگان جانشان را بازگیرند در حالی که به صورت و پشت آنان می‌کوبند. (۲۸) این (نوع جان گرفتن) به خاطر آن است که آنان از آنچه خداوند را به خشم می‌آورد، پیروی کرده و خشنودی خدا را خوش نداشتند، پس خداوند نیز اعمالشان را تباه کرد. (۲۹) آیا کسانی که در دل‌هایشان بیماری (نفاق و کفر) است، پنداشته‌اند که خداوند هیچ وقت کینه‌ها و حسادتشان را آشکار نخواهد کرد؟ (۳۰) و اگر بخواهیم آنان را به تو می‌نمایانیم، آنگاه ایشان را به سیمایشان می‌شناسی و در شیوه و آهنگ کلامشان نیز آنان را خواهی شناخت و خداوند (ظاهر و باطن) کارهایشان را می‌داند. (۳۱) ما قطعاً شما را

می‌آزماییم تا از میان شما مجاهدان و صابران را معلوم بداریم و اخبار (و اعمالتان) را آزمایش خواهیم کرد. (۳۲) همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از آنکه برایشان راه هدایت روشن شد، با پیامبر مخالفت کردند، هرگز به خداوند گزندی نرسانند و زود باشد که خداوند اعمالشان را تباه سازد. (۳۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول (نیز) پیروی نمایید و کارهایتان را باطل نسازید. (۳۴) همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، سپس در حال کفر از دنیا رفتند، پس خداوند هرگز آنان را نخواهد بخشید. (۳۵) پس سستی نوزید، تا به سازش دعوت کنید، با اینکه شما برترید و خداوند با شماست و هرگز چیزی از (پاداش) اعمالتان را کم نمی‌کند. (۳۶) زندگی دنیوی، تنها بازیچه و سرگرمی است و اگر ایمان آورید و پروا پیشه کنید، خداوند به شما پاداش می‌دهد و امواتان را نمی‌خواهد. (۳۷) اگر خداوند امواتان را بخواهد و به آن اصرار ورزد، بخل می‌ورزید و (به سبب همین بخل) کینه‌های شما را آشکار می‌سازد. (۳۸) آگاه باشید! این شماست که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، پس بعضی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد، فقط نسبت به خود بخل می‌ورزد و خداوند غنی و بی‌نیاز است و شما باید نیازمندان و اگر روی بگردانید، قومی غیر شما را جانشین شما می‌کند که آنان مثل شما (سست ایمان و بخیل) نباشند. (۳۹)

الفتح

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) همانا ما گشایش آشکاری را برای تو پیش آوردیم. (۲) تا خداوند برای تو گناه پیش و پس (از هجرت را که کفار مکه به تو نسبت می‌دهند) ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به راه راست هدایت نماید. (۳) و خداوند تو را با پیروزی شکست‌ناپذیری یاری نماید. (۴) اوست که آرامش را به دل‌های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند و لشکریان آسمان‌ها و زمین برای خداست و خداوند، دانای حکیم است. (۵) تا خداوند مردان و زنان با ایمان را، به باغ‌هایی (از بهشت) که نه‌هایی از زیر (درختان) آن جاری است، داخل کند، در حالی که جاودانه در آن باشند و گناهانشان را می‌پوشاند و این نزد خداوند، رستگاری و کامیابی بزرگی است. (۶) و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خداوند گمان بد دارند، (و می‌گویند خداوند پیامبرش را یاری نخواهد کرد)، عذاب کند، بدی بر آنها احاطه کرده است، خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و برایشان جهنم را آماده کرده است که بد سرانجامی است. (۷) و برای خداوند است، لشکریان آسمان‌ها و زمین و خداوند شکست‌ناپذیر حکیم است. (۸) همانا ما تو را گواه (بر اعمال) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. (۹) تا به خدا و رسولش ایمان آورید و او را یاری کنید و بزرگش بدارید و خداوند را بامدادان و شامگاهان، تسبیح گوید. (۱۰) همانا کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در واقع با خدا بیعت می‌کنند، دست خداوند بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند، به زیان خود پیمان می‌شکند و هر کس به آنچه با خداوند عهد بسته وفا کند، خداوند به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد. (۱۱) بزودی اعراب بازمانده از جنگ و جهاد‌گريزان، (برای توجیه خلاف خود) به تو خواهند گفت: اموال و خانواده‌هایمان ما را مشغول و سرگرم ساخت (و نتوانستیم تو را همراهی کنیم). پس برای ما (از خداوند) طلب آموزش کن. آنان به زبان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست. (آنان) بگو: اگر خداوند برای شما زبانی اراده کند، یا برای شما سودی بخواهد، کیست که در برابر خداوند از شما دفاع کند، بلکه خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۲) بلکه (نافرمانی و فرار شما به خاطر آن بود که) گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز (به سلامت) به خانواده‌های خود باز نخواهند گشت و این در دل‌های شما آراسته شد و گمان بد کردید و (این گونه) مردمی بدبخت شدید. (۱۳) و هر کس به خدا و پیامبرش ایمان نداشته باشد، پس ما برای کافران آتش شعله‌ور آماده کرده‌ایم. (۱۴) حکومت آسمان‌ها و زمین برای خداوند است، هر که را بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد و هر که را بخواهد (و سزاوار بداند) عذاب می‌کند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۵) آنگاه که شما به سوی غنایم

(خیر) حرکت کردید تا آن‌ها را بگیرید، متخلفان (از حدیبیه) می‌گویند، بگذارید به دنبال شما بیاییم، آنان می‌خواهند کلام خدا را (که فرموده است: غیر از اصحاب حدیبیه در خیر شرکت نکنند) تغییر دهند. (به آنان) بگو: شما هرگز نبای نبال ما بیایید، این گونه خداوند (درباره شما) از قبل گفته است. پس آنان بزودی می‌گویند که شما نسبت به ما حسد می‌برید (و نمی‌خواهید ما نیز از غنایم بهره‌ای ببریم. چنین نیست) ولی آنان جز اندکی نمی‌فهمند. (۱۶) به بادیه نشینان متخلف بگو: به زودی (برای جنگ) با گروهی زورمند دعوت خواهید شد، با آنان بجنگید یا اسلام آورند، پس اگر اطاعت کنید (و دعوت را قبول) کنید، خداوند پاداش نیک به شما خواهد داد و اگر سرپیچی کنید، همان گونه که پیش از این نافرمانی کردید، شما را عذابی دردناک عذاب خواهد کرد. (۱۷) بر نایبنا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست، (که به جهاد نروند) و هر کس خدا و رسولش را پیروی کند، (خداوند) او را در باغ‌هایی (بهشتی) که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، داخل می‌کند و هر کس سرپیچی کند، او را به عذابی دردناک، عذاب خواهد کرد. (۱۸) همانا خداوند از مؤمنان راضی شد، آنگاه که (در حدیبیه) زیر آن درخت با تو بیعت کردند، پس خداوند آنچه را در دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) بود، دانست، بنابراین آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را پاداش آنان قرار داد. (۱۹) و غنایم بسیاری که به جنگ خواهند آورد، و خداوند عزیز و حکیم است. (۲۰) خداوند، غنیمت‌های بسیاری به شما وعده داده است که آنها را خواهید گرفت، پس این (غنایم خیر) را زودتر برای شما فراهم ساخت و دست مردم را از (تعرض بر) شما بازداشت، تا برای مؤمنان نشانه (و عبرتی) باشد و شما را به راهی راست، هدایت کند. (۲۱) و (غنایم) دیگری (نصیبتان می‌کند) که شما بر آنها قدرت ندارید، ولی خداوند بر آنها احاطه دارد و خداوند بر هر چیزی توانمند است. (۲۲) و اگر کسانی که کفر ورزیدند با شما کارزار کنند، (توان مبارزه با شما را ندارند) و عقب‌نشینی و پشت کرده و آنگاه هیچ سرپرست و یآوری نخواهند یافت. (۲۳) (این پیروزی شما و ترس و شکست کفار،) سنت خداوند است که از پیش جاری بوده است و هرگز برای سنت‌های خداوند، تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۴) و او کسی است که بعد از آنکه شما را (در حدیبیه) بر آنان پیروز ساخت، در درون مکه (نیز) دست آنان را از شما و دست شما را از آنان کوتاه کرد و خداوند به هر کاری که می‌کنید بیناست. (۲۵) آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از مسجدالحرام و قربانی‌های نگاه داشته شده را از رسیدن به محل قربانگاه باز داشتند و اگر مردان و زنان با ایمانی (در مکه) نبودند که (به خاطر فرمان حمله) آنان را نشناخته پامال کنید و ناآگاهانه از سوی مسلمین، کش شده و به شما ضرر برسد (ما فرمان جنگ و حمله به مکه و مبارزه با این کفار را صادر می‌کردیم، ولی این فرمان را ندادیم) تا خداوند هر کس را بخواهد، در رحمت خود داخل کند. اگر (مؤمنان و مشرکان) از هم جدا بودند، قطعاً کسانی از اهل مکه را که کفر ورزیدند، به دردناکی معذب می‌کردیم. (۲۶) آنگاه که کافران، تعصب (آن هم) تعصب جاهلیت را (نسبت به شما) در قلب‌های خود جا داده بودند. پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد (و آنان برای صلح آماده شدند) و خداوند آنان را به حقیقت تقوی ملزم ساخت که به آن سزاوارتر و اهل آن بودند داوند به همه چیز آگاه است. (۲۷) همانا خداوند، آن رؤیا را برای پیامبرش به حق تحقق بخشید. شما مسلمین ان شاء الله آسوده خاطر، در حالی که سرهای خود را تراشیده‌اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید، به مسجدالحرام داخل خواهید شد. خداوند چیزی را دانست که شما نمی‌دانستید، پس غیر از این، پیروزی نزدیکی (در خیر) برای شما قرار داد. (۲۸) او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خداوند گواه این موضوع باشد. (۲۹) محمد رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند. آنان را پیوسته در رکوع و سجود می‌بینی، که فضل و رضوان را از خدا می‌جویند، نشانه آنان در رخسارشان از اثر سجود نمایان است. این است وصف ایشان در تورات و وصف آنان در انجیل، نند زراعتی است که جوانه را از زمین خارج کرده، پس آن را نیرو داده تا سخت شود و بر ساقه‌ی خود بایستد، آن گونه که کشاورزان را به شگفتی و شادی وامی‌دارد. تا خداوند بواسطه مؤمنین کفار را به خشم آورد، ولی خداوند به کسانی از کفار که ایمان آورده و

کارهای شایسته انجام دهند، وعده آمرزش و پاداش بزرگی داده است. (۳۰)

الحجرات

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در هیچ کاری) بر (حکم) خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید، که خداوند شنوا و دانا است. (۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در گفتگو با پیامبر) صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و آن گونه که با یکدیگر بلند گفتگو می‌کنید، با پیامبر بلند سخن مگویید! مبادا (به خاطر این بی‌ادبی)، اعمالتان نابود شود و شما آگاه نشوید. (۳) همانا کسانی که نزد پیامبر (از روی ادب و احترام) صدایشان را پایین می‌آورند، آنان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای (پذیرش) تقوا آزمایش (و آماده) کرده و آمرزش و پاداش بزرگ مخصوص آنها است. (۴) همانا کسانی که از پشت حجره‌ها تو را می‌خوانند، اکثرشان تعقل نمی‌کنند. (۵) و اگر صبر کنند تا به سوی آنان خارج شوی، قطعاً برایشان بهتر است و خداوند بخشنده مهربان است. (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا (از روی زودباوری و شتاب‌زدگی تصمیم بگیرید و) ناآگاهانه به قومی آسیب رسانید، سپس از کرده‌ی خود پشیمان شوید. (۷) و بدانید که در میان شما رسول خداست که (شما باید از او پیروی کنید و) اگر او در بسیاری از امور پیرو شما باشد، قطعاً به سختی و مشقت خواهید افتاد، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دل‌هایتان آن را زینت بخشیده است و کفر، فسق و گناه را مورد تنفر شم رار داده است. آنها همان رشد یافتگان هستند. (۸) (این علاقه به ایمان و تنفر از کفر)، فضل و نعمتی بزرگ از طرف خداوند است و خداوند آگاه و حکیم است. (۹) و اگر دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ پرداختند، پس میان آنان صلح و آشتی برقرار کنید. سپس اگر یکی از دو گروه بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد. پس اگر متجاوز بازگشت (و دست از تجاوز برداشت)، میان آن دو گروه به عدالت صلح برقرار کنید و عدالت ورزید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. (۱۰) همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مبادا گروهی (از شما) گروهی دیگر را مسخره کند، چه بسا که مسخره‌شدگان بهتر از مسخره‌کنندگان باشند و زنان نیز، زنان دیگر را مسخره نکنند، شاید که آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های نخوانید. (زیرا) فسق بعد از ایمان، بد رسمی است، (و سزاوار شما نیست.) و هر کس (از این اعمال) توبه نکند، پس آنان همان ستمگرانند. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها دوری کنید، زیرا بعضی گمان‌ها گناه است. و (در کار دیگران) تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (هرگز) بلکه آن را ناپسند می‌دانید و از پروا کنید، همانا خداوند توبه‌پذیر مهربان است. (۱۳) ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرمی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست، همانا خدا دانای خیر است. (۱۴) آن اعراب بادیه‌نشین گفتند: ما ایمان آورده‌ایم، به آنان بگو: شما هنوز ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است و اگر خدا و رسولش را اطاعت کنید، خداوند ذرّه‌ای از اعمال شما کم نمی‌کند. همانا خداوند آمرزنده ربان است. (۱۵) مؤمنان، تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده و دچار تردید نشدند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند. اینانند که (در ادعای ایمان) راستگویانند. (۱۶) بگو: آیا شما، خدا را از دین و ایمان خود آگاه می‌کنید، در حالی که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خداوند به هر چیزی دانا است؟! (۱۷) آنان بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند. بگو: اسلام آوردنتان را بر من منت ننهید، بلکه این خداوند است که بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت کرد، اگر راست می‌گویید. (۱۸) همانا خداوند نهران آسمان‌ها و زمین را می‌داند و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. (۱۹)

ق

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) قاف، سوگند به قرآن با عظمت، (که نبوت تو و وقوع قیامت حق است). (۲) بلکه از آمدن پیامبری هشدار دهنده از میان خودشان در شگفت شدند، پس کافران گفتند: این (سخنان که از قیامت خبر می‌دهد) چیز عجیبی است! (۳) آیا هنگامی که مردیم و خاک شدیم (دوباره زنده می‌شویم؟) این برگشت بعید است. (۴) بدون شک هر چه را زمین از آنان می‌کاهد می‌دانیم و نزد ما کتابی است که (همه چیز را در خود) حفظ می‌کند. (۵) بلکه سخن حق را چون به سراغشان آمد، تکذیب کردند، پس در کار (نبوت و معاد) سردرگمند. (۶) پس آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نکرده‌اند که چگونه آن را بنا کردیم و (با ستارگان) زینت دادیم و آن را هیچ شکاف و خللی نیست؟ (۷) و زمین را بگسترديم و کوه‌های استوار در آن افکندیم و از هر نوع گیاه با طراوت در آن رویاندیم. (۸) تا برای هر بنده‌ای که (به سوی حق)، روی می‌آورد، مایه‌ی بینش و پند باشد. (۹) و از آسمان، آبی پر برکت نازل کردیم، پس به وسیله آن باغ‌ها و دانه‌های دروشتنی رویاندیم. (۱۰) و نیز درختان بلند خرما با خوشه‌های پر و برهم چیده. (۱۱) تا رزق بندگان باشد و بدان باران، زمین مرده را زنده کردیم، خروج (از گور نیز) این گونه است. (۱۲) پیش از اینان، قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود، (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. (۱۳) و (نیز قوم) عاد و فرعون و برادران لوط. (۱۴) و اصحاب ایکه (قوم شعیب) و قوم تبع (پادشاهان یمن) همگی پیامبران را تکذیب کردند، پس وعده عذاب من، بر آنان قطعی شد (و نابود شدند). (۱۵) مگر در آفرینش نخستین و اماندیم (تا از باز آفریدن شما در رستاخیز درمانده باشیم)، بلکه آنان از آفرینش جدید در تردیدند. (۱۶) و همانا ما انسان را آفریده‌ایم و هر چه را که نفسش او را وسوسه می‌کند می‌دانیم و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم (و بر او مسلطیم). (۱۷) (یاد کن) آنگاه که دو فرشته (ملازم انسان) از راست و چپ، (به مراقبت) نشسته (اعمال آدمی را) دریافت می‌کنند. (۱۸) (انسان) هیچ سخنی به زبان نمی‌آورد، مگر آنکه در کنارش (فرشته‌ای) نگهبان حاضر و آماده (ثبت) است. (۱۹) و بی‌هوشی مرگ به راستی فرا رسد (و به انسان گفته شود): این همان است که همواره از آن می‌گریختی. (۲۰) و در صورت (رستاخیز) دمیده شود، این است روز تحقق وعده عذاب. (۲۱) و هر کس (به صحنه قیامت) می‌آید، با او دو فرشته است که یکی او را به جلو سوق می‌دهد و دیگری گواه اوست. (۲۲) (به او گفته می‌شود): همانا از این صحنه در غفلتی (عمیق) بودی، پس ما پرده (غفلت) تو را کنار زدیم و امروز چشمت تیزبین شده است. (۲۳) و (فرشته) همراه او گوید: اینک (نامه اعمال او) نزد من آماده است. (۲۴) (خداوند به دو فرشته سائق و شهید خطاب می‌کند): هر کفرپیشه لجوج را به دوزخ افکنید. (۲۵) (آن که) مانع خیر است و متجاوز و شبهه افکن. (۲۶) آنکه با خداوند یکتا، معبود دیگری قرارداد، پس او را در عذاب سخت بیفکنید. (۲۷) (شیطان)، هم‌نشین او گوید: پروردگارا من او را به طغیان وادار نکردم، بلکه او خودش در گمراهی دور و درازی بود. (۲۸) (خداوند گوید): نزد من با یکدیگر مشاجره نکنید، من پیش از این وعده عذاب را به شما داده بودم. (۲۹) فرمان (افکندن کافر در دوزخ) نزد من تغییر نمی‌یابد و من هرگز به بندگانم، ستم نکنم. (۳۰) روزی که به دوزخ گوئیم: آیا پر شدی؟ و او گوید: آیا بیش از این هم هست؟ (۳۱) و بهشت را برای تقوای پیشگان نزدیک آورند، بی آنکه دور باشد. (۳۲) (به آنان گویند): این است آنچه به شما وعده داده می‌شد، که برای هر انسان توبه‌کار و حافظ (حدود الهی است). (۳۳) آن که در نهان از خدای رحمان خشیت داشته و با دلی توبه‌کار (به سراغ خدا) آمده است. (۳۴) (به آنان گویند): به سلامت وارد بهشت شوید. این روز (برای شما) جاودانه است. (۳۵) برای اهل بهشت در آنجا هر چه بخواهند آماده است و نزد ما افزون (بر آن چه خواهند، موجود) است. (۳۶) و پیش از اینان چه بسیار نسل‌هایی را که نیرومندتر از ایشان بودند و (با نیروی خود) به شهرها راه گشودند، هلاک کردیم. آیا (برای آنان) راه‌گزینی بود. (۳۷) همانا در این (تحولات تاریخی و هلاک سرکشان) پندی است برای کسی که دلی (بیدار) دارد و یا با حضور قلب، (به سخنان حق) گوش فرا دهد. (۳۸) و همانا ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، در شش روز (دوره) آفریدیم و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید. (۳۹) پس بر

آنچه (مخالفتان) می گویند، شکیبیا باش و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب، پروردگارت را با سپاس و ستایش، تنزیه کن. (۴۰) و پاره‌ای از شب را به تسبیح او پرداز و به دنبال سجده‌ها (نیز خدا را تسبیح گوی). (۴۱) و گوش به زنگ روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می‌دهد. (۴۲) روزی که آن صیحه حقیقی را (از صور اسرافیل) بشنوند، آن روز، روز خروج (مردم از قبرها) است. (۴۳) همانا این ما هستیم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و بازگشت (همه) به سوی ماست. (۴۴) روزی که زمین به سرعت از روی آنان شکافته شود، (و آنان از گورها بیرون آیند). این حشر (و گردآوردن همه انسان‌ها) بر ما آسان است. (۴۵) ما به آنچه (مخالفتان) می‌گویند آگاه‌تریم و تو مأمور به اجبار مردم نیستی (تا آنان را با زور به راه راست درآوری). پس هر که را از وعده عذاب من می‌ترسد، به وسیله‌ی قرآن پند ده. (۴۶)

الذاریات

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) سوگند به بادهایی که با شدت اشیا را پراکنده می‌کنند. (۲) پس به ابرهای گرانبار سوگند. (۳) پس به کشتی‌هایی که به آسانی در حرکتند سوگند. (۴) پس به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند سوگند. (۵) همانا آنچه وعده داده می‌شوید قطعاً راست است. (۶) و حتماً (روز) جزا واقع‌شدنی است. (۷) سوگند به آسمان‌داری راه‌ها (و زیبایی‌ها) بسیار. (۸) همانا شما در گفتار گوناگون (سرگردان) هستید. (۹) هر که از حق منصرف گشت، (در آینده نیز) به انحراف کشیده خواهد شد. (۱۰) مرگ بر دروغ‌زنان (که بی‌دلیل و برهان درباره قرآن و قیامت سخن می‌گویند). (۱۱) آنان که در بی‌خبری و غفلت غرقند. (۱۲) می‌پرسند روز جزا چه وقت است. (۱۳) روزی است که آنها بر آتش سوزانده می‌شوند. (۱۴) (به آنان گفته می‌شود): عذابتان را بچشید، این همان عذابی است که درباره آن عجله داشتید. (۱۵) همانا اهل تقوی در باغ‌ها و (کنار) چشمه‌ها (جای دارند) (۱۶) آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کند دریافت می‌دارند، آنان قبل از آن (در دنیا) نیکوکار بودند. (۱۷) (برنامه‌شان این بود که) اندکی از شب را می‌خوابیدند. (۱۸) و در سحرگاهان، استغفار می‌کردند. (۱۹) و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود. (۲۰) و در زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است. (۲۱) و در (آفرینش) خودتان (نیز نشانه‌هایی از قدرت، عظمت و حکمت الهی است). پس چرا (به چشم بصیرت) نمی‌نگرید؟ (۲۲) و (تقدیر و تدبیر) رزق شما و آنچه وعده داده می‌شوید، در آسمان و عالم بالاست. (۲۳) پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، این سخن ما حق است همچنان که شما سخن می‌گویید. (همان طور که در سخن گفتن خود شک نمی‌کنید، در گفته‌های ما نیز شک نکنید). (۲۴) آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۵) آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ آنگاه که بر او وارد شدند و سلام گفتند. (ابراهیم در پاسخ) گفت: سلام، شما را نمی‌شناسم. (۲۶) پس پنهانی به سراغ خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده‌ای) را آورد. (۲۷) پس غذا را نزدیک میهمانان گذارد، (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند)، گفت: چرا نمی‌خورید؟! (۲۸) پس ابراهیم از (غذا نخوردن) میهمانان در درون خود احساس ترس کرد، آنان به او گفتند: نترس (ما فرشتگان الهی هستیم) و آنگاه او را به نوجوانی دانا بشارت دادند. (۲۹) پس همسر ابراهیم (با شنیدن مژده فرزند) فریادکنان پیش آمد و به صورت خود زد و گفت: پیرزنی نازا (چگونه صاحب فرزند شود)؟! (۳۰) (فرشتگان به ابراهیم) گفتند: پروردگار تو این گونه گفته و البته او حکیم و داناست. (۳۱) (ابراهیم) گفت: پس ای فرستادگان، کاری که به دنبال آن آمده‌اید چیست؟ (۳۲) گفتند: ما به سوی قومی ستم‌پیشه فرستاده شده‌ایم. (۳۳) تا (برای هلاکتشان) سنگ‌هایی از گل بر آنان فرو ریزیم. (۳۴) (سنگ‌هایی که) نزد پروردگارت برای (نابودی) مسرفان نشاندار شده‌اند. (۳۵) پس هر کس از مؤمنان که در آنجا بود بیرون کردیم. (۳۶) و از مسلمانان به جز یک خانه در آنجا نیافتیم. (۳۷) و در آن (دیوار چیزی باقی نگذاشتیم و تنها) برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند، نشانه‌ای (برای عبرت) قرار دادیم. (۳۸) و در (سرگذشت) موسی (نیز نشانه و عبرتی است)، آنگاه که او را همراه با حجتی روشن و آشکار به سوی فرعون فرستادیم. (۳۹) پس

فرعون با تکیه بر قدرت و سپاهی که داشت، روی برگرداند و گفت: او یا جادوگر است یا جن زده. (۴۰) پس ما او و سپاهیان را (به قهر) گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم، در حالی که او سزاوار سرزنش بود. (۴۱) و در (سرگذشت) قوم عاد نیز آنگاه که بر آنان باد نازا (ویرانگر) فرستادیم (عبرت و نشانه‌هایی است). (۴۲) (این باد) هیچ چیزی را که بر آن می‌وزید باقی نمی‌گذاشت مگر آنکه آن را خرد و تباہ می‌کرد. (۴۳) و در (سرگذشت) قوم ثمود (نیز نشانه‌های عبرتی است) آنگاه که به آنان گفته شد تا زمانی (کوتاه، از زندگی) بهره ببرید. (۴۴) آنان از فرمان پروردگارشان سر باز زدند، پس در حالی که می‌نگریستند صاعقه آنان را فراگرفت. (۴۵) پس، نه توان برخاستن داشتند و نه توانستند از کسی یاری طلبند. (۴۶) و پیش از آنان قوم نوح (را هلاک کردیم، زیرا) مردمانی فاسق بودند. (۴۷) و آسمان را با قدرتی وصف ناپذیر بنا کردیم، و ما گسترش دهنده‌ایم. (۴۸) و زمین را گسترانیدیم، پس چه نیکو گسترش دهنده‌ایم. (۴۹) و از هر چیز دو زوج آفریدیم، باشد که یاد کنید و پند گیرید. (۵۰) پس به سوی خدا بگریزید، که همانا من از سوی او برای شما هشدار دهنده‌ای آشکارم. (۵۱) و با خداوند، معبود دیگری قرار ندهید که من از سوی او برای شما هشدار دهنده‌ای آشکارم. (۵۲) (ای پیامبر!) بدین گونه (که تو را تکذیب کردند) پیشینیان اینان نیز هیچ پیامبری برایشان نیامد مگر آنکه گفتند: جادوگر یا جن زده است. (۵۳) (آیا مخالفان در طول تاریخ) به یکدیگر سفارش کرده‌اند (که با انبیا این گونه برخورد کنند؟) نه، بلکه آنان مردمی طغیانگرند. (۵۴) پس، از آنان روی بگردان که تو مورد سرزنش نیستی. (۵۵) و (به مردم) تذکر بده که قطعاً تذکر برای مؤمنین مفید است. (۵۶) و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند. (۵۷) و من از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که به من طعام دهند. (۵۸) زیرا خداوند است آن روزی رسانِ نیرومند استوار. (۵۹) پس همانا برای کسانی که ظلم کردند، سهم و نصیبی (از عذاب) همانند سهم هم مسلکانشان است، پس شتاب نکنند (که به آن خواهند رسید). (۶۰) پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از روزی که وعده داده می‌شوند. (۶۱)

الطور

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) به (کوه) طور سوگند. (۲) به کتابی نوشته شده. (۳) در صفحه‌ای گشوده سوگند. (۴) به آن خانه‌ی آباد سوگند. (۵) به سقف برافراشته (آسمان) سوگند. (۶) به دریای شعله‌ور سوگند. (۷) که عذاب پروردگارت قطعاً واقع شدنی است. (۸) برای آن هیچ مانعی نیست. (۹) روزی که آسمان به شدت در هم پیچیده شود. (۱۰) و کوه‌ها از جا کنده شده و به شتاب روان گردند. (۱۱) پس در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۱۲) آنان که در باطل فرو رفته و به یاوه‌سرایی (درباره آیات الهی) سرگرمند. (۱۳) روزی که به سختی به سوی آتش رانده می‌شوند. (۱۴) و به آنان گفته می‌شود: این همان آتشی است که دائماً آن را تکذیب می‌کردید. (۱۵) پس آیا این (عذاب هم) جادو است؟ آیا شما آن را نمی‌بینید؟ (۱۶) در آن وارد شوید و بسوزید، پس صبر کنید یا صبر نکنید برای شما یکسان است، جز این نیست که در برابر آنچه عمل می‌کردید جزا داده می‌شوید. (۱۷) همانا پرهیزگاران در باغ‌ها (بهشت) و نعمت فراوان هستند. (۱۸) به آنچه پروردگارشان به آنان داده، شاد و مسرورند و پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ حفظ کرده است. (۱۹) (به آنان خطاب می‌شود): به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید گوارا بخورید و بیاشامید. (۲۰) تکیه‌کنان بر تخت‌های ردیف شده و آنان را با حورالعین (زیبا رویان سیاه چشم) به ازدواج در آوریم. (۲۱) و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان، در ایمان از آنان پیروی کردند ما ذریه آنان را به ایشان ملحق نموده و از پاداش عملشان هیچ نکاهیم. (آری) هر کس در گرو کاری است که کسب کرده است. (۲۲) و پی در پی آنان را میوه و گوشت از هر نوع که بخواهند می‌دهیم. (۲۳) آنان در بهشت، جام شرابی را دست به دست دهند که در (نوشیدن) آن نه بیهوده‌گویی است و نه گنه‌کاری. (۲۴) و پیوسته (برای خدمت آنان)، نوجوانانی همچون مروارید در صدف، بر گرد آنان می‌چرخند. (۲۵) و بعضی بهشتیان رو به دیگری نموده و از یکدیگر سؤال می‌کنند (که رمز این همه کامیابی در اینجا چیست؟) (۲۶) گویند: ما پیش از این (در دنیا) نسبت به

خانواده خویش خیرخواه بودیم (و آنان را از عذاب الهی هشدار می‌دادیم). (۲۷) پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سوزان حفظ کرد. (۲۸) زیرا ما پیش از این همواره او را می‌خواندیم، همانا اوست نیکوکار مهربان. (۲۹) پس (به مردم) تذکر بده که به لطف پروردگارت تو نه کاهن و پیشگویی و نه دیوانه و جن زده. (۳۰) بلکه می‌گویند: او شاعری است که ما انتظار فرا رسیدن مرگ ناخوش او را داریم. (۳۱) (به آنان) بگو: در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم. (شما در انتظار مرگ من و من در انتظار پیروزی بر شما). (۳۲) آیا عقل‌هایشان آنان را دستور می‌دهد به این (که به پیامبر تهمت بزنند؟) یا آنان خود قومی طغیانگرند. (۳۳) آیا می‌گویند: پیامبر، (قرآن را از پیش خود ساخته و) به خدا نسبت داده؟ (چنین نیست)، بلکه آنان (به سبب طغیان و حسد) ایمان نمی‌آورند. (۳۴) پس اگر راست‌گویند، سخنی مانند قرآن بیاورند. (۳۵) آیا از هیچ آفریده شده‌اند یا خود آفریدگار خویشند؟! (۳۶) یا آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند! بلکه (حق این است که) یقین نمی‌ورزند. (۳۷) آیا گنجینه‌های پروردگارت نزد آنان است یا (بر این عالم) سیطره و حکومتی دارند؟ (۳۸) آیا نردبانی دارند که به واسطه‌ی آن (اسرار آسمان‌ها را) می‌شنوند؟ (اگر چنین است) پس شنونده‌ی آنان دلیلی روشن بیاورد. (۳۹) آیا خداوند را دختران و شما را پسران است (که به خیال خودتان احساس برتری کنید)؟ (۴۰) آیا از آنان مزدی (برای رسالت خود) درخواست می‌کنی، که پرداخت آن بر آنان سنگین است؟ (۴۱) آیا غیب نزد آنان است و ایشان (هر چه را می‌خواهند در لوح محفوظ) می‌نویسند؟ (۴۲) یا مگر می‌خواهند (برای از بین بردن حق) نیرنگی بکار برند؟ (پس بدانند که) کافران، خود گرفتار کید خواهند شد. (۴۳) یا برای آنان معبودی جز خداوند است، منزله است خداوند از آنچه برای او شریک قرار می‌دهند. (۴۴) (آنان به قدری لجوجند که حتی) اگر ببینند پاره‌ای از آسمان فرو می‌افتد (باز هم ایمان نمی‌آورند و) می‌گویند: این ابری متراکم است (نه قهر خدا). (۴۵) پس آنان را (به حال خود) واگذارشان تا آن روزشان را که در آن گرفتار صاعقه (و قهر خدا) می‌شوند، ببینند. (۴۶) روزی که نیرنگ و ترفندشان آنان را هیچ سود نبخشد و (از هیچ سوی) یاری نشوند. (۴۷) و البته برای کسانی که ستم کردند، عذابی است غیر از این (در دنیا یا برزخ) ولی اکثر آنان نمی‌دانند. (۴۸) برای (انجام) فرمان پروردگارت پایداری کن، که تو در دید ما (و تحت حمایت ما) هستی و هنگامی که (از خواب) برمی‌خیزی، با ستایش پروردگارت او را به پاکی یاد کن. (۴۹) پس پاسی از شب و به هنگام ناپدید شدن ستارگان، خدا را تسبیح کن. (۵۰)

النجم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) سوگند به ستاره، چون فرو شود. (۲) همانا یار و مصاحب شما (محمد صلی الله علیه و آله)، نه گمراه شده و نه منحرف گشته است. (۳) و نه از روی هوای نفس سخن می‌گوید. (۴) سخن او جز وحی که به او نازل می‌شود، نیست. (۵) (وحی را خداوند) قوی قدرت به او آموخت. (۶) (خداوند) صاحب صلابت که سلطه یافت. (۷) در حالی که او در افق برتر بود. (۸) سپس نزدیک شد پس نزدیک تر. (۹) تا جایی که فاصله‌اش به اندازه دو کمان یا کمتر شد. (۱۰) پس به بنده‌اش وحی کرد، آنچه را وحی کرد. (۱۱) قلب، آنچه را دید دروغ نخواند. (۱۲) پس آیا بر سر آنچه می‌بیند با وی جدال می‌کنید؟ (۱۳) و همانا در نزولی دیگر او را دید. (۱۴) نزد سدره المنتهی. (۱۵) نزد سدره المنتهی. که بهشت امن نزد آن است. (۱۶) آنگاه که سدره المنتهی را پوشاند آن (نوری) که می‌پوشاند. (۱۷) دیده منحرف نگشت و تجاوز نکرد. (۱۸) همانا او برخی از نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید. (۱۹) آیا (بت‌های) لات و عزّی را دیده‌اید؟ (۲۰) و منات، آن سومین بت دیگر. (۲۱) آیا (این گونه می‌پندارید که) پسر برای شما است و دختر برای خداوند؟ (۲۲) این (تقسیم شما) تقسیمی است ناعادلانه. (۲۳) این بت‌ها جز نام‌هایی بیش نیستند که شما و پدرانتان، نام‌گذاری کرده‌اید. خداوند هیچگونه برهانی (بر حقانیت آنها) نفرستاده است. (مشرکان)، جز گمان و آنچه که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند، در حالی که از سوی پروردگارش هدایت به سراغشان آمده است. (۲۴) آیا (می‌پندارید که) انسان، به هر چه آرزو دارد می‌رسد؟ (۲۵) پس آخرت و دنیا برای خداوندست. (۲۶) و چه بسا فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند،

(ولی) شفاعت آنان سودی ندارد، مگر بعد از آن که خداوند برای هر که بخواهد و رضایت دهد، اجازه شفاعت دهد. (۲۷) همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را به نام دختران نام گذاری می کنند. (۲۸) در حالی که برای آنان (به این امر) هیچ علمی نیست، آنان جز گمان، از چیزی پیروی نمی کنند و قطعاً گمان، (انسان را) از حق بی نیاز نمی کند. (۲۹) پس، از هر که از یاد ما روی گرداند و جز زندگی دنیا را خواستار نبود روی گردان. (۳۰) آن، آخرین درجه از علم و شناخت آنان است. همانا پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند، بهتر می شناسد و کسانی را که هدایت یافته اند، بهتر می داند. (۳۱) و برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا کسانی را که بد انجام دادند کیفر بدهد و کسانی را که نیکی کرده اند، به بهترین وجه پاداش دهد. (۳۲) کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی های آشکار اجتناب می کنند جز گناهان ناخواسته، بی شک پروردگارت (نسبت به آنان) آمرزشش گسترده است. او به شما داناتر است آنگاه که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که شما در شکم مادرانتان جنین بودید، پس خود را بی عیب نشمارید او به تقوای پیشگان داناتر است. (۳۳) پس آیا دیدی آن که را اعراض کرد. (۳۴) پس آیا دیدی آن که را اعراض کرد. و اندکی (از مال) بخشید و دست کشید؟ (۳۵) آیا علم غیب نزد اوست و او (حقایق را) می بیند؟! (۳۶) آیا از آنچه در تورات موسی (درباره کمک به محرومان) آمده، او را خبر نداده اند؟ (۳۷) آیا از آنچه در تورات موسی (درباره کمک به محرومان) آمده، او را خبر نداده اند؟ و (نیز صحف) ابراهیم که (حق را) به طور کامل ادا کرد. (۳۸) (در همه کتب آسمانی است) که هیچ کس بار دیگری را به عهده نخواهد گرفت. (۳۹) و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست. (۴۰) و اینکه تلاش و سعی او را به زودی به وی بنمایند. (۴۱) سپس جزای کامل آن را به او بدهند. (۴۲) و پایان و بازگشت همگان به سوی پروردگار توست. (۴۳) و اوست که بخنداند و بگریاند. (۴۴) و اوست که بمیراند و زنده کند. (۴۵) و هموست که دو زوج نر و ماده را آفرید، (۴۶) از نطفه ای، آنگاه که (در رحم) فروریخته شود. (۴۷) و بر اوست آفرینش دیگر (در قیامت). (۴۸) و اوست که بی نیاز کند و نیازمند سازد. (۴۹) و اوست پروردگار (ستاره) شعری. (۵۰) و هموست که نسل پیشین عاد را هلاک کرد. (۵۱) و ثمود را نیز، پس (احدی از آنان) باقی نگذاشت. (۵۲) و پیش از آنان، قوم نوح را که ستمکارتر و سرکش تر بودند. (۵۳) و شهرهای قوم لوط را فرو ریخت. (۵۴) پس آن شهرها را (با قهر و عذاب خود) پوشاند، آنچه پوشاند. (۵۵) پس در کدامیک از نعمت های پروردگارت تردید می کنی؟ (۵۶) این (پیامبر) هشدار دهنده ای از سنخ هشدار دهندگان پیشین است. (۵۷) رستاخیز نزدیک شد. (۵۸) جز خداوند، کسی برطرف کننده (شداید) آن روز نیست. (۵۹) پس آیا از این سخن، تعجب می کنید. (۶۰) و می خندید و گریه نمی کنید؟ (۶۱) در حالی که شما غافل و هوس رانید. (۶۲) پس تنها خدا را سجده کنید و پرستش نمایید. (۶۳)

القمر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت. (۲) و اگر معجزه ای بینند اعراض کنند و گویند: این سحری است پی در پی. (۳) و تکذیب کردند و از هوس های خود پیروی نمودند و هر کاری (سرانجام) جایگاه و قرارگاهی دارد. (۴) و همانا از خبرهای مهم، آن چه مایه دست برداشتن (از کفر) است برای آنان آمد. (۵) (با این که آن اخبار)، حکمتی رسا بود، ولی بیم دهندگان (برای افراد لجوج) سودی نبخشیدند. (۶) پس، از آنان روی بگردان، (و منتظر باش) روزی را که دعوت کننده، (آنان را) به سوی چیزی ناخوش (و عذاب دوزخ) فرا خواند. (۷) آنان در حالی که چشم هایشان (از ترس و وحشت) فرو افتاده، همچون ملخ های پراکنده از قبرها خارج می شوند. (۸) با گردن های کشیده، سراسیمه به سوی دعوت کننده می روند. کفار می گویند: این روز سختی است. (۹) پیش از این (کفار که پیامبر را تکذیب می کنند) قوم نوح، بنده ی ما را تکذیب کردند، و (علاوه بر تکذیب) گفتند: او دیوانه است و از راه صحیح بازمانده است. (۱۰) پس نوح پروردگارش را (چنین) خواند که من مغلوب هستم، پس مرا یاری کن. (۱۱) پس ما درهای آسمان را با ریزش باران باز نمودیم. (۱۲) و از زمین چشمه هایی جوشانیدیم، پس آب (زمین و آسمان) بر

اساس امری که مقدر شده بود به هم پیوستند. (۱۳) و نوح را بر (کشتی ای که) دارای تخته‌ها و میخ‌ها بود سوار کردیم. (۱۴) کشتی (حامل نوح و پیروانش) زیر نظر ما به حرکت در آمد. (این امر) پاداش پیامبری بود که مورد تکذیب و کفر قرار گرفت. (۱۵) و همانا ما کشتی را به عنوان نشانه باقی گذاشتیم، پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟ (۱۶) پس عذاب و هشدار من چگونه است؟ (۱۷) و همانا ما قرآن را برای تذکر (و پندپذیری)، آسان ساختیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۱۸) قوم عاد (پیامبر خود را) تکذیب کردند، پس عذاب و هشدار من چگونه بود؟ (۱۹) ما بر آنان در روزی شوم، پی در پی تند بادی سخت و سرد فرستادیم. (۲۰) (تندبادی که) مردم را همچون تنه‌های خرما ریشه کن شده از جا برمی‌کند. (۲۱) پس عذاب و هشدار ما چگونه است؟ (۲۲) و همانا ما قرآن را برای پندپذیری آسان نمودیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۲۳) قوم ثمود، هشدار دهندگان را تکذیب کردند. (۲۴) پس گفتند: آیا از میان خود از انسانی تک و تنها پیروی کنیم؟ در این صورت ما در گمراهی و جنونی عمیق خواهیم بود. (۲۵) آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده است؟ بلکه او بسیار دروغگو و خودخواه است. (۲۶) در آینده خواهند دانست که دروغگو و خودخواه کیست. (۲۷) همانا ما شتر ماده را برای آزمایش آنان فرستادیم (و به حضرت صالح گفتیم): پس مراقب (پایان) کار آنان باش و شکیبایی پیشه کن. (۲۸) و به آنان خبر ده که آب، میان آنان و شتر تقسیم شده است، هر کدام برای دریافت نصیب خود حاضر شوند. (۲۹) پس آنان رفیقشان را صدا کردند، پس دست درازی کرد و شتر را از پای در آورد. (۳۰) پس (بنگر) که عذاب و هشدار من چگونه است؟ (۳۱) (به کیفر این جنایت) ما صیحه (و صاعقه‌ای مرگبار) را فرو فرستادیم، پس آنان مثل گیاه خشک و خرد شده‌ای گشتند که صاحب چهارپایان در آغل می‌ریزد. (۳۲) و البته ما قرآن را برای پند گرفتن، آسان قرار دادیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۳۳) قوم لوط نیز هشدار دهندگان را تکذیب کردند. (۳۴) ما نیز بر آنان بادی همراه با سنگ فرو فرستادیم و فقط خانواده لوط را در سحرگاه نجاتشان دادیم. (۳۵) (این نجات) نعمتی از طرف ما بود، ما این گونه هر که را شکر کند پاداش می‌دهیم. (۳۶) لوط، مردم را از قهر ما هشدار داده بود، پس هشدارهای ما را به مجادله گرفتند. (۳۷) و قوم لوط برای (سوء قصد به) مهمانان او به مراد و گفتگو پرداختند، پس ما چشم آنان را نابینا کردیم، پس بچشید عذاب و هشدار ما را. (۳۸) و صبحگاهان عذابی پایدار به سراغشان آمد. (۳۹) و صبحگاهان عذابی پایدار به سراغشان آمد. پس بچشید عذاب و هشدار ما را. (۴۰) همانا ما قرآن را برای پند گرفتن، آسان ساختیم پس آیا پندپذیری هست؟ (۴۱) و همانا هشدار دهندگان به سراغ فرعونیان آمدند. (۴۲) (امّا آنان) همه‌ی معجزات ما را تکذیب کردند، پس ما آنان را همچون گرفتن مقتدری نفوذناپذیر (به قهر) گرفتیم. (۴۳) آیا کافران شما از آنان بهترند (تا ما آنان را به قهر نگیریم) یا برای شما امان نامه‌ای در کتاب‌های آسمانی است؟ (۴۴) یا می‌گویند: ما همگی پشتیبان یکدیگریم (و قدرتی ما را نخواهد شکست). (۴۵) در آینده‌ی نزدیکی، جمع آنان در هم شکسته خواهد شد و همه (به یکدیگر) پشت خواهند کرد. (۴۶) آری، قیامت وعده‌گاه آنان است و آن روز، سخت‌تر و تلخ‌تر است. (۴۷) همانا مجرمان در گمراهی و جنونند. (۴۸) روزی که به رو در آتش کشیده شوند (و به آنان گفته شود): تماس جهنم (و آتش دوزخ) را بچشید. (۴۹) همانا ما هر چیز را به اندازه‌ی معینی آفریده‌ایم. (۵۰) و فرمان ما جز یک فرمان نیست (آن هم بسیار سریع) مانند یک چشم برهم زدن. (۵۱) و همانا ما کسانی را که مانند شما بودند هلاک کردیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۵۲) هر چیزی که انجام داده‌اند در نامه‌ها (ی اعمالشان) ثبت است. (۵۳) و هر کوچک و بزرگی نوشته شده است. (۵۴) همانا پرهیزکاران در باغ‌ها و (کنار) جوی‌ها هستند. (۵۵) در جایگاهی راستین، نزد فرمانروایی مقتدر. (۵۶)

الرحمن

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) خداوند رحمان. (۲) قرآن را آموخت. (۳) او انسان را آفرید. (۴) به او بیان آموخت. (۵) خورشید و ماه، حساب معینی دارند. (۶) و گیاه و درخت (برای او) سجده می‌کنند. (۷) و آسمان را بالا برد و میزان را مقرر کرد. (۸) تا در میزان

تجاوز نکنید. (۹) و وزن را بر اساس عدل بر پا دارید و در ترازو کم نگذارید. (۱۰) و زمین را برای زمینیان قرار داد. (۱۱) که در آن هر گونه میوه و خرمای غلافدار. (۱۲) و دانه پوست‌دار و گیاه خوش بو است. (۱۳) پس (ای جن و انس)، کدام نعمت پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۱۴) انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید. (۱۵) و جن را از شعله‌ی آتشی بی‌دود آفرید، (۱۶) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۱۷) پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب. (۱۸) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۱۹) دو دریا (ی‌شور و شیرین) را روان ساخت که به هم می‌رسند. (۲۰) (اما) میان آن دو فاصله‌ای قرار داد که به هم تجاوز نکنند. (۲۱) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۲) از هر دو (دریا)، مروارید و مرجان بیرون می‌آید، (۲۳) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۴) و در دریا، کشتی‌های ساخته شده همانند کوه، برای اوست. (۲۵) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۶) هر که روی زمین است، فناپذیر است. (۲۷) و (تنها) ذات پروردگارت که دارای شکوه و اکرام است، باقی می‌ماند. (۲۸) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۹) هر که در آسمان‌ها و زمین است، (نیاز خود را) از او درخواست می‌کند. او هر روز در شأن و کاری است. (۳۰) پس کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (۳۱) ای جن و انس! به زودی (حساب و کتاب) شما را بررسی می‌کنیم. (۳۲) پس کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (۳۳) ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها و زمین نفوذ کنید، نفوذ کنید. هرگز نمی‌توانید مگر به واسطه قدرتی فوق‌العاده. (۳۴) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (۳۵) آن روز شعله‌ای از آتش و مس گداخته بر شما فرومی‌ریزد، پس نمی‌توانید تقاضای یاری کنید. (۳۶) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۳۷) پس آنگاه که آسمان شکافته شده، گلگون و مثل روغن گداخته در آید، (۳۸) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (۳۹) پس در آن روز (و آن موقف خاص) هیچ یک از انس و جن، از گنااهش پرسیده نشود. (۴۰) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (۴۱) تبه‌کاران، به سیمایشان شناخته شوند، پس به موهای سر و قدم‌ها گرفته (و به دوزخ پرتاب) شوند. (۴۲) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۳) این است جهنمی که تبه‌کاران آن را انکار می‌کردند. (۴۴) میان آتش و آب داغ و سوزان در حرکتند. (۴۵) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۶) و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ (بهشتی) است. (۴۷) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۸) باغ‌هایی دارای درختان پرشاخه و با طراوت (یا نعمت‌های متنوع و گوناگون). (۴۹) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۰) در آن دو باغ دو چشمه همیشه جاری است. (۵۱) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۲) در آن دو باغ از هر میوه‌ای دو نوع موجود است. (۵۳) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۴) بهشتیان بر بسترهایی که پوشش داخلی آنها از دیبا و ابریشم ضخیم است تکیه زده‌اند و میوه‌های آن دو باغ برای چیدن در دسترس است. (۵۵) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۶) در آنجا، همسرانی هستند که نگاهشان از بیگانه کوتاه و پیش از اینان، هیچ جن و انسی آنان را لمس نکرده است. (۵۷) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۸) گویا آنان یاقوت و مرجان هستند. (۵۹) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۰) آیا پاداش نیکی (شما) جز نیکی (ما) است، (۶۱) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۲) و پایین‌تر از آن دو باغ، دو باغ دیگر هست. (۶۳) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۴) (آن دو باغ) از شدت سرسبزی به سیاهی می‌ماند. (۶۵) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۶) در آن دو باغ، دو چشمه جوشان است. (۶۷) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۸) در آن دو باغ، میوه و خرما و انار است. (۶۹) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۰) در آن باغ‌ها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت است. (۷۱) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۲) حوریه‌هایی که

در خیمه‌ها پرده‌نشین هستند. (۷۳) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۴) قبل از بهشتیان، هیچ انسان یا جنی آنان را لمس نکرده است. (۷۵) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۶) آنان بر بالش‌هایی تکیه زده‌اند که با پارچه‌های سبزرنگ و فرشهای کمیاب آراسته شده است. (۷۷) پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۸) خجسته باد نام پروردگارت که صاحب جلال و اکرام است. (۷۹)

الواقعه

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آن گاه که آن واقعه (عظیم قیامت) روی دهد. (۲) که در واقع شدن آن دروغی نیست (و سزا نیست کسی آن را دروغ شمارد). (۳) (آن واقعه) پایین آورنده و بالا برنده است (نظام خلقت را زیر و رو می‌کند و نااهلان را پایین و خوبان را بالا می‌برد). (۴) آن گاه که زمین به سختی لرزانده شود. (۵) و کوه‌ها به شدت متلاشی شوند. (۶) پس به حالت غبار پراکنده در آیند. (۷) و (در آن روز) شما سه گروه باشید. (۸) پس (گروه اول) اصحاب یمین (گروه دست راستی) هستند، اصحاب یمین چه گروهی هستند! (گویی تجسم سعادتند). (۹) و دسته دوم سمت چپ) اصحاب شقاوتند، آن اصحاب شقاوت چه هستند؟ (گویی تبلور بدی‌هایند). (۱۰) (گروه سوم) پیشگامانی (در خیرات هستند که در گرفتن پاداش نیز)، پیشگامند. (۱۱) آنان مقربان درگاه خداوند هستند. (۱۲) در باغ‌های پر نعمت خواهند بود. (۱۳) (آنان) گروه زیادی از پیشینیان (و امت‌های قبل) خواهند بود. (۱۴) و گروه کمی از متأخرین. (۱۵) بر تخت‌هایی چیده شده و مرصع، (۱۶) در حالی که روبروی یکدیگرند، تکیه داده‌اند. (۱۷) بر گردشان پسرانی همیشه نوجوان به خدمت می‌گردند. (۱۸) با جام‌ها و آبریزها و ظرف‌هایی از (شراب و نوشیدنی‌های گوارا و) روان‌پذیرایی می‌نمایند. (۱۹) از آن نوشیدنی‌ها نه سردرد می‌گیرند و نه مست می‌شوند. (۲۰) و (برای آنان) میوه‌هایی از هر چه انتخاب کنند. (۲۱) و گوشت پرنده از هر نوع که اشتها دارند. (۲۲) و زنانی سفید روی، درشت چشم و زیبا، (۲۳) همچون مروارید در صدف. (۲۴) پاداشی در برابر آنچه انجام می‌دادند. (۲۵) در آنجا سخن لغو و نسبت گناه به دیگری را نمی‌شنوند. (۲۶) سخنی جز سلام و درود نیست. (۲۷) و یاران راست، چه هستند یاران راست. (۲۸) در کنار درختان سدر بی‌خار. (۲۹) و درختان موز که میوه‌هایش به صورت فشرده رویهم چیده. (۳۰) و سایه‌ای پایدار. (۳۱) و آبی ریزان (از آبشارها). (۳۲) و میوه‌ای فراوان. (۳۳) که نه تمام می‌شود و نه از مصرف آن جلوگیری می‌گردد. (۳۴) و هم خوابگانی والاقدر. (۳۵) که ما آنان را به نحو خاصی آفریدیم. (۳۶) پس آنان را دوشیزه و باکره قرار دادیم. (۳۷) زنانی هم سن و سال و شوهر دوست. (۳۸) (این نعمت‌ها) برای اصحاب یمین است. (۳۹) که گروهی از امت‌های قبل. (۴۰) و گروهی از امت‌های بعدی هستند. (۴۱) و (اما) یاران دست چپ، چه هستند یاران دست چپ (شقاوت‌مندان و نامه به دست چپ داده شدگان). (۴۲) در میان باد سوزان و آب داغ. (۴۳) و سایه‌ای از دود غلیظ و سیاهند. (۴۴) که نه خنک است و نه سودبخش. (۴۵) البته آنان پیش از این (در دنیا) نازپرورده و خوشگذران بودند. (۴۶) و همواره بر گناه بزرگ پافشاری می‌کردند. (۴۷) و پیوسته می‌گفتند: آیا هنگامی که ما مردیم و به صورت خاک و استخوان شدیم. آیا حتماً ما برانگیخته می‌شویم؟ (۴۸) و آیا نیاکان ما (نیز برانگیخته می‌شوند)؟ (۴۹) بگو: پیشینیان و آیندگان. (۵۰) هر آینه به سوی وعدگاه روز معینی گردآوری خواهند شد. (۵۱) همانا ای گمراهان انکارکننده! (۵۲) حتماً از درختی (بد منظر و بد طعم و بد بو) که زقوم است خواهید خورد. (۵۳) آنگاه شکم‌ها را از آن پر خواهید کرد. (۵۴) و روی آن از آب جوشان می‌نوشید. (۵۵) پس مانند شتران عطش زده می‌نوشید. (۵۶) این است پذیرایی (ابتدایی) آنان روز قیامت. (۵۷) ما شما را آفریدیم، پس چرا تصدیق نمی‌کنید؟ (۵۸) آیا آنچه را (در رحم) می‌ریزید دیده‌اید؟ (۵۹) آیا شما آن را (به صورت انسان) می‌آفرینید یا ما آفریننده‌ایم؟ (۶۰) ماییم که مرگ را در میان شما مقدر کردیم و هرگز (مغلوب نمی‌شویم) و کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد. (۶۱) تا مانند شما را جانشین شما کنیم و شما را در جهانی که نمی‌دانید پدیدار گردانیم. (۶۲) شما آفرینش نخستین را دانستید، پس چرا (به آفرینش دوباره) متذکر نمی‌شوید؟ (۶۳) آیا آنچه را

کشت می کنید دیده اید؟ (۶۴) آیا شما آن را می رویند یا ما رویند ایم؟ (۶۵) اگر بخواهیم آن را خار و خاشاک می گردانیم، پس شما از روی تعجب می گوید: (۶۶) ما زیان دیده ایم. (۶۷) بلکه محروم و بدبختیم. (۶۸) آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟ (۶۹) آیا شما آن را از ابر باران زافرو آوردید یا ما فرو فرستنده ایم؟ (۷۰) اگر بخواهیم آن را شور و تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس نمی گذارید؟ (۷۱) آیا آتشی را که می افروزید دیده اید؟ (۷۲) آیا شما درخت آن را ایجاد کرده اید یا ما ایجاد کننده ایم؟ (۷۳) ما آتش را وسیله تذکر (آتش قیامت) و نعمتی برای مسافران قرار داده ایم. (۷۴) پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۷۵) پس سوگند به جایگاه ستارگان. (۷۶) و البتّه اگر بدانید این سوگندی است بزرگ. (۷۷) همانا آن قرآن کریم است. (۷۸) که در کتاب محفوظی جای دارد. (۷۹) جز پاکیزگان به آن دست نزنند. (۸۰) فرو آمده از سوی پروردگار جهانیان است. (۸۱) آیا شما با این سخن (الهی)، با سبکی و سستی برخورد می کنید؟ (۸۲) و (سهم و) رزق خود را تکذیب قرآن قرار می دهید؟ (۸۳) پس چرا آنگاه که جان به گلوگاه رسد. (۸۴) و شما در آن هنگام نظاره می کنید. (۸۵) و ما از شما به آن (محتضر) نزدیک تریم ولی نمی بینید. (۸۶) پس اگر شما (در برابر اعمالتان) مجازات شدنی نیستید، (۸۷) چرا آن جان را (در حال احتضار به بدن خود) بر نمی گردانید، اگر راست می گوید؟ (۸۸) پس اگر او (محتضر) از مقربان باشد. (۸۹) راحت و رحمت و بهشت پر نعمت، روزی او خواهد بود. (۹۰) و اما اگر از اصحاب یمین باشد، (۹۱) (به او گفته می شود): از طرف اصحاب یمین (که هم فکران تو هستند) به تو سلام باد. (۹۲) و اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد، (۹۳) با آبی جوشان پذیرایی می شود. (۹۴) و ورود به دوزخ (جزای اوست). (۹۵) همانا این مطلب، حق و یقینی است. (۹۶) پس به نام پروردگار بزرگوارت تسبیح کن. (۹۷)

الحدید

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) آنچه در آسمانها و زمین است برای خداوند تسبیح گویند و اوست عزیز حکیم. (۲) حکومت آسمانها و زمین برای اوست، زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست. (۳) اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی آگاه است. (۴) او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (و دوران) آفرید، سپس بر تخت قدرت استیلا یافت. آنچه در زمین وارد می شود و آنچه از آن خارج می شود و آنچه از آسمان فرو می آید و آنچه در آن بالا می رود، (همه را) می داند و هر کجا باشید او با شماست و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست. (۵) فرمانروایی آسمانها و زمین برای اوست و تمام برنامه ها و کارها به خداوند بازمی گردد. (۶) شب را در روز و روز را در شب داخل می کند و او به راز دلها، (نیتها و انگیزهها) داناست. (۷) به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از آنچه شما را در (استفاده از) آن جانشین قرار داد، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورند و انفاق کنند برایشان پاداشی بزرگ است. (۸) و شما را چه شده که به خدا ایمان ندارید؟ در حالی که پیامبر، شما را برای اینکه به پروردگارتان ایمان آورید فرامی خواند و به راستی خداوند از شما (از طریق عقل و فطرت و انبیا) پیمان گرفته است، اگر باور دارید. (۹) او کسی است که بر بنده خود آیات روشن و روشنگر فرو می فرستد تا شما را از تاریکیها به روشنی در آورد و همانا خداوند نسبت به شما رأفت و رحمت بسیار دارد. (۱۰) و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید؟ در حالی که (هر چه دارید می گذارید و می روید و) میراث آسمانها و زمین برای اوست. کسانی از شما که قبل از فتح (مکه) انفاق و جهاد کردند (با دیگران) یکسان نیستند. آنان از جهت درجه از کسانی که پس از آن (فتح مکه نفاق و جهاد کرد برترند و خداوند، هر دو را وعده نیکو داده و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۱۱) کیست آن که به خداوند وام دهد، وامی نیکو، تا خداوند آن را برای او دو چندان کند و برای او پاداشی گرانبه است. (۱۲) روزی که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نورشان از پیش روی و جانب راستشان به سرعت پیش می رود. (به آنان گفته می شود): مژده باد شما را در امروز، به باغهایی که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اید. این است آن رستگاری و کامیابی بزرگ. (۱۳) روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند،

می گویند: درنگی کنید تا از نور شما پرتوی بگیریم. به آنان گفته می شود: به عقب برگردید و (از دنیا) نوری بجوید. پس میان آنان دیواری زده می شود، با دری که درونش، (بهشت) رحمت و از جانب بیرونش (جهنم) عذاب است. (۱۴) منافقان، مؤمنان را ندا می دهند که مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم، گویند: آری ولی شما خود را به فتنه افکندید و در انتظار (حوادث سوء برای مؤمنان) بودید و (در دین حق) شک کردید و آرزوها (ی باطل) شما را فریفت تا آن که فرمان خداوند (نسبت به هلاکت شما) فرارس و (شیطان) فریبنده، شما را در باره خداوند فریب داد. (۱۵) پس امروز، نه از شما (منافقان) و نه از کسانی که کفر ورزیدند، یدل و بلاگردانی پذیرفته نمی شود. جایگاه شما آتش است. آتش، یاور و سزاوار شماسست و بد سرانجامی است. (۱۶) آیا برای کسانی که ایمان آورده اند، زمان آن نرسیده که دل هایشان برای یاد خدا و آنچه از حق نازل شده، نرم و فروتن گردد و مانند کسانی نباشند که پیش از این، کتاب آسمانی به آنان داده شد، پس زمان طولانی بر آنان گذشت و دل هایشان سخت گردید و بسیارشان فاسق گشت. (۱۷) بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند. همانا ما نشانه های (توحید و عظمت) را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید. (۱۸) همانا مردان و زنان صدقه دهنده و (آنان که) به خداوند وامی نیکو داده اند، برایشان پاداشی چند برابر است و برای آنان اجری نیکو خواهد بود. (۱۹) و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا صداقتند و نزد پروردگارش گواهند، پاداش و نورشان را دارند و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخند. (۲۰) بدانید که زندگانی پست دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی و زینت طلبی و فخر فروشی در میان خود و افزون طلبی در اموال و اولاد نیست، همانند بارانی که گیاه آن، کشاورزان را به شگفتی وا دارد، سپس خشک شود و آن را زرد بینی، سپس کاه شود و در آخرت، عذابی شدید و مغفرت رضوانی از جانب خداوند است و زندگانی دنیا جز کالای غرور نیست. (۲۱) برای رسیدن به مغفرتی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش همچون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان دارند بشتابید، این فضل خداست، به هر که بخواهد می دهد و خداوند را افزون بخشی بزرگ است. (۲۲) هیچ مصیبتی در زمین و نه در جسم و جانتان به شما نرسد، مگر آن که پیش از آنکه آن را پدید آوریم در لوحی ثبت است، همانا این امر بر خداوند آسان است. (۲۳) تا بر آنچه از دست دادید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده شد شادمانی نکنید و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. (۲۴) آنان که بخل می ورزند و مردم را به بخل ورزیدن فرمان می دهند و هر کس (از انفاق و قرض) روی گرداند، پس بی شک خداوند بی نیاز و ستوده است. (۲۵) همانا ما پیامبران را با دلایل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند و آهن را که در آن نیرویی شدید است و منافی برای مردم دارد فرو آوردیم (تا از آن بهره گیرند) و تا خداوند معلوم دارد چه کسی او پیامبرانش را به نادیده یاری می کند. آری خداوند، قوی و شکستناپذیر است. (۲۶) و همانا نوح و ابراهیم را فرستادیم و در خاندان آنان نبوت و کتاب را قرار دادیم پس بعضی از آنان هدایت یافتند ولی بسیاری از آنان فاسقند. (۲۷) سپس به دنبال آنان، پیامبران خود را پی در پی آوردیم و عیسی پسر مریم را در پی آنان آوردیم و به او انجیل دادیم و در دل کسانی که او را پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم و (اما) ترک دنیایی که از پیش خود در آوردند ما آن را بر آنان مقرر نکرده بودیم، مگر (که) به قصد جلب خشنودی خداوند (انجام دهند) ولی آن گونه که باید، حق آن را مراعات نکردند. پس به کسانی از آنان که ایمان آورده بودند پاداش دادیم ولی بسیاری از آنان فاسق و نافرمان بودند. (۲۸) ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند پروا کنید و به پیامبرش ایمان آورید تا از رحمت خود، دو بهره به شما عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن (در دنیا و آخرت) راه را طی کنید، و گناهان شما را ببخشد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۹) تا اهل کتاب گمان نکنند که مسلمانان، راهی به فضل خدا ندارند (و همه امتیازات و الطاف دو چندانی مخصوص آنان است) و بدانند که فضل (و عنایت، تنها) به دست خداست، او به هر کس بخواهد آن را می دهد و خداوند دارای بخشش بزرگ است. (۳۰)

المجادله

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) همانا خداوند سخن آن زنی که درباره همسرش با تو مجادله کرده و به سوی خدا شکوه و گلایه می‌کرد، شنید و خداوند گفتگوی شما دو نفر را می‌شنود، همانا خداوند شنوای بیناست. (۲) کسانی از شما (مردان) که نسبت به همسرانشان ظهار می‌کنند، (بدانند که) آنها مادران آنها (نمی‌شوند و) نیستند. مادران آنان کسانی هستند که آنها را متولد کرده‌اند و آنها (بر اساس عادت جاهلی) سخن ناپسند و باطل می‌گویند و البته خداوند بسیار با گذشت و آمرزنده است. (۳) و کسانی که نسبت به همسران خود ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند (پشیمان شده) و برمی‌گردند، کفاره آن قبل از آنکه با هم تماس گیرند آزاد کردن برده است. این (دستوری) است که به آن پند داده می‌شوید و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، به خوبی آگاه است. (۴) پس کسی که (برده‌ای برای آزاد کردن) نیافت، باید قبل از آمیزش با همسر، دو ماه پی در پی روزه بگیرد و کسی که نمی‌تواند باید شصت مسکین را طعام دهد. این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان آورید و این قوانین الهی است و برای کافران (که اهل عمل به احکام الهی ستند) عذابی دردناک است. (۵) همانا کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند، سرکوب شده‌اند همان گونه که پیشینیانشان سرنگون شدند و همانا ما نشانه‌های روشنی نازل کردیم و برای کافران عذابی خوارکننده است. (۶) روزی که خداوند همه آنان را برانگیزد تا به آنچه انجام داده‌اند، آگاه سازد. (اعمالی که) خداوند تماماً شمارش کرده و آنها فراموش نموده‌اند و خدا بر هر چیز شاهد و گواه است. (۷) آیا ندیدی که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند. هیچ نجوای سه نفره نیست مگر آنکه او چهارمین آنهاست و هیچ پنج نفره‌ای نیست مگر آنکه او ششمین آنان است و نه (رازگویی) کمتر از آن و نه بیشتر، مگر اینکه او با آنهاست، هر جا که باشند، سپس در روز امت آنان را خبر خواهد داد به آنچه که انجام دادند. همانا خداوند به هر چیزی بسیار داناست. (۸) آیا نظر نکردی به کسانی که از نجوی نهی شدند سپس به آنچه نهی شده، بازگشته و برای گناه و ستم و نافرمانی پیامبر با یکدیگر نجوی می‌کنند و (با این حال) هنگامی که سوی تو می‌آیند کلماتی برای تحیت و سلام بکار می‌برند (حتی) که خدا با آن تو را تحیت و سلام نگذارد و در بین خودشان می‌گویند: (اگر این مرد پیامبر است) پس چرا خداوند ما را به سبب آنچه می‌گوئیم عذاب نمی‌کند؟ جهنم برای آنان کافی است که وارد آن می‌شوند، پس چه بد سرانجام و جایگاهی است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه نجوی می‌کنید، به گناه و ستم و نافرمانی پیامبر نجوی نکنید و نسبت به کار نیک و تقوی نجوی کنید و از خدا پروا کنید که به سوی شما محشور می‌شود. (۱۰) همانا نجوی از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند اندوهگین کند، در حالی که جز به اذن خداوند، هیچ (نجوایی) ضرر رسان نیست، پس مؤمنان تنها بر خداوند توکل کنند. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه به شما گفته شود در مجالس (برای دیگران) جا باز کنید، پس جا باز کنید تا خدا نیز برای شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید، برخیزید. (بزرگی، به نشستن در جای خاص نیست، بلکه) خداوند از میان شما کسانی را که ایمان آورده و انی را که صاحب علم و دانش‌اند، به درجاتی رفعت و بزرگی می‌دهد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید به خوبی آگاه است. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خواستید با رسول خدا، گفتگوی خصوصی داشته باشید، پس قبل از نجوای خود صدقه‌ای بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر (برای صدقه دادن مالی) نیافتید پس همانا خداوند آمرزنده و مهربان است (و می‌توانید بدون پرداخت صدقه گفتگوی خصوصی داشته باشید). (۱۳) آیا نگران شدید، از اینکه قبل از نجوایتان صدقه دهید؟ پس اکنون که صدقه ندادید و خدا هم لطف خود را بر شما بازگرداند، نماز به پا دارید و زکات پردازید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۴) آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آنها نه از شما هستند و نه از آنان و با اینکه خود می‌دانند؟ به دروغ سوگند می‌خورند (که از شما هستند). (۱۵) خدا برای آنان عذاب سختی آماده ساخته، زیرا

کاری انجام می دهند که بسیار بد است. (۱۶) سوگندهایشان را سپر ساختند و مردم را از راه خدا باز داشتند، پس برایشان عذاب خوارکننده است. (۱۷) هرگز اموال و فرزندانشان، چیزی از خشم و غضب خدا را از آنان دفع نمی کند. آنان اهل آتش هستند و در آنجا ماندگار. (۱۸) روزی که خداوند همگی آنان را برمی انگیزد و برای خداوند سوگند یاد می کنند، همانطور که برای شما سوگند یاد می کنند و می پندارند که آنان بر چیزی (استوار) هستند. بدانید که آنان همان دروغگویانند. (۱۹) شیطان بر آنان چیره و مسلط شده است، پس یاد خدا را از خاطرشان برده است. آنان حزب شیطانند. آگاه باشید که حزب شیطان همان زیانکارانند. (۲۰) همانا کسانی که در برابر خدا و رسولش موضع گیری می کنند، آنان در زمره خوارترین مردمند. (۲۱) خداوند حکم کرده است که همانا من و پیامبرانم (بر کافران و منافقان) چیره خواهیم شد. همانا خداوند قدرتمند شکست ناپذیر است. (۲۲) هیچ قومی را نمی یابی که به خدا و قیامت مؤمن باشند و (در همان حال) با کسی که در برابر خدا و رسولش موضع گرفته است مهرورزی کنند، حتی اگر پدران یا پسران یا برادران یا خویشانشان باشند. آنها کسانی هستند که خداوند، ایمان را در دلهایشان ثابت فرموده و با روحی از جانب خویش آنان را تأیید نموده است و آنان را در باغهایی که نهرها از پای (درختان) آنها جاری است وارد می کند در حالی که در آنجا جاودانه هستند، خداوند از آنان راضی است و آنان نیز از او راضی هستند. آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید که تنها حزب خدا پیروز و ارند. (۲۳)

الحشر

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح کنند (و خدا را به پاکی می ستایند) و اوست عزیز حکیم. (۲) اوست آن که کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند برای اولین بار از خانههایشان بیرون راند، با آنکه شما گمان نداشتید که آنان (با داشتن آن همه قدرت، به آسانی) بیرون روند و خودشان گمان می کردند که قلعهها و حصارهایشان آنان را از قهر خدا مانع خواهد شد، اما خدا از راهی که گمان نمی کردند بر آنان وارد شد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند (به گونه ای که) خانههای خود را با دست خویش و با دست مؤمنان خراب می کردند، پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید. (۳) و اگر این نبود که خداوند، بیرون شدن از خانمان را بر آنان نوشته بود، همانا آنان را در دنیا عذاب می کرد و البته در آخرت عذاب آتش دارند. (۴) این کیفر به خاطر آن است که آنان با خدا و رسولش دشمنی کردند و هر کس با خدا دشمنی کند پس (بداند که) عقاب خداوند سخت است. (۵) آنچه از درخت خرما قطع کردید یا آن را ایستاده بر پای خود وا گذاشتید، همه به خواست و فرمان خداوند بود و (خداوند می خواست) فاسقان را خوار گرداند. (۶) و آنچه را خداوند از (اموال) آنان به رسولش باز گرداند (شما برای آن زحمتی نکشیده اند)، نه اسبی بر آن تاختید و نه شتری رانیدید، بلکه خداوند، پیامبران خود را بر هر که بخواهد مسلط می سازد و خداوند بر هر چیز قادر است. (۷) آنچه را خداوند از اهل آبادیها به رسولش باز گرداند، پس برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال) تنها میان ثروتمندان شما در گردش نباشد و آنچه پیامبر برای شما آورده بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشت رک کنید و از خدا پروا کنید، که خداوند، سخت کیفر است. (۸) (بخشی از فیئ) برای مهاجران فقیری است که از خانهها و اموال خود بیرون رانده شدند و در پی فضل و رضوان الهی هستند و خدا و رسولش را یاری می کنند، آنان همان راستگویانند. (۹) و کسانی که در دارالهجره (مدینه) و ایمان، قبل از مهاجران جای گرفتند و کسانی که (از مکه) به سویشان هجرت نمودند دوست می دارند و در دل، نیازی به آنچه (از فیئ) به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و اگرچه خود شدیداً در فقر هستند ولی مهاجران را بر خود مق می دارند و کسانی که از بخل نفس محافظت شوند، آنان همان رستگارانند. (۱۰) و کسانی که بعد از مهاجرین و انصار آمدند، می گویند: پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت گرفته اند پیامرز و در دلهای ما کینه مؤمنان را قرار نده. پروردگارا همانا تو رئوف و مهربانی. (۱۱) آیا به منافقان نظر نکردی که به

برادران خود، کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند، می گویند: اگر شما رانده شدید ما نیز با شما خارج خواهیم شد و درباره شما از هیچ کس پیروی نخواهیم کرد و اگر مورد هجوم و جنگ قرار گرفتید قطعاً ما شما را یاری خواهیم کرد و خداون اهد است که این منافقان دروغ گویند. (۱۲) همانا اگر کفار اخراج شوند، منافقان با آنان خارج نخواهند شد و اگر مورد تهاجم و جنگ قرار گیرند، منافقان آنان را یاری نخواهند کرد و اگر به یاری آنان برخیزند، (هنگام خطر) به آنان پشت خواهند کرد. سپس (هیچ یک از کفار و منافقان) یاری نمی شوند. (۱۳) قطعاً ترس و وحشتی که از شما در دل منافقان است، سخت تر از خوفی است که آنان از خدا دارند و این به خاطر آن است که آنان فهم و معرفتی ندارند. (۱۴) منافقان (به قدری ترسو هستند که) به طور جمعی با شما نمی جنگند جز در مناطق حفاظت شده یا از پشت دیوارها، درگیری آنان میان خودشان سخت است، تو آنان را متحد می پنداری در حالی که دلهایشان پراکنده است. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی اندیشند. (۱۵) (مثل یهود بنی نضیر) مثل کسانی است که چندی قبل از آنان بودند (و با وعده های منافقان اغفال شدند) و تلخی و ناکامی انحراف خود را چشیدند و برایشان عذاب دردناکی است. (۱۶) (فریب اهل کتاب از منافقان)، مثل (اغفال) شیطان است آن گاه که به انسان گفت: کافر شو، پس چون کفر ورزید، گفت: من از تو تبری می جویم، من از خداوندی که پروردگار جهانیان است می ترسم. (۱۷) پس سرانجام آن دو، (شیطان و کافر) آن است که جاودانه در آتشند و این کیفر ستمگران است. (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند پروا کنید و هر کس به آن چه برای فردای (قیامت) خود فرستاده است بنگرد. باز هم از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاهی عمیق دارد. (۱۹) همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا نیز آنان را به خود فراموشی گرفتار کرد. آنان همان فاسقانند. (۲۰) اهل آتش و اهل بهشت یکسان نیستند، اهل بهشت همان رستگارانند. (۲۱) اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، بی شک آن کوه را از خشیت خداوند، خاشع و فرو پاشیده می دیدی. ما این مثالها را برای مردم می زنیم، شاید بیاندیشند. (۲۲) او خدایی است که معبودی جز او نیست، به غیب و شهود آگاه است. او مهربان و بخشنده است. (۲۳) اوست خدای یکتا که معبودی جز او نیست فرمانروا، منزّه از هر عیب، سلامت بخش، ایمنی بخش، مسلط بر همه چیز، قدرتمند شکست ناپذیر، صاحب جبروت و کبرایی. از هر چه برای او شریک قرار می دهند منزّه است. (۲۴) اوست خداوند آفریننده، پدیدآورنده و صورت بخش، بهترین نامها و صفات برای اوست. آنچه در آسمانها و زمین است، تسبیح گوی اویند و اوست توانای بی همتا و دانای با حکمت. (۲۵)

المتحنه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. شما با آنان طرح دوستی می افکنید، در حالی که آنان نسبت به حقّی که برای شما آمده است، کفر ورزیده اند. (علاوه بر آن که) آنان شما و پیامبر را به خاطر ایمان به خداوند که پروردگار شما است (از ه) اخراج و آواره نموده اند. اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضای من (از وطن) بیرون آمده اید (با آنان دوستی نکنید). شما مخفیانه دوستی خود را به آنان می رسانید در حالی که من به آنچه مخفیانه و آنچه آشکارا انجام دهید آگاه ترم و هر کس از شما چنین کند قط از راه راست گم گشته است. (۲) اگر بر شما مسلط شوند دشمنان (سرسخت) شما خواهند بود و دست و زبانشان را به بدی، به سوی شما خواهند گشود و دوست دارند که شما (از دین خود دست برداشته و) کفر ورزید. (۳) در روز قیامت، نه خویشانان و نه فرزندانان، هیچ کدام سودی برایتان نخواهند داشت. (در آن روز خداوند) میان شما و آنان جدایی خواهد افکند و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۴) همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق و الگوی خوبی است، زیرا به قوم (مشرک) خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید، بیزاریم. ما به (آیین) شما کفر ورزیدیم و میان ما و شما کینه و دشمنی ابدی است مگر آنکه به خدای یگای ایمان

بیاورید. جز سخن ابراهیم به پدرش که قطعاً برای تو استغفار خواهم کرد و من برای تو (جز دعا و درخواست) مالک چیزی نیستم. پروردگارا بر تو توکل کردیم و به سوی تو انا به نمودیم و باز گشت ما به سوی تو است. (۵) پروردگارا ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را بیمارز، پروردگارا تو خود عزیز و حکیمی. (۶) همانا برای شما در (روش) آنان، (ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کس روی برتابد، خداوند بی نیاز و ستوده است. (۷) امید است که خدا میان شما و کسانی که با آنان دشمنی داشتید، (به واسطه‌ی اسلام آوردن آنان در فتح مکه) دوستی برقرار کند و خداوند توانا است و خداوند بخشنده مهربان است. (۸) خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین جنگ نکرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون نموده‌اند منع نمی‌کند. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (۹) جز این نیست که خداوند شما را از دوستی ورزیدن با کسانی نهی می‌کند که به خاطر دین با شما جنگیده و شما را از سرزمین خود بیرون رانده‌اند و یا در اخراج شما همدستی کرده‌اند و هر کس با آنان دوستی ورزد، پس اینان همان ستمکارانند. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده) هجرت کنان نزد شما آمدند آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند به ایمان آنان آگاه‌تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی کفار باز نگردانید، نه اینان برای آنان حلالند و آنان برای اینان حلال و آنچه را که شوهران کافر (برای این زنان) پرداخت کرده‌اند (از قبیل مهریه) به آنان بپردازید و بر شما گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید به شرط آن که مهریه آنان را بپردازید و همسران کافره را به همسری نگاه ندارید و آنچه از برای آنها پرداخت کرده‌اید از کفار بگیرید همان گونه (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می‌شود) هزینه‌هایی را که شوهران کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم الهی است که خداوند میان شما مقرر داشته و خداوند آگاه حکیم است. (۱۱) و اگر از همسرانی که به سوی کفار رفته‌اند، چیزی از شما فوت شد (و شما نتوانستید مال و مهریه‌ای که پرداخت کرده‌اید، از کفار دریافت کنید) پس آنان را تعقیب کرده (و به چیزی رسیدید)، به آنان که همسرانشان رفته‌اند معادل آنچه خرج کرده‌اند بپردازید و از خدا که به او ایمان دارید پروا کنید. (۱۲) ای پیامبر هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و در میان دست و پای خود، مرتکب هیچگونه نسبت ناروایی نشوند (و فرزندی را به دیگری به ناحق نسبت ندهند) و هیچ کار خیری تو را نافرمانی نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، گروهی را که خداوند بر آنان غضب کرده به سرپرستی، یا دوستی و یاری نگیرید، آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار از (بازگشت) اهل قبور مأیوسند. (۱۴)

الصف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح گویند و اوست قدرتمند حکیم. (۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ (۳) نزد خدا بسیار مورد غضب است که چیزی را بگوئید که عمل نمی‌کنید. (۴) همانا خداوند کسانی را دوست دارد که صف بسته در راه او پیکار کنند، چنانکه گویی بنایی آهنین هستند. (۵) و آنگاه که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! با این که می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم، چرا اذیت می‌کنید؟ پس چون منحرف شدند، خداوند دل‌های آنان را منحرف ساخت و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند. (۶) و آنگاه که عیسی پسر مریم به بنی اسرائیل گفت: همانا من فرستاده خدا به سوی شما هستم و توراتی را که پیش از من بوده است تصدیق می‌کنم و نسبت به پیامبری که بعد از من خواهد آمد و نامش احمد است، مژده می‌دهم. پس چون معجزات روشنی برای آنان آورد، گفتند: این سحر شکار است. (۷) و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ بست (و قرآن را سحر خواند)، در حالی که به اسلام دعوت می‌شود و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۸) آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان‌ها (و سخنان و

افتراها)ی خود خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل کننده نور خویش است، هر چند کافران ناخشنود باشند. (۹) او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق (به سوی مردم) فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی که از عذاب دردناک (قیامت) نجاتتان دهد، راهنمایی کنم؟ (۱۱) به خدا و رسولش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید. (۱۲) (در این صورت،) خداوند گناهان شما را می‌آمرزد و به باغ‌هایی که نهرها از زیر آنها جاری است و خانه‌های دل‌پسند در بهشت‌های جاودان واردتان می‌کند. این رستگاری بزرگی است. (۱۳) و نعمت دیگری که آن را دوست دارید، یاری و نصرت از جانب خداوند و پیروزی نزدیک است و (ای پیامبر!) مؤمنان را بشارت ده. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاوران (دین) خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: یاوران من در راه خدا چه کسانی هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم، پس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند، پس کسانی را که ایمان دند بر دشمنشان یاری دادیم تا (بر آنان غلبه کرده و) پیروز شدند. (۱۵)

الجمعة

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خداوند تسبیح گویند، فرمانروای با قداست عزیز حکیم. (۲) اوست که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنها را رشد و پرورش داده (از آلودگی شرک و تفرقه پاک سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان بیاموزد و همانا پیش از این در انحراف و گمراهی آشکار بودند. (۳) و (این بعثت، مخصوص زمان پیامبر نیست، بلکه برای) دیگرانی از مردم که هنوز به آنان ملحق نشده‌اند (و در آینده متولد می‌شوند، خواهد بود) و اوست خدای مقتدر حکیم. (۴) این بعثت، (در اختیار مردم نیست بلکه) لطف و تفضل الهی است که به هر کس که بخواهد، (و لیاقت داشته باشد) می‌دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (۵) کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند الاغی هستند که کتاب‌هایی حمل می‌کند، (ولی چیزی از آن نمی‌فهمد). گروهی که آیات خدا را انکار کردند، مثل بدی دارند و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۶) بگو: ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که تنها شما اولیای خدا هستید نه سایر مردم، اگر (در این پندار) راست می‌گویید، آرزوی مرگ کنید (تا به پادشاهی که خداوند برای اولیای خود مقرر کرده، برسید!). (۷) ولی آنان به خاطر آنچه پیش از این انجام داده‌اند، (تحریف کتاب و کتمان صفات پیامبر و...) هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد و خداوند به ستمگران به خوبی آگاه است. (۸) (ای پیامبر!) بگو: همانا مرگی را که از آن فرار می‌کنید قطعاً ملاقات کننده شما است، سرانجام به نزد آن که به غیب و شهود آگاه است، برگردانده می‌شوید، پس او شما را به آنچه انجام داده‌اید خبر خواهد داد. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد، پس به سوی یاد خدا (نماز) شتاب کنید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید. (۱۰) پس هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۱۱) و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند، (از دور تو) پراکنده و به سوی آن روانه شوند و تو را ایستاده (در حال خواندن خطبه) رها کنند. (به آنان) بگو: آنچه (از فضل و برکت) نزد خداست، از سرگرمی و داد و ستد بهتر است و خداوند بهترین روزی دهندگان است. (۱۲)

المنافقون

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) هنگامی که منافقان نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی» و خدا می‌داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغگویند. (۲) سوگندهای خود را سپر ساخته و (مردم را) از راه

خدا باز داشتند، به راستی آنچه انجام می دهند ناپسند است. (۳) آن (نفاق) برای آن است که آنان ایمان آورده سپس کفر ورزیدند، پس بر دل‌هایشان مهر (شقاوت) زده شد و از این رو نمی فهمند. (۴) و هرگاه آنان را ببینی، قیافه آنان (چنان آراسته است) که ترا به شگفت وادارد و اگر سخن گویند، (به قدری جذّاب و زیباست که) به کلامشان گوش فرادهی، گویا چوب‌هایی هستند (خشک و بی مغز و بی فایده و به هم) تکیه داده شده، هر ندایی را علیه خود می پندارند، آنان دشمنند، پس از آنان دوری کن، خدا آنان را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند. (۵) و هرگاه به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت کند، (از روی انکار و تکبر و تمسخر) سرهای خود را برمی گردانند و آنان را می بینی که از سر استکبار، (مردم را از گرایش به حق) بازمی دارند. (۶) برای آنان تفاوتی ندارد که برایشان استغفار کنی یا استغفار نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد، زیرا که خداوند گروه فاسق را هدایت نمی کند. (۷) آنان همان کسانی هستند که می گویند: بر کسانی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ در حالی که خزانه‌های آسمان‌ها و زمین برای خداوند است ولی منافقان نمی فهمند. (۸) می گویند: «اگر (از این سفر جنگی) به مدینه بازگردیم، عزیزترین افراد، ذلیل‌ترین مردم را بیرون خواهد کرد»، در حالی که عزّت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنین است ولی منافقان نمی دانند. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد، و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیانکارانند. (۱۰) و از آنچه روزی شما کرده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما آید، پس (در آستانه رفتن) گوید: پروردگارا چرا (مرگ) مرا تا مدتی اندک به تأخیر نینداختی تا صدقه (و زکات) دهم و از صالحان گردم. (۱۱) و هرگز خداوند مرگ کسی را که اجلش فرارسیده، به تأخیر نمی اندازد و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است. (۱۲)

التغابن

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گویند. فرمانروایی، مخصوص او و ستایش نیز مخصوص اوست و او بر همه چیز تواناست. (۲) اوست آن که شما را آفرید، پس بعضی از شما (به اختیار خود) کافر و بعضی مؤمن شدند و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۳) آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را (در رحم مادر) صورت‌گری کرد و صورت شما را نیکو قرار داد و بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴) آنچه در آسمان‌ها و زمین است می داند و آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار می سازید، می داند و خداوند به آنچه در سینه‌هاست به خوبی آگاهی دارد. (۵) آیا خبر کسانی که پیش از این کفر ورزیدند به شما نرسیده است؟ پس عقوبت کار خود را (در دنیا) چشیدند و برایشان (در آخرت) عذابی دردناک است. (۶) این (کیفر) به خاطر آن است که پیامبرانشان همراه با دلایل روشن (و معجزات) به سراغ آنها آمده بودند، و آنان (به جای پذیرش و ایمان آوردن به آنها) گفتند: آیا انسانی (مثل خودمان) ما را هدایت کند؟ از این رو کفر ورزیدند و (به پیامبران و دستورات الهی) پشت کردند و خداوند (از ایمان آنان) بی نیاز است و خداوند بی نیاز و ستوده است. (۷) کسانی که کفر ورزیدند، گمان کردند که هرگز مبعوث نخواهند شد. بگو: آری، به پروردگارم سوگند که همه شما مبعوث خواهید شد، سپس به آنچه عمل کرده‌اید، قطعاً خبر داده خواهید شد و این بر خداوند آسان است. (۸) پس، به خدا و رسولش و نوری (کتاب آسمانی قرآن) که نازل کردیم، ایمان آورید و (بدانید که) خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است. (۹) (یاد کن) روزی که خداوند شما را برای (حضور در) روز اجتماع گرد می آورد آن، روز حسرت و پشیمانی است و هر کس به خداوند ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، بدی‌هایش را می پوشاند و او را به بهشت‌هایی که از زیر (درختان) آنها نهرها جاری است وارد می کند. در آنجا برای همیشه جاودانه هستند؛ این است رستگاری بزرگ. (۱۰) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، همان‌ها اهل دوزخند در حالی همیشه در آن جا هستند و این سرانجام بدی است. (۱۱) هیچ مصیبتی، جز با اذن خداوند به کسی نرسد و هر کس به خداوند

ایمان آورد، خداوند قلب او را (به صبر و شکیبایی) هدایت کند و خداوند به همه چیز آگاه است. (۱۲) خداوند را (در اوامر و نواهی شریعت) اطاعت کنید و پیامبر را (در دستورات حکومت و سنت‌هایش) پیروی نمایید، پس اگر روی گردانید، (بدانید که) همانا بر رسول ما جز پیام رسانی آشکار (وظیفه دیگری) نیست. (۱۳) خداوند، معبودی جز او نیست؛ و مؤمنان تنها بر او توکل کنند. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برخی از همسران و فرزندانان برای شما دشمنند (که شما را از راه خدا بازمی‌دارند)، پس از آنان بر حذر باشید و اگر (آزار و خطایشان را) عفو کنید و چشم پوشید و درگذرید، پس (بدانید که) خداوند آمرزنده مهربان است. (۱۵) همانا اموال و اولاد شما وسیله آزمایشند و خداوند است که پاداش بزرگ نزد او است (و به کسانی پاداش می‌دهد که در این امتحان پیروز شوند). (۱۶) پس هر قدر می‌توانید، از خداوند پروا کنید و سخن او را بشنوید و اطاعت کنید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و هر کس از شَرّ بخل نفس خویش درامان بماند، پس آنان همان رستگارانند. (۱۷) اگر به خداوند وام دهید و امی نیکو، آن را برای شما زیاد می‌کند و شما را می‌آمزد و خداوند سپاسگزار بردبار است. (۱۸) او به پنهان و آشکار آگاه است، نفوذ ناپذیر و حکیم است. (۱۹)

الطلاق

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ای پیامبر! هر گاه خواستید زنان را طلاق دهید، پس در زمان عِدّه، آنان را طلاق دهید (= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و هنوز با شوهر همبستر نشده‌اند) و حساب (ایام) عِدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست پروا کنید. (در ایام عِدّه،) نه شما آنان را از خانه بیرون کنید و نه آنان بیرون روند، مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شوند (که در این صورت اخراجشان مجاز است). این دستورات، حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، به خویش ستم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خداوند بعد از این، امر تازه‌ای پدید آورد. (۲) پس چون به پایان مدّت عِدّه نزدیک شدند، یا (با رجوع به آنان) به طرز شایسته و پسندیده‌ای نگاهشان دارید و یا (با پرداخت مهریه و سایر حقوق) به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید و (هنگام طلاق) دو شاهد عادل از میان خود به گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید. هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، این گونه پند داده می‌شود و هر کس که از خدا پروا کند، خداوند برای او راه بیرون شدن و رهایی (از هر گونه مشکل) را قرار می‌دهد. (۳) و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را محقق می‌سازد. همانا خداوند برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است. (۴) و زنانی که از عادت ماهانه مأیوسند، (و قصد دارید آنان را طلاق دهید)، اگر در وضع آنان شک کنید (که این عدم عادت به خاطر سن است یا بیماری و یا بارداری)، پس عِدّه آنان سه ماه است و هم چنین است حکم زنانی که حیض ندیده‌اند (با آن که در سنّ حیض هستند) و پایان عِدّه زنان باردار، وضع حمل آنان است و هر کس از خدا پروا کند، خداوند برای او در کارش آسانی پدید می‌آورد. (۵) این فرمان خداوند است که آن را به سوی شما نازل کرده است و هر کس از خدا پروا کند خداوند بدی‌هایش را می‌زداید و اجرش را بزرگ می‌گرداند. (۶) تا پایان زمان عِدّه، زنان را در همانجا که خود سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید و به آنان (از جهت مسکن و نفقه) آسیب نرسانید، تا کار بر آنان تنگ نمایید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، تا زمانی که وضع حمل کنند نفقه آنان را بدهید. پس اگر نوزادان شما را شیر دادند مزدشان را بدهید و (درباره نوزاد) میان خود به نیکی مشورت و توافق کنید و اگر توافق به دشواری کشید، زن دیگری او را شیر دهد (و مرد برای نوزاد دایه بگیرد). (۷) هر کس که دارای وسعت (مالی) است، باید طبق وسعت خود نفقه دهد و کسی که روزی بر او تنگ شده، باید از آنچه خداوند به او داده (به اندازه توان خود) انفاق کند. زیرا خداوند هیچ کس را مگر به اندازه آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند. به زودی خداوند پس از سختی، آسانی و فراخی پدید می‌آورد. (۸) و چه بسیار مناطق مسکونی که از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش سر باز زدند، پس ما سخت به حساب

آنان رسیدیم و به غذایی ناشناخته عذابشان کردیم. (۹) پس آنان ثمره تلخ کار خود را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود. (۱۰) خداوند برای آنان غذایی سخت مهیا کرده است، پس ای خردمندان که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید. همانا خداوند وسیله تذکر برای شما فرستاده است. (۱۱) (آن وسیله تذکره، پیامبری است که آیات روشنگر الهی را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد و کسانی که به خدا ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، خداوند آنان را به باغ‌هایی که نهرها از زیر آن‌ها جاری است وارد می‌کند و برای همیشه در آنجا جاودانه هستند. حقا که خداوند روزی آنان را نیکو ساخته است. (۱۲) خدا است آن که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن‌ها (را بیافرید). فرمان الهی میان آن‌ها نازل می‌شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی توانا است و علم او بر همه چیز احاطه دارد. (۱۳)

التحریم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ای پیامبر! چرا چیزی را که خداوند برای تو حلال کرده، به خاطر جلب رضای همسرانت، بر خود حرام می‌کنی. خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲) همانا خداوند، (راه) رهایی (از تعهد) سوگندهایتان را (با پرداخت کفاره) برای شما مقرر کرده است و خداوند سرپرست شماست و او دانا و حکیم است. (۳) و آن گاه که پیامبر به بعضی از همسرانش سخنی را به راز گفت، پس چون آن زن، راز را (به دیگری) خبر داد و خداوند، (افشای) آن را بر پیامبر ظاهر ساخت، و پیامبر بعضی (از افشاگری‌های آن زن را به او) اعلام و از بیان برخی اعراض نمود. پس چون به آن زن خبر داد، (زن) گفت: چه کسی تو را از این خبردار کرد؟ پیامبر فرمود: خداوند دانای خبیر به من خبر داد. (۴) اگر شما دو نفر، (افشاگر راز و شنونده آن) به سوی خدا توبه کنید، (به نفع شماست). زیرا دل‌های شما منحرف گشته است. و اگر در مقابل پیامبر یاور هم باشید، (کاری از پیش نخواهید برد). زیرا خداوند، اوست یاور او و هم چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند. (۵) اگر پیامبر شما را طلاق دهد، امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما را جانشین سازد. زنانی تسلیم، مؤمن، فرمان‌بر، اهل توبه، عبادت‌پیشه، روزه‌گیر، شوهر کرده یا دوشیزه. (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گننه‌کار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت‌گیر نگهبانند و خدا را در آنچه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند. (۷) (در قیامت به کافران خطاب می‌شود): ای کسانی که کافر شدید! امروز عذرخواهی نکنید، زیرا جز این نیست که جزا و کیفر شما همان عملکرد خودتان است. (۸) ای کسانی که ایمان آوردید! به درگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای خالصانه. امید است که پروردگارتان بدی‌های شما را پوشاند و شما را به بهشت‌هایی که نهرها از زیر آنها جاری است وارد کند. روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند خوار نکند، نورشان پیشاپیش آنها و از سوی راستشان می‌شتابد، می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، همانا تو بر هر چیز توانایی. (۹) ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت‌گیر و جایگاه آنان دوزخ است و بد جای بازگشتی است. (۱۰) خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است که این دو زن، همسر (و از خانواده) دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برابر (کیفر) خداوند، برای آن دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش وارد شوید با وارد شوندگان. (۱۱) و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به همسر فرعون مثل زده است. آن گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش. (۱۲) و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامن او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود. (۱۳)

الملك

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) مایه خیر و برکت است آن (خدایی) که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. (۲) او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار بهتری انجام می‌دهید و اوست عزتمند و آمرزنده. (۳) همان کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ خللی نمی‌بینی. بار دیگر دیده باز کن، آیا هیچ شکافی می‌بینی؟ (۴) باز، پی در پی چشم خود را برگردان (و تماشا کن، خواهی دید که) چشم در حالی که خسته و ناتوان است به سوی تو بازمی‌گردد (بدون آن که نقص و خللی مشاهده کند). (۵) و همانا ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن را وسیله راندن شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب فروزان آماده کردیم. (۶) و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزند عذاب جهنم است که بد بازگشتگاهی است. (۷) هنگامی که به دوزخ پرتاب شوند، خروش نابهنجار آن را می‌شنوند در حالی که جوشش و فوران دارد. (۸) نزدیک است از شدت خشم، پاره پاره شود، هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان دوزخ از آن پرسند: آیا هشدار دهنده‌ای به سراغ شما نیامد؟ (۹) گویند: چرا، همانا هشداردهنده به سراغ ما آمد، ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی نازل نکرده است و شما جز در گمراهی بزرگی نیستید. (۱۰) و گویند: اگر ما (حق را) می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم، در زمره اهل آتش نبودیم. (۱۱) پس به گناه خود اعتراف نمایند، پس لعنت بر اهل آتش باد. (۱۲) همانا کسانی که از پروردگارشان در نمانند، برایشان آموزش و پاداشی بزرگ است. (۱۳) گفتارتان را پنهان کنید یا آشکار سازید، (تفاوتی ندارد) همانا او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است. (۱۴) آیا کسی که آفرید، (از حالات آفریده خود آگاه نیست؟) در حالی که او باریک بین و آگاه است. (۱۵) اوست که زمین را برای شما رام ساخت، پس در شانه‌های آن رفت و آمد کنید و از رزق الهی بخورید (و بدانید که) برانگیخته شدن فقط به سوی اوست. (۱۶) آیا خود را از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن می‌دانید، از این که شما را در زمین فرو برد، پس ناگاه زمین به لرزه افتد. (۱۷) یا از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن شده‌اید که تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد. پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است. (۱۸) همانا کسانی که قبل از آنان بودند، انبیا را تکذیب کردند، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بود. (۱۹) آیا پرندگان را که بر فراز آنان، در حالی که بال‌های خود را گسترده و جمع می‌کنند (و در پروازند) نمی‌بینند؟ هیچ کس جز خداوند رحمن آنها را (در آسمان) نگاه نمی‌دارد. همانا او به هر چیز بینا است. (۲۰) یا کیست این کسی که سپاه شماس و شما را در برابر (قهر) خداوند رحمن یاری می‌دهد؟ کافران جز در فریب نیستند. (۲۱) یا کیست آن که اگر خداوند رزقش را قطع کند به شما روزی دهد؟ بلکه آنان در سرکشی و فرار (از حقیقت) لجاجت می‌کنند. (۲۲) پس آیا کسی که به رو افتاده راه می‌رود هدایت یافته‌تر است یا کسی که ایستاده بر راه راست می‌رود؟ (۲۳) بگو: اوست کسی که شما را پدید آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد اما شما اندکی سپاس می‌گذارید. (۲۴) بگو: اوست کسی که شما را در زمین بیافرید و به سوی او محشور می‌شوید. (۲۵) و (کفار، پیوسته از روی استهزاء) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟ (۲۶) (به آنان) بگو: علم (به زمان قیامت) تنها نزد خداوند است و من تنها بیم دهنده آشکارم. (۲۷) پس چون آن (دوزخ موعود) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند، زشت و گرفته گردد و (به آنها) گفته شود: این است آنچه (در دنیا به عنوان تمسخر) می‌خواستید. (۲۸) (ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند من و کسانی را که با من هستند نابود کند، یا بر ما رحم نماید، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟ (۲۹) بگو: او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده‌ایم و بر او توکل نموده‌ایم، پس خواهید دانست، کیست آن که در گمراهی آشکار است. (۳۰) بگو: به من خبر دهید اگر آب (چشمه‌ها و چاه‌های) شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد. (۳۱)

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) نون. به قلم و آنچه می‌نویسند سوگند. (۲) که تو به خاطر (لطف و) نعمت پروردگار دیوانه نیستی. (۳) و همانا برای تو پاداش بی‌پایان است. (۴) و حقاً که تو بر اخلاق بزرگی استواری. (۵) پس به زودی می‌بینی و آنها نیز می‌بینند، (۶) که کدامیک از شما (تو یا دشمنانت) گرفتار جنونید. (۷) همانا پروردگارت، خود به آنکه از راهش منحرف شده، آگاه‌تر است، و همو به هدایت یافتگان داناتر است. (۸) پس، از تکذیب‌کنندگان اطاعت نکن. (۹) آنان دوست دارند که تو سازش کنی و آنان نیز با تو سازش کنند. (۱۰) و از هر فرومایه که بسیار سوگند یاد می‌کند، پیروی نکن. (۱۱) (آن که) عیب جوست و برای سخن چینی در جنب و جوش است. (۱۲) برای جلوگیری از کارهای خیر اصرار می‌ورزد، متجاوز و گنه‌پیشه است. (۱۳) خشن و بی‌اساس و تبار است. (۱۴) (تمام این زشتی‌ها) به خاطر آن است که او دارای مال فراوان و فرزندان نیرومند است. (۱۵) هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود، گویند: افسانه‌های پیشینیان است. (۱۶) به زودی بر بینی‌اش مهر ذلت می‌نهیم. (۱۷) همانا یا مردم (مگه را) آزمودیم، همان گونه که صاحبان آن باغ (در یمن) آزمودیم، آنگاه که سوگند یاد کردند صبحگاهان میوه‌های باغ را بچینند. (۱۸) و چیزی را (برای فقرا) استثناء نکردند. (۱۹) از طرف پروردگارت آفتی بر گرد باغ چرخید (و باغ را سوزاند). (۲۰) پس صبح شد در حالی که (اصل باغ به کلی) برچیده شده بود. (۲۱) (آنان بی‌خبر از ماجرا) بامدادان یکدیگر را ندا دادند. (۲۲) که اگر قصد چیدن میوه دارید به سوی کشتزار حرکت کنید. (۲۳) پس به راه افتادند، در حالی که آهسته با یکدیگر می‌گفتند. (۲۴) که مبادا امروز مسکینی بر شما وارد شود. (۲۵) در آن صبحگاهان قصد باغ کردند در حالی که خود را قادر (بر جمع محصول) می‌پنداشتند. (۲۶) پس چون آن را (سوخته) دیدند، گفتند: ما راه را گم کرده‌ایم، (این باغ ما نیست). (۲۷) بلکه ما از محروم شدگانیم. (۲۸) عاقل‌ترین آنها گفت: آیابه شما نگفتم چرا خدا را منزّه نمی‌دانید (و با تصمیم بر بخل خیال کردید خدا عاجز و شما همه کاره‌اید). (۲۹) گفتند: پروردگار ما منزّه است، قطعاً ما ستمکاریم. (۳۰) پس به یکدیگر روی آورده در حالی که به ملامت هم می‌پرداختند. (۳۱) گفتند: وای بر ما که سرکش بودیم. (۳۲) امید است پروردگار ما بهتر از آن را برای ما جایگزین کند، همانا ما به پروردگاران رغبت و امید داریم. (۳۳) اینگونه است عذاب و اگر بدانند عذاب آخرت بزرگتر است. (۳۴) همانا برای پروا پیشه‌گان نزد پروردگارشان باغ‌های پر نعمت است. (۳۵) آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟ (۳۶) شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟ (۳۷) آیا برای شما مکتوبی است که در آن می‌خوانید، (۳۸) هر چه را اختیار کنید برای شما خواهد بود؟ (۳۹) یا مگر برای شما بر گردن ما پیمان‌هائی است که تا روز قیامت، هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟ (۴۰) از آنان سؤال کن که کدام یک از آنان ضامن این ادعا است؟ (۴۱) یا برای آنان شریکانی است (که در قیامت به دادشان رسد) پس اگر راست گو هستند، شریکانشان را بیاورند. (۴۲) روزی که کار بر آنان دشوار شود و به سجده کردن دعوت شوند ولی نتوانند. (۴۳) دیدگان‌شان (از ترس) فرو افتاده و ذلت و خواری وجودشان را فرا گرفته است. آنان (در دنیا) به سجده دعوت می‌شدند در حالی که سالم بودند (ولی سجده نکردند و امروز دیگر عاجزند). (۴۴) پس مرا با کسی که (قرآن،) این حدیث (الهی) را تکذیب می‌کند واگذار، ما آنان را از راهی که نمی‌دانند تدریجاً (به سوی عذاب) پیش می‌بریم. (۴۵) و به آنان مهلت می‌دهم، همانا تدبیر من محکم و استوار است. (۴۶) آیا (در برابر انجام رسالت) مزدی درخواست می‌کنی که آنان از پرداخت آن سنگین بارند؟ (۴۷) یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن‌ها می‌نویسند. (۴۸) پس برای (تحقق) فرمان پروردگارت صبر کن و همانند (یونس) صاحب ماهی باش آن گاه که با دلی پرانده ندا در داد. (۴۹) اگر رحمت پروردگارش او را در نیافته بود قطعاً به صحرائی بی‌گیاه افکنده می‌شد در حالی که مستحقّ مذمت بود. (۵۰) پس خداوند او را برگزید و از شایستگان قرارش داد. (۵۱) و نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند، چون قرآن را شنیدند، تو را چشم بزنند و می‌گویند: او دیوانه است. (۵۲) در حالی که آن قرآن جز مایه بیداری برای جهانیان نیست. (۵۳)

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) آن امر راستین. (۲) چیست آن امر راستین. (۳) و تو چه می دانی که چیست آن امر راستین. (۴) قوم ثمود و عاد آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند. (۵) پس قوم ثمود به خاطر طغیان گری نابود شدند. (۶) و اما قوم عاد به وسیله بادی سرد و سوزنده و بنیان کن نابود شدند، (۷) که خداوند هفت شب و هشت روز پی در پی، آن را بر آنان مسلط کرد. پس (اگر آنجا بودی) می دیدی که در آن ایام، آن قوم از پا افتاده، گویا تنه های نخل تو خالی هستند. (۸) پس آیا هیچ بازمانده ای برای آنان می بینی؟ (۹) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و (مردم) مناطق زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب خطا شدند. (۱۰) پس فرستاده پروردگارش را سرپیچی کردند و خداوند آنان را به قهری فزاینده و سخت بگرفت. (۱۱) همانا (در زمان نوح) چون (با اراده و قهر ما) آب طغیان کرد شما را در آن کشتی روان سوار کردیم. (۱۲) تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گویی که شنواست آن را ضبط کند. (۱۳) پس آنگاه که در صور دمیده شود یک دمی دنی. (۱۴) و زمین و کوه ها برگرفته و در هم کوبیده شوند، یک در هم کوبیدنی. (۱۵) پس در آن روز، واقعه (قیامت) به وقوع پیوندد. (۱۶) و آسمان بشکافد و در آن روز سست گردد. (۱۷) و فرشتگان در اطراف آن هستند (و منتظر فرمانند) و عرش پروردگارت را در آن روز هشت نفر (از فرشتگان یا اولیای خدا) بالای سر خود حمل می کنند. (۱۸) در آن روز شما (برای حساب) عرضه می شوید (در حالی که) هیچ چیز پنهانی از شما مخفی نماند. (۱۹) پس هر کس که نامه عملش به دست راستش داده شود، (شادی کنان) می گوید: بیا ئید کتاب مرا بخوانید. (۲۰) من می دانستم که با حساب خودم رو به رو خواهم شد. (۲۱) پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۲۲) در بهشتی برین. (۲۳) که میوه هایش در دسترس است. (۲۴) به خاطر اعمالی که در دوران گذشته انجام داده اید، بخورید و بیاشامید و گوارایتان باد. (۲۵) و اما کسی که نامه عملش به دست چپش داده شود، می گوید: ای کاش نامه ام به من داده نشده بود. (۲۶) و نمی دانستم حسابم چیست؟ (۲۷) ای کاش مرگ پایان کارم بود (و دیگر زنده نمی شدم). (۲۸) دارائی من رفع نیازی از من نکرد. (۲۹) قدرتم از دستم برفت. (۳۰) (گفته می شود): او را بگیرد و در غل بکشید. (۳۱) سپس او را در آتش شعله ور وارد بیندازید. (۳۲) سپس او را در آتش شعله ور وارد بیندازید. (۳۳) همانا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورد. (۳۴) و بر طعام دادن به نیازمندان ترغیب نمی کرد. (۳۵) پس امروز در این جا دوستی صمیمی ندارد. (۳۶) و نه غذایی جز خونابه. (۳۷) که جز خطاکاران آن را نخورند. (۳۸) پس سو گند به آنچه می بینید. (۳۹) و آنچه نمی بینید. (۴۰) همانا آن (قرآن) کلام رسول گرامی است. (۴۱) و سخن یک شاعر نیست چه کم ایمان می آورید. (۴۲) و (همچنین) سخن کاهن و پیشگو نیست، چه کم متذکر می شوید. (۴۳) (همانا قرآن) فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان است. (۴۴) و اگر پیامبر بعضی گفتارهای ساختگی را به ما نسبت دهد، (۴۵) قطعاً او را با قدرت (و به قهر) می گرفتیم. (۴۶) سپس رگ قلبش را قطع می کردیم. (۴۷) و هیچ یک از شما نمی توانست سپر او شود. (۴۸) همانا این قرآن برای اهل تقوی وسیله تذکر است. (۴۹) و ما می دانیم که بعضی از شما تکذیب کننده قرآنید. (۵۰) و بی شک (این تکذیب در قیامت) بر کافران حسرتی خواهد بود. (۵۱) و همانا آن، حق و یقینی است. (۵۲) پس با نام پروردگار بزرگت به تسبیح پرداز. (۵۳)

المعارج

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) سائلی، عذابی واقع شدنی را درخواست کرد. (۲) که برای کافران است و هیچ بازدارنده ای برای آن نیست. (۳) و از سوی خداوند صاحب درجات والاست. (۴) فرشتگان و روح، در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است، به سوی او بالا می روند. (۵) پس صبر کن صبری نیکو. (۶) همانا آنان آن روز را دور می بینند. (۷) و ما آن را نزدیک می بینیم. (۸) روزی که آسمان همانند فلز گداخته شود. (۹) و کوه ها مانند پشم حلاجی شده گردد. (۱۰) و هیچ دوستی از دوستش احوالی نپرسد. (۱۱) به یکدیگر نمایانده می شوند. در آن روز مجرم دوست دارد فرزندان خود را برای دفع عذاب فدیة دهد و فدای خود کند. (۱۲) و همچنین همسر و برادرش را. (۱۳) و بستگان و قبیله اش را که همیشه به او پناه دادند. (۱۴) (بلکه آرزو دارد) تمام مردم روی زمین را

فدا کند تا او را نجات دهند. (۱۵) چنین نیست، همانا آن آتش شعله‌ور است. (۱۶) که پوست بدن را به شدت جدا می‌کند. (۱۷) این آتش) هر کس را که (به حق) پشت کرده و روی برتافته، فرامی‌خواند. (۱۸) و (نیز کسی که مال) جمع کرده و ذخیره ساخته است. (۱۹) همانا انسان، بی‌تاب و حریص آفریده شده است. (۲۰) هرگاه بدی به او رسد، نالان است. (۲۱) و هرگاه خیری به او رسد، بخیل است. (۲۲) مگر نماز گزاران. (۲۳) آنان که بر نمازشان مداومت دارند. (۲۴) و آنان که در اموالشان حقی است معلوم. (۲۵) برای افراد سائل و محروم. (۲۶) و آنان که روز جزا را باور دارند. (۲۷) و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. (۲۸) زیرا از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست. (۲۹) و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. (۳۰) مگر بر همسران یا کنیزانشان که در این صورت، در خور ملامت نیستند. (۳۱) پس کسانی که جز این را طلب کنند، اینان همان تجاوزگراند. (۳۲) و آنان که رعایت‌کننده امانت‌ها و قراردادهای خویشند. (۳۳) و آنان که به (ادای) شهادت‌های خود قیام می‌کنند. (۳۴) و آنان که بر نمازشان مراقبت دارند. (۳۵) اینان در بهشت‌ها گرامی داشته می‌شوند. (۳۶) پس کافران را چه شده که شتابان به سوی تو می‌آیند. (۳۷) از راست و چپ، گروه گروه. (۳۸) آیا هر یک از آنان طمع دارد که به بهشتی پر نعمت در آید. (۳۹) چنین نیست، همانا ما آنان را از آنچه می‌دانند، آفریده‌ایم. (۴۰) به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها سوگند می‌خورم که ما تواناییم. (۴۱) بر این که بهتر از آنان را به جای ایشان بیاوریم و ما قطعاً مغلوب و ناتوان نیستیم. (۴۲) پس آنان را به حال خود واگذار، یاوه بگویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده‌اند، ملاقات کنند. (۴۳) روزی که شتابان از قبرها بیرون آیند، چنان که گویی به سوی نشان‌هایی نصب شده می‌دوند. (۴۴) چشمانشان فرو افتاده و ذلتی (وصف‌ناپذیر) آنان را فرا گرفته است. این است آن روزی که به ایشان وعده داده می‌شد. (۴۵)

نوح

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را قبل از آنکه عذابی دردآور به سراغشان بیاید هشدار بده. (۲) (نوح) گفت: ای قوم من! همانا من برای شما هشدار دهنده‌ای آشکارم. (۳) خدا را پرستید و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. (۴) (اگر چنین کنید) خداوند بخشی از گناهانتان را می‌بخشد و عمر شما را تا زمان تعیین شده به عقب می‌اندازد (و از مرگهای قهرآمیز شما را دور می‌دارد) اما اجل معین شده (از سوی) خدا، هنگامی که فرارسد تأخیر بردار نیست. اگر می‌دانستید. (۵) (نوح) گفت: پروردگارا همانا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. (۶) ولی دعوت من جز بر فرار آنان نیفزود. (۷) و البته هرگاه که آنان را دعوت کردم تا (ایمان آورند و) تو آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوشه‌هایشان نهادند و لباسهایشان را بر سر کشیدند و (بر طغیان خود) اصرار کردند و سخت تکبر ورزیدند. (۸) آنگاه من آنان را با صدای بلند دعوت کردم. (۹) سپس گاهی به طور آشکار و گاهی در نهان (با آنان سخن) گفتم. (۱۰) پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است. (۱۱) آسمان را بر شما ریزش کنان می‌فرستد. (۱۲) و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند و برای شما (از همان آب باران) باغ‌ها قرار می‌دهد و برای شما نهرها جاری می‌سازد. (۱۳) شما را چه شده که از عظمت خداوند نمی‌ترسید؟ (۱۴) در حالی که خداوند شما را در مراحل گوناگون آفریده است. (۱۵) آیا نمی‌بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفریده است. (۱۶) و میان آنها ماه را نوری و خورشید را چراغی قرار داده است. (۱۷) و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویاند. (۱۸) سپس شما را در همان زمین بازمی‌گرداند و شما را بیرون می‌آورد. (۱۹) و خداوند زمین را برای شما بستری گسترده قرار داده است. (۲۰) تا در راه‌های وسیع آن رفت و آمد کنید. (۲۱) نوح گفت: پروردگارا همانا مردم مرا نافرمانی کردند و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش جز بر خسارتش نیفزود. (۲۲) و نیرنگی بس بزرگ به کار بستند. (۲۳) و گفتند: معبودهای خودتان را رها نکنید و دست از (بت‌های) ود و سواع و یعوق و نسر بردارید. (۲۴) و بی‌گمان بسیاری را گمراه کردند، پس (پروردگارا) ظالمین را جز گمراهی نیفزا. (۲۵) آنان به خاطر خطاهایشان غرق شدند و در آتشی وصف‌ناپذیر داخل شدند، و برای خود، غیر از

خدا یاوری نیافتند. (۲۶) و نوح گفت: پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. (۲۷) زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی زاینند. (۲۸) پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانها م وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ظالمان را جز هلاکت نیفرزا. (۲۹)

الجن

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) بگو: بر من وحی شده است که گروهی از جن (به قرائت من) گوش دادند، پس گفتند: همانا ما قرآنی شگفت شنیدیم. که به سوی رشد هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز احدی را شریک پروردگاران قرار نمی دهیم. (۲) بگو: بر من وحی شده است که گروهی از جن (به قرائت من) گوش دادند، پس گفتند: همانا ما قرآنی شگفت شنیدیم. که به سوی رشد هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز احدی را شریک پروردگاران قرار نمی دهیم. (۳) و اینکه او، پروردگار عظیم متعالی ما، نه همسری گرفته و نه فرزندی. (۴) و اینکه سفیهان ما درباره خداوند سخنی ناحق می گفتند. (۵) و ما گمان می کردیم که هرگز جن و انس بر خداوند دروغ نمی بندند. (۶) و مردانی از انسان به مردانی از جن پناه می برند و به طغیان آنان افزودند. (۷) و آنان پنداشتند چنانکه شما پنداشتید که خدا هرگز احدی را مبعوث نخواهد کرد. (۸) و ما به آسمانها نزدیک شویم، پس آنجا را پر از نگهبانان نیرومند و شهابها یافتیم. (۹) و اینکه ما قبلاً برای (استراق) سمع در مراکزی از آسمان می نشستیم ولی اکنون هر که بخواهد استماع کند، شهابی در کمین خود می یابد. (۱۰) و اینکه ما نمی دانیم آیا برای کسانی که در زمین هستند شری اراده شده یا پروردگارشان برایشان خیر و صلاحی اراده کرده است. (۱۱) و اینکه بعضی از ما افراد صالحی هستند و بعضی جز آن، در راههای گوناگون هستند. (۱۲) و اینکه ما می دانیم که هرگز نمی توانیم در زمین خدا را ناتوان سازیم و با فرار از سلطه او خارج شویم. (۱۳) و اینکه چون هدایت (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هر کس به پروردگارش ایمان آورد، نه از نقصان حقی می ترسد و نه از سستی. (۱۴) و اینکه برخی از ما اهل تسلیم و بعضی ستمکارند پس کسانی که اهل تسلیم هستند، آنان در جستجوی رشدند. (۱۵) آنان در جستجوی رشدند. ولی ستمکاران هیزم دوزخند. (۱۶) و اگر بر طریق (حق) استقامت کنند، آنان را با آبی فراوان سیراب می کنیم، (۱۷) تا در آن (رفاه و آسایش) امتحانشان کنیم و هر کس از ذکر پروردگارش اعراض کند، او را در عذابی سخت درمی آورد. (۱۸) و اینکه مساجد برای خداوند است پس (در آنها) با خداوند احدی را نخوانید. (۱۹) و اینکه وقتی بنده خدا بر پا ایستاده و او را می خواند نزدیک بود (جنیان) بر او ازدحام کنند. (۲۰) بگو: من فقط پروردگارم را می خوانم و احدی را شریک او نمی گیرم. (۲۱) بگو: همانا من مالک هیچ سود و زیانی برای شما نیستم. (۲۲) بگو: همانا هیچ کس مرا در برابر خدا حفظ نخواهد کرد و جز او هرگز پناهگاهی نخواهم یافت. (۲۳) (وظیفه من) جز ابلاغی از جانب خدا و رساندن پیام او نیست. و کسی که خدا و رسولش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برایش خواهد بود، در حالی که همیشه در آن آتش جاودانه اند. (۲۴) (آنان در غفلت و غرور به سر می برند) تا وقتی که آنچه را به آن تهدید می شوند، ببینند، که خواهند دانست چه کسی یاورش ضعیف تر و نفراش کمتر است. (۲۵) بگو: من نمی دانم که آیا آنچه وعده داده می شوید نزدیک است، یا پروردگارم برای تحقق آن مدتی (طولانی) قرار می دهد. (۲۶) او عالم به غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند، (۲۷) مگر کسی همانند پیامبر که از او راضی باشد، پس از پیش رو و از پشت سر نگهبانانی می فرستد. (۲۸) تا بدانند (رسولان) پیام های پروردگارشان را رسانده اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد و هر چیزی را با عدد، شماره کرده است. (۲۹)

المزمل

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) ای جامه به خود پیچیده. (۲) شب را جز اندکی، به پا خیز. (۳) نصف آن، یا اندکی از آن کم

کن. (۴) یا بر آن بیفزای و قرآن را با تائی و شمرده بخوان. (۵) همانا ما سخنی سنگین و گرانمایه بر تو القا خواهیم کرد. (۶) همانا برخاستن در شب (برای عبادت) پایدارتر پابرجاتر و گفتار آن استوارتر است. (۷) همانا تو در روز حرکت و تلاشی طولانی داری (و کمتر به عبادت می‌رسی). (۸) و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به سوی او منقطع شو. (۹) او که پروردگار مشرق و مغرب است، معبودی جز او نیست، پس او را وکیل خود ساز. (۱۰) و بر آنچه می‌گویند صبر کن و به گونه‌ای نیکو از آنان کناره بگیر. (۱۱) و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و خوشگذران واگذار و آنان را اندکی مهلت ده. (۱۲) همانا نزد ما است غل‌ها و آتش برافروخته. (۱۳) و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک. (۱۴) در روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه درآیند و کوه‌ها به صورت پشته‌هایی از شن روان گردند. (۱۵) همانا ما رسولی را که گواه بر شماست، به سوی شما فرستادیم، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم. (۱۶) اما فرعون، آن رسول را نافرمانی کرد و ما او را به کیفری وخیم گرفتیم. (۱۷) پس اگر کفر ورزید، چگونه خود را از (عذاب) روزی که کودکان را پیر می‌کند مصون می‌دارید؟ (۱۸) آسمان به سبب (هول) آن روز می‌شکافد، آری وعده خداوند انجام شدنی است. (۱۹) همانا این آیات مایه تذکر است، پس هر کس می‌خواهد، راهی به سوی پروردگارش برگیرد. (۲۰) همانا پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، نزدیک به دو سوم شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به عبادت برمی‌خیزید و خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید به طور دقیق آن را احصا کنید. از این رو شما را بخشید (و حساب دقیق شب را از شما برداشت) پس آنچه میسر است از قرآن بخوانید. خداوند می‌داند که برخی از شما بیمار خواهند شد و گروه دیگری به سفر می‌روند تا از فضل خدا (رزق) جویند و گروه دیگری در راه خدا به جهاد مشغولند (و از تلاوت قرآن بازمی‌مانند) پس (اکنون که فرصت دارید) هر چه می‌توانید از قرآن بخوانید و نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خداوند وام دهید، وامی نیکو (بدانید که) آنچه برای خود از پیش فرستید، آن را نزد خدا نیکوتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت و از خداوند طلب آموزش کنید که همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۱)

المدثر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ای ردا بر خود کشیده. (۲) به پا خیز و هشدار ده. (۳) و پروردگارت را بزرگ‌بار. (۴) و لباس را پاکیزه دار. (۵) و از پلیدی دور شو. (۶) و (در عطا) منت مگذار و (کارت را) بزرگ‌شمار. (۷) و به خاطر پروردگارت صبر کن. (۸) پس هنگامی که در صور دمیده شود. (۹) پس آن روز، روز سختی است. (۱۰) بر کافران آسان نیست. (۱۱) مرا واگذار با آن که خود به تنهایی آفریدم. (۱۲) و به او مالی پیوسته و در حال فزونی دادم. (۱۳) و پسرانی که در کنارش حاضرند. (۱۴) و برای او اسباب کامیابی را به طور کامل آماده کردم. (۱۵) با این حال، طمع دارد که بیفزایم. (۱۶) هرگز، زیرا او به آیات ما عناد می‌ورزد. (۱۷) به زودی او را به گردنه‌ای سخت گرفتار می‌کنم. (۱۸) همانا او (برای مبارزه با قرآن) فکر کرد و به سنجش پرداخت. (۱۹) پس مرگ بر او باد که چگونه سنجید. (۲۰) باز هم مرگ بر او که چگونه سنجید. (۲۱) سپس نگریست. (۲۲) سپس چهره در هم کشید و با عجله دست به کار شد. (۲۳) سپس پشت کرد و تکبر ورزید. (۲۴) پس گفت: این (قرآن) جز سحری که (از پیشینیان) روایت می‌شود نیست. (۲۵) این نیست مگر گفته بشر. (۲۶) زود است که او را به سقر درآورم. (۲۷) و تو نمی‌دانی که سقر چیست. (۲۸) نه باقی گذارد و نه رها کند. (۲۹) پوست رابه شدت دگرگون کند. (۳۰) بر آن (دوزخ) نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) گماشته شده‌اند. (۳۱) و نگهبانان آتش را جز از فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آنها را جز وسیله آزمایش برای کسانی که کفر ورزیدند قرار ندادیم، تا اهل کتاب یقین کنند (که قرآن کتاب آسمانی است. زیرا همین عدد در تورات و انجیل نیز آمده است) و کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمان خود بیفزایند و اهل کتاب و مؤمنان، گرفتار شک و تردید نشوند و (به علاوه، عدد ۱۹ سبب شد) تا کفار و بیمار دلان بگویند خدا از این مثال چه اراده‌ای کرده است؟ این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌کند و هر

که را بخواهد هدایت می نماید و شمار لشکریان پروردگارت را کسی جز او نمی داند و این جز تذکری برای بشر نیست. (۳۲) به ماه سوگند، چنین نیست (که کفار می پندارند). (۳۳) به شب، آنگاه که پشت می کند سوگند. (۳۴) به صبح، آنگاه که آشکار می شود سوگند. (۳۵) که این (دوزخ)، یکی از بزرگترین پدیده هاست. (۳۶) هشدار، برای بشر است. (۳۷) برای هر کس از شما که بخواهد (در کار خیر) مقدم شود یا متأخر باشد. (۳۸) هر کسی در گرو چیزی است که کسب کرده است. (۳۹) مگر اصحاب یمین، (۴۰) که در باغ های بهشتی می پرسند: (۴۱) از مجرمان. (۴۲) چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. (۴۳) گویند: ما از نماز گزاران نبودیم. (۴۴) و افراد مسکین را اطعام نمی کردیم. (۴۵) و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می رفتیم. (۴۶) و پیوسته روز جزا را تکذیب می کردیم. (۴۷) تا آن که مرگ به سراغ ما آمد. (۴۸) پس شفاعت شافعان سودشان ندهد. (۴۹) چه شده آنان را که از تذکر (قرآن) روی گردانند؟ (۵۰) گویا آنان گورخرانی گریزان هستند. (۵۱) که از شیر می گریزند. (۵۲) بلکه هر یک از آنان توقع دارد که نامه هایی سرگشاده (از سوی خدا) به او داده شود. (۵۳) چنین نیست، بلکه آنان از آخرت نمی ترسند. (۵۴) چنین نیست، همانا آن (قرآن) تذکری ارزشمند است. (۵۵) پس هر کس خواست، با آن تذکر یابد. (۵۶) و تذکر نمی یابند مگر آن که خداوند بخواهد. او سزاوار تقوی است و سزاوار آمرزیدن است. (۵۷)

القیامه

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) به روز قیامت قسم می خورم. (۲) و به نفس ملامت گر قسم می خورم (که شما پس از مرگ زنده خواهید شد). (۳) آیا انسان می پندارد که استخوان های او را (بعد از مرگ) جمع نمی کنیم؟ (۴) بلکه ما قدریم (خطوط سر) انگشتان او را (بار دیگر) درست کنیم، (۵) ولی انسان می خواهد راه فسق و فجور را پیش روی خود باز کند. (۶) (لذا از روی تردید) می پرسد: روز قیامت چه وقت است؟ (۷) پس آنگاه که (در آستانه قیامت) چشم ها خیره گردد. (۸) و ماه تاریک شود، (۹) و خورشید و ماه جمع شوند. (۱۰) در آن روز انسان خواهد گفت: گریزگاه کجاست؟ (۱۱) هرگز، ملجأ و پناهگاهی نیست. (۱۲) آن روز قرارگاه فقط نزد پروردگار توست. (۱۳) آن روز انسان به آنچه پیش فرستاده و آنچه به جا گذاشته است خبر داده می شود. (۱۴) با آن که انسان بر (نیک و بد) نفس خویش بینا است (که چه کرده و چه می کند). (۱۵) اگر عذرهایی بتراشد. (۱۶) (ای پیامبر! به هنگام نزول وحی،) زبان خود را به حرکت در نیاور تا نسبت به تلاوت آن شتاب کنی. (۱۷) همانا گرد آوردن و خواندن آن (بر تو) بر عهده ماست. (۱۸) پس چون آن را خواندیم، قرائت آن را دنبال کن. (۱۹) آنگاه بیان (حقایق و اسرار و توضیح) آن بر عهده ماست. (۲۰) چنین نیست (که می پندارید) بلکه به این دنیای زودگذر دل بسته اید. (۲۱) و آخرت را رها کرده اید. (۲۲) چهره هایی در آن روز شاداب و با طراوت است. (۲۳) و به (لطف و پاداش) پروردگارشان چشم دوخته اند. (۲۴) و چهره هایی در آن روز گرفته است. (۲۵) زیرا می داند مورد عذابی کمر شکن قرار می گیرد. (۲۶) چنین نیست (که انسان می پندارد) آنگاه که (در آستانه مرگ) جان به گلوگاه رسد. (۲۷) و گفته شود: چه کسی شفا دهنده است؟ (۲۸) و (محتضر) بداند که هنگام جدایی است. (۲۹) و ساق پا به ساق دیگر بچسبد (و دیگر حرکتی نکند) (۳۰) در آن روز به سوی پروردگارت سوق داده شود. (۳۱) او که نه حق را تصدیق کرد و نه نماز گزارد. (۳۲) بلکه تکذیب کرد و روی گردانید. (۳۳) و سپس با کبر و غرور به سوی اهلش رفت. (۳۴) (عذاب الهی) برای تو شایسته تر است، شایسته تر. (۳۵) باز هم شایسته تر است، شایسته تر. (۳۶) آیا انسان می پندارد که به حال خود رها می شود؟ (۳۷) آیا او قطره ای از منی نبود که (در رحم) ریخته می شد؟ (۳۸) سپس خون بسته ای شد و خداوند آن را آفرینش داد و استوار ساخت. (۳۹) و دو جنس زن و مرد را از آن پدید آورد. (۴۰) آیا این خدا قادر نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۱)

الإنسان

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) آیا بر انسان دوره‌ای از روزگار گذشت که چیزی قابل ذکری نبود؟ (۲) همانا ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته (از نطفه مرد و زن) آفریدیم تا او را بیازماییم، پس او را شنوا و بینا گردانیدیم. (۳) به راستی ما راه (حق) را به او نمایانیدیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. (۴) همانا ما برای کفر پیشه‌گان زنجیرها و غل‌ها و آتشی برافروخته آماده ساختیم. (۵) همانا نیکان از پیمان‌های می‌نوشند که با کافور (گیاهی خوشبو) آمیخته شده است. (۶) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و هر گونه بخواهند، آن را جاری می‌سازند. (۷) آنان به نذر وفا می‌کنند و از روزی که شرش فراگیر است می‌ترسند. (۸) و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند. (۹) (و می‌گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما پاداش و تشکری نمی‌خواهیم. (۱۰) همانا ما از پروردگاران، به خاطر روزی عبوس و سخت، می‌ترسیم. (۱۱) پس خداوند آنان را از شرّ آن روز مصون دارد و آنان را با شادی و شیروری بس بزرگ روبرو کند. (۱۲) و به سبب صبری که کردند، بهشتی بزرگ و پوششی از حریر پاداششان دهد. (۱۳) در حالی که در آن بر تخت‌ها تکیه زده‌اند، در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمای. (۱۴) و سایه‌های درختان بر سرشان نزدیک و خوشه‌های میوه در دسترس آنان. (۱۵) بر دور آنان ظرف‌های نقره‌فام و تنگ‌های بلورین گردانده شود. (۱۶) بلورهایی از نقره که در اندازه‌هایی (معین و متفاوت) اندازه‌گیری کرده‌اند. (۱۷) در آن بهشت، جامی نوشانده می‌شوند که با زنجبیل آمیخته است. (۱۸) چشمه‌ای در آنجا است که سلسبیل نامیده می‌شود. (۱۹) و پسرانی همیشه جوان، (به خدمت) بر آنان می‌گردند، هر گاه آنان را بینی، پنداری مرواریدهای غلطان و پراکنده‌اند. (۲۰) و چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ می‌بینی. (۲۱) بر اندامشان جامه‌های سبز از دیبای نازک و ضخیم است و با دستواره‌های نقره زینت شده‌اند و پروردگارشان شرابی طهور (پاک و پاک‌کننده) به آنان می‌نوشاند. (۲۲) همانا این جزایی است برای شما و سعیتان مورد سپاس است. (۲۳) همانا ما خود قرآن را بر تو فرو فرستادیم. (۲۴) پس در برابر حکم پروردگارت صبر پیشه کن و از هیچ گنه‌کار یا کفران پیشه اطاعت مکن. (۲۵) و در هر صبح و شام، نام پروردگارت را یاد کن. (۲۶) و بخشی از شب را برای او سجده کن و در بخشی طولانی از شب به تسبیح او پرداز. (۲۷) همانا اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روز گرانبار (قیامت) را پشت سر می‌نهند. (۲۸) مائیم که خلقشان کردیم و مفاصلشان را محکم ساختیم و هر گاه بخواهیم مانند آنها را چنانکه باید به جای آنان می‌آوریم. (۲۹) به راستی این آیات، وسیله تذکری است، پس هر که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. (۳۰) و شما چیزی رانمی‌خواهید، مگر این که خدا بخواهد، همانا خداوند دانا و حکیم است. (۳۱) هر که را بخواهد به رحمت خود درمی‌آورد و برای ظالمان عذابی دردناک آماده کرده است. (۳۲)

المرسلات

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) به فرستاده‌های پی در پی سوگند. (۲) پس به طوفان‌های سهمگین (سوگند). (۳) به نشردهندگانی (که حق را به نیکویی) نشر می‌دهند سوگند. (۴) پس آنان که به طور کامل (بین حق و باطل) فرق می‌گذارند. (۵) پس به القاکندگان ذکر (و وحی به پیامبران). (۶) برای (رفع) عذر یا هشدار و انذار. (۷) همانا آنچه وعده داده می‌شوید، واقع شدنی است. (۸) پس آنگاه که ستگاران محو شوند. (۹) و آنگاه که آسمان شکافته شود. (۱۰) و آنگاه که کوه‌ها از ریشه کنده شود. (۱۱) و آنگاه که برای رسولان (برای ادای شهادت) وقت تعیین شود. (۱۲) برای چه روزی، اجل تعیین شده؟ (۱۳) برای روز داوری. (۱۴) و تو چه دانی که روز داوری چیست؟ (۱۵) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان. (۱۶) آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۷) سپس دیگران را در پی آنان آوردیم. (۱۸) ما با مجرمان این گونه عمل می‌کنیم. (۱۹) وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز. (۲۰) آیا ما شما را از آبی پست خلق نکردیم. (۲۱) پس آن را در قرارگاهی استوار قرار دادیم. (۲۲) تا مدتی معین. (۲۳) پس اندازه‌گیری کردیم و ما چه خوب اندازه‌گیرییم. (۲۴) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۲۵) آیا زمین را محل اجتماع قرار ندادیم؟ (۲۶) زنده‌ها و مرده‌ها. (۲۷) و در آن

کوه‌هایی استوار و بلند قرار دادیم و آبی گوارا به شما نوشاندیم. (۲۸) پس در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۲۹) (به مجرمان گویند): بروید به سوی آنچه آن را تکذیب می‌کردید. (۳۰) بروید به سوی سایه‌ای سه شاخه، (۳۱) نه خنک است و نه از شعله آتش مصون می‌دارد. (۳۲) همانا دوزخ، شراره‌هایی به اندازه کاخ پرتاب می‌کند. (۳۳) گویی شترانی زرد مویند. (۳۴) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۳۵) (مجرمان) در این روز حرفی برای زدن ندارند. (۳۶) و به آنان اجازه داده نمی‌شود تا عذر خواهی کنند. (۳۷) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۳۸) این روز، روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع کردیم. (۳۹) پس اگر چاره‌ای دارید به کار گیرید. (۴۰) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۴۱) همانا تقوی پیشگان در سایه‌ها و چشمه‌ها (قرار دارند). (۴۲) و هر نوع میوه که بخواهند. (۴۳) بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می‌دادید، گوارایتان باد. (۴۴) همانا ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۴۵) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۴۶) بخورید و بهره‌گیرید اندک که همانا شما مجرمد. (۴۷) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۴۸) و هر گاه به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند. (۴۹) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۵۰) پس بعد از این (قرآن) به کدامین سخن ایمان می‌آورند؟ (۵۱)

النبأ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) درباره چه از یکدیگر می‌پرسند؟ (۲) از خبر بزرگ. (۳) همان که ایشان در باره آن اختلاف دارند. (۴) چنین نیست؛ زود است که بدانند. (۵) باز چنین نیست؛ زود است که بدانند. (۶) آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟ (۷) و کوه‌ها را (همچون) میخ‌ها؟ (۸) و شما را جفت آفریدیم. (۹) و خواب را مایه آرامش شما قرار دادیم. (۱۰) و شب را پوششی ساختیم. (۱۱) و روز را وقت تلاش و معاش قرار دادیم. (۱۲) و بر فراز شما هفت (آسمان) استوار بنا کردیم. (۱۳) و (خورشید را) چراغی فروزان قرار دادیم. (۱۴) و از ابرهای متراکم و فشرده، آبی فراوان فرو فرستادیم. (۱۵) تا به وسیله آن دانه و گیاه بیرون آوریم. (۱۶) و باغهای پر درخت. (۱۷) همانا روز جدایی، وعده‌گاه (ما با شما) است. (۱۸) روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه می‌آیند. (۱۹) و آسمان گشوده شود و به صورت درهایی باز درآید. (۲۰) و کوه‌ها روان شوند و چون سراب گردند. (۲۱) همانا دوزخ، کمین‌گاهی است. (۲۲) برای سرکشان، جایگاه و بازگشتگاهی است. (۲۳) روزگاران در آن به سر برند. (۲۴) در آن دوزخ، نه خنکی چشند و نه آشامیدنی. (۲۵) مگر آب جوش و خونابه و چرکابه‌ای. (۲۶) که این، کیفری مناسب گناه آنهاست. (۲۷) آنان بودند که به روز حساب، امید و باوری نداشتند. (۲۸) و آیات ما را به سختی تکذیب می‌کردند. (۲۹) (ولی) ما حساب همه چیز را در کتاب خود داشتیم. (۳۰) پس بچشید که جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم. (۳۱) همانا برای اهل پروا، رستگاری و کامیابی بزرگی است. (۳۲) انواع باغ‌ها و انگورها. (۳۳) و همسرانی زیبا و دلربا، همانند و هم‌سال. (۳۴) و جامه‌هایی سرشار. (۳۵) در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه تکذیبی. (۳۶) پاداشی از طرف پروردگارت و عطایی از روی حساب. (۳۷) (پروردگار تو) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست می‌باشد، او سرچشمه رحمت است. (با این وصف) کسی را یارای خطاب با او نیست. (۳۸) روزی که روح و فرشتگان به صف ایستند، کسی سخن نگوید جز آن که (خدای) رحمان به او اجازه دهد و او سخن صواب گوید. (۳۹) آن روز، روز حق است (و محقق خواهد شد). پس هر که بخواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگارش انتخاب کند. (۴۰) همانا ما شما را از عذابی نزدیک بیم دادیم، روزی که انسان به آنچه از پیش فرستاده بنگرد و کافر گوید: ای کاش خاک بودم. (۴۱)

النازعات

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) سوگند به فرشتگانی که جان (کافران) را به سختی می‌گیرند. (۲) سوگند به فرشتگانی که جان (مؤمنان) را به آسانی و نشاط می‌گیرند. (۳) سوگند به فرشتگانی که (در انجام فرمان الهی) به سرعت شناورند. (۴) و (در انجام

مأموریت) بر یکدیگر سبقت گیرند. (۵) و امور (بندگان) را تدبیر کنند. (۶) روزی که زلزله وحشتناک همه چیز را به لرزه درآورد. (۷) و به دنبال آن لرزه دیگری واقع شود. (۸) در آن روز، دلهایی ترسان و لرزان است. (۹) و چشم‌ها (از ترس) فرو افتاده. (۱۰) (آنان که در دنیا) می‌گویند: آیا (پس از مرگ) ما به زندگی نخستین باز گردانده می‌شویم؟ (۱۱) آنگاه که استخوان‌هایی پوسیده شدیم؟ (۱۲) (با خود) گویند: در این صورت، این بازگشتی زیانبار است. (۱۳) جز این نیست که آن بازگشت، با یک صیحه عظیم است. (۱۴) که ناگهان همگی در صحرای محشر حاضر شوند. (۱۵) آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۱۶) آنگاه که پروردگارش او را در سرزمین مقدس طوی ندا داد: (۱۷) به سوی فرعون برو که او سرکشی کرده است. (۱۸) پس به او بگو: آیا می‌خواهی که (از پلیدی‌ها) پاک شوی؟ (۱۹) و ترا به سوی پروردگارت هدایت کنم تا بترسی (و سرکشی نکنی). (۲۰) پس معجزه بزرگ را به او نشان داد. (۲۱) اما او تکذیب کرد و نافرمانی نمود. (۲۲) آنگاه پشت کرد، در حالی که (برای خاموشی این دعوت) تلاش می‌نمود. (۲۳) پس (ساحران را) جمع کرد و ندا داد. (۲۴) و گفت: من پروردگار برتر شما هستم. (۲۵) آنگاه خداوند او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد. (۲۶) همانا در این ماجرا برای هر کس که (از سوء عاقبت) بترسد، درس عبرتی است. (۲۷) آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا آسمانی که او بنا کرده؟ (۲۸) سقفش را برافراشت و آن را استوار ساخت. (۲۹) شبش را تیره و روزش را روشن گرداند. (۳۰) بعد از آن، زمین را گسترش داد. (۳۱) و از آن آب و چراگاه بیرون آورد. (۳۲) و کوه‌ها را استوار و پابرجا گردانید. (۳۳) تا وسیله برخورداری شما و چارپایان شما باشد. (۳۴) آنگاه که آن حادثه بزرگ فرارسد. (۳۵) در آن روز، انسان آنچه تلاش کرده، به یاد آورد. (۳۶) و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار شود. (۳۷) اما هر که سرکشی کرده، (۳۸) و زندگی پست دنیا را (بر آخرت) برگزیده، (۳۹) بی‌شک، دوزخ جایگاه اوست. (۴۰) و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسید و نفسش را از هوس بازداشت. (۴۱) بی‌شک، بهشت جایگاه اوست. (۴۲) از تو درباره قیامت می‌پرسند که چه وقت بر پا می‌شود. (۴۳) تو را به گفتگو درباره آن چه کار؟ (۴۴) پایان و سرانجام آن با پروردگار توست. (۴۵) وظیفه تو هشدار کسی است که از آن می‌ترسد. (۴۶) گویی جز شبی یا روزی (در دنیا و برزخ) درنگ نکرده‌اند. (۴۷)

عبسی

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) چهره درهم کشید و روی بر تافت. (۲) از اینکه نابینایی به سراغ او آمد. (۳) و تو چه دانی، شاید او در پی پاکی و پارسایی باشد. (۴) یا پند گیرد و آن پند سودش بخشد. (۵) اما کسی که خود را بی‌نیاز می‌بیند. (۶) پس تو به او می‌پردازی. (۷) با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو چیزی نیست. (۸) و اما کسی که شتابان نزد تو آمد، (۹) در حالی که از خدا می‌ترسد، (۱۰) تو از او تغافل می‌کنی و به دیگری می‌پردازی. (۱۱) چنین نیست (که آنها می‌پندارند)، همانا قرآن وسیله تذکر است. (۱۲) پس هر کس بخواهد، آن را یاد کند و از آن پند گیرد. (۱۳) در میان صحیفه‌هایی ارجمند است. (۱۴) که بلند مرتبه و پاکیزه است. (۱۵) به دست سفیرانی، (۱۶) بزرگوار و نیکوکار. (۱۷) مرگ بر این انسان (سرکش) که چه ناسپاس است. (۱۸) (مگر خداوند) او را از چه چیز آفریده است. (۱۹) از نطفه‌ای ناچیز آفریدش و سامانش بخشید. (۲۰) سپس راه (سعادت) را برای او آسان و فراهم نمود. (۲۱) آنگاه او را میراند و در گورش نهاد. (۲۲) پس هر زمان که بخواهد او را برانگیزد. (۲۳) هرگز (چنین نیست) که هنوز آنچه را که خدا به او فرمان داده، انجام نداده است. (۲۴) پس باید انسان به غذای خود بنگرد. (۲۵) ما آب را آن گونه که باید، (از آسمان) فرو ریختیم. (۲۶) سپس زمین را به خوبی شکافتیم. (۲۷) و در آن، دانه رویانیدیم. (۲۸) و نیز انگور و سبزیجات، (۲۹) و زیتون و نخل خرما، (۳۰) و باغهای پردرخت، (۳۱) و میوه و چراگاه، (۳۲) برای برخورداری شما و چهارپایانتان. (۳۳) پس زمانی که آن صدای هولناک در آید. (۳۴) روزی که انسان از برادرش بگریزد. (۳۵) و از مادر و پدرش. (۳۶) و همسر و فرزندانش. (۳۷) در آن روز برای هر یک از آنان کار و گرفتاری است که او را (از پرداختن به کار دیگران) بازدارد. (۳۸) چهره‌هایی در آن روز درخشانند، (۳۹) خندان و

شادمانند، (۴۰) و چهره‌هایی در آن روز، غبار (غم) بر آنها نشسته. (۴۱) و تیرگی و سیاهی، چهره آنان را پوشانده است. (۴۲) اینان همان کافران بدکردارند. (۴۳)

التکویر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنگاه که خورشید در هم پیچیده و تاریک شود. (۲) و آنگاه که ستارگان به خاموشی گرایند. (۳) و آنگاه که کوه‌ها به حرکت درآیند. (۴) و آنگاه که شتران باردار به حال خود رها شوند. (۵) و آنگاه که حیوانات وحشی، برانگیخته و گرد هم آیند. (۶) و آنگاه که دریاها به جوش آیند. (۷) و آنگاه که جانها جفت و قرین شوند. (۸) و آنگاه که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود. (۹) که به کدامین گناه کشته شده است؟ (۱۰) و آنگاه که نامه‌های عمل گشوده شود. (۱۱) و آنگاه که آسمان از جای کنده شود. (۱۲) و آنگاه که دوزخ شعله‌ور شود. (۱۳) و آنگاه که بهشت (برای اهلش) نزدیک آورده شود. (۱۴) هر کس بداند که چه حاضر کرده است. (۱۵) سوگند به ستارگانی که بازمی‌گردند. (۱۶) در حرکت هستند و پنهان می‌شوند. (۱۷) و سوگند به شب آنگاه که برود. (۱۸) و سوگند به صبح آنگاه که بدمد. (۱۹) که همانا قرآن، کلام پیام‌آوری گرامی است. (۲۰) آن که نزد خداوند صاحب عرش، دارای قدرت و مقام والا است. (۲۱) (فرشته‌ای که) فرمانش برند و امینش شمرند. (۲۲) و همانا مصاحب شما (پیامبر)، جنزده نیست. (۲۳) و قطعاً آن (فرشته وحی) را در افق روشن دیده است. (۲۴) و او بر غیب بخیل نیست (و آنچه را دریافت کرده، دریغ نمی‌کند). (۲۵) و آن قرآن، از القائنات شیطان رانده شده نیست. (۲۶) پس به کجا می‌روید؟ (۲۷) آن (قرآن) جز پسند و تذکری برای جهانیان نیست. (۲۸) برای هر کس از شما که بخواهد راستی و درستی پیشه کند. (۲۹) و شما نمی‌خواهید جز آنچه خداوند، پروردگار جهانیان بخواهد. (۳۰)

الانفطار

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنگاه که آسمان شکافته شود. (۲) و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند. (۳) و آنگاه که دریاها گشوده و به هم راه یابند. (۴) و آنگاه که قبرها زیرورو گردد. (۵) هر کس بداند، آنچه از پیش فرستاده و آنچه بر جای گذاشته است. (۶) ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟ (۷) همان که تو را آفرید و (اندامت را) استوار ساخت و متعادل کرد. (۸) و به هر صورت که خواست، تو را ترکیب کرد. (۹) با این همه، (شما روز) جزا را دروغ می‌پندارید. (۱۰) در حالی که قطعاً بر شما نگهبانانی (از فرشتگان) گمارده شده‌اند. (۱۱) نویسندگانی بزرگوار، (۱۲) که به آنچه انجام می‌دهید آگاهند. (۱۳) بی‌شک، نیکان در ناز و نعمت بهشتی‌اند. (۱۴) و بی‌شک، بدکاران در آتشی شعله‌ور. (۱۵) که در روز جزا به آن وارد شوند و بسوزند. (۱۶) و لحظه‌ای، از آن غایب و جدا نشوند. (۱۷) تو چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ (۱۸) باز، چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ (۱۹) روزی که هیچ کس برای هیچ کس اختیاری ندارد و در آن روز، فرمان تنها برای خداست. (۲۰)

المطفین

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) وای بر کم‌فروشان. (۲) کسانی که هرگاه از مردم پیمان‌ه بگیرند کامل می‌گیرند. (۳) و هرگاه به ایشان پیمان‌ه دهند یا برایشان (کالایی را) وزن کنند، کم می‌گذارند. (۴) آیا آنان گمان ندارند که برانگیخته خواهند شد؟ (۵) برای روزی بزرگ. (۶) روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای پاسخ به کارهایشان) خواهند ایستاد. (۷) چنین نیست (که آنان می‌پندارند)، همانا پرونده بدکاران در سجین است. (۸) و تو چه می‌دانی که سجین چیست؟ (۹) این، سرنوشتی است رقم خورده (و حتمی). (۱۰) وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز. (۱۱) کسانی که روز جزا را انکار می‌کنند. (۱۲) و جز تجاوزگر گناهکار، کسی آن

را تکذیب نمی‌کند. (۱۳) هرگاه آیات ما بر او تلاوت شود، گوید: افسانه‌های پیشینیان است. (۱۴) چنین نیست، بلکه آنچه کسب می‌کردند بر دل‌هایشان زنگار نهاده است. (۱۵) آنان در آن روز از (الطاف) پروردگارشان محجوب و محرومند. (۱۶) و آنگاه آنان به دوزخ وارد خواهند شد. (۱۷) سپس (به آنان) گفته خواهد شد: این همان چیزی است که آن را دروغ می‌پنداشتید. (۱۸) چنین نیست، همانا نامه عمل نیکوکاران در جایگاهی بلند است. (۱۹) و تو چه دانی که علّین چیست؟ (۲۰) سرنوشتی است رقم خورده و (حتمی). (۲۱) که مقرّبان الهی گواه آنند. (۲۲) همانا نیکوکاران در ناز و نعمت بهشتی‌اند. (۲۳) بر تخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. (۲۴) در چهره آنان خرمی و طراوت نعمت را می‌شناسی. (۲۵) از شرابی خالص و مَهر و موم شده به آنان نوشاندند. (۲۶) مَهر آن از مُشک است و هر کس که اهل مسابقه است، شایسته است که در (رسیدن به این نعمت‌ها) رقابت ورزد. (۲۷) و مخلوط آن، تسنیم است. (۲۸) چشمه‌ای که مقرّبان (الهی) از آن می‌نوشند. (۲۹) همانا مجرمان پیوسته به اهل ایمان می‌خندیدند. (۳۰) و هرگاه از کنارشان مرور می‌کردند، (از روی تمسخر) با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره می‌کردند. (۳۱) و هرگاه به سوی اهل خودشان (و همفکران منحرفشان) بازمی‌گشتند، (شادمان از تمسخر) طنزگونه و بذله‌گویان بازمی‌گشتند. (۳۲) و هرگاه اهل ایمان را می‌دیدند، می‌گفتند: شکی نیست که آنان گمراهند. (۳۳) در حالی که آنان، رسالت‌نگهبانی بر مؤمنان را نداشتند. (۳۴) پس امروز، اهل ایمان بر این کفار می‌خندند. (۳۵) در حالی که بر تخت‌های بهشتی نظاره‌گردند. (۳۶) که آیا کافران کیفر عملکرد خود را دیده‌اند؟ (۳۷)

الانشقاق

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنگاه که آسمان شکافته شود. (۲) و پروردگارش را فرمان برد که چنین سزاوار است. (۳) و آنگاه که زمین هموار شود. (۴) و آنچه در آن است بیرون اندازد و خالی گردد. (۵) و به فرمان پروردگارش گوش سپرد که چنین سزد. (۶) هان ای انسان! تو به سوی پروردگارت تلاش بسیاری داری و سرانجام به لقای او خواهی رسید. (۷) پس هر کس کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، (۸) به زودی و به آسانی به حساب او رسیدگی خواهد شد، (۹) و شادمان به سوی خانواده‌اش (یا همفکرانش) بازمی‌گردد. (۱۰) و هر کس نامه‌اش از پشت سر (و به دست چپ) او داده شود، (۱۱) پس زود فریاد فغان بر خواهد آورد، (۱۲) و داخل دوزخ خواهد شد. (۱۳) همانا او (در دنیا) در میان خانواده‌اش شادمان بود. (۱۴) او گمان می‌کرد که هرگز بازمی‌گردد. (۱۵) چرا (باز خواهد گشت) و پروردگارش به او بیناست. (۱۶) به شفق، (سرخ‌ی بعد از غروب) سوگند می‌خورم، (۱۷) و به شب و آنچه (زیر پرده سیاهی خود) جمع می‌کند سوگند، (۱۸) و به ماه آنگاه که کامل گردد سوگند. (۱۹) که شما همواره از حالی به حال دیگر درآیید. (۲۰) پس آنان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟ (۲۱) و آنگاه که قرآن بر آنان خوانده شود، سجده نمی‌کنند؟ (۲۲) بلکه کافران (آیات الهی را) تکذیب می‌کنند. (۲۳) و خدا به آنچه در دل دارند آگاه‌تر است. (۲۴) پس ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۵) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند که برای آنان پاداشی است ابدی و قطع نشدنی (و بی‌منت). (۲۶)

البروج

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است. (۲) به روز موعود سوگند. (۳) به شاهد و مشهود سوگند. (۴) مرگ بر صاحبان گودال (پر آتش). (۵) همان آتش پر هیزم. (۶) آنگاه که آنان بالای آن نشسته بودند. (۷) و تماشاگر شکنجه‌ای بودند که نسبت به مؤمنان روا می‌داشتند. (۸) آنان هیچ ایرادی به مؤمنان نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید ایمان آورده بودند. (۹) آن که حکومت آسمان‌ها و زمین برای اوست و خداوند بر هر چیز گواه است. (۱۰) همانا کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد آزار و شکنجه قرار دادند و توبه نکردند، پس برای آنان عذاب دوزخ و همچنین عذاب سوزان است. (۱۱) همانا

برای کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند، باغ‌هایی بهشتی است که نهرها از زیر آن جاری است، این است رستگاری بزرگ. (۱۲) همانا قهر و مجازات پروردگارت شدید است. (۱۳) بی‌تردید اوست که (آفرینش را) آغاز می‌کند و بازمی‌گرداند. (۱۴) و هموست بخشنده و دوستدار (مؤمنین). (۱۵) صاحب عرش و دارای مجد و عظمت. (۱۶) آنچه را اراده کند حتماً انجام می‌دهد. (۱۷) آیا سرگذشت آن سپاه به تو رسیده است؟ (۱۸) (سپاه) فرعون و ثمود. (۱۹) آری، کافران (پیوسته) در تکذیب (حق) هستند. (۲۰) و خداوند از هر سو بر ایشان احاطه دارد. (۲۱) آری آن قرآن مجید است. (۲۲) که در لوحی محفوظ ثبت است. (۲۳)

الطارق

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) سوگند به آسمان و ستاره طارق. (۲) و تو چه دانی که طارق چیست؟ (۳) ستاره‌ای است درخشان. (۴) (به اینها سوگند که) هیچ کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است. (۵) پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است. (۶) از آبی جهنده آفریده شده است. (۷) که از بین کمر و سینه بیرون می‌آید. (۸) همانا او بر باز گرداندنش تواناست. (۹) روزی که اسرار آشکار شود. (۱۰) پس برای انسان، هیچ قدرتی (از درون) و یاوری (از بیرون) نیست. (۱۱) سوگند به آسمان باران‌زا. (۱۲) سوگند به زمین که (برای خروج گیاهان) برشکافته است. (۱۳) که همانا این قرآن سخنی است قاطع. (۱۴) و هزل و شوخی نیست. (۱۵) همانا کافران پیوسته نیرنگ می‌کنند. (۱۶) و من نیز تدبیر می‌کنم. (۱۷) پس کافران را مهلت ده و اندک زمانی آنان را به خود واگذار. (۱۸)

الأعلى

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) نام پروردگار بلندمرتبه‌ات را به پاکی یاد کن. (۲) همان که آفرید و سامان بخشید. (۳) و آنکه (هر چیز را) اندازه‌ای نهاد و هدایت کرد. (۴) آنکه (گیاه) چراگاه را رویانید. (۵) و سرانجام آن را خشک و تیره کرد. (۶) ما تو را به قرائت درست وامی‌داریم، پس فراموش نخواهی کرد. (۷) مگر آنچه خدا بخواهد که او بی‌گمان آشکار و نهان را می‌داند. (۸) و ما تو را برای آسان‌ترین (راه دعوت) آماده می‌سازیم. (۹) پس تذکر بده، (البته) اگر تذکر مفید افتد. (۱۰) هر کس خشیت الهی داشته باشد، بزودی پند گیرد. (۱۱) و بدبخت‌ترین افراد از آن دوری کند. (۱۲) همان کس که به آتش بزرگ درافتد. (۱۳) پس در آنجا نه بمیرد و نه زندگانی کند. (۱۴) به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی‌ها) پاک گردانید. (۱۵) نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گذارد. (۱۶) ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید. (۱۷) و حال آنکه آخرت بهتر و ماندگارتر است. (۱۸) این سخن در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است. (۱۹) کتاب‌های ابراهیم و موسی. (۲۰)

الغاشية

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آیا خبر آن حادثه فراگیر به تو رسیده است؟ (۲) در آن روز، چهره‌هایی خوار و زبونند. (۳) (با آنکه) تلاش کرده و رنج برده‌اند. (۴) (اما) به آتشی سوزان درآیند. (۵) و از چشمه‌ای جوشان نوشانده شوند. (۶) و خوراکی جز خار خشک و تلخ ندارند. (۷) که نه فربه کند و نه گرسنگی را از میان برد. (۸) در چنین روزی چهره‌هایی خرم باشند. (۹) از کوشش خود خشنود. (۱۰) در بهشت برین (جای دارند). (۱۱) در آنجا سخن بیهوده‌ای نشنوند. (۱۲) در آنجا چشمه‌ای جاری است. (۱۳) در آنجا تختهایی است برافراشته. (۱۴) و سبوهایی چیده شده، (۱۵) و بالشهایی ردیف شده، (۱۶) و فرش‌هایی گسترده شده. (۱۷) آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۸) و به آسمان، که چگونه برافراشته شده؟ (۱۹) و به کوه که چگونه برپا داشته شده؟ (۲۰) و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ (۲۱) پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهنده‌ای، (۲۲) و بر آنان سیطره و تسلطی نداری (که به

ایمان آوردن مجبورشان کنی). (۲۳) مگر آن کس که روی گرداند و کفر پیشه کرد. (۲۴) که خداوند او را به بزرگترین عذاب مجازات می‌کند. (۲۵) همانا بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۶) آنگاه حسابشان بر ماست. (۲۷)

الفجر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) به سپیده دم سوگند. (۲) به شبهای ده گانه سوگند. (۳) به زوج و فرد سوگند. (۴) به شب سوگند آنگاه که سپری شود. (۵) آیا (در این سوگندها) برای اهل خرد، سوگندی مهم نیست؟ (۶) آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۷) (همان قوم) ارم، (شهری) که دارای بناهای ستون‌دار بود. (۸) (بناهایی) که ماندش در دیگر شهرها ساخته نشده بود. (۹) و با قوم ثمود که در وادی خود تخته سنگها را (برای ساختن خانه) می‌بریدند. (۱۰) و با فرعون، صاحب قدرت و سپاه عظیم. (۱۱) آنها که در شهرها طغیانگری کردند. (۱۲) و در آن، فساد و تباهی افزودند. (۱۳) پس پروردگارت تازیانه عذاب بر آنان فرود آورد. (۱۴) همانا پروردگارت در کمین گاه است. (۱۵) ای انسان، (طبعش چنین است که) هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرامیش داشته و نعمتش دهد، (مغرور گشته و) می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است. (۱۶) ولی هرگاه او را بیازماید و روزی او را تنگ سازد، می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده کرده است. (۱۷) این چنین نیست؛ بلکه شما یتیم را گرامی نمی‌دارید. (۱۸) و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی‌کنید. (۱۹) و میراث را (به حق و ناحق) یکجا می‌خورید. (۲۰) و مال را بسیار دوست دارید. (۲۱) چنان نیست، (که می‌پندارید، بلکه) آنگاه که زمین به شدت درهم کوبیده شود. (۲۲) و (فرمان) پروردگارت با فرشتگان صف در صف فرارسد. (۲۳) در آن روز دوزخ را حاضر کنند، در آن روز انسان متذکر شود ولی این تذکر چه سودی برایش دارد؟ (۲۴) (در آن روز انسان) می‌گوید: ای کاش برای زندگی (امروز) چیزی از پیش فرستاده بودم. (۲۵) پس در آن روز هیچکس به مانند عذاب او عذاب نکند. (۲۶) و هیچکس چون به بند کشیدن او، در بند نکشد. (۲۷) هان ای روح آرام یافته! (۲۸) به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. (۲۹) پس در زمره‌ی بندگان من در آی. (۳۰) و به بهشت من داخل شو! (۳۱)

البلد

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) به این شهر (مکه) سوگند. (۲) در حالی که تو در این شهر ساکن هستی. (۳) به پدر، و فرزندی که پدید آورد، سوگند. (۴) همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. (۵) آیا می‌پندارد که هرگز احدی بر او قدرت ندارد؟ (۶) می‌گوید: مال فراوانی تباه کردم. (۷) آیا گمان می‌کنند احدی او را ندیده است؟ (۸) آیا برای او دو چشم قرار ندادیم. (۹) و یک زبان و دو لب؟ (۱۰) و دو راه (خیر و شر) را به او نمایانندیم. (۱۱) اما او در آن گردنه سخت قدم نگذاشت. (۱۲) و چه می‌دانی که آن گردنه چیست؟ (۱۳) آزاد کردن برده. (۱۴) یا غذا دادن به روز گرسنگی. (۱۵) به یتیمی خویشاوند. (۱۶) یا بینوایی خاک نشین. (۱۷) سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و همدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند. (۱۸) آنان اصحاب یمین هستند. (۱۹) و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند اصحاب شومی و شقاوت هستند. (۲۰) بر آنان آتشی سرپوشیده و فراگیر احاطه دارد. (۲۱)

الشمس

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) به خورشید سوگند و گسترش نور آن. (۲) به ماه سوگند، آنگاه که از پی خورشید در آید. (۳) به روز سوگند آنگاه که زمین را روشن سازد. (۴) به شب سوگند، آنگاه که زمین را بپوشاند. (۵) به آسمان سوگند و آنکه آن را بنا کرد. (۶) به زمین سوگند و آنکه آن را گسترانید. (۷) به نفس سوگند و آنکه آن را سامان داد. (۸) پس پلیدی‌ها و پاکی‌هایش را به او

الهام کرد. (۹) به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد. (۱۰) و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود. (۱۱) قوم ثمود از روی سرکشی، (پیامبرشان را) تکذیب کردند. (۱۲) آنگاه که شقی ترین آنها (برای کشتن ناقه) به پا خاست. (۱۳) پس پیامبر خدا به آنان گفت: ناقه خدا و آبشخورش را (حرمت نهید). (۱۴) پس او را تکذیب کردند و ناقه را کشتند و پروردگارشان به خاطر این گناه، آنان را درهم کوبید و با خاک یکسانشان کرد. (۱۵) و خداوند از عاقبت کار خود بیم ندارد. (۱۶)

اللیل

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) به شب سوگند، آنگاه که (زمین را در پرده‌ای سیاه) فرو پوشاند. (۲) به روز سوگند، آنگاه که روشن شود. (۳) سوگند به آن کس که نر و ماده را آفرید. (۴) همانا تلاش‌های شما پراکنده است. (۵) آیا آن که انفاق کرد و پروا داشت، (۶) و پاداش نیک (روز جزا) را تصدیق کرد. (۷) به زودی ما او را برای پیمودن بهترین راه آماده خواهیم کرد. (۸) ولی آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز پنداشت. (۹) و پاداش نیک (روز جزا) را تکذیب نمود. (۱۰) پس او را به پیمودن دشوارترین راه خواهیم انداخت. (۱۱) و چون هلاک شد، دارایی‌اش برای او کارساز نخواهد بود. (۱۲) همانا هدایت (مردم) بر عهده ماست. (۱۳) و بی شک آخرت و دنیا از آن ماست. (۱۴) پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم دادم. (۱۵) (آتشی که) جز بدبخت‌ترین افراد در آن در نیاید. (۱۶) همان که (حق را) تکذیب کرد و روی بر تافت. (۱۷) ولی با تقوی‌ترین مردم از آن آتش دور داشته خواهد شد. (۱۸) همان که مال خود را می‌بخشد تا پاک شود. (۱۹) در حالی که برای احدی (از کسانی که به آنان مال می‌بخشد)، نعمت و منتی که باید جزا داده شود، نزد او نیست. (۲۰) جز رضای پروردگار بلند مرتبه‌اش، نمی‌طلبد. (۲۱) و به زودی خشنود شود. (۲۲)

الضحی

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) به روشنایی آغاز روز سوگند. (۲) به شب سوگند آنگاه که آرامش بخشد. (۳) پروردگارت تو را وانگذاشته و خشم نگرفته است. (۴) همانا آخرت برای تو بهتر از دنیا است. (۵) و به زودی پروردگارت (چیزی) به تو عطا کند که خشنود شوی. (۶) آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد و سامانت بخشید. (۷) و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد. (۸) و تو را تهی دست یافت و بی نیاز کرد. (۹) (حال که چنین است) پس بر یتیم قهر و تندمی مکن. (۱۰) و سائل را از خود مران. (۱۱) و نعمت پروردگارت را (برای سپاس) بازگو کن. (۱۲)

الشرح

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) (ای پیامبر!) آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟ (۲) و بار سنگینات را از (دوش) تو برداشتیم؟ (۳) آن (بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود. (۴) و نام تو را بلند (آوازه) گردانیدیم. (۵) پس (بدان که) با هر سختی آسانی است. (۶) آری، با هر دشواری آسانی است. (۷) پس هر وقت (از کاری) فراغت یافتی (برای کار جدید) خود را به تعب انداز. (۸) و با رغبت و اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور. (۹)

التین

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) به انجیر و زیتون سوگند. (۲) و به طور سینا سوگند. (۳) و به این شهر (مکه) امن سوگند. (۴) همانا ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم. (۵) سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگردانیدیم. (۶) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند که برای آنان پاداشی قطع ناشدنی و همیشگی است. (۷) پس بعد از این، چه چیز سبب می‌شود قیامت را

تکذیب کنی؟ (۸) آیا خدا بهترین حکم‌کنندگان نیست؟ (۹)

العلق

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) بخوان به نام پروردگارت که (هستی را) آفرید. (۲) (او که) انسان را از خون بسته آفرید. (۳) بخوان که پروردگارت تو از همه گرامی‌تر است. (۴) او که با قلم آموخت. (۵) آنچه را انسان نمی‌دانست به او آموخت. (۶) نه چنین است (که می‌پندارند). بی‌گمان آدمی طغیان می‌کند. (۷) چون خود را بی‌نیاز می‌بیند. (۸) همانا بازگشت همه به سوی پروردگارت توست. (۹) آیا دیدی آن که منع می‌کند. (۱۰) بنده‌ای را که نماز می‌خواند. (۱۱) آیا اندیشیده‌ای که اگر (آن بنده) بر طریق هدایت باشد؟ (۱۲) یا به تقوی سفارش کند. (سزای نهی‌کننده او جز آتش نیست) (۱۳) آیا اندیشیده‌ای که اگر تکذیب کند و روی برتابد (فقط خود را هلاک ساخته است)؟ (۱۴) آیا او نمی‌داند که خداوند می‌بیند؟ (۱۵) چنین نیست (که او می‌پندارد). اگر از کار خلافت دست باز ندارد موی پیشانی او را سخت بگیریم. (۱۶) موی پیشانی دورگویی خطاکار را. (۱۷) پس او اهل محفلش را (به یاری) بخواند. (۱۸) ما هم بزودی مأمورن دوزخ را فرامی‌خوانیم. (۱۹) حاشا از او پیروی مکن و سجده کن و (به خدا) تقرب جوی. (۲۰)

القدر

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) همانا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (۲) و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ (۳) شب قدر از هزار ماه بهتر است. (۴) در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند. (۵) (آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است. (۶)

البینة

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان، (از راه انحرافی خود) دست برندارند تا آنکه دلیل روشنی برایشان بیاید. (۲) پیامبری از سوی خدا که کتب (آسمانی) را تلاوت کند. (۳) در آن‌ها نوشته‌هایی استوار و با ارزش است. (۴) کسانی که به آنان کتاب داده شد متفرق نشدند مگر بعد از آنکه برهان روشن برایشان آمد. (۵) به اهل کتاب فرمانی داده نشده جز آنکه خدا را پرستند در حالی که دین را برای او خالص ساخته و گرایش به حق داشته باشند و نماز را به پا دارند و زکات پردازند و این است دین استوار. (۶) همانا کسانی از اهل کتاب و مشرکین که کافر شدند، در آتش دوزخند، در آن جاودانه‌اند. آنانند بدترین مخلوقات. (۷) بی‌شک کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند آنانند خود بهترین مخلوقات. (۸) پاداش آنان گروه در نزد پروردگارشان، باغهای جاودانه‌ای است که زیر آن نهرها جاری است. (آنان) برای همیشه در بهشت جاودانه‌اند، خدا از آنان راضی است و آنان نیز از او راضی. این مقام مخصوص کسی است که از پروردگارش خشیت دارد. (۹)

الزلزلة

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) آن‌گاه که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود. (۲) و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند. (۳) و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (که اینگونه سخت می‌لرزد). (۴) در آن روز زمین خبرهای خود را بازگو کند. (۵) چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است. (۶) در آن روز مردم به طور پراکنده (از قبرها) بیرون آیند تا کارهایشان به آنان نشان داده شود. (۷) پس هر کس به مقدار ذره‌ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند. (۸) و هر کس هم وزن ذره‌ای کار بد کرده

باشد آن را ببیند. (۹)

العادیات

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) سوگند به اسبان دونده که (در میدان جهاد) نفسشان به شماره افتاد. (۲) و (به هنگام تاختن، از برخورد نعل اسبان با سنگ‌های بیابان) به شدت برق افروزند. (۳) و صبحگاهان بر دشمن هجوم برند. (۴) و گرد و غبار برانگیزند. (۵) و در میان معرکه و جمع دشمنان در آمده‌اند. (۶) همانا انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است. (۷) و بی‌شک بر این (ناسپاسی) گواه است. (۸) و همانا او علاقه شدیدی به مال دارد. (۹) آیا انسان نمی‌داند که وقتی آنچه در گورهاست برانگیخته شود. (۱۰) و آنچه در سینه‌هاست فاش شود. (۱۱) همانا خداوند در آن روز به کارشان آگاه است. (۱۲)

الفارعة

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) حادثه کوبنده. (۲) آن حادثه کوبنده چیست؟ (۳) و تو چه دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ (۴) روزی که مردم مانند پروانه‌ها پراکنده باشند. (۵) پس هر کس کف‌های (عمل خیرش در) ترازویس سنگین باشد، (۶) پس هر کس کف‌های (عمل خیرش در) ترازویس سنگین باشد، (۷) پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۸) ولی هر کس کف‌های (کار خیرش در) ترازویس سبک باشد، (۹) پس در آغوش آتش است. (۱۰) و تو چه دانی آن چیست؟ (۱۱) آتشی سوزان. (۱۲)

التکائر

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) فزون‌طلبی (و تفاخر) شما را سرگرم کرد. (۲) تا آنجا که به زیارت مقبره‌ها رفتید. (۳) چنین نیست (که می‌پندارید) به زودی خواهید فهمید. (۴) باز چنین نیست (که می‌پندارید)، در آینده خواهید دانست. (۵) چنین نیست (که می‌پندارید)، اگر شما (به آخرت) علم یقینی داشتید. (۶) قطعاً دوزخ را می‌دیدید. (۷) سپس آن را با عین یقین می‌دیدید. (۸) سپس در آن روز از نعمت‌ها سؤال خواهید شد. (۹)

العصر

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) به روزگار سوگند. (۲) همانا انسان در خسارت است. (۳) مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و استقامت سفارش می‌کنند. (۴)

الهزءة

به نام خداوند بخشندهی مهربان. (۱) وای بر هر عیب جوی طعنه زن. (۲) او خیال می‌کند که اموالش او را جاودان ساخته است. (۳) او خیال می‌کند که اموالش او را جاودان ساخته است. (۴) چنین نیست (که می‌پندارد) قطعاً او در (آتش) شکننده‌ای افکنده شود. (۵) و تو چه دانی که (آتش) خوردکننده چیست؟ (۶) آتش افروخته الهی، (۷) که بر دلها راه یابد. (۸) آن آتش بر آنان فرو بسته شده (و راه‌گیزی از آن نیست). (۹) در ستونهایی بلند و کشیده. (۱۰)

الفیل

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آیا ندیدی که پرودگارت با یاران فیل (کسانی که سوار فیل شده و برای انهدام مکه آمده بودند) چه کرد؟ (۲) آیا نیرنگشان را بی‌اثر نساخت؟ (۳) خداوند بر سر آنان پرندگان را فوج فوج فرستاد. (۴) که بر آنان سنگریزه‌هایی از گل سفت پرتاب کردند. (۵) پس آنان را مثل گاه خورد شده قرار داد. (۶)

قریش

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) برای الفت دادن قریش (به این سرزمین، سپاه فیل را نابود کردیم تا مقدمه‌ای برای ظهور اسلام باشد). (۲) الفت آنان در سفرهای زمستانی و تابستانی. (۳) پس (به شکرانه این نعمت) باید پرورگار این خانه را پرستش کنند. (۴) همان که آنان را از گرسنگی (و قحطی نجات داد و) سیرشان کرد و از ترس (دشمن) امانشان داد. (۵)

الماعون

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آیا کسی که قیامت را انکار می‌کند دیده‌ای؟ (۲) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. (۳) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. (۴) پس وای به حال نمازگزاران. (۵) آنان که از نمازشان غافلند. (۶) آنان که پیوسته ریا می‌کنند. (۷) و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) بازمی‌دارند. (۸)

الکوثر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. (۲) پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. (۳) همانا دشمن تو بی‌نسل و دم بریده است. (۴)

الکافرون

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) بگو: ای کافران! (۲) من نمی‌پرستم آنچه شما می‌پرستید. (۳) و نه شما می‌پرستید آنچه من می‌پرستم. (۴) و نه من می‌پرستم آنچه را شما پرستش کرده‌اید. (۵) و نه شما می‌پرستید آنچه را من می‌پرستم. (۶) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم. (۷)

النصر

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) هنگامی که نصرت الهی فرا رسید. (۲) مردم را دیدی که دسته دسته در دین خدا وارد می‌شوند. (۳) پس باید سپاسگزارانه پروردگارت را تنزیه کنی و از او آمرزش بخواه که او توبه‌پذیر است. (۴)

المسد

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) بریده باد دو دست ابولهب و نابود باد. (۲) نه دارائیش و نه آنچه بدست آورد، به حالش سودی نکرد. (۳) به زودی به آتشی شعله‌ور درآید. (۴) (همراه) زنش، آن هیزم‌کش (آتش افروز). (۵) (در حالی که) در گردنش ریسمانی از لیف خرما است. (۶)

الإخلاص

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) بگو: او خداوند یگانه است. (۲) خداوندی که مقصود همگان است. (۳) فرزند نیاورده و فرزند کسی نیست. (۴) و هیچ همتایی برای او نباشد. (۵)

الفلق

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم. (۲) از شرّ آفریده‌هایش. (۳) و از شرّ تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد. (۴) و از شرّ افسون‌گرانی که در گره‌ها می‌دمند. (۵) و از شرّ هر حسود آنگاه که حسد ورزد. (۶)

الناس

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) (ای پیامبر!) بگو: پناه می‌برم به پروردگار آدمیان. (۲) پادشاه آدمیان. (۳) معبود آدمیان. (۴) از شرّ وسوسه شیطان. (۵) آن که اندیشه بد در دل مردمان افکند. (۶) از جنس جن باشد یا انسان. (۷)